۱/۲۵۱۱/۳

درسنامه فقه

مطابق با فتاوای مراجع معظم تقلید

محمّدحسین فلّاح زاده

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

بسم الله الرحمن الرحیم

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درسنامه فقه

مطابق با فتاوای مراجع معظم تقلید

محمدحسین فلاح زاده

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

دانلود سوالات آزمون

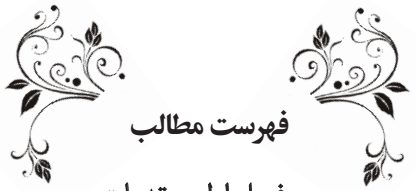

فهرست مطالب

فصل اول: مقدمات

پیشگفتار ۳۳

درس ۱: شناخت احکام ۴۵

گستره احکام شرعی ۴۵

مفاهیم و اصطلاحات ۴۶

فقه (احکام) ۴۶

اجتهاد ۴۶

فقیه ۴۶

مرجع تقلید ۴۶

عمل به احتیاط ۴۶

تقلید ۴۶

مکلّف ۴۷

فتوا ۴۷

احتیاط ۴۷

رساله (توضیح المسائل) ۴۷

درس ۲: اجتهاد و تقلید (۱) ۴۸

مقدمات اجتهاد ۴۹

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

شرایط مرجع تقلید..... ۵۰
راه‌های شناخت مرجع تقلید ۵۱

درس ۳: اجتهاد و تقلید (۲) ۵۳
بقای بر تقلید میت..... ۵۳
تغییر مرجع تقلید ۵۳
عمل به احتیاط ۵٤
تفاوت احتیاط واجب با احتیاط مستحب(در مقام تشخیص و در مقام عمل برای مکلّف) ..۵۵

درس ٤: اجرای احکام دین(۱)..... ۵۷
ضرورت تشکیل حکومت اسلامی ۵۷
رهبری در نظام اسلامی ۵۹

درس ۵: اجرای احکام دین (۲)..... ٦۱
ولایت فقیه ٦۱
اختیارات ولی فقیه ٦۲
تفاوت حکم با فتوا ٦٤
تعارض فتوا با حکم..... ٦۵

فصل دوم: عبادت

درس ٦: عبادت، طهارت ٦۹
عبادت و بندگی ٦۹
نماز..... ۷۰
مقدّمات نماز..... ۷۱
طهارت ۷۱
وضو..... ۷۱

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

وضوی ارتماسی ۷۵
وضوی کسی‌که دست یا پایش قطع شده ۷۶

درس ۷: وضو(۱) ۷۸
شرایط وضو ۷۸
۱ .شرایط آب و ظرف وضو ۷۸
۲ .شرایط اعضای وضو ۷۹
۳ .شرایط کیفیت وضو ۷۹
٤ .شرایط وضوگیرنده ۷۹
۵. شرایط آب وضو ۷۹
٦. شرایط اعضای وضو ۸۰
۷. شرایط کیفیت وضو ۸۱
۸. شرایط وضو گیرنده ۸۲

درس ۸: وضو(۲) ۸٤
وضوی جبیره‌ای ۸٤
شکیات وضو ۸٦
مبطلات وضو ۸۷
آداب وضو ۸۷
برخی از مستحبات وضو ۸۷
مکروهات وضو ۸۸

درس ۹: غُسل ۹۰
کیفیت غسل ۹۱
احکام غسل ۹۲
غسل جنابت ۹۳
کارهایی که بر جنب حرام است ۹۳

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۱۰: تیمّم ۹۵
موارد تیمّم ۹۵
کیفیت تیمّم ۹۷
شرایط صحّت تیمّم ۹۹
تیمّم کسی که دستش قطع شده ۹۹

درس ۱۱: نجاسات (۱) ۱۰۱
نجس و مُتنجّس ۱۰۱
نجاسات ۱۰۲
نجاسات ۱۰۲
ادرار و مدفوع ۱۰۲
انسان مرده ۱۰۳
حیوان مرده ۱۰۳

درس ۱۲: نجاسات (۲) ۱۰۶
خون ۱۰۶
شراب ۱۰۷
کافر ۱۰۸
چگونه چیز پاک نجس می‌شود؟ ۱۰۸

درس ۱۳: مُطهِّرات (۱) ۱۱۱
آب ۱۱۱
اقسام آب ۱۱۱
تقسیمی دیگر برای آب ۱۱۲
احکام آب مضاف ۱۱۳
احکام آب قلیل ۱۱۳
احکام آب کثیر، جاری، چاه و باران ۱۱۳

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

برخی از خصوصیات باران ۱۱٤
چگونگی تطهیر اشیای نجس با آب ۱۱٤
درس ۱٤: مُطهِّرات (۲) ۱۱٦
تطهیر ظرف نجس ۱۱٦
تطهیر آب نجس ۱۱٦
تطهیر زمین نجس ۱۱۷
تطهیر حبوبات ۱۱۷
زمین ۱۱۸
درس ۱۵: مُطهِّرات (۳) ۱۲۰
آفتاب ۱۲۰
شرایط مُطهِّر بودن آفتاب ۱۲۰
استحاله ۱۲۱
انتقال ۱۲۲
اسلام ۱۲۲
تبعیت ۱۲۲
برطرف شدن عین نجاست ۱۲۳
غایب شدن مسلمان ۱۲٤
احکام تخلّی (توالت رفتن) ۱۲٤
تطهیر مخرج بول و غائط ۱۲۵
درس ۱٦: نماز ۱۲۹
اقسام نماز ۱۲۹
وقت نماز ۱۳۰
قبله ۱۳۳
راه‌های تشخیص قبله ۱۳٤

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۱۷: لباس و مکان نمازگزار ۱۳۶
لباس نمازگزار ۱۳۶
مقدار پوشش در نماز ۱۳۶
شرایط لباس نمازگزار ۱۳۷
شرایط مکان نمازگزار ۱۳۹
احکام مکان نمازگزار ۱۳۹
نماز بر مکان متحرک ۱۴۱

درس ۱۸: احکام مسجد ۱۴۳
مسجد سازی ۱۴۳
تعمیر و توسعه مسجد ۱۴۵
لوازم مسجد ۱۴۵
استفاده غیرعبادی از مسجد ۱۴۶
نماز خواندن در مسجد ۱۴۶
نماز تحیت مسجد ۱۴۷
حفظ حرمت مسجد ۱۴۷

درس ۱۹: واجبات نماز (۱) ۱۴۸
تفاوت رُکن و غیر رُکن ۱۴۹
احکام واجبات نماز ۱۴۹
نیت ۱۴۹
قیام ۱۵۱

درس ۲۰: واجبات نماز (۲) ۱۵۳
تکبیرة الاحرام ۱۵۳
واجبات تکبیرةالاحرام ۱۵۳
قرائت ۱۵۴

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

احکام قرائت ۱۵۵
ذکر ۱۵۶
رکوع ۱۵۶
• ذکر رکوع ۱۵۷
• آرامش بدن در رکوع ۱۵۷
• ایستادن و آرامش بعد از رکوع ۱۵۷

درس ۲۱: واجبات نماز (۳) ۱۵۹

سجود ۱۵۹
واجبات سجده: ۱۵۹
بر زمین بودن هفت عضو: ۱۶۰
گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است: ۱۶۰
ذکر ۱۶۱
آرامش ۱۶۲
مساوی بودن مواضع سجده ۱۶۲

درس ۲۲: واجبات نماز (۴) ۱۶۴

وظیفه کسی که نمی‌تواند به طور معمول سجده کند ۱۶۴
سجده واجب قرآن ۱۶۴
تشهّد ۱۶۵
سلام ۱۶۶
ترتیب ۱۶۶
مُوالات ۱۶۷

درس ۲۳: آداب نماز ۱۶۸

آداب لباس نمازگزار ۱۶۸
آداب مکان نمازگزار ۱۶۸

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

اذان و اقامه ۱۶۹
بعضی از مستحبات قرائت ۱۷۰
قنوت ۱۷۱
برخی از مستحبات رکوع ۱۷۱
برخی از مستحبات سجده ۱۷۲
تعقیب نماز ۱۷۲
برخی از مکروهات نماز ۱۷۳

درس ۲۴: مُبطِلات نماز ۱۷۴
از بین رفتن یکی از شرطهای نماز؛ ۱۷۴
احکام مبطِلات نماز ۱۷۵
سخن گفتن ۱۷۵
خندیدن و گریستن ۱۷۶
رو از قبله برگرداندن ۱۷۶
برهم زدن صورت نماز ۱۷۷
دست‌ها را بر هم گذاشتن ۱۷۸
آمین گفتن ۱۷۸

درس ۲۵: شَکیات نماز (۱) ۱۷۹

شک در اجزای نماز **۱۸۰**
شک در رکعات ۱۸۱
چند قانون کلّی ۱۸۳

درس ۲۶: شکیات نماز (۲) ۱۸۵
شك‌هایی که نباید به آنها اعتنا کرد (غیر معتبر): ۱۸۵
شک بعد از سلام ۱۸۵
وظیفه کثیرالشك ۱۸۶

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

شک امام و مأموم ۱۸۶
شک در نماز مستحب ۱۸۷
شک در اصل نماز ۱۸۷
شک در بجای آوردن نماز ۱۸۷
شک در صحّت نماز ۱۸۷
حکم گمان در نماز ۱۸۷

درس ۲۷: شکیات نماز (۳) ۱۸۹
نماز احتیاط ۱۸۹
تفاوت نماز احتیاط با نمازهای دیگر ۱۸۹
سجده سهو ۱۹۰
موارد سجده سهو ۱۹۱
اجزای فراموش شده نماز ۱۹۱

درس ۲۸: نماز مسافر (۱) ۱۹۳
شرط اوّل ۱۹۴
شرط دوم ۱۹۵
شرط سوم ۱۹۵
حد ترخّص در پایان سفر ۱۹۶
شرط چهارم ۱۹۷

درس ۲۹: نماز مسافر (۲) ۱۹۸
شرط پنجم ۱۹۸
شرط ششم ۱۹۸
شرط هفتم ۱۹۹
شرط هشتم ۱۹۹
وطن ۲۰۰

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۳۰: نماز مسافر (۳) ۲۰۳
قصد ده روز ۲۰۳
بیرون رفتن از محل اقامت ۲۰٤
وظیفه مسافری که نمازش را تمام خوانده ۲۰۵
وظیفه غیر مسافری که نمازش را شکسته خوانده ۲۰۵
اماکن تخییر ۲۰٦

درس ۳۱: نماز قضا ۲۰۷
موارد نماز قضا ۲۰۷
احکام نماز قضا ۲۰۷
نماز قضای پدر و مادر ۲۰۹
نماز استیجاری ۲۱۰
شرایط اجیر ۲۱۰
وظایف اجیر ۲۱۱

درس ۳۲: نماز جماعت (۱) ۲۱۳
اهمیت نماز جماعت ۲۱٤
شرایط نماز جماعت ۲۱۵
شرایط امام جماعت ۲۱٦

درس ۳۳: نماز جماعت (۲) ۲۱۹
نمازها و حالت‌های مختلفی که جماعت صحیح است ۲۱۹
مواردی که نماز جماعت صحیح نیست ۲۲۰
اقتدا به امام جماعت ۲۲۱
اقتدا در رکوع ۲۲۲

درس ۳٤: نماز جماعت (۳) ۲۲٤
وظیفه مأموم در نماز جماعت ۲۲٤

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

چگونگی پیروی مأموم از امام جماعت ۲۲٤
احکام نماز جماعت ۲۲٦
برخی از آداب نماز جماعت ۲۲۷

درس ۳۵: نماز جمعه ۲۲۹
اهمیت نماز جمعه ۲۲۹
وقت نماز جمعه ۲۳۰
چگونگی نماز جمعه ۲۳۰
شرایط نماز جمعه ۲۳۱
وظیفه امام جمعه هنگام ایراد خطبه‌ها ۲۳۱
محتوای خطبه‌ها ۲۳۲
خطبه اوّل ۲۳۲
خطبه دوم ۲۳۲
ویژگی‌های امام جمعه ۲۳۳
وظیفه نمازگزاران جمعه ۲۳۳

درس ۳٦: نماز آیات، نماز بر میت ۲۳۵
نماز آیات ۲۳۵
اسباب وجوب نماز آیات ۲۳۵
چگونگی نماز آیات ۲۳٦
وقت نماز آیات ۲۳۷
احکام نماز آیات ۲۳۷
نماز بر میت ۲۳۸
شرایط نماز میت ۲۳۸
احکام و آداب نماز میت ۲۳۹
مستحبات نماز میت ۲٤۰

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۳۷: نمازهای مستحب ۲۴۲
نمازهای مستحب ۲۴۲
نماز شب ۲۴۳
نماز غُفیلَه ۲۴۴
نماز عید ۲۴۵
نماز جعفر طیار ۲۴۶
نماز طلب باران ۲۴۷
نماز حاجت ۲۴۹
احکام کلّی ۲۵۰

فصل سوم: روزه و اعتکاف

درس ۳۸: روزه ۲۵۳
تعریف روزه ۲۵۳
روزه‌های واجب ۲۵۴
روزه‌های حرام ۲۵۴
روزه‌های مستحب ۲۵۵
روزه‌های مکروه ۲۵۶
نیت روزه ۲۵۷

درس ۳۹: مبطلات روزه ۲۵۹
مبطلات روزه ۲۵۹
- خوردن و آشامیدن ۲۶۰
- رساندن غبار غلیظ به حلق ۲۶۱
- دروغ بستن به خدا و پیغمبر ۲۶۱
- فرو بردن تمام سر در آب ۲۶۲
- قی کردن ۲۶۳

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

- اِستِمنا ۲۶۳
- باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح ۲۶۳
- باقی ماندن بر حیض و نفاس ۲۶۴
- اماله کردن ۲۶۴

برخی از مکروهات روزه ۲۶۵

درس ۴۰: قضا و کفاره روزه ۲۶۶

روزه قضا ۲۶۶

کفاره روزه ۲۶۶

درس ۴۱: قضا و کفاره روزه و روزه مسافر ۲۷۱

احکام قضا و کفاره روزه ۲۷۱

در این موارد نه قضا واجب است و نه کفّاره ۲۷۲

روزه قضای پدر و مادر ۲۷۲

روزه مسافر ۲۷۳

راه‌های ثابت شدن اول ماه ۲۷۴

درس ۴۲: اعتکاف ۲۷۶

شرایط اعتکاف ۲۷۶

نیت اعتکاف ۲۷۷

مدّت اعتکاف ۲۷۷

زمان اعتکاف ۲۷۸

مکان اعتکاف ۲۷۸

خارج شدن از مسجد ۲۷۹

روزه اعتکاف ۲۸۰

اجازه اعتکاف ۲۸۱

محرّمات اعتکاف ۲۸۱

مبطِلات اعتکاف ۲۸۲

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

فصل چهارم: حج

درس ۴۳: حج (۱) ۲۸۵
شرایط وجوب حج ۲۸۶
نیابت در حج ۲۸۷
شرایط نایب ۲۸۷
اقسام حج ۲۸۷
اعمال عمره تمتع و سیر مکانی آن ۲۸۸
اعمال حج تمتّع و سیر مکانی آن ۲۸۸

درس ۴۴: حج (۲) ۲۹۰
توضیح اعمال عمره ۲۹۰
احرام ۲۹۰
طواف ۲۹۱
نماز طواف ۲۹۱
سعی ۲۹۲
تقصیر ۲۹۲
احرام حج ۲۹۲
وقوف در عرفات ۲۹۳
وقوف در مشعر الحرام (مُزدَلِفه) ۲۹۳

درس ۴۵: حج (۳) ۲۹۴
اعمال روز عید قربان ۲۹۴
رمی جمره عَقَبه ۲۹۴
قربانی ۲۹۵
حلق یا تقصیر ۲۹۵
بیتوته در مِنا ۲۹۵

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

رمی جَمرات ۲۹۵
طواف نساء و نماز آن ۲۹۶
مُحرَّمات احرام ۲۹۶
محرّمات مشترک بین زن و مرد: ۲۹۶
محرّمات ویژه مردان ۲۹۷
محرمات ویژه زنان ۲۹۷
اعمال عمره مفرده ۲۹۸

فصل پنجم: امر به معروف و نهی از منکر و جهاد

درس ٤٦: امر به معروف و نهی از منکر (۱) ۳۰۱
اهمیت امر به معروف و نهی از منکر ۳۰۱
تعریف معروف و منکر ۳۰۲
حکم امر به معروف و نهی از منکر ۳۰۲
شرایط امر به معروف و نهی از منکر ۳۰۲
مراتب امر به معروف و نهی از منکر ۳۰۳
احکام امر به معروف و نهی از منکر ۳۰٤
آداب امر به معروف و نهی از منکر ۳۰٦

درس ٤٧: امر به معروف و نهی از منکر (۲) ۳۰۷
معروف ها ۳۰۷
طلب علم ۳۰۷
مبارزه با بدعت ۳۰۸
توبه از گناه ۳۰۹
سلام کردن ۳۰۹
حفظ نظام اسلامی ۳۱۰
رعایت قوانین و مقررات ۳۱۱

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ٤٨: امر به معروف و نهی از منکر (۳) ۳۱۳
منکرها ۳۱۳
دروغ ۳۱۳
غیبت ۳۱٤
فحش و لعن ۳۱٤
استهزاء ۳۱٥
غَصب ۳۱٥
کمک به ستمکار ۳۱٦
رشوه ۳۱۷
مجسمه سازی ۳۱۷
قمار ۳۱۸
سقط جنین ۳۱۹

درس ٤۹: جهاد و دفاع ۳۲۱
اقسام جهاد ۳۲۱
اقسام دفاع ۳۲۱
آموزش فنون نظامی ۳۲۳
خدمت سربازی ۳۲۳
اجازه پدر برای رفتن به جبهه دفاع یا سربازی ۳۲٤
وظیفه بانوان ۳۲٤
فرار از جبهه ۳۲٥
غنایم جنگی ۳۲٥
اسیر و شهید ۳۲٥

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

فصل ششم: واجبات مالی

درس ۵۰: زکات(۱) ۳۲۹
اقسام زکات ۳۳۰
زکات اموال ۳۳۰
وظیفه کشاورزان و باغداران ۳۳۰
کسر مخارج ۳۳۱
وقت پرداخت زکات غلاّت ۳۳۲
مقدار زکات غلاّت ۳۳۳

درس ۵۱: زکات (۲) ۳۳۵
وظیفه دامداران ۳۳۵
توضیح شرایط ۳۳۵
الف. گذشت سال ۳۳۵
ب. بیکار بودن ۳۳۶
ج. بیابان‌چر بودن ۳۳۶
د. به نصاب رسیدن ۳۳۷
وظیفه سکه‌داران ۳۳۹

درس ۵۲: زکات فطره ۳۴۱
فطره میهمان ۳۴۲
احکام زکات فطره ۳۴۳
مصرف زکات ۳۴۴

درس ۵۳: خُمس (۱) ۳۴۷
موارد وجوب خمس ۳۴۸
● منفعت کسب ۳۴۸
● معدن ۳۵۱

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ٥٤: خمس(۲) ۳۵۳
- گنج ۳۵۳
نصاب گنج ۳۵۳
گنج و محل آن ۳۵۳
- مال حلال مخلوط به حرام ۳۵٤
- جواهری که با غوّاصی به دست آمده ۳۵۵
- غنیمت ۳۵۵
- زمینی که کافر ذمّی از مسلمانی بخرد ۳۵۵
پی آمدهای ندادن خمس ۳۵۵
مصرف خمس ۳۵٦
انفال ۳۵٦

درس ۵۵: کفّارات، مظالم عباد ۳۵۸
کفّارات ۳۵۸
اقسام کفاره ۳۵۸
احکام کفّارات ۳۵۹
مظالم عباد ۳٦۰

فصل هفتم: معاملات

درس ٥٦: خرید و فروش (۱) ۳٦۵
اقسام خرید و فروش ۳٦٦
خرید و فروش واجب ۳٦۷
خرید و فروش مستحب ۳٦۷
خرید و فروش حرام ۳٦۷
آداب خرید و فروش ۳٦۹
مستحبات ۳٦۹

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

مکروهات ۳۶۹
احکام خرید و فروش ۳۷۰
درس ۵۷: خرید و فروش (۲) ۳۷۲
احکام معامله نسیه ۳۷۳
شرایط معامله سَلَف (پیش فروش) ۳۷۳
احکام معامله سلف ۳۷۴
معامله ربوی ۳۷۴
احکام معامله ربوی ۳۷۵
درس ۵۸: خرید و فروش (۳) ۳۷۷
خیارات معامله ۳۷۷
احکام خیارات ۳۷۹
بیع شَرط ۳۸۱
درس ۵۹: خرید و فروش (۴) ۳۸۲
تجارت الکترونیکی ۳۸۲
بازاریابی شبکه‌ای ۳۸۲
شرکت ۳۸۳
احکام شرکت ۳۸۳
شُفعَه ۳۸۵
برخی از موارد شفعه: ۳۸۶
شماره ۳۸۶
نوع مال ۳۸۶
حکم ۳۸۶
اقاله ۳۸۶

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ٦٠: اجاره، جعاله و سرقفلی ۳۸۸
اجاره ۳۸۸
قرارداد اجاره ۳۸۸
شرایط مال مورد اجاره ۳۸۸
احکام اجاره ۳۸۹
سرقفلی ۳۹۰
جُعاله ۳۹۱
تفاوت اجاره با جُعاله ۳۹۱
اقسام جعاله ۳۹۲
درس ٦١: قرض، رَهن، حواله ۳۹۳
قَرض ۳۹۳
اقسام قرض ۳۹٤
احکام قرض ۳۹٤
قرض ربوی ۳۹٤
رهن ۳۹٥
رهن و اجاره ۳۹٦
حواله ۳۹۷
درس ٦٢: ضمانت، وکالت، حجر ۳۹۸
ضمان ۳۹۸
شرایط ضمان ۳۹۸
احکام ضمان ۳۹۹
وکالت ۳۹۹
شرایط وکالت ۳۹۹
احکام وکالت ٤۰۰
حَجْر ٤۰۱

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ٦٣: ودیعه، عاریه و لقطه ٤٠٣
ودیعه (امانت) ٤٠٣
وظایف امانتدار ٤٠٣
عاریه ٤٠٤
لُقطه (اشیای پیدا شده) ٤٠٥
چگونگی اعلام ٤٠٦
درس ٦٤: مُضاربه، مزارعه، مساقات ٤٠٨
مضاربه ٤٠٨
شرایط مضاربه ٤٠٨
احکام مضاربه ٤٠٩
ضمان عامل و عدم آن ٤١٠
مزارعه ٤١٠
شرایط مزارعه ٤١١
احکام مزارعه ٤١١
مُساقات ٤١٢
شرایط مساقات ٤١٢
درس ٦٥: صلح، هبه، صدقه ٤١٤
صُلح ٤١٤
هِبه ٤١٥
صدقه ٤١٦
احکام صَدقه ٤١٦
درس ٦٦: وَقف ٤١٨
وقف ٤١٨
اقسام وقف ٤١٨

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

شرایط وقف ٤١٩
احکام وقف ٤٢٠
متولّی وقف ٤٢٠
فروش مال وقفی ٤٢١

درس ٦٧: وصیت ٤٢٤
وصیت ٤٢٤
چگونگی وصیت ٤٢٤
متن وصیت‌نامه ٤٢٥
وصیت مالی ٤٢٥
احکام وصیت ٤٢٦
وصّی میت ٤٢٧
قیم ٤٢٧

درس ٦٨: نَذر، عهد، قسم ٤٢٩
نَذر ٤٢٩
کفّاره تخلّف نذر ٤٣١
عهد ٤٣١
قَسم ٤٣٢

درس ٦٩: بانک و بورس ٤٣٤
بانک ٤٣٤
سپرده‌گذاری در بانک ٤٣٥
وام بانکی ٤٣٦
کارمزد ٤٣٦
دریافت تسهیلات بانکی ٤٣٧
چک ٤٣٧

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

سفته ٤٣٨
پول ٤٣٨
بورس ٤٣٩
تعریف بورس ٤٣٩
اوراق قرضه ٤٤٠

فصل هشتم: روابط اجتماعی

درس ۷۰: ارتباط با همنوعان (۱) ٤٤٣
حقوق والدین ٤٤٤
حقوق فرزندان ٤٤٥
عقیقه ٤٤٦
حقوق همسر ٤٤٧
حقوق شوهر بر زن ٤٤٧

درس ۷۱: ارتباط با همنوعان (۲) ٤٤٩
ارتباط با ارحام ٤٤٩
مَحرم و نامحرم ٤٥٠
محارم نسبی ٤٥٠
محارم پسرها و مردها ٤٥٠
محارم دخترها و زنان ٤٥١
محارم سببی ٤٥١
محارم رضاعی ٤٥٢

درس ۷۲: ارتباط با همنوعان(۳) ٤٥٥
ارتباط با نامحرم ٤٥٥
ارتباط ذهنی با نامحرم ٤٥٦
ارتباط نوشتاری وگفتاری ٤٥٦

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

ارتباط دیداری ٤٥٦
احکام پوشش (حجاب) ٤٥٩
شرایط پوشش ٤٥٩
حقوق همسایگان ٤٦١
حقوق میهمان ٤٦٢
درس ۷۳: آداب زندگی (۱) ٤٦٤
آداب فردی ٤٦٤
آداب لباس ٤٦٤
آداب انگشتری ٤٦٥
آداب کفش ٤٦٥
آداب مسکن ٤٦٦
استراحت و خواب ٤٦٧
آداب نظافت ٤٦٧
آداب دعا ٤٦٧
درس ۷٤: آداب زندگی (۲) ٤٦٩
آداب اجتماعی ٤٦٩
آداب معاشرت ٤٦٩
آداب مُجالست ٤٧٠
آداب سفر و زیارت ٤٧١
مجالس شادی و عزاداری ٤٧٢
غنا و موسیقی ٤٧٣
عزاداری ٤٧٤

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

فصل نهم: خوردنی‌ها و آشامیدنی ها

درس ۷۵: خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها ۴۸۱
احکام خوراکی‌ها ۴۸۲
غذاهای گیاهی ۴۸۲
غذاهای حیوانی ۴۸۲
غذاهای تولیدی کشورهای غیر اسلامی ۴۸۵
حرام خوری ۴۸۶
درس ۷۶: ذبح و شکار حیوانات ۴۸۸
شرایط ذبح ۴۸۸
شرایط ذبح حیوان ۴۸۸
شکار با اسلحه ۴۸۹
شکار با سگ شکاری ۴۹۰
صید ماهی ۴۹۱
آداب غذا خوردن ۴۹۱
آداب آب نوشیدن ۴۹۲

فصل دهم: نکاح و طلاق

درس ۷۷: نکاح ۴۹۷
لزوم ازدواج ۴۹۸
عقد ازدواج ۴۹۸
دستور خواندن عقد دائم ۴۹۸
دستور خواندن عقد غیر دائم ۴۹۹
مهریه ۴۹۹
ازدواج حرام ۵۰۰
عده‌ای از زنان که ازدواج با آنها حرام است ۵۰۱

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۷۸: طلاق ۵۰۵
تعریف طلاق ۵۰۵
اختیار طلاق ۵۰۵
شرایط طلاق ۵۰۶
اقسام طلاق ۵۰۷
عِدّه طلاق ۵۰۷
عدّه وفات ۵۰۸
عدّه انقضای عقد موقت ۵۰۹

فصل یازدهم: قضاوت و شهادت

درس ۷۹: قضاوت و شهادت ۵۱۳
قضاوت ۵۱۳
شرایط قاضی ۵۱۳
وظایف قاضی ۵۱۵
شرایط مُدّعی ۵۱۵
شرایط مُدّعی علیه ۵۱۶
شرایط دعوا و مدّعی‌به ۵۱۶
راه‌های ثبوت حق یا جرم ۵۱۶

فصل دوازدهم : حدود، قصاص، دیات و تعزیرات

درس ۸۰: حدود و تعزیرات ۵۲۱
حدود ۵۲۱
حدّ برخی از گناهان ۵۲۲
تعزیرات ۵۲۳
فرق حدّ و تعزیر ۵۲۴

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۸۱: قصاص و دیات ۵۲۵
قصاص ۵۲۵
شرایط قصاص نفس ۵۲۵
چگونگی قصاص نفس ۵۲۶
شرایط قصاص عضو ۵۲۶
دیات ۵۲۸
موجبات دیه ۵۲۸
دیهٔ قتل ۵۲۸
دیهٔ سقط جنین ۵۲۹
دیهٔ اعضا ۵۳۰

فصل سیزدهم : احکام اموات

درس ۸۲: احکام اموات (۱) ۵۳۵
احکام محتضر ۵۳۵
وظیفهٔ دیگران در برابر مُحتضر ۵۳۵
مستحبات ۵۳۵
مکروهات ۵۳۶
مستحبات پس از مرگ ۵۳۶
واجبات پس از مرگ ۵۳۷
غسل میّت ۵۳۷
غسل مسّ میت ۵۴۰
کیفیت تیمم دادن میت ۵۴۰
حَنوط ۵۴۱
کفن میّت ۵۴۱
نماز میّت ۵۴۲

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۸۳: احکام اموات (۲) ۵۴۳
تشییع جنازه و آداب آن ۵۴۳
مستحبات ۵۴۳
مکروهات ۵۴۴
وظایف صاحبان عزا ۵۴۴
کیفیّت دفن میّت ۵۴۵
آداب دفن ۵۴۶
احکام شهید ۵۴۸
مخارج کفن و دفن ۵۴۸
نبش قبر ۵۴۹
درس ۸۴: ارث ۵۵۱
مصارف تَرکه (اموال) میت ۵۵۱
طبقات ارث ۵۵۲
سهام ورثه ۵۵۳
انواع سهم ۵۵۳
توارث همسران ۵۵۴
ارث گروه اول ۵۵۴

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

پیشگفتار

«بسم الله الرحمن الرحیم»

﴿فَلَوْلاَ نَفَرَ مِن كُـلِّ فِرْقَـةٍ مِنْهُمْ طَـآئِفَـةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنْذِرُواْ قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾[1]

یکی از درس‌های زنده و اساسی مدارس علوم دینی، علم فِقه بوده و هست و فقیهان، از ارزشمندترین دانشمندان علوم اسلامی به شمار می‌روند و نام آنها همیشه بر تارک تاریخ حوزه‌های علمیه می‌درخشد و به گفته امام خمینی ﷺ:

«صدها سال که روحانیّت اسلام تکیه‌گاه محرومان بوده است، همیشه مستضعفان از کوثر زلال معرفت فقهای بزرگوار سیراب شده‌اند».[2]

حوزه‌های علمیه و فقهای بزرگوار اسلام، در طول تاریخ برای حفظ فقاهت اسلامی و دفاع از شریعت مقدس، تلخی‌ها و سختی‌های بسیار به جان خریده‌اند. چه بسیار کتاب‌ها که در وضعیت تقیّه و یا گوشه زندان نگاشته شده،[3] و چه بسیار کتابخانه‌ها که حاصل صدها سال رنج و تلاش آنان بوده، به تاراج رفته، یا در آتش خشم و کینه دشمنان سوخته است.[4] و بالاتر از همه چه بسیار بزرگانی که در راه آرمان و حفظ دین خدا سر و جان دادند و خون سرخشان، اوراق کتاب فقاهت را رنگین کرد و گاه اجسادشان را سوزاندند و خاکسترشان را به

---

۱ ـ سوره توبه، آیه ۱۲۲.

۲ ـ صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۸۹.

۳ ـ مانند کتاب «اللّمعة الدمشقیّه» تألیف فقیه نامدار، محمد بن مکی العاملی، معروف به «شهید اوّل».

٤ ـ مانند کتابخانه شیخ طوسی در بغداد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

باد دادند![1] امّا آنان با همه این مشکلات و سختی‌ها، هرگز از پای ننشستند و دست از تلاش نکشیدند و مسائل فقهی را پس از استنباط از منابع آن، همچون گوهر گرانبهایی حفظ کردند و به نسل‌های بعد ازخود انتقال دادند. و همواره با تلاش فراوان و دقت بی نظیر، با کشف فروع مختلف فقهی و تبویب آنها و تطبیق بر عناوین و مصادیق آن، همیشه رهگشای امت اسلامی بوده و هستند.[2]

گفتنی است در صحنه نگارش و آموزش در حوزه‌های علوم دینی، برای رشته‌های مختلف علمی از جمله «فقه» کتاب‌های ویژه‌ای برای سطوح مختلف آموزشی به رشته تحریر درآمده است.

آموزش فقه در حوزه‌های علمیه به سه مرحله تقسیم می‌شود و در هر مرحله کتاب‌هایی برای تدریس یا مطالعه نگاشته شده است:

- فقه غیراستدلالی؛ مانند: «رساله توضیح المسائل» و «تحریر الوسیله» و«العروة الوثقی».[3]
- فقه نیمه استدلالی؛ مانند: «الروضة البَهیّه»[4] معروف به شرح لمعه و «شرایع الاسلام».[5]
- فقه استدلالی؛ مانند: «جواهرالکلام»[6] و «الحدائق الناضره».[7]

---

۱ ـ همچون شمس‌الدین محمد بن جمال‌الدین، معروف به شهید اوّل.

۲ . در پایان این مقدّمه، فهرست کوتاهی از نام و مشخصات و آثار فقهای شیعه، از آغاز عصر غیبت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تا زمان امام خمینی قدس‌سره آمده است.

۳ ــ کتابی است در فقه که بخش عمده مسائل فقهی را دربردارد و در حدّ خود، از نظر برخورداری از فروع مسائل، کم‌نظیر است. تألیف فقیه بزرگوار سید محمد کاظم یزدی.

٤ ـ کتابی در فقه، تألیف دانشمند گرانقدر، زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی معروف به «شهید ثانی». این کتاب شرحی است بر کتاب «اللّمعة الدمشقیّه» تألیف شمس‌الدین محمد بن مکی معروف به «شهید اول».

۵ ـ کتابی در فقه، تألیف علامه محقق، جعفربن حسن بن یحیی بن سعید معروف به «محقق حلّی». نویسنده در این کتاب، تنظیم جدیدی برای مسائل فقه پدید آورده و سال‌ها از متون درسی حوزه علمیه بوده است.

٦ . دائرة المعارف بزرگ فقه شیعه، تألیف فقیه سخت‌کوش، شیخ محمد حسن نجفی؛ این کتاب از مآخذ و منابع فقه شیعه است.

۷ . تألیف محدث ارزشمند و فقیه گرانمایه، شیخ یوسف بحرانی، که یکی از کتاب‌های تفصیلی فقه شیعه است.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

آنچه پیش روی دارید مرحلهٔ اول فقه آموزی است که با هدف آموزش به طلاب جدیدالورود به حوزه های علمیه نگاشته شده است و چندین سال در حوزه های علمیه تدریس شده و در این مدت پیشنهادهایی اصلاحی و تکمیلی از سوی اساتید معزز به دست رسید و در نهایت به دستور شورای عالی حوزه علمیه تغییر، حذف، اضافات و اصلاحاتی در آن صورت گرفت که به شکل موجود تقدیم می شود ولی هرگزآن را خالی از نقص نمی دانیم و نظرات اساتیدمحترم را بر دیده می نهیم.

یادآوری چند نکته:

۱. متن این کتاب مطابق با فتاوای بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت آیه‌الله العظمی امام خمینی ﷺ است و کتاب هایی که در تدوین این نوشته استفاده بیشتری از آنها شده است، عبارتند از:

- تحریر الوسیله .دار الانوار.
- توضیح المسائل .بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- استفتاآت .دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- العروة الوثقی .المکتبة العلمیة الاسلامیة.

۲. در متن این کتاب، مسائلی که تفاوت فتوایی در آنها به حدّی است که مقلدان سایرمراجع نمی توانند به آن فتوا عمل کنند، با علامت «□» مشخص شده است تا آن عزیزان برای شناخت نظرمرجع تقلید خود بتوانند به رساله وی مراجعه کنند، یا اساتید محترم در صورت صلاحدید، به موارد اختلاف اشاره نمایند. گفتنی است که همه اختلاف فتواها به گونه‌ای نیست که اگر مقلّد به مسائل متن عمل کند، خلاف فتوای مرجع تقلیدش عمل کرده، یا واجب را ترك شده باشد؛ مثلاً اگر مسأله‌ای که در متن آمده، فتوا باشد و مرجع تقلید کسی در همان مسأله، احتیاط واجب داشته باشد، اگر مقلد به آن فتوا عمل کند، به همان احتیاط نیز عمل کرده است ومشکلی پیش نمی‌آید.

۳. این کتاب جنبه آموزشی دارد و توسط استادان محترم تدریس می شود و شاگردان نزدمعلم خود، آن را می آموزند، گرچه در شیوه نگارش تلاش ما بر این بوده که مطالعه آن نیز مفیدباشد و مسائل شرعی را به مطالعه کنندگان بیاموزد.

٤. برای اطمینان بیشتر و مراجعه به منابع اصلی ـ در صورت نیاز ـ مآخذ مسائل در پایان

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

هرصفحه آمده است.

۵.کتاب حاضـر، قبل از چاپ، چند دوره تدریس شـده و نواقص آن ـ در حدّ توان ـ برطرف گردیده اسـت و افزون بر این، چند تن از دوسـتان فاضـل حوزه، عنایت فرموده و بخش‌هایی از آن‌را مطالعه کرده و رهنمودهایی ارائه داده‌اند، که در اینجا از همه آن عزیزان تشکر می‌شود.

٦.جهت اختصار در مطالب، علائم زیر به کار رفته است:

ج = جلد ص = صفحه م = مسأله س = سؤال

سخنی با استادان محترم

۱. محتوای هر درس ـ با اسـتفاده از تجربه چندین سـاله ـ برای یك سـاعت تدریس، تنظیم شده، که همراه با توضیحات استاد، این مقدار از زمان را دربرخواهد گرفت، ولی در چند درس از این کتاب، چون مطالب یك بحث ناقص می‌ماند، حجم بیشتری پیدا کرده و ممکن است وقت بیشتری بطلبد؛ که در صورت تمام نشدن مطالب، در یك جلسه، باقیمانده آن در جلسه بعد تدریس خواهد شد و در چند درس دیگر؛ از آنجا که یك بخش ازمسائل، تمام شده و درس بعد، از ابتدای بحث جدید آغاز می شـود، حجم کمتری دارد که باید فرصـت باقیمانده را از درس بعد استفاده کرد.

۲.برای تدریس این کتاب، هرگز نباید به مطالعه مطالب آن اکتفا شـود، بلکه بجاسـت اسـتادان محترم، قبل از تدریس، علاوه بر مطالعه دقیق هر بحث، فروع مسـائل و پاسـخ پرسش‌هایی که ممکن است از سوی شاگردان مطرح شود، مورد ملاحظه قرار داده و با آمادگی کامل در کلاس حاضر شوند.

۳. اسـتادان محترم در اوّلین جلسـات درس از شـاگردان خود بخواهنـد کـه نـام مرجع تقلیدشـان را نوشـته و تحویل دهند تا بتوانند قبل از حضـور در کلاس مسـایلی را که با علامت مشخص شده با مراجعه به منابع فقهی، نظر مقلَّد شاگردان را به دست آورده و در ضمن درس یادآوری کنند، یا آنها را به رساله مرجعشان ارجاع دهند.

٤.در این نوشـته سـعی شـده اسـت بدون آن که حکم شـرعی تغییر یابد، از لغات سـاده وعبارت‌هایی روان و قابل فهم استفاده شود، گرچه از آشنا کردن دانش‌پژوهان با اصطلاحات فقهی هم غافل نبودیم، لذا استادان محترم اصل ساده‌گویی را فراموش نکرده، و از به کار گرفتن

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

اصطلاحات و لغات دشواری که ضرورتی ندارد و فهم مطالب را دشوار می‌سازد بپرهیزند.

۵. یکی از اصول مهم تدریس احکام، بیان مثال و تطبیق حکم بر مصادیق آن است. آنچه مردم با آن سر و کار دارند نمونه های عینی و عملی مسائل شرعی است. بنابراین، اگر برای هرمسأله، یك یا دو مثال آورده شود، به فهم مطالب کمك می‌کند و کاربردی بودن احکام شرعی معلوم می‌شود و علاقه شاگردان به فراگیری احکام بیشتر می‌شود در متن کتاب نیز برای بسیاری از مسائل، مثال آورده شده است و مثال، باید این شرایط را داشته باشد:

* متناسب با حکم.
* متناسب با فهم افراد.
* متناسب با شغل و موقعیت اجتماعی آنان.
* مورد نیاز مخاطبین.
* طولانی نشود؛ یعنی خلاصه و به اندازه نیاز باشد.
* زشت و مستهجن نباشد.
* تأثیر سوء نداشته باشد.

٦. اساتید محترم سعی کنند، خلاصه مطالب را بر تابلو بنویسند، این نیز در فراگیری افراد بسیار مؤثر خواهد بود.

۷. کسانی که توانایی نقاشی دارند، در آموزش برخی از مسائل احکام می توانند از این هنر بهره بگیرند.

۸. استاد، برخی از مسائل احکام را باید پس از توضیح، در عمل نمایش دهد تا شاگردان به خوبی آن را فراگیرند؛ مانند وضو، وضوی جبیره، تیمم، نماز آیات و... و در این برنامه می توان از شاگردان نیز کمك گرفت.

۹. برای هر درس، چند پرسش نوشته شده که بیشتر آنها از مصادیق و نمونه های احکام است که استادان محترم جواب آنها را از شاگردان بخواهند و آنها را در یافتن پاسخ‌ها به ویژه سؤال‌هایی که شاگردان را به کتب مفصل فقهی ارجاع می‌دهد، یاری دهند.

۱۰. استادان محترم بخشی از وقت را به پاسخگویی پرسش‌های حاضران اختصاص دهند.

۱۱. پاسخگویی به پرسش‌های حاضران را می‌توان به دو شیوه شفاهی یا کتبی انجام داد و

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

در فرض اوّل، می‌توان در ضمن درس، یا پایان هر درس، یا یك بحث به پرسش‌ها پاسخ داد و در فرض دوم که سؤال‌ها نوشته می‌شود و جمع‌آوری می‌گردد، در پایان هر درس یا در جلسه بعد، به آنهاپاسخ داده خواهد شد.

۱۲. در برخی از درس‌ها، قسمتی از مطالب «برای مطالعه» می‌باشد، که اساتید محترم درصورت کمبود وقت برای تدریس، می‌توانند شاگردان را به مطالعه آنها راهنمایی کنند.

در پایان، بار دیگر از تمامی برادرانی که با مطالعه این کتاب رهنمودهایی داده‌اند تشکر کرده و خدای را بر این توفیق سپاس می‌گویم و از نظرات و پیشنهادهای سازنده عزیزان استقبال می‌کنم.[۱]

«ربّنا تَقَبَّل مِنّا اِنَّك اَنْتَ السَّمیعُ العَلیم»

حوزه علمیه قم ـ محمد حسین فلاح‌زاده

تابستان ۱۳۹۵، هـ. ش.

۱. مایه سپاس است اگر نظریات خود را به نشانی: قم ـ صندوق پستی ۳۶۹۸ ـ ۳۷۱۸۵ یا پست الکترونیک amoozeshfgh@chmail.ir بفرستید.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

فهرست فقیهان معروف شیعه

شماره	نام فقیه	لقب	وفات(هق)	تولد	کتاب فقهی مشهور
۱	علی بن بابویه	صدوق اول	۳۲۹	قم	الفقه الرضوی
۲	حسن بن علی بن عقیل	ابن‌عقیل عمانی	۳۲۹	عمان	اَلْمُتَمَسِّك بحبل آل‌الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم
۳	محمد بن علی بن بابویه	شیخ صدوق	۳۸۱	قم	المقنع، من لایحضره الفقیه
۴	محمد بن احمد بن جُنَید اِسکافی	ابن جنید	۳۸۱	اسکاف (عراق)	تهذیب الشیعة لأحکام الشریعة
۵	محمد بن محمد بن نُعمان	شیخ مفید	۴۱۳	بغداد	المُقنعة
۶	علی بن حسین بن موسی	سید مرتضی	۴۳۶	بغداد	الانتصار
۷	شیخ تقی بن نجم‌الدین بن عبیدالله حلبی	ابوالصلاح حلبی	۴۴۷	حلب	الکافی
۸	ابو جعفر محمد بن حسن طوسی	شیخ‌الطائفة شیخ طوسی	۴۶۰	طوس	النهایة، المبسوط، الخلاف
۹	حمزة بن عبدالعزیز دیلمی	سَلّار دیلمی	۴۶۳	طبرستان (مازندران)	المراسم
۱۰	شیخ ابوالقاسم عبدالعزیز بن بَرّاج	ابن براج	۴۸۱	مصر	المهذّب البارع
۱۱	حمزة بن علی بن زهره	ابوالمکارم ابن زهره	۵۸۵	حلب	الغُنیَة
۱۲	محمد بن علی بن حمزه	ابن حمزه	۵۸۵	طوس	الوسیلة
۱۳	محمد بن اِدریس حِلّی	ابن ادریس	۵۹۸	حِلّه	سرائر
۱۴	جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید حلّی	محقق حلی	۶۷۶	حلّه	شرائع الاسلام، المختصر النافع
۱۵	حسن بن یوسف بن علی بن مُطَهَّر حلّی	علامه حلی	۷۲۶	حله	قواعدالاحکام، تذکرةالفقهاء، مختلف الشیعة، نهایة الاحکام
۱۶	محمد بن حسن بن یوسف حلّی	فخرالمحققین	۷۷۱	حله	ایضاح الفوائد، اللمعة الدمشقیّة

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۱۷	شمس‌الدین محمد بن جمال‌الدین	شهید اول	۷۸۶	جزین لبنان	الدروس الشرعیة، ذِکریٰ الشیعة
۱۸	مقداد بن عبدالله بن محمد سیُوری حلی	فاضل مقداد	۸۲۶	حله	کنزالعرفان، التنقیح‌الرائع
۱۹	ابوالعباس احمد بن فَهْد حلی	ابن فهد	۸۴۱	حله	التحریر، المهذب البارع فی شرح المختصر النافع
۲۰	علی بن حسین بن عبدالعالی کَرَکی	محقق ثانی محقق کرکی	۹۴۰	کرک لبنان	جامع المقاصد
۲۱	زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی	شهید ثانی	۹۶۶	لبنان	الروضة البهیّة (شرح لمعه)، مسالک‌الافهام
۲۲	احمد بن محمد اردبیلی	مقدس اردبیلی، محقق اردبیلی	۹۹۳	اردبیل	مجمع‌الفائدة و البرهان
۲۳	شیخ بهاءالدین محمد عاملی	شیخ بهایی	۱۰۳۰	لبنان	جامع عباسی، حبل المتین فی احکام‌الدین
۲۴	ملامحمد باقر سبزواری	محقق سبزواری	۱۰۹۰	سبزوار	کفایة الفقه، ذخیرةالمعاد
۲۵	محسن بن مرتضی	فیض کاشانی	۱۰۹۱	کاشان	مفاتیح‌الشرایع
۲۶	حسین بن جمال‌الدین محمد خوانساری	محقق خوانساری	۱۰۹۸	خوانسار	مشارق الشموس فی شرح الدروس
۲۷	جمال‌الدین محمد بن حسین خوانساری	آقا جمال خوانساری	۱۱۲۵	خوانسار	حاشیهٔ شرح لمعه
۲۸	محمد بن حسین بن محمد اصفهانی	فاضل هندی	۱۱۳۵	اصفهان	کشف اللثام
۲۹	یوسف بن احمد بن ابراهیم بحرانی	صاحب حدائق	۱۱۸۶	بحرین	الحدائق الناضرة
۳۰	محمد باقر بن محمد بهبهانی	وحید	۱۲۰۵	بهبهان	شرح مفاتیح‌الشرایع

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۳۱	محمد مهدی بن ابی‌ذر نراقی	نراقی اول	۱۲۰۹	نراق‌کاشان	معتمد الشیعة
۳۲	سید محمد مهدی بحرالعلوم	بحرالعلوم	۱۲۱۲	کربلا	الدّرة النجفیّة، المصابیح
۳۳	سید محمدجواد عاملی	صاحب مفتاح‌الکرامه	۱۲۲۶	نجف	مفتاح‌الکرامه
۳۴	شیخ جعفر کاشف‌الغِطاء	کاشف‌الغطاء	۱۲۲۸	نجف	کشف الغطاء
۳۵	ابوالقاسم بن محمد حسن گیلانی	میرزای قمی	۱۲۳۱	گیلان	جامع الشتات
۳۶	احمد بن محمد نراقی	نراقی دوم	۱۲۴۴	نراق کاشان	مستند الشیعة
۳۷	شیخ محمد حسن نجفی	صاحب جواهر	۱۲۶۶	نجف	جواهرالکلام
۳۸	شیخ مرتضی انصاری	شیخ اعظم	۱۲۸۱	دزفول	المکاسب، الطهارة، الصلاة
۳۹	حاج میرزا محمد حسن شیرازی	میرزای شیرازی (اول)	۱۳۱۲	شیراز	حاشیه بر نجات‌العباد
۴۰	میرزا حبیب‌اللّه بن میراز محمدعلی خان گیلانی	محقق رشتی	۱۳۱۲	املش	الطهارة، الحاشیة علی المکاسب، کتاب الزکاة، کتاب الاجارة
۴۱	سید محمد کاظم طباطبایی	فقیه یزدی	۱۳۲۸	یـزد	العروة الوثقی، حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری
۴۲	ملامحمد کاظم خراسانی	آخوند خراسانی	۱۳۲۹	مشهد	حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری
۴۳	میرزا محمد تقی شیرازی	میرزای شیرازی دوم	۱۳۳۸	شیراز	حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری، صلاةالجمعه
۴۴	میرزا فتح‌الله بن محمد نمازی شیرازی	شیخ‌الشریعه اصفهانی	۱۳۳۹	اصفهان	افاضة القدیر
۴۵	ملا حبیب‌اللّه بن ملاقلی مدد ساوجی	ملا حبیب‌اللّه شریف کاشانی	۱۳۴۰	کاشان	منتقد المنافع، منظومهٔ مغانم المجتهدین
۴۶	میرزا محمّد حسین نائینی	میرزای نایینی	۱۳۵۵	نایین	حاشیه بر عروة

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

۴۷	شیخ عبدالکریم حائری یزدی	حاج شیخ مؤسس	۱۳۵۵	مِیبُد	کتاب الصلاة
۴۸	محمدحسین بن محمدحسن نخجوانی	محمدحسین غروی اصفهانی	۱۳۶۱	اصفهان	بحوث فی الفقه، حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری
۴۹	سید ابوالحسن اصفهانی	محقق اصفهانی	۱۳۶۵	اصفهان	وسیلةالنجاة
۵۰	سید حسین طباطبایی بروجردی	آیةالله‌بروجردی	۱۳۸۰	بروجرد	حاشیه بر نهایةالاحکام، حاشیه بر عروه
۵۱	سید محسن حکیم	آیةالله حکیم	۱۳۹۰	بنت‌جبیل لبنان	منهاج الصالحین، مستمسک العروة الوثقی
۵۲	سید روح‌الله موسوی خمینی	امام خمینی بنیانگذار جمهوری‌اسلامی	۱۴۰۹	خمین	تحریرالوسیلة، کتاب البیع، المکاسب المحرّمة
۵۳	شهاب‌الدین بن شمس‌الدین محمود مرعشی	آیةاللّه نجفی مرعشی	۱۴۱۱	طبرستان	نخبةالاحکام، سبیل‌النجاة
۵۴	سید ابوالقاسم بن سید علی‌اکبر خویی	آیةاللّه خویی	۱۴۱۳	خوی	تکمله منهاج الصالحین و مبانی آن، حاشیه بر العروة الوثقی
۵۵	محمدرضا بن محمدباقر گلپایگانی	آیةاللّه گلپایگانی	۱۴۱۴	گلپایگان	حاشیه بر العروة الوثقی، حاشیه بر وسیلة النجاة، کتاب الطهارة
۵۶	محمد علی بن احمد فراهانی	آیةاللّه اراکی	۱۴۱۵	اراک	شرح العروة الوثقی، المکاسب المحرّمه، النکاح و الطلاق

شایان ذکر است که، دانشمندان علوم دینی و فقهای بزرگوار تشیع، منحصر به این تعداد نیستند، بلکه در این مختصر، تنها فقیهان مشهور آمده است. شیعه در چند دههٔ گذشته شاهد فقیهان نامداری بوده که هر کدام خدمات و تألیفات ارزشمندی بر جای گذاشته‌اند. اکنون نیز در حوزه‌های علمیه، عالمان دین‌شناس و فقیهان بسیاری وجود دارند که رسالت انبیایی حراست از مکتب را بر دوش گرفته‌اند و علوم اهل‌بیت علیهم‌السلام را به نسل حاضر منتقل می‌کنند.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

فصل اول

مقدمات

- شناخت احکام
- اجتهاد و تقلید
- حکم و فتوا

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۱

شناخت احکام

(... لِكُلٍّ جَعَلْنا مِنْكُمْ شِرْعَةً و مِنهاجاً)[۱]

«... برای هریک ازشما [امت‌ها] شریعت وراه روشنی قراردادیم».

گستره احکام شرعی

مجموعه برنامه‌های اسلام که وظیفه انسان‌ها را در رابطه اعمال آنها مشخص می‌کند **احکام** نام دارد و مشتمل بر «بایدها» و «نبایدها»یی است که با انجام دادن و ترک آنها (همراه با اعتقاد صحیح) اطاعت الهی تحقّق می‌یابد؛ مانند خواندن نماز، پرداخت زکات و پرهیز از غیبت و سرقت.

بنابراین تمام اعمال انسان‌ها فردی و یا گروهی، از آغاز زندگی تا پایان، دارای حکمی است که مجموعه اینها احکام شرعی یا دینی یا فقهی نامیده می‌شود.

امام خمینی ﷺ درباره گستره و اهمیت فقه چنین می‌فرمایند:

«فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان و جامعه از گهواره تا گور است».[۲]

۱- مائده: ٤٨.

۲. صحیفه امام خمینی ﷺ، جلد ۲۱، صفحه ۲۸۹.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

مفاهیم و اصطلاحات

فقه (احکام)

علم به احکام شرعی را فقه گویند، بنابراین، دانشی که از احکام شرعی سخن می‌گوید و آنها را بیان می‌کند «فقه» نام دارد.

اجتهاد

اجتهاد در لغت به معنای کوشش و تلاش کردن است. و در اصطلاح فقه عبارت است از استنباط و استخراج مسائل شرعی از منابع مربوط به آن.

فقیه

به کسی که توانایی عملی او در حدّی است که می‌تواند احکام شرعی (فقه) را از منابع آن استخراج کند فقیه یا مجتهد گفته می‌شود.

مرجع تقلید

به مجتهدی که مردم در احکام دینی به او مراجعه می‌کنند و براساس نظر عملی و فقهی او عمل می‌کنند مرجع تقلید گفته می‌شود.

عمل به احتیاط

عمل به احتیاط بدین معناست که مکلّف طوری عمل کند که یقین داشته باشد به وظیفه خود عمل کرده، مثلاً در جایی که نمی‌داند وظیفه‌اش نماز قصر (شکسته) است یا تمام، اگر بخواهد به احتیاط عمل کند، باید هم تمام بخواند و هم شکسته.

تقلید

تقلید به معنای پیروی و دنباله روی از دیگری است و در اصطلاح فقهی به معنای عمل بر اساس نظر فقیه است. به کسی که در احکام دینی از مجتهد پیروی می‌کند «مُقلِّد» گفته می‌شود.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

مکلّف

کسی که نسبت به احکام شرعی تکلیف دارد و باید براساس آنها عمل کند و در صورت تخلّف بازخواست می‌شود مکلّف است، شرایط تکلیف عبارت است از: عقل، بلوغ و قدرت؛ لذا انسان دیوانه و غیر بالغ (کودک) و افراد ناتوان مکلف نیستند.

فتوا

به نظر فقهی مجتهد که تحت عنوان حکم شرعی بیان می‌شود فتوا می‌گویند و گاهی به نظر صریح مجتهد در احکام شرعی گفته می‌شود، مثلاً بگوید واجب است یا حرام است.

احتیاط

اگر مجتهد در مسأله‌ای نظر صریح نداده باشد، بلکه طریقی ارائه کرده باشد که مکلّف با عمل به آن مطمئن باشد به وظیفه عمل کرده، احتیاط نام دارد.

رساله (توضیح المسائل)

رساله در لغت به معنای نامه و نوشته است، اما اکنون به کتابی گفته می‌شود که حاوی نظرات فقهی (فتاوی) مجتهد است و مقلّد برای دستیابی به احکام شرعی به آن کتاب مراجعه می‌کند.

پرسش

۱- احکام شرعی کدام دسته از امور زندگی انسان را در بر می‌گیرد؟

۲- تفاوت فقیه با مرجع تقلید چیست؟

۳- اصطلاحات مکلّف و مقلّد را توضیح داده و تفاوت آنها را بیان کنید.

۴- امام خمینی رحمه‌الله گستره فقه چه فرمود؟

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۲

اجتهاد و تقلید (۱)

قال علی علیه‌السلام: «یا کمیل، ما من حرکة إلا و أنت محتاج فیها إلی معرفة»[۱]

«امیرمؤمنان علی علیه‌السلام به کمیل بن زیاد فرمود: ای کمیل، هیچ حرکتی نیست [یعنی هر عملی که انجام می‌دهی]، مگر این‌که نیاز به آگاهی داری».

دین داری بدون دین شناسی میسّر نیست، شناخت دین، ممکن است به صورت تفصیلی و استدلالی باشد که در اصطلاح، دین شناسی اجتهادی، یا اجتهاد در دین گفته می‌شود، و گاهی تقلیدی و غیر استدلالی است.

این دو شیوه شناخت، اختصاص به مسائل دینی یا احکام اسلامی ندارد بلکه در تمام رشته‌های علمی، اینگونه است که عده‌ای متخصص و صاحب نظرند و دیگران در آن علم، مقلّد و پیرو صاحب نظران و اندیشمندان هستند، لذا می‌توان راه‌های شناخت احکام دین را در دو طریق اجتهاد و تقلید خلاصه کرد.

۱- تحف العقول، ص ۱۷۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

مقدمات اجتهاد

علومی که به عنوان مقدمّات اجتهاد و پیش نیاز استنباط احکام شرعی باید فراگرفت عبارتند از:

۱. **علوم عربی مشتمل بر**
- **صرف:** علم به تغییر کلمات جهت به دست آمدن معانی مختلف؛
- **نحو:** علم به ترکیب کلمه و ساختار جمله؛
- **معانی، بیان، بدیع:** علم زیباسازی نوشتار و گفتار و شناخت آن زیبایی‌ها؛
- **لغت:** شناخت معانی کلمات.

۲. **منطق:** علم درست اندیشیدن و استدلال کردن.

۳. **اصول فقه:** شناخت شیوه استنباط احکام.

۴. **رجال:** آشنایی با شخصیت‌های حدیث، (اسناد روایات).

۵. **درایه:** شناخت معانی و مفاهیم احادیث و درست آن از نادرست.

۶. **تفسیر و علوم قرآنی:** شناخت دانش‌های مرتبط با قرآن و فهم دقیق آیات فقهی قرآن.

افزون بر علومی که شمردیم، این موارد نیز لازم است:

۷. آشنایی به محاورات عرفی و زبان مردمی که مورد خطاب قرآن و سنت بوده‌اند.

۸. آشنایی با گفته‌ها و نظریات پیشینیان، جهت عدم وقوع در خلاف شهرت و اجماع.

۹. بررسی فتاوا و اخبار اهل سنت، به خصوص در موارد تعارض اخبار.

۱۰. تلاش در جهت استنباط احکام و تمرین در آن، به حدی که ملکه استنباط

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

حاصل شود.[۱]

با فراگرفتن علومی که گفته شد و با وجود شرایط لازم، شخص مجتهد باید طبق آنچه استنباط کرده عمل نماید و چنانچه در استنباط خود اشتباه کرده باشد معذور است.[۲]

شرایط مرجع تقلید

۱ـ مرجع تقلید باید دارای این شرایط باشد:

* اجتهاد؛ * عدالت؛
* عقل و بلوغ؛ * زنده بودن؛
* مرد بودن؛ * شیعه دوازده امامی بودن؛
* حلال زادگی؛ * و بنابر احتیاط واجب، اعلم بوده و حریص به دنیا نباشد[۳].

۲ـ عادل به کسی گویند که دارای قوّه عدالت باشد. و عدالت حالتی نفسانی است که انسان را به تقوا واداشته و از ارتکاب گناهان کبیره[۴] و اصرار بر گناهان صغیره بازمی‌دارد.[۵]

۳ـ اعلم کسی است که قواعد و مدارک مسأله را بهتر بشناسد و بر نمونه‌های آن مسأله و قرآن و روایات، اطلاع بیشتر داشته باشد و آنها را بهتر بفهمد. خلاصه، اعلم کسی است که در استنباط احکام، از دیگران استادتر باشد.[۶]

۱ـ الرسائل، امام خمینی ﷺ، ج ۲، ص ۹۶.
۲ـ همان، ص ۹۹.
۳ـ توضیح‌المسائل، م ۲.
٤ـ گناهان کبیره، گناهانی است که بر آنها وعده عذاب و آتش داده شده یا به کبیره بودن آنها تصریح شده است؛ مانند دروغ، غیبت و سرقت و به گناهان دیگر صغیره گفته می‌شود.
۵ـ تحریرالوسیله، ج ۱، في فروع التقلید، ص ۱۰، م ۲۸.
٦ـ همان، ص ۷، م ۱۳.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

□ تقلید ابتدایی از مجتهدی که از دنیا رفته است جایز نیست؛ یعنی کسی که اکنون مکلف شده یا تاکنون تقلید نکرده، نمی‌تواند از مجتهدی که از دنیا رفته است تقلید کند. بلکه باید مقلّد مجتهد زنده باشد.[۱]

راه‌های شناخت مرجع تقلید

الف) آزمودن و شناخت شخصی، در صورتی که خودش اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را تشخیص دهد.

ب) شهرتی که مفید علم باشد؛ یعنی بین اهل خبره چنان به اجتهاد و اعلمیت مشهور باشد که موجب علم به اجتهاد یا اعلمیت آن فرد باشد.

ج) گواهی دو نفر عالم عادلِ اهل خبره،[۲] به شرطی که دو نفر عالم عادل دیگر با گفته آنان مخالفت نکنند.[۳]

چند مسأله

۱ ـ بر مکلف واجب است که برای شناختن مجتهد اعلم جست‌وجو و تفحّص کند.[۴]

۲ ـ چنانچه دو یا چند مجتهد از نظر علمی با هم مساوی باشند، شخص مقلّد، مخیر است از هرکدام که بخواهد تقلید کند. همچنان که می‌تواند بعضی از مسایل را از یکی و بعضی دیگر را از دیگری تقلید کند.[۵]

---

۱ ـ تحریر الوسیله، ج۱، فی فروع التقلید، ص ۷، م۱۳. به فتوای برخی از فقها، تقلید ابتدایی از میّت جایز است.

۲ ـ افرادی که صلاحیت علمی تشخیص اجتهاد و اعلمیّت را دارا باشند.

۳ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، في فروع التقلید، ص ۸ ، م ۱۹.

٤ ـ همان، ص ٦، م ٥.

٥ ـ همان، ص ٦، م ٨.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۳ ـ اگر دو مجتهد، هر یک در بخشی از احکام اعلم باشند، مثلاً یکی در احکام عبادات اعلم است و دیگری در معاملات، مکلف باید بنابر احتیاط واجب، در هر بخش، از اعلم تقلید کند.[۱]

پرسش

۱ـ علم فقه با اصول فقه چه تفاوتی دارد؟

۲ - علم رجال و درایه چه تفاوتی دارد؟

۳ - دو شرط اجتهاد و عدالت مرجع تقلید را توضیح دهید.

٤ - اعلم بودن مرجع تقلید به چه معناست؟

۵ - در چه صورتی مکلّف می‌تواند از دو یا چند نفر فقیه تقلید کند؟

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

---

۱ ـ العروة الوثقی، ج ۱، في التقلید، ص ۱٦، م ٤٧.

درس ۳

اجتهاد و تقلید (۲)

بقای بر تقلید میت

۱. بقای بر تقلید میت باید با اجازه مجتهد زنده باشد؛ یعنی چنانچه به فتوای مجتهد زنده بقای بر تقلید میت جایز باشد می‌تواند همچنان از او تقلید کند.[۱]

۲ . کسی که بر تقلید میت باقی مانده است، در مسایلی که میّت فتوا نداده و همچنین در مسایل جدید باید از مجتهد زنده تقلید کند.[۲]

تغییر مرجع تقلید

عدول از مجتهدی به مجتهد دیگر یا تغییر مرجع تقلید در برخی از موارد جایز یا واجب است و در برخی موارد جایز نیست که به طور مختصر به آنها اشاره می‌شود:

- عدول از غیر اعلم به اعلم، بنابر احتیاط، **واجب است؛**

۱ . تحریرالوسیله، ج۱، فی التقلید، ص ۱۶، م ۴۷.

۲ . استفتاآت، ج ۱، ص ۱۲، س ۱۷.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

□ • عدول از مجتهد زنده به زنده مساوی، جایز نیست؛[1]

• عدول از اعلم به غیر اعلم، **جایز نیست؛**

• عدول از مجتهدی که مدتی از او تقلید می‌کرده و اکنون معلوم شده که اهلیت[2] فتوا نداشته، به مجتهد جامع‌الشرایط **واجب است؛**

• عدول از مجتهدی که یکی از شرایط مرجعیت را از دست داده؛ مثلاً دیوانه شده یا فراموشی به او دست داده، به مجتهد جامع الشرایط، **واجب است؛**

□ • عدول از مجتهدی که تاکنون از او تقلید می‌کرده و اکنون از دنیا رفته به مجتهد زنده، **جایز، بلکه احتیاط مستحب است؛**[3]

• عدول از مجتهد زنده به مجتهد مرده: **بنابر احتیاط واجب، جایز نیست.** هرچند قبلاً از او تقلید می‌کرده و پس از مرگ وی به مجتهد زنده رجوع کرده است.[4]

عمل به احتیاط

«عمل به احتیاط» در اصطلاح فقه، عبارت است از عمل کردن به احکام، به گونه‌ای که انسان یقین داشته باشد به وظیفه‌اش عمل کرده است.

۱. عمل به احتیاط برای همه (مجتهد یا غیر مجتهد) جایز است، ولی باید موارد احتیاط را بشناسد و البته افراد اندکی این موارد را می‌شناسند، چون شناخت آنها کار

---

۱ ـ به فتوای برخی از فقها، عدول از مجتهد زنده به مساوی جایز است. توضیح: در برخی از چاپ‌های کتاب تحریر الوسیله، تعبیر «یجوز العدول...» آمده است ولی بارها از اعضای محترم شورای استفتای امام خمینی ﷺ سؤال شد و فرمودند: به فتوای ایشان عدول در فتوا به مجتهد مساوی جایز نیست.

۲ ـ یعنی شایستگی و شرایط فتوا دادن را از نظر علمی ندارد.

۳ ـ به نظر عده‌ای از فقها، در صورتی که مجتهد از دنیا رفته اعلم باشد، عدول از تقلید او به تقلید مجتهد زنده جایز نیست.

٤. تحریرالوسیله، ج۱، في فروع التقلید، صص٦ـ۷و۸، م ٤ـ۵ـ۱۲ـ۱۳ـ۱۸؛ العروة‌الوثقی، ج۱، في التقلید، صص۱۲ و۱۳، م ۳۳ و۳۷.

دشواری است و مستلزم اطلاع کامل بر کیفیت آن است.[۱]

۲ ـ عمل به احتیاط، گاهی موجب تکرار عمل است و گاهی موجب تکرار نیست.[۲]

مثال اوّل: شخصی که نمی‌داند وظیفه‌اش نماز تمام است یا شکسته، اگر بخواهد به احتیاط عمل کند باید نماز را هم تمام بجا آورد و هم شکسته.

مثال دوّم: شخصی که نمی‌داند اذان و اقامه برای نماز واجب است یا مستحب، اگر بخواهد به احتیاط عمل کند باید آن را بجا آورد.

۳ ـ اگر مکلّف بداند عملی حرام نیست، ولی نمی‌داند واجب است یا مستحب یا مکروه یا مباح، می‌تواند به امید مطلوب بودن (رجاءاً) آن عمل را انجام دهد، چون احتمال مطلوب بودن آن وجود دارد.[۳]

٤ ـ اگر مکلّف بداند عملی واجب نیست ولی نمی‌داند حرام است یا مکروه یا مستحب یا مباح، می‌تواند آن عمل را ترک کند. چون احتمال مبغوض بودن آن وجود دارد.[۴]

تفاوت احتیاط واجب با احتیاط مستحب(در مقام تشخیص و در مقام عمل برای مکلّف)

تمام احتیاط‌هایی که در رساله‌ها آمده، یا وجوبی است یا استحبابی و تفاوت بین آنها از دو جهت است: یکی در مقام شناخت و تشخیص، که احتیاط از کدام قسم است و دیگری در مقام عمل، که وظیفه مکلّف، نسبت به هریک از آنها چیست؟

تفاوت اوّل: احتیاط واجب، احتیاط بدون فتواست.

احتیاط مستحب، احتیاط همراه با فتواست.

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، المقدمة، ص ۵؛ العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۳، م ۲.

۲ ـ الفتاوی الواضحة، ج ۱، ص ۱۱۸. تحریرالوسیله، ج ۱، المقدمة، ص ۵، م۱.

۳ ـ العروة‌الوثقی، ج ۱، في التقلید، ص ۱۱، م ۳۰.

٤ ـ همان.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

اگر مجتهد در مساله‌ای فتوا داده و احتیاط نیز داشته باشد، این احتیاط مستحب است. و اگر مجتهد در مسأله‌ای فتوا نداده و از ابتدا احتیاط کرده باشد، احتیاط واجب است که به آن «احتیاط مطلق» نیز می‌گویند.[۱]

مثالِ احتیاط مستحب: «در غسل ارتماسی، اگر به نیت غسل ارتماسی، به‌تدریج در آب فرورود تا تمام بدن زیر آب قرار گیرد، غسل او صحیح است و احتیاط آن است که یک دفعه زیر آب رود».[۲]

مثالِ احتیاط واجب: «اگر نذر کند که به فقیر معینی صدقه بدهد، نمی‌تواند آن را به فقیر دیگری بدهد و اگر آن فقیر بمیرد، بنابر احتیاط باید به ورثه او بپردازد.»[۳]

تفاوت دوّم: در احتیاط مستحب، مقلّد باید به همان احتیاط عمل کند، یا به فتوای همراه آن و نمی‌تواند در آن مسأله به مجتهد دیگر رجوع کند.

اما در احتیاط واجب، مقلّد می‌تواند به همان احتیاط عمل کند، یا به فتوای مجتهد دیگری که پس از آن مجتهد، از دیگران اعلم است مراجعه کند.[۴]

پرسش

۱ـ در چه صورتی تقلید از میت صحیح است؟

۲ـ در چه صورت، عدول از مجتهدی به مجتهد دیگر واجب است؟

۳ – با مراجعه به رساله توضیح المسائل برای احتیاط واجب و مستحب دو مثال دیگر بیاورید.

٤ – تفاوت احتیاط واجب با احتیاط مستحب در مقام عمل چیست؟

۵– اگر مکلّف بخواهد در ماه رمضان نسبت به نماز و روزه احتیاط کند، تکلیفش چیست؟

۱ـ همان، ص ۲۳، م ٦٤.

۲ـ توضیح المسائل، م ۳٦۷.

۳ـ همان، م ۲٦۵۹.

٤ـ همان، م ۷.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ٤

اجرای احکام دین(۱)

قال الامام الحسین علیه‌السلام: مجاری الامور والاحکام علی ایدی العلماء بالله، الأُمناء علی حلاله وحرامه[۱]

جریان امور واحکام به دست دانشمندان الهی است که بر حلال و حرام آگاه و امینند.

ضرورت تشکیل حکومت اسلامی

با نگاهی اجمالی به احکام و قوانین اسلام، این واقعیت به دست می‌آید که این آیین آسمانی، تنها در احکام عبادی و دستورات اخلاقی خلاصه نمی‌شود، بلکه احکام سیاسی ـ اجتماعی اسلام که چگونگی ارتباط انسان‌ها با یکدیگر و کیفیت بهره‌گیری از طبیعت و رسیدن به زندگی برتر را مشخص می‌کند، به مراتب گسترده‌تر از احکام عبادی است که بیانگر وظایف خاص بندگان خدا در مقابل آفریدگار است و عمل شدن آن احکام بدون تشکیل حکومت میسّر نیست.

همانگونه که امام خمینی رحمه‌الله فرمود: «حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی تمامی فقه است».[۲]

---

۱ ـ تحف العقول، ص ۳۷٤.

۲ ـ صحیفه نور، ج ۲۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

تشکیل حکومت اگر براساس قانون اسلام نباشد، به یقین بسیاری از احکام دین معطّل می‌ماند و ضمانت اجرایی نخواهد داشت. علاوه بر این، ادلّه دیگری نیز برای ضرورت تشکیل حکومت وجود دارد که می‌توان آنها را در موارد ذیل خلاصه کرد:

حفظ نظام و انسجام جامعه اسلامی از واجبات مورد تأکید شرایع الهی است و بی‌نظمی و پریشانی امور مسلمانان نزد خداوند و خلق، امری نکوهیده و ناپسند است. پرواضح است که حفظ نظام و جلوگیری از اختلال و هرج و مرج، جز با استقرار حکومت الهی در جامعه تحقق نمی‌پذیرد.

حفظ مرزهای کشور اسلامی از هجوم بیگانگان و جلوگیری از تسلط تجاوزگران بر آن، عقلاً و شرعاً واجب است و تحقق این امر نیز جز به تشکیل حکومت اسلامی میسّر نیست.

بسط عدالت در جامعه و جلوگیری از ستم ظالمان و رساندن حقوق حق‌داران به آنها و کوتاه کردن دست متجاوزان به اموال عمومی، بدون حکومتی مقتدر و قانونمند امکان‌پذیر نیست.

جمع آوری خمس، زکات، خراج و سایر مالیات‌ها و رسیدگی به انفال و ثروت‌های عمومی و صرف بیت المال در امور مقرّر شرعی، بدون برپایی نظام دینی با حاکمیت افراد صالح، ناشدنی است.

تعلیم و تربیت عمومی افراد جامعه و استفاده درست از ابزارهای پیشرفته آموزشی و سوق دادن افراد جامعه به خیر و صلاح و تربیت انسان‌های صالح و پرهیزکار که جزو اهداف انبیا و آرمان‌های مقدس ادیان الهی و مکتب نجات بخش اسلام است، هرگز بدون در دست داشتن آن ابزارها و امکانات که همیشه در دست حکومت‌ها بوده، تحقق‌پذیر نیست.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

آیا می‌توان تصور کرد که آفریدگار حکیم، در مهم‌ترین نیاز جامعه بشری، امّت اسلامی را به حال خود رها ساخته و تکلیفی برای آنان معین نکرده باشد؟ و آیا خردمندانه است که بگوییم خداوند حکیم به هرج و مرج امور مسلمانان و پریشانی احوال آنان رضایت داده است؟

آنچه بر شمردیم، جزو بدیهی‌ترین نیازهای مسلمانان است و از حکمت به دور است که خداوند مدبّر حکیم، آن نیازها را به کلّی نادیده گرفته و از ارائه راه حلی برای تأمین آنها غفلت کرده باشد.

آری، آن دلایلی که لزوم امامت پس از نبوت را اثبات می‌کند، همان، لزوم حکومت در دوران غیبت حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه را نیز در بردارد، به ویژه پس از این زمان طولانی که از غیبت آن بزرگوار می‌گذرد و شاید این دوران هزاران سال دیگر نیز ادامه یابد.[1]

گذشته از این همه، عمل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و حضرت علی علیه‌السلام خود دلیل قاطعی است بر ضرورت تشکیل حکومت دینی؛ افزون بر آن روایات بسیاری از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام صادر شده که همه آنها نشان‌دهنده لزوم حکومت و رهبری صحیح برای جامعه است که در اینجا مجال پرداختن به آنها نیست.[2]

رهبری در نظام اسلامی

پرسش این است که تشکیل حکومت اسلامی وظیفه کیست و چه کسی باید در زمان غیبت امام معصوم علیه‌السلام عهده‌دار رهبری و زعامت این حکومت شود؟

تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی، واجب کفایی است و وظیفه تمام افرادی است که توانایی چنین کاری را دارند، گرچه وظیفه عالمان دینی و فقهای جامع شرایط از آن

---

١ . برگرفته از ترجمه «کتاب البیع»، تألیف امام خمینی قدس‌سره، ج ٢، ص ٤٥٩.

٢ . برای آشنایی با این روایات می‌توانید به «کتاب البیع»، تألیف امام خمینی قدس‌سره، ج ٢، ص ٤٦٢ مراجعه کنید.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

جهت که رسالت انبیا و ائمه را در جهت برپایی قسط و عدل بر عهده دارند، به مراتب بیش از دیگران خواهد بود و در هر حکومتی، «کاردانی» و «درستکاری» دو شرط اساسی رهبری است و آنان هستند که در تشکیل حکومت، مسؤولیتشان از دیگران سنگین‌تر است.

از آنجا که حکومت اسلامی، حکومتی مبتنی بر قانون الهی است و هدف آن اجرای احکام خدا و بسط عدالت در سراسر جهان است، زمامدار این حکومت، ناگزیر باید سه ویژگی مهم را، که اساس یک حکومت الهی است، دارا باشد:

علم به قانون؛

عدالت؛

کفایت و صلاحیت.

تحقیق قانون اسلام، تنها به دست حاکمی عالم و عادل و کاردان و با کفایت، میسّر است و روشن است که خداوند هیچ گاه شخص نادان یا ستمگر و تبهکار و نالایق را به عنوان زمامدار مسلمانان برنمی‌گزیند و او را به سرنوشت و مال و جان آنان حاکم نمی‌کند؛ زیرا شارع مقدس در حفظ این امور اهتمام بسیار دارد.[1]

پرسش

۱ - رابطه فقه با حکومت، از نظر یک مجتهد چیست؟

۲ - دو شرط اصلی حاکم اسلامی کدام است؟

۳ - رابطه خمس و زکات و حکومت اسلامی چیست؟

٤ - تشکیل حکومت اسلامی از نظر حکم شرعی چگونه است و وظیفه چه کسی است؟

---

۱. برگرفته از ترجمه «کتاب البیع»، ج ۲، ص ٤٦٤.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۵

اجرای احکام دین (۲)

ولایت فقیه

پیشینه بحث در زمینه اصل ضرورت حکومت و رهبری آن، که در زمان غیبت به عهده فقهای جامع الشرایط است، بیشتر در علم کلام مطرح شده است، ولی فقهای بزرگوار نیز در کتب خود به مناسبت‌های مختلف، چه به طور عام و چه در بخش خاصی از احکام دینی به این مسأله پرداخته‌اند که به بیان آن موارد به نگاشتن رساله‌ای مستقل نیاز دارد و ما در این نوشته به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

شیخ محمد حسن نجفی ﷺ در کتاب جواهر الکلام چنین نگاشته است:

اگر به عموم ولایت فقیه معتقد نباشیم، بسیاری از امور شیعیان، معطّل می‌ماند. باعث شگفتی است که بعضی افراد در این باره وسوسه می‌کنند که این افراد گویا طعم فقه را نچشیده‌اند و تعابیر و معنی و رمز کلمات امامان معصوم ﷺ را نفهمیده‌اند. اینان در عناوین «حاکم»، «قاضی»، «حجّت»، «خلیفه» و غیر اینها که در کلمات امامان ﷺ درباره فقها آمده است، دقت نکرده‌اند. طرح این عناوین و مشابه آنها از

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

ائمه علیهم‌السلام دلالت دارد که آن بزرگواران در زمان غیبت، نظم و سامان یافتن امور شیعیان را خواستار بوده‌اند.[۱]

مرحوم ملا احمد نراقی رحمه‌الله گوید:

بر همه آنچه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به عنوان حاکم و رهبر و پاسدار اسلام ولایت دارد، فقیه نیز بر آنها ولایت دارد، مگر مواردی که دلیل، آن را استثنا کرده باشد.[۲]

امام خمینی رحمه‌الله در کتاب البیع می‌نویسد:

امر ولایت و رهبری در عصر غیبت، به فقیه عادل سپرده شده و اوست که صلاحیت زعامت مسلمانان را دارد؛ زیرا والی و سرپرست مسلمانان باید فقیه و عادل باشد. بنابراین قیام برای تشکیل حکومت و دولت سالم، بر فقهای عادل، واجب کفایی است و اگر یکی از آنها موفق شد و حکومت تشکیل داد و رهبری آن را به دست گرفت، بر دیگران واجب است از او پیروی کنند.[۳]

وی در جای دیگر می‌نگارد:

حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله است، یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعیه، حتی نماز و روزه و حج است.[۴]

اختیارات ولی فقیه

حکومت اسلامی نظامی است که بر پایه وحی الهی در تمام زمینه‌ها از قانون خدا مدد می‌گیرد و هیچ یک از زمامداران و سرپرستان امور جامعه استبداد رأی ندارند. تمام

---

۱. جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۹۷.
۲. عوائد الایام، صص ۱۸۷ و ۱۸۸.
۳. کتاب البیع، ج ۲، ص ۴۶۵.
۴. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۴۵۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

برنامه‌هایی که در زمینه زمامداری جامعه و شؤون و لوازم آن، برای رفع نیازهای مردم به اجرا درمی‌آید، باید بر اساس قوانین الهی باشد. این اصل کلی، حتی در مورد اطاعت از زمامداران و متصدیان امر حکومت نیز جاری است

تمامی امور مربوط به حکومت و سیاست، که برای پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام مقرر شده، در مورد ولایت فقیه عادل نیز مقرر است و عقلاً نیز نمی‌توان فرقی میان این دو قائل شد؛ زیرا حاکم اسلامی، اجرا کننده احکام شریعت و برپادارنده حدود و قوانین الهی و گیرنده مالیات‌های اسلامی و مصرف کننده آن در راه مسلمانان است. پس اگر پیامبر ﷺ شخص زناکار را صد تازیانه می‌زد، فقیه نیز در مقام حکومت، همین حکم را اجرا می‌کند و همان‌گونه که پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام وجوه شرعی را، بر طبق مقررات خاصی از مردم می‌گرفتند، هم‌پایه رتبه پیامبران و امامان تلقی شود؛ زیرا هیچ‌کس در مقامات و فضایل، با آنان هم رتبه نیست،[1] بلکه در اینجا سخن از اختیاراتی است که فقیه در مقام و منصب حکومت برخوردار است و در این خصوص، هرجا و هر زمان که مصالح مسلمان اقتضا کند، می‌تواند دستورهایی را صادر کند و پس از صدور حکم، همگان باید از او پیروی کنند و این همان «ولایت مطلقه فقیه» است. بنابراین:

- حاکم می‌تواند، مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است، خراب کند و پول منزل را به صاحبش بپردازد.
- حاکم می‌تواند به هنگام لزوم مسجد را تعطیل کند و مسجدی را که ضرار باشد، در صورتی که دفع آن بدون تخریب ممکن نشود، خراب کند.
- حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته، اگر مخالف مصالح کشور و اسلام باشد یک جانبه لغو کند و می‌تواند از هر امری - چه عبادی یا غیر

۱. کتاب البیع، ج ۲، صص ٤٦٦، ٤٦٧ و ٤٩٧.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

عبادی - مادام که مخالف مصالح اسلام است، جلوگیری کند.

▣ حکومت می‌تواند از حج که یکی از فرایض مهم الهی است، در مواقعی که رفتن به حج را مخالف صلاح کشور اسلامی بداند، به طور موقت جلوگیری کند[1].

تفاوت حکم با فتوا

ائمه معصوم علیهم‌السلام پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و به هنگام حضور ظاهری، دو وظیفه مهم امامت را برعهده داشته‌اند که طبق روایات و دیگر منابع فقهی در زمان غیبت آنها این دو وظیفه برعهده فقیهان جامع الشرایط نهاده شده است:

۱ - بیان فتوا و ابلاغ احکام الهی به مردم؛

۲ - رهبری و مدیریت جامعه انسانی و اجرای احکام دینی.

تفاوت در بیان فتوا و وجود مراجع متعدد، مشکل زیادی در جامعه پدید نمی‌آورد؛ چنان که در ادوار مختلف تاریخ تشیع، پس از غیبت حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف این امر وجود داشته است، ولی تشتّت و دوگانگی در احکام اجرایی و حکومتی بخصوص اگر ارتباطات گسترده و آسان باشد، قطعاً سبب هرج و مرج و اختلاف و دو دستگی در جامعه خواهد شد. حال پرسش این است که فرق این دو چیست و قلمرو هریک کدام است؟ و در صورت تعارض فتوای مرجع تقلید با حکم حاکم (ولی فقیه)، وظیفه مردم چیست؟

«فتوا» در اصطلاح فقها بیان حکم خداست به وسیله فقیه؛ مثلاً: در رکعت سوم و چهارم نماز، تسبیحات را یک مرتبه خواندن کافی است.

اگر روزه گرفتن برای بدن ضرر داشته باشد، صحیح نیست.

در صورتی که خریدار در معامله فریب خورده باشد حق فسخ معامله را دارد و...

---

۱ ـ صحیفه نور، ج۲۰، ص ٤٥١.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

«حکم حاکم» عبارت است از دستور به اجرای یک حکم شرعی، تعیین مصداق و یا موضوع و یا وقت و مکان اجرای حکم شرعی و نیز الزام بر انجام دادن یا ترک کردن به دلیل مصلحت، مانند:

- دستور به اینکه: فلان روز، اول ماه است.
- حکم به دریافت زکات یا خمس، با شرایط ویژه (در زمان یا مکان و یا مورد خاص)
- حکم به اجرای حدود و تعزیرات.

تعارض فتوا با حکم

به جهت جدا بودن حوزه نفوذ فتوا و حکم، معمولا بین آنها تعارضی پیش نمی‌آید ولی گاهی ممکن است فتوای مرجع تقلید و حکم ولی فقیه خلاف یکدیگر باشد که در این صورت حکم ولی فقیه مقدم و مخالفت با آن حرام است، مثل آنکه مجتهدی فتوا دهد احتکار در غیر طعام اشکال ندارد، اما ولی فقیه حاکم با توجه به مشکلات اقتصادی جامعه، حکم کند که احتکار هرگونه کالای مورد نیاز جامعه ممنوع است. در اینجا دستور ولی فقیه اجرا می‌شود و بر مقلدان آن مرجع نیز تبعیت لازم است.[1]

در فتاوای فقیهان بزرگ آمده است:

نقض حکم حاکم جامع الشرایط جایز نیست، حتی برای دیگر مجتهدان، مگر در جایی که اشتباهش روشن باشد.[2]

---

۱ ـ فقیه نامدار مرحوم شیخ محمد حسن نجفی ﷺ (صاحب جواهر) در بحث احتکار چنین می‌نویسد: «اگر محتکر، خود مجتهد باشد، حاکم می‌تواند او را به فروش کالای احتکار شده یا فروش به قیمت معینی وادار کند، هرچند حاکم نسبت به مجتهد محتکر از نظر علمی پایین‌تر باشد»: جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۴۸۷.

۲ ـ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۷.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

پرسش

۱ - تفاوت «حکم» و «فتوا» را با ذکر مثال توضیح دهید و بیان کنید که وظیفه مکلف در آن مورد چیست؟

۲ – در چه صورتی ولی فقیه می‌تواند دستور دهد مسجدی را تخریب کنند؟

۳ – در تعارض حکم و فتوا وظیفه چیست؟

٤ - به نظر مرحوم نراقی حدود اختیارات ولی فقیه چیست؟

٥ - آیا تمام اختیارات حکومتی پیامبر ﷺ و امام علیه‌السلام را می‌توان برای ولی فقیه نیز قائل شد؟ چرا؟

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

فصل دوم:

عبادت

- عبادت
- طهارت
- وضو
- غسل
- تیمم
- نجاسات
- مطهرات

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ٦

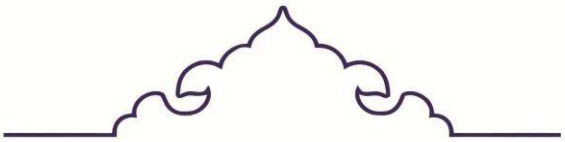

عبادت، طهارت

﴿وما خلقتُ الجن والانس إلا ليعبدون﴾[1]

جن و انس را نیافریدیم مگر برای بندگی.

عبادت و بندگی

پرستش و بندگی، نیاز طبیعی بشر است. بندگی خدا، فلسفه خلقت است. انسانهای مؤمن، تنها خدای بزرگ و آفریننده جهان را شایسته پرستش و ستایش می‌دانند و هرگز در مقابل چیزهایی مانند خودشان که مخلوق خدایند، کرنش نمی‌کنند.

عبادت، تسلیم در برابر خداوند و اطاعت کامل از دستورهای اوست، و این اطاعت و بندگی، با انجام دادن کارهای واجب و پرهیز از کارهای حرام تحقّق می‌یابد.

عبادت باید با نیت خالص برای خداوند و به دور از هرگونه ریا و خودنمایی انجام شود و بدین‌سبب است که در تعریف عبادت گفته‌اند: هر کاری که به قصد اطاعت

---

١. ذاریات: ٥٦.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

فرمان خداوند و تقرّب به او انجام شود، عبادت است. لذا انسان می‌تواند کاری کند که فعالیت‌های روزمره و عادی او هم عبادت و بندگی خداوند باشد.

نماز

نماز، بهترین حالت بندگی خداست و در میان اعمال واجب، دارای اهمیت ویژه‌ای است. نماز، دستور خداوند بزرگ برای انسان‌های پاک و وارسته است و نماز خواندن، اطاعت فرمان اوست.

نماز، بهترین شیوه ارتباط با خالق یکتا و جلوه‌ای از عبادت انسان در پیشگاه اوست.

نماز، مانند نهر آبی است که نمازگزار، روزی پنج مرتبه خود را در آن شست و شو می‌دهد.

و نمازگزار، بنده خالص خداست که با نماز، ارتباطی خالصانه با پروردگار خویش برقرار می‌کند و نماز به او آرامش روح می‌بخشد تا در جریان‌های زندگی، با امید به فردایی روشن، به تلاش بپردازد.

نماز مهم‌ترین عمل عبادی و عمود خیمه دین و دین‌داری و آزمون ورودی بهشت است.

مسائل مربوط به نماز را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. **مُقدّمات:** که نمازگزار باید پیش از نماز آنها را مراعات کند.

۲. **مُقارنات:** که مربوط به متن نماز است، از تکبیرة الاحرام تا سلام.

۳. **مُبطِلات:** چیزهایی است که نماز را باطل می‌کند.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

مقدّمات نماز

مقدّمات نماز به طور فهرست‌وار عبارت است از:

طهارت؛ لباس نمازگزار؛ مکان نمازگزار؛ قبله؛ وقت نماز؛ اذان و اقامه.

طهارت

دین اسلام علاوه بر آنکه نظافت و تمیزی را از ایمان برشمرده و پیروان خود را به تمیز نگه داشتن بدن و لباس و محیط زندگی دعوت می‌کند، برای برخی کارها علاوه بر نظافت، طهارت را شرط می‌داند. طهارت در فرهنگ فقهی دو جنبه دارد: ظاهری و باطنی.

طهارت ظاهری: پاک بودن بدن و لباس و خوراک و نوشیدنی از آلودگی و نجاسات است و به آن طهارت از خَبَثْ نیز گفته می‌شود.

طهارت باطنی: با انجام دادن برخی اعمال، یعنی وضو، غسل و تیمّم به دست می‌آید که به طهارت از حَدَثْ نیز می‌گویند.

به جهت اهمیت طهارت باطنی، ابتدا به احکام وضو، غسل و تیمّم می‌پردازیم.

وضو

نمازگزار باید پیش از نماز «وضو» بگیرد و خود را برای این عبادت بزرگ آماده کند و در برخی از موارد باید «غُسل» کند؛ یعنی تمام بدن را بشوید و هرگاه نتواند وضو بگیرد یا غسل کند، باید به جای آن، عملِ دیگری به نام «تیمّم» انجام دهد که احکام آنها در این درس و درس‌های آینده خواهد آمد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

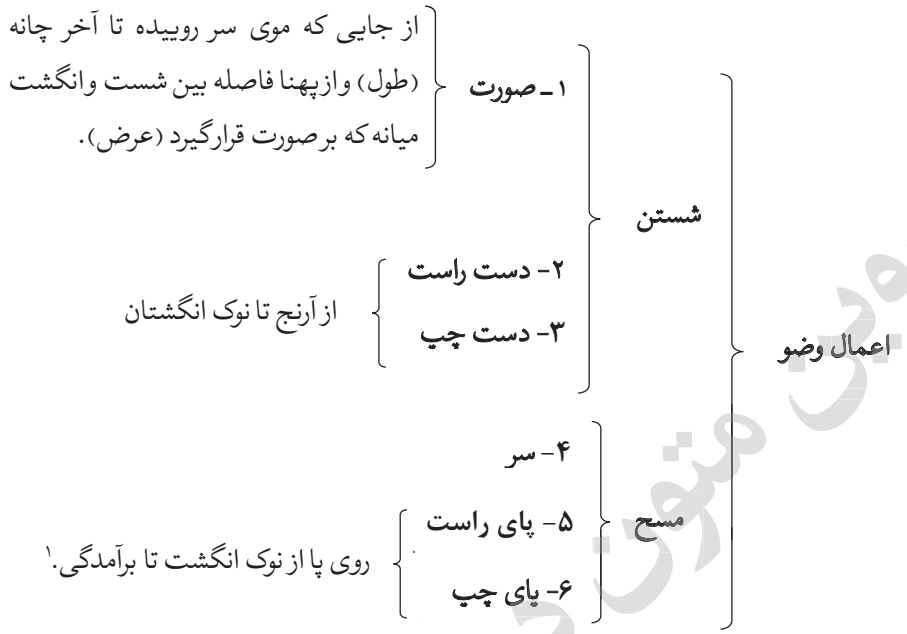

شستن صورت ودست‌ها

۱ ـ بنا براحتیاط واجب، باید صورت ودست‌ها را ازبالا به پایین شست واگراز پایین به بالا بشوید وضوباطل است.[2]

۲ ـ اگرپوست صورت ازلای موها (ریش، ابرو) پیدا باشد، باید آب را به پوست برساند واگرپیدا نباشد، شستن موکافی است ورساندن آب به زیرمولازم نیست.[3]

---

۱ . تحریرالوسیله، ج۱، فصل فی الوضو، صص ۲۱ و ۲۳، م۱ و ۳ و ۱۲ به فتوای عده ای از فقها مسح پا باید تا آخرروی پا (مفصل) کشیده شود.

۲ ـ توضیح‌المسائل، م ۲۴۳.

۳ ـ همان، م ۲۴۰.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

٣ ـ شستن داخل بینی و دهان و مقداری از لب و چشم که هنگام بستن دیده نمی‌شود، واجب نیست. ولی برای آنکه یقین کند از جاهایی که باید شسته شود چیزی باقی نمانده، واجب است مقداری از آنها را هم بشوید.[١]

٤ ـ شستن اعضای وضو:
- **بار اوّل:** واجب
- **بار دوّم:** جایز
- **بار سوّم:** حرام[٢]

٥ ـ مقصود از شستن، آب ریختن نیست، بلکه شستن کامل است؛ یعنی اگر یک بار به طور کامل به نیت وضو تمام صورت یا دست را بشوید و بار دیگر هم به طور کامل بشوید، بار سوّم آن حرام است. بنابراین اگر چندین مرتبه هم آب بریزد ولی به تمام جاهای عضو نرسد، یک بار محسوب نمی‌شود. و اگر با یک بار ریختن، یا یک بار فرو بردن در آب، تمام عضو را فراگیرد. یک بار شستن به حساب می‌آید.[٣]

٦ ـ سه بار شستن اعضای وضو علاوه بر آنکه حرام است، گاهی موجب بطلان وضو می‌شود و آن در صورتی است که آب مسح، از آب شستن سوم باشد، چون مسح باید با آب وضو انجام شود.[٤]

مسح سر

١ ـ جای مسح: یک قسمت از چهار قسمت سر، که بالای پیشانی است (جلوی سر).

٢ ـ مقدار واجب مسح: هرقدر باشد کافی است. (به مقداری که اگر کسی ببیند بگوید مسح کرد).

---

١ ـ توضیح المسائل، م ٢٤٢.

٢ ـ همان، م ٢٤٨. به فتوای برخی از فقها، شستن بار دوم مستحب است.

٣ ـ استفتاآت، ج ١، ص ٣٤، س ٣٥.

٤ ـ همان و توضیح المسائل، م ٢٤٨.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۳ـ احتیاط مستحب: به پهنای سه انگشت بسته و طول یک انگشت.

□٤ـ **مسح با دست چپ:** جایز است.[۱]

۵ـ لازم نیست مسح بر پوست سر باشد، بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است، مگر موی سر انسان به قدری بلند باشد که هنگام شانه زدن، به صورتش بریزد، که باید پوست سر یا قسمت پایین (بیخ) مو را مسح کند.

مسح پا

۱ـ جای مسح: روی پاست.

□**۲ـ مقدار واجب مسح:** طول؛ از سر انگشت تا بر آمدگی روی پا.[۲]

عرض؛ هر اندازه باشد کافی است هر چند به قدر یک انگشت باشد.

۳ـ احتیاط مستحب آن: همه روی پا.

□٤ـ پای راست را باید پیش از پای چپ مسح کند، ولی لازم نیست پای راست را با دست راست و پای چپ را با دست چپ مسح کند.[۳]

مسایل مشترک مسح سر و پا

۱ـ در مسح باید دست را بر سر و پاها بکشد و اگر دست را نگه دارد و سر یا پا را به آن بکشد وضو باطل است، ولی اگر موقعی که دست را می‌کشد سر یا پا مختصری حرکت کند اشکال ندارد.[٤]

۱ـ به فتوای برخی از فقها، مسح سر باید با دست راست باشد.

۲ـ به نظر عده‌ای از فقها، مسح پا باید تا آخر روی مفصل پا کشیده شود.

۳ـ العروة الوثقی، ج ۱، فصل في افعال الوضو، ص ۲۱۰. به فتوای برخی از فقها، مسح همزمان پاها نیز صحیح است و لازم است پای راست با دست راست و پای چپ با دست چپ مسح شود.

٤ـ توضیح المسائل، م ۲۵۵.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

□۲ ـ اگر برای مسح، رطوبتی درکف دست نمانده باشد، باید از اعضای دیگرِ وضو رطوبت بگیرد و با آن مسح کند و نمی‌تواند دست را با آب غیر وضو خیس کند و با آن مسح را انجام دهد.[۱]

۳ ـ محل مسح (سر و روی پاها) باید خشک باشد، بنابراین اگر جای مسح تر باشد، باید آن را خشک کرد ولی اگر رطوبت آن به قدری کم باشد که مانع از تأثیر رطوبت دست، بر آن نباشد مانع ندارد.[۲]

٤ ـ بین دست و محل مسح، یعنی سر یا پاها نباید چیزی مانند چادر و کلاه، یا جوراب و کفش فاصله باشد. هر چند بسیار رقیق و نازک باشد و رطوبت به پوست برسد (مگر در حال ناچاری).[۳]

وضوی ارتماسی

۱ ـ وضوی ارتماسی آن است که انسان صورت و دست‌ها را به قصد وضو در آب فرو برد و بیرون آورد، یا آنها را در آب فرو برد و به قصد وضو بیرون آورد.[۴]

۲ ـ چون در وضوی ارتماسی نیز، باید ترتیب مراعات شود و دست و صورت از بالا به پایین شسته شود، بنابراین، وضوی ارتماسی به گونه‌های زیر انجام می‌شود:

- به قصد وضو صورت را از پیشانی، و دست را از آرنج در آب فرو برد و تا موقعی که آنها را از آب بیرون می‌آورد و ریزش آب تمام می‌شود به نیت وضو باشد. [چون آبی که بر دست می‌ماند و در مسح بکار می‌رود، باید آب وضو باشد].

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۲۵۷ . به فتوای برخی از فقها، باید از صورت و ریش خود آب بگیرد.
۲ ـ همان، م ۲٦.
۳ ـ همان، م ۲۷.
٤ ـ همان، م ۲٦۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

- بدون قصد وضو، صورت و دست را در آب فرو برد و به قصد وضو بیرون آورد، که صورت را باید ابتدا از پیشانی بیرون آورد و دست‌ها را از آرنج.[۱]

۳ ـ اگر بعضی از اعضای وضو را ارتماسی و بعضی را غیر ارتماسی انجام دهد اشکال ندارد.[۲]

وضوی کسی‌که دست یا پایش قطع شده

۱ ـ کسی که یک دست او پایین‌تر از آرنج قطع شده، باید در وضو قسمت باقیمانده آن را بشوید و اگر کف دست را ندارد با دست دیگر مسح سر و پاها را انجام دهد و اگر از آرنج یا بالاتر قطع شده شستن آن دست ساقط است.[۳]

۲ ـ کسی که هر دو دست او قطع شده، اگر از یکی یا هر دو دست چیزی از آرنج به پایین باقی مانده است باید آن را بشوید و چنانچه با باقیمانده دست نتواند مسح کند، باید برای مسح نایب بگیرد.[۴]

۳ ـ کسی که پای او قطع شده و چیزی از محل مسح (هر چند کم باشد) باقی نمانده، مسح آن پا ساقط است.[۵]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۲٦۱ و ۲٦۲.

۲ ـ همان، م ۲٦۳.

۳ ـ العروة الوثقی، ج ۱، فصل في افعال الوضوء، ص ۲۰٤، الثاني؛ استفتاآت، ج ۱، صص ۲۰ـ۲٤؛ ۲٦، ۲۹ـ۳۱.

٤ ـ همان.

۵ ـ همان.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

پرسش

۱ .تفاوت طهارت باطنی و ظاهری چیست؟

۲ .کسی که نمی‌داند پوست صورتش از زیر موهای صورت پیداست یا نه، آیا هنگام وضو باید آب را به پوست صورت برساند؟

۳ .در چه صورتی مسح بر موهای قسمت جلوی سر کافی نیست؟

٤ .مقدار واجب و مستحب مسح سر و پاها چه اندازه است؟

٥ .اگر محل مسح، نجس باشد و تطهیر آن ممکن نباشد تکلیف چیست؟

٦ .تفاوت وضوی ترتیبی و ارتماسی چیست؟

۷ .کسی که یک دست و یک پایش به طور کامل قطع شده، چگونه باید وضو بگیرد؟

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۷

وضو(۱)

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلاةِ فاغْسِلُواْ وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُواْ بِرُؤُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ ...».[1]

« ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون به عزم نماز برخیزید صورت و دست‌هایتان را تا آرنج بشویید و سر و پاهای خودتان را تا برآمدگی پیشین هردو پا مسح کنید ...»

شرایط وضو[2]

با شرایطی که خواهد آمد وضو صحیح است و با از بین رفتن هریک از آنها، وضو باطل است.

۱ـ شرایط آب و ظرف وضو

۱ـ آب وضو پاک باشد (نجس نباشد)؛

۲ـ آب وضو مباح باشد (غصبی نباشد)؛

۱ـ سوره مائده، آیه۶.

۲ـ توضیح‌المسائل، شرایط صحیح بودن وضو.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۳ .آب وضو مطلق باشد (مضاف[۱] نباشد)؛

٤ .ظرف آب وضو مباح باشد؛

۵ .ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد.

۲ .شرایط اعضای وضو

۱ .پاک باشد؛

۲ .مانعی از رسیدن آب در آن نباشد.

۳ .شرایط کیفیت وضو

۱ .رعایت ترتیب (به همان ترتیب که در اعمال وضو گذشت)؛

۲ .رعایت مُوالات (بین اعمال وضو فاصله نیفتد)؛

۳ .خودش وضو بگیرد (از دیگری کمک نگیرد).

٤ .شرایط وضوگیرنده

۱ .استفاده از آب برای او مانعی نداشته باشد؛

۲ .با قصد قربت وضو بگیرد (ریا نکند).

۵. شرایط آب وضو

۱ .وضو گرفتن با آب نجس یا آب مضاف باطل است، خواه انسان، بداند آن آب نجس یا مضاف است یا نداند، یا فراموش کرده باشد.[۲]

۲ .آب وضو باید مباح باشد، بنابراین در موارد زیر وضو باطل است:

*وضو گرفتن با آبی که صاحب آن راضی نیست (راضی نبودن او معلوم است)؛

---

۱ .آب مضاف، آبی است که از چیزی گرفته شده باشد، مثل آب هندوانه؛ یا با چیزی مخلوط کرده باشند، به طوری که به آن، آب گفته نشود؛ مثل شربت. آبی که مضاف نباشد مطلق است. توضیح این بحث در درس ۱۳ خواهد آمد.

۲ .توضیح‌المسائل، م ۲۶۵.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

*آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است یا نه.

* آبی که وقف افراد خاصی است؛ مانند وضوخانه برخی از مدارس، هتل‌ها، مسافرخانه‌ها و...[۱]

□ ۳. وضوگرفتن از نهرهای بزرگ، گرچه انسان نداند صاحبان آنها راضی هستند یا نه، اشکال ندارد، امّا اگر صاحبان آن از وضوگرفتن جلوگیری کنند، احتیاط واجب آن است که وضو نگیرند.[۲]

٦. شرایط اعضای وضو

۱. اعضای وضو در موقع شستن و مسح باید پاک باشد.[۳]

۲. اگر در بین وضو، جایی که شسته یا مسح کرده، نجس شود وضو صحیح است؛ مثلاً هنگامی که مشغول شستن دست‌ها است، صورت وی نجس شود.[۴]

۳. اگر غیر اعضای وضو، جایی از بدن نجس باشد، وضو صحیح است ولی اگر مخرج بول یا غائط را تطهیر نکرده، بهتر آن است که اوّل آن را تطهیر کند، بعد وضو بگیرد.[۵]

٤. خطوط قلم خودکار و لکه‌های رنگ و چربی و کِرِمْ در صورتی که رنگ بدون جِرم باشد، مانع وضو نیست، ولی اگر جِرم داشته باشد (روی پوست را گرفته) باید برطرف شود.[۶]

۵. خال‌کوبی‌هایی که جرم ندارد و مانع از رسیدن آب به پوست نمی‌باشد، و صرفاً جوهر است و جذب پوست می‌شود برای وضو اشکال ندارد.[۷]

---

۱. العروة‌الوثقی، ج ۱، فصل في شرایط الوضوء، صص ۲۱۹ – ۲۲۵، م ٦، ۷، ۸؛ توضیح‌المسائل، م ۲٦۵.

۲. توضیح‌المسائل، م ۲۷۱. به فتوای برخی از فقها، در صورتی که وضوگرفتن از آن، بین مسلمین متعارف است اشکال ندارد وگرنه باطل است و همچنین اگر بداند صاحبان آن راضی نیستند.

۳. توضیح‌المسائل، شرایط وضو، ص ۳۵، شرط ششم و م ۲۷٦ و ۲۷۷.

٤. همان.

۵. همان.

٦. استفتاآت، ج ۱، صص ۳٦ و ۳۷، س ٤۰ تا ٤۵.

۷. همان.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۷. شرایط کیفیت وضو

▣ ترتیب

کارهای وضو باید به ترتیبی که در بحث اعمال وضو گفته شد انجام داده شود و اگر ترتیب اعمال وضو به‌هم بخورد وضو باطل است.[۱]

▣ مُوالات

۱ ـ موالات؛ یعنی پشت سر هم انجام دادن و فاصله نینداختن بین اعمال وضو.

۲ ـ اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که وقتی می‌خواهد جایی را بشوید یا مسح کند رطوبت جاهایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده، خشک شده باشد، وضو باطل است ولی اگر فقط رطوبت جایی که جلوتر از محلی است که می‌خواهد بشوید یا مسح کند خشک شده باشد، وضویش صحیح است.[۲]

۳ ـ راه رفتن بین وضو اشکال ندارد، بنابراین اگر پس از شستن صورت و دست‌ها، چند قدم راه برود[به قدری که موالات به‌هم نخورد]و بعد سر و پا را مسح کند، وضوی او صحیح است.[۳]

▣ کمک نگرفتن از دیگران

۱ ـ کسی که می‌تواند اعمال وضو را خودش انجام دهد، نباید از دیگری کمک بگیرد، پس اگر دیگری صورت و دست او را بشوید یا مسح او را انجام دهد وضوی او باطل است، ولی اگر شخص دیگری آب را در دست وی بریزد و وضوگیرنده خودش آن را بر اعضا می‌ریزد و می‌شوید وضو باطل نیست ولی این‌گونه کمک گرفتن مکروه است.[۴]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، فصل في شرایط الوضو، ص ۲۸.

۲ ـ همان، م ۱۵؛ توضیح‌المسائل، م ۲۸۳.

۳ ـ توضیح‌المسائل، م ۲۸۵.

٤ ـ العروة‌الوثقی، ج ۱، في شرایط الوضو، التاسع، ص ۲۳٤.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

□ ۲ .کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد، باید نایب بگیرد که او را وضو دهد و چنان‌چه مزد هم بخواهد، در صورتی که بتواند باید بدهد، ولی خود او باید نیت وضو کند.[۱]

۳ .کسی که در وضو از دیگری کمک می‌گیرد، هرکدام از کارهای وضو را که می‌تواند به تنهایی انجام دهد، نباید در آن عمل کمک بگیرد.[۲]

٤ .کسی که دیگری را وضو می‌دهد، در مسح باید دست او را بر سر و پاهایش بکشد، مگر آنکه ممکن نباشد، که در آن صورت باید از دست او رطوبت بگیرد و با دست خود، مسح او را انجام دهد و چنانچه ممکن است بنا بر احتیاط واجب تیمّم هم بنماید.[۳]

۸. شرایط وضوگیرنده

۱ .کسی که می‌داند اگر وضو بگیرد مریض می‌شود یا می‌ترسد که مریض شود، باید تیمّم کند و اگر وضو بگیرد باطل است. ولی اگر نداند که آب برای او ضرر دارد و وضو بگیرد و بعد بفهمد که ضرر داشته، وضویش صحیح است.[۴]

۲ .وضو باید به قصد قربت انجام شود؛ یعنی برای انجام دادن فرمان خداوند عالم وضو بگیرد.[۵]

۳ .لازم نیست نیت را به زبان آورد، یا از قلب خود بگذراند، بلکه همین مقدار که می‌داند وضو می‌گیرد کافی است، به‌طوری که اگر از او بپرسند چه کار می‌کنی؟ بگوید: وضو می‌گیرم.[۶]

---

۱ .توضیح‌المسائل، م ۲۸٦. به نظر برخی از مراجع، نایب نیز باید نیّت وضو کند.
۲ .همان، م ۲۸۷.
۳ .همان، م ۲۸٦.
٤ .العروة‌الوثقی، ج ۱، في شرایط الوضوء، السابع، ص۲۳۲؛ توضیح‌المسائل، م ۲۸۸ و ٦۷۲.
۵ .توضیح‌المسائل، شرایط وضو، شرط هشتم.
٦ .همان، م ۲۸۲.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

٤ ـ چنانچه وقت نماز به قدری تنگ است که اگر وضو بگیرد، تمام نماز یا قسمتی از آن، بعد از وقت خوانده می‌شود، باید تیمّم کند.[۱]

پرسش

۱ ـ کدام یک از شرایط، مشترک بین آب وضو و ظرف آب وضو است؟

۲ ـ وضو گرفتن از نهرها و شیرهای آب کنار خیابان (جلوی مغازه‌ها) چه حکمی دارد؟

۳ ـ وضو گرفتن از آب سردکنی که مخصوص نوشیدن است چه حکمی دارد؟

٤ ـ چگونه موالات وضو به هم می‌خورد، با ذکر مثال بیان فرمایید.

٥ ـ پرستار، بیماری را که قادر به وضو نیست، کمک می‌دهد، نحوه کمک او را بیان کنید.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۲۸۰.

درس ۸

وضو(۲)

وضوی جبیره‌ای

دوایی که بر زخم می‌گذارند و چیزی که با آن، زخم یا عضو شکسته را می‌بندند، «جَبیره» نام دارد.

۱ ـ شخصی که بر اعضای وضویش زخم یا شکستگی است، اگر بتواند به‌طور معمول وضو بگیرد، باید چنین کند[۱]؛ مثلاً:

.روی زخم باز است و آب برای آن ضرر ندارد.

.روی زخم بسته است، ولی بازکردن آن امکان دارد و آب ضرر ندارد.

□ ۲ـ چنانچه زخم بر صورت یا دست‌هاست و روی آن باز است و آب ریختن روی آن ضرر دارد و گذاشتن پارچه و امثال آن روی زخم ممکن نباشد، اگر اطراف آن را بشوید کافی است.[۲]

۳ ـ اگر زخم یا شکستگی در جلو سر یا روی پاهاست و روی آن باز است، چنانچه نتواند آن را مسح کند، باید پارچه پاکی روی آن بگذارد و روی پارچه را با تری آب وضو

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۳۲٤.

۲ ـ همان، م ۳۲۵. به فتوای برخی از فقها، علاوه بر وضو، تیمّم نیز لازم است.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

که در دست مانده، مسح کند و اگر گذاشتن پارچه ممکن نباشد، باید به جای وضو تیمّم کند و بهتر است یک وضو بدون مسح نیز بگیرد.[۱]

چند مسأله:

۱ ـ کسی که نمی‌داند وظیفه‌اش وضوی جبیره‌ای است یا تیمّم، بنا بر احتیاط واجب باید هر دو را انجام دهد.[۲]

۲ ـ کسی که در کف دست و انگشت‌ها جبیره دارد و در موقع وضو، دست تر روی آن کشیده است، می‌تواند سر و پا را با همان رطوبت مسح کند، یا از جاهای دیگر وضو رطوبت بگیرد.[۳]

۳ ـ اگر در صورت و دست‌ها چند جبیره باشد، باید بین آنها را بشوید و اگر جبیره‌ها در سر یا روی پاها باشد باید بین آنها را مسح کند و در جاهایی که جبیره است باید به دستور وضوی جبیره‌ای عمل کند.[۴]

٤ ـ مقدار جبیره و وظیفه وضوگیرنده

۱. اگر جبیره، تمام اعضای وضو را گرفته باشد، باید تیمّم کند.

□۲. اگر جبیره، بعضی از اعضای وضو را گرفته باشد؛ مثل تمام صورت یا تمام یک دست، باید وضوی جبیره‌ای بگیرد.

۳. اگر جبیره، بیشتر اعضای وضو را گرفته باشد، بنابر احتیاط واجب باید وضوی جبیره‌ای بگیرد و تیمّم هم انجام دهد.

٤. اگر جبیره بیش از حد معمول اطراف زخم را پوشانده باشد و برداشتن آن ممکن نباشد، باید وضوی جبیره‌ای بگیرد و بنابر احتیاط واجب، تیمّم هم بنماید.[۵]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۳۲٦.

۲ ـ همان، م ۳٤۳.

۳ ـ همان، م ۳۳۲.

٤ ـ همان، م ۳۳٤.

۵ ـ همان، م ۳۳۰، ۳۳۱ و ۳۳۵. در فرض دوم به فتوای برخی از فقها، تیمّم نیز لازم است.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

شکیات وضو

۱ .کسی که نمی‌داند وضوگرفته یا نه، باید وضوبگیرد.[۱]

۲ .کسی که نمی‌داند وضویش باطل شده یا نه، لازم نیست دوباره وضوبگیرد.[۲]

۳ .اگرانسان دربین نمازشک کند وضوگرفته یا نه، نمازش باطل است.[۳]

٤ .اگرپس ازخواندن نماز، شک کند با وضوبوده یا نه، نمازخوانده شده صحیح است، ولی برای نمازهای بعدی باید وضوبگیرد.[۴]

۵ .اگرانسان پس ازوضوشک کند، مانعی براعضای وضوبوده یا نه، به شک اعتنا نمی‌شود ووضوصحیح است.[۵]

٦ .اگرمی‌داند چیزی براعضای وضوچسبیده ولی شک دارد که ازرسیدن آب جلوگیری می‌کند یا نه، باید آن را برطرف کند یا آب را زیرآن برساند.[۶]

۷ .اگرپس ازوضوچیزی که مانع رسیدن آب است دراعضای وضوببیند ونداند هنگام وضوبوده یا بعد پیدا شده، وضوی اوصحیح است، ولی اگربداند که دروقت وضوگرفتن ملتفت آن مانع نبوده، احتیاط واجب است که دوباره وضوبگیرد.[۷]

۸ .کسی که درکارهای وضووشرایط آن، مثل وجود داشتن مانعی براعضا، زیاد شک می‌کند، باید به شک خود اعتنا نکند.[۸]

---

۱ .توضیح‌المسائل، م ۳۰۱.
۲ .همان، م ۳۰۰.
۳ .همان، م ۳۰٤.
٤ .همان، م ۳۰۳.
۵ .همان، م ۲۹۸.
٦ .همان، م ۲۹۰.
۷ .همان، م ۲۹۷.
۸ .همان، م ۲۹۹.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

مبطلات وضو

آنچه وضورا باطل می‌کند عبارتند از:

۱.خارج شدن ادرار یا مدفوع؛

۲.خارج شدن باد معده و روده از مخرج غائط؛

۳.خواب، به حدّی که گوش نشنود و چشم نبیند؛ چرت زدن اگر در این حدّ نباشد وضو باطل نمی‌شود.

٤.چیزهایی که عقل را از بین می‌برد؛ مانند دیوانگی، مستی، بیهوشی.

□ ٥.آنچه سبب غسل شود؛ مانند جنابت و مَسّ میت.[۱]

٦.استحاضه[۲] زنان.[۳]

آداب وضو[٤]

برخی از مستحبات وضو

۱.مصرف آب بیش از یک مُدّ نباشد (یک مُدّ حدود ۷۵۰ گرم است).

۲.مسواک کردن دندان‌ها، هر چند با انگشت.

۳.اگر از ظرف، وضو می‌گیرد، آن را سمت راست خود قرار دهد.

٤.شستن دست‌ها قبل از شروع وضو.

٥.مضمضه (آب در دهان گرداندن).

٦.استنشاق (آب در بینی کردن و بیرون ریختن).

۱.به فتوای برخی از فقها مسّ میت وضورا باطل نمی‌کند.

۲.استحاضه زنان وضورا باطل می‌کند و در برخی موارد نیازی به غسل ندارد.

۳.توضیح‌المسائل، م ۳۲۳.

٤.این بخش از درس را می‌توان به مطالعه شاگردان واگذار کرد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۷ ــ گفتن «بسم‌الله» هنگامی که دست را در آب می‌برد یا آب را بر آن می‌ریزد و بهتر است بگوید «بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنی مِنَ التَّوّابینَ وَ اجْعَلْنی مِنَ الْمُتَطَهِّرینَ».

۸ ـ آب را در دست راست بریزد، هرچند برای شستن دست راست؛ بدین معنا که اوّل آب را در دست راست بریزد سپس در دست چپ و بعد بر دست راست بریزد.

۹ ـ خواندن دعاهای وضو.

۱۰ ـ ریختن آب، قسمت بالای عضو.

۱۱ ـ ریختن آب بر عضو، نه فرو بردن عضو در آب.

۱۲ ـ کشیدن دست بر اعضا، هرچند بدون کشیدن دست، شسته شود.

۱۳ ـ انجام دادن تمام اعمال وضو با حضور قلب.

۱٤ ـ خواندن سوره «قدر» هنگام وضو.

۱۵ ـ خواندن «آیةالکرسی» پس از وضو.

۱٦ ـ بازگذاشتن چشم‌ها هنگام شستن صورت.

۱۷ ـ و نیز مستحب است برای شستن بار اوّل دست‌ها، مردان آب را بر قسمت بیرونی آرنج، و زنان بر قسمت داخلی، جایی که دست خم می‌شود بریزند.[۱]

مکروهات وضو

۱ ـ کمک گرفتن از دیگران در مقدمات قریبه وضو؛ مثل ریختن آب در دست وضوگیرنده.

۲ ـ وضوگرفتن در محل استنجاء، مثلاً در توالت.

۳ ـ وضوگرفتن از ظرفی که طلاکوب یا نقره‌کوب است یا نقش صورت بر آن است.

٤ ـ وضوگرفتن با این آب‌ها:

*آبی که در آفتاب گرم شده؛

*آبی که در غسل واجب بکار رفته؛

---

۱ ـ العروة الوثقی، ج ۱، فصل في بعض مستحبات الوضوء، صص ۱۹۸ تا ۲۰۰.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

* آب متعفّن. (ولی اگر مضاف باشد وضو باطل است و اگر ضرر داشته باشد، جایز نیست)

* آب نیم‌خورده حیوان حرام‌گوشت.[۱]

پرسش

۱ـ اگر یک دست را به طور کامل جبیره پوشانده است و بازکردن جبیره هم ممکن نیست، وظیفه وضوگیرنده چیست؟

۲ـ اگر شست پا و دو انگشت دیگر را با جبیره پوشانده باشد، وظیفه وضوگیرنده برای مسح چیست؟

۳ـ اگر انسان بعد از نماز چیزی بر اعضای وضو ببیند و نداند مربوط به چه زمانی است تکلیف چیست؟

٤ـ کسی که به میتی دست زده، وظیفه‌اش برای نماز چیست (وضو یا غسل)؟

۵ـ اگر چیزی بر اعضای وضو است که نمی‌داند مانع رسیدن آب به پوست بدن است یا نه، تکلیف چیست؟

٦ـ کدام یک از مستحبات وضو مربوط به آب وضوست؟

۷ـ آیا بین وضوی مردان و زنان تفاوتی وجود دارد؟

۱ـ العروة الوثقی، ج ۱، فصل في مکروهات الوضوء، صص۲۰۰ تا ۲۰۲.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۹

غُسل

﴿لاَ تَقْرَبُواْ الصَّلاَةَ وَأَنتُمْ سُكَارَى حَتَّىَ تَعْلَمُواْ مَا تَقُولُونَ وَلاَ جُنُبًا إِلاَّ عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىَ تَغْتَسِلُواْ﴾[1]

«ای کسانی که ایمان آورده اید ، آنگاه که مست هستید گرد نماز مگردید، تابدانید که چه می‌گویید و نیز در حال جنابت، تا غسل کنید.»

گاهی باید برای نماز (و هرکاری که نیاز به طهارت دارد) وضو گرفت، که موارد آن در درس‌های گذشته گفته شد، ولی گاهی باید غسل کرد؛ یعنی برای اطاعت فرمان خداوند تمام بدن را شست و گاهی علاوه بر غسل وضو نیز لازم است. غسل نیز مانند وضو گاهی واجب و گاهی مستحب است، اما هیچ‌گاه غسل به خودی خود نه واجب است نه مستحب؛ بلکه نیاز به سبب و موجب دارد، اکنون به بیان موارد غسل و چگونگی آن می‌پردازیم:

---

۱. نساء: ۴۳.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

اقسام غسل

- **۱- واجب**
  - **۱- برای مردان و زنان**
    - ۱-جنابت
    - ۲- مس میت
    - ۳- میت
  - **۲-ویژه بانوان**
    - ۱ -حیض
    - ۲ -استحاضه
    - ۳ -نِفاس
- **۲-مستحب**
  - **۱-زمانی،** غسلی که برای زمان خاصی مستحب است، مانند: شب قدر و روز عرفه و غسل جمعه
  - **۲-مکانی،** غسلی که به جهت رفتن به مکان معینی مستحب می‌شود، مانند: رفتن به مسجدالحرام
  - **۳-فعلی،** غسلی که برای انجام دادن کار خاصی مستحب است، مانند: غسل احرام عمره یا حج[1]

کیفیت غسل

در غسل باید تمام بدن و سر و گردن شسته شود، خواه غسل واجب باشد؛ مانند جنابت؛ یا مستحب؛ مانند غسل جمعه.

چگونگی غسل

- □ **۱.ترتیبی**[2]
  - اول سر و گردن را بشوید.
  - و سپس نیمه راست بدن.
  - و بعد از آن نیمه چپ بدن را.
- **۲.ارتماسی**
  - * با نیت غسل، یك باره زیر آب می‌رود، به طوری که تمام بدن در آب قرار گیرد.
  - * یا به تدریج زیر آب می‌رود، که در نهایت تمام بدن در آب قرار گیرد.
  - * یا زیر آب رفته و در آب به نیت غسل بدن را حرکت می‌دهد.

---

۱ - تحریر الوسیله، ج۱، کتاب الطهارة، فصل فی الاغسال، ص ۳۶، والقول فی الاغسال المندوبة، ص ۹۷.

۲. توضیح المسائل، م ۳۶۱، ۳۶۷ و ۳۶۸. به فتوای برخی از فقها بعد از شستن سر و گردن به احتیاط واجب ابتدا طرف راست و بعد طرف چپ باید شسته شود. به نظر برخی دیگر بین طرف راست و چپ بدن ترتیب شرط نیست و شستن کامل بدن بعد از سر و گردن کفایت می کند.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

احکام غسل

۱ ـ تمام شرط‌هایی که برای صحّت وضو گفته شد، در صحّت غسل هم شرط است، به جز موالات و از بالا به پایین شستن بدن.[۱]

۲ ـ کسی که چند غسل بر او واجب است، می‌تواند به نیت همه آنها یک غسل بجا آورد.[۲]

□ ۳ ـ کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد، ولی با غسل‌های دیگر نمی‌تواند نماز بخواند و باید وضو هم بگیرد.[۳]

□ ٤ ـ در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد، ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن لازم نیست، و اگر هر قسمتی را پیش از غسل دادنِ همان قسمت تطهیر کند کافی است.[۴]

□ ٥ ـ غسل جبیره‌ای مثل وضوی جبیره‌ای است، ولی بنابر احتیاط واجب باید آن را ترتیبی بجا آورد.[۵]

٦ ـ در غسل لازم نیست تمام بدن با دست شسته شود و اگر با نیت غسل، آب به تمام بدن برسد کافی است.[۶]

□ ۷ ـ اگر در بین غسل، یکی از مبطِلات وضو پیش آید غسل باطل نمی‌شود، ولی باید

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۳۸۰.

۲ ـ همان، م ۳۸۹.

۳ ـ همان، م ۳۹۱. به فتوای برخی از مراجع تقلید، با سایر غسل‌های واجب، بلکه برخی از غسل‌های مستحب نیز می‌توان بدون وضو نماز خواند.

٤ ـ همان، م ۳۷۲. به فتوای برخی از فقها، پاک بودن بدن قبل از غسل لازم نیست، بلکه اگر با فرو رفتن در آب یا آب ریختن بر بدن به قصد غسل، بدن پاک شود، غسل صحیح است.

٥ ـ همان، م ۳۳۹. به فتوای برخی از فقها، غسل جبیره‌ای ارتماسی نیز صحیح است.

٦ ـ استفتاآت، ج ۱، ص ٥٦، س ۱۱۷.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

برای نمازوضوبگیرد، هرچند غسل جنابت باشد.[۱]

پس ازتعریف وتقسیم غسل، به بیان مسایل هریک ازغسل‌های واجب می‌پردازیم:

غسل جنابت

۱ - کسی که جنب شده باشد باید برای انجام دادن کارهایی که مشروط به طهارت است غسل جنابت انجام دهد.[۲]

۲ - چنانچه ازانسان منی بیرون آید یا جماع (آمیزش) کند هرچند منی بیرن نیاید، جنب می‌شود.[۳]

کارهایی که بر جنب حرام است

* رساندن جایی ازبدن به خط قرآن، اسم خداوند وبنابراحتیاط واجب، اسامی پیامبران وائمه علیهم‌السلام؛

* رفتن به مسجدالحرام ومسجدالنّبی صلی‌الله‌علیه‌وآله هرچند ازیک دروارد وازدردیگرخارج شود؛

* توقف درمساجد؛

*گذاشتن چیزی درمسجد، هرچند ازبیرون مسجد باشد؛

□ *خواندن سوره‌هایی ازقرآن که سجده واجب دارد، حتی یک حرف ازآن؛[۴]

□ * توقف درحرم امامان علیهم‌السلام (بنابراحتیاط واجب).[۵]

---

۱ .توضیح‌المسائل، م ۳۸۶ . به فتوای برخی از فقها، باید غسل را از سربگیرد.

۲ .تحریرالوسیله، ج ۱، فصل في الاغسال، ص ۳۶، م ۱.

۳ .همان.

٤ .به فتوای برخی از فقها، فقط خواندن آیه سجده حرام است.

۵ .تحریرالوسیله، ج ۱، القول في احکام الجنب، صص ۳۸ و ۳۹ . برخی از فقها حرم امامان را ملحق به مسجد النّبی و توقف درآنها را حرام می دانند.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

دو مسأله:

۱ ـ اگر جنب از یک در مسجد وارد و از در دیگر خارج شود (عبور بدون توقف) مانع ندارد، بجز مسجد الحرام و مسجد النّبی که عبور هم جایز نیست.[۱]

۲ ـ نمازخانه مؤسسات و ادارات حکم مسجد ندارد، مگر آنکه به عنوان مسجد وقف شده باشد. حرم امامزادگان نیز حکم حرم امامان را ندارد.[۲]

سوره‌های سجده‌دار قرآن:[۳]

- سوره ۳۲ = سجده، آیه ۱۵ ﴿ اِنَّما یؤمن بایاتِنا الّذین...﴾
- سوره ٤۱ = فُصِّلت، آیه ۳۷ ﴿وَمِن آیاتِهِ اللَّیلِ وَالنَّهارِ...﴾
- سوره ۵۳ = نَجم، آیه آخر ﴿فَاسْجُدوا للهِّ واعْبُدُوا﴾
- سوره ۹٦ = عَلَق، آیه آخر ﴿کلاّ لا تُطِعْهُ واسْجُدْ وَاقْتَرِبْ﴾

غسل میّت و غسل مس میّت

احکام این دو غسل در درس ۸۲ (احکام اموات) خواهد آمد.

پرسش

۱ ـ وجه افتراق و اشتراک غسل ترتیبی و ارتماسی چیست؟

۲ ـ شرایط صحّت غسل را برشمارید؟

۳ ـ اگر شخصی در بین غسل جنابت ادرارکند، غسلش چه حکمی دارد و وظیفه‌اش نسبت به نماز چیست؟

٤ ـ اگرانسان پس ازغسل متوجه شود، مقداری ازطرف راست بدن خشک مانده، تکلیف چیست؟

۵ ـ دررابطه با قرآن چه کارهایی بر جنب حرام است؟

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج۱، القول في احکام الجنب، ص ۳۸.

۲ ـ العروةالوثقی ـ ج ۱، في ما یحرم علی الجنب، ص ۲۸۸، م ۳؛ استفتاآت، ج ۲، ص ۳٤۳.

۳ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، فصل في غسل الجنابة، القول في احکام الجنب، صص ۳۸ و ۳۹.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۱۰

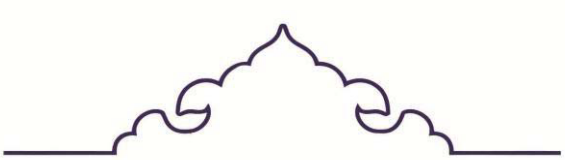

تیمّم

﴿ وَ إِنْ كُنتُم مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لامَسْتُمُ النِّسَآءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَآءً فَتيمّموا صَعِيداً طَيبا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيدِيكُم مِنْهُ ﴾.[1]

«اگر بیمار، یا در سفر باشید، یا یکی از شما از قضای حاجت آمد، یا با زنان نزدیکی کردید و آبی نیافتید، پس با خاک پاک تیمّم کنید و از آن به صورت و دست‌هایتان بکشید...»

موارد تیمّم

در این موارد باید به جای وضو و غسل تیمّم کرد:

۱ ـ آب نباشد، یا انسان دسترسی به آن نداشته باشد.

۲ ـ آب برای انسان ضرر داشته باشد؛ مثلاً به سبب استفاده از آب، مرضی در او پیدا می‌شود.

---

۱. مائده: ٦.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۳ ـ اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند، بیم آن می‌رود که خود یا همسر یا فرزندان یا رفیق، یا کسانی که به وی مربوطند، از تشنگی بمیرند یا مریض شوند یا به قدری تشنه شوند که تحمل آن مشقت دارد و همچنین کسی که حفظ جان او واجب است طوری تشنه باشد که اگر آب را به او ندهند تلف می‌شود.

٤ ـ بدن یا لباس او نجس است و آب بیش از تطهیرِ آن ندارد، و لباس دیگری هم ندارد.

۵ ـ وقت برای وضو گرفتن یا غسل کردن ندارد به طوری که اگر وضو بگیرد یا غسل کند، تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می‌شود.[۱]

چند مسأله:

۱ ـ اگر عمداً نماز را به قدری تأخیر بیندازد که وقت وضو یا غسل نداشته باشد، معصیت کرده ولی نماز او با تیمّم صحیح است، گرچه احتیاط مستحب است قضای آن نماز را بخواند.[۲]

۲ ـ کسی که شک دارد اگر وضو بگیرد یا غسل کند وقت برای نماز او می‌ماند یا نه، باید تیمّم کند.[۳]

۳ ـ اگر انسان به قدری وقت دارد که می‌تواند وضو بگیرد یا غسل کند و نماز را بدون کارهای مستحب آن؛ مثل اقامه و قنوت بخواند، باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بدون کارهای مستحب آن بجا آورد، بلکه اگر به اندازه سوره هم وقت ندارد باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بدون سوره بخواند.[۴]

---

۱ ـ توضیح المسائل، تیمّم.
۲ ـ همان، م ٦٧٩.
۳ ـ همان، م ٦٨٠.
٤ ـ همان، م ٦٨٣.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

استفتاء

س ـ اگر در جایی انسان، مانند منزل خود جنب شود و به عللی، مثل دور بودن حمام یا خجالت کشیدن یا... در حال جنابت بماند تکلیف چیست و همین‌طور در کوه و بیابان که به موقع دسترسی به آب ندارد؟

ج ـ عذرهای ذکر شده، مجوّز تیمّم نیست و باید غسل کند، ولی اگر غسل کردن به واسطه نبودن آب یا دور بودن آب و دسترسی نداشتن به آن میسور نبود، باید برای نماز تیمّم کند.[1]

کیفیت تیمّم

□ برای تیمّم، اعمال ذیل باید به ترتیب انجام داده شود:

- زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمّم بر آن صحیح است.
- کشیدن کف هر دو دست بر تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر می‌روید تا ابروها و بالای بینی و بنابر احتیاط واجب باید دست‌ها روی ابروها هم کشیده شود.
- کشیدن کف دست چپ بر تمام پشت دست راست.
- کشیدن کف دست راست بر تمام پشت دست چپ.

تمام کارهای تیمّم باید با قصد تیمّم و برای اطاعت از دستور الهی انجام شود و نیز باید معلوم کند که تیمّم به جای وضو است یا غسل و چه غسلی.[2]

چیزهایی که تیمّم بر آنها صحیح است:

* خاك
* ریگ

---

۱ ـ استفتاآت، ج ۱، ص ۹۲، س ۲۳۶.

۲ ـ توضیح‌المسائل، م ۷۰۰. به فتوای برخی از فقها احتیاط آن است که یک بار دست‌ها را بر زمین زده و بر پیشانی و پشت دست‌ها بکشد و یک بار دیگر بر زمین بزند و بر دست‌ها بکشد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

- *اقسام سنگ‌ها؛ مانند سنگ سیاه، سنگ مرمر، سنگ گچ و سنگ آهک (پیش از پخته شدن) ولی تیمّم بر جواهر، مانند عقیق و فیروزه باطل است.
- *گل پخته؛ مانند آجر و کوزه.[۱]

چند مسأله:

۱ ـ تیمّمی که به جای وضو است با تیمّمی که به جای غسل است، تفاوتی ندارد مگر در نیت.[۲]

۲ ـ کسی که به جای وضو تیمّم کرده است؛ اگر یکی از چیزهایی که وضو را باطل می‌کند از او سر بزند تیمّمش باطل می‌شود.[۳]

۳ ـ کسی که به جای غسل تیمّم کرده است، هرگاه یکی از موجبات غسل، مثل جنابت یا مسّ میت پیش آید تیمّمش باطل می‌شود.[۴]

٤ ـ تیمّم در صورتی صحیح است که انسان نتواند وضو بگیرد، یا غسل کند، بنابر این اگر بدون عذر تیمّم کند صحیح نیست و اگر عذر داشته باشد و برطرف شود؛ مثلاً آب نداشته و آب پیدا کند، تیمّم او باطل می‌شود.[۵]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ٦٨٤ و ٦٨٥؛ العروة الوثقی، ج ۱، فصل في بيان ما يصح التيمّم به، ص ٤٨٥. به فتوای برخی از فقها، تیمّم بر سنگ گچ و سنگ آهک و گل پخته صحیح نیست و بعضی دیگر تیمّم بر گچ و آهک را نیز صحیح می‌دانند.

۲ ـ توضیح المسائل، م ۷۰۱.

۳ ـ همان، م ۷۲۰.

٤ ـ همان، م ۷۲۰.

۵ ـ همان، م ۷۲۲.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

□ ۵ .اگر به جای غسل جنابت تیمّم کند، لازم نیست برای نماز وضو بگیرد، ولی اگر به جای غسل‌های دیگر تیمّم کند، با آن تیمّم نمی‌تواند نماز بخواند و باید برای نماز وضو بگیرد و اگر نتواند وضو بگیرد، باید تیمّم دیگری به جای وضو انجام دهد.[۱]

□ ٦ .اگر بدل از غسل، تیمّم کند و بعد کاری که وضو را باطل می‌کند برای او پیش آید، چنانچه برای نمازهای بعد نتواند غسل کند باید وضو بگیرد و اگر نمی‌تواند وضو بگیرد، باید بدل از وضو تیمّم نماید.[۲]

شرایط صحّت تیمّم

* اعضای تیمّم یعنی پیشانی و دست‌ها پاک باشد؛
* پیشانی و پشت دست‌ها را از بالا به پایین مسح کند؛
* چیزی که بر آن تیمّم می‌کند پاک و مباح باشد؛
* ترتیب را رعایت کند؛
* موالات را رعایت کند؛
* چیزی بین دست و پیشانی و دست و پشت دست، به هنگام مسح، فاصله نباشد.[۳]

تیمّم کسی که دستش قطع شده

۱ .کسی که یک دستش قطع شده، برای تیمّم باید دست دیگر را بر زمین بزند و بر

---

۱ .همان، م ۷۲۳ . به نظر برخی از فقها، تیمّم بدل از وضو در این صورت، واجب نیست بلکه احتیاط مستحب است.

۲ .توضیح المسائل ، م ۷۲٤ . به فتوای برخی از فقها، اگر برای نمازهای بعد نتواند غسل کند باید بدل از غسل تیمّم کند و احتیاط مستحب است وضو هم بگیرد و به فتوای برخی از فقها باید وضو بگیرد و احتیاط آن است تیمم بدل از غسل نیز انجام دهد.

۳ .العروة الوثقی، ج ۱، فصل في كيفية التيمّم، ص ٤٩٥؛ توضیح المسائل، م ٦٩٢ ـ ٦٩٤، ٧٠٤ تا ٧٠٦ .

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

پیشانی بکشد و پس از آن پشت دست را بر زمین بکشد. چنانچه با یک بارکشیدن دست بر پیشانی تمام آن مسح نشد، دوبار دست را بر پیشانی بکشد.[۱]

۲ ـ کسی که دو دستش قطع شده، برای تیمّم باید پیشانی را بر چیزی که تیمّم صحیح است بکشد و چنانچه با یک بار تمام پیشانی مسح نشد تکرار می‌کند و اگر خودش نتواند تیمّم کند، نایب می‌گیرد.[۲]

پرسش

۱ ـ در چه صورتی، در تنگی وقت، باید به جای وضو یا غسل، تیمّم کرد؟

۲ ـ تیمّم بر موزاییك، بتون، خشت، کاشی و کوزه چه حکمی دارد؟

۳ ـ کدام یک از شرایط وضو، شرط صحّت تیمّم نیز هست؟

٤ ـ آیا جنب می‌تواند با تیمّم بدل از غسل به مسجد برود؟

٥ ـ کدامیک از شرایط صحت وضو و غسل با هم مشترکند؟

---

۱ ـ استفتاآت، ج ۱، ص ۹٤.

۲ ـ همان.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۱۱

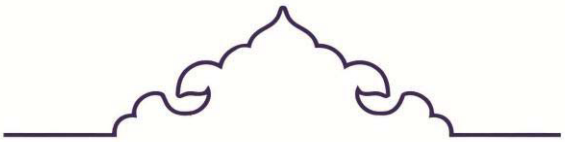

نجاسات (۱)

«طهارت» غیراز «نظافت» و «نجاست» غیراز «کثافت» است. ممکن است چیزی تمیز باشد ولی ازنظر احکام اسلام پاک نباشد، خواسته اسلام، هم طهارت است و هم نظافت؛ یعنی انسان باید به فکر پاکی و تمیزی خود و محیط و زندگی‌اش باشد و برای برخی اعمال، طهارت کسب کند، و اکنون سخن درباره طهارت است:

برای پاکی ازنجاسات، شناخت آنها وراه پاک کردن اشیای نجس نیزلازم است.[۱]

نجس و مُتنجّس

نجس چیزی است که به خودی خود نجس است که به آن «عین نجس» نیزگفته می‌شود مانند خون و مردار.

مُتنَجس چیزی است که به خودی خود نجس نیست ولی به واسطه برخورد با شیء نجس، نجس شده است، مثل فرشی که با ادرار نجس شده باشد.

---

۱ .پاک بودن بدن و لباس، اختصاص به نماز ندارد و در مواردی دیگراز جمله در حال احرام و طواف نیزلازم است و این بحث در ابواب دیگرفقهی نیزبه تناسب مطرح خواهد شد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه



ادرار و مدفوع

۱. ادرار و مدفوع انسان و تمام حیوان‌های حرام گوشت که خون جهنده دارند، مثل گربه و روباه نجس است.

۲. ادرار و مدفوع حیوان‌های حلال گوشت، مانند گاو و گوسفند و حیوان‌هایی که خون جهنده ندارند، مانند: مار و ماهی پاک است.[2]

۳. بول و غائط حیوان‌هایی که گوشت آنها مکروه است؛ مانند اسب و الاغ پاک است.[3]

□ ٤. فضله پرندگان حرام‌گوشت؛ مانند کلاغ نجس است.[4]

---

۱. حیوانی خون جهنده دارد که اگر رگ آن را بِبُرند، خون از آن جستن می کند.
۲. العروة‌الوثقی، ج ۱، فصل في النجاسات، ص ۵۵.
۳. همان
٤. توضیح‌المسائل، م ۸۵. به فتوای اکثر مراجع تقلید، فضله پرندگان نجس نیست.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

۵ ـ بول و غائط حیوانی ـ مثلاً پرنده‌ای ـ که معلوم نیست حلال گوشت است یا حرام گوشت، پاک است.[۱]

۶ ـ فضله‌ای که معلوم نیست از حیوانِ خون جهنده‌دار است، یا غیر آن؛ مثلاً معلوم نباشد از موش است یا سوسک، پاک است.[۲]

انسان مرده

۱ ـ انسان مرده هر چند تازه از دنیا رفته باشد و بدنش سرد نشده باشد (به جز اجزای بی‌روح او؛ مانند ناخن و مو و دندان) تمام بدنش نجس است، مگر آنکه:[۳]

الف) شهید در میدان جنگ (معرکه) باشد.

ب) اورا غسل داده باشند (سه غسلش تمام شده باشد).

حیوان مرده‌ای که به طریق شرعی ذبح نشده باشد «مردار» است.

۲ ـ کسانی که در بمب‌گذاری‌ها یا ترور دشمنان به شهادت می‌رسند یا افرادی که در جبهه نبرد مجروح می‌شوند و بیرون معرکه جان می‌دهند، مشمول این حکم نیستند.[۴]

۳ ـ معرکه، محدوده تیررس دشمن است، تا آنجایی که درگیری بین نیروهای دو طرف جریان دارد و اختصاص به خط مقدم یا هنگام پیش روی ندارد.[۵]

حیوان مرده

حیوان مرده‌ای که به طریق شرعی ذبح نشده باشد «مردار» است.

---

۱. العروة الوثقی، ج۱، فصل في النجاسات، ص۵۷، م۳.

۲ ـ توضیح المسائل، م ۸۵ .

۳ ـ العروة الوثقی، ج ۱، فصل في النجاسات، ص ۵۸، الرابع و ص ۶۱، م ۱۲.

۴ ـ استفتاآت، ج ۱، ص ۸۳، س ۲۰۶.

۵ ـ همان، ج ۱، ص ۵۰۴، س ۴۲.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

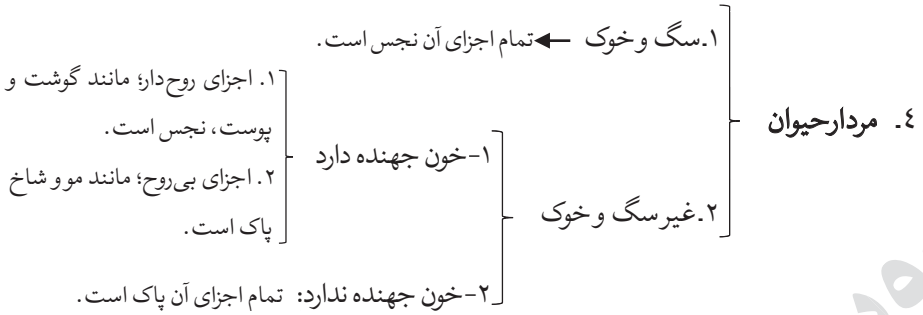

۵ .اجزایی که در حال حیات (قبل از مردن) از بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد جدا می‌شود، در حکم طهارت و نجاست با اجزای مردار تفاوتی ندارد؛ یعنی اگر جزء بی‌روح باشد پاک است واگر روح‌دار باشد نجس است.[۱]

احکام اشیای چرمی

۱ .اشیایی که از اجزای بی‌روح حیوان .غیر از سگ و خوک .تهیه شده پاک است، هرچند ذبح شرعی نشده باشد، بنابراین لباس‌های پشمی، کرکی، مویی، پاک است، هرچند غیرمسلمان آن را ساخته باشد، یا در بازار غیرمسلمین به فروش می‌رسد، ولی اگر از مردار یا حیوان حرام گوشت باشد، نماز خواندن با آن لباس باطل است.[۲]

۲ .اشیایی که از اجزای روح‌دار مردار حیوان خون جهنده‌دار تهیه شده باشد نجس است، مانند چیزهایی که از چرم تهیه می‌شود؛ مثل کفش، کیف، کلاه، کمربند، کاپشن، دستکش و بند ساعت.[۳]

۳ .چیزی که معلوم نیست چرم است یا نه، محکوم به طهارت است.[٤]

---

۱ .العروة‌الوثقی، ج ۱، فصل في النجاسات، ص ٦۲، الرابع و م ۱.
۲ .همان، ص ۵۸.
۳ .همان.
٤ .همان، ص ٦۲.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

٤ ـ چرمی که معلوم نیست از حیوان خون جهنده‌دار است یا نه، محکوم به طهارت است؛ مانند کمربندی که معلوم نیست از پوست مار است یا غیر آن.[۱]

شیر و فرآورده‌های لَبَنی

۱ ـ شیر و فرآورده‌های لبنی که از حیوان حلال‌گوشت زنده گرفته می‌شود؛ مانند ماست، پنیر، کشك، کره و خامه که از گاو و گوسفند است، همگی پاک و خوردن آنها حلال است، هرچند غیر مسلمان آن را تهیه کرده باشد، یا در بازار غیر اسلامی به فروش برسد، یا از کشورهای غیر اسلامی آورده باشند، مگر آنکه انسان یقین کند نجس شده است و شک و احتمال تأثیر ندارد و نیاز به تحقیق و جست‌وجو نیست.[۲]

۲ ـ شیر و فرآورده های لبنی حیوان حرام‌گوشت، حرام است.

پرسش

۱.ادرار و مدفوع و خون چه حیواناتی نجس است؟

۲.مردار این حیوانات چه حکمی دارد: مرغ، مرغابی، موش، میش، مار، ماهی، سوسك، مارمولك؟

۳.کیف و کفش و کلاهی که ساخت کشورهای غیر اسلامی است ولی در کشور اسلامی به فروش می‌رسد، پاک است یا نجس؟

٤ ـ آیا از پشم گوسفند مرده می‌توان استفاده کرد؟

٥ ـ اگر بدن انسان خراش بردارد و قسمتی از پوست آن کنده شود، آیا پوست جدا شده پاک است؟

---

۱ ـ العروة الوثقی، ج ۱، فصل في النجاسات، ص ٦٢.

۲ ـ برای آشنایی بیشتر به درس ۷٥ مراجعه کنید.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

نجاسات (۲)

خون

۱ ـ خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد نجس است؛ مانند مرغ و گوسفند.

۲ ـ خون حیوانی که خون جهنده ندارد، پاک است؛ مانند ماهی و پشه.

□ ۳ ـ خونی که گاهی در تخم‌مرغ دیده می‌شود نجس نیست، ولی بنابر احتیاط واجب باید از خوردن آن اجتناب کرد و اگر خون را با زرده تخم مرغ به هم بزنند که از بین برود، خوردن زرده هم مانعی ندارد.

٤ ـ خونی که از لَثه بیرون می‌آید، اگر با آب دهان مخلوط شده و از بین برود پاک است و در آن صورت فرو بردن آب دهان هم اشکال ندارد.

۵ ـ خونی که به واسطه کوبیده شدن زیر ناخن یا زیر پوست می‌میرد، اگر به‌گونه‌ای عوض شود که به آن خون نگویند (استحاله شود) پاک است و اگر هنوز به آن خون گفته می‌شود، نجس است. تا زمانی که زیر ناخن یا پوست است و راهی به بیرون ندارد، بیرون آوردن لازم نیست و برای وضو و غسل هم اشکال ندارد.[1]

---

۱ ـ توضیح‌المسائل، م ۹٦ ، ۹۸ تا ۱۰۱. به نظر برخی از مراجع تقلید، خون در تخم‌مرغ نجس است. و به نظر برخی دیگر پاک ولی خوردن آن حرام است و به نظر برخی دیگر پرهیز از آن احتیاط مستحب است.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

درموارد زیر حکم به طهارت می‌شود:

۱ ـ شیء قرمز رنگی که معلوم نباشد خون است یا نه.[۱]

۲ ـ خونی که معلوم نباشد از حیوان خون جهنده‌دار است یا نه؟ مثل اینکه خونی در لباس خود می‌بیند و نمی‌داند خون پشه است یا بدن خودش.[۲]

۳ ـ خون حیوانی که معلوم نیست آن حیوان خون جهنده‌دار است یا نه.[۳]

٤ ـ زردآبه‌ای که در حال بهبودی زخم در اطراف آن پیدا می‌شود و معلوم نیست که با خون مخلوط شده است یا نه.[۴]

شراب

۱ ـ شراب و هر مایع مست‌کننده (که در اصل مایع است) گرچه به شکل جامد درآید نجس است.[۵]

۲ ـ شیء جامد مست کننده؛ مانند بنگ و حشیش نجس نیست، هرچند آن‌را ساییده و با آب مخلوط کنند و به صورت مایع درآورند.[۶]

□ ۳ ـ آب انگور جوش آمده اگر مست کننده باشد، نجس است و اگر مست کننده نباشد، گرچه خوردن آن حرام است ولی نجس نیست.[۷]

□ ٤ ـ خرما و کشمش را اگر همراه غذا (مثل برنج) بپزند حرام نیست، هرچند به جوش آید.[۸]

---

۱ ـ العروة الوثقی، ج ۱، في النجاسات، ص ٦٤، م ۷.

۲ ـ همان.

۳ ـ همان.

٤ ـ توضیح المسائل، م ۱۰٤.

۵ ـ همان، م ۱۱۱.

٦ ـ همان.

۷ ـ العروة الوثقی، ج ۱، في النجاسات، ص ٦۹، م ۱. برخی از مراجع تقلید، آن را نجس دانسته‌اند.

۸ ـ همان، ص ۷۰، م ۳. برخی از مراجع تقلید آن را نجس و حرام می‌دانند.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

کافر

این افراد کافر و نجس هستند:

- منکر خدا (کسی که وجود خداوند را انکار کند؛
- منکر توحید (کسی که برای خدا شریک قرار دهد)؛
- منکر پیامبری حضرت محمّد صلی الله علیه و آله، (کسی که نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را انکار کند)؛
- منکر ضروری دین؛[۱] در صورتی که بداند آن چیز ضروری دین است و انکار آن به انکار رسالت یا تکذیب پیامبر صلی الله علیه و آله یا نقص دین بازگردد؛
- کسی که به ائمه اطهار علیهم السلام دشنام دهد یا با آنها دشمنی ورزد، هرچند با یکی از آنها باشد.[۲]

چگونه چیز پاک نجس می‌شود؟

اگر شیء پاک به چیز نجس برخورد کند و یکی از آن دو (چیز پاک یا نجس) طوری تر باشد که رطوبت یکی از آن دو به دیگری برسد نجس می‌شود.[۳]

□ ۲ ـ چیزی که نجس شده (مُتنجّس) نیز نجس‌کننده است ولی واسطه چهارم هرچند خودش نجس است اما نجس‌کننده نیست؛ مثلاً اگر دست انسان به لباس نجس برخورد کند و سپس به دستگیره در بگذارد و خشک شود و دیگری دست خیس به دستگیره بگذارد هرچند دست او نجس می‌شود ولی چون دست او واسطه چهارم است نجس‌کننده چیزهای دیگر نخواهد بود.[۴]

---

۱ ـ ضروری دین، یعنی چیزی که مسلمانان جزء دین اسلام می‌دانند مانند نماز و روزه.

۲ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في النجاسات، ص ۱۱۸، العاشر.

۳ ـ توضیح المسایل، م ۱۲۵.

٤ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، في کیفیة التنجّس، ص ۱۲۳، م ۹. به فتوای برخی از فقها، واسطه سوم نجس‌کننده نیست. و برخی از مراجع تمام واسطه ها را نجس می‌دانند و فرقی بین آنها نیست.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

درموارد زیر حکم به پاکی می‌شود:

*معلوم نباشد پاک و نجس به هم برخورد کرده‌اند یا نه؛

* معلوم نباشد چیز پاک و نجس مرطوب بوده‌اند یا نه؛

* معلوم نباشد رطوبت یکی به دیگری سرایت کرده است یا نه.[۱]

چند مسأله:

۱ ـ خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است.[۲]

۲ ـ اگر انسان ببیند کسی چیز نجسی را می‌خورد یا با لباس نجس نماز می‌خواند، لازم نیست به او تذکر دهد ولی اگر میزبان متوجه شود غذا نجس است باید به میهمان‌ها بگوید.[۳]

۳ ـ اگر انسان نداند چیز پاک نجس شده یا نه، پاک است و جست‌وجو و وارسی هم لازم نیست، هرچند بتواند نجس بودن یا پاک بودن آن را بفهمد، بنابر این در مثال‌هایی که آورده خواهد شد، حکم به طهارت می‌شود و نیاز به سؤال کردن و تحقیق و پرهیز نیست.[۴]

- وسایل منزل کسانی که به طور کامل مقید به طهارت و نجاست نیستند ـ حتی اگر مسلمان نباشند ـ درصورتی که یقین به نجس شدن آنها نباشد، پاک است.
- عطر و ادکلنی که غیرمسلمان ساخته است ولی معلوم نیست که با بدن وی تماس داشته یا نه، پاک است.

---

۱ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۲۶؛ العروة الوثقی، احکام النجاسات، ج ۱، ص ۷۹، م ۱.

۲ ـ همان، م ۱۴۱.

۳ ـ همان، م ۱۴۳.

٤ ـ همان، م ۱۲۳ و العروة‌الوثقی، ج ۱، احکام النجاسات، ص ۷۹، م ۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

- خوراکی‌هایی از قبیل: قند، شکر، بیسکویت، شکلات، آدامس و غیره، اگر در ساخت آنها غیرمسلمان دست داشته باشد، ولی یقین به تماس با بدن وی نداریم و به‌گونه‌ای دیگر نجس نشده، پاک است.

پرسش

۱ـ خون این حیوانات چه حکمی دارد: گنجشک، گوسفند، پشه، قورباغه؟

۲ - پنیر، کره، نوشابه، روغن، قند و شکری که از کشورهای غیر اسلامی آورده می‌شود چه حکمی دارد؟

۳ ـ تفاوت منکر خدا با منکر توحید در چیست؟

٤ ـ این مسأله را توضیح دهید و دو مثال ذکر کنید. «کسی که معلوم نیست مسلمان است یا نه، پاک است ولی احکام سایر مسلمانان را ندارد.»

٥ ـ اگر انسان ببیند کسی با لباس نجس نماز می‌خواند، آیا باید به او بگوید یا لازم نیست، چرا؟

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۱۳

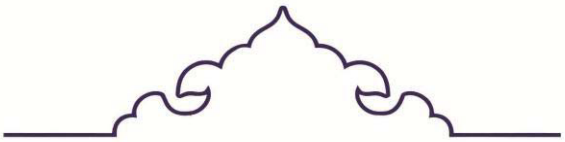

مُطهِّرات (۱)

«... وَيُنَزِّلُ عَلَيكُم مِنَ السَّمَاءِ ماءً لِيطَهِّرَكُم بِهِ وَ يذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَالشَّيطانِ...»[۱]

«خداوند به شما آب را از آسمان فرو می‌فرستد، تا شما را پاک سازد و پلیدی شیطان را از شما ببرد.

مُطهِّرات، جمع مطهِّر و به معنای پاک کننده‌هاست یعنی آنچه که نجاست را پاک می‌کند.

آب

آب، یکی از مطهرات است که بسیاری از چیزهای نجس را پاک می‌کند و اقسام مختلفی دارد که شناخت آنها ما را برای یادگرفتنِ بهترِ مسائل مربوط به آن کمک می‌کند.

اقسام آب

«آب» یا از آسمان می‌بارد، یا از زمین می‌جوشد، یا نه می‌جوشد و نه می‌بارد.

---

۱. انفال: ۱۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

.به آبی که از آسمان ببارد «**باران**» گویند.

.به آبی که از زمین می‌جوشد، اگر جریان داشته باشد «**آب جاری**» و اگر بدون جریان باشد، «**آب چاه**» گویند.[۱]

.آبی که از زمین نمی‌جوشد و از آسمان نمی‌بارد، «**آب راکد**» است.

- اگر مقدار آب راکد به قدر کُر یا بیشتر از آن باشد «کثیر» است و کمتر از آن «قلیل» است.

□ **مقدار کُر:**
- **حجم:** ۴۲/۸۷۵ وجب. اگر ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن هر یک حداقل ۳/۵ وجب باشد پر از آب کنند به مقدار کر است.
- **وزن:** ۳۷۷/۴۱۹ کیلوگرم.

مقدار آب قلیل: آبی که از زمین نمی‌جوشد اگر از مقدار کر کمتر باشد قلیل است.[۲]

تقسیمی دیگر برای آب

آب مضاف: آبی است که از چیزی گرفته شده باشد؛ مانند آب سیب و هندوانه، یا با چیزی مخلوط شده باشد، به طوری که دیگر به آن آب نگویند؛ مانند شربت.

آب مطلق: آبی است که مضاف نباشد.[۳]

فقط، آب مطلق، چیز نجس را پاک می‌کند. گرچه ممکن است آب مضاف چیز کثیفی را تمیز کند، ولی همان‌گونه که پیشتر گفته شد، هرگز چیز نجس را پاک نمی‌کند.

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الطهارة، فصل في المیاه، ص ۱۳، م ۸.

۲ . همان، ص ۱٤، م ۱٤؛ توضیح‌المسائل، م ۱٦. برخی از مراجع تقلید، مقدار کر را کمی بیشتر یا کمتر دانسته‌اند.

۳ .همان، ج ۱، کتاب الطهارة، فصل في المیاه.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

احکام آب مضاف

۱ـ آب مضاف چیز نجس را پاک نمی‌کند (از مطهِّرات نیست).

۲ـ آب مضاف با برخورد به نجاست نجس می‌شود، هر چند نجاست کم باشد و بو یا رنگ یا مزه آب عوض نشود.

۳ـ وضو و غسل با آب مضاف باطل است.[۱]

احکام آب قلیل

۱ـ آب قلیل با برخورد به نجاست، نجس می‌شود، خواه روی چیز نجس ریخته شود یا چیز نجس به آن برسد.[۲]

۲ـ آب قلیلی که برای برطرف کردن عین نجاست روی چیز نجس ریخته می‌شود و از آن جدا می‌گردد نجس است و باید از آبی که پس از برطرف شدن عین نجاست برای تطهیر چیز نجس روی آن می‌ریزند و از آن جدا می‌شود اجتناب شود.[۳]

احکام آب کثیر، جاری، چاه و باران

۱ـ تمام اقسام آب‌های مطلق ـ به جز آب قلیل ـ تا زمانی که بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد، پاک است و هرگاه بر اثر برخورد با نجاست، بو یا رنگ یا مزه نجاست بگیرد نجس می‌شود. بنابراین، آب جاری، چاه، کثیر و حتّی باران در این حکم مشترکند.[۴]

۱ـ توضیح المسائل، م ۴۷ و ۴۸.

۲ـ همان، م ۲۶.

۳ـ همان، م ۲۷.

۴ـ تحریر الوسیله، ج ۱، فصل في المیاه، ص ۱۳، م ۴.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۲ ـ آب متّصل به آب کثیر، در حکم آب کثیر است؛ بنابراین، آب لوله‌های ساختمان‌ها که متصل به منبع بزرگ شهر است حکم آب کثیر را دارد.[۱]

برخی از خصوصیات باران

- اگر بر چیز نجسی که عینِ نجس در آن نیست یکبار ببارد پاک می‌شود.
- اگر بر فرش و لباس نجس ببارد و خیس شود پاک می‌شود و فشار لازم ندارد.
- اگر بر زمین نجس ببارد پاک می‌شود.

هرگاه باران در جایی جمع شود، اگر چه کمتر از کر باشد، تا موقعی که باران می‌بارد حکم آب کر را دارد و چنانچه با نجس برخورد کند، مثلاً چیز نجسی را در آن بشویند، تا زمانی که بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته است، پاک است.[۲]

چگونگی تطهیر اشیای نجس با آب

آب، از جمله مطهِّراتی است که همه روزه تمام افراد با آن سروکار دارند و در تطهیر بسیاری از چیزهای نجس به کار می‌برند.

- **تطهیر اشیای نجس**
  - ۱- ظرف
    - ۱- با آب کثیر: یک مرتبه
    - ۲- با آب قلیل: سه مرتبه

    به جز ظرفی که به شراب نجس شده یا سگ یا خوک از آن چیز روان خورده است.
  - ۲- غیر ظرف
    - ۱- به بول نجس شده
      - ۱- با آب کثیر: یک مرتبه
      - ۲- با آب قلیل: دو مرتبه
    - ۲- به غیر بول نجس شده
      - ۱- با آب کثیر: یک مرتبه
      - ۲- با آب قلیل: یک مرتبه

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۳۵.
۲ ـ همان، م ۳۷، ٤۰، ٤۱، ٤۲.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

چند نکته:

الف: برای تطهیر اشیای نجس، ابتدا باید عین نجس را برطرف کرد سپس به همان تعداد که گفته شد آن را آب کشید؛ مثلاً ظرف نجس را بعد از برطرف کردن آلودگی، اگر یک مرتبه در آب کر بشویند کافی است؛

ب: فرش و لباس و چیزهایی مانند فرش و لباس که آب را به خود می‌گیرد و قابل فشردن است، چنانچه با آب قلیل تطهیر می‌کنند باید بعد از هر بار شستن، آن را بفشارند تا آب‌های داخلش بیرون بیاید، یا به گونه‌ای دیگر آبِ آن گرفته شود و در آب کثیر و جاری هم احتیاط واجب آن است که آب داخل آن گرفته شود؛

ج: آب جاری و چاه در احکامی که برای تطهیر اشیای نجس بیان شد، مانند آب کثیر است.

پرسش

۱ـ کدام یک از نجاسات با آب، قابل تطهیر نیست؟

۲ـ تفاوت آب چاه و جاری چیست؟

۳ـ در چه صورتی ممکن است مقداری از آب قلیل نجس و مقداری از آن پاک باشد؟

٤ـ ویژگی برتر باران نسبت به آب کثیر چیست؟

٥ـ فرشی که به بول نجس شده، با آب قلیل یا کثیر چگونه باید تطهیر کرد؟

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ١٤

مُطهِّرات (٢)

تطهیر ظرف نجس

ظرف نجس را می‌توان این گونه آب کشید:

- **با آب کثیر:** یک بار در آب فرو برده، بیرون آورند.
- **با آب قلیل:** آن را سه مرتبه پر از آب کرده، خالی کنند، یا سه مرتبه قدری آب در آن بریزند و هر مرتبه آب را به طوری در آن بگردانند که به جاهای نجس برسد و بیرون بریزند.[١]

تطهیر آب نجس

١ ـ برای تطهیر آب قلیلی که نجس شده، باید به آب کثیر، یا جاری، یا چاه متصل گردد یا باران بر آن ببارد و با آن مخلوط شود، و اگر بو یا رنگ یا مزه نجاست گرفته، باید به اندازه‌ای آب با آن مخلوط شود تا بو و رنگ و مزه نجاست از بین برود.[٢]

٢ ـ برای تطهیر آب کثیر، یا جاری، یا چاه، باید به اندازه‌ای آب کر یا جاری یا چاه بر آن افزوده شود، یا باران بر آن ببارد که بو و رنگ و مزه نجاست از بین برود، بنابراین اگر با

---

١ ـ توضیح المسائل، م ١٥٠ و ١٥٥.

٢ ـ العروة الوثقی، ج ١، فصل في المیاه، ص ٤٣، م ٢؛ تحریر الوسیله، ج ١، فصل في المیاه، ص ١٤، م ١١.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

افزودن مواد شیمیایی، رنگ و بو و طعم آن عوض گردد، پاک نمی‌شود.[١]

تطهیر زمین نجس

١-با آب کثیر: ابتدا نجاست را برطرف کرده، سپس آب کثیر یا جاری بر آن گرفته، به مقداری که تمام جاهای نجس را فراگیرد.

٢-با آب قلیل:
١ .اگر زمین به گونه‌ای است که آب بر آن جاری نمی‌شود (به اصطلاح آب را به خود گرفته و می‌خورد): با آب قلیل پاک نمی‌شود.
٢ .اگر آب بر زمین جاری می‌شود: جایی که آب جاری شده، پاک می‌شود و جایی که آب جمع شده، نجس است.[٢]

هنگام تطهیر زمین، اگر آب‌ها جاری شده و به داخل چاه می‌رود، یا از آن محل بیرون می‌رود، تمام جاهایی که آب جاری شده، پاک می‌شود.[٣]

تطهیر حبوبات

١ .اگر ظاهر آن نجس شده: با فروبردن در آب کثیر یا جاری، یا ریختن آب قلیل (جاری کردن) بر آن پاک می‌شود.

□ **٢ .اگر باطن آن هم نجس شده:** پاک نمی‌شود، نه با آب قلیل، نه با آب کثیر.[٤]

□ **٣ .اگر معلوم نیست باطن آن نیز نجس شده یا نه:** تطهیر ظاهر آن کافی است.[٥]

---

١ .العروة‌الوثقی، ج١، فصل في المیاه، ص ٤٣، م ٢؛ تحریرالوسیله، ج١، فصل في المیاه، ص ١٤، م ١١؛ استفتاآت، ج ١، ص ١١٩، س ٣٢٤.
٢ .توضیح‌المسائل، م ١٧٩ و ١٨٠.
٣ .همان، م ١٨٠.
٤ .تحریرالوسیله، ج ١، فصل في المطهرات، ص ١٢٨، م ٥ و ٦؛ العروة‌الوثقی، ج ١، فصل في المطهرات، ص١١٥، م ٢٠ . به فتوای برخی از فقها، اگر آن را در آب کثیر یا جاری بگذارند که آب به درون آن نفوذ کند، پاک می‌شود.
٥ .توضیح‌المسائل، م ١٦٥.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

استفتاء

س .اگر شخصی در عبادات یا طهارت و نجاست دچار وسواس شده باشد و زیاد شک کند تکلیف شرعی او چیست؟

ج .نباید به شك‌های خود اعتناکند و اگر اعتناکند کار حرامی کرده است و هر عمل را بیش از یک بار نباید انجام دهد و اگر انجام دهد حرام است و هرگاه شک در نجاست چیزی یا صحّت عمل کرد، باید بنا بر طهارت و صحّت بگذارد و اگر برخلاف آن عمل کرد جایز نیست.[1]

زمین

۱ .اگر کف پا یا کف کفش، هنگام راه‌رفتن، نجس شود، وبه سبب تماس با زمین، نجاست برطرف گردد، پاک می‌شود. پس زمین، فقط پاک کننده کف پا وکف کفش است، آن هم با این شرایط:

*زمین پاک باشد؛

*زمین خشک باشد، (تر نباشد)؛

زمینی پاک کننده است که خاك، شن، سنگ، آجرفرش ومانند اینها باشد.[2]

۲ .اگر بر اثر تماس ته کفش یا کف پا با زمین، نجاست برطرف شود پاک می‌گردد، ولی بهتر است حداقل پانزده قدم راه برود.[3]

□۳ .این اشیا پاک کننده نیست:

موزاییك، آسفالت، فرش، زمینی که با چوب فرش شده است، زمینی که سبزه و گیاه در آن روئیده است، مگر سبزه وگیاهش به قدری کم باشد که چیزی به حساب نیاید وعرفاً بگویند برزمین راه می‌رود.[4]

---

۱ .استفتاآت، ج ۱، ص ۱۱۱، س ۲۹۸.

۲ .توضیح‌المسائل، م ۱۸۳، ۱۹۲.

۳ .العروة‌الوثقی، ج ۱، فصل في المطهرات، ص ۱۲٤.

٤ .همان، ج ۱، فصل في المطهرات، ص ۱۲۵. به فتوای برخی از فقها، موزاییک و آسفالت نیز پاك‌کننده است.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

□ ٤ .بنا بر احتیاط واجب، زمین، موارد زیر را پاک نمی‌کند:

- دست و زانوی معلولانی که با دست یا زانو راه می‌روند؛
- نعل چهارپایان؛
- نوک عصا؛
- جوراب (مگر جورابی که کف آن از پوست باشد)؛
- ته پای مصنوعی؛
- چرخ اتومبیل.[1]

پرسش

١ .اگر در ظرفی که مقداری برنج در آن خیسانده‌اند فضله موشی یافت شود، برنج‌ها و ظرف آن چگونه تطهیر می‌شود؟

٢ .در تطهیر اشیای نجس با آب، چه چیزی را بیش از همه اشیا باید شست‌وشو داد؟

٣ .اگر گربه‌ای یا گوسفندی داخل چاهی بیفتد و بمیرد، آب چاه چه وقت پاک می‌شود؟

٤ .اگر کف کفش بر اثر راه رفتن بر زمین مرطوب نجس شود، با راه رفتن پاک می‌شود یا نه؟

---

١ .العروة‌الوثقی، ج١، فصل فی المطهرات، ص ١٢٦؛ توضیح‌المسائل، م ١٨٨. به فتوای برخی از فقها، زمین، پاک‌کننده چیزهایی مثل چرخ اتومبیل نیز هست.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۱۵

مُطهِّرات (۳)

آفتاب

آفتاب با شرایطی که خواهد آمد، این موارد را پاک می‌کند:

*زمین؛

*ساختمان و چیزهایی که در آن به کار رفته است و جزو آن؛ مانند در و پنجره؛

*درخت و گیاه تا وقتی که از زمین و درخت قطع نشده.[۱]

شرایط مُطهِّر بودن آفتاب

*چیز نجس تر باشد؛ به قدری که اگر چیزی به آن برسد تر شود؛

*با تابش آفتاب خشک شود، اگر مرطوب بماند پاک نشده است؛

*چیزی مانند ابر یا پرده، مانع تابش آفتاب نباشد، مگر آنکه رقیق و نازک باشد و از تابش آفتاب جلوگیری نکند؛

*آفتاب به تنهایی آن را خشک کند؛ مثلاً با کمک باد خشک نشود؛

---

۱ ـ العروة الوثقی، ج ۱، فصل في المطهرات، ص ۱۲۹، الثالث من المطهرات؛ تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۳۰، ثالثها و م ۱۰.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

*هنگام تابش آفتاب، عین نجاست[۱] درآن نباشد، پس اگرعین نجاست هست، پیش ازتابش آفتاب برطرف شود؛

*قسمت بیرون و درون دیوار یا زمین را یکباره خشک کند، پس اگر روی آن براثر تابش آفتاب خشک شود و درون آن بعداً براثر تابش مجدّد آفتاب خشک شود، تنها روی آن پاک می‌شود.[۲]

استحاله

۱ ـ اگر جنس چیز نجس به گونه‌ای عوض شود که به صورت چیز پاکی درآید، پاک می‌شود، وگویند **استحاله** شده است؛ مانند این موارد:

ـ مردار تبدیل به خاک شود؛

ـ دانه نجس تبدیل به گیاه گردد؛

ـ چوب نجس بسوزد و خاکستر شود؛

ـ مواد سوختنی نجس بسوزد و دود شود؛

ـ شراب سرکه شود.[۳]

۲ ـ اگر جنس چیز نجس عوض نشود و فقط تغییر شکل دهد، پاک نمی‌شود؛ مثل اینکه:

ـ گندم نجس را آرد کنند یا نان بپزند.

ـ انگور نجس سرکه شود.[۴]

۳ ـ چیز نجسی که معلوم نیست استحاله شده یا نه، نجس است.[۵]

---

۱ ـ آنچه خود به خود نجس است مانند خون «عین نجاست» است.

۲ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۹۱.

۳ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۳۱؛ توضیح‌المسائل، م ۱۹۵.

٤ ـ توضیح‌المسائل، م ۲۰۰.

۵ ـ همان، م ۱۹۷.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

انتقال

اگر خون بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد، به بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده ندارد، منتقل شود و جزء بدن آن حیوان به حساب آید، پاک می‌گردد و همچنین اگر جزئی از بدن انسان یا حیوان به بدن انسان دیگر یا حیوان زنده غیر نجس‌العین منتقل شود و جزء آن به حساب آید پاک می‌گردد؛ مثل این‌که:

ـ خون بدن انسان به بدن پشه منتقل شود؛

ـ عضوی از بدن حیوانی (مانند چشم) را جدا کرده و به بدن انسان پیوند بزنند؛

ـ مقداری از گوشت بدن را بریده و به جای دیگر بدن پیوند بزنند.[۱]

اسلام

۱ ـ اگر کافر شهادتین بگوید، مسلمان می‌شود، و با اسلام، تمام بدن او (حتی عرق و آب دهانش) پاک می‌گردد؛ یعنی بگوید:

«اَشْهَدُ اَنْ لااِلهَ اِلاَّ الله ـ اَشْهَدُ اَنَّ محمَّدا رسُولُ الله».[۲]

۲ ـ اگر کافر شهادتین بگوید و انسان نداند که قلباً مسلمان شده یا نه، پاک است، ولی اگر بداند که قلباً مسلمان نشده، بنابر احتیاط واجب باید از او اجتناب کرد.[۳]

۳ ـ اگر بدن کافر با نجاست دیگری (عارضی) نجس شده باشد؛ مثلاً جایی از بدن او زخم شده و به خون آلوده است، آن نجاست با اسلام پاک نمی‌شود.[۴]

تبعیت

۱ ـ تبعیت آن است که چیز نجسی به واسطه پاک شدن چیز دیگری پاک شود.

۲ ـ در موارد زیر، اشیای نجس به تبعیت پاک می‌شود.

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۳۱؛ توضیح المسائل، م ۲۰۵.

۲ ـ توضیح‌المسائل، م ۲۰۷.

۳ ـ همان، م ۲۰۹.

٤ ـ العروة‌الوثقی، ج ۱، فصل في المطهرات، ص ۱٤۱، الثامن.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

*کسی که چیزی را تطهیر می‌کند، اگر دست وآن چیز با هم آب کشیده شود، دست او هم پاک می‌شود و احتیاج به تطهیر مجدّد ندارد.

* پس از اتمام سه غسل میت، تختی که میت را بر آن خوابانده‌اند و دست غسّال و پارچه‌ای که بر میت انداخته‌اند (لنگ) پاک می‌شود.[۱]

برطرف شدن عین نجاست

در دو مورد اگر عین نجس برطرف شود، چیز نجس پاک می‌شود و نیازی به آب کشیدن ندارد:

۱ .**بدن حیوان:** مثلاً منقار مرغی که غذای نجس خورده، هنگامی که نجس برطرف شود منقارش پاک است.

۲ .**باطن بدن انسان:** مانند داخل دهان و بینی وگوش؛ بنابراین اگر هنگام مسواک کردن دندان از لثه‌ها خون بیاید، یا شخصی غذای نجس بخورد، زمانی که در دهان غذای نجس و خون نباشد، یا به قدری کم باشد که با آب دهان مخلوط شده و از بین برود، پاک است و آب کشیدن داخل دهان لازم نیست.[۲]

استفتاء

س .اگر دهان خونی شود و در دهان، دندان مصنوعی طوری باشد که به دندان طبیعی چسبیده باشد و نشود آن را برای آب کشیدن به بیرون از دهان آورد، آیا نحوه تطهیرش مانند دندان طبیعی است؟

ج .بنابر احتیاط واجب، حکم دندان طبیعی را ندارد و باید تطهیر شود.[۳]

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۱، فصل في المطهرات، ص ۱۳۱، ثامنها؛ توضیح‌المسائل، م ۲۱۱ و ۲۱۵.

۲ .توضیح‌المسائل، م ۲۱۶ و ۲۱۷.

۳ .استفتاآت، ج ۱، ص ۹۹، س ۲۵۸.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

غایب شدن مسلمان

اگر بدن یا لباس مسلمان یا چیز دیگری که در اختیار اوست (مانند ظرف و فرش) نجس شود و آن مسلمان غایب گردد، اگر انسان احتمال بدهد آن چیز را تطهیر کرده، محکوم به طهارت است و اجتناب از آن لازم نیست.[۱]

احکام تخلّی (توالت رفتن)[۲]

چون یکی از مسائل تخلّی، تطهیر مخرج بول و غائط است، احکام تخلّی را در پایان مبحث مطهّرات می‌آوریم:

- واجب:
  - پوشاندن عورت از دیگران حتی دیوانه و بچه ممیّز (به جز همسر)
  - یعنی در جایی باشد که کسی عورت را نبیند، مثلاً پشت دیوار یا تپه یا در چاله یا محل دربسته، مثل توالت.
- حرام: رو به قبله، یا پشت به قبله بودن.
- مستحب
  - ۱. جایی بنشیند که کسی او را نبیند.
  - ۲. هنگام وارد شدن به توالت با پای چپ داخل شود.
  - ۳. هنگام بیرون آمدن، اوّل پای راست را بیرون بگذارد.
  - ٤. هنگام تخلّی، سر را بپوشاند.
  - ٥. سنگینی بدن را روی پای چپ بیندازد.
- مکروه
  - ۱. توقف زیاد
  - ۲. روبروی خورشید یا ماه بودن.
  - ۳. روبروی باد.
  - ٤. سخن گفتن، مگر در حال ضرورت و گفتن ذکر.
  - ٥. تطهیر با دست راست.
  - ٦. خوردن و آشامیدن در حال تخلی.
  - ۷. ایستاده بول کردن.[۲]

۱. توضیح المسائل، م ۲۲۱؛ تحریرالوسیله، ج ۱، فصل في المطهرات، ص ۱۳۲، عاشرها.
۲. این بخش از درس را می‌توان به مطالعه شاگردان واگزار کرد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

احتیاط واجب آن است که کودک را هنگام تخلّی رو به قبله یا پشت به قبله ننشانند، ولی اگر خود بچه بنشیند، جلوگیری از او واجب نیست.[۲]

تطهیر مخرج بول و غائط

۱ ـ مخرج بول با غیر آب (سنگ، کلوخ، پارچه و...) پاک نمی‌شود.

۲ ـ برای تطهیر مخرج بول، پس از برطرف شدن بول، یک بار شستن آن کافی است.

□ ۳ ـ مخرج غائط به احتیاط واجب با غیر آب پاک نمی‌شود، ولی می‌توان با آن حال [پس از برطرف کردن نجاست و پیش از تطهیر با آب] نماز خواند.[۳]

٤ ـ بر مردان مستحب است، پس از بیرون آمدن بول، استبرا کنند و چنانچه بعد از بول استبرا کند و سپس آبی از او خارج شود و شک کند بول است یا نه، حکم بول ندارد (کیفیت استبرا در رساله توضیح المسائل آمده است).[۴]

پرسش

۱ ـ آیا آفتاب، دری را که از چوب ساخته‌اند و گندمی را که از کاه جدا کرده‌اند، پاک می‌کند، یا نه؟

۲ ـ برای استحاله، دو مثال، به جز مثال‌هایی که در کتاب آمده است، بیاورید.

۳ ـ کدام یک از مُطهّرات، تمام چیزهای نجس را پاک می‌کند؟

٤ ـ در چه مواردی برطرف شدن عین نجاست مطهّر است؟

۵ ـ تبعیت را توضیح داده و دو مثال بزنید.

٦ ـ برای غایب شدن مسلمان که جزو مطهرات است دو مثال بزنید.

---

۱ ـ العروة‌الوثقی، ج ۱، فصل في مستحبات التخلی و مکروهاته، صص ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲؛ توضیح‌المسائل، م ۵۷ ـ ۵۹ و ۷۸، ۷۹، ۸۰.

۲ ـ توضیح‌المسائل، م ٦۳.

۳ ـ همان، م ٦٦ و ٦۸. به فتوای برخی از فقها، پاک می‌شود.

٤ ـ همان، م ۷۲ و ۷۳.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

فصل دوم:

نماز

- لباس و مکان نمازگزار
- احکام مسجد
- شکیات نماز
- نماز مسافر
- نماز قضا
- نماز جماعت
- نماز جمعه
- نماز آیات
- نمازهای مستحب

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۱۶

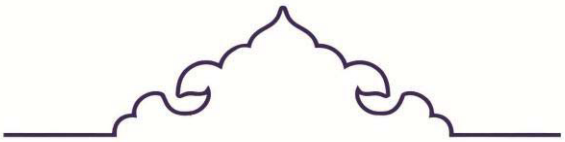

نماز

وَ أَقِمِ الصَّلَوةَ طَرَفَيِ النَّهارِ وَ زُلَفاً مِنَ الَّيلِ ....»[1]

«نمازرا دردوطرف روزوساعات نزدیک شب بپای دار...»

اقسام نماز

نماز مهم‌ترین عمل عبادی انسان ها و یکی از ارکان اساسی دین اسلام است و با شناخت صحیح احکام آن و بجای آوردن به موقع و درست آن، بسیاری از امور زندگی معنوی انسان اصلاح خواهد شد.

برای آشنایی بهتر با مسایل نماز لازم است اقسام آن را بدانیم.

نماز، یا واجب است یا مستحب؛ نمازهای واجب هم دو دسته‌اند: بعضی از آنها تکلیف هر روزه‌اند و در هر شبانه‌روز، در زمان‌های خاصی باید بجا آورده شوند و برخی دیگر نمازهایی هستند که گاهی از اوقات به سببی خاص واجب می‌شوند و برنامه همیشگی و هر روزه نیستند.

---

۱. هود: ۱۱۶.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

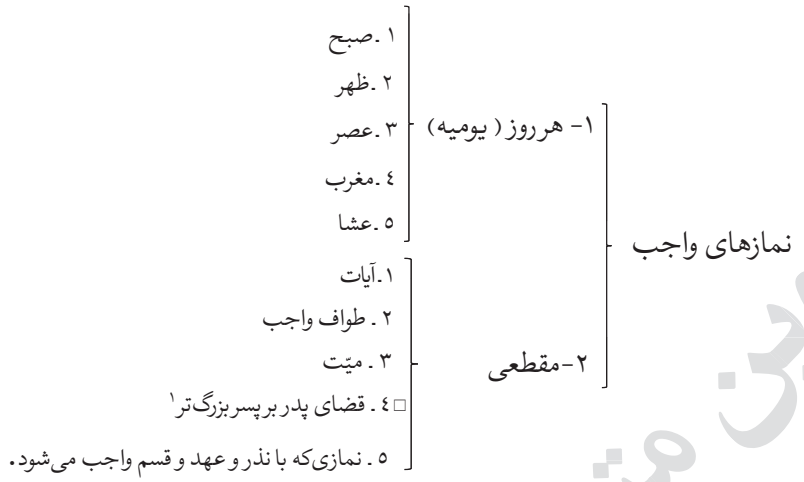

نمازهای مستحب بسیار است که در ادامه برخی از آنها آورده خواهد شد.

وقت نماز

برای نمازهای یومیه سه وقت است:

۱ .وقت مخصوص

۲ .وقت مشترك

۳ .وقت فضیلت

برای آشنایی با اوقات نماز، شناخت این زمان‌ها لازم است:

ظهر مغرب نیمه‌شب و فجر دوم.

ظهر

اگر چوب یا چیزی مانند آن را عمود بر زمین قرار دهیم،[۲] وقتی که سایه آن به کمترین مقدار رسید و رو به افزایش گذاشت، «ظهر شرعی» و ابتدای وقت نماز ظهر است.[۳]

---

۱ به فتوای برخی از فقها نماز قضای مادر نیز بر پسر بزرگتر واجب است.

۲ .به چنین چیزی، شاخص گفته می‌شود.

۳ .توضیح‌المسائل، م ۷۲۹.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

مغرب

«مغرب» موقعی است که سرخی طرف مشرق، که بعد از غروب آفتاب پیدا می‌شود، از بین برود.[۱]

نیمه شب

اگر فاصله بین غروب آفتاب و اذان صبح را دو نیم کنیم، وسط آن «نیمه شب»[۲] و آخر وقت نماز عشا است.[۳]

فجر دوّم

نزدیک اذان صبح، از طرف مشرق، سفیده‌ای رو به بالا حرکت می‌کند که آن را «فجر اوّل» گویند، هنگامی که آن سفیده پهن شد، «فجر دوّم» و ابتدای وقت نماز صبح است[۴].

وقت مخصوص و مشترک نماز ظهر و عصر

□۱. از اذان ظهر تا مغرب، وقت خواندن نماز ظهر و عصر است که از اوّل آن به مقدار خواندن نماز ظهر وقت مخصوص نماز ظهر است و اگر نماز عصر در این وقت خوانده شود باطل است. و در آخر وقت، به مقدار خواندن نماز عصر به مغرب مانده وقت مخصوص نماز عصر است و فاصله بین این دو زمان، وقت مشترک بین ظهر و عصر است که هر دو نماز را می‌توان خواند، ولی نماز ظهر باید قبل از نماز عصر خوانده شود.[۵]

---

۱. توضیح المسائل، م ۷۳۵. حدود ۱۵ دقیقه پس از غروب، این سرخی برطرف می شود.
۲. تقریبا یازده ساعت و پانزده دقیقه که از ظهر شرعی بگذرد، نیمه شب و آخر وقت نماز مغرب و عشا است.
۳. احتیاط واجب آن است که برای نماز عشا همان گونه که در متن آمده است و برای نماز شب بین غروب تا طلوع آفتاب حساب شود توضیح المسائل، م ۷۳۹.
٤. توضیح المسائل، م ۷٤۱.
۵. همان، م ۷۳۱. به فتوای برخی از فقها پایان وقت نماز عصر، غروب آفتاب است.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۲ ـ اگر کسی تا وقت مخصوص عصر، نماز ظهر را نخوانده باشد، نماز ظهر او قضا شده و باید نماز عصر را بخواند.[۱]

وقت مخصوص و مشترک نماز مغرب و عشا

۱ ـ از اذان مغرب تا نصف شب وقت خواندن نماز مغرب و عشا است که از اوّل آن به مقدار خواندن یک نماز سه رکعتی، وقت مخصوص نماز مغرب است و در آخر وقت، به مقدار خواندن نماز عشا وقت مخصوص نماز عشا است و فاصله این زمان، وقت مشترک بین مغرب و عشا است که هر دو نماز را می‌توان خواند، ولی نماز عشا باید پس از نماز مغرب خوانده شود.[۲]

۲ ـ وقت مخصوص نمازهای چهار رکعتی برای مسافر به مقدار خواندن دو رکعت نماز است و برای کسی که مسافر نیست به اندازه خواندن چهار رکعت نماز است.[۳]

□ ۳ ـ اگر عمداً یا به واسطه عذری مانند فراموشی یا خواب، نماز مغرب یا عشا را تا نصف شب نخواند، بنابر احتیاط واجب، باید تا قبل از اذان صبح بدون اینکه نیت ادا یا قضا کند بجا آورد.[۴]

وقت نماز صبح

از اذان صبح (طلوع فجر دوّم) تا طلوع آفتاب، وقتِ نماز صبح است و چون نماز دیگری در این وقت واجب نیست، وقت مشترکی ندارد.[۵]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۷۳۱.
۲ ـ همان، م ۷۳۶.
۳ ـ همان، م ۷۳۷.
٤ ـ همان، م ۷٤۰. به فتوای برخی از فقها، اگر عمداً نخوانده باشد باید به نیت قضا بخواند و اگر به واسطه عذری نخوانده باشد باید تا قبل از نماز صبح بجا آورد و نماز او ادا است.
۵ ـ توضیح المسائل، م۷٤۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

وقت فضیلت نمازهای یومیه

وقت فضیلت، زمانی است که اگر نماز در آن وقت خوانده شود، ثواب بیشتری دارد.

وقت فضیلت نماز ظهر: از اول ظهر است تا زمانی که سایه پدید آمده شاخص به اندازه طول شاخص افزوده شود؛ مثلاً اگر طول شاخص یک متر باشد و هنگام ظهر ۲۰ سانتی‌متر سایه داشته باشد، پایان وقت فضیلت نماز ظهر وقتی است که سایه شاخص به ۱۲۰ سانتی‌متر برسد.

□ **وقت فضیلت نماز عصر:** پس از وقت مخصوص نماز ظهر است تا زمانی که سایه شاخص دو برابر طول آن اضافه شود.

وقت فضیلت نماز مغرب: از اول مغرب است تا زمانی که سرخی طرف مغرب از بین برود.

وقت فضیلت نماز عشا: شروع آن از پایان وقت فضیلت نماز مغرب است و پایان آن ثلث شب؛ به عبارت دیگر از هنگام برطرف شدن سرخی طرف مغرب تا گذشتن ثلث ($\frac{1}{3}$) شب.

وقت فضیلت نماز صبح: از اذان صبح است تا زمانی که هوا روشن شود.[1]

قبله

۱ ـ خانه کعبه، «قبله» مسلمانان است و نمازگزار باید رو به آن نماز بخواند. دفن میت و ذبح حیوان نیز باید رو به قبله باشد.[2]

۲ ـ کسی که بیرون شهر مکّه و دور از آن است، اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، في اعداد النوافل و اوقاتها، ص ۱۳۷، م ۶. به فتوای برخی از فقها، وقت فضیلت نماز عصر پس از اتمام وقت فضیلت نماز ظهر آغاز می‌شود.

۲ ـ توضیح‌المسائل، م ۷۷۶.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

نماز می‌خواند، کافی است.[۱]

□ ۳ ـ کسی که نماز واجب را ایستاده می‌خواند، باید طوری بایستد که بگویند رو به قبله ایستاده است و لازم نیست زانوها و نوک پای او هم رو به قبله باشد.[۲]

راه‌های تشخیص قبله

- خود انسان یقین کند؛ یعنی جهت قبله را بداند؛
- دو نفر عادل بگویند؛
- کسی بگوید که از روی قاعده علمی قبله را می‌شناسد و مورد اطمینان است.
- و اگر به جهت قبله اطمینان پیدا نکرد می‌تواند به گمانی که از محراب مساجد و قبور مسلمین حاصل شود اعتماد کند.[۳]

تابش خورشید و تعیین قبله

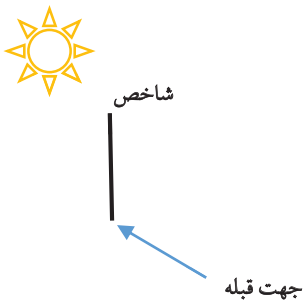

در دو روز از سال؛ یعنی روزهای ٦ خرداد و ٢٤ تیر، هنگام ظهر، خورشید کاملاً عمود بر کعبه می‌تابد و در سایر مناطق جهان می‌توان به کمک خورشید جهت قبله را مشخص کرد؛ یعنی اگر هنگام ظهر شرعی (به وقت مکّه) رو به خورشید بایستیم، به سمت قبله قرار می‌گیریم و دقیق‌تر آنکه؛ اگر در آن دو روز، هنگام ظهر (به وقت مکّه) در هر جای کره زمین شاخصی نصب کنیم، سایه آن از نوک سایه به سمت پایه شاخص، جهت قبله خواهد بود.[٤]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۷۷٦.
۲ ـ همان، م ۷۷۷.
۳ ـ همان، م ۷۸۲.
٤. مجله نور علم، ش ۸، ص۹.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

پرسش

۱. تفاوت وقت مخصوص با وقت فضیلت چیست؟

۲. وقت مخصوص و فضیلت نماز عشا چه زمانی است؟

۳. محاسبه کنید، امشب، پایان وقت نماز عشا چه ساعتی است؟

۴. در چه صورتی نماز عصر را باید قبل از نماز ظهر خواند؟

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۱۷

لباس و مکان نمازگزار

لباس نمازگزار

یکی از مسائلی که قبل از شروع نماز توجه به آن لازم است، مسأله پوشش است؛ اکنون به بیان مقدار پوشش و شرایط آن می‌پردازیم:

مقدار پوشش در نماز

۱ . **مردان؛** باید عورت را بپوشانند و بهتر است از ناف تا زانو را بپوشانند.[۱]

۲ . **زنان؛** باید تمام بدن را بپوشانند به جز:

* دست‌ها تا مچ.

* پاها تا مچ.

* صورت به مقداری که در وضو باید شسته شود.[۲]

۳ . بر زنان پوشاندن دست‌ها و پاها و صورت،[۳] به مقداری که در مسأله پیش گفته

---

۱ . توضیح المسائل، م ۷۸۸.

۲ . همان، م ۷۸۹.

۳ . یادآوری می‌شود، برای بانوان پوشاندن پاها در نماز واجب نیست ولی از نگاه نامحرم باید بپوشانند. تفصیل احکام نگاه کردن در درس ۷۲ خواهد آمد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

شد، در نماز، واجب نیست، گرچه پوشاندن آن هم مانع ندارد.[۱]

شرایط لباس نمازگزار

٤ ـ لباس نمازگزار باید دارای این ویژگی‌ها باشد:

* پاک باشد (نجس نباشد).

* مباح باشد (غصبی نباشد).

* از اجزای روح‌دار مردار نباشد؛ مثلاً از پوست حیوانی که مطابق دستور اسلام ذبح نشده، تهیه نشده باشد، حتی کمربند و کلاه.

* از حیوان حرام گوشت نباشد؛ مثلاً از پوست پلنگ یا خوک تهیه نشده باشد.

* اگر نمازگزار مرد است لباس او طلاباف یا ابریشم خالص نباشد.[۲]

٥ ـ اگر لباس نمازگزار از اجزای حیوان حرام گوشت تهیه شده باشد هرچند اجزای بی‌روح آن، مانند پشم یا مو، نماز خواندن با آن باطل است.[۳]

٦ ـ هیچ جزیی از حیوان حرام گوشت نباید همراه نمازگزار باشد، هر چند لباس نباشد، بنابراین اگر بند ساعت یا کمربند از حیوان حرام گوشت باشد، نماز باطل است.[٤]

۷ ـ نماز خواندن با لباسی که از پشم و کرک و موی مردار حیوان حلال گوشت تهیه شده، صحیح است، چون نه نجس است و نه از اجزای روح‌دار مردار و نه حیوان حرام گوشت.[٥]

۸ ـ علاوه بر لباس، بدن نمازگزار نیز باید پاک باشد.[٦]

---

۱ ـ توضیح‌المسائل، م ۷۸۹.

۲ ـ همان، م ۷۹۸.

۳ ـ همان، م ۸۲٤.

٤ ـ همان.

٥ ـ همان، م ۸۲۳.

٦ ـ همان، م ۷۹۹ و ۸۰۰.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

در این موارد، نماز خواندن با بدن یا لباس نجس، باطل است:

* عمداً با بدن یا لباس نجس نماز بخواند.
* در یاد گرفتن احکام شرعی کوتاهی کرده و به جهت ندانستن مسأله، با بدن یا لباس نجس نماز خوانده است.[۱]
* نجس بودن بدن یا لباس را می‌دانسته، ولی هنگام نماز فراموش کرده و با آن نماز خوانده است.[۲]

در این موارد، اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند صحیح است:

* نداند بدن یا لباسش نجس است و پس از نماز متوجه شود.[۳]
* بدن یا لباس نمازگزار بر اثر زخم بدن نجس شده و آب کشیدن یا عوض کردن آن هم دشوار است.
* لباس یا بدن نمازگزار به خون نجس شده ولی مقدار آلودگی کمتر از دِرْهَم[۴] است.
* ناچار باشد که با بدن یا لباس نجس نماز بخواند؛ مثلاً آب برای تطهیر ندارد.[۵]

مسأله

اگر لباس‌های کوچک نمازگزار؛ مانند دستکش و جوراب، نجس باشد، یا دستمال کوچک نجسی در جیب داشته باشد، چنانچه از اجزای حیوان حرام گوشت یا اجزای روح‌دار مردار نباشد اشکال ندارد.[۶]

---

۱. توضیح المسائل، م ۸۰۰.
۲. همان، م ۸۰۳.
۳. همان، م ۸۰۲.
٤. قطر یک درهم، تقریبا ۲۳ میلی‌متر است.
٥. توضیح المسائل، م ۸٤۸.
٦. همان ، م ۸٦۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

شرایط مکان نمازگزار

مکان نمازگزار باید دارای شرایط زیر باشد:

* مباح باشد؛
* بی‌حرکت باشد؛
* جای آن تنگ وسقف آن‌کوتاه نباشد تا بتواند قیام ورکوع وسجود را صحیح انجام دهد؛
* جایی که پیشانی را می‌گذارد پاک باشد؛
* اگر مکان نمازگزار نجس است، به اندازه‌ای رطوبت نداشته باشد که به بدن یا لباس نمازگزار سرایت کند؛
* جایی که پیشانی را می‌گذارد از جای زانوها وبنا براحتیاط واجب از جای انگشتان پا، بیش از چهار انگشت بسته پست‌تر یا بلندتر نباشد.[1]

احکام مکان نمازگزار

۱. یکی از شرایط مکان نمازگزار مباح بودن آن است، پس در این مکان‌ها نماز باطل است:

* در ملک دیگران بدون اجازه صاحبش؛
* در ملکی که منفعت آن از دیگری است؛ مثلاً نماز خواندن در خانه‌ای که اجاره داده شده، بدون اجازه مستأجر؛
* در ملکی که شریک دارد وسهم او جدا نیست (ملک مُشاع) بدون اجازه شریك؛
* در ملکی که با عین پول خمس وزکات‌نداده خریداری شده؛[2]
* در ملک میتی که به مردم بدهکار است؛

---

۱. توضیح المسائل، مکان نمازگزار.

۲. چون امروزه معمولاً با عین پول خریداری نمی‌شود، بلکه به ذمّه می‌خرند؛ یعنی ملک را می‌خرند و قیمت آن را بدهکار می‌شوند، سپس بدهی خود را از آن پول پرداخت می‌کنند، به فتوای برخی از فقها، نماز خواندن در آن اشکال ندارد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

* در ملک میتی که بعضی از ورثه او صغیر یا دیوانه هستند، ولی با اجازه قیم آنان اشکال ندارد؛
* در ملک میتی که بعضی از ورثه او غایبند.
* بر تخت و فرش غصبی.[۱]

۲ ـ کسی که در مسجد نشسته، اگر دیگری جای او را غصب کند و در آنجا نماز بخواند، بنابر احتیاط واجب باید دوباره نمازش را در محل دیگری بخواند.[۲]

۳ ـ نماز خواندن و نشستن و خوابیدن در زمین بسیار وسیعی که دور از شهر یا روستا و چراگاه حیوانات است، اگر چه صاحبش راضی نباشد، اشکال ندارد.[۳]

٤ ـ نماز خواندن و عبور کردن و تصرّفات جزیی در زمین‌های زراعتی که نزدیک شهر یا روستا است و دیوار ندارد، اگر چه صاحبان آن صغیر و دیوانه باشند اشکال ندارد، ولی اگر یکی از صاحبان ناراضی باشند تصرف در آن حرام و نماز باطل است.[۴]

۵ ـ نماز خواندن در جاهایی که غصبی بودن آن معلوم نیست اشکال ندارد.[۵]

٦ ـ اگر در جایی که نمی‌داند غصبی است نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد غصبی بوده، نمازش صحیح است.[۶]

استفتاء

س ـ نماز خواندن در بانک‌ها و ادارات و مدارس و امثال آن که اغلب وضعیت ملکی آنها مشخص نیست چه صورتی دارد؟

ج ـ اگر علم به غصب بودن محل ندارند اشکال ندارد.[۷]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۸٦٦ تا ۸۷۷.
۲ ـ همان، م ۸٦۸ .
۳ ـ همان، م ۸۷۹.
٤ ـ همان.
۵ ـ همان، م ۸٦۹؛ تحریرالوسیله، ج ۱، في مكان المصلي، ص ۱٤۷، م ۱.
٦ ـ همان، م ۸۷۰.
۷ ـ استفتاآت، ج ۱، ص ۱٤۷، س ٦۹.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

نماز بر مکان متحرك

یکی از شرایط مکان نمازگزار بی‌حرکت بودن آن است. بنابر این، نماز خواندن در هواپیما، کشتی، قطار و اتومبیل در حال حرکت اگر سبب تکان خوردن بدن بشود، مثلاً لرزش زیاد داشته باشد، صحیح نیست، ولی اگر انسان ناچار شود که در آن حال نماز بخواند، مثلاً اگر بخواهد صبر کند تا در هنگام توقف نماز بخواند وقت می‌گذرد و نماز قضا می‌شود، باید نماز را در همان حال بخواند، ولی سایر شرایط نماز را در حدّ امکان مراعات کند؛ یعنی این‌گونه عمل کند:

- برای نماز وضو بگیرد و اگر نتواند وضو بگیرد، باید تیمّم کند، و چنانچه تیمّم هم ممکن نباشد، احتیاط مستحب است نماز را بخواند و بعد قضای آن را باید بجا آورد.
- اگر می‌تواند باید نماز را ایستاده بخواند و اگر نه، در حال نشسته.
- جهت قبله را مراعات کند، پس اگر وسیله نقلیه به طرف دیگر بگردد، نمازگزار نیز باید به سمت قبله بگردد.
- □ • سجده بر کاغذ نیز صحیح است، چنانچه مهر یا خاک یا سنگ برای سجده ندارد بر کاغذ سجده می‌کند.[1]
- اگر برخی از شرایط نماز را نتواند مراعات کند، باید به هر نحو که می‌تواند نماز را بخواند.[2]

چند مسأله

۱ ـ در حال ناچاری نماز خواندن در مکان غصبی و در جایی که سقف آن کوتاه است، یا جایش تنگ است؛ مانند سنگر و در مکان ناهموار اشکال ندارد.[3]

---

۱ ـ به فتوای برخی از فقها، سجده بر کاغذی صحیح است که از چیزهایی ساخته شده باشد که سجده بر آنها صحیح است، مثل چوب.

۲ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، في مكان المصلي، ص ۱۵۱، م ۱۵.

۳ ـ همان، ص ۱۴۷، م ۳؛ توضیح‌المسائل، م ۸۸۳ .

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

□ ۲ ـ انسان باید رعایت ادب را بکند و جلوتر از قبر پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امام علیه‌السلام نماز نخواند. ولی نماز باطل نیست.[۱]

□ ۳ ـ بنابر احتیاط مستحب، زن باید عقب‌تر از مرد بایستد و جای سجده او از جای ایستادن مرد کمی عقب‌تر باشد.[۲]

□ ٤ ـ اگر در نماز زن برابر مرد یا جلوتر باشد و پرده یا دیوار و مانند آن بین آنها فاصله نشود، و با هم وارد نماز شوند، بهتر است نماز را دوباره بخوانند.[۳]

□ ٥ ـ بودن مرد و زن نامحرم در جای خلوت جایز نیست و احتیاط در نماز نخواندن در آن جاست، لیکن اگر خواند، نمازش باطل نیست.[٤]

٦ ـ کسی که در محل عبور مردم نماز می‌خواند، یا کسی روبروی اوست، مستحب است جلوی خود چیزی بگذارد، و اگر چوب یا ریسمان یا تسبیح هم باشد، کافی است.[٥]

پرسش

۱ ـ اگر تسبیح عاج همراه نمازگزار باشد، اشکال دارد یا نه؟ چرا؟

۲ ـ اگر پس از نماز، نجس بودن بدن یادش بیاید، نمازِ خوانده شده چه حکمی دارد؟

۳ ـ در چه مواردی، نماز با بدن یا لباس نجس صحیح است؟

٤ ـ اگر کیف یا کمربندی که از پوست مار تهیه شده همراه نمازگزار باشد، نماز چه حکمی دارد، چرا؟

٥ ـ اگر صاحب‌خانه بدون اجازه مستأجر در خانه خود نماز بخواند، نمازش چه حکمی دارد، چرا؟

٦ ـ کدام قسمت از مکان نمازگزار باید پاک باشد؟

---

۱ ـ توضیح‌المسائل، م ۸۸٤. به فتوای برخی از فقها، نماز باطل است.

۲ ـ همان، م ۸۸٦. برخی از مراجع تقلید عقب‌تر ایستادن زن از مرد را در نماز لازم می‌دانند.

۳ ـ همان، م ۸۸۷. به فتوای برخی از فقها، اعاده نماز لازم است.

٤ ـ همان، م ۸۸۹. به فتوای برخی از فقها، در این فرض و فرض قبلی باید نماز را دوباره بخواند.

٥ ـ همان.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

درس ۱۸

احکام مسجد

﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللهِ مَنْ آمَنَ بِاللهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلاَةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلاَّ اللهَ فَعَسَى أُوْلَئِكَ أَن يَكُونُواْ مِنَ الْمُهْتَدِينَ﴾[1]

«مسجدهای خدا را کسانی عمارت می‌کنند که به خدا و روز قیامت ایمان آورده‌اند و نماز می‌گزارند و زکات می‌دهند و جز از خدا نمی ترسند امید است که اینان از هدایت یافتگان باشند.»

مسجد پایگاه پیوند انسان با خدا و مرکز ارتباط انسان‌های مؤمن است. مسجد، جایگاه عبادت و عبادت، حرکت به سوی قلّه قرب الهی است.

از نظر دینی مسجد دارای احترام و احکام خاصی است که بازشناسی آنها، ما را برای استفاده بهتر از این اماکن مقدس کمک می‌کند.

مسجد سازی

۱. اگر زمینی را به قصد قربت به نیت مسجد بودن بسازند و حداقل یک نفر با اجازه بانی در آن نماز بخواند، مسجد می‌شود و باید احکام مسجد در مورد آن مراعات شود.[2]

---

۱ .توبه:۱۸.

۲ .تحریر الوسیله، ج۱، ص ۱٤٦، م ۱۹. برخی از فقها خواندن صیغه وقف را لازم دانسته‌اند.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۲. هرچند مطابق آنچه درمسأله قبل گفته شد، عنوان مسجد تحقق پیدا می‌کند، ولی مشهوربین فقها آن است که باید صیغه وقف خوانده شود، یعنی بگویند: «**وَقَفتُها مسجداً قربةً اِلَی الله**»؛ یعنی این زمین یا ساختمان را برای رضای خداوند وقف کردم برای آنکه مسجد باشد.[۱]

۳. دراحکام مسجد، میان مساجدگروه‌های مختلف مسلمان، اعم ازشیعه وغیر آن، فرقی نیست.[۲]

٤. اگرانسان بداند واقف، سقف وصحن ودیوارمسجد را جزء مسجد قرارنداده، یا نداند جزء مسجد قرارداده یا نه ونشانه‌ای براینکه جزء مسجد است نباشد، احکام مسجد را ندارد، ولی درفرض دوم، احتیاط مستجب است که احکام مسجد را در مورد این مکان‌ها نیزمرعات کنند.[۳]

۵. اگر مسجدی ویران شود، زمین آن از مسجد بودن خارج نمی‌شود و احکام مسجد در برخی موارد برآن جاری است ونیزاگرتمام روستا یا شهری خراب شود، مکانی که مسجد بوده، همچنان احکام مسجد را دارد.[۴]

٦. اگرازابتدا بخشی اززمین را به عنوان مسجد وبخشی دیگررا به عنوان حسینیه یاکتابخانه یا فروشگاه ومانند آن بسازند ووقف کنند، اشکال ندارد، ولی پس ازآنکه مکانی، عنوان مسجد را پیدا کرد، تغییرتمام یا بخشی ازآن به حسینیه ومانند آن جایزنیست.[۵]

---

۱ ـتحریرالوسیله، ج۱، ص۱٤٦.
۲ ـالعروة الوثقی، ص ٤۸، م ۱۵.
۳ ـهمان، ص ٤۸، م ۱٦.
٤ ـتحریرالوسیله، ج۲، ص ۷۳، م ۱٦.
۵ ـاستفتاآت، ج ۲، ص ۳۳٦، س ۵؛ صص ۳٦۵ و ۳٦٦، س ۷۷ و ۷۸؛ ص ۳۹۱، س ۹۳.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

تعمیر و توسعه مسجد

تعمیر مسجدی که نزدیک به خراب شدن است، مستحب است و اگر مسجد طوری خراب شود که تعمیر آن ممکن نباشد، می‌توانند آن را خراب کنند و دوباره بسازند، بلکه می‌توانند مسجد خراب نشده را برای احتیاج مردم خراب کنند و بزرگ‌تر بسازند.[۱]

لوازم مسجد

۱. اگر لوازم مسجد از قبیل فرش، ظرف، بلندگو حتی مهر، برای استفاده در مسجد وقف شده، بیرون بردن از مسجد و استفاده در غیر آن مسجد، حتی در مسجد دیگر جایز نیست.[۲]

۲. لوازمی که مورد احتیاج مسجد نیست، مثل بخاری یا چراغ نفت سوز یا سماور ذغالی، چنانچه در مسجد دیگر مورد نیاز باشد، با نظر متصدّی شرعی به مسجد دیگر بدهند و اگر مسجد دیگر نیاز به آنها نداشته باشد، می‌توانند آن را به لوازم مورد نیاز مسجد تبدیل کنند.[۳]

۳. خرید و فروش چیزهایی که وقف مسجد شده، باطل است، ولی اگر به طوری خراب شود که نتوانند در موردی که برای آن وقف شده استفاده کنند، فروش آن اشکال ندارد و اگر ممکن باشد، باید پول آن را در همان مسجد به مصرفی برسانند که به مقصود واقف نزدیک‌تر است.[۴]

---

۱. توضیح المسائل، م ۹۱۱.
۲. استفتاآت، ج ۲، ص ۳٤٤، س ۲۵؛ ص ۳٤۵، س ۲۷.
۳. همان، ج ۱، ص ۳۸٦، س ۱۲۵.
٤. توضیح المسائل، م ۲۰۹٤.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

استفاده غیرعبادی از مسجد

اگر مسجد را برای عزاداری، چادر بزنند و فرش بگسترانند و پارچهٔ سیاه نصب کنند و وسائل چای و پذیرایی به مسجد ببرند در صورتی که این کارها به مسجد ضرر نرساند و مانع نماز خواندن نشود اشکال ندارد.[۱]

نماز خواندن در مسجد

۱. نماز خواندن در مساجد مستجب است، بلکه حضور نیافتن در مسجد خصوصاً برای همسایگان مسجد در صورتی که عذری مثل بیماری و بارش برف و باران نباشد، مکروه است.[۲]

۲. ترتیب اولویت مساجد برای نماز خواندن از نظر ثواب بدین شرح است:

- مسجد الحرام ← هر نماز، معادل یک میلیون نماز
- مسجد النبی ← هر نماز، معادل ده هزار نماز
- مسجد جامع کوفه ← هر نماز، معادل هزار نماز
- مسجد الاقصی ← هر نماز، معادل هزار نماز
- مسجد جامع هر شهر ← هر نماز، معادل یکصد نماز
- مسجد قبیله ← هر نماز، معادل بیست و پنج نماز
- مسجد بازار ← هر نماز، معادل دوازده نماز

۳. برای زنها نماز خواندن در خانه بهتر است، ولی اگر بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند، بهتر است در مسجد نماز بخوانند.[۳]

---

۱. توضیح المسائل، م ۹۰۷.
۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱٤٥، م ۱٦.
۳. توضیح المسائل، م ۸۹٤.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

نماز تحیت مسجد

وقتی انسان وارد مسجد می‌شود، مستحب است دو رکعت نماز به قصد تحیت و احترام مسجد بخواند و اگر نماز واجب یا مستحب دیگری هم بخواند، کافی است.[۱]

حفظ حرمت مسجد

۱. نجس کردن زمین و سقف و بام و طرف داخل دیوار مسجد حرام است.[۲]

۲. احتیاط واجب آن است که طرف بیرون دیوار مسجد را هم نجس نکنند، مگر آنکه واقف، آن را جزء مسجد قرار نداده باشد.[۳]

۳. نجس کردن فرش مسجد نیز بنابر احتیاط واجب حرام است.[۴]

٤. اگر مسجدی را غصب کنند و به جای آن، خانه و مانند آن بسازند که دیگر به آن مسجد نگویند، باز هم بنابر احتیاط واجب نجس کردن آن حرام و تطهیر آن واجب است.[۵]

پرسش

۱. اگر انسان نداند حیاط مسجد را هنگام وقف جزء مسجد قرار داده‌اند یا نه، تکلیف چیست؟

۲. آیا می‌توان بخشی از مسجد را به حسینیه تبدیل کرد؟

۳. در بازسازی مسجد آیا می‌توان لوازم کهنه و قدیمی آن را فروخت؟

٤. برگزاری جلسه درس و بحث و مجلس شادی در مسجد چه حکمی دارد؟

۵. ترتیب فضیلت نماز در مساجد هر شهر یا روستا کدام است؟

---

۱. توضیح المسائل، م ۹۱۳.

۲. همان، م ۹۰۰.

۳. همان، م ۹۰۰.

٤. العروة الوثقی، ص ٤٦، م۲؛ توضیح المسائل، م ۹۰۵.

۵. توضیح المسائل، م ۹۰۳.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۱۹

واجبات نماز (۱)

۱ .واجبات نماز، یازده چیزاست که برخی رُکن و برخی غیررِکن است.

- واجبات نماز
  - رکن
    - ۱ .نیّت
    - ۲ .قیام
    - ۳ .تکبیرةالاحرام
    - ۴ .رکوع
    - ۵ .سجود
  - غیررکن
    - ۱ .قرائت
    - ۲ .ذکر
    - ۳ .تشهد
    - ۴ .سلام
    - ۵ .ترتیب
    - ۶ .مُوالات

---

۱ .توضیح‌المسائل، واجبات نماز.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

تفاوت رُکن و غیر رُکن

ارکان نماز، اجزای اساسی آن به شمار می‌آید و چنانچه یکی از آنها بجا آورده نشود، یا اضافه شود، هرچند بر اثر فراموشی هم باشد، نماز باطل است.

واجبات دیگر، گرچه انجام دادن آنها لازم است ولی چنانچه از روی فراموشی کم یا زیاد شود نماز باطل نیست.[۱]

احکام واجبات نماز

نیت

۱ ـ نمازگزار از آغاز تا پایان نماز، باید بداند چه نمازی می‌خواند و آن را برای انجام فرمان خداوند عالم بجا آورد.[۲]

۲ ـ به زبان آوردن نیت لازم نیست، ولی چنانچه به زبان هم بگوید اشکال ندارد.[۳]

عدول از نیت

۱ ـ برگرداندن نیت از نمازی به نماز دیگر در موارد زیر واجب است:

- از نماز عصر به نماز ظهر، در صورتی که بین نماز عصر متوجه شود نماز ظهر را نخوانده یا باطل بوده است.
- از نماز عشا به مغرب، در صورتی که بین نماز عشا پیش از رکوع رکعت چهارم متوجه شود نماز مغرب را نخوانده یا باطل بوده؛ و اگر وارد رکوع رکعت چهارم شده باشد، نماز عشا صحیح است و پس از آن نماز مغرب را می‌خواند.[۴]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۹۴۲.
۲ ـ همان، م ۹۴۳ و ۹۴۴.
۳ ـ همان، م ۹۴۳.
۴ ـ تحریر الوسیله، ج۱، کتاب الصلوة، فصل فی افعال الصلوة، ص ۱۵۹، م ۱۲.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

۲ ـ برگرداندن نیت در موارد زیر اشکال ندارد:

- از قضای عصر به قضای ظهر.
- از قضای عشا به قضای مغرب.
- از اداء به قضا.
- از جماعت به فُرادا.

۳ ـ برگرداندن نیت در موارد زیر صحیح نیست:

- از نماز ظهر به نماز عصر.
- از مغرب به عشا.
- از قضا به ادا.
- از فرادا به جماعت (بنابر احتیاط واجب).
- از مستحب به واجب.
- از مستحب به نماز مستحب دیگر.
- از واجب به مستحب، مگر در دو مورد:

الف) در ظهر روز جمعه، برای کسی که خواندن سوره جمعه را فراموش کرده و سوره دیگری شروع کرده و به نصف آن سوره رسیده یا از نصف گذشته است.

ب) مشغول نماز واجب باشد و داخل در رکوع رکعت سوم نشده باشد و نماز جماعت برپا شود و خوف آن داشته باشد که از جماعت عقب بماند.[1]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب‌الصلاة، فصل في افعال الصلاة، ص ۱۵۹، م ۱۲ و ۱۳ و فصل في صلاة الجماعة، ص ۲۶۶، م ۶ و ۷.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

قیام

قیام یعنی ایستاده بودن، که در بعضی موارد از ارکان نماز است و ترک آن، نماز را باطل می‌کند، ولی کسانی که نمی‌توانند ایستاده نماز بخوانند، وظیفه‌ای دارند که در مسائل آینده خواهد آمد.

- اقسام قیام
  - رکن
    - ۱. قیام هنگام تکبیرةالاحرام
    - ۲. قیام پیش از رکوع (متصّل به رکوع)
  - غیررکن
    - ۱. قیام هنگام قرائت
    - ۲. قیام بعد از رکوع[1].

احکام قیام

۱. بر نمازگزار واجب است پیش از گفتن تکبیرةالاحرام و بعد از آن، مقداری بایستد تا یقین کند که تکبیر را در حال قیام گفته است.[1]

۲. قیام متصل به رکوع بدان معنا است که در حالت ایستاده به رکوع برود، بنابراین اگر رکوع را فراموش کند و بعد از قرائت به سجده برود و قبل از وارد شدن به سجده یادش بیاید، باید کاملاً بایستد، سپس به رکوع برود، پس اگر از همان حالت به حدّ رکوع برگردد نماز باطل است.[2]

۳. نمازگزار باید هنگام ایستادن، هر دو پا را بر زمین بگذارد، ولی لازم نیست سنگینی بدن روی هر دو پا باشد و اگر روی یک پا هم باشد اشکال ندارد.[3]

٤. حرکت دادن دست و انگشتان در موقع خواندن حمد اشکال ندارد، گرچه احتیاط مستحب است آنها را هم حرکت ندهد.[4]

---

۱. توضیح المسائل، م ۹۵۹.
۲. همان، م ۹٦۰.
۳. همان، م ۹٦۳.
٤. همان، م ۹٦۷.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

۵ .کسی که به هیچ وجه .حتی با تکیه به چیزی .نتواند ایستاده نماز بخواند، باید نشسته و رو به قبله نماز بخواند و اگر نشسته هم نتواند، باید خوابیده بخواند.[۱]

٦ .کسی که خوابیده نماز می‌خواند باید به پهلوی راست، رو به قبله بخوابد و اگر نمی‌تواند، به پهلوی چپ رو به قبله بخوابد و اگر آن هم ممکن نیست، به پشت بخوابد به‌طوری که کف پاهای او، رو به قبله باشد.[۲]

۷ .بر نمازگزار واجب است پس از رکوع به‌طور کامل بایستد و سپس به سجده برود و چنانچه این قیام عمداً ترک شود نماز باطل است.[۳]

پرسش

۱ .تفاوت رکن با غیر رکن چیست؟

۲ .برگرداندن نیت از نماز قضا به ادا و جماعت به فرادا و فرادا به جماعت و عصر به ظهر و مغرب به عشا چه حکمی دارد؟

۳ .در چه صورتی می‌توان نیت را از نماز واجب به مستحب برگرداند.

٤ .قیام‌های واجب نماز کدام است؟ و تفاوت اصلی آنها در چیست؟

---

۱ .توضیح المسائل، م ۹۷۰ و ۹۷۱.

۲ .همان، م ۹۷۱.

۳ .تحریرالوسیله، ج ۱، القول في القیام، ص ۱٦۲، م ۱؛ والعروة الوثقی، ج ۱، فصل في الرکوع، ص ٦٦٥، الرابع.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۲۰

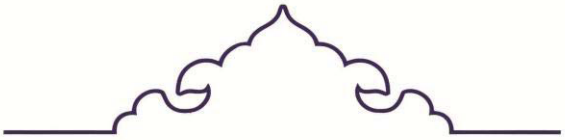

واجبات نماز (۲)

تکبیرة الاحرام

تکبیر اوّل نماز را «**تَکْبیرَةُ الإحرام**» می‌گویند. چون با همین تکبیر است که برخی از کارها که قبل از نماز جایز بوده بر نمازگزار حرام می‌شود؛ مانند خوردن و آشامیدن، خندیدن وگریستن.

واجبات تکبیرةالاحرام

۱. به عربی صحیح گفته شود.

۲. هنگام گفتن «**الله اکبر**» بدن آرام باشد.

۳. تکبیرةالاحرام را طوری بگوید که اگر مانعی درکار نباشد خودش بشنود؛ یعنی بسیار آهسته نگوید.

٤. بنا بر احتیاط واجب آن را به چیزی که پیش از آن می‌خواند، وصل نکند.[۱]

□ بر نمازگزار مستحب است موقع گفتن تکبیرةالاحرام و تکبیرهای بین نماز دست‌ها را تا مقابل گوش‌ها بالا ببرد.[۲]

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۹٤۸، ۹٤۹، ۹۵۱ و ۹۵۲.

۲. همان، م ۹۵۵.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

استفتاء

س۱ .برای شخص مریض که نشسته نماز می‌خواند قیام متصل به رکوع چه وضعی دارد؟

ج .باید از حالت نشسته به رکوع رود.[۱]

س ۲ .آیا تکان‌های مختصر، هنگام خواندن اذکار نماز، چنانچه سهواً انجام شود و نمازگزار نتواند مانع آن شود، باعث اشکال در نماز می‌شود؟

ج .اشکال ندارد.[۲]

قرائت

۱ .در رکعت اوّل و دوّم نمازهای واجب یومیه، انسان باید اوّل سوره حمد و پس از آن یک سوره کامل دیگر از قرآن بخواند.[۳]

□ ۲ .در رکعت سوم و چهارم نماز، باید سوره حمد، .بدون سوره‌ای دیگر. یا سه مرتبه تسبیحات اربعه خوانده شود و اگر یک مرتبه هم بخواند کافی است.[٤]

۳ .اگر نمازگزار، پس از حمد یکی از چهار سوره‌ای را که آیه سجده دارد[٥] عمداً بخواند، نمازش باطل است.[٦]

٤ .خواندن بیش از یک سوره پس از حمد، در نماز واجب مکروه است ولی در نماز مستحب اشکال ندارد.[۷]

---

۱ .استفتاآت، ج ۱، ص ۱۵۳، س ۹۲.

۲ .همان، ص ۱۵٤، س ۹۳.

۳ .توضیح‌المسائل، م ۹۷۸.

٤ .همان، م ۱۰۰۵. به فتوای برخی از فقها، سه بار باید تسبیحات اربعه را بخواند.

٥ .سوره‌های فصّلت، سجده، نجم و علق. (به درس ۹ رجوع شود)

٦ .توضیح‌المسائل، م ۹۸۳.

۷ .تحریرالوسیله، ج ۱، القول في القراءة، ص ۳٤۸، م ۹.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۵ ـ سوره‌های «**فیل**» و «**ایلاف**» برای نماز یک سوره به حساب می‌آید و نیز سوره «**ضحی**» و «**انشراح**» و خواندن یکی از این‌ها پس از حمد، در نماز کفایت نمی‌کند بلکه باید دو سوره با بسم‌الله در وسط خوانده شود.[۱]

احکام قرائت

۱ ـ در رکعت سوم و چهارم نماز، سوره حمد یا تسبیحات باید آهسته خوانده شود، و چنانچه سوره حمد بخواند بنابر احتیاط واجب، بسم‌الله آن را نیز باید آهسته بگوید؛ ولی حکم حمد و سوره در رکعت اول و دوم نماز به این شرح است:[۲]

نماز	نمازگزار	حکم
ظهر و عصر	مرد و زن[۳]	باید آهسته بخوانند
مغرب، عشاء، صبح	مرد	باید بلند بخواند
	زن	□ اگر نامحرم صدای او را نمی شنود می‌تواند بلند بخواند و اگر می‌شنود، بنابر احتیاط واجب باید آهسته بخواند[۴]

۲ ـ در مواردی که باید حمد و سوره نماز بلند خوانده شود، اگر نمازگزار عمداً تمام یا بخشی از آن را آهسته بخواند، یا در جایی که باید آهسته خوانده شود، عمداً بلند بخواند، نمازش باطل است، ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد نماز خوانده شده، صحیح است.[۵]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في القراءة، ص ۳۴۸، م ۹.
۲ ـ توضیح‌المسائل، م ۹۹۲-۹۹۴، ۱۰۰۷ و ۱۰۰۸.
۳ ـ احکامی که برای مردان گفته می‌شود، پسرها هم همین احکام را دارند. و همچنین احکامی که برای بانوان گفته می‌شود، دختران هم همین احکام را دارند.
٤. به فتوای برخی از فقها اگر نامحرم صدای او را می‌شنود، بهتر است آهسته بخواند.
۵ ـ توضیح‌المسائل، م ۹۹۵.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۳ ـ اگر نمازگزار در بین خواندن حمد و سوره بفهمد اشتباه کرده است، (مثلاً می‌بایست بلند بخواند ولی آهسته خوانده است) لازم نیست مقداری را که خوانده، دوباره بخواند.[۱]

□ ٤ـ انسان باید نماز را یاد بگیرد که غلط نخواند و کسی که اصلاً نمی‌تواند صحیح آن را یاد بگیرد، باید هر طور که می‌تواند بخواند و احتیاط مستحب است که نماز را به جماعت بجا آورد.[۲]

□ ۵ ـ احتیاط مستحب آن است که در نماز، وقف به حرکت و وصل به سکون ننمایند.[۳]

□٦ ـ اگر انسان کلمه‌ای را صحیح بداند؛ مثلاً کلمه «عَبْدُهُ» را در تشهد «عَبدَهُ» می‌دانسته و در نماز همانطور بخواند و بعد بفهمد غلط خوانده است، لازم نیست نماز را دوباره بخواند.[۴]

ذکر

یکی از واجبات رکوع و سجده ذکر است؛ که تفصیل آن خواهد آمد.

رکوع

□۱ ـ در هر رکعت بعد از خواندن حمد و سوره، یا تسبیحات اربعه، نمازگزار باید به اندازه‌ای خم شود که بتواند دست را به زانو بگذارد و این عمل را «رکوع» می‌گویند.[۵]

---

۱ ـ توضیح‌المسائل، م ۹۹۵.

۲ ـ همان، م ۹۹۷. به فتوای برخی از فقها، شرکت در نماز جماعت در این فرض بنابر احتیاط واجب است.

۳ ـ همان، م ۱۰۰٤. به فتوای برخی از فقها، در نماز وقف به حرکت و وصل به سکون جایز نیست.

٤ ـ همان، م ۱۰۰۱. به فتوای برخی از فقها، باید نماز را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا کند.

۵ ـ همان، م ۱۰۲۲. به فتوای برخی از فقها، باید دست‌ها را بر زانوها بگذارد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

واجبات رکوع
۱ .گفتن ذکر
۲ .آرامش بدن در حال گفتن ذکر.
۳ .ایستادن بعد از رکوع.
٤ .آرامش بدن بعد از رکوع.[۱]

• ذکر رکوع

در رکوع، هر ذکری گفته شود کافی است، ولی احتیاط واجب آن است که به قدر سه مرتبه «**سُبْحانَ الله**» یا یک مرتبه «**سُبْحانَ رَبِّیَ العَظیمِ وَبِحَمْدِهِ**» کمتر نباشد.[۱]

• آرامش بدن در رکوع

۱ .در رکوع باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد.[۲]

۲ .اگر نمازگزار پیش از آن‌که به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد، عمداً ذکر رکوع را بگوید، نمازش باطل است.[۳]

۳ .اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب، عمداً سر از رکوع بردارد نمازش باطل است.[۴]

• ایستادن و آرامش بعد از رکوع

بعد از تمام شدن ذکر رکوع، نمازگزار باید بایستد و پس از آرام گرفتن بدن به سجده برود و اگر عمداً پیش از ایستادن، یا پیش از آرام گرفتن بدن به سجده برود نمازش باطل است.[۵]

---

۱ .توضیح المسائل، م ۱۰۲۸.
۲ . همان، م ۱۰۳۰.
۳ .همان، م ۱۰۳۲.
٤ .همان، م ۱۰۳۳.
۵ .همان، م ۱۰٤۰.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

وظیفه کسی که نمی‌تواند رکوع کند

۱ .کسی که نمی‌تواند به مقدار رکوع خم شود، باید به هر اندازه که می‌تواند خم شود.

۲ .کسی که در حالت ایستاده اصلاً نتواند خم شود، باید نشسته رکوع کند.

۳ .کسی که نشسته رکوع می‌کند، باید به قدری خم شود که صورتش مقابل زانوها برسد و بهتر است به قدری خم شود که صورتش نزدیک جای سجده برسد.

فراموش کردن رکوع

۱ .اگر رکوع را فراموش کند و به سجده برود و پیش از آن‌که پیشانی را بر زمین بگذارد یادش بیاید، باید بایستد بعد به رکوع رود و چنانچه نایستد و از همان حال به رکوع برگردد، نمازش باطل است، چون قیام متصل به رکوع ترک شده است.[۱]

۲ .اگر پس از رسیدن پیشانی به زمین، یادش بیاید که رکوع نکرده، بنابر احتیاط واجب باید بایستد و رکوع را بجا آورد و نماز را تمام کند و دوباره بخواند.[۲]

پرسش

۱ .اگر نمازگزار در حال قرائت، کمی حرکت کند تکلیف چیست؟

۲ .بانوان در چه صورتی می‌توانند حمد و سوره نماز را بلند بخوانند؟

۳ .در چه مواردی نمازگزار می‌تواند سوره‌ای که شروع کرده رها کند و سوره دیگری بخواند؟

٤ .اگر نمازگزار در رکعت چهارم نماز، سوره حمد بخواند، تکلیف چیست؟

٥ .نماز ظهر چند تکبیر واجب دارد؟

---

۱ .توضیح‌المسائل، م ۱۰٤۱.

۲ .همان، م ۱۰٤۲.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

درس ۲۱

واجبات نماز (۳)

سجود

۱ ـ نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب، پس از رکوع دو سجده بجاآورد.[۱]

۲ ـ سجده آن است که پیشانی و کف دو دست و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاها (شست) را بر زمین بگذارد؛ افزون بر این، واجباتی دارد که خواهد آمد.

۳ ـ سجده کردن برای غیر خداوند حرام است؛ پس سجده در مقابل هر چیز و هر کس حتی در مقابل قبور معصومین علیهم‌السلام جایز نیست؛ مگر آنکه سجده برای خداوند و جهت شکر توفیق زیارت باشد.[۲]

واجبات سجده

۱ ـ گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است.

۲ ـ گفتن ذکر.

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱۰۴۵.

۲ ـ همان، م ۱۰۹۰.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۳ ـ آرامش بدن در حال ذکر سجده.

٤ ـ برزمین بودن هفت عضو در هنگام ذکر.

٥ ـ مساوی بودن جاهای سجده (پست و بلند نبودن).

٦ ـ پاک بودن جایی که پیشانی را می‌گذارد.

۷ ـ سر برداشتن و نشستن و آرامش بین دو سجده.

۸ ـ مراعات موالات بین دو سجده.[۱]

● برزمین بودن هفت عضو:

۱ ـ اگر موقعی که ذکر سجده را می‌گوید، یکی از هفت عضو را عمداً از زمین بردارد، نماز باطل می‌شود، ولی موقعی که مشغول گفتن ذکر نیست اگر غیر از پیشانی، جاهای دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد، اشکال ندارد.[۲]

۲ ـ اگر همراه با انگشتان شست پا، انگشتان دیگر هم برزمین باشد مانع ندارد.[۳]

● گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است:

۱ ـ در سجده باید پیشانی را برزمین، یا آنچه از زمین می‌روید ولی خوراکی و پوشاکی نیست قرار دهد پس سجده برروییدنی‌هایی که انسان آن را می‌خورد؛ مثل سبزی‌های خوراکی و میوه‌ها، یا در پوشاک از آنها استفاده می‌کنند مثل پنبه، صحیح نیست.[٤]

□ ۲ ـ سجده برگِل پخته؛ مانند آجر و کوزه گِلی اشکال ندارد.[٥]

---

۱ ـ العروة الوثقی، فصل في السجود، ج ۱، ص ٦۷۳؛ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في السجود، ص ۱۷۲.

۲ ـ توضیح المسائل، م ۱۰٥٤. به فتوای برخی از فقها، باید مجددا ذکر را بگوید و نماز را تمام و اعاده کند.

۳ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في السجود، ص ۱۷۳، م ۲؛ العروة الوثقی، ج ۱، فصل في السجود، ص ٦۷٦، م۷.

٤ ـ توضیح المسائل، م ۱۰۷٦.

٥ ـ همان، م ۱۰۸۱. به فتوای برخی از فقها سجده برگِل پخته در حال اختیار صحیح نیست.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

□ ۳ ـ جایی که انسان باید تقیه کند می‌تواند بر فرش و مانند آن سجده نماید و لازم نیست برای نماز به جای دیگر برود.[۱]

٤ ـ سجده بر چیزهای معدنی؛ مانند طلا و نقره و عقیق و فیروزه، صحیح نیست.[۲]

٥ ـ سجده بر چیزهایی که از زمین می‌روید و خوراک حیوان است؛ مثل علف و کاه، صحیح است.[۳]

□ ٦ ـ سجده بر کاغذ، اگر چه از پنبه و مانند آن ساخته شده باشد صحیح است.[۴]

۷ ـ برای سجده، بهتر از هر چیز تربت حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام است و بعد از آن بدین ترتیب: خاك؛ سنگ؛ گیاه.[۵]

□ ۸ ـ اگر در سجده اول، مُهر به پیشانی بچسبد و بدون اینکه مُهر را بردارد دوباره به سجده رود، نماز باطل است.[۶]

استفتاء

س ـ نماز خواندن بر مهر شکسته صحیح می‌باشد یا نه؟

ج ـ اشکال ندارد.[۷]

● ذکر

در سجده هر ذکری بگوید کافی است ولی احتیاط واجب آن است که مقدار ذکر از

---

۱ ـ توضیح المسائل، م۱۰۷۲. به‌فتوای برخی از فقها، اگر می‌تواند باید به‌جایی برود که بتواند بر چیزی که سجده صحیح است سجده کند.

۲ ـ همان، م ۱۰۷٦.

۳ ـ همان، م ۱۰۷۸.

٤ ـ همان، م ۱۰۸۲. به فتوای برخی از فقها، سجده بر کاغذی که از غیر چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است ساخته شده کفایت نمی‌کند.

٥ ـ همان، م ۱۰۸۳.

٦ ـ همان، م ۱۰۸٦. به فتوای برخی از فقها، نماز باطل نیست.

۷ ـ استفتاآت، ج ۱، ص ۱٦٥، س ۱۳۸.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

سه مرتبه «**سُبْحانَ اللهِ**» یا یک مرتبه «**سُبْحانَ رَبِّیَ الاَعْلی وَ بِحَمْدِهِ**» کمتر نباشد.[۱]

● آرامش

۱ ـ در سجده باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد و موقع گفتن ذکر مستحب نیز اگر آن را به قصد ذکری که برای سجده دستور داده‌اند بگوید، آرام بودن بدن لازم است.[۲]

□ ۲ ـ اگر پیش از آنکه پیشانی به زمین برسد و آرام گیرد، عمداً ذکر را بگوید، نماز باطل است و چنانچه از روی فراموشی باشد، باید دوباره در حال آرام بودن، ذکر را بگوید.[۳]

● مساوی بودن مواضع سجده

۱ ـ جای پیشانیِ نمازگزار باید از جای زانوهایش پست‌تر و بلندتر از چهار انگشت بسته نباشد.[۴]

۲ ـ احتیاط واجب آن است که جای پیشانی نمازگزار از جای انگشتان پایش هم پست‌تر و بلندتر از چهار انگشت بسته نباشد.[۵]

● سربرداشتن از سجده:

۱ ـ بعد از تمام شدن ذکر سجده اول باید بنشیند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود.[۶]

۲ ـ اگر پیش از تمام شدن ذکر، عمداً سر از سجده بردارد، نماز باطل است.[۷]

□ ۳ ـ اگر پیشانی بی‌اختیار از جای سجده بلند شود، چنانچه ممکن باشد باید نگذارد دوباره به جای سجده برسد، و این یک سجده حساب می‌شود، چه ذکر

---

۱ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۰۴۹.
۲ ـ همان، م ۱۰۵۰.
۳ ـ همان، م ۱۰۵۱ و ۱۰۵۲. به فتوای برخی از فقها، باید دوباره ذکر را بگوید و نماز را تمام و اعاده کند.
٤ ـ همان، م ۱۰۵۷.
٥ ـ همان، م ۱۰۵۷.
٦ ـ همان، م ۱۰۵٦.
۷ ـ همان، م ۱۰۵۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

سجده را گفته باشد یا نه و اگر نتواند سر را نگه دارد و بی‌اختیار دوباره به جای سجده برسد، با هم یک سجده حساب می‌شود و اگر ذکر نگفته باشد، باید بگوید.[۱]

کم یا زیاد شدن سجده:

● **عمداً:** نماز باطل است.

● **سهواً**
- یک سجده
  - زیاد شود ← نماز صحیح است
  - کم شود
    - □ ۱. قبل از رکوع رکعت بعد یادش بیاید، باید برگردد و بجا آورد و نماز صحیح است.
    - ۲. در رکوع رکعت بعد یا پس از آن یادش بیاید، نماز صحیح است ولی پس از سلام نماز باید آن را قضا کند و دو سجده سهو بجا آورد[۲].
- دو سجده در یک رکعت ← نماز باطل است.

پرسش

۱. تفاوت سجده و ذکر سجده چیست؟

۲. اگر برای سجده، پیشانی بر مهر بخورد و بی‌اختیار بلند شود، تکلیف چیست؟

۳. سجده بر آجر، چوب، سنگ مرمر، مقوّا، موزاییک، پوست هندوانه چه حکمی دارد؟

٤. آیا نمازگزار می‌تواند در حال سجده یکی از دست‌ها را از زمین بردارد و دوباره به زمین بگذارد؟

۵. اگر نمازگزار در دو رکعت پشت سرهم هرکدام یک سجده بجا آورد نمازش چه حکمی دارد؟

---

۱. توضیح المسائل، م ۱۰۷۱. به فتوای برخی از فقها، اگر ذکر را نگفته باشد باید دوباره به سجده برود و هر دو، یک سجده به حساب می‌آید.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

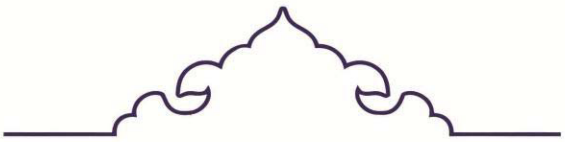

واجبات نماز (٤)

وظیفه کسی که نمی‌تواند به طور معمول سجده کند

۱ ـ کسی که نمی‌تواند پیشانی را به زمین برساند، باید به قدری که می‌تواند خم شود و مهر را برجای بلندی؛ مثل بالش بگذارد و پیشانی را طوری بر آن بگذارد که بگویند سجده کرده است، ولی باید کف دست‌ها و زانوها و انگشتان پا را به طور معمول بر زمین بگذارد.[۱]

۲ ـ اگر نمی‌تواند خم شود، باید برای سجده بنشیند و با سر اشاره کند، ولی احتیاط واجب آن است که مهر را بالا بیاورد و پیشانی را بر آن بگذارد.[۲]

سجده واجب قرآن

۱ ـ در چهار سوره قرآن، آیه سجده وجود دارد[۳] که اگر انسان آن آیه را بخواند یا وقتی که دیگری آن را می‌خواند به آن گوش دهد، بعد از تمام شدن آن آیه، باید فوری سجده کند.[۴]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱۰٦۸.

۲ ـ همان، م ۱۰٦۹.

۳ ـ نام سوره‌های سجده‌دار قرآن و شماره آیات آن، در درس ۹ گذشت.

٤ ـ توضیح المسائل، م ۱۰۹۳.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

۲ ـ چنانچه سجده را فراموش کند، هر وقت یادش آمد باید سجده کند.[۱]

□ ۳ ـ اگر انسان آیه سجده را از ضبط صوت بشنود، لازم نیست سجده کند.[۲]

□ ٤ ـ اگر آیه سجده از بلندگو یا رادیو یا تلویزیون شنیده شود، چنانچه صدای انسان به صورت زنده پخش می‌شود، سجده واجب است.[۳]

٥ ـ هنگام سجده برای این آیه‌ها، بر چیزهای خوراکی و پوشاکی نمی‌توان سجده کرد ولی مراعات سایر شرایط سجده، لازم نیست.[٤]

٦ ـ گفتن ذکر در این سجده واجب نیست، بلکه مستحب است و بهتر است بگوید:

لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ حَقًّا حَقًّا، لا اِلهَ اِلاَّ الله ایمانًا وَ تَصْدیقًا، لا اِلهَ اِلاَّ الله عُبُودِیةً وَ رِقًّا، سَجَدْتُ لَکَ یا رَبِّ تَعَبُّدًا وَ رِقًّا، لا مُسْتَنْکِفًا وَ لا مُسْتَکْبِرًا، بَلْ اَنَا عَبْدٌ ذَلیلٌ خائِفٌ مُسْتَجیرٌ.[٥]

تشهّد

۱ ـ نمازگزار در رکعت دوم و آخر نماز، باید بعد از سجده دوم بنشیند و در حال آرام بودن بدن، تشهد بخواند، یعنی بگوید:

اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلاَّ الله وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ و رَسُولُهُ

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ.[٦]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱۰۹۳.

۲ ـ همان، م ۱۰۹٦.

۳ ـ همان، م ۱۰۹٦. به فتوای برخی از فقها، اگر آیه سجده را از ضبط صوت یا رادیو یا تلویزیون بشنود، سجده واجب می‌شود.

٤ ـ همان، م ۱۰۹۷.

٥ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في سجدتي التلاوة والشكر، ص ۱۷۸، م ۷؛ توضیح‌المسائل، م ۱۰۹۹.

٦ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۱۰۰.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

□ ۲ ـ اگر نمازگزار تشهد را فراموش کند و بایستد و پیش از رکوع یادش بیاید که تشهد را نخوانده، باید بنشیند و تشهد را بخواند و دوباره بایستد و آنچه باید در آن رکعت خوانده شود، بخواند و نماز را تمام کند و اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را تمام کند و بعد از سلام نماز، تشهد را قضا کند و بنابر احتیاط واجب دو سجده سهو بجا آورد.[۱]

سلام

۱ ـ نمازگزار باید در رکعت آخر هر نماز، پس از تشهد، سلام بگوید و نماز را پایان دهد.

۲ ـ مقدار واجب سلام یکی از این دو جمله است:

اَلسَّلامُ عَلَینا وَ علی عِبادِالله الصّالِحینَ.

اَلسَّلامُ عَلَیکُمْ وَ رَحْمَةُ الله وَ بَرکاتُهُ.[۲]

۳ ـ مستحب است قبل از این دو سلام بگوید:

اَلسَّلامُ عَلَیک اَیهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُ الله وَ بَرَکاتُهُ.

و نیز مستحب است هر سه را بگوید.[۳]

ترتیب

۱ ـ نماز باید بدین ترتیب خوانده شود: تکبیرةالاحرام، قرائت، رکوع، سجود، و در رکعت دوم پس از سجود، تشهد بخواند و در رکعت آخر، پس از تشهد، سلام دهد.

۲ ـ اگر رکنی از نماز را فراموش کند و رکن بعد از آن را بجا آورد؛ مثلاً پیش از رکوع، دو سجده نماید،[۴] نماز باطل است.[۵]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱۱۰۲. به فتوای برخی از فقها، در فرض اول نیز باید پس از نماز دو سجده سهو بجا آورد.

۲ ـ همان، م ۱۱۰۵. به فتوای برخی از فقها، اگر جمله اوّل را بگوید، احتیاط آن است جمله دوّم را نیز بگوید.

۳ ـ همان، م ۱۱۰۵.

٤ ـ اگر در سجده اول باشد، احتیاط واجب آن است که بایستد و رکوع را بجا آورد و نماز را تمام کند و دوباره بخواند. توضیح المسائل، م ۱۰٤۲.

۵ ـ توضیح المسائل، م ۱۱۰۹.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۳ ـ اگر رکنی را فراموش کند و چیزی را که بعد از آن است و رکن نیست بجا آورد؛ مثلاً پیش از دو سجده، تشهد بخواند، باید رکن را بجا آورد و آنچه را که به اشتباه پیش از آن خوانده دوباره بخواند.[۱]

□ ٤ ـ اگر غیر رکنی را فراموش کند و رکن بعد را بجا آورد؛ مثلاً حمد را فراموش کند و مشغول رکوع شود، نمازش صحیح است.[۲]

مُوالات

۱ ـ موالات یعنی پشت سرهم بودن اجزای نماز و فاصله نینداختن بین آنها.

۲ ـ اگر به قدری بین اجزای نماز فاصله بیندازد که نگویند نماز می‌خواند، نمازش باطل است.[۳]

۳ ـ طول دادن رکوع و سجود و خواندن سوره‌های بزرگ، موالات را به‌هم نمی‌زند.[٤]

پرسش

۱ ـ کسی که نمی‌تواند برای سجده به طور کامل خم شود، اگر مهر را با دست بالا بیاورد و به پیشانی بگذارد چه حکمی دارد؟ چرا؟

۲ ـ اگر در حال تشهد یادش بیاید که یک سجده بجا آورده، تکلیف چیست؟

۳ ـ مراعات کدام یک از شرایط و واجبات سجده نماز در سجده واجب قرآن نیز لازم است؟

٤ ـ اگر در رکعت سوّم نماز متوجه شود، تشهد را فراموش کرده، تکلیف چیست؟

٥ ـ فراموش کردن کدام یک از اجزای نماز قضا دارد؟

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱۱۱۰.

۲ ـ همان، م ۱۱۱۱. به فتوای برخی از فقها، برای هر واجب فراموش‌شده بنا بر احتیاط باید دو سجده سهو بجا آورد.

۳ ـ همان، م ۱۱۱٤.

٤ ـ همان، م ۱۱۱٦.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۲۳

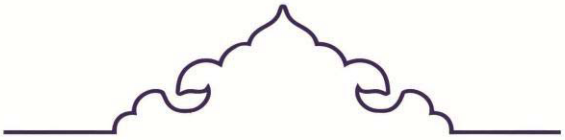

آداب نماز

در اصطلاح فقه، مجموعه مستحبات و مکروهات را «آداب» گویند.

آداب نماز (اعم از مقدمات و مقارنات و تعقیبات) بسیار زیاد است اما در این درس به طور مختصر برخی از آنها را مرور می‌کنیم.

آداب لباس نمازگزار

۱ـ پوشیدن عبا و لباس سفید و پاکیزه‌ترین لباس‌ها و استعمال بوی خوش و دست کردن انگشتری عقیق در نماز مستحب است.[۱]

۲ـ پوشیدن لباس سیاه و چرک و تنگ و لباسی که نقش صورت دارد و باز بودن دکمه‌های لباس در نماز مکروه است.[۲]

آداب مکان نمازگزار

۱ـ مستحب است، انسان نماز را در مسجد بخواند و در اسلام بر این مسأله سفارش بسیار شده است.[۳] احکام مسجد در درس آینده خواهد آمد.

۱ـ توضیح المسائل، م ۸٦٤.

۲ـ همان، م ۸٦٥.

۳ـ همان، م ۸۹۳.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۲ .برای زنان نماز خواندن در خانه بهتر است، ولی اگر بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند، بهتر است در مسجد نماز بخوانند.[۱]

۳ .در مکان های ذیل نماز خواندن مکروه است:

- حمام.
- زمین نمکزار.
- مقابل دری که باز است.
- در جاده و خیابان و کوچه، اگر برای کسانی که عبور می‌کنند زحمت نباشد و اگر زحمت باشد حرام است ولی نماز باطل نیست.
- مقابل آتش و چراغ.
- در آشپزخانه وهرجا که کوره آتش باشد.
- مقابل چاه و چاله‌ای که محل بول است.
- روبروی عکس و مجسمه انسان یا حیوان، مگر آن که روی آن پرده بکشند.
- در جایی که عکس باشد هر چند روبروی نمازگزار نباشد.
- در اطاقی که شخص جنب در آن باشد.
- مقابل قبر و روی آن و بین دو قبر.
- در قبرستان.[۲]

اذان و اقامه

۱ .برنمازگزار مستحب است قبل از نمازهای یومیه، ابتدا اذان وبعد از آن اِقامه بگوید.[۳]

۲ .اذان و اقامه باید در وقتِ نمازگفته شود و اگر قبل از وقت بگوید باطل است.[۴]

---

۱ .توضیح المسائل، م ۸۹٤.

۲ .همان، م ۸۹۸.

۳ .همان، م ۹۱۸.

٤ .همان، م ۹۳۵.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۳ ـ اقامه باید بعد از اذان گفته شود و اگر قبل از اذان بگوید، صحیح نیست.[۱]

٤ ـ بین جمله‌های اذان و اقامه نباید زیاد فاصله شود و اگر بین آنها بیشتر از معمول فاصله بیندازد، باید دوباره آن را از سر بگیرد.[۲]

۵ ـ اگر برای نماز جماعتی اذان و اقامه گفته باشند، کسی که با آن جماعت نماز می‌خواند، نباید برای نماز خود اذان و اقامه بگوید.[۳]

۷ ـ مستحب است کسی را که برای گفتن اذان معین می‌کنند، عادل، وقت شناس و صدایش بلند باشد.[۴]

۸ ـ مستحب است در روزی که بچه به دنیا می‌آید، در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه بگویند.[۵]

بعضی از مستحبات قرائت[۶]

۱ ـ در رکعت اول پیش از حمد بگوید: «**أَعوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیم**».

۲ ـ در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر «**بسم الله الرحمن الرحیم**» را بلند بگوید.

۳ ـ حمد و سوره را شمرده بخواند و در آخر هر آیه وقف کند؛ یعنی آن را به آیه بعد نچسباند.

٤ ـ در حال خواندن حمد و سوره، به معنای آن توجه داشته باشد.

۵ ـ در تمام نمازها، در رکعت اول، سوره «**قدر**» و در رکعت دوم، سوره «**توحید**» را بخواند.

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۹۳۱.

۲ ـ همان، م ۹۲۰.

۳ ـ همان، م ۹۲۳.

٤ ـ همان، م ۹٤۱.

۵ ـ همان، م ۹۱۷.

٦ ـ همان، م ۱۰۱۷ و ۱۰۱۸.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۶ ـ اگر نماز را به جماعت می‌خواند، بعد از تمام شدن حمد امام و اگر فرادا می‌خواند، بعد از تمام شدن حمد خودش، بگوید: «**اَلْحَمْدُللهِ رَبِّ الْعالَمِینَ**».

۷ ـ بعد از خواندن سوره «**توحید**»، یک یا دو یا سه مرتبه بگوید: «**کَذلِکَ اللهُ رَبّی**» یا سه مرتبه بگوید: «**کَذلِکَ اللهُ رَبُّنا**».

قنوت

۱ ـ مستحب است در رکعت دوم نمازهای یومیه، بعد از حمد و سوره و پیش از رکوع، قنوت بخواند.

ـ در نماز جمعه، در هر رکعت یک قنوت،[۱]

ـ در نماز آیات، پنج قنوت،[۲]

ـ در نماز عید فطر و قربان، در رکعت اوّل پنج قنوت و در رکعت دوّم چهار قنوت.

و در نماز وتر که یک رکعت است، خواندن قنوت پیش از رکوع مستحب است.[۳]

۲ ـ در قنوت، هر دعا یا ذکری بگوید، اگر چه یک «**سُبْحانَ اللهِ**» باشد کافی است و می‌تواند این دعا را بخواند.

«**رَبَّنا آتِنا فِی‌الدُّنیا حَسَنَةً وَ فِی‌الآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ النّارِ**»[۴]

۳ ـ هنگام قنوت، بنابراحتیاط واجب باید دست‌ها را بلند کند و مستحب است دست‌ها را تا مقابل صورت بالا آورد و کف دست‌ها رو به آسمان باشد.[۵]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱۰۲۹ و ۱۰۴۳.

۲ ـ تفصیل آن در درس ۳۶ خواهد آمد.

۳ ـ توضیح المسائل، م ۱۱۱۷ و م ۱۵۱۲.

۴ ـ همان، م ۱۱۱۹.

۵ ـ همان، م ۱۱۱۸.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

برخی از مستحبات رکوع

* ذکر رکوع را سه یا پنج یا هفت مرتبه بلکه بیشتر بگوید.
* پیش از رفتن به رکوع در حالی که راست ایستاده تکبیر بگوید.
* در حال رکوع بین دو قدم (روی زمین) را نگاه کند.
* پیش از ذکر رکوع یا بعد از آن صلوات بفرستد.
* بعد از رکوع، هنگامی که ایستاد و بدن آرام گرفت بگوید: «سَمِعَ اللهُ لِمَن حَمِدَه».[۱]

برخی از مستحبات سجده

۱- تکبیر گفتن در این موارد:
* پس از رکوع و پیش از سجده اول.
* پس از سجده اول، در حالی که نشست و بدن آرام گرفت.
* پیش از سجده دوم، در حالی که نشسته است و بدنش آرام است.
* بعد از سجده دوم.

۲- طول دادن سجده ها.

۳- گفتن «**اَستَغفِرُاللهَ رَبّی وَاَتُوبُ اِلیهِ**» بعد از سجده ی اول، در حالی که بدن آرام گرفت.

٤- صلوات فرستادن در سجده‌ها.[۲]

تعقیب نماز

مستحب است انسان پس از نماز مشغول تعقیب شود؛ یعنی ذکر و دعا و قرآن بخواند.

۱ .بهتر است در حال تعقیب رو به قبله باشد.

۲ .لازم نیست تعقیب به عربی باشد، ولی بهتر است آنچه را که در کتاب های دعا دستور داده‌اند بخواند.

---

۱ .توضیح المسائل، م ۱۱۱۸.

۲ .همان، م ۱۰۹۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۳ ـ گفتن تسبیح حضرت زهرا علیها السلام ؛ یعنی ۳٤ مرتبه **«اَللّه اکبر»** و ۳۳ مرتبه **«اَلحمدُلله»** و ۳۳ مرتبه **«سُبْحانَ الله»** مستحب است.[۱]

استفتاء

س ـ آیا بعد از نمازها شعارهای اسلامی بگوییم یا تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام را با توجه به تأکید فراوان روایات درباره تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام بعد از نماز.

ج ـ اختیار با نمازگزار است و جمع بین هر دو بهتر است.[۲]

برخی از مکروهات نماز

۱ ـ برهم گذاشتن چشم‌ها؛

۲ ـ بازی کردن با انگشتان و دست‌ها؛

۳ ـ سکوت هنگام خواندن حمد یا سوره یا ذکر، برای شنیدن حرف کسی؛

٤ ـ هرکاری که خضوع و خشوع را از بین ببرد؛

۵ ـ گرداندن صورت به طرف راست یا چپ به مقدارکم (اگر زیاد باشد نماز باطل می‌شود).[۳]

پرسش

۱ ـ گفتن اذان و اقامه پیش ازکدامیک از نمازها مستحب است؟

۲ ـ نماز چند تکبر مستحب دارد؟

۳ ـ کدام نماز بیشترین قنوت را دارد؟

٤ ـ تکرارکدام یک از آیات سوره حمد، مستحب است؟

۵ ـ صلوات فرستادن در نماز چه حکمی دارد؟

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱۱۲۲.

۲ ـ استفتاآت، ج ۱، صص ۱٦۷ و ۱٤۸.

۳ ـ توضیح المسایل، م ۱۱۵۷.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۲۴

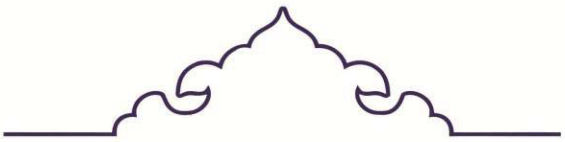

مُبطِلات نماز

آنگاه که نمازگزار، تکبیرةالاحرام می‌گوید، تا پایان نماز، بعضی کارها بر او حرام می‌شود و اگر یکی از آنها را انجام دهد نمازش باطل می‌شود، مبطلات نماز عبارتند از:

- **از بین رفتن یکی از شرط‌های نماز؛**
- پیش آمدن چیزی که وضو یا غسل را باطل می‌کند؛
- خوردن و آشامیدن؛
- سخن گفتن؛
- خندیدن؛
- گریستن؛
- رو از قبله برگرداندن؛
- کم یا زیاد شدن ارکان نماز؛
- برهم زدن صورت نماز؛
- دست‌ها را برهم گذاشتن؛
- آمین گفتن بعد از حمد؛
- پیش آمدن شکی که مبطل نماز است.[1]

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۱۱۲۶. شک‌هایی که نماز را باطل می‌کند در درس ۲۵ خواهد آمد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

احکام مبطِلات نماز

۱ .اگر در بین نماز یکی از شرایط صحیح بودن آن از بین برود نماز باطل می‌شود؛ مثلاً در بین نماز بفهمد مکانش غصبی است.[۱]

۲ .اگر در بین نماز وضو باطل شود یا یکی از موجبات غسل پیش آید، نماز باطل است.[۲]

• **سخن گفتن**

□ ۱ .اگر نمازگزار عمداً کلمه‌ای بگوید و بخواهد مطلبی را بفهماند، نمازش باطل است، اگرچه آن کلمه معنایی نداشته باشد یا یک حرف باشد.[۳]

۲ .سرفه و آروغ و آه کشیدن نماز را باطل نمی‌کند ولی گفتن «آخ» و «آه» و مانند این‌ها که دو حرف دارد، اگر عمدی باشد نماز را باطل می‌کند.[۴]

□ ۳ .در نماز نباید به کسی سلام کرد، ولی اگر کسی به نمازگزار سلام کند جواب او واجب است و باید «سلام» را مقدم بدارد؛ مثلاً بگوید: «**سَلامٌ عَلیكَ**» یا «**سَلامٌ عَلَیكُمْ**» و نباید «**عَلَیكُمُ السَّلام**» بگوید.[۵]

٤ .اگر کلمه‌ای را به قصد ذکر بگوید؛ مثلاً بگوید: «**الله اکبر**» و در موقع گفتن آن، صدا را بلند کند که چیزی را به دیگری بفهماند اشکال ندارد ولی چنانچه به قصد

---

۱ .توضیح المسائل، م ۱۱۲٦.

۲ .همان.

۳ .همان، ص ۱۵٤. به فتوای برخی از فقها، اگر کلمه معنادار باشد، هرچند نخواهد مطلبی را بفهماند، نماز باطل است.

٤ .همان، م ۱۱۳۳.

۵ .همان، م ۱۱۳۷. به فتوای برخی از فقها، در پاسخ سلام باید همان طور که سلام کرده جواب بدهد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

اینکه چیزی به کسی بفهماند بگوید، اگرچه قصد ذکرهم داشته باشد، نماز باطل می‌شود، چون قصد اصلی غیرذکراست وقصد ذکرفرع برآن است.[۱]

استفتاء

س ـ اگر کسی به نمازگزار سلام کند و فقط بگوید: «سلام» نمازگزار چگونه باید پاسخ دهد؟

ج ـ **جواب واجب است و درجواب یا باید به لفظ «سلام» اکتفاکند، یا بگوید: «سلام علیکم».**[۲]

● خندیدن وگریستن

۱ ـ خنده عمدی وباصدا نمازرا باطل می‌کند.

۲ ـ لبخند زدن نمازرا باطل نمی‌کند.

۳ ـ اگرنمازگزاربرای کاردنیا عمداً با صداگریه کند نمازش باطل می‌شود.

□ ٤ ـ گریه بی‌صدا وگریه ازترس خدا یا برای آخرت ـ هرچند با صدا باشد ـ نمازرا باطل نمی‌کند.[۳]

● رو از قبله برگرداندن

۱ ـ اگر نمازگزار عمداً روی خود را از قبله برگرداند، به طوری که نگویند رو به قبله است، نمازش باطل می‌شود.

۲ ـ اگرسهوا تمام صورت را به طرف راست یا چپ قبله برگرداند، به احتیاط واجب نمازرا دوباره بخواند. ولی اگربه طرف راست یا چپ قبله نرسیده است، نمازصحیح است.[۴]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱۱۳٤.

۲ ـ استفتاآت، ج ۱، ص ۳۰۰، س ٥٦۰.

۳ ـ توضیح المسائل، هفتم وهشتم از مبطلات نماز. به فتوای برخی از فقها، گریه برای کاردنیا هرچند بی‌صدا باشد، نماز را باطل می‌کند.

٤ ـ همان، م ۱۱۳۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

• برهم زدن صورت نماز

١ ـ اگر در بین نماز، کاری کند که صورت نماز را برهم زند؛ مثل دست زدن، به هوا پریدن و مانند اینها، هر چند از روی فراموشی باشد، نماز باطل می‌شود.[١]

٢ ـ اگر نمازگزار به قدری ساکت بماند که نگویند نماز می‌خواند، نمازش باطل می‌شود.[٢]

٣ ـ رها کردن نماز واجب (شکستن نماز) از روی اختیار، حرام است، ولی برای حفظ جان خود یا کسی که حفظ جانش واجب است یا حفظ مالی که نگهداری آن واجب است یا حفظ آبروی خود، مانعی ندارد وگاهی واجب است.[٣]

٤ ـ شکستن نماز برای پرداخت بدهی با این شرایط اشکال ندارد:

* طلبکار، طلب خود را بخواهد.

* وقت نماز تنگ نباشد؛ یعنی بتواند پس از پرداخت بدهی، نماز را در وقتِ آن بخواند.

* در بین نماز نتواند بدهی را بپردازد.[٤]

□ ٥ ـ اگر در بین نماز متوجه شود که مسجد نجس است و:

• وقت نماز تنگ است: باید نماز را تمام کند و پس از نماز، مسجد را تطهیر کند.

• وقت نماز وسعت دارد: اگر نمی‌تواند در بین نماز مسجد را تطهیر کند، باید نماز را رها کند و مسجد را تطهیر نماید و بعد نماز را بخواند.[٥]

٦ ـ شکستن نماز برای مالی که اهمیت ندارد مکروه است.[٦]

---

١ ـ توضیح المسائل، ص ١٥٦، نهم از مبطلات نماز.

٢ ـ همان، م ١١٥٢.

٣ ـ تحریر الوسیله، ج ١، القول في مبطلات الصلاة، ص ١٩١، م ١٠؛ توضیح المسائل، م ١١٥٩ و ١١٦٠.

٤ ـ توضیح المسائل، م ١١٦١.

٥ ـ همان، م ١١٦٢. به فتوای برخی از فقها، چنانچه بعد از نماز تطهیر مسجد ممکن باشد، شکستن نماز جایز نیست، بلکه باید نماز را تمام کند و بعد از نماز مسجد را تطهیر کند.

٦ ـ همان، م ١١٦٠.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

● دست‌ها را بر هم گذاشتن

اگر نمازگزار مثل بعضی غیرشیعیان در حال نماز دست‌ها را روی هم بگذارد نماز باطل است.[۱]

● آمین گفتن

اگر نمازگزار پس از سوره حمد عمداً «آمین» بگوید نماز باطل می‌شود، ولی اگر سهواً یا از روی تقیه بگوید نماز باطل نمی‌شود.[۲]

پرسش

۱ ـ اگر نمازگزار سهواً کلمه‌ای معنادار بگوید، نمازش چه حکمی دارد؟

۲ ـ اگر کسی به‌نمازگزار بگوید:«سلام» آیا جواب آن واجب است ودر صورت وجوب چگونه باید جواب‌دهد؟

۳ ـ اگر در بین قرائت برای متوجه کردن کسی، «الله اکبر» بگوید، نماز چه حکمی دارد؟

٤ ـ در چه صورت می‌توان برای پرداختن بدهی نماز را رها کرد؟

٥ ـ اگر مسافر در بین نماز متوجه شود قطار آماده حرکت است، آیا می‌تواند نماز را رها کند؟

---

۱ ـ توضیح المسائل، ص ۱۵۳، سوم از مبطلات نماز.

۲ ـ همان، چهارم از مبطلات نماز.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۲۵

شَکیات نماز (۱)

در برخی موارد ممکن است نمازگزار نسبت به آنچه در نماز می‌خواند یا بجای می‌آورد دچار تردید شود، مثلاً نداند دو رکعت خوانده یا سه رکعت، یا کلمه‌ای را درست خوانده یا نه که در این صورت باید مطابق وظیفه‌ای که گفته خواهد شد عمل کند. برای شناخت وظیفه نمازگزار لازم است اقسام شک دانسته شود، چون هرکدام از اقسام آنها حکم خاص خود را دارد.

- اقسام شک در نماز
  - ۱- شک در اجزای نماز
    - شک در انجام دادن جزء
    - شک در صحت جزء
  - ۲- شک در رکعات نماز
    - معتبر
    - غیرمعتبر
      - مُبطل نماز
      - غیرمبطل
  - ۳- شک در اصل نماز
    - شک در بجای آوردن نماز
    - شک در صحت نماز[1]

۱ احکام شکّیات نماز به جز آنچه از توضیح المسائل است از تحریر الوسیله، ج۱، القول فی الشک، صص۱۸۹-۲۰۰ آورده شده است.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

شک در اجزای نماز

۱ ـ اگر نمازگزار شک کند که جزئی از نماز واجب را بجا آورده یا نه، اگر جزء بعدی را شروع نکرده؛ یعنی هنوز از محل آن جزء نگذشته است؛ باید آن را بجا آورد. ولی اگر از محل آن گذشته، به چنین شکی اعتنا نمی‌شود و نماز را ادامه می‌دهد و صحیح است؛ مثلاً اگر پس از سجده، قبل از شروع کردن تشهد، شک کند یک سجده بجا آورده یا دو سجده، باید یک سجده دیگر بجا آورد ولی اگر تشهد را شروع کرده باشد، لازم نیست سجده دیگری انجام دهد و نماز صحیح است.[۱]

۲ ـ اگر هنگام رفتن به سجده شک کند که رکوع کرده یا نه، به شک خود اعتنا نکند.[۲]

۳ ـ اگر در حال برخاستن شک کند که سجده را بجا آورده یا نه باید برگردد و بجا آورد ولی اگر شک کند تشهد بجا آورده یا نه، به شک خود اعتنا نکند.[۳]

٤ ـ اگر نمازگزار در صحّت جزئی از نماز شک کند؛ یعنی نمی‌داند جزئی که بجا آورده، صحیح انجام شده یا نه، بنا می‌گذارد بر صحیح بودن آن و نماز را ادامه می‌دهد و صحیح است؛ مثلاً اگر در صحّت کلمه یا آیه‌ای که خوانده است شک کند، به شک خود اعتنا نمی‌کند.[۴]

۵ ـ حکم شک در اجزای نماز مستحب، همان حکم شک در اجزای نماز واجب است.[۵]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، في الشک في عدد الرکعات، ص ۲۰۰؛ توضیح المسائل، م ۱۱٦۸.
۲ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۱۷۱.
۳ ـ همان، م ۱۱۷۲.
٤ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، في الشک في عدد الرکعات، ص ۲۰۰؛ توضیح المسائل، م ۱۱٦۸.
۵ ـ همان، في الشکوک التي لا اعتبار لها، ص ۲۰۸، م ٤.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

شک در رکعات

شک‌هایی که نمازرا باطل می‌کند (مُبطل):[۱]

* شک در تعداد رکعات نمازهای دو رکعتی؛ مثل نماز صبح و نماز مسافر.
* شک در تعداد رکعات نماز مغرب.
* شک بین یک و بیشتر از یک.
* شک بین دو و بیشتر از آن، پیش از سر برداشتن از سجده دوم.
* نداند چند رکعت خوانده است.

مسأله: اگر یکی از شک‌های باطل‌کننده برای نمازگزار پیش آید، نمی‌تواند نمازرا به هم بزند ولی اگر قدری فکر کند و چیزی یادش نیاید و شک از بین نرود، به هم زدن نماز مانعی ندارد.[۲]

شک‌هایی که نمازرا باطل نمی‌کند (غیرمبطل):

اگر در بین نماز چهار رکعتی یکی از این شک‌ها برای نمازگزار پیش آید در برخی از موارد، شک معتبر است و باید طبق وظیفه‌ای که در نمودار خواهد آمد عمل کند و نمازش صحیح است.[۳]

---

۱ ـ این قسم از شك مربوط به نمازهای واجب است، چون شک در رکعات نماز مستحب نماز را باطل نمی‌کند، بلکه به آن اعتنا نمی‌شود.

۲ ـ همان، م ۱۱۶۶.

۳ ـ همان، م ۱۱۹۹؛ العروة الوثقی، ج ۲، الشک في عدد الرکعات، ص ۲۱، م ۱ تا ۱۵، ص ۲۰، م ۳.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

شک	در حال قیام	در رکوع	بعد از رکوع	در سجده	بعد از سجده دوم	وظیفه نمازگزار در مواردی که نماز صحیح است.
شک بین ۲ و ۳	مُبطل	مُبطل	مُبطل	مُبطل	غیرمُبطل	بنا بر سه گذاشته و یک رکعت دیگر می‌خواند و پس از سلام، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده، یا دو رکعت نشسته می‌خواند.
شک بین ۲ و ٤	مُبطل	مُبطل	مُبطل	مُبطل	غیرمُبطل	بنا بر چهار می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند و بعد از نماز، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده می‌خواند.
شک بین ۲ و ۳ و ٤	مُبطل	مُبطل	مُبطل	مُبطل	غیرمُبطل	بنا بر چهار می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند و بعد از نماز، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و دو رکعت نشسته بجا می‌آورد.
شک بین ۳ و ٤	غیرمُبطل	غیرمُبطل	غیرمُبطل	غیرمُبطل	غیرمُبطل	بنا را بر چهار می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند و بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته می‌خواند.
شک بین ٤ و ٥	غیرمُبطل	مُبطل	مُبطل	مُبطل	غیرمُبطل	□اگر در حال قیام شک پیش آمده، بدون رکوع می‌نشیند و نماز را تمام می‌کند و یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته می‌خواند واگر در حالت نشسته پیش آمده است، بنا را بر چهار می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند و بعد از نماز دو سجده سهو بجا می‌آورد.[1]

به جز مواردی که در جدول آمده، موارد دیگری نیز هست که کمتر اتفاق می‌افتد و حکم آنها از آنچه بیان شد و قواعدی که خواهد آمد روشن می‌شود.

۱ ـ برخی از فقها، بجا آوردن دو سجده سهو را در فرض اول نیز واجب می‌دانند و برخی بنابر احتیاط اعاده نماز را لازم می‌دانند.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

چند قانون کلّی

۱. اگر در نماز یکی از شک‌های غیر مبطل پیش آید نمازگزار نباید نماز را بشکند، بلکه باید مطابق وظیفه‌اش عمل کند و اگر نماز را به هم بزند، معصیت کرده است.[۱]

۲. اگر یکی از شک‌های غیر مبطل پیش آید، باید مقداری فکر کند، پس اگر یقین یا گمان به یک طرف پیدا کرد همان طرف را می‌گیرد و نماز را تمام می‌کند وگرنه به دستورهایی که گفته شد عمل می‌کند.

۳. در شک‌های صحیح باید بنا را بر بیشتر گذاشت، مگر آنکه یکی از اطراف شک، از چهار گذشته باشد؛ مثلاً در شک بین ٤ و ٥ بنا بر بیشتر گذاشته نمی‌شود.

٤. نماز احتیاط، برای جبران کمبود احتمالی نماز است، بنابراین در شک بین ۳ و ٤، که احتمال کمبود، یک رکعت است، یک رکعت نماز احتیاط لازم است ولی در شک بین ۲ و ٤، دو رکعت نماز احتیاط لازم است.

٥. سجده سهو، در موارد احتمال زیادی سهوی است، پس در شک بین ٤ و ٥ بعد از سجده دوم و شک بین ٥ و ٦ در حالت ایستاده، سجده سهو لازم است.

٦. در مواردی که یک رکعت نماز احتیاط، واجب است می‌توان به جای آن، دو رکعت نشسته خواند.

۷. در مواردی که دو رکعت نماز احتیاط، واجب است، نمی‌توان به جای آن چهار رکعت نشسته خواند.

۸. اگر برای نمازگزار در حالت ایستاده، یکی از شک‌های غیر مبطل پیش آید، به جز شک ۳ و ٤، در بقیه موارد، باید بدون رکوع بنشیند و پس از نشستن، از هر طرف شک، یک عدد کم می‌شود؛ مثلاً در شک بین ٤ و ٥ در حالت ایستاده، پس از نشستن، به شک ۳ و ٤ برمی‌گردد و همان وظیفه شک بین ۳ و ٤ را باید انجام دهد.[۲]

---

۱. توضیح المسائل، م ۲۰۰۰.
۲. همان، م ۱۱۹۹.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

پرسش

۱ـ اگر نمازگزار موقع خواندن تشهد شک کند یک سجده بجا آورده یا دو سجده، تکلیف چیست؟

۲ـ اگر پس از ادای حرفی از یک کلمه، در صحت آن شک کند، تکلیف چیست؟

۳ـ اگر مسافر در نماز ظهر شک بین ۲ و ۳ برایش پیش آید وظیفه‌اش چیست؟

٤ـ حکم شک بین ٤ و ٥ در حالت ایستاده چیست؟

٥ـ حکم شک بین ۲ و ۳ در نماز چهار رکعتی در حال قیام پس از رکوع، چیست؟

٦ـ در کدام موارد شك، دو رکعت نماز احتیاط واجب می‌شود؟

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۲۶

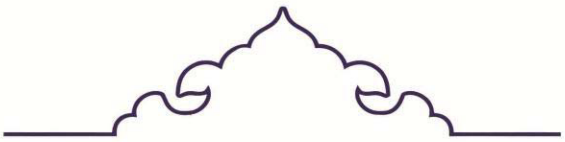

شکیات نماز (۲)

شك‌هایی که نباید به آنها اعتنا کرد (غیر معتبر):

- شک بعد از محل (توضیح آن در «شک در اجزا» گذشت).
- شک پس از سلام.
- شک کثیرالشك.
- شک امام و مأموم در نماز جماعت.
- شک در نماز مستحب.[1]

اگر برای نمازگزار یکی از این شك‌ها پیش آید، اعتباری نخواهد داشت و به آن اعتنا نمی‌شود و نماز صحیح است.

• شک بعد از سلام

۱ ـ اگر پس از سلام نماز شک کند که نمازش صحیح بوده یا نه؛ مثلاً شک کند در رکعت دوم یک سجده بجا آورده یا دو سجده، یا پس از سلام نماز چهار رکعتی شک

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱۱۶۷.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

کند چهاررکعت خوانده یا پنج رکعت، به شک خود اعتنا نمی‌کند و لازم نیست نماز را دوباره بخواند.[۱]

۲ .اگرپس ازسلام شک کند ودوطرف شک باطل باشد؛ مثل آنکه شک کند نماز چهاررکعتی را سه رکعت خوانده یا پنج رکعت، نمازش باطل است.[۲]

• وظیفه کثیرالشک

کثیرالشک کسی است که دریک نماز، سه مرتبه شک کند، یا درسه نمازپشت سرهم، مثلاً نمازصبح، ظهروعصر، شک کند ووظیفه اوبدین شرح است:[۳]

۱-شک در رکعات نماز

۱.اگرطرف بیشترشك، نماز را باطل نمی‌کند؛ مثلاً در نماز چهار رکعتی شک بین سه و چهار برایش پیش می‌آید: بنا را بربیشترمی‌گذارد.

۲ .اگرطرف بیشترشك، نماز را باطل می‌کند: بنا را برکمترمی‌گذارد؛ مثلاً درشک بین چهار و پنج، بنا را برچهار می‌گذارد.

۲-شک در اجزای نماز

۱.اگرانجام دادن آن نمازرا باطل نمی‌کند: بایدبنا بگذاردکه آن را بجاآورده؛ مثلاً شک کند یک سجده بجاآورده یا دوسجده: بنا می‌گذارد برانجام دادن دوسجده.

۲.اگرانجام دادن آن نمازرا باطل می‌کند: باید بنا بگذاردکه آن را انجام نداده؛ مثلاً شک کند یک رکوع بجاآورده یا دوتا: بنا می‌گذارد برانجام یک رکوع.[۴]

• شک امام و مأموم

درنمازجماعت اگرامام جماعت شک کند ولی مأموم شک نداشته باشد ومثلاً با بلند گفتن ذکری امام را مطّلع کند، امام جماعت به شک خود اعتنا نمی‌کند و

---

۱ .توضیح المسائل، م ۱۱۷۹.
۲ .همان، م ۱۱۷۹.
۳ .همان، م ۱۱۸٤.
٤ .تحریرالوسیله، ج ۱، القول في الشکوک التي لا اعتبار بها، ص ۲۰۷؛ توضیح‌المسائل، م ۱۱۸۵.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

همچنین اگر مأموم شک کند ولی امام جماعت شک نداشته باشد، همانند امام جماعت، عمل می‌کند و صحیح است.[۱]

• شک در نماز مستحب

اگر نمازگزار در رکعات نماز مستحب شک کند: مانند وظیفه‌ای که برای کثیرالشک گفته شد عمل می‌کند.[۲]

شک در اصل نماز

• شک در بجای آوردن نماز

- پیش از گذشتن وقت ⟵ باید نماز را بخواند.
- پس از گذشتن وقت ⟵ لازم نیست آن نماز را بخواند.[۳]

مسأله: کسی که در بجای آوردن نماز، کثیرالشک است حکم افراد عادی را دارد ولی وسواسی به شک خود اعتنا نمی‌کند، هرچند در وقت نماز شک کند.[۴]

• شک در صحّت نماز

اگر نمازگزار در صحّت نماز خوانده شده شک کند، اعتنا نمی‌کند و خواندن دوباره نماز لازم نیست، چه پیش از گذشتن وقت نماز باشد یا پس از آن.[۵]

حکم گمان در نماز

- **در اصل نماز:** حکم شک را دارد.[۶]
- **در رکعات نماز:** حکم یقین را دارد.[۷]

---

۱. توضیح المسائل، م۱۱۸۵.
۲. همان، م ۱۱۹۳ و ۱۱۹۵.
۳. تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الصلاة، القول في الشك، صص ۱۹۸ و ۲۰۶.
٤. همان، ص ۲۰۰، م ۸.
٥. همان، القول في الشكوک التي لا اعتبار لها، ص ۲۰٦.
٦. همان، ج ۱، کتاب الصلاة، القول في الشك، صص ۱۹۸و ۲۰٦.
۷. همان، ص ۲۰۹، م۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

□ ● **در اجزا و افعال نماز:** در مواردی که با وظیفه شاک مخالف است، باید احتیاط کند؛ مثلاً اگر در حال قیام، پیش از رفتن به سجده گمان به انجام رفتن رکوع دارد ولی یقین ندارد[۱]، رکوع را به جا می‌آورد و نماز را هم اعاده می‌کند. امّا اگر در سجده گمان پیدا کند رکوع را به جا آورده است ولی یقین ندارد، وظیفه او با کسی که شک دارد، تفاوتی نخواهد داشت، چون اگر شک داشته باشد، اعتنا نمی کند، پس اگر گمان داشته باشد به طریق اولی اعتنا نمی شود.[۲]

پرسش

۱ .مورد اشتراک شک بعد از وقت و شک بعد از سلام چیست؟

۲ .اگر کثیرالشّك، در رکعت اوّل پس از سجده، شک کند که یک سجده بجا آورده یا دو تا، تکلیفش چیست؟

۳ .اگر در نماز مستحب شک بین ۱ و ۲ پیش آید، وظیفه چیست؟

٤ .اگر انسان ساعت ٤ بعد از ظهر شک کند نماز عصر را خوانده یا نه تکلیف چیست؟

٥ .اگر نمازگزار پس از برداشتن سر از سجده و پیش از شروع تشهد گمان کند یک سجده بجا آورده وظیفه اش چیست؟

---

۱ .در این فرض اگر شک می‌داشت، می‌بایست رکوع را به جا آورد و نماز صحیح است، پس وظیفه کسی که شک دارد، انجام دادن رکوع است ولی کسی که گمان دارد رکوع را انجام داده، چون احتمال می رود رکن تکرار شود، نمی توان گفت حتماً همان وظیفه شک را دارد و باید رکوع را به جا آورد، بلکه باید احتیاط کند به انجام دادن رکوع و اعاده نماز، چون ممکن است با انجام دادن رکوع، تکرار رکن پیش آمده باشد و نماز باطل شده باشد، پس باید نماز را هم اعاده کند.

۲ .تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الصلاة، القول في حكم الظن في افعال الصلاة وركعاتها، ص۲۰۹، م۱. به فتوای برخی از فقها گمان در افعال و اجزای نماز حکم شک را دارد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۲۷

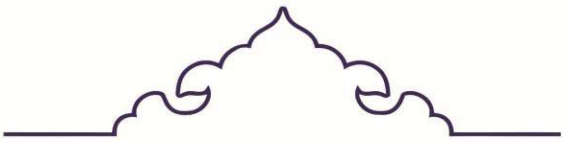

شکیات نماز (۳)

نماز احتیاط

در مواردی که نماز احتیاط واجب می‌شود؛ مثل شک بین ۳ و ٤، نمازگزار باید بعد از سلام نماز، پیش از به هم خوردن صورت نماز یا انجام دادن مبطلی، برخیزد و بدون اذان و اقامه، تکبیر بگوید و نماز احتیاط را بخواند.[۱]

تفاوت نماز احتیاط با نمازهای دیگر:

*نیت آن را نباید به زبان آورد.

*سوره و قنوت ندارد (هر چند دو رکعتی باشد).

*سوره حمد حتّی بسم اللهِ الرَّحمن الرّحیم را باید آهسته بخواند (بنابر احتیاط واجب).[۲]

۱ ـ اگر یک رکعت نماز احتیاط، واجب باشد، پس از سجده‌ها، تشهد می‌خواند و سلام می‌دهد و اگر دو رکعت واجب شده باشد، نباید در رکعت اول تشهد و سلام بخواند، بلکه باید یک رکعت دیگر هم (بدون تکبیرة‌الاحرام) بخواند و در پایان رکعت دوم، تشهد خوانده، سلام می‌دهد.[۳]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، القول في رکعات الاحتیاط، ص۲۱۰، م ۱ و ۲.

۲ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۲۱۵.

۳ ـ همان، م ۱۲۱۵ و ۱۲۱٦

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

۲ ـ اگر پس از سلام نماز، نماز احتیاط را عمداً یا سهوا نخواند، بنابر احتیاط واجب باید نماز احتیاط را بخواند و نماز را هم اعاده کند.[۱]

۳ ـ کسی که نشسته نماز می‌خواند اگر شکی برایش پیش آید که باید دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند، یا شکی کند که باید برای آن یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بخواند، باید دو رکعت نشسته بجا آورد.[۲]

استفتاء

س ـ کسی که وظیفه‌اش خواندن نماز به طور خوابیده است، اگر شک بین ۳ و ۴ کند باید یک رکعت نماز احتیاط بخواند یا دو رکعت؟ یا بستگی به نیت دارد؟

ج ـ مخیر است بین یک رکعت خوابیده به جای یک رکعت ایستاده یا دو رکعت خوابیده به جای دو رکعت نشسته.[۳]

سجده سهو

□ ۱ ـ در مواردی که سجده سهو واجب می‌شود، باید بعد از سلام نماز، به سجده رود و بگوید: **بِسْمِ‌اللهِ وَ بِاللهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ** و بهتر است بگوید: **بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ اَیهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ** و بعد بنشیند و دوباره به سجده رود و یکی از ذکرهای بالا را بگوید، سپس بنشیند و تشهد و سلام را بجا آورد.[۴]

۲ ـ برای سجده سهو، گفتن تکبیرة‌الاحرام واجب نیست، ولی احتیاط مستحب است.[۵]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في رکعات الاحتیاط، ص ۲۱۰، م ۱.

۲ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۲۱۲.

۳ ـ استفتاآت، ج ۱، ص ۱٦۸، س ۱۵۵.

٤ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۲۵۰، به فتوای برخی از فقها بنابر احتیاط باید جمله دوم را بگوید.

۵ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في سجود السهو، ص ۲۱٤، م ۵

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

موارد سجده سهو

واجب
۱. در بین نماز سهواً حرف بزند.
۲. یک سجده را فراموش کند و در رکوع رکعت بعد، یا پس از آن یادش بیاید.
۳. در نماز چهار رکعتی، شک بین ٤ و ٥ در حالت نشسته یا ٥ و ٦ در حالت ایستاده پیش آید.[۱]

احتیاط واجب
۱. سلام بی‌جا؛ مثلاً در رکعت سوم نماز چهار رکعتی سهوا سلام بدهد.
۲. تشهد را فراموش کند.

احتیاط مستحب: مقداری از سلام واجب نماز بی‌جا گفته شود.[۲]

۱. اگر چیزی را که غلط خوانده دوباره صحیح بخواند، سجده سهو واجب نیست.[۳]

۲. اگر در نماز سهوا مدتی حرف بزند و تمام آن یک مرتبه حساب شود، دو سجده سهو کافی است.[۴]

اجزای فراموش شده نماز

۱. اگر یکی از اجزای واجب نماز را عمداً ترک کند، نماز باطل است و اگر واجبات غیر رکنی سهوا ترک شود، نماز باطل نمی‌شود و قضا کردن آن لازم نیست، به جز تشهد و یک سجده که سهوا ترک شده باشد.[۵]

---

۱. یادآوری می‌شود اگر در حالت ایستاده، شک بین ٥ و ٦ پیش آید، نمازگزار باید بدون رکوع بنشیند که در این صورت به شک بین ٤ و ٥ در حالت نشسته برگشت می‌کند.
۲. توضیح‌المسائل، م ۱۲۳٦ و ۱۲٤۲. برخی از فقها، موارد سجده سهو را بیشتر از این می‌دانند؛ مثلاً برای قیام بی‌جا سجده سهو را واجب می‌دانند.
۳. همان، م ۱۲۳۹.
٤. همان، م ۱۲٤۰.
٥. تحریرالوسیله، ج ۱، القول في الاجزاء المنسيّة، ص ۲۱۲، م ۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۲ ـ اگر نمازگزار، سجده یا تشهد را فراموش کند، بنابر احتیاط واجب، پس از سلام نماز، پیش از به هم خوردن صورت نماز، باید قضای آن را بجا آورد و سپس سجده سهو را انجام دهد.[۱]

□ ۳ ـ اگر بین نماز و قضای تشهد یا سجده، کاری کند که عمدی و سهوی آن، نماز را باطل می‌کند؛ مثلاً پشت به قبله کند، باید قضای سجده را بجا آورد و نمازش صحیح است.[۲]

٤ ـ کسی که باید سجده یا تشهد را قضا کند، اگر برای کار دیگری هم سجده سهو بر او واجب شده باشد، باید بعد از نماز، سجده یا تشهد را قضا کند، بعد سجده سهو را بجا آورد.[۳]

پرسش

۱ ـ اگر نمازگزار پس از اتمام نماز، نماز احتیاط یا سجده سهو را سهوا انجام ندهد، تکلیف چیست؟

۲ ـ در چه صورتی ممکن است نماز احتیاط و سجده سهو، هر دو واجب شود؟ مثالی بزنید.

۳ ـ اگر نماز احتیاط و سجده سهو، هر دو واجب شود، کدام را باید مقدم بدارد؟ چرا؟

٤ ـ در چه مواردی بدون شک در نماز سجده سهو واجب می‌شود؟

۵ ـ اگر نمازگزار شک بین ۳ و ٤ برایش پیش آید و یک سجده را نیز فراموش کرده باشد چه وظیفه‌ای دارد؟

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في الاجزاء المنسيّة، ص ۲۱۲، م ۱.

۲ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۲۵۵. به فتوای برخی از فقها، بنابر احتیاط واجب باید نماز را نیز اعاده کند.

۳ ـ همان، م ۱۲٦۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۲۸

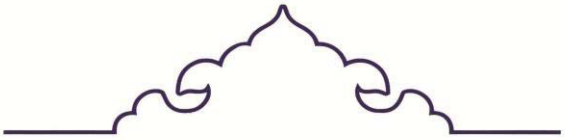

نماز مسافر (۱)

﴿وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَوةِ ...﴾[۱]

«هرگاه درزمین راه می‌پیمایید (به سفرمی‌روید) برشما باکی نیست که نمازراکوتاه کنید...»

انسان باید در سفر، با شرایطی که خواهد آمد، نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت (یعنی شکسته)[۲] بجا آورد:

۱ ـ سفر او کمتر از هشت فرسخِ شرعی[۳] نباشد.

۲ ـ از اوّل مسافرت، قصد پیمودن هشت فرسخ را داشته باشد.

۳ ـ به حدّ تَرخُّص برسد.

٤ ـ در بین راه، پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود برنگردد.

۱ـ نساء: ۱۰۲.

۲ ـ تعبیر صحیح «نماز قصر» است ولی با اندک مسامحه «نماز شکسته» گفته می‌شود.

۳ ـ هشت فرسخ شرعی تقریبا ٤٥ کیلومتر است و برخی از فقها، کمتر از این مقدار دانسته‌اند.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۵ ـ نخواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطن خود بگذرد، یا ده روز یا بیشتر در جایی بماند.

٦ ـ برای کار حرام سفر نکند و خود سفر هم حرام نباشد.

۷ ـ بیابانگرد نباشد.

۸ ـ شغل او مسافرت نباشد.[۱]

شرط اوّل

□ ۱ ـ کسی که رفت و برگشت او هشت فرسخ است، اگر رفتن او کمتر از چهار فرسخ نباشد باید نماز را شکسته بخواند، ولی اگر رفتن، کمتر از چهار فرسخ باشد، مثلاً سه فرسخ می‌رود و پنج فرسخ برمی‌گردد، باید نماز را تمام بخواند.[۲]

۲ ـ اگر شهر دیوار دارد، باید ابتدای هشت فرسخ را از دیوار شهر حساب کند و اگر دیوار ندارد باید از خانه‌های آخر شهر حساب کند.[۳]

۳ ـ اگر انسان شک کند که سفرش هشت فرسخ است یا کمتر:

الف) اگر تحقیق کردن برایش مشقّت ندارد: بنابر احتیاط واجب باید تحقیق کند.

ب) اگر تحقیق کردن برایش مشقّت دارد: باید نمازش را تمام بخواند.[۴]

٤ ـ اگر به جایی می‌رود که دو راه دارد، یک راه کمتر از هشت فرسخ است و راه دیگر هشت فرسخ یا بیشتر، اگر از راهی که هشت فرسخ است برود، باید نماز را شکسته بخواند و اگر از راهی که هشت فرسخ نیست برود، باید نماز را چهار رکعتی بخواند.[۵]

---

۱ ـ توضیح‌المسائل، نماز مسافر.

۲ ـ همان، م ۱۲۷۲. به فتوای برخی از فقها، هرچند مسافتِ رفت کمتر از چهار فرسخ باشد ولی مجموع سفر هشت فرسخ باشد، نماز شکسته است.

۳ ـ همان، م ۱۲۸۰.

٤ ـ همان، م ۱۲۷٤.

۵ ـ همان، م ۱۲۷۹.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

شرط دوم

۱ـ اگر انسان از ابتدا قصد مسافرت هشت فرسخ نداشته باشد و به جایی مسافرت کند که کمتر از هشت فرسخ است و بعد از رسیدن به آن جا، تصمیم بگیرد که سفر را ادامه دهد، پس اگر بخواهد:

- هشت فرسخ دیگر برود یا چهار فرسخ برود و برگردد، و مجموعِ رفت و برگشت، کمتر از هشت فرسخ نباشد، باید نماز را شکسته بخواند.
- به جایی برود که با مقدار راهِ آمده، هشت فرسخ می‌شود و خود به تنهایی هشت فرسخ نیست، چون از اوّل قصد هشت فرسخ را نداشته، نمازش تمام است.[۱]

۲ـ کسی که در سفر به اختیار دیگری است، مانند فرزند که همراه پدر و مادر به سفر می‌رود یا سربازی که با فرمانده است، چنانچه بداند سفر او هشت فرسخ است، باید نماز را شکسته بخواند.[۲]

شرط سوم

□۱ـ مسافر با رسیدن به حدّ تَرَخُّص باید نماز را شکسته بخواند؛ حدّ ترخّص فاصله‌ای است که دیوارهای محل شروع سفر دیده نمی‌شود و اذان آنجا هم شنیده نمی‌شود؛[۳] بنابراین اگر پیش از رسیدن به این حدّ بخواهد نماز بخواند، شکسته نیست.[۴]

۲ـ هرگاه شهر یا روستا در بلندی باشد که از دور دیده شود، یا به قدری گود باشد

۱ـ توضیح المسائل، نماز مسافر، شرط دوم.

۲ـ همان، م ۱۲۸٤.

۳ـ طبق محاسبه‌ای که در تاریخ ۲۱ و ۲۲ خرداد ماه ۱۳۹۳ هـ.ش توسط چند تن از علمای حوزه علمیه قم و مشهد انجام شده حد ترخّص حدود ۱۳۵۰ متر است.

٤ـ توضیح‌المسائل، نماز مسافر، شرط هشتم. در تعیین حدّ ترخص نظرات فقها، متفاوت است؛ برخی ندیدن دیوارها را کافی می‌دانند و برخی دیگر دیدن یا ندیدن دیوارها را مؤثر نمی‌دانند، بلکه ندیدن کسی که به مسافرت می‌رود ملاک است.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

که اگر انسان کمی دور شود دیوار آن را نمی‌بیند، کسی که از آن شهر یا روستا مسافرت می‌کند، وقتی به اندازه‌ای دور شود که اگر آن شهر و زمین هموار بود، دیوارش از آنجا دیده نمی‌شد، باید نماز را شکسته بخواند و نیز اگر پستی و بلندی خانه‌ها بیشتر از معمول باشد، باید ملاحظه معمول را بنماید.[۱]

۳ ـ اگر از محلی مسافرت می‌کند که خانه و دیوار ندارد، وقتی به جایی برسد که اگر آن محل دیوار داشت، از آنجا دیده نمی‌شد، و اذان آنجا را نیز نمی‌شنوید، باید نماز را شکسته بخواند.[۲]

٤ ـ کسی که به سفر می‌رود، اگر به جایی برسد که اذان را نشنود ولی دیوار شهر را ببیند، یا دیوارها را نبیند اما صدای اذان را بشنود، چنانچه بخواهد در آنجا نماز بخواند، بنابر احتیاط واجب باید هم شکسته و هم تمام بخواند.[۳]

حد ترخّص در پایان سفر

۱ ـ مسافری که به وطنش می‌رود، وقتی دیوار وطن خود را ببیند و صدای اذان آن را بشنود، باید نماز را تمام بخواند.

□ ۲ ـ اگر مسافر به جایی می‌رود که وطن او نیست؛ ولی می‌خواهد ده روز در آنجا بماند، در فاصله بین حدّ ترخص آن محل و منزل اگر بخواهد نماز بخواند بنابر احتیاط باید نماز را تأخیر بیندازد تا به منزل برسد، یا نماز را هم تمام و هم شکسته بخواند.

۳ ـ اگر مسافر به جایی می‌رود که وطن او نیست و تصمیم ندارد در آنجا ده روز بماند،

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱۳۲۰.
۲ ـ همان، م ۱۳۲۱.
۳ ـ همان، م ۱۳۱۸.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درهرصورت ـ چه پیش ازرسیدن به حدّ ترخّص، چه پس ازآن ـ باید نمازرا شکسته بخواند.[۱]

شرط چهارم

اگر دربین راه ازادامه سفر منصرف شود:

الف) پیش ازپیمودن چهارفرسخ منصرف شود، باید نمازرا تمام بخواند.

ب) پس از پیمودن چهار فرسخ (پیش از رسیدن به هشت فرسخ)
- ۱ ـ بخواهد همانجا بماند و بعد از ده روز برگردد.
- ۲ ـ مردّد شود که بماند یا برگردد.

} **نمازرا تمام بخواند**

- ۳ ـ بخواهد برگردد، باید نماز را **شکسته بخواند**.[۱]

ج) پس از پیمودن هشت فرسخ یا بیشتر، از سفر منصرف شود، باید نماز را را شکسته بخواند.[۲]

پرسش

۱ ـ سربازی که در پادگانی بیرون شهر خدمت می‌کند چنانچه به سفر برود مبدأ سفر را ازکجا باید محاسبه‌کند؟

۲ ـ مأمور بررسی قطع سیم برق برای یافتن محل قطع از محل خود حرکت می‌کند و بدون قصد ۵۸ کیلومتر از شهر دور می‌شود، نمازاو دراین مأموریت، ازآغازتا پایان، تمام است یا شکسته؟

۳ ـ اگر مسافر دربین راه از قصد سفر منصرف شود در چه صورتی در برگشت به محل خود باید نمازرا شکسته بخواند؟

٤ ـ شخصی پس از پیمودن پنج فرسخ ازراه به علت نقص فنیِ وسیله نقلیه خود، تصمیم به برگشت می‌گیرد، اگر همانجا یا دربرگشت بخواهد نمازبخواند، نمازش تمام است یا شکسته؟

---

۱ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۳۱۹. به فتوای برخی از فقها، در فرضی که بخواهد ده روز در آنجا بماند، رسیدن به حدّ ترخص آن محل کافی است.

۲ ـ همان، نماز مسافر، شرط سوّم و مسأله ۱۲۸۷ و ۱۲۸۸.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۲۹

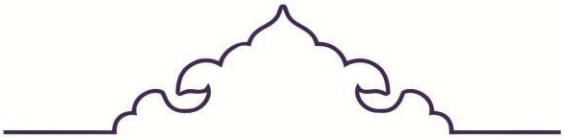

نماز مسافر (۲)

شرط پنجم

۱ .کسی که می‌خواهد، در بین راه، پیش از پیمودن هشت فرسخ، از وطن خود عبور کند یا ده روز در محلی بماند، باید نماز را تمام بخواند، چون با رسیدن به وطن یا جایی که ده روز می‌ماند، سفر تمام می‌شود و این سفر کمتر از هشت فرسخ است.[۱]

۲ .اگر در سفر، پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنش بگذرد یا ده روز در محلی بماند، اگر باقیمانده سفر هشت فرسخ باشد، یا چهار فرسخ باشد و بخواهد برود و برگردد، باید در باقیمانده سفر، نماز را شکسته بخواند.[۲]

شرط ششم

۱ .اگر سفر، به خودی خود حرام باشد؛ مثل فرار از جبهه جهاد، یا برای کار حرام باشد؛ مانند سفر برای ستم به دیگران، در چنین سفری نماز تمام است.[۳]

---

۱ .توضیح المسائل، نماز مسافر، شرط چهارم.

۲ .همان، م ۱۲۹٤.

۳ .همان، نماز مسافر، شرط پنجم.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

□ ۲ ـ کسی که سفر او حرام نیست و برای کار حرام هم سفر نمی‌کند، اگر چه معصیتی انجام دهد؛ مثلاً غیبت کند، باید نماز را شکسته بخواند.[۱]

شرط هفتم

۱ ـ صحرانشینانی که در بیابان‌ها گردش می‌کنند و هر جا آب و خوراک برای خود و حیوان‌هایشان پیدا کنند، می‌مانند و بعد از چندی به جای دیگر می‌روند، در این سفرها باید نماز را تمام بخوانند.[۲]

□ ۲ ـ اگر صحرانشین برای زیارت یا حج یا تجارت و مانند اینها مسافرت کند، باید نماز را شکسته بخواند.[۳]

شرط هشتم

۱ ـ کسی که شغل او مسافرت است، مانند خلبان، ملوان و راننده، یا شغل او در سفر است، مثل میهماندار هواپیما و قطار در سفرهایی که شغل اوست باید در غیر سفر اوّل نماز را تمام بخواند، ولی در سفر اوّل، هرچند طول بکشد، نمازش شکسته است.[۴]

□ ۲ ـ کسی که شغلش مسافرت است، اگر برای کار دیگری؛ مثلاً برای زیارت یا حج، مسافرت کند، باید نماز را شکسته بخواند ولی اگر مثلاً راننده، مسافران را می‌برد و کرایه می‌گیرد و خودش نیز زیارت می‌کند، باید نمازش را تمام بخواند.[۵]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱۲۹۶.

۲ ـ همان، نماز مسافر، شرط ششم.

۳ ـ همان، م ۱۳۰۶. به پاورقی ۳ مراجعه شود.

٤ ـ همان، نماز مسافر، شرط هفتم. به فتوای برخی از فقها، افرادی که برای شغلشان مسافرت می‌روند، ـ هرچند شغلشان سفر نباشد ـ مانند کسی که محل کارش در فاصله چهار فرسخ یا بیشتر است و هر روز برای کار به آنجا می‌رود و برمی‌گردد، نمازش در این سفرها تمام است. و برخی دیگر نماز کسی را که زیاد به سفر می‌رود، هرچند برای کار نباشد تمام می‌دانند.

۵ ـ همان، م ۱۳۰۷.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۳ ـ راننده و دوره‌گردی که در دو سه فرسخی شهر رفت و آمد می‌کند، شغل او مسافرت نیست و چنانچه اتفاقا سفر هشت فرسخی برود، باید نماز را شکسته بخواند.[۱]

٤ ـ کسی که شغلش مسافرت است، اگر ده روز یا بیشتر در وطن یا غیر وطن بماند، باید در سفر اوّلی که بعد از ده روز می‌رود، نماز را شکسته بخواند.[۲]

در این مکان‌ها نماز تمام است:

الف) در وطن، هرچند مدت کوتاهی در آنجا بماند.

ب) در جایی که می‌داند ده روز می‌ماند، یا تصمیم دارد بماند.

ج) در جایی که سی روز با تردید مانده؛ یعنی معلوم نبوده است که می‌ماند یا می‌رود و تا سی روز به همین حالت مانده و از آنجا به جایی هم نرفته است، در این صورت باید بعد از سی روز نماز را تمام بخواند.[۳]

وطن

۱ ـ وطن، جایی است که انسان برای اقامت و زندگی خود اختیار کرده است، مثلاً یک شهر یا روستا، خواه در آنجا به دنیا آمده و وطن پدر و مادرش باشد یا خودش آن جا را برای زندگی اختیار کرده باشد.[۴]

□ ۲ ـ تا انسان قصد ماندنِ همیشگی در غیر وطن اصلی خودش را نداشته باشد، آنجا وطن او نیست؛ مانند دانشجویی که مدتی برای تحصیل در جایی می‌ماند.[۵]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱۳۱۱.

۲ ـ همان، م ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳.

۳ ـ همان، شرط چهارم و مسأله ۱۳۲۸، ۱۳۳۵ و ۱۳۵۳.

٤ ـ همان، م ۱۳۲۹.

۵ ـ همان، م ۱۳۳۱. به فتوای برخی از فقها، قصد ماندن همیشگی شرط نیست، بلکه اگر تصمیم دارد چند سالی در آنجا بماند؛ مثل کارمندی که محل کار و مأموریت او به شهری منتقل شده که چند سالی باید در آنجا بماند، حکم وطن را دارد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

□ ۳ ـ کسی که در دو محل زندگی می‌کند؛ مثلاً شش ماه در شهری و شش ماه در شهر دیگر می‌ماند و هر دو را برای زندگی همیشگی اختیار کرده است، هر دو وطن اوست. اگر بیشتر از دو محل را برای زندگی خود اختیار کرده باشد اشکال دارد و باید احتیاط مراعات شود.[۱]

٤ ـ اگر انسان بدون قصد ماندن همیشگی در جایی، آن قدر بماند که مردم، او را اهل آنجا بدانند، آنجا برای او حکم وطن را دارد.[۲]

٥ ـ اگر به جایی برود که پیشتر وطن او بوده ولی هم اکنون از آنجا صرف نظر کرده است، نباید نماز را تمام بخواند، اگر چه وطن دیگری هم برای خود اختیار نکرده باشد.[۳]

استفتاء

س ـ همسر، یا فرزندی که مکلّف شده و در منزل تابع شوهر و یا پدر خود می‌باشند، آیا در مسأله ترک وطن تابع پدر و یا شوهر خود هستند و اگر پدر و یا شوهر ترک وطن نمود، آنها هم همان حکم را پیدا می‌کنند و یا باید مستقلاً تصمیم بگیرند؟

ج ـ زن و فرزندی که از حدّ تبعیت بالطبع بیرون آمده و صاحب اراده است، در اتخاذ وطن و اعراض از آن و قصد اقامه تابع نیست و میزان، تصمیم خود او است.[٤]

---

۱ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۳۳۲. به فتوای برخی از فقها، اگر بیشتر از دو محل را برای زندگی خود اختیار کرده باشد، همه آنها وطن او محسوب می‌شود.

۲ ـ همان، م ۱۳۳۱.

۳ ـ همان، م ۱۳۳٤.

٤ ـ استفتاآت، ج ۱، ص ۲٦٤، س ٤۲۸.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

پرسش

۱ .آیا افراد ذیل شغلشان مسافرت است؟

* مأمور خرید یک وزارتخانه که از شهرهای مختلف خرید می‌کند.

* آموزگاری که هر روز برای تدریس به شهر دیگر می‌رود و برمی‌گردد.

* مهمانداران هواپیما، کشتی و قطار.

۲ .کارمندانی که چندین سال در شهری کار می‌کنند، آیا آنجا وطن آنان محسوب می‌شود؟

۳ .در چه صورت ممکن است جایی که زادگاه انسان نیست و قصد ماندن همیشگی را نیز ندارد، حکم وطن داشته باشد؟

٤. در چه صورتی وطن پدر و مادر، وطن فرزند هم خواهد بود؟

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۳۰

نماز مسافر (۳)

قصد ده روز

۱ ـ مسافری‌که قصد دارد ده‌روز پشت سر هم در محلی بماند یا می‌داند که بدون اختیار ده روز درمحلی می‌ماند؛مثل سربازی‌که اختیارش با فرمانده‌است، درآن محل باید نمازرا تمام بخواند.[۱]

۲ ـ مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر بیش از ده روز بماند، تا وقتی که مسافرت نکرده، باید نمازش را تمام بخواند و لازم نیست دوباره قصد ماندن ده روز کند.[۲]

۳ ـ اگر انسان از قصد ده روز برگردد:

الف) قبل از خواندن نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد : باید نمازرا شکسته بخواند.

ب) بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد : تا وقتی که در آنجا هست باید نمازرا تمام بخواند.[۳]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱۳۳۵.
۲ ـ همان، م ۱۳۴۷.
۳ ـ همان، م ۱۳۴۲.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

٤ ـ مسافری که می‌خواهد ده روز در محلی بماند در صورتی که تصمیم دارد تمام ده روز را در یک جا بماند نمازش تمام است، ولی اگر بخواند در دو محل یا بیشتر بماند مثلاً در نجف وکوفه یا تهران وکرج بماند، باید نماز را شکسته بخواند.[۱]

بیرون رفتن از محل اقامت

□ مسافری که قصد ماندن ده روز در محلی را دارد، چنانچه به اطراف آنجا ـ کمتر از چهار فرسخ ـ برود و برگردد تنها در یک فرض نمازش شکسته است و آن در صورتی است که در ابتدا قصد بیرون رفتن ـ در بین ده روز ـ از آنجا را دارد و می‌داند بیشتر از دو ساعت طول می‌کشد. بنابراین در موارد ذیل نماز کامل است:

* جایی که می‌رود جزو آن محل به حساب می‌آید.

* جای جدایی است ولی بنا دارد پس از آنکه ده روز در یک محل ماند برود.

□ * بنا دارد در بین ده روز مدت کوتاهی مثلاً دو ساعتی برود و برگردد؛ هرچند موقعی که رفت بیشتر طول بکشد.

* از اول بنا نداشت برود و پس از خواندن یک نماز چهار رکعتی تصمیم گرفت برود و برگردد؛ در این فرض هم اگر بیشتر از دو ساعت طول بکشد، نماز کامل است.[۲]

استفتاء

س ـ عده‌ای که سال‌هاست در منطقه‌ای ساکن عمارات و ساختمان‌های دولتی بوده و خود نیز از کارکنان دولت هستند، اخیرا در بین آنان شایع شده که چون شما نمی‌دانید چند مدت در اینجا خواهید بود نماز و روزه شما قصر است و بعضی هم اکنون در

---

۱ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۳۲۷.

۲ ـ همان، م ۱۳۳۸ و ۱۳٤۹. به فتوای برخی از فقها، اگر تصمیم داشته باشد تا شش، هفت ساعت برود و برگردد ضرری ندارد و به فتوای برخی دیگر تا نصف روز هم اشکال ندارد. و برخی دیگر قائلند که اگر همان روز برمی‌گردد و شب را در جای دیگر نمی‌ماند اشکال ندارد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

خانه های مسکونی خود نمازهای خود را شکسته می‌خوانند، آیا در فتاوای امام امت، چنین موردی هست یا خیر؟

ج .اگر وطن اصلی آنها نیست و قصد ماندن همیشه در آنجا ندارند بدون قصد ماندن ده روز در آنجا، حکم مسافر دارند.[۱]

□ **وظیفه مسافری که نمازش را تمام خوانده:**

الف) اگر نمی‌دانست که مسافر باید نماز را شکسته بخواند : نمازی که خوانده صحیح است.[۲]

ب) اگر حکم سفر را می‌دانست ولی بعضی از جزئیات را نمی‌دانست، یا نمی‌دانست که مسافر است: نمازی را که خوانده، باید دوباره بخواند.[۳]

ج) اگر فراموش کند مسافر است و نماز را تمام بخواند، باید دوباره نمازش را شکسته بخواند.[۴]

وظیفه غیر مسافری که نمازش را شکسته خوانده:

کسی که باید نماز را تمام بخواند، اگر شکسته بجا آورد، در هر صورت نمازش باط است.[۵]

---

۱ .استفتاآت، ج ۱، ص ۲۶۰، س ٤۱۷. به فتوای برخی از فقها، قصد ماندن همیشگی لازم نیست بلکه اگر تصمیم داشته باشد چند سالی در آنجا بماند حکم وطن را دارد.

۲ .توضیح المسائل، م ۱۳۵۹.

۳ .همان، م ۱۳۶۰، ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲. به فتوای برخی از فقها، اگر برخی از جزئیات احکام سفر را نمی‌دانست و نماز را تمام خواند در حالی که وظیفه‌اش شکسته خواندن نماز است چنانچه در وقت نماز متوجه شود باید نماز را اعاده کند و اگر بعد از وقت متوجه شود قضا لازم نیست.

٤ .همان، م ۱۳۵۸.

۵ .همان، م ۱۳۶۳.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

اماکن تخییر

□ مسافر در این مکان‌ها می‌تواند نماز را تمام یا شکسته بخواند:

* مسجدالحرام * مسجدالنبی صلی‌الله‌علیه‌وآله

* مسجد کوفه * حرم امام حسین علیه‌السلام[1]

یادآوری:

این حکم اختصاص به نماز دارد و مسافر در این مکان‌ها نمی‌تواند روزه بگیرد، به جز در مدینه منوره که سه روز روزه گرفتن برای برآورده شدن حاجت مستحب است، و مسافر هم می‌تواند این روزه‌ها را بجا آورد و احتیاط آن است که روزهای چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه باشد.[2]

پرسش

۱ـ شخصی برای کاری به شهری مسافرت می‌کند و می‌داند که کار او بیش از ده روز طول می‌کشد، ولی پس از گذشت سه روز متوجه می‌شود که پنج روز دیگر، کارش به انجام می‌رسد و از آنجا خواهد رفت، تکلیف نمازهای خوانده شده و پنج روز آینده چیست؟

۲ـ شخصی به گمان آنکه سفرش کمتر از هشت فرسخ است، نماز را تمام خوانده و پس از نماز متوجه می‌شود که بیش از هشت فرسخ بوده، نمازهای خوانده شده چه حکمی دارد؟

۳ـ آیا در سفری که نماز شکسته است می‌توان قضای نماز چهار رکعتی خواند؟

٤ـ شخصی برای زیارت به مشهد می‌رود و قصد ماندن ده روز در آنجا را دارد ولی در بین ده روز به طرقبه، شاندیز، طوس و بهشت رضا می‌رود، حکم نماز و روزه وی در این مدت چیست؟

۱ـ توضیح المسائل، م ۱۳۵٦. در این مسأله تفاوت فتوای زیاد وجود دارد؛ به فتوای برخی از فقها، تمام شهر مکه و مدینه جزو اماکن تخییر است. و برخی فقط در قسمت قدیمی این دو شهر و عده‌ای تنها قسمت قدیمی مسجد را جزو اماکن تخییر می‌دانند و برخی از مراجع این مسأله را قائل نیستند.

۲ـ همان، م ۱۷۱۸.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۳۱

نماز قضا

انسان باید نمازهای واجب را در وقت خود بخواند و تأخیر آن جایز نیست و پس از وقت باید آن را به نیت قضا بجا آورد.

موارد نماز قضا

۱ ـ در دو مورد بجا آوردن قضای نماز واجب است:

- نماز واجب را در وقت آن نخوانده باشد.
- بعد از وقت متوجه شود نمازی که خوانده، باطل بوده است.[۱]

احکام نماز قضا

□ ۱ ـ کسی که نماز قضا دارد، نباید در خواندن آن کوتاهی کند، ولی واجب نیست فوری آن را بجا آورد.[۲]

□ ۲ ـ قضای نمازهای یومیه لازم نیست به ترتیب خوانده شود؛ مثلاً کسی که یک روز

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱۳۷۰، ۱۳۷۱.

۲ ـ همان، م ۱۳۷۲. به فتوای برخی از فقها، اگر یک یا دو نماز پیش از نماز همان روز باشد احتیاط آن است که اول نماز قضا را بجا آورد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

نماز عصر و روز بعد نماز ظهر را نخوانده، لازم نیست اوّل نماز عصر و بعد از آن نماز ظهر را قضا کند. ولی در نمازهایی که ادای آنها باید به ترتیب خوانده شود؛ مثل نماز ظهر و عصر یک روز، باید قضای آن را نیز به ترتیب بجا آورد.[۱]

۳ ـ نماز قضا را با جماعت می‌توان خواند؛ چه نماز امام جماعت ادا باشد و چه قضا، و لازم نیست هر دو، یک نماز را بخوانند؛ مثلاً اگر نماز قضای صبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند اشکال ندارد.[۲]

٤ ـ اگر مسافری که باید نماز را شکسته بخواند، نماز ظهر یا عصر یا عشا از او قضا شود، باید آن را دو رکعتی بجا آورد، اگرچه در غیر سفر بخواهد قضای آن را بجا آورد.[۳]

۵ ـ در سفر نمی‌توان روزه گرفت، حتی روزه قضا،[۴] ولی نماز قضا می‌توان بجا آورد و تفصیل این مسأله در بحث روزه مسافر خواهد آمد.[۵]

٦ ـ اگر در سفر بخواهد نمازهایی را که در غیر سفر قضا شده، بجا آورد، باید نمازهای ظهر و عصر و عشا را چهار رکعتی قضا کند.[۶]

۷ ـ نماز قضا را در هر وقت می‌توان بجا آورد؛ یعنی قضای نماز صبح را می‌توان ظهر یا شب و قضای نماز مغرب و عشا را در روز خواند.[۷]

۸ ـ کسی که نماز قضا دارد، می‌تواند نماز مستحب بخواند.[۸]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۲۵، م ۸؛ توضیح‌المسائل، م ۱۳۷۵. به فتوای برخی از فقها، در صورتی که ترتیب قضا شدن آنها را بداند باید به ترتیب بجا آورد.

۲ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۳۸۸.

۳ ـ همان، م ۱۳٦۸.

٤ ـ روزه گرفتن در سفر در چند مورد استثنا شده و صحیح است که از جمله آنها روزه نذری است به شرط آن‌که نذر کرده باشد در سفر بگیرد یا روز معینی را نذر کرده روزه بگیرد و آن روز مسافر است.

۵ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في صلاة القضاء، ص ۲۲٤، م ۵؛ العروة‌الوثقی، ج ۱، فصل في صلاة القضاء، ص۷۳٤، م ۱۰.

٦ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۳٦۸.

۷ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في صلاة القضاء، ص ۲۲۳، م ۱؛ العروة الوثقی، ج ۱، فصل في صلاة القضاء، ص۷۳٤، م ۱۰.

۸ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۳۷۳.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

نماز قضای پدر و مادر

۱ ـ تا انسان زنده است اگر چه از خواندن نماز خود عاجز باشد، شخص دیگری نمی‌تواند نماز او را بخواند.[۱]

□ ۲ ـ پس از مرگ پدر، نمازها و روزه‌هایی را که بجا نیاورده، بر پسر بزرگ‌تر او واجب است آن نمازها و روزه‌ها را قضا کند، هر چند از روی نافرمانی ترک کرده باشد، و احتیاط مستحب است نماز و روزه‌هایی را که از مادرش قضا شده، بجا آورد.[۲]

۳ ـ قضای نمازهایی که بر خود میت واجب بوده بر پسر بزرگ او واجب است، و نمازهایی که به واسطه استیجار یا از پدرش بر او واجب شده بر پسر او واجب نیست.[۳]

٤ ـ اگر پسر بخواهد نماز پدر یا مادر را بخواند، باید به تکلیف خود عمل کند؛ مثلاً نماز قضای صبح و مغرب و عشا را باید بلند بخواند.[۴]

۵ ـ اگر پس از مرگ پدر، پسر بزرگ‌تر، پیش از آنکه نماز و روزه پدر را قضا کند، از دنیا برود، بر پسر دوم چیزی واجب نیست.[۵]

استفتاء

س ۱. کسی که خودش نماز و روزه قضا دارد، آیا می‌تواند نماز و روزه استیجاری به عهده بگیرد و در صورت توانستن، آیا از دو نفر هم می‌تواند قبول کند؟

ج ـ مانع ندارد.[۶]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱۳۸۷.

۲ ـ همان، م ۱۳۹۰. به فتوای برخی از فقها، نماز قضای مادر نیز بر پسر بزرگ وی واجب است و نمازهایی که پدر از روی نافرمانی ترک کرده بر پسر واجب نیست.

۳ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في صلاة القضاء، ص ۲۲۷، م ۱٦.

٤ ـ توضیح المسائل، م ۱۳۹۵.

۵ ـ همان ، م ۱۳۹۸.

٦ ـ استفتاآت، ج ۱، ص ۱۹۲، س ۲۳۲.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

س۲- پدر و مادر من پسری بزرگ‌تر از من داشتند که در سنین کودکی (دو سالگی) مرده است و بعد از مرگ او اولاد ارشد پدر و مادر، من هستم، آیا بعد از مرگ پدر و مادرم طبق مسائل موجود در توضیح‌المسائل نماز و روزه قضای پدرم بر من (که پسر دوّمش هستم) واجب است یا نه؟

ج - در فرض مرقوم، شما پسر بزرگ‌تر هستید.[۱]

نماز استیجاری

برای نماز و عبادات دیگر میت، مثل روزه و حج که در زندگی بجا نیاورده، می‌توانند دیگری را اجیر کنند؛ یعنی به او مزد بدهند تا آنها را بجا آورد و اگر کسی بدون مزد هم آنها را انجام دهد صحیح است.[۲]

شرایط اجیر

۱. کسی که اجیر می‌شود تا نماز قضای میت را بجا آورد باید شرایط زیر را داشته باشد:

* بتواند نماز را به طور صحیح بخواند.
* مورد اطمینان باشد که نماز را به طور صحیح بجا می‌آورد.
* معذور نباشد، بنابراین کسی که نمی‌تواند ایستاده نماز بخواند نمی‌تواند اجیر شود.
* بنا بر احتیاط واجب با وضوی جبیره یا تیمّم نماز نخواند.
* بنا بر احتیاط مستحب بالغ باشد.[۳]

□ ۲. اجیر گرفتن کودک ممیز و نیابت او در صورتی که بدانیم نماز را به طور صحیح می‌خواند، اشکال ندارد، امّا احتیاط مستحب است بالغ باشد.[۴]

---

۱. همان، ج ۱، ص ۱۸۷، س ۲۱۸.
۲. توضیح‌المسائل، م ۱۵۳۳.
۳. تحریرالوسیله، ج ۱، القول في صلاة الاستیجار، ص ۲۲۹، م ۳، ٤ و ٥.
٤. همان.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

۳ ـ زن می‌تواند برای بجای آوردن نماز مردی که از دنیا رفته اجیر شود و همچنین مرد می‌تواند برای بجای آوردن نماز زن اجیر شود.[۱]

وظایف اجیر

۱ ـ در نیت نماز، میت را معین کند ولی لازم نیست اسم او را بداند، پس اگر نیت کند که از طرف کسی نماز می‌خوانم که برای او اجیر شده‌ام کافی است.[۲]

۲ ـ اجیر باید خود را به جای میت فرض کند، و عبادت‌های او را قضا کند و اگر عملی را انجام دهد و ثواب آن را برای او هدیه کند کافی نیست.[۳]

۳ ـ نایب در آهسته یا بلند خواندن نماز، مطابق وظیفه خود عمل می‌کند، پس اگر مردی به نیابت زنی نماز می‌خواند باید حمد و سوره نماز صبح، مغرب و عشا را بلند بخواند.[۴]

□ ٤ ـ لازم نیست قضای نمازهای میت به ترتیب خوانده شود، هرچند بدانند که میت ترتیب نمازهای خود را می‌دانسته، مگر نمازهایی که شرعاً ترتیب در آنها شرط است، مثل نماز قضای ظهر و عصر یک روز که نمی‌توان قضای عصر آن روز را پیش از قضای ظهر خواند.[۵]

۵ ـ اگر با کسی که اجیر می‌شود شرط کنند تا نمازهای میت را با مقداری از مستحبات آن بخواند، باید مقداری از مستحبات نماز را که معمول است بجا آورد.[۶]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱۵٤۲.
۲ ـ همان، م ۱۵۳٦.
۳ ـ همان، م ۱۵۳۷.
٤ ـ همان، م ۱۵٤۲.
۵ ـ تحریر الوسیله، ج ۱، القول في صلاة القضاء، ص ۲۲۵، م ۸ ؛ توضیح المسائل، م ۱۵٤۳. به فتوای برخی از فقها، اگر بدانند نمازهای میت به ترتیب قضا شده ترتیب را در قضای آنها نیز مراعات کنند.
٦ ـ توضیح المسایل، م ۱۵٤۵.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

٦ ـ اگر با اجیر برای بجای آوردن نمازهای میت، مدت را معین کنند، مثلاً شش ماه یا یک سال و در آن مدت نمازها را نخواند، بعد از آن بدون اجازه کسی که او را اجیر کرده نمی‌تواند نمازها را بخواند و چنانچه بخواند، استحقاق اجرت ندارد.[1]

پرسش

۱ ـ در حادثه‌ای پدر و پسر بزرگ او فوت می‌کنند، آیا نماز قضای پدر، بر پسر بعدی او واجب است؟

۲ ـ اگر پسر بخواهد در مسافرت نماز قضای پدر را بجا آورد، باید تمام بخواند یا شکسته؟

۳ ـ اگر کودکی نماز قضای پدرش را بجا آورد کفایت می‌کند یا نه؟

٤ ـ شخصی برای بجای آوردن نمازهای قضای میت اجیر شده ولی اسم او را فراموش کرده، تکلیف چیست؟

٥ ـ کسی که اول وقت نماز در وطن بوده و سپس به سفر رفته و فراموش کرده نماز ظهر و عصر را بخواند قضای نماز را باید تمام بخواند یا شکسته؟

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في صلاة الاستیجار، ص ۲۳۰، م ۱۰.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۳۲

نماز جماعت (۱)

«قال رسول الله ﷺ: «صَلاةُ الرَّجُلِ فی جَماعَةٍ خیرٌ مِن صَلاتِهِ فی بَیتِهِ اَربَعینَ سَنَةً. قیلَ: یا رَسولَ الله! صَلاةُ یومٍ؟ قال ﷺ صلاةٌ واحِدةٌ»[1]

«پیامبراکرم ﷺ فرمود: یک نمازباجماعت، بهترازچهل سال نماز فُرادا درخانه است. پرسیدند: آیا یک روز نماز؟ فرمود: بلکه یک نماز».

وحدت امّت اسلامی از مسائلی است که اسلام به آن اهمیت بسیار داده است و برای حفظ وادامه آن، برنامه‌های ویژه‌ای دارد که یکی از آنها نماز جماعت است.

نماز جماعت تجلی وحدت مسلمانان وتشکّل آنان در هر صبح و شام است. در روایات اسلامی برای شرکت در نماز جماعت، ثواب بسیاری شمرده شده است، تا جایی که اگر تعداد نمازگزاران، بیش از ده نفر باشد، ثواب آن قابل شمارش نیست.

---

۱. مستدرک الوسائل، ج۶، ص۴۶۶.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

اهمیت نماز جماعت

گذشته ازآنکه درروایات، برای نماز جماعت اَجروپاداش بسیاری وارد شده است، با دقّت در برخی از مسائل فقهی، به اهمیت این عبادت پی می‌بریم و در اینجا به برخی ازآنها اشاره می‌کنیم:

۱ ـ مستحب است نمازهای واجب، به خصوص نمازهای یومیه را به جماعت بخوانند.

۲ ـ شرکت در نماز جماعت برای هرکس مستحب است، به‌ویژه برای همسایه مسجد.

۳ ـ سزاوار نیست انسان بدون عذر نماز جماعت را ترک کند.

٤ ـ حاضر نشدن در نماز جماعت ازروی بی‌اعتنایی، جایز نیست.

٥ ـ مستحب است، انسان صبر کند که نمازرا به جماعت بخواند.

□ ٦ ـ نماز جماعت، هرچند اوّل وقت خوانده نشود، ازنماز فُرادایِ اوّل وقت بهتر است.[1]

۷ ـ نماز جماعتی که مختصر خوانده می‌شود، ازنماز فُرادای طولانی بهتر است.

۸ ـ وقتی که جماعت برپا می‌شود، مستحب است کسی که نمازش را فُرادا خوانده دوباره به جماعت بخواند.

□ ۹ ـ امام یا مأموم می‌تواند نمازی راکه به جماعت خوانده، دوباره به جماعت بخواند، در صورتی که جماعت دوّم واشخاص آن غیرازجماعت اوّل باشند.[2]

---

۱ ـ به فتوای برخی از فقها در صورتی جماعت دیروقت از نماز فرادی افضل است که نماز جماعت بعد از وقت فضیلت خوانده نشود.

۲ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۳۹۹ تا ۱٤۰٤. به فتوای برخی از فقها، امام جماعت نمی‌تواند یک نماز را دو بار امامت کند ولی اگریک بار فرادا خوانده، بار دیگر می‌تواند همان نماز را امامت کند.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

استفتاء

س .اگر کسی در نماز جماعت توجه کافی نداشته باشد ولی در منزل و به طور فرادا نمازش از توجه بیشتری برخوردار باشد، آیا می‌تواند به جای جماعت، در منزل نماز بخواند؟

ج .مانع ندارد و جماعت بهتر است.[1]

شرایط نماز جماعت

در نماز جماعت، شرایط زیر باید مراعات شود:

- مأموم از امام جلوتر نایستد و بنا بر احتیاط واجب باید کمی عقب‌تر بایستد.
- جایگاه امام جماعت از جایگاه مأمومین بالاتر نباشد.
- فاصله امام و مأموم و فاصله صف‌ها، زیاد نباشد. یعنی بیش از یک گام نباشد.
- بین امام و مأموم و همچنین بین صف‌ها چیزی مانند دیوار یا پرده مانع نباشد، ولی نصب پرده بین صفِ مردها و زن‌ها اشکال ندارد.[2]

توضیح:

مأمومین باید با امام جماعت مرتبط باشند. ارتباط آنها یا بدون واسطه است که بین امام و مأموم نباید بیش از یک گام فاصله باشد؛ یعنی از محل سجده مأموم تا محل ایستادن امام، یا با واسطه سایر مأمومین که از جلو یا سمت راست یا چپ باید این ارتباط برقرار باشد، و این ارتباط دو شرط دارد:

* بین نمازگزار و صف جلو یا کسی که طرف راست یا چپ او قرار دارد، بیش از یک گام فاصله نباشد.

* اگر در صف اوّل ایستاده است، نباید مقابل او مانعی باشد که نتواند امام جماعت را ببیند، پس اگر امام جماعت در محراب باشد، کسانی‌که دو طرف محراب پشت دیوار

---

۱ .استفتاآت، ج ۱، ص ۲۷۷، س ٤٧٦.

۲ .العروة‌الوثقی، ج ۱، في شرائط الجماعة، صص ۷۷۷ و ۷۷۸، فصل ٤٦؛ توضیح‌المسائل، م ۱٤۱۵، ۱٤۳۲ و ۱٤۳۳.

می‌ایستند و امام جماعت را نمی‌بینند، نمی‌توانند اقتدا کنند. ولی اگر مانعی در کار نباشد و به جهت طولانی بودن صف، امام جماعت را نبینند، اشکال ندارد.

□ اگر در صفوف بعدی ایستاده است، باید مانعی از دیدن صف جلوی خودش وجود نداشته باشد، پس اگر صفوف جماعت تا درِ شبستان برسد، کسی که بیرون شبستان مقابل در ایستاده که صف جلو را می‌بیند و کسانی که پشت سر او ایستاده‌اند نمازشان صحیح است ولی کسانی که دو طرف پشت دیوار ایستاده‌اند و از صف جلو، کسی (حتی یک نفر) را نمی‌بینند، نمازشان باطل است.[1]

استفتاء

س ـ طبقه دوّم مسجد، مأمومین زن یا مرد اقتدا می‌نمایند و لبه این طبقه یک دیوار نیم متری وجود دارد، آیا وجود این دیوار ضرری به جماعت آنها می‌زند یا خیر؟

ج ـ اشکال ندارد.[2]

شرایط امام جماعت

□ **امام جماعت باید این شرایط را دارا باشد:**

- بلوغ و عقل؛
- عدالت؛[3]
- مرد بودن؛
- صحیح خواندن نماز؛

---

۱ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۴۱۱ تا ۱۴۱۴ و ۱۴۳۵ و ۱۴۳۶. به فتوای برخی از فقها، اگر اتصال برقرار باشد جماعت اشکال ندارد.

۲ ـ استفتاآت، ج ۱، ص ۲۸۳، س ۴۹۸.

۳ ـ به درس ۲ مراجعه شود.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

- مسلوس و مبطون[۱] نبودن، بنابر احتیاط واجب؛
- نداشتن بیماری خوره یا پیسی، بنابر احتیاط واجب؛
- با لباس نجس نماز نخواندن، بنابر احتیاط واجب؛[۲]

چند مسأله

۱ ـ کسی که ایستاده نماز می‌خواند نمی‌تواند به کسی که نشسته یا خوابیده نماز می‌خواند اقتدا کند.[۳]

□ ۲ ـ اگر امام جماعت به واسطه عذری با تیمّم یا با وضوی جبیره‌ای نماز بخواند، می‌شود به او اقتدا کرد.[۴]

□ ۳ ـ اگر امام جماعت به واسطه عذری با لباس نجس نماز می‌خواند، بنابر احتیاط واجب نباید به او اقتدا کرد.[۵]

استفتاء

س۱ـ آیا مأمومی که قرائتش فصیح‌تر از امام جماعت است، می‌تواند برای نماز جماعت به این امام اقتدا کند؟

ج ـ اقتدا صحیح است.[۶]

□ س۲ـ آیا می‌شود به مأمومی که در نماز چهار رکعتی دو رکعت آن را به جماعت خوانده و دو رکعت باقی مانده را فرادا می‌خواند اقتدا کرد؟

ج ـ مانع ندارد.[۷]

---

۱ ـ مسلوس کسی است که کنترل ادرار ندارد و مبطون کسی است که مدفوع را نمی‌تواند کنترل کند.

۲ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۴۵۳، ۱۴۵۵، ۱۴۵۷ تا ۱۴۵۹. به فتوای برخی از فقها، مرد بودن جزو شرایط امام جماعت نیست، بلکه زن نیز می‌تواند با وجود سایر شرایط برای زنان امامت کند و به فتوای برخی نیز امامت بچه ممیز اشکال ندارد.

۳ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۴۵۵.

۴ ـ همان، م ۱۴۵۷.

۵ـ همان. به فتوای برخی از فقها اقتدای به او اشکال ندارد.

۶ ـ استفتاآت، ج ۱، ص ۲۸۰، س ۴۸۹.

۷ ـ همان، ص ۲۹۴، س ۵۳۷. به فتوای برخی از فقها، اقتدا به چنین فردی جایز نیست.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

پرسش

۱. در چه صورتی شرکت نکردن در نماز جماعت حرام است؟

۲. وجود مانع بین صفوف نماز جماعت در چه صورتی به جماعت ضرر نمی زند؟

۳. شرایط نماز جماعت از نظر جایگاه امام و مأموم چیست؟

٤. نمازکسانی که در نماز جماعت حتّی یک نفر از صف جلویِ خود را نمی‌بینند، چه حکمی دارد؟

٥. آیا کسی که دستش مجروح شده است و با وضوی جبیره‌ای نماز می‌خواند، می‌تواند امام جماعت باشد؟

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۳۳

نماز جماعت (۲)

نمازها و حالت‌های مختلفی که جماعت صحیح است

	نماز امام جماعت	نماز مأموم	توضیح
۱	ادای یومیه	ادای یومیه	هر کدام از نمازهای یومیه را می‌توان به دیگری اقتدا کرد؛ مثلاً نماز ظهر رابهً عصر.[۱]
۲	قضای یومیه	قضای یومیه	هر چند هماهنگ نباشد، مثلاً امام جماعت قضای ظهر را می‌خواند و مأموم قضای صبح را.[۲]
۳	ادای یومیه	قضای یومیه	هر کدام از قضای یومیه را می‌توان به نماز ادا اقتدا کرد؛ مثلاً نماز قضای صبح را به ادای ظهر[۳]
۴	قضای یومیه	ادای یومیه	هرکدام که باشد، هرچند هماهنگ نباشد
۵	آیات	آیات	هرچند آیات متحد نباشد؛ مثلاً یکی نماز برای زلزله می‌خواند، دیگری برای صاعقه.[۴]
۶	عیدین	عیدین	□ به قصد رجاء در زمان غیبت اشکال ندارد.[۵]
۷	تمام	شکسته	صحیح، ولی مکروه است؛ یعنی ثوابش کمتر است.
۸	شکسته	تمام	
۹	میّت	میّت	صحیح است.[۶]

۱ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۴۰۸.

۲ ـ همان، م ۱۳۸۸ و ۱۴۰۹.

۳ ـ همان، م ۱۳۸۸.

٤ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الصلاة، القول في صلاة الآیات، م ۱۲.

۵ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۴۰۷. به فتوای برخی از فقها خواندن نماز عیدین به جماعت صحیح است و قصد رجاء لازم نیست.

٦ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الطهارة، القول في الصلاة علی المیّت، ص ۷۹.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

مسأله

اگر امام جماعت نماز قضای یومیه خود یا دیگری را می‌خواند، در صورتی که نماز قضای قطعی باشد اقتدای به او اشکال ندارد ولی در صورتی که احتیاطا نماز را قضا می‌کند، اقتدای به او اشکال دارد، اما مأموم می‌تواند نماز قضای احتیاطی را به امام جماعت اقتدا کند.[۱]

مواردی که نماز جماعت صحیح نیست

۱ ـ نمازهای مستحب به جماعت صحیح نیست، به جز نماز طلب باران و نمازهای واجب که به جهتی مستحب شده است؛ مانند نماز عیدین در زمان غیبت، که به قصد رجاء به جماعت صحیح است.

۲ ـ هیچکدام از نمازهای یومیه را نمی‌توان به نمازهای آیات، اموات و احتیاط، اقتدا کرد و عکس آن نیز صحیح نیست.[۲]

□ ۳ ـ صحیح بودن نماز طواف نیز به جماعت، محل اشکال است.[۳]

٤ ـ اگر انسان نداند نمازی را که امام جماعت می‌خواند نماز واجب یومیه است یا نماز مستحب، نمی‌تواند به او اقتدا کند.[۴]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱٤۰۹.

۲ ـ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۷٦٥ و ۷٦٦، کتاب الصلاة، فصل في صلاة الجماعة، م ٤ و ٦. برخی از فقها، نماز طواف را به جماعت صحیح می‌دانند.

۳ ـ تحریر الوسیله، ج ۱، فصل في صلاة الجماعة، ص ۲٦٥، م ۱.

٤ ـ توضیح المسائل، م ۱٤۱۰.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

اقتدا به امام جماعت

▣ **رکعت اوّل**

۱. در بین قرائت ← مأموم حمد و سوره را نمی‌خواند و بقیه اعمال را با امام جماعت بجا می‌آورد.

۲. در رکوع ← رکوع و بقیه اعمال را با امام جماعت بجا می‌آورد.[۱]

▣ **رکعت دوّم**

۱. در بین قرائت ← مأموم حمد و سوره را نمی‌خواند و با امام، قنوت و رکوع و سجده را بجا می‌آورد و آنگاه که امام جماعت تشهد می‌خواند، بنا بر احتیاط واجب باید به‌صورت نیم‌خیز، بنشیند؛ اگر نماز دو رکعتی است یک رکعت دیگر به تنهایی بخواند و نماز را تمام کند و اگر سه یا چهار رکعتی است، در رکعت دوّم که امام جماعت در رکعت سوّم است، حمد و سوره بخواند (هر چند امام جماعت تسبیحات بخواند) و آنگاه که امام جماعت رکعت سوّم را تمام کرد و برای رکعت چهارم برمی‌خیزد، مأموم باید پس از دو سجده، تشهد بخواند و برخیزد و حمد یا تسبیحات را بخواند و در رکعت آخر نماز که امام جماعت با تشهد و سلام، نماز را به پایان می‌برد یک رکعت دیگر می‌خواند.[۲]

۲. در رکوع: ← رکوع را با امام جماعت بجا می‌آورد و بقیه نماز را همان گونه که گفته شد، انجام می‌دهد.

۳. در قنوت: ← قنوت را با امام جماعت می‌خواند و همانند آنچه برای اقتدای در بین قرائت گفته شد، عمل می‌کند.

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۱۴۲۷.

۲. همان، م ۱۴۳۹ و ۱۴۴۰.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

▣ رکعت سوّم

۱. در بین حمد یا تسبیحات ← چنانچه می‌داند که اگر اقتدا کند برای خواندن حمد و سوره یا حمد تنها وقت دارد، می‌تواند اقتدا کند و باید حمد و سوره یا حمد را بخواند، و اگر می‌داند فرصت ندارد، بنا بر احتیاط واجب باید صبر کند تا امام جماعت به رکوع رود، سپس به او اقتدا کند.

۲. در رکوع ← چنانچه در رکوع اقتدا کند، رکوع را با امام جماعت بجا می‌آورد و حمد و سوره برای آن رکعت ساقط است، و بقیه نماز را همان گونه که قبلاً بیان شد بجا می‌آورد.[۱]

▣ رکعت چهارم

۱. در بین حمد یا تسبیحات ← حکم اقتدا در رکعت سوّم را دارد، و آنگاه که امام جماعت در رکعت آخر نماز برای تشهد و سلام می‌نشیند، مأموم می‌تواند برخیزد و نمازش را به تنهایی ادامه دهد و می‌تواند نیم‌خیز بنشیند تا تشهد و سلام امام جماعت تمام شود و سپس برخیزد.

۲. در رکوع ← رکوع و سجده‌ها را با امام بجا می‌آورد (اکنون رکعت چهارم امام و رکعت اوّل مأموم است) و بقیه نماز را همان گونه که گذشت انجام می‌دهد.[۲]

اقتدا در رکوع

اگر مأموم، موقعی که امام جماعت در رکوع است اقتدا کند، ممکن است یکی از این حالت‌ها را داشته باشد:

---

۱. توضیح المسائل، م۱۴۴۲ و ۱۴۴۳؛ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في احکام الجماعة، صص ۲۷۱ و ۲۷۲، م ۵، ۶. ۸.

۲. همان.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

* قبل از تمام شدن ذکر رکوعِ امام جماعت به رکوع برسد← نمازش به جماعت صحیح است.

* وقتی به حدّ رکوع رسید، ذکرِ رکوعِ امام جماعت تمام شده ولی هنوز امام در رکوع است ← نمازش به جماعت صحیح است.

□ * به رکوع رود ولی به رکوع امام هم نرسد ← نمازش به طور فرادی صحیح است و باید آن را تمام کند.[۱]

* به رکوع رود و شک کند به رکوع امام جماعت رسیده یا نه ← نمازش به طور فرادی صحیح است و باید آن را تمام کند.[۲]

* پیش از آنکه به اندازه رکوع خم شود امام جماعت سر از رکوع بردارد ←می‌تواند نیت فرادا کند و خودش نماز را بخواند یا صبر کند تا امام جماعت برای رکعت بعد برخیزد و آن را رکعت اول نماز خود حساب کند. ولی اگر نماز امام زیاد طول بکشد که نگویند این شخص نماز جماعت می خواند باید نیت فرادا کند.[۳]

پرسش

۱ .کدامیک از نمازهای مستحب را می‌توان به جماعت خواند؟

۲ .اگر ماموم تکبیرة الاحرام بگوید و به رکوع برود و شک کند رکوع امام جماعت را درک کرد یا نه نمازش چه حکمی دارد؟

۳ - اگر مأموم در نماز متوجه شود امام جماعت مشغول خواندن نافله است تکلیفش چیست؟

٤ .کدامیک از نمازهای واجب را نمی‌توان به جماعت خواند؟

---

۱ .توضیح‌المسائل، م ۱٤۲۷. به فتوای برخی از فقها، در این صورت نمازش باطل است.

۲ .همان، م ۱٤۲۸.

۳ .همان، م ۱٤۲۹.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ٣٤

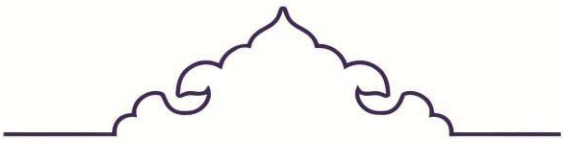

نماز جماعت (٣)

وظیفه مأموم در نماز جماعت

١ ـ مأموم نباید تکبیره‌الاحرام را پیش از امام بگوید، بلکه بنا بر احتیاط واجب تا تکبیر امام تمام نشده، نباید تکبیر بگوید.[١]

٢ ـ مأموم باید غیر از حمد و سوره، همه چیز نماز را خودش بخواند، ولی اگر رکعت اوّل یا دوّم او و رکعت سوّم یا چهارم امام باشد، باید حمد و سوره را بخواند و چنانچه فرصت نکند باید حمد را بخواند و سوره را نمی‌خواند.[٢]

چگونگی پیروی مأموم از امام جماعت

□ * **در اقوال؛** مانند ذکر رکوع یا سجده یا تسبیحات اربعه یا تشهد، جلو افتادن از امام یا عقب افتادن از او اشکال ندارد، مگر در تکبیره‌الاحرام.

* **در اعمال؛** مانند رکوع، سر برداشتن از رکوع و سجده، پیش افتادن جایز نیست، پس اگر عمداً قبل از امام به رکوع برود یا از رکوع برخیزد، یا به سجده برود معصیت کرده،

---

١ ـ توضیح‌المسائل، م ١٤٦٧.

٢ ـ تحریرالوسیله، ج ١، القول في احکام الجماعه، ص ٢٧٥، م ٥؛ توضیح‌المسائل، م ١٤٦١.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

اگرچه نمازش صحیح است، ولی عقب افتادن از امام جماعت اگر زیاد نباشد اشکال ندارد.[١]

اگرمأموم، سهواً پیش‌ازامام:
- **١.به رکوع رود** ← واجب است برخیزد و با امام جماعت به رکوع برود.
- **٢.ازرکوع برخیزد** ← چنانچه امام دررکوع باشد باید به رکوع برگردد و با امام سرازرکوع بردارد و دراین دوصورت زیاد شدن رکوع که رکن است، نمازرا باطل نمی‌کند.
- **٣.به‌سجده‌رود** ← واجب است، سر از سجده بردارد و با امام به سجده رود.
- **٤.سرازسجده‌بردارد** ← باید به سجده برگردد.

درهرصورت اگرازامام تبعیت نکند؛ مثلاً اگرپیش ازامام جماعت به رکوع رفته، درحال رکوع بماند تا امام جماعت به رکوع برود، نمازش باطل نیست ولی احتیاط مستحب است نمازرا اعاده کند.[٢]

دو مسأله

١ ـ اگرمأموم سهواً پیش ازامام جماعت سرازرکوع بردارد ودوباره به رکوع برگردد، امّا پیش ازآنکه به رکوع برسد، امام سربردارد، نمازش باطل است.[٣]

٢ ـ اگرمأموم سهواً پیش از امام جماعت سر از سجده بردارد و دوباره به سجده برگردد وهنوزبه سجده نرسیده، امام سربردارد، نمازش صحیح است، ولی اگردرهر

---

١ ـ توضیح المسائل، م ١٤٦٧، ١٤٦٩ و١٤٧٠، العروةالوثقی، ج١، ص ٧٨٥، م ٧. به فتوای برخی ازفقها، سلام راجلوتر ازامام نباید بگوید و دراعمال نماز نیزاگرعمدا ازامام جماعت جلوبیفتد نمازش باطل است.

٢ ـ همان، م ١٤٧١، ١٤٧٢ و ١٤٧٨؛ العروة الوثقی، ج١، ص ٧٨٦، م ١٢.

٣ ـ همان، م ١٤٧١.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

دوسجده این اتفاق بیفتد، نمازش باطل است.[۱]

احکام نماز جماعت

۱ ـ اگر جای مأموم بلندتر از امام باشد، در صورتی که بلندی آن به مقدار متعارف باشد، اشکال ندارد؛ مثل آنکه امام در صحن مسجد و مأموم در پشت بام به نماز بایستد، ولی اگر مثل ساختمان‌های چند طبقه این زمان باشد، جماعت اشکال دارد.[۲]

□ ۲ ـ اگر بین کسانی که در یک صف ایستاده‌اند، بچه ممیز، یعنی بچه‌ای که خوب و بد را می‌فهمد، فاصله شود و فاصله بیش از یک گام باشد و:

- می‌دانند نماز او صحیح است ← می‌توانند اقتدا کند.
- می‌دانند نماز او باطل است ← نمی‌توانند اقتدا کنند.
- نمی‌دانند نمازش صحیح است یا باطل ← می‌توانند اقتدا کنند.[۳]

۳ ـ بعد از تکبیر امام جماعت، اگر صف جلو آماده نماز و تکبیر گفتن آنان نزدیک باشد، کسی که در صف بعد ایستاده، می‌تواند تکبیر بگوید.[۴]

٤ ـ اگر نماز کسانی که در صف جلو هستند تمام شود یا نیت فرادا کنند، اگر فاصله به اندازه یک قدم بزرگ نباشد، نماز صف بعد به‌طور جماعت صحیح است و اگر بیشتر از این مقدار باشد، نماز آنان فرادا می‌شود و صحیح است.[۵]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱٤۷۳.

۲ ـ همان، م ۱٤۱٦.

۳ ـ همان، م ۱٤۱۷. به فتوای برخی از فقها، در صورتی که بدانند نماز کودک صحیح است اشکال ندارد ولی اگر شک داشته باشند یا بدانند نمازش صحیح نیست و فاصله زیاد باشد، اقتدا صحیح نیست.

٤ ـ همان، م ۱٤۱۸.

۵ ـ همان، م ۱٤۳۸.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

٥ ـ اگر امام ایستاده باشد و مأموم نداند که درکدام رکعت است، می‌تواند اقتدا کند، ولی باید حمد و سوره را به قصد قربت بخواند و چنانچه بعد بفهمد که امام در رکعت اوّل یا دوّم بوده، نمازش صحیح است.[١]

استفتاء

س ـ در صف جماعت اگر در یک صف یا صف‌ها بین مردان که در یک طرف قرار دارند و زنان که در طرف دیگرند، حجابی نباشد، آیا نماز آنها اشکال ندارد؟

ج ـ اشکال ندارد.[٢]

برخی از آداب نماز جماعت

١ ـ مستحب است امام در وسط صف بایستد و اهل علم و کمال و تقوا در صف اوّل بایستند.

٢ ـ مستحب است صف‌های جماعت منظم باشد و بین کسانی که در یک صف ایستاده‌اند، فاصله نباشد.

٣ ـ مستحب است بعد از گفتن «قد قامت الصَّلاة» مأمومین برخیزند.

٤ ـ مستحب است امام جماعت حال ضعیف‌ترین مأموم را رعایت کند و عجله نکند، تا افراد ضعیف برسند و قنوت و رکوع و سجود را طول ندهد، مگر آنکه بداند همه مأمومین به طولانی شدن مایلند.

٥ ـ اگر در صف‌های جماعت جا باشد، مکروه است مأموم تنها بایستد.

٦ ـ مکروه است مأموم ذکرهای نماز را طوری بگوید که امام بشنود.[٣]

---

١ ـ توضیح المسائل، م ١٤٤٦.

٢ ـ استفتاآت، ج ١، ص ٢٨٠، س ٤٩٠. به فتوای برخی از فقها وجود پرده لازم است.

٣ ـ توضیح‌المسائل، صص ١٩٧ و ١٩٨.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

پرسش

۱ـ در رکعت سوّم و چهارم نماز چه وقت می‌توان اقتدا کرد؟

۲ـ تقدم و تأخر از امام جماعت در افعال نماز چه حکمی دارد؟

۳ـ اگر نماز نمازگزارانِ صف جلو فرادا شود، نماز افراد در صف‌های بعد چه حکمی دارد؟

٤ـ اگر انسان به نماز جماعت حاضر شود و نداند رکعت چندم است، آیا می‌تواند اقتدا کند؟

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۳۵

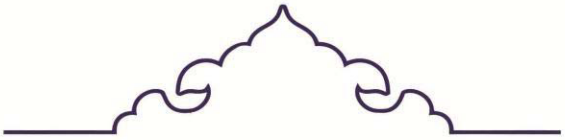

نماز جمعه

يا أَيهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ إِذَا نُودِىَ لِلصَّلَوةِ مِن يوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِاللهِ وَذَرُوا الْبَيعَ ذَلِكُمْ خَيرٌلَكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ»[1]

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون برای نماز جمعه ندا داده می‌شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و داد و ستد را رها کنید، اگر بدانید، این برای شما بهتر است.»

□ یکی از اجتماعات هفتگی مسلمانان، نماز جمعه است و نمازگزاران در روز جمعه می‌توانند به جای نماز ظهر، نماز جمعه بخوانند.[2]

اهمیت نماز جمعه

امام خمینی رحمه‌الله در اهمّیت نماز جمعه چنین نگاشته‌اند:

«نماز جمعه و دو خطبه آن، مانند حج و نماز عید فطر و قربان، از مراسم بزرگ مسلمانان است، ولی متأسفانه، مسلمانان از وظایف مهم سیاسی این عبادت، غافل

---

۱. جمعه:۹.

۲. تحریرالوسیله، ج ۱، البحث في صلاة الجمعة، ص ۲۳۱، م ۱. به فتوای برخی از فقها، بنابر احتیاط خواندن نماز ظهر نیز لازم است.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

و ناآگاهند، در حالی که انسان، با اندک مطالعه و دقت در احکام کشوری، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلام درمی‌یابد که اسلام دین سیاست است و کسی که دین را از سیاست جدا می‌داند، نادانی است که نه اسلام را می‌شناسد و نه سیاست را.»[۱]

وقت نماز جمعه

□ وقت نماز جمعه، اوّل ظهر است و احتیاط واجب آن است که از اوایل وقت تأخیر نیندازند.[۲]

چگونگی نماز جمعه

▣ **واجبات:**

نماز جمعه دو رکعت است؛ مانند نماز صبح، ولی دو خطبه دارد که توسط امام جمعه، قبل از نماز ایراد می‌شود.[۳]

▣ **مستحبات:**

۱ـ خواندن حمد و سوره با صدای بلند (توسط امام جمعه).

۲ـ خواندن سوره «جمعه» بعد از حمد، در رکعت اوّل (توسط امام جمعه).

۳ـ خواندن سوره «منافقون» پس از حمد، در رکعت دوّم (توسط امام جمعه).

٤ـ خواندن دو قنوت؛ یکی در رکعت اوّل پیش از رکوع، دیگری در رکعت دوّم پس از رکوع.[۴]

۱ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في شرایط صلاة الجمعه، ص ۲۳٤، م ۹.

۲ـ توضیح‌المسائل، م ۷۳٤. به فتوای برخی از فقها وقت نماز جمعه از ظهر تا یک ساعت ($\frac{1}{12}$) است و به فتوای برخی به اندازه اذان و ایراد خطبه ها و خواندن نماز به طور متعارف است.

۳ـ تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الصلاة، فروع تلحق بصلاة الجمعه، الخامس.

٤ـ همان.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

شرایط نماز جمعه

۱ . باید به جماعت برگزار شود و فُرادا صحیح نیست؛ بنابراین تمام شرایطی که در نماز جماعت باید رعایت شود، در نماز جمعه هم معتبر است؛ مثل اتصال صفوف.

۲ . حداقل تعداد افراد برای برپایی نماز جمعه پنج نفر است؛ یک نفر امام و چهار نفر مأموم.

۳ . پیش از نماز دو خطبه خوانده شود.

٤ . بین دو نماز جمعه، حداقل باید یک فرسخ فاصله باشد.[۱]

وظیفه امام جمعه هنگام ایراد خطبه‌ها

۱ . باید ایستاده خطبه بخواند.

۲ . بنا بر احتیاط واجب، با صدای بلند خطبه بخواند؛ به طوری که همه شرکت‌کنندگان بشنوند و می‌تواند از بلندگو استفاده کند.

۳ . باید بین دو خطبه کمی بنشیند.

٤ . مستحب است:

* عمامه بر سر بگذارد؛

* نظیف‌ترین لباس‌ها را بپوشد و خود را معطر کند؛

* در آغاز خطبه به مستمعین سلام کند؛

* رو به مردم باشد؛

* بر چوب یا عصا یا شمشیری تکیه کند؛

* هنگام ایراد خطبه نیز با طهارت باشد.[۲]

---

۱ . تحریرالوسیله، ج ۱، القول في شرایط صلاة الجمعة، ص ۲۳۱، الرابع.

۲ . توضیح‌المسائل، م ۱۲ – ۱٤.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

محتوای خطبه‌ها

خطبه اوّل:

۱ ـ حمد و سپس ثنای الهی را بجا آورد.

۲ ـ صلوات بر پیامبر و آل او بفرستد (بنا بر احتیاط واجب).

۳ ـ مردم را به تقوا توصیه کند.

٤ ـ سوره کوتاهی از قرآن بخواند.

خطبه دوم:

۱ ـ حمد و سپاس الهی را بجا آورد.

۲ ـ بر پیامبر و آل او صلوات بفرستد.

۳ ـ مردم را به تقوا توصیه کند (بنا بر احتیاط واجب).

٤ ـ سوره کوتاهی از قرآن بخواند (بنا بر احتیاط واجب).

۵ ـ بر ائمه مسلمین علیهم‌السلام درود بفرستد و برای مردان و زنان مؤمن طلب آمرزش کند (بنابر احتیاط مستحب).[۱]

سزاوار است این مطالب را نیز بگوید:

۱ ـ آنچه مسلمانان در زندگی دنیا و آخرت به آن نیاز دارند.

۲ ـ آنچه در جهان می‌گذرد و به سود و زیان مسلمانان است.

۳ ـ مسائل سیاسی و اقتصادی که در استقلال و آزادی آنان دخالت دارد و چگونگی رفتار آنها با سایر ملت‌ها.

٤ ـ دخالت دولت‌های ستمگر و استعمارگر در امور سیاسی و اقتصادی مسلمانان که منجر به بهره‌کشی از آنان می‌شود.[۲]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الصلاة، القول في شرائط صلاة الجمعه، م ۷.

۲ ـ همان، القول في شرائط صلاة الجمعة، صص ۲۳۳ و ۲۳٤، م ۷ ـ ۸ ـ ۹.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

ویژگی‌های امام جمعه

سزاوار است امام جمعه این ویژگی‌ها را داشته باشد:

* خطیب بلیغ باشد و مقتضای حال را با عبارت‌های فصیح و خالی از پیچیدگی بیان کند.
* نسبت به آنچه در کشورهای اسلامی به ویژه کشور خودش می‌گذرد، آشنا باشد.
* مصالح اسلام و مسلمین را بداند.
* شجاع باشد و سرزنش هیچ کس او را از طریق الهی باز ندارد.
* در اظهار حق و ابطال باطل صریح باشد.
* آنچه سبب تأثیر کلامش در نفوس می‌شود، مراعات کند؛ از جمله:
* در شکل و شمایل صالحان باشد.
* کردارش با موعظه‌هایش هماهنگ باشد.
* از آنچه سبب می‌شود دیگران او را سرزنش یا کلامش را مسخره کنند، حتی زیاد حرف زدن و مزاح کردن بپرهیزد و همه این‌ها را برای رضای خدا و به دور از حب دنیا و ریاست مراعات کند.[1]

وظیفه نمازگزاران جمعه

۱. واجب است نمازگزاران به خطبه‌ها گوش دهند.

۲. احتیاط مستحب است از سخن گفتن بپرهیزند و چنانچه سخن گفتن، سبب از بین رفتن فایده خطبه‌ها و یا گوش ندادن به آنها شود، ترک آن واجب است.

۳. احتیاط مستحب است، شنوندگان هنگام ایراد خطبه‌ها، رو به امام جمعه بنشینند و بیش از مقداری که در نماز اجازه داده شده، به اطراف نگاه نکنند.[2]

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۳۵، م ۱۴.

۲. همان.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

پرسش

۱ـ تفاوت نماز جمعه با نماز ظهر چیست؟

۲ـ شرایط نماز جمعه علاوه بر شرایط نماز جماعت چیست؟

۳ـ چه چیزی در هر دو خطبه باید خوانده شود؟

٤ـ داشتن چه آگاهی‌هایی برای امام جمعه شایسته است؟

٥ـ بر امام جمعه و نمازگزاران هنگام ایراد خطبه‌ها چه چیزهایی واجب است؟

٦ـ اگر به رکعت دوّم نماز جمعه برسیم، برای اقتدا تکلیف چیست؟ آیا خواندن نماز ظهر لازم است؟

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۳۶

نماز آیات، نماز بر میت

نماز آیات

وقتی خورشید یا ماه بگیرد یا زلزله‌ای رخ دهد، نماز آیات واجب است، هر چند هیچ کس نترسد.

اگر حوادث دیگر طبیعی، مثلاً صاعقه شود یا بادهای زرد و سرخ بوزد و بیشتر مردم بترسند، واجب است همگی رو به سوی خدا کرده و دو رکعت نماز، که نامش «آیات» است بخوانند. گزاردن چنین نمازی، کنایه از این است که این‌گونه حوادث نشانه‌هایی از قدرت الهی و نظم و حساب دقیق عالم طبیعی است.

خواندن این نماز، انسان را از خرافات و خیال‌های بیهوده باز می‌دارد و متوجه آفریدگار هستی می‌کند و همچنین سبب آرامش دل‌ها و فرو نشستن ترس می‌شود.

اسباب وجوب نماز آیات

* زلزله
* خسوف (ماه گرفتگی)
* کسوف (خورشید گرفتگی)

هر چند کسی از آن نترسد.

* رعد و برق و بادهای زرد و سرخ و سیاه و مانند آن، اگر بیشتر مردم بترسند.[1]

---

۱. توضیح المسائل، م ۱۴۹۱؛ تحریر الوسیله، ج ۱، القول في صلاة الآیات، م ۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

چگونگی نماز آیات

۱ ـ نماز آیات دو رکعت است و در هر رکعت پنج رکوع دارد.

۲ ـ در نماز آیات، قبل از هر رکوع، سوره حمد و سوره دیگری از قرآن خوانده می‌شود، که در این صورت، در دو رکعت، ده حمد و ده سوره خوانده می‌شود، ولی می‌توان یک سوره را پنج قسمت کرده و قبل از هر رکوع یک قسمت از آن را خواند، که در این صورت، در دو رکعت دو حمد و دو سوره خوانده می‌شود.[۱]

در اینجا با تقسیم سوره «اخلاص» چگونگی نماز آیات مختصر را می‌آوریم:

*** رکعت اوّل**

□ **حمد و «بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ»** ← **رکوع.**

«قُلْ هُوَ اللّهُ اَحَدٌ» ← **رکوع.**

«اللّهُ الصَّمَدُ» ← **رکوع.**

«لَمْ يلِدْ وَلَمْ يولَدْ» ← **رکوع.**

«وَلَمْ يكُنْ لَهُ كُفُواً اَحَد» ← **رکوع.**

و سپس سجده‌ها را بجا آورده، برای رکعت دوّم برمی‌خیزد.

*** رکعت دوّم**

رکعت دوّم را نیز مانند رکعت اوّل بجا می‌آورد و سپس با تشهد و سلام، نماز را به پایان می‌برد.[۲]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱۵۰۷ و ۱۵۰۸.

۲ ـ همان، م ۱۵۰۸. به فتوای برخی از فقها، گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم» به تنهایی کافی نیست، بلکه باید بخشی از سوره را نیز بخواند. و به فتوای برخی از فقها، خواندن کمتر از یک آیه هم اشکال ندارد ولی برخی جمله کامل بودن را شرط نمی‌دانند؛ هرچند یک آیه کامل نباشد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

وقت نماز آیات

۱ ـ خورشید یا ماه گرفتگی ← از شروع گرفتگی تا شروع به باز شدن.

۲ ـ سایر آیات، مثل زلزله ورعد وبرق ← وقت معین ندارد وهمیشه ادا است.[۱]

احکام نماز آیات

۱ ـ اگر یکی از سبب‌های نماز آیات در شهری اتفاق بیفتد، فقط مردم همان شهر باید نماز آیات بخوانند وبر مردم جاهای دیگر واجب نیست.[۲]

۲ ـ اگر در یک رکعت از نماز آیات، پنج مرتبه حمد و پنج سوره خوانده شود و در رکعت دیگر یک حمد بخواند و سوره را تقسیم کند صحیح است. نماز آیات را به گونه‌های دیگر نیز می‌توان خواند که در کتاب‌های مفصل فقهی آمده است.[۳]

۳ ـ مستحب است پیش از رکوع دوّم و چهارم و ششم و هشتم و دهم قنوت بخواند و اگر فقط یک قنوت پیش از رکوع دهم بخواند کافی است.[۴]

٤ ـ هر یک از رکوع‌های نماز آیات رکن است، که اگر عمداً یا سهواً کم یا زیاد شود، نماز باطل است.[۵]

۵ ـ نماز آیات را می‌توان به جماعت خواند، که در این صورت حمد و سوره‌ها را تنها امام جماعت می‌خواند.[۶]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱٤۹۵ و ۱٤۹۸.

۲ ـ همان، م ۱٤۹٤.

۳ ـ همان، م۱۵۰۹؛ العروة الوثقی، ج۱، فصل في صلاة الآیات، ص۷۲۷، م۱.

٤ ـ همان، م ۱۵۱۲.

۵ ـ همان، م ۱۵۱۵.

٦ ـ العروة الوثقی، فصل في صلاة الآیات، ج ۱، ص ۷۳۰، م ۱۳.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

٦ ـ مأموم در هر رکعت از نماز آیات، وقتی که امام جماعت در رکوع اول است می‌تواند اقتدا کند، و پس از آن، اقتدا صحیح نیست.[۱]

۷ - اگر سبب وجوب نماز آیات تکرار شود، باید به تعداد همه آنها نماز آیات خوانده شود، مثلاً چندین بار زلزله شود.[۲]

نماز بر میت

پس از غسل و حنوط و کفن کردن میت، باید بر او نماز بخوانند و سپس او را دفن کنند.

کسی که بر میت نماز می‌خواند باید بعد از نیت و گفتن تکبیر اول بگوید: «اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلاَّ الله وَ اَنَّ مُحَمَّدا رَسُولُ الله ».

بعد از تکبیر دوم بگوید: «اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».

بعد از تکبیر سوم بگوید: «اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤمِنینَ وَالمُؤمِناتِ».

بعد از تکبیر چهارم اگر میت مرد است بگوید: «**اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِهٰذَا الْمَیتِ**» و اگر زن است بگوید: «**اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِهٰذِهِ الْمَیتِ**» و **بعد تکبیر پنجم** را بگوید.[۳]

بهتر است نماز میت را به تفصیلی که در رساله‌های توضیح‌المسائل آمده است بخوانند، اگرچه همین مقدار نیز کفایت می‌کند.

شرایط نماز میت

* قصد قربت و اخلاص.

* تعیین میت به طوری که ابهام برطرف شود؛ مثلاً نیت کند نماز می‌خوانم بر میت حاضر، قُربةً اِلی الله.

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في صلاة الآیات، ص ۱۹۵، م ۱۲.

۲ ـ العروة‌الوثقی، ج ۱، فصل في صلاة الآیات، ص ۷۳۱، م ۲۱.

۳ ـ توضیح‌المسائل، م ٦۰۸.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

* رو به قبله بودن نمازگزار.

* ایستاده خواندن، (نشسته صحیح نیست)، مگر کسی که بتواند ایستاده نماز بخواند، نباشد.

* میت را مقابل نمازگزار به پشت بخوابانند به‌طوری که سر او به طرف راست نمازگزار و پای او به طرف چپ باشد.

* بین میت و نمازگزار، پرده و دیوار یا چیزی مانند اینها فاصله نشود، ولی اگر میت در تابوت و مانند آن باشد اشکال ندارد.

* نمازگزار از میت دور نباشد. اگر نماز میت به جماعت خوانده می‌شود و صف‌ها متصل است، دور بودن مأموم اشکال ندارد.

□ * مکان نمازگزار از جای میت، بلندتر یا پایین‌تر نباشد؛ ولی پستی و بلندی مختصر اشکال ندارد.

* نماز پس از غسل و حنوط و کفن باشد، مگر نماز بر شهید معرکه که این امور (غسل، حنوط و کفن) نسبت به او ساقط است.[1]

احکام و آداب نماز میت

۱ ـ در نماز میت، باید تکبیرها و دعاها را طوری پشت سر هم بخوانند که نماز از صورت خود خارج نشود.[2]

۲ ـ نماز میت به جماعت نیز صحیح است؛ ولی امام و مأموم هر دو باید تکبیرها و دعاها را بخوانند.[3]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في شرایط صلاة المیت، ص ۸۳ ؛ توضیح المسائل، م ۵۹۷ تا ٦٠٤. در فتاوای برخی از فقها آمده است که علاوه بر این شرط، مکان نمازگزار نباید غصبی باشد.

۲ ـ توضیح‌المسائل، م ٦٠٩.

۳ ـ همان، م ٦١٠.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

۳ .کسی که نماز برمیت می‌خواند، لازم نیست با وضو یا غسل یا تیمّم باشد و بدن و لباسش پاک و مباح باشد، اگرچه احتیاط مستحب، رعایت تمام چیزهای واجب در نمازهای دیگر است.[۱]

□ ٤ .اگر میت وصیت کرده باشد که شخص معینی بر او نماز بخواند، احتیاط واجب است که آن شخص از ولیّ میت اجازه بگیرد و بنابر احتیاط واجب بر ولیّ هم واجب است که اجازه بدهد.[۲]

۵ .اگر بخواهند بر چند میت نماز بخوانند بهتر است که جدا جدا خوانده شود، هر چند خواندن یک نماز بر چند جنازه نیز مانعی ندارد.[۳]

مستحبات نماز میت

۱ .کسی که بر میت نماز می‌خواند با طهارت باشد.

۲ .اگر میت مرد است، امام جماعت یا کسی که فرادا بر او نماز می‌خواند، مقابل وسط قامت او بایستد و اگر میت زن است، مقابل سینه‌اش بایستد.

۳ .پابرهنه نماز بخواند.

٤ .برای هر تکبیر دست‌ها را بلند کند.

۵ .فاصله او با میت به قدری کم باشد که اگر باد لباسش را حرکت دهد به جنازه برسد.

٦ .نماز را به جماعت بخوانند.

۷ .امام جماعت، تکبیر و دعاها را بلند و مأمومین آهسته بخوانند.

۸ .مأموم پشت سر امام بایستد، نه در ردیف امام جماعت، هر چند مأموم یک نفر باشد.

---

۱ .توضیح المسائل، م ٥٩٦.

۲ .همان، م ٦۰۵. برخی از فقها، این احتیاط را واجب ندانسته‌اند.

۳ .تحریرالوسیله، ج ۱، القول في شرایط صلاة المیت، ص ۸٦، م ۹.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

٩ .نمازگزار برای میت و مؤمنان بسیار دعا کند.

١٠ .پیش از نماز سه مرتبه گفته شود: «الصلاة».

١١ .نماز را در جایی بخوانند که مردم برای نماز میت بیشتر به آنجا می‌روند.

١٢ .زن حائض اگر در نماز جماعت میت شرکت کرده، در صفی تنها بایستد.[١]

خواندن نماز میت در مساجد مکروه است، به جز مسجد الحرام.[٢]

پرسش

١ – آیا باران شدید و جاری شدن سیل موجب نماز آیات است یا نه؟

٢ – معمولاً بعد از یک زلزلهٔ شدید، پس لرزه هایی نیز رخ می‌دهد، آیا برای هر کدام آنها به طور جداگانه نماز آیات واجب است؟

٣ – برای کیفیت نماز آیات چهار نمونه دیگر بیان کنید.

٤ - نماز بر میت و دفن آن در مسجد چه حکمی دارد؟

٥ - اگر مأموم در نماز میت به تکبیر سوم امام جماعت برسد وظیفه‌اش چیست؟

---

١ .تحریرالوسیله، ج ١، القول في آداب الصلاة على الميّت، ص ٨٦ ؛ توضیح المسائل، م ٦١١.

٢ .همان، م ٦١٢.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۳۷

نمازهای مستحب

نمازهای مستحب[۱]

۱ ـ نماز مستحب را «نافِلَه» گویند.

۲ ـ نمازهای مستحب بسیار است و این نوشته گنجایش تمام آنها را ندارد، امّا برخی از آنها را که اهمیت بیشتری دارد می‌آوریم:[۲]

نام نماز	تعداد رکعات نافله	وقت نافله
نماز صبح	دو رکعت	قبل از نماز صبح و احتیاط آن است که قبل از فجر اوّل نخوانند.
نماز ظهر	چهار نماز دو رکعتی (۸ رکعت)	قبل از نماز ظهر، از ظهر تا وقتی که سایه پدید آمده شاخص به مقدار $\frac{۲}{۷}$ آن برسد.
نماز عصر	چهار نماز دو رکعتی (۸ رکعت)	پیش از نماز عصر، تا موقعی که سایه پدید آمده شاخص به مقدار $\frac{٤}{۷}$ آن برسد.
نماز مغرب	دو نماز دو رکعتی (٤ رکعت)	پس از نماز مغرب تا وقتی که سرخی طرف مغرب که پس از غروب آفتاب پدید می‌آید از بین برود.
نماز عشا	دو رکعت نشسته[۳]	پس از نماز عشا تا نصف شب.[۴]

---

۱ ـ برخی از مطالب نمازهای مستحب برای مطالعه است.

۲ ـ توضیح‌المسائل، م ٧٦٤.

۳ ـ به نافله نماز عشا، نماز وُتیره گفته می‌شود و بنا بر احتیاط واجب باید نشسته خوانده شود.

٤ ـ توضیح‌المسائل، م ٧٦٤ و ٧٦٨ تا ٧٧٢.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

نافله‌های نمازهای یومیه (درغیرسفروروزجمعه)، ۲۳ رکعت است که به علاوه ۱۱ رکعت نمازشب، جمعا ۳٤ رکعت می‌شود؛ یعنی دوبرابرتعداد رکعت‌های نمازواجب.

دو مسأله

۱ـ درروزجمعه برشانزده رکعت نافله ظهروعصر، چهاررکعت اضافه می‌شود.[۱]

۲ـ نافله ظهروعصررا درسفرنباید خواند ولی نافله عشا را به نیت این‌که شاید مطلوب باشد (به قصد رجاء) می‌توان خواند.[۲]

نمازشب

نمازشب ۱۱ رکعت است که بدین ترتیب خوانده می‌شود:

دورکعت ← به نیت نافله شب.

دورکعت ← به نیت نافله شب.

دورکعت ← به نیت نافله شب.

دورکعت ← به نیت نافله شب.

دورکعت ← به نیت نافله شَفع.

یک رکعت ← به نیت نافله وَتْر.[۳]

وقت نمازشب

□ ۱ـ وقت نمازشب ازنصف شب است تا اذان صبح وبهتراست نزدیک اذان صبح خوانده شود.[٤]

۱ـ توضیح المسائل، م ٧٦٤.

۲ـ همان، م ٧٦٧.

۳ـ همان، م ٧٦٥.

٤ـ همان، م ٧٧٣. به فتوای برخی از مراجع از اول شب است، ولی احتیاط مستحب است بعد از نصف شب بجا آورد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

۲ ـ مسافر و کسی که برای او سخت است نافله شب را بعد از نصف شب بخواند، می‌تواند در اوّل شب بجا آورد.[۱]

نماز غُفیلَه

یکی از نمازهای مستحب، نماز «غُفیلَه» است که پس از نماز مغرب خوانده می‌شود.

کیفیت نماز غفیله

نماز غفیله دو رکعت است، در رکعت اوّل، پس از حمد، به جای سوره، این آیه خوانده می‌شود:[۲]

«وَ ذَاالنُّونِ اِذْ ذَهَبَ مُغاضِبا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيهِ فَنَادىَ فِى الظُّلُماتِ أَنْ لا إِلهَ اِلاَّ أَنْتَ سُبْحَانَک اِنِّى كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاستَجَبْنا لَهُ وَ نَجَّيناهُ مِنَ الْغَمِّ وَ كَذلِک نُنْجِى الْمُؤْمِنينَ »[۳]

و در رکعت دوّم، پس از حمد، به جای سوره، این آیه خوانده می‌شود:

« وَ عِنْدَهُ مفاتِحُ الْغَيبِ لا يعْلَمُها اِلاّ هُوَ و يعْلَمُ مَا فِى الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ و مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ اِلاّ يعْلَمُهَا وَ لا حَبَّةٍ فى ظُلُماتِ الاَرْضِ وَ لا رَطْبٍ وَ لا يابِسٍ اِلاَّ فِى كِتابٍ مُبينٍ»[۴]

در قنوت آن این دعا خوانده می‌شود:

«اَللّهُمَّ اِنّى اَسأَلُک بِمَفاتِحِ الْغَيبِ اَلّتِى لا يعْلَمُهَا إلاّ أَنْتَ أَنْ تُصَلِّىَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَغْفِرَلى ذُنُوبى[۵] اَللّهُمَّ اَنْتَ وَلِىُّ نِعْمَتِى وَ الْقادِرُ عَلَى طَلِبَتِى تَعْلَمُ حاجَتِى فَأَسْأَلُک بِحَقِّ مُحَمّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيهِ و عَلَيهِمُ السَّلامُ لَمّا قَضَيتَهَا لِى.»[۶]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۷۷٤.
۲ ـ همان، م ۷۷۵.
۳ ـ انبیا: ۸۷.
٤ ـ انعام: ۵۹.
۵ ـ به جای جمله «أن تَغْفِرَلی ذُنُوبِی» می‌تواند حاجت دیگری از خدا بخواهد.
٦ ـ توضیح المسائل، م ۷۷۵.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

نمازعید

دردوعید فطروقربان خواندن نمازمخصوص عید مستحب است.[۱]

وقت نمازعید

۱ـ وقت نمازعید ازطلوع آفتاب تا ظهراست.[۲]

۲ـ مستحب است نمازعید قربان را اوّل روزپس ازبالاآمدن خورشید بخوانند.[۳]

چگونگی نمازعید

□۱ـ نمازعید فطروقربان دورکعت است با نُه قنوت واین گونه خوانده می‌شود:

* دررکعت اوّل پس ازحمد وسوره باید پنج تکبیرگفته شود وبعد ازهرتکبیریک قنوت وبعد ازقنوت پنجم تکبیردیگری وسپس رکوع ودوسجده.

* دررکعت دوّم پس ازحمد وسوره چهارتکبیرگفته می‌شود وبعد ازهرتکبیریک قنوت وبعد ازقنوت چهارم تکبیردیگروسپس رکوع ودوسجده وتشهد وسلام.[۴]

* درقنوت‌های نمازعید هردعا وذکری بخوانند کافی است، ولی بهتراست به امید ثواب این دعا را بخوانند:

اَللّهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِياءِ وَالْعَظَمَةِ وَ أَهْلَ الْجُودِ وَ الْجَبَروتِ و أَهْلَ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ وَ أَهْلَ التَّقوى وَ الْمَغْفِرَةِ أَسْأَلُک بِحَقِّ هذَا الْيومِ الَّذِی جَعَلْتَهُ لِلْمُسلِمينَ عيدا و لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَ آلِهِ ذُخْرا وَ شَرَفا وَ كَرامَةً وَ مَزيدا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُدخِلَنِي فی كُلِّ خَيرٍ اَدْخَلْتَ فيهِ مُحَمَّدا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ، صَلَواتُک عَلَيهِ وَ

۱ـ توضیح‌المسائل، م ۱۵۱۶.

۲ـ همان، م ۱۵۱۷.

۳ـ همان، م ۱۵۱۸.

٤ـ همان، م ۱۵۱۹. به فتوای برخی ازفقها درنمازعید درهررکعت سه تکبیرکافی است ولی احتیاط مستحب است دررکعت اول پنج تکبیروپنج قنوت ودررکعت دوم چهارتکبیروچهارقنوت بجا آورد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

عَلَیهِمْ أَللّهُمَّ اِنّی أَسْأَلُک خَیرَما سَأَلَک بِهِ عِبادُک الصَّالِحُونَ وَ اَعُوذُ بِک مِمَّا اسْتَعاذَ مِنْهُ عِبادُک الْمُخْلَصُونَ.[1]

نماز جعفر طیار

از جمله نمازهای مستحب که ثواب بسیاری دارد و شیعه و سنّی استحباب آن را قبول دارند، نمازی است که پیامبر اکرم ﷺ پس از بازگشت از حبشه به پسرعموی خود، جعفر بن ابی طالب، تعلیم فرمودند.

۲. این نماز چهار رکعت است که به صورت دو نماز دو رکعتی خوانده می‌شود و در هر رکعت ۷۵ بار تسبیحات اربعه «سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر» به ترتیب زیر خوانده می‌شود:

- پس از حمد و سوره: ۱۵ مرتبه.
- در رکوع: ۱۰ مرتبه.
- پس از رکوع در حال ایستاده: ۱۰ مرتبه.
- در سجده اول: ۱۰ مرتبه.
- بین دو سجده: ۱۰ مرتبه.
- در سجده دوم: ۱۰ مرتبه.
- پس از سجده دوم در حالت نشسته: ۱۰ مرتبه.

خواندن ذکر دیگر بجز تسبیحات اربعه در رکوع و سجده لازم نیست؛ ولی احتیاط مستحب است به تسبیحات اکتفا نکند و ذکر رکوع و سجده را نیز بگوید.

در نماز حضرت جعفر، خواندن سوره خاصی لازم نیست؛ ولی بهتر آن است که در رکعت اول، سوره «زلزال» و در رکعت دوم، سوره «عادیات» و در رکعت سوم، سوره «فتح» و در رکعت چهارم، سوره «توحید» بخواند.

---

۱. همان، م ۱۵۲۰.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

کسی که فرصت خواندن نماز حضرت جعفر همراه با مستحبات را ندارد، می‌تواند اصل نماز را بخواند و مستحبات را پس از آن بخواند و همچنین می‌تواند دو رکعت آن را بخواند و کار خود را انجام دهد و سپس دو رکعت دیگر را به جا آورد.

بهترین وقت نماز حضرت جعفر علیه‌السلام، روز جمعه، هنگام بالا آمدن خورشید است.

نماز طلب باران

مطابق آنچه در سخنان معصومین علیهم‌السلام آمده است، هنگام گسترش گناهان و کفران نعمت‌ها و نپرداختن زکات و حقوق دیگران و کم‌فروشی و مکر و حیله و ستم و ترک امر به معروف و نهی از منکر و حکم کردن به غیر دستور خداوند و هر کار دیگری که موجب غضب الهی شود از بارش باران و برف کاسته می‌شود که در این حال خواندن نماز طلب باران مستحب است.[۱]

چگونگی نماز باران

نماز باران مانند نماز عید است؛ در رکعت اول پس از حمد پنج تکبیر گفته می‌شود و پس از هر تکبیر یک قنوت و در رکعت دوم، چهار تکبیر و چهار قنوت و در هر قنوت آن هر دعایی می‌توان خواند و بهتر است در دعای قنوت، درخواست باران و نعمت و نزول رحمت باشد و پیش از دعا نیز صلوات بر محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله و آل او فرستاده شود.[۲]

مستحبّات نماز باران

پیش از خواندن نماز باران موارد زیر مستحب است:

۱ . سه روز مردم روزه بگیرند و روز سوم برای نماز بیرون روند.

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۳۰.
۲. همان، ص ۲۳۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۲ . روزهای شنبه، یکشنبه و دوشنبه روزه بگیرند و روز دوشنبه برای نماز بیرون بروند و اگر این روزها ممکن نبود، روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه بگیرند و همان روز جمعه هم برای نماز بیرون بروند.

۳ . امام جماعت و مردم با آرامش و وقار و خشوع برای خواندن نماز به صحرا بروند و بهتر است با حالتی که جلب رحمت خداوند را می‌کند، مثلاً پا برهنه بیرون روند.

٤ . در صحرا، جای تمیزی را برای نماز انتخاب کنند.

٥ . منبر را برای خواندن خطبه نماز با خود به صحرا ببرند.

٦ . مؤذن‌ها نیز پیشاپیش امام حرکت کنند.

۷ . پیران و کودکان و افراد ناتوان و حتی حیوان‌ها را با خود به صحرا ببرند و کودکان را از مادرانشان جدا کنند تا با گریه آنان، خداوند بر مردم ترحّم کند.

۸ . از آمدن غیر مسلمان به صحرا، جلوگیری کنند.[۱]

در نماز نیز مستحب است، امام جماعت قرائت را بلند بخواند و سوره‌هایی که در نماز عید مستحب است بخواند.

پس از نماز موارد زیر مستحب است:

۱ . امام جماعت ردای خود را برگرداند و بالای منبر رفته رو به قبله بایستد و با صدای بلند صد مرتبه تکبیر بگوید.

۲ . سپس رو به مردمی که سمت راست او هستند برگردد و صد مرتبه «سبحان الله» بگوید.

۳ . بعد رو به مردمی که سمت چپ او هستند، برگردد و صد مرتبه «لا اله الا الله» بگوید.

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۳۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

٤ . در پایان رو به روی مردم (پشت به قبله) صد مرتبه «الحمد لله» بگوید و مانعی ندارد که اینها را نیز بلند بگوید و مردم نیز به دنبال او همین ذکرها را بگویند.

٥ . پس از این اذکار، امام جماعت دست‌ها را بالا ببرد و دعا کند و مردم نیز دعا کنند و مانع ندارد که امام، دعا کند و مردم آمین بگویند و بهتر است که دعاهای وارده از معصومین علیهم‌السلام را بخوانند، مانند دعایی که از امیرمؤمنان علی علیه‌السلام وارد شده و اوّل آن این است «الحمد لله سابغ النعم...».[1]

٦ . بهتر است که امام جماعت دو خطبه بخواند.

٧ . نماز باران وقت معینی ندارد؛ ولی بهتر است هنگام بالا آمدن آفتاب بخوانند.[2]

نماز حاجت

در وقت سختی و مشکلات، برای برآمدن حاجت، خواندن دو رکعت نماز، مستحب است.

پس از خواندن دو رکعت نماز، حمد و ثنای الهی را به جای آورده و بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، صلوات می‌فرستد و پس از آن، آیه آخر سوره «حشر» و شش آیه اوّل سوره «حدید» و دو آیه ۲۵ و ۲٦ از سوره «آل عمران»، یعنی از ﴿قل اللهم مالک الملک...تا بغیر حساب﴾ را می‌خواند و سپس حاجت خود را از خداوند می‌خواهد.

---

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، صلاة الاستسقاء، ص ۵۲۷.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۳۱، م ۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

احکام کلّی

۱ .تمام نمازهای مستحب، دو رکعت است، مگر نماز وتر.

۲ .هیچ کدام از نمازهای مستحب اذان و اقامه ندارد.

۳ .در هیچ کدام از نمازهای مستحب خواندن سوره پس از حمد لازم نیست، مگر آنکه خواندن سوره یا آیه معینی در آن شرط شده باشد.

پرسش

۱ .نوافل نماز عصر و عشا چند رکعت است و چه وقت خوانده می‌شود؟

۲ .نماز عید چند قنوت و چند رکوع دارد؟

۳ - نسبت نمازهای مستحب شبانه روزی به نمازهای واجب شبانه روزی چیست؟

٤ - بهترین اوقات برای خواندن نماز حضرت جعفر طیار علیه‌السلام چه زمانی است؟

٥ - دو نمونه از نمازهای مستحب که حتماً باید پس از حمد، سوره یا آیه مخصوصی خوانده شود نام ببرید.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

فصل سوم:

روزه و اعتکاف

- تعریف و اقسام روزه
- نیت و مبطلات روزه
- قضا و کفاره و روزه مسافر
- اعتکاف

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۳۸

روزه

﴿یا أیهَا الَّذینَ ءَامَنُواکُتِبَ عَلَیکُمُ الصِّیامُ کَمَا کُتِبَ عَلَی الَّذِینَ مِنْ قَبْلِکُم لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ﴾[1]

«ای مؤمنان، روزه بر شما واجب شده، چنانچه بر پیشینیان شما نیز واجب بود، تا پرهیزکار (باتقوا) شوید.»

تعریف روزه

روزه آن است که انسان، از هنگام اذان صبح تا اذان مغرب برای اطاعت دستور خداوند از برخی کارها که شرح آن خواهد آمد پرهیز کند. هرچند با ترک آن کارها تکلیف روزه‌داری از عهده انسان برداشته می‌شود، اما روزه کامل و حقیقی، تنها نخوردن و نیاشامیدن و انجام ندادن برخی کارهای دیگر نیست، بلکه حقیقت روزه پرهیز از گناه و هرکاری است که نفس انسان به آن علاقه دارد و او را از خدا دور می‌کند. و این روزه معمول، راهی است برای رسیدن به آن مقام محمود.

اقسام روزه:
۱- واجب؛
۲- حرام
۳- مستحب؛
٤- مکروه[2]

۱. بقره: ۱۸۳.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

روزه‌های واجب

* روزه ماه مبارک رمضان؛
* روزه قضا؛
* روزه کفّاره؛
* روزه استیجاری؛[۱]
* روزه روز سوّم ایام اعتکاف؛[۲]
* روزه بدل قربانی حج؛[۳]
* روزه‌ای که به سبب نذر و عهد و قسم واجب شود؛
□ * روزه قضای پدر که بر پسر بزرگ‌تر واجب است.[۴]

روزه‌های حرام[۵]

* روزه عید فطر (روز اوّل شوال)؛
* روزه عید قربان (روز دهم ماه ذی‌حجه)؛
* روزه نذر معصیت؛
* روزه ایام تشریق (۱۱، ۱۲ و ۱۳ ذی الحجه) برای کسی که در منا است؛
* روزه سکوت؛[۶]

---

۱ .روزه استیجاری: روزه‌ای است که شخص مزد می‌گیرد و به نیابت از میّت انجام می‌دهد.
۲ .بحث اعتکاف در درس ٤۲ خواهد آمد.
۳ .اگر حج‌گزار نتواند قربانی کند، باید به جای آن، سه روز در حج و هفت روز پس از مراجعت از حج روزه بگیرد.
٤ .العروة‌الوثقی، ج ۲، فصل في اقسام الصوم، صص ۲٤۰ و ۲٤۱؛ توضیح‌المسائل، م ۱۳۹۰. به فتوای برخی از فقها، اگر پدر از روی نافرمانی روزه را ترک کرده قضای آن بر پسر بزرگ وی واجب نیست.
۵ .العروة‌الوثقی، ج ۲، کتاب الصوم، فصل ۱۵، صص ۲٤۳ و ۲٤٤.
٦ .روزه سکوت، روزه گرفتن با این نیّت که با کسی سخن نگوید.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

* روزه وصال؛[۱]
* روزه آخر شعبان به نیت اوّل ماه رمضان؛
* روزه مستحب فرزند که سبب اذیت و آزار پدر یا مادر یا پدربزرگ شود؛
* روزه مستحب فرزند که پدر یا مادر یا پدر بزرگ او را از آن نهی کرده باشند (به احتیاط واجب)؛
* روزه مستحب زن که شوهرش او را از آن نهی کرده باشد (به احتیاط واجب).
* روزه مستحب زن که سبب از بین رفتن حق شوهرش شود (به احتیاط واجب).[۲]

روزه‌های مستحب

روزه گرفتن در تمام ایام سال ـ به جز روزه‌های حرام و مکروه ـ مستحب است، ولی نسبت به بعضی از روزه‌ها تأکید و سفارش بیشتری شده است، که برخی از آنها بدین شرح است:

***هرهفته**
۱- پنج شنبه
۲- جمعه

***در هر ماه قمری**
۱ ـ اولین چهارشنبه بعد از دهه اول؛
۲ ـ سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم؛
۳ ـ پنجشنبه اول و پنجشنبه آخر ماه.

۱ ـ روزه وصال، روزه گرفتن دو روز پی‌درپی بدون آنکه در بین آنها مبطلی انجام دهد، البته با قصد وصال نه به طور اتفاقی.
۲ ـ تحریر الوسیلة، ج ۱، القول في اقسام الصوم، ص ۳۰۳؛ توضیح المسائل، م ۱۷۳۹ تا ۱۷۴۲.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

*درسال
۱ .اول وسوم ماه محرم؛
۲ .روزمیلاد پیامبرﷺ(۱۷ ربیع الاول)؛
۳ .تمام ماه رجب وشعبان؛
٤ .روزمبعث پیامبرﷺ (۲۷ رجب)؛
٥ .روزدحوالارض (۲۵ ذی قعده)؛
٦ .اول تا نهم ذی حجه؛
۷ . روزعرفه بشرط آنکه‌روزه گرفتن سبب بازماندن از دعای آن‌روزنشود.

*** روز اوّل فروردین.**[۱]

استفتاء

س .کسی که نماز مغربش را بخواند و نماز عشا را فراموش کند، فردای آن شب [در غیر ماه رمضان]، روزه بر او واجب است یا نه؟

ج .واجب نیست، اگرچه موافق احتیاط است.[۲]

روزه‌های مکروه

* روزه مستحب میهمان بدون اجازه میزبان؛
* روزه مستحب میهمان با نهی میزبان؛
* روزه مستحب فرزند بدون اجازه پدریا مادر؛
* روزه عاشورا؛
* روزه عرفه اگرسبب بازماندن ازدعاهای آن روزبشود؛
* روزه روزی که نمی‌داند عرفه است یا عید قربان.[۳]

---

۱ .توضیح‌المسائل، م ۱۷٤۸؛ تحریر الوسیله، ج ۱، القول في اقسام الصوم، ص ۳۰۲؛ العروةالوثقی، ج ۲، کتاب الصوم، فصل في اقسام الصوم، ص ۲٤۰.

۲ .استفتاآت، ج ۱، ص ۳۲۷، س ۷۰. به فتوای برخی ازفقها، روزه گرفتن فردای آن شب بنا براحتیاط لازم است.

۳ .تحریرالوسیله، ج ۱، القول في اقسام الصوم، ص ۳۰۳؛ توضیح‌المسائل، م ۱۷٤۷.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

نیت روزه

۱ ـ روزه باید با قصد قربت و اطاعت دستور الهی و نیت خالص و به دور از هرگونه ریا و خودنمایی بجا آورده شود.[۱]

۲ ـ انسان می‌تواند در هر شب ماه رمضان برای روزه فردای آن، نیت کند. و بهتر است که شب اوّل ماه هم روزه همه ماه را نیت کند.[۲]

۳ ـ در روزه واجب، نیت روزه نباید بدون عذر از اذان صبح تأخیر بیفتد.[۳]

٤ ـ در روزه واجب، اگر به سبب عذری، مانند فراموشی یا سفر، نیت روزه نکرده، اگر کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، تا ظهر می‌تواند نیت روزه کند و پس از آن صحیح نیست.[۴]

۵ ـ لازم نیست نیت روزه را به زبان بگوید بلکه همین قدر که برای انجام دستور خداوند، از اذان صبح تا اذان مغرب، کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام ندهد کافی است.[۵]

٦ ـ وقت نیت روزه مستحب، از اوّل شب است تا موقعی که به اندازه نیت کردن به مغرب مانده باشد، که اگر تا این وقت، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد و نیت روزه مستحب کند، صحیح است.[۶]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱۵۵۰.
۲ ـ همان، م ۱۵۵۱.
۳ ـ همان، م ۱۵۵٤ و ۱۵٦۱.
٤ ـ همان، م ۱۵۵٤ و ۱۵٦۱.
۵ ـ همان، م ۱۵۵۰.
٦ ـ همان، م ۱۵۵۳.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۷ .کسی که روزه قضا یا روزه واجب دیگری دارد، نمی‌تواند روزه مستحب بگیرد و چنانچه فراموش کرده باشد و قبل از ظهر یادش بیاید، می‌تواند نیت خود را به روزه واجب برگرداند و اگر بعدازظهر یادش بیاید، روزه‌اش باطل است.[۱]

۸ .کسی که برای بجا آوردن روزه میت اجیر شده، اگر روزه مستحب بگیرد اشکال ندارد.[۲]

۹ .اگر روزی را که شک دارد آخر شعبان است یا اوّل ماه رمضان، به نیت روزه قضا و مانند آن روزه بگیرد و در بین روز بفهمد که ماه رمضان است باید نیت روزه رمضان کند و اگر بعد معلوم شود رمضان بوده، از ماه رمضان حساب می‌شود.[۳]

پرسش

۱ .در این ایام، روزه گرفتن چه حکمی دارد؟

۱۲ فروردین، دوازدهم ذی‌حجه، دهم محرم، نهم ذی‌حجه، اوّل فروردین و اوّل شوال

۲ - در چه صورتی فرزند نمی‌تواند روزه مستحب بجا آورد؟

۳ - در روز عرفه روزه داری افضل است یا خواندن دعاهای آن روز؟

٤ - در چه صورتی روزه مستحب زن تبدیل به روزه حرام می‌شود؟

---

۱ .توضیح المسائل، م ۱۵٦۳.

۲ .همان، م ۱۵٦۳.

۳ .همان، م ۱۵٦۸ و ۱۵٦۹.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۳۹

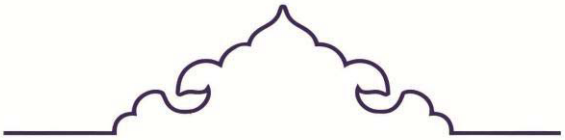

مبطلات روزه

مبطلات روزه

روزه‌دار باید از اذان صبح تا مغرب از برخی کارها بپرهیزد و اگر پرهیز نکند، روزه‌اش باطل می‌شود، به این کارها «مُبطلاتِ روزه» گفته می‌شود، که عبارت‌اند از:

* خوردن و آشامیدن؛
* دروغ بستن به خدا و پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و جانشینان آن حضرت علیهم‌السلام؛
* رساندن غبار غلیظ به حلق؛
* فروبردن تمام سر در آب؛
* قی کردن؛
* آمیزش؛
* استمناء؛
* باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح؛
* اماله[1] کردن با چیزهای روان.[2]

---

۱ .اماله = وارد کردن داروی مایع از طریق مخرج غائط به داخل بدن.

۲ .توضیح‌المسائل، م ۱۵۷۲.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

• خوردن و آشامیدن

۱ ـ اگر روزه‌دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش باطل می‌شود هرچند خوردن و آشامیدن آن معمول نباشد؛ مانند خاک و نفت.[۱]

۲ ـ اگر کسی عمداً چیزی را که لای دندانش مانده است فرو ببرد، روزه‌اش باطل می‌شود.[۲]

۳ ـ فرو بردن آب دهان، روزه را باطل نمی‌کند، هر چند زیاد باشد.[۳]

٤ ـ اگر روزه‌دار به سبب فراموشی (نمی‌داند روزه است) چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش باطل نمی‌شود.[٤]

۵ ـ انسان نمی‌تواند به خاطر ضعف، روزه را بخورد ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولاً نمی‌توان آن را تحمل کرد، خوردن روزه اشکال ندارد.[۵]

٦ ـ فرو بردن اخلاط سر و سینه، تا به فضای دهان نرسیده روزه را باطل نمی‌کند، ولی اگر داخل فضای دهان شود، بنا بر احتیاط واجب آن را فرو نبرد.[٦]

تزریق آمپول

□ آمپول اگر به جای غذا نباشد تزریق آن، روزه را باطل نمی‌کند، هر چند عضو را بی‌حس کند ولی احتیاط واجب آن است که روزه‌دار از آمپولی که به جای غذا به کار می‌رود پرهیز کند.[۷]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱۵۷۳.

۲ ـ همان، م ۱۵۷۷.

۳ ـ همان، م ۱۵۷۹.

٤ ـ همان، م ۱۵۷۵.

۵ ـ همان، م ۱۵۸۳.

٦ ـ همان، م ۱۵۸۰.

۷ ـ همان، م ۱۵۷٦. به فتوای برخی از فقها، آمپول‌هایی که در رگ تزریق می‌شود و انواع سرم‌ها نیز روزه را باطل می‌کند و به فتوای برخی دیگر تزریق آمپول روزه را باطل نمی‌کند.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

• رساندن غبار غلیظ به حلق

۱ ـ اگر روزه‌دار غبار غلیظی به حلق برساند، روزه‌اش باطل می‌شود؛ چه غبار خوراکی‌ها باشد مانند آرد، یا غیر خوراکی مانند خاك.

۲ ـ در این موارد، روزه باطل نمی‌شود:

□ * غبار غلیظ نباشد؛

* به حلق نرسد. (فقط به داخل دهان برسد)؛

* بی‌اختیار به حلق برسد و بیرون آوردن آن ممکن نباشد؛

* نمی‌داند روزه است؛

* شک کند غبار غلیظ به حلق رسیده است یا نه.[۱]

استعمال دخانیات

بنابر احتیاط واجب روزه دار نباید دود سیگار و قلیان و مانند اینها را به حلق برساند.[۲]

• دروغ بستن به خدا و پیغمبر

۱ ـ در تمام موارد زیر، دروغ بستن از روی عمد، به خدا، پیغمب صلی‌الله‌علیه‌وآله یا امام علیه‌السلام روزه را باطل می‌کند. و بنابر احتیاط واجب دروغ بستن به حضرت زهرا علیهاالسلام و سایر پیامبران علیهم‌السلام همین حکم را دارد:

ـ باگفتار باشد یا نوشتار یا اشاره یا انجام کاری که از آن، نسبت دروغ فهمیده شود؛

ـ به صراحت باشد یا کنایه؛

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الصوم، القول فیما یجب الامساک عنه، صص ۲۸۵ و ۲۸۶، الثامن؛ توضیح المسائل، م ۱۶۰۳ تا ۱۶۰۷. به فتوای برخی از فقها، غبار غیرغلیظ هم اگر به حلق برسد روزه را باطل می‌کند و به فتوای برخی دیگر هرگاه در حلق تبدیل به گل شود و فرو رود روزه باطل می‌شود و در غیر این صورت روزه باطل نیست.

۲ ـ توضیح المسائل، م ۱۶۰۵.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

.دروغ را خودش ساخته باشد یا دیگری؛

.اِخبار باشد یا پاسخ به سؤال دیگری؛[۱]

۲ .بازگویی دروغی که دیگری ساخته یا گفته، بر وجه نقل قول یا حکایت اشکال ندارد؛[۲] مثلاً در حالی که روزه است بگوید: یزید گفت:

لَعِبَتْ هاشمُ بالمُلک فلا خبرٌ جاء و لا وحیٌ نَزَل[۳]

• فرو بردن تمام سر در آب

□ ۱ .اگر روزه‌دار عمداً تمام سر را در آب مطلق فرو برد، روزه‌اش باطل می‌شود.

۲ .در این موارد روزه باطل نیست:

* سهوا سر را زیر آب ببرد.

* قسمتی از سر را زیر آب ببرد.

* نصف سر را یکبار و نصف دیگر را بار دیگر در آب فرو برد.

* بی‌اختیار در آب بیفتد.

* شخصِ دیگری به زور سر او را در آب فرو برد.

* شک کند تمام سر زیر آب رفته است یا نه.[۴]

---

۱ .توضیح المسائل، م ۱۶۰۵.

۲ .تحریرالوسیله، ج ۱، القول فیما یجب الامساک منه، صص ۲۸۴ و ۲۸۵؛ توضیح‌المسائل، م ۱۵۹۶ تا ۱۶۰۲.

۳ .یعنی؛ هاشمیان با حکومت بازی کردند، نه خبری از آسمان غیب آمده و نه وحی نازل شده است. اصل شعر از «ابن زبعری» است، ولی یزید بن معاویه پس از شهادت امام حسین علیه‌السلام هنگامی که عترت او را به اسارت به شام آورده بودند با غرور و سر مستی آن را خواند. (فرهنگ عاشورا، ص ۴۲۱) به نقل از حیات الامام الحسین علیه‌السلام، ج ۲، ص ۱۸۷، ج ۳، ص ۳۷۷.

۴ .توضیح‌المسائل، م ۱۶۱۰ .۱۶۱۳ .۱۶۱۴ .۱۶۱۵؛ العروة‌الوثقی، القول فیما یجب الامساک منه، ج ۲، ص ۱۸۷، م ۳۶. به فتوای برخی از فقها، فرو بردن سر در آب روزه را باطل نمی‌کند ولی مکروه است.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۳ - اگر در حال روزه ماه رمضان برای غسل سر را در آب فرو برد، غسل و روزه او باطل است، مگر آنکه زیر آب توبه کند و در حال خارج شدن از آب نیت غسل کند که در این صورت، غسل او صحیح و روزه باطل است.[۱]

● قی کردن

۱. هرگاه روزه‌دار عمداً قی کند، هر چند به سبب بیماری باشد، روزه‌اش باطل می‌شود.[۲]

۲. اگر روزه‌دار بی‌اختیار یا سهوا قی کند، روزه‌اش باطل نمی‌شود.[۳]

● اِستِمنا

۱. اگر روزه‌دار استمنا کند؛ یعنی با خود کاری کند که مَنی از او بیرون آید، روزه‌اش باطل می‌شود.[۴]

۲. اگر بی‌اختیار مَنی از او بیرون آید؛ مثلاً در خواب جنب شود، روزه‌اش باطل نمی‌شود.[۵]

● باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح

اگر شخص جنب، تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه او تیمّم است، تیمّم نکند، در برخی موارد روزه‌اش باطل می‌شود؛ برخی از مسائل آن چنین است:

۱. اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه‌اش تیمّم است، تیمّم نکند:

* در روزه ماه رمضان
* در قضای آن

روزه‌اش باطل است.

* در بقیه روزه‌ها ← **روزه‌اش صحیح است.**[۶]

---

۱. توضیح المسائل، م ۱۶۱۷.
۲. همان، م ۱۶۴۶.
۳. همان، م ۱۶۴۶.
۴. همان، م ۱۵۸۸.
۵. همان، م ۱۵۸۹.
۶. همان، م ۱۶۱۹ تا ۱۶۳۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

□ ۲ ـ اگر جنب در روزه ماه رمضان غسل یا تیمّم را فراموش کند و پس از یک یا چند روز یادش بیاید، باید آن روزه‌ها را قضا کند.[۱]

۳ ـ اگر روزه‌دار، در خواب جنب شود، واجب نیست فوراً غسل کند و روزه‌اش صحیح است.[۲]

٤ ـ اگر شخص جنب در شب ماه رمضان می‌داند قبل از اذان صبح، برای غسل بیدار نمی‌شود، نباید بخوابد و اگر بخوابد و بیدار نشود، روزه‌اش باطل است.[۳]

● باقی ماندن بر حیض و نفاس

۱ ـ اگر در ماه رمضان زن قبل از اذان صبح از خون پاک شود و عمداً تا اذان غسل نکند، یا اگر وظیفه‌اش تیمّم است تیمّم نکند، روزه‌اش باطل است.[۴]

□ ۲ ـ اگر مستحاضه غسل‌های خود را به تفصیلی که در احکام استحاضه گفته شده بجا آورد روزه‌اش صحیح است.[۵]

● اماله کردن

۱ ـ اماله کردن با چیز روان اگر چه از روی ناچاری و برای معالجه بیماری باشد روزه را باطل می‌کند.[۶]

۲ ـ استعمال شیاف‌های مُسکّن و درمانی روزه را باطل نمی‌کند.[۷]

---

۱ ـ توضیح المسائل م ۱٦۲۲. به فتوای برخی از فقها، اگر در بین ماه رمضان متوجه شود باید قضای آن روزه‌ها را بجا آورد و اگر پس از ماه رمضان یادش بیاید قضا واجب نیست.

۲ ـ همان، م ۱٦۳۲.

۳ ـ همان، م ۱٦۲۵.

٤ ـ همان، م ۱٦۳۷.

۵ ـ همان، م ۱٦۲۵. به فتوای برخی از فقها، چنانچه غسل‌ها را بجا نیاورد نیز روزه‌اش صحیح است.

٦ ـ همان، م ۱٦٤۵.

۷ ـ همان.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

برخی از مکروهات روزه

۱ .انجام دادن هرکاری که سبب ضعف شود؛ مانند خون دادن.

۲ .بوییدن گیاهان معطّر (عطرزدن مکروه نیست).

۳ .خیس کردن لباسی که برتن دارد.

٤ .مسواک کردن با چوب تر.

٥ .کشیدن دندان و هرکاری که به سبب آن از دهان خون بیاید.[1]

پرسش

۱ - در چه صورتی خوردن و آشامیدن مبطل روزه نیست؟

۲ .مسواک کردن در حال روزه چه حکمی دارد؟

۳ .اگر با لباس غواصی .محفظه‌ای که به سر نچسبد .زیر آب برود، روزه باطل می‌شود یا نه؟

٤ .آیا نقل مطالب غیر واقع، روزه را باطل می‌کند؟

٥ .شنا کردن در حال روزه چه حکمی دارد؟

٦ .اگر شخص روزه‌دار غسل ارتماسی بجا آورد غسلش باطل است یا روزه، یا هردو؟

۷ .شخصی پس از چند سال متوجه می‌شود که غسلش باطل بوده روزه‌هایش چه حکمی دارد؟

---

۱ .همان، م ۱٦٥۷.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۴۰

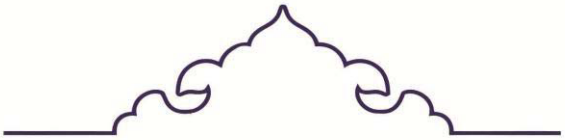

قضا و کفاره روزه

﴿...فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَ مَنْ كانَ مَريضاً أَوْ عَلى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُريدُ اللهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لا يُريدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾[1]

پس هر کس از شما این ماه را درک کند باید آن را روزه بدارد، و کسی که بیمار یا در سفر است، تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد]. خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد.

روزه قضا

اگر کسی روزه را در وقت آن نگیرد، باید روز دیگری، به جای آن روزه بگیرد، پس روزه‌ای که بعد از وقت آن، بجا آورده می‌شود، «روزه قضا» نام دارد.

کفاره روزه

۱ ـ اگر عمداً روزه ماه رمضان را نگیرد، یا عمداً آن را باطل کند، قضا و کفاره واجب می‌شود.[2]

---

۱. بقره: ۱۸۵.

۲ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۶۵۸ و ۱۷۱۰.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

٢ ـ کفّاره، همان جریمه‌ای است که برای باطل کردن روزه معین شده است و عبارت است از:

* آزاد کردن یک بَرده؛

* دو ماه روزه گرفتن که سی و یک روز آن باید پی در پی باشد؛

* طعام دادن به شصت فقیر به مقداری که یک وعده غذا بخورند و سیر شوند، یا دادن یک مُدّ طعام به هریک از آنها.[١]

٣ ـ کسی که کفّاره بر او واجب شود، باید یکی از این سه را انجام دهد و چون امروزه، برده به معنای فقهیِ آن یافت نمی‌شود، مورد دوّم یا سوّم را انجام می‌دهد. اگر هیچ یک از اینها برایش مقدور نیست، هر مقدار که می‌تواند باید به فقیر طعام بدهد و اگر اصلاً نتواند طعام بدهد، باید استغفار کند.[٢]

٤ ـ کسی که می‌خواهد دو ماه کفاره روزه ماه رمضان را بگیرد، باید ابتدا سی و یک روز آن را پی در پی بگیرد و اگر بقیه آن پی در پی نباشد اشکال ندارد.[٣]

□ **در این موارد بجا آوردن قضای روزه واجب است ولی کفّاره ندارد:**

١ ـ روزه‌دار عمداً قی کند.

٢ ـ در ماه رمضان غسل جنابت را فراموش کند و با حال جنابت، یک یا چند روز روزه بگیرد.

٣ ـ در ماه رمضان، بدون این‌که تحقیق کند صبح شده یا نه؟ کاری کند که روزه را باطل می‌کند؛ مثلاً آب بخورد و بعدا معلوم شود صبح بوده است.

---

١ ـ توضیح المسائل، م ١٦٦٠.

٢ ـ همان.

٣ ـ همان، م ١٦٦١.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

٤ .کسی بگوید: صبح نشده و روزه‌دار با اعتماد به گفته او، کاری کند که روزه را باط می‌کند، و بعدا معلوم شود صبح بوده است.[۱]

٥ .روزه‌هایی که به سبب سفر، باطل شده است.[۲]

٦ .روزه‌های ایام حیض و نفاس بانوان.[۳]

۷ .بر اثر ندانستن مسأله، مبطلی انجام داده ولی نمی‌توانسته مسأله را یاد بگیرد، یا اصلاً متوجه نبوده.[۴]

۸ .به سبب بیماری روزه نگیرد و بیماریش پس از ماه رمضان برطرف شود.[۵]

مواردی که فقط باید برای هر یک روز، یک مد طعام به فقیر داده شود

۱ .به سبب بیماری نتواند روزه بگیرد و تا سال بعد طول بکشد و چنانچه بیماری او تا چندین سال طول بکشد قضای سال آخر را باید بجا آورد و سال‌های گذشته را برای هر یک روز یک مد طعام به فقیر بدهد.[۶]

۲ .کسی که به سبب پیری، روزه گرفتن برایش مشقت دارد و بعد از ماه رمضان هم نمی‌تواند قضای آن را بجا آورد.[۷]

۳ .مرضی دارد که زیاد تشنه می‌شود و روزه گرفتن برایش مشقت دارد و بعد از ماه رمضان هم نمی‌تواند قضای آن را بجا آورد.[۸]

---

۱ .توضیح‌المسائل، م ۱٦۸۸. به فتوای برخی از فقها، در بعضی از این موارد کفاره هم واجب می‌شود.
۲ .تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۹۸، م ٤.
۳ .العروة‌الوثقی، ج ۲، فصل في شرایط وجوب الصوم، الخامس، ص ۳۹۰، م ۳.
٤ .توضیح‌المسائل، م ۱٦٥۹.
٥ .تحریرالوسیله، ج ۱، القول في قضاء صوم شهر رمضان، ص ۲۹۹، م ۹.
٦ .توضیح‌المسائل، م ۱۷۰۳ و ۱۷۰۷.
۷ .همان، م ۱۷۲٦.
۸ .همان، م ۱۷۲۷.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

مواردی که باید قضای روزه را بجا آورد و برای هریک روز، یک مد طعام به فقیر بدهد

١ ـ با عذر، مثلاً در سفر، روزه نگرفته و بعد از ماه رمضان عذر برطرف شده و تا ماه رمضان سال بعد عمداً قضای آن را بجا نیاورده است ولی اگر سال‌های بعد هم بجا نیاورد چیزی اضافه بر قضا و یک مُدّ طعام واجب نیست.[١]

٢ ـ موقعی که عذر دارد، تصمیم او بر این است که بعد از برطرف شدن عذر، قضای روزه را بجا آورد و عذر برطرف شود و پیش از آنکه قضا کند در تنگی وقت عذری برایش پیدا شود، قضای آن واجب و یک مد طعام احتیاط واجب است.[٢]

٣ ـ در قضای روزه کوتاهی کند و وقت تنگ شود و در تنگی وقت عذری برایش پیش آید.[٣]

٤ ـ مرضی دارد که زیاد تشنه می‌شود و روزه گرفتن برایش مشقت دارد؛ اگر می‌تواند قضای آن را بجا آورد باید اضافه بر یک مد طعام، بنابر احتیاط واجب قضای آن را هم بجا آورد.[٤]

٥ ـ زنی که زاییدن او نزدیک است و روزه برای حملش ضرر دارد و نمی‌تواند روزه بگیرد.[٥]

٦ ـ زنی که زاییدن او نزدیک است و روزه برای خودش ضرر دارد و نمی‌تواند روزه بگیرد قضای آن را باید بجا آورد و بنابر احتیاط واجب برای هریک روز، یک مد طعام به فقیر بدهد.[٦]

---

١ ـ توضیح المسائل، م ١٧٠٥ و ١٧٠٩.
٢ ـ همان، م ١٧٠٦.
٣ ـ همان، م ١٧٠٦.
٤ ـ همان، م ١٧٢٧.
٥ ـ همان، م ١٧٢٨.
٦ ـ همان، م ١٧٢٨.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۷ ـ زنی که بچه شیر می‌دهد و شیر او کم است و روزه برای بچه‌ای که شیر می‌دهد ضرر دارد.[۱]

۸ ـ زنی که بچه شیر می‌دهد و شیر او کم است و روزه برای خودش ضرر دارد، قضای روزه را باید بجا آورد و بنابر احتیاط واجب برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد.[۲]

۹ ـ به واسطه عذری، غیر بیماری مانند مسافرت، روزه ماه رمضان را نگیرد و عذر او تا ماه رمضان سال بعد طول بکشد، قضای آن را باید بجا آورد و بنا بر احتیاط مستحب برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد.[۳]

پرسش

۱ ـ روزه قضا با کفاره چه تفاوتی دارد؟

۲ ـ در چه صورتی کفاره جمع واجب می‌شود؟ دو مثال بزنید.

۳ ـ شخصی در بجا آوردن قضای روزه ماه رمضان کوتاهی کرده و نزدیک ماه رمضان نیز بیمار شده و نتوانسته آنها را بجا آورد تکلیفش نسبت به قضا و کفاره چیست؟

٤ ـ زنی که در ماه رمضان به سبب حمل نتوانست روزه بگیرد و تا رمضان سال بعد نیز به واسطه شیر دادن بچه نتوانست قضای آن را به جا آورد، وظیفه‌اش نسبت به قضا و کفاره روزه آن سال چیست؟

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱۷۲۹.

۲ ـ همان، م ۱۷۲۹.

۳ ـ همان، م ۱۷۰۳.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

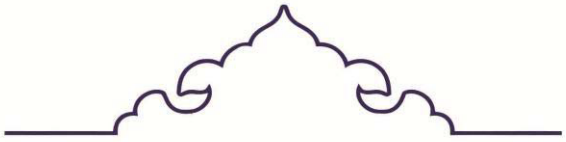

قضا وکفاره روزه و روزه مسافر

احکام قضا وکفاره روزه

□ ١ ـ لازم نیست قضای روزه را فوری بجا آورد، ولی بنابراحتیاط واجب باید تا ماه رمضان سال بعد انجام دهد.[١]

□ ٢ ـ اگر از چند ماه رمضان روزه قضا دارد، هرکدام را اوّل بگیرد اشکال ندارد، ولی اگر وقت قضای روزه آخرین ماه رمضان تنگ است؛ مثلاً ده روز از ماه رمضان آخر، قضا دارد و ده روز به ماه رمضان بعد مانده است، باید اوّل قضای آن را بگیرد.[٢]

٣ ـ انسان نباید در انجام کفاره کوتاهی کند، ولی لازم نیست فوری آن را انجام دهد.[٣]

٤ ـ اگر کفّاره بر انسان واجب شود و بجا نیاورد و چند سال بر آن بگذرد چیزی بر آن اضافه نمی‌شود.[٤]

---

١ ـ تحریرالوسیله، ج ١، القول في قضاء شهر رمضان، ص ٢٩٨، م ٤. به فتوای برخی فقها احتیاط مستحب است.

٢ ـ توضیح‌المسائل، م ١٦٩٨. به فتوای برخی از فقها، در فرض دوم نیز احتیاط مستحب است اول قضای ماه رمضان آخر را بجا آورد.

٣ ـ همان، م ١٦٨٤.

٤ ـ همان، م ١٦٨٥.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

□ ۵ ـ اگر روزه خود را با کار حرامی؛ مانند استمنا باطل کند، بنابر احتیاط واجب کفّاره جمع لازم می‌شود؛ یعنی باید یک برده آزاد کند و دو ماه روزه بگیرد و به شصت فقیر طعام بدهد. اگر هر سه برایش ممکن نیست، هرکدام از آنها را که می‌تواند باید انجام دهد.[۱]

٦ ـ کسی که قضای روزه ماه رمضان را گرفته، اگر بعد از ظهر عمداً آن را باطل کند، باید به ده فقیر، هرکدام یک مدّ طعام بدهد و اگر نمی‌تواند طعام بدهد، بنابر احتیاط واجب باید سه روز پی‌درپی روزه بگیرد.[۲]

در این موارد نه قضا واجب است و نه کفّاره

۱ ـ روزه‌های ایام کفر برای تازه مسلمان؛ یعنی اگر کافری مسلمان شود قضای روزه‌های گذشته واجب نیست.[۳]

□ ۲ ـ کسی که به سبب پیری نمی‌تواند روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان هم نمی‌تواند قضای آن را انجام دهد. ولی اگر روزه گرفتن برایش دشوار است، باید برای هر روز، یک مُدّ طعام به فقیر بدهد.[۴]

روزه قضای پدر و مادر[۵]

□ پس از مرگ پدر، پسر بزرگ او باید نمازها و روزه‌های قضا شده او را بجا آورد و احتیاط مستحب است قضای نماز و روزه‌های مادر را هم بجا آورد.[۶]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ١٦٦٥. به فتوای برخی از فقها، کفاره جمع واجب نیست لکن احتیاط مستحب است.
۲ ـ همان، م ١٦٨٧.
۳ ـ همان، م ١٦٩٥.
٤ ـ همان، م ١٧٢٥ ـ ١٧٢٦. به فتوای برخی فقها در فرض اول نیز باید برای هر روز یک مدّ طعام به فقیر بدهد.
۵ ـ این بحث به تفصیل در درس ۳۱ گذشت.
٦ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في صلاة القضاء، ص ۲۲۷ م ١٦؛ توضیح المسائل، م ۱۷۱۲ و ۱۳۹۰. به فتوای برخی از فقها، نمازها و روزه‌های قضای مادر نیز بر او واجب است.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

روزه مسافر

۱. مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر، دو رکعت بخواند، نباید در آن سفر روزه بگیرد ولی باید قضای آن را بجا آورد و مسافری که نمازش را تمام می‌خواند؛ مثل کسی که شغل او سفر است، باید در سفر روزه بگیرد.[۱]

۲. مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، ولی اگر برای فرار از روزه باشد مکروه است.[۲]

حکم روزه مسافر

- به سفر رفتن (آغاز سفر)
  - ۱. قبل از ظهر به مسافرت می‌رود ← وقتی به حد ترخص رسید، روزه‌اش باطل می‌شود و اگر قبل از آن روزه را باطل کند، بنا بر احتیاط واجب باید کفاره بدهد.
  - ۲. بعد از ظهر به مسافرت می‌رود ← روزه‌اش صحیح است و نباید آن را باطل کند.
- از سفر برگشتن (پایان سفر)
  - ۱. قبل از ظهر به وطن یا جایی که بنا دارد ده روز بماند برسد.
    - ۱. اگر کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام نداده است: باید نیّت روزه کرده و روزه آن روز را تمام کند و صحیح است.
    - ۲. اگر کاری که روزه را باطل کند انجام داده است؛ روزه آن روز بر او واجب نیست و باید قضای آن را بجا آورد.
  - ۲- بعد از ظهر برسد ← روزه‌اش باطل است و باید قضای آن را بجا آورد.[۴]

در برگشت از سفر، رسیدن به حدّ ترخّص، برای روزه اثری ندارد؛ بنابراین اگر پیش از ظهر به حدّ ترخّص برسد ولی هنوز به وطن یا جایی که می‌خواهد ده روز بماند نرسیده ظهر شود، نمی‌تواند نیت روزه کند.

---

۱. توضیح المسائل، م ۱۷۱۴.
۲. همان، م ۱۷۱۵.
۳. همان، م ۱۷۱۴ ـ ۱۷۲۱ ـ ۱۷۲۲ ـ ۱۷۲۳.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

□ **راه‌های ثابت شدن اول ماه**

۱ ـ خود انسان ماه را ببیند.

۲ ـ عده‌ای که ازگفته آنان یقین پیدا می‌شود بگویند ماه را دیده‌ایم وهمچنین است هرچیزی که به واسطه آن یقین پیدا شود.

۳ ـ دومرد عادل بگویند که درشب ماه را دیده‌ایم.

٤ ـ سی روزازاول شعبان بگذرد، اول ماه رمضان ثابت می‌شود وسی روزازاول ماه رمضان بگذرد اول شوال ثابت می‌شود.

□ ٥ ـ حاکم شرع حکم کند که اول ماه است.[۱]

چند مسأله

۱ ـ اول ماه با پیشگویی منجّمان ثابت نمی‌شود، ولی اگرانسان ازگفته آنان یقین پیداکند باید به آن عمل نماید.[۲]

□ ۲ ـ بزرگ بودن ماه یا دیرغروب کردن آن، دلیل نمی‌شود که شب پیش، شب اول ماه بوده است.[۳]

□ ۳ ـ اگردرجایی، مثلاً درکشوری یا شهری، اول ماه ثابت شود، برای جای دیگر فایده ندارد؛ مگرآن دوجا به هم نزدیک باشند یا انسان بداند که افق آنها یکی است.[٤]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱۷۳۰. به فتوای برخی از فقها، حکم حاکم شرع یکی از راه‌های ثابت شدن اول ماه نیست ولی چنانچه حکم کند که اول ماه است تبعیت ازحکم وی واجب است.

۲ ـ همان، م ۱۷۳۲.

۳ ـ همان، م ۱۷۳۳. به فتوای برخی از فقها، اگرماه پیش ازظهردیده شود دلیل برآن است که آن روز اول ماه است.

٤ ـ همان، م ۱۷۳٥. به فتوای برخی از فقها، اگردرجایی ماه دیده شود برای سایرشهرها و کشورهایی که با آنجا درشب مشترک باشند هرچند اول شب یکی آخرشب دیگری باشد، کافی است.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

٤ ـ روزی را که انسان نمی‌داند آخر ماه رمضان است یا اول شوال، باید روزه بگیرد، ولی اگر پیش از مغرب بفهمد که اول شوال است باید افطار کند.[۱]

٥ ـ اگر حاکم شرع حکم کند که اول ماه است، کسی هم که از او تقلید نمی‌کند باید به حکم او عمل کند ولی کسی که می‌داند حاکم شرع اشتباه کرده است نمی‌تواند به حکم او عمل کند.[۲]

پرسش

۱ ـ باطل کردن قضای روزه ماه رمضان چه حکمی دارد؟

۲ ـ در چه مواردی قضای روزه فردی بر شخص دیگر واجب می‌شود؟

۳ ـ کسی که از سفر به وطن برمی‌گردد و مطمئن است پیش از ظهر به وطن می‌رسد، آیا مجاز است مبطلی انجام دهد؟

٤ ـ وظیفه انسان نسبت به روزه یوم الشک آخر ماه رمضان چیست؟

٥ ـ در چه صورتی می‌توان برای روزه داری ماه رمضان براساس تقویم عمل کرد؟

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱۷۳۷.

۲ ـ همان، م ۱۷۳۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ٤٢



اعتکاف

یکی ازکارهای مستحب «اعتکاف» است و اعتکاف عبارت است ازماندن در مسجد برای عبادت خداوند با شرایطی که خواهد آمد.[1]

شرایط اعتکاف

اعتکاف با شرایط زیر صحیح است و با نبود یکی ازآنها اعتکاف باطل است:

١ ـ مُعتکف عاقل باشد.

٢ ـ به قصد قربت و اخلاص مُعتکف شود.

٣ ـ مدت اعتکاف ازسه روزکمتر نباشد.

٤ ـ درمسجد مُعتکف شود.

٥ ـ مُعتکف ازمسجد خارج نشود.

٦ ـ درمدت اعتکاف، روزها را روزه بگیرد.

٧ ـ برای اعتکاف اجازه بگیرد(تفصیل این شرایط خواهد آمد).[2]

---

١ ـ تحریرالوسیله، ج ١، کتاب الصوم، خاتمة في الاعتکاف، ص ٣٠٤.

٢ ـ همان، القول في شروط الاعتکاف.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

نیت اعتکاف

۱ ـ اعتکاف همانند سایر عبادت‌ها باید با نیت و قصد قربت باشد و هرگونه ریا و خودنمایی و قصد غیرالهی آن را باطل می‌کند.[۱]

۲ ـ انسان می‌تواند اعتکاف را برای خود یا دیگری بجا آورد؛ که به قِسْم دوم، اعتکاف نیابتی گفته می‌شود.[۲]

۳ ـ اعتکاف به نیابت از دو یا چند نفر صحیح نیست، ولی می‌تواند اعتکاف را به نیت خود بجا آورد و ثواب آن را به دیگران اهدا کند.[۳]

مدّت اعتکاف

۱ ـ مدّت اعتکاف حداقل سه روز است و کمتر از آن صحیح نیست ولی در زیاده حدّی ندارد، و اگر پنج روز مُعتکف شود، روز ششم نیز واجب است بماند، بلکه بنابر احتیاط واجب هرگاه دو روز اضافه کرد، روز سوّمش هم باید بماند، پس اگر هشت روز معتکف شد، ماندن روز نهم نیز بنابر احتیاط واجب لازم است.[۴]

۲ ـ این سه روز از طلوع فجر روز اول تا مغرب روز سوم است، بنابراین اگر بعد از طلوع فجر ـ هر چند، دقیقه‌ای ـ با تأخیر به مسجد برسد، آن روز جزو اعتکاف به حساب نمی‌آید.[۵]

۳ ـ سه روز اعتکاف با شب‌های آن است که حداقل سه روز و دو شب در وسط است، بنابراین نمی‌تواند شب‌ها را از مسجد خارج شود.[۶]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الصوم، خاتمة في الاعتکاف، الثانی.

۲ ـ العروة‌الوثقی، ج ۲، کتاب الاعتکاف، ص ٢٤٦.

۳ ـ همان.

٤ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، خاتمة في الاعتکاف، القول في شروطه، الرابع، ص ۳۰۵.

۵ ـ همان.

٦ ـ همان، ص ۳۰٦، م ٤.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

٤ ـ رها کردن اعتکاف مستحب و نذر غیر معین در روزهای اوّل و دوم اشکال ندارد، ولی اگر تا مغرب روز دوم ماند واجب است روز سوم را نیز بماند.[۱]

زمان اعتکاف

در طول سال هر زمانی که انسان بتواند حداقل سه روز در مسجد بماند و روزه بگیرد اعتکاف صحیح است، امّا بهترین زمان برای اعتکاف، ماه مبارک رمضان به ویژه دهه آخر آن است.[۲]

مکان اعتکاف

□۱ ـ اعتکاف در یکی از این مساجد صحیح است:

مسجدالحرام، مسجدالنبی ﷺ، مسجد کوفه، مسجد بصره

و در غیر این چهار مسجد، تنها در مسجد جامع هر شهر، به قصد رجاء مانع ندارد. و در سایر مساجد جایز نیست.[۳]

۲ ـ اگر در یک شهر، دو یا چند مسجد جامع وجود داشته باشد، در هر کدام که بخواهد می‌تواند به قصد رجاء معتکف شود.[۴]

۳ ـ اگر کسی در خانه خود یا تکیه یا حسینیه یا حرم و حتی مسجد غیر جامع معتکف شود صحیح نیست.[۵]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، خاتمة في الاعتکاف، القول في شروطه، الرابع، ص ۳۰٦، م ۳.

۲ ـ العروة‌الوثقی، ج ۲، کتاب الاعتکاف، ص ۲٤٦.

۳ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في شروط الاعتکاف، الخامس، ص ۳۰۵. به فتوای برخی از فقها، اعتکاف در مسجد جامع هم صحیح است و برخی اعتکاف در مسجد غیر جامع را نیز رجاءا صحیح می‌دانند.

٤ ـ العروة الوثقی، ج ۲، کتاب الاعتکاف، في شرایط الاعتکاف، السادس.

۵ ـ همان.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

٤ ـ اعتکاف باید در یک مسجد باشد، پس اعتکاف در دو مسجد که بخشی از وقت را در یکی و بخشی از آن را در دیگری بماند صحیح نیست.[١]

٥ ـ اگر در مسجدی معتکف شود ولی مانعی از ادامه ماندن در آن مسجد پیش آید، اعتکاف باطل است.[٢]

خارج شدن از مسجد

١ ـ مُعتکف نباید از مسجد خارج شود، مگر در موارد ذیل:

* برای گواهی دادن.
* برای تشییع جنازه، در صورتی که میت، طوری وابستگی به مُعتکف داشته باشد که شرکت در تشییع جنازه او از ضرورت‌های عرفی او به حساب می‌آید.
* برای سایر کارهای ضروری عرفی یا شرعی، خواه واجب باشد یا مستحب، خواه مربوط به امور دنیوی باشد یا اخروی، ولی مصلحتی در آن نهفته باشد.[٣]

٢ ـ اگر معتکف جنب شود واجب است برای غسل از مسجد بیرون برود و اگر بیرون نرود اعتکاف باطل است.[٤]

٣ ـ اگر معتکف به جهتی از مسجد خارج شد، این امور را باید مراعات کند:

* بیش از مقدار ضرورت و نیاز بیرون مسجد نماند.
* در صورت امکان زیر سایه ننشیند، بلکه مطلقاً ننشیند، مگر در حال ضرورت.
* بنابر احتیاط واجب نزدیکترین راه را انتخاب کند.[٥]

---

١ ـ تحریرالوسیله، ج ١، القول في شروط الاعتکاف، ص ٣٠٧، م ٦.
٢ ـ همان، السابع، ص ٣٠٦.
٣ ـ همان، ص ٣٠٦، السابع و ص ٣٠٧، م ٩.
٤ ـ همان، ج ١، القول في شروط الاعتکاف، ص ٣٠٨، م ١٠.
٥ ـ همان، ص ٣٠٧، م ٩.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

٤ ـ اگر مُعتکف به جهت ضرورت از مسجد بیرون رود و به قدری طول بکشد که صورت اعتکاف به هم بخورد اعتکاف باطل است.[۱]

۵ ـ اگر به سبب فراموشی از مسجد خارج شود اعتکافش باطل نیست ولی باید فورا به مسجد برگردد.[۲]

روزه اعتکاف

۱ ـ انسان در ایام اعتکاف باید روزه بگیرد، بنابراین، اعتکاف کسی که نمی‌تواند روزه بگیرد مانند مسافر، مریض و زن حائض یا نفساء و کسی که عمداً روزه نگیرد صحیح نیست.[۳]

۲ ـ اعتکاف در روز عید فطر و قربان یا دو روز قبل از عید به طوری که روز سوم آن عید باشد صحیح نیست.[۴]

۳ ـ لازم نیست که روزه، مخصوص به اعتکاف باشد، بلکه هر روزه‌ای باشد صحیح است، مثلاً در ایام اعتکاف می‌تواند روزه قضا یا نذری یا استیجاری بجا آورد.[۵]

٤ ـ اگر انسان نذر کند در سفر روزه بگیرد می‌تواند بدون قصد ماندن ده روز معتکف شود.[۶]

یادآوری می‌شود نذر روزه ماه رمضان و قضای آن در سفر صحیح نیست.

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في شروط الاعتکاف، ص ۳۰۸، م ۱۲.
۲ ـ همان، السابع.
۳ ـ همان، ص ۳۰۵، الثالث.
٤ ـ العروة‌الوثقی، ج ۲، کتاب الاعتکاف، في شرایط الاعتکاف، الرابع.
۵ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في شروط الاعتکاف، الثالث، ص ۳۰۵.
٦ ـ همان.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

اجازه اعتکاف

افراد ذیل با توضیحی که خواهد آمد بدون اجازه نمی‌توانند مُعتکف شوند:

* زن بدون اجازه شوهرش.
* فرزند بدون اجازه والدین.
* کسی که در استخدام دیگری است.

توضیح:

۱ ـ اگر اعتکاف زن موجب از بین رفتن حق شوهر باشد، بنابر احتیاط واجب باید از او اجازه بگیرد و همچنین برای بیرون رفتن از منزل نیز باید از شوهرش اجازه بگیرد.

۲ ـ اگر اعتکاف فرزند سبب اذیت و آزار والدین باشد صحیح نیست و در صورتی که سبب اذیت و آزار آنها هم نباشد احتیاط مستحب است اجازه بگیرد.

۳ ـ کسی که در استخدام دیگری است؛ مانند برخی از کارگران و کارمندان، در صورتی که قرارداد استخدامی وکاری به گونه‌ای است که منفعت مدت اعتکاف را نیز در بر می‌گیرد؛ یعنی اعتکاف با عمل به اجاره منافات دارد باید از صاحب کار اجازه بگیرد یا از اداره مطابق مقررات مرخصی بگیرد.[1]

محرّمات اعتکاف

انسان در حال اعتکاف باید از این کارها پرهیز کند:

* بوییدن چیزهای خوشبو و عطریات حتی گیاهان خوشبو، همراه با لذّت.
* خرید و فروش.
* سایر انواع تجارت؛ مثل صلح و اجاره و غیر اینها (بنابر احتیاط واجب).
* جدال در امور دینی و دنیوی برای غلبه بر دیگری و اظهار فضل و برتری بر او.

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في شروط الاعتکاف، السادس.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

* امور جنسی و شهوت‌آمیز؛ مانند بوسه، لمس، آمیزش.
* استمناء[۱] (بنا بر احتیاط واجب).[۲]

مبطِلات اعتکاف

۱ـ اگر معتکف، روزه خود را باطل کند، اعتکافش باطل می‌شود.[۳]

۲ـ آمیزش جنسی هر چند سهوا باشد اعتکاف را باطل می‌کند.[۴]

۳ـ اگر معتکف از روی شهوت، دیگری را ببوسد یا بدن او را لمس کند یا یکی دیگر از محرمات اعتکاف را عمداً یا سهواً مرتکب شود، احتیاط واجب آن است که اعتکاف را به پایان برساند و چنانچه اعتکاف واجب شده باشد؛ مثلاً نذر کرده باشد یا روز سوم اعتکاف باشد، مجددا باید بجا آورد.[۵]

پرسش

۱ـ آیا در حال اعتکاف برای شرکت در نماز جمعه می‌توان از مسجد خارج شد؟

۲ـ اعتکاف فرزند بدون اجازه پدر چه حکمی دارد؟

۳ـ در چه صورتی می‌توان اعتکاف را قطع کرد؟

٤ـ در چه صورتی مسافر می‌تواند معتکف شود؟

٥ـ کدامیک از محرمات اعتکاف، در غیر حال اعتکاف جایز است؟

۱ـ استمناء در هر حال حرام و از گناهان بزرگ است و بنا بر احتیاط واجب جزو محرمات اعتکاف نیز هست، لذا اگر کسی در حال اعتکاف چنین عملی را مرتکب شود، گناهش بیشتر و عذابش افزون‌تر است.

۲ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في احکام الاعتکاف، ص ۳۰۹.

۳ـ همان، م ۲.

٤ـ همان.

٥ـ همان.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

فصل چهارم:

حج

- مقدمات حج
- اعمال حج

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

حج (۱)

«... وَلِلّهِ عَلَى النّاسِ حِجُّ الْبَيتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيهِ سَبيلاً وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعالَمِينَ»[1]

«... و برای خدا، حج آن خانه بر عهده مردم است. [البته بر] کسی که بتواند به سوی آن راه یابد و هر که کفر ورزد، یقینا خداوند از جهانیان بی‌نیاز است»

حج، یکی از وظایف مهم مسلمانان و اعمال حج، از مهم‌ترین مراسم عبادی- سیاسی اسلام است.

حج، یکی از پایه‌های اساسی دین اسلام شمرده می‌شود و به عنوان یك عبادت سیاسی و اجتماعی، دارای شکوه و عظمتی خاص می‌باشد.

در حج، تمام مسلمانها از سراسر جهان برای شرکت در این مراسم بزرگ به مکه می‌روند و همه آنها از هر رنگ و نژاد، برادرانه در کنار هم لباس احرام می‌پوشند، به دور کعبه طواف می‌کنند، در مسجد الحرام نماز می‌خوانند و یاد پیامبران خدا، حضرت ابراهیم علیه‌السلام و اسماعیل علیه‌السلام- بنیانگذاران خانه توحید - را گرامی می‌دارند و به یاد مادر اسماعیل و

---

۱. آل عمران: آیه ۹۷.

حضرت هاجر- از صفا تا مروه را راهپیمایی می‌کنند و سپس در روزهای نهم تا دوازدهم ذی حجه، در اجتماع بزرگ« عرفات»، «مشعر» و «منا» شرکت می‌کنند و با انجام اعمال مخصوص، قدرت عظیم خود را به نمایش می‌گذارند.

کسانی که خرج سفر حج را داشته باشند و بتوانند در زمان معین آن به مکه روند و اعمال مخصوص حج را انجام دهند، حج بر آنها واجب می‌شود.

حج، برکسانی که دارای شرایط باشند، در عمر یک بار واجب می‌شود.

شرایط وجوب حج

حج، برکسی واجب است که دارای شرایط ذیل باشد:

* بالغ و عاقل باشد.
* برای حج مجبور نشود کار واجبی را که اهمیتش از حج بیشتر است ترک کند، یا کار حرامی را که ترک آن مهم‌تر از حج است مرتکب شود.[۱]
* مستطیع باشد و استطاعت اقسامی به این شرح دارد:
  - بدنی (صحت و توانایی)
  - طریقی (باز بودن و امنیت راه)
  - زمانی (داشتن زمان کافی)[۲]
  - مالی یعنی داشتنِ:

-هزینه رفت و برگشت به حج

-ضروریات زندگی

-شغل یا مال یا راه کسب دیگری که پس از بازگشت به سختی زندگی نکند.[۳]

---

۱ .مناسک حج، شرایط وجوب حَجة‌الاسلام، ص ۳.

۲ .توضیح‌المسائل، م ۲۰۳۶ و تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۷۲.

۳ .تحریرالوسیله، ج ۱، صص ۳۷۲ و ۳۷۳.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

نیابت در حج

کسی که حج بر او مستقر شده، یعنی شرایط وجوب حج را داشته وترک کرده اگر به واسطه پیری یا مرض، قدرت رفتن به حج را ندارد و یا رفتن به حج برای او حرج ومشقت دارد و امید خوب شدن و قدرت پیدا کردن را نداشته باشد، واجب است نایب بگیرد.[١]

شرایط نایب

در نایب اموری شرط است:

- بلوغ (بنابراحتیاط واجب)
- عقل
- وثوق و اطمینان به انجام دادن اعمال
- شناخت وی نسبت به افعال و احکام حج، هر چند با راهنمایی دیگری، هنگام عمل
- واجب نبودن حج برخودش
- معذور نبودن از انجام اعمال به طوری که برخی از آنها را ترک کند یا محتاج به نایب باشد.

اقسام حج

حج به تناسب موقعیت و محل زندگی افراد سه قسم است:

١ ـ قِران ٢ ـ اِفراد ٣ ـ تَمتُّع

نوع اول و دوم، ویژه اهالی مکه و اطراف آن، تا فاصله شانزده فرسخی است که احکام و شرایط آن درکتاب‌های مفصل فقهی آمده است. ولی دیگران، باید نوع سوّم را انجام دهند و پیش از اعمال حج «عمره تمتّع» بجا آورند.[٢]

---

١ ـ مناسک حج (محشی)، م ١١٦.

٢ ـ همان، ص ٤٠٣؛ کتاب الحج، القول في اقسام الحج.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

اعمال عمره تمتع و سیر مکانی آن

عمره تمتع پنج عمل است بدین ترتیب:

۱ .**احرام؛** در میقات.[۱]

۲ .**طواف و نماز طواف؛** در مسجدالحرام.

۳ .**سعی؛** بین صفا و مروه.

٤ .**تقصیر؛** که جای معینی ندارد.[۲]

اعمال حج تمتّع و سیر مکانی آن

حج تمتّع سیزده عمل است بدین ترتیب:

۱ .**احرام حج تمتّع؛** در مکّه.

۲ .**وقوف در عرفات؛** روز عرفه (نهم ذی حجه).

۳ .**وقوف در مشعرالحرام (مزدلفه)؛** شب عید قربان.

٤ .**رمی جمره عقبه و قربانی و حلق یا تقصیر؛** در منا، روز عید قربان.

پس از اعمال روز عید، برای **بیتوته**؛ در مِنا می‌ماند، یا برای اعمال پس از منا به مکه می‌رود.

۵- اعمال پس از منا

۱ .**طواف حج و نماز آن**؛ در مسجدالحرام.

۲ .**سعی؛** بین صفا و مروه.

۳ .**طواف نساء و نماز آن؛** در مسجدالحرام.

٦ . پس از انجام دادن این اعمال، به مِنا برمی‌گردد برای **ماندن شب‌های یازدهم** و **دوازدهم** در آنجا و **رمی جمرات** در روزهای یازدهم و دوازدهم ذی حجه.

---

۱ .«میقات» مکانی است که برای احرام مشخص شده است و آن پنج محل است: «مسجد شجره» «جحفه» «وادی عقیق» «قَرن المنازل» و «یلملم».

۲ .تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الحج، القول في صورة الحج التمتّع اجمالاً.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

٧ ـ بعد از ظهر روز دوازدهم از مِنا خارج می‌شود و اعمال حج به پایان می‌رسد.

کسی که تا ظهر روز دوازدهم، اعمال مکه (طواف حج، نماز طواف، سعی، طواف نساء و نماز طواف نساء) را انجام نداده، پس از بازگشت به مکه انجام می‌دهد.[1]

پرسش

١ ـ مکان‌های اعمال عمره تمتع را به ترتیب برشمارید.

٢ ـ اقسام استطاعت را نام برده، توضیح دهید.

٣ ـ حج قران وظیفه چه کسانی است؟

٤ ـ اعمال حج تمتع را برشمارید.

٥ ـ حجاج شب‌های ١٠ تا ١٢ ذی الحجه را در کجا بسر می‌برند؟

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

---

١ ـ تحریرالوسیله، ج ١، کتاب الحج، القول في صورة الحج التمتّع اجمالاً.

درس ٤٤

حج (۲)

توضیح اعمال عمره

احرام

- مردان باید تمام لباس‌های دوخته را از تن درآورند و دو تکّه لباس غیردوخته بر تن کنند که یکی را مانند لنگ به کمر می‌بندند و دیگری را بر شانه می‌اندازند و با نیت احرام می‌گویند:

«لَبَّیک اللّهُمَ لَبَّیکَ، لَبَّیک لا شَریک لَک لَبّیک»

□ احتیاط مستحب است، پس از آن بگویند:

«إنَّ الحَمْدَ والنِعْمةَ لَک والمُلک لا شَریک لَک لَبَّیکَ»

- بانوان می‌توانند لباس دوخته بپوشند و بیرون آوردن لباس‌هایی که بر تن دارند و پوشیدن دو تکه پارچه ندوخته، بر آنها واجب نیست.[1]

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۱، القول في کیفیة الاحرام، ص ٤١٣. به فتوای برخی از فقها، جمله دوم لبیک‌ها هم باید گفته شود.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

طواف

یکی از اعمال عمره و حج، طواف است؛ یعنی هفت مرتبه به دور کعبه گشتن.

۱ - طواف باید از مقابل گوشه‌ای از کعبه که حَجرالاسود در آن قرار دارد آغاز و در همان جا به پایان برسد.

۲ - خانه کعبه، در حال طواف باید در طرف چپ طواف کننده باشد؛ بنابراین اگر در حال حرکت رو به کعبه باشد یا عقب عقب یا بر خلاف مسیر طواف‌کنندگان برود، باطل است.

۳ - طواف کننده باید به دور حِجر اسماعیل[1] هم بگردد، یعنی هنگام طواف، داخل حِجر نرود.

٤ - طواف کننده باید با طهارت طواف کند؛ یعنی با وضو باشد و غسلی بر عهده او نباشد و نیز بدن و لباس وی پاک باشد.

(در بین اعمال عمره و حج، تنها در طواف و نماز طواف، باید با طهارت باشد.)[2]

نماز طواف

۱ - پس از طواف، باید دو رکعت نماز، به نیت نماز طواف بخواند.

۲ - نماز طواف، مانند نماز صبح است؛ ولی اذان و اقامه ندارد و مردان می‌توانند حمد و سوره را بلند یا آهسته بخوانند، ولی زنان در صورتی که نامحرم صدایشان را می‌شنود، باید آهسته بخوانند.

---

۱ .حجر اسماعیل: فضایی است بین کعبه و نیم دایره‌ای به عرض حدود ده متر که از زاویه شمالی تا زاویه غربی کعبه امتداد دارد. هرگاه باران بر بام کعبه ببارد از ناودان رحمت در این فضا می‌ریزد، آنجا مدفن حضرت اسماعیل علیه‌السلام و مادرش هاجر علیهاالسلام و بسیاری از پیامبران علیهم‌السلام است.

۲ .تحریرالوسیله، ج ۱، ص ٤۳۰، القول في واجبات الطواف.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۳ - نماز طواف را باید در مسجد الحرام، نزد مقام ابراهیم علیه السلام[۱] بخواند و بنا بر احتیاط واجب باید پشت مقام بجا آورد به طوری که سنگ مقام بین او و خانه کعبه واقع شود.[۲]

سعی

۱ - پس از نماز طواف، باید هفت مرتبه فاصله بین صفا و مروه را که امروزه به صورت راهرو سرپوشیده ساخته شده و کنار مسجد الحرام قرار دارد بپیماید.

۲ - سعی باید از صفا آغاز و به مروه ختم شود.

۳ - پیمودن فاصله صفا تا مروه یک مرتبه و برگشتن از مروه به صفا مرتبه دوم به حساب می‌آید، بنابراین هفت شَوْط سعی به مروه ختم می‌شود.[۳]

تقصیر

در عمره تمتّع، پس از سعی باید تقصیر کند؛ یعنی مقداری از ناخن یا موی سر یا صورت خود را بچیند. و در عمره مفرده مردان می‌توانند به جای تقصیر، سر بتراشند.[۴]

احرام حج

۱ .حجّاج، برای بجا آوردن اعمال حج باید در شهر مکّه محرم شوند و بهتر است در مسجدالحرام و روز هشتم ذی‌حجّه باشد.[۵]

۲ .احرام حج با احرام عمره تفاوتی ندارد به جز در نیت.[۶]

---

۱ .مقام ابراهیم: سنگی است که حضرت ابراهیم علیه السلام هنگام ساختن کعبه زیر پای خود می‌گذاشته و اثر پای آن حضرت بر سنگ مانده است و اکنون در مسجد الحرام، نزدیک کعبه در یک محفظه بلورین نگهداری می‌شود.

۲ .تحریرالوسیله، ج ۱، القول في صلاة الطواف، ص ٤٣٦.

۳ .همان، القول في السعی، ص ٤٣٧.

٤ .همان، القول في التقصیر، ص ٤٣٩ .

۵ .همان، القول في صورة حج التمتع اجمالاً، ص ٤٠٦، م ۱، رابعها.

٦ .همان.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

وقوف در عرفات

حجّاج باید از ظهر روز نهم ذی‌حجّه تا مغرب همان روز در عرفات بمانند و از آنجا خارج نشوند.[١]

وقوف در مشعر الحرام (مُزدَلِفه)

١ - بعد از مغرب روز نهم ذی‌حجّه (شب عید قربان) حاجیان از عرفات خارج می‌شوند و برای عملی دیگر از اعمال حج به طرف مشعرالحرام حرکت می‌کنند.

٢ - بنابر احتیاط واجب، باید شب دهم را تا اذان صبح برای اطاعت امر الهی در مشعر بمانند و از اذان صبح، نیت وقوف در مشعرالحرام کنند و تا طلوع آفتاب در آنجا بمانند.

٣ - در عرفات و مشعر، به جز ماندنِ در آنجا کار دیگری واجب نیست گر چه مستحبات بسیاری دارد.[٢]

پرسش

١ - تفاوت احرام مردان و زنان در چیست؟

٢ - تفاوت نماز طواف و نماز صبح چیست؟

٣ .کدام یک از اعمال عمره باید با طهارت بجا آورده شود؟

٤ - مکان احرام عمره تمتع و حج تمتع کجاست؟

٥ .وقت وقوف عرفات و مشعرالحرام چه زمانی است؟

---

١ .تحریرالوسیله، ج١، القول في الوقوف بعرفات، ص ٤٤٠.

٢ .همان، القول في صورة حج التمتع اجمالاً و ص ٤٤١، القول في الوقوف بالمشعرالحرام.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ٤٥

حج (٣)

اعمال روز عید قربان

پس از طلوع آفتاب روز دهم ذی‌حجّه (عید قربان) حجاج برای بقیه اعمال از مشعرالحرام بیرون آمده روانه مِنا می‌شوند.

اعمال روز عید در مِنا عبارت است از:

* رمی جمره عقبه؛
* قربانی؛
* تراشیدن سر یا تقصیر.[1]

رمی جمره عَقَبه

وقتی که از مشعرالحرام به مِنا وارد شویم در آخر مِنا، بعد از مسجد خیف، جمرات[2] قرار دارد که اوّلی «جمره اُولی» و دوّمی «جمره وُسطی» و سومی را «جمره عَقَبه» می‌نامند. اوّلین کار واجب در روز عید قربان، زدن هفت سنگ به جمره عقبه است.[3]

---

١ ـ تحریرالوسیله، ج ١، ص ٤٤٤، القول في واجبات مِنی.

٢ ـ جمرات، در سابق به صورت سه ستون سنگی بوده که اخیرا به سبب ازدحام جمعیت و آسیب دیدن برخی از حاجیان. این ستون‌ها را توسعه داده اند به دیوار تبدیل شده است.

٣ ـ تحریرالوسیله، ج ١، القول في صورة حج التمتع اجمالا، و ص ٤٤٤، القول في واجبات مِنی.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

قربانی

پس از سنگ زدن به جمره عقبه، حجاج برای یکی دیگر از واجبات حج، به قربانگاه می‌روند و یک شتر، یا گاو، یا گوسفند، ذبح می‌کنند یا به دیگری نیابت می‌دهند تا این عمل را از طرف آنها انجام دهد.[١]

حلق یا تقصیر

١ - پس از قربانی، حاجی باید سر بتراشد (حلق) یا مقداری از ناخن یا موی خود را بچیند (تقصیر).

□ ٢ - کسانی که سال اوّل حج آنهاست، بنابر احتیاط واجب باید سر بتراشند و تقصیر کفایت نمی‌کند؛ ولی افرادی که بار اوّل آنها نیست می‌توانند تقصیر کنند یا سر بتراشند.[٢]

بیتوته در مِنا

١ - یکی دیگر از واجبات حج، بیتوته (ماندن در شب) به مِنا است.

□ ٢ - حاجیان باید شب یازدهم ذی‌حجه و شب دوازدهم را از غروب آفتاب تا نیمه شب، با قصد قربت در مِنا باشند.[٣]

رمی جَمرات

١ - در روز یازدهم و دوازدهم ذی‌حجه، حجّاج باید به هر یک از جمرات، هفت سنگ بزنند.

٢ - در رمی جمرات، ابتدا باید به جمره اولی، سپس به وسطی و بعد از آن به جمره عقبه سنگ بزنند.[٤]

---

١ .تحریرالوسیله، ج ١، القول في واجبات مِنی، ص ٤٤٦.

٢ .همان، ص ٤٥٠. به فتوای برخی از فقها، افرادی که سال اول حج آنهاست بین حلق و تقصیر مخیرند ولی حلق افضل است.

٣ .همان، ص ٤٥٤، القول في المبیت بمنی. به فتوای برخی از فقها، حاجی مخیّر است بین نیمه اول شب یا نیمه دوم.

٤ .همان، القول في رمی الجمار الثلاث.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

طواف نساء و نمازآن

۱ - یکی ازاعمال حج، طواف نساء ونمازآن است.

۲ - طواف نساء ونمازآن، اختصاص به مردان ندارد، بلکه برتمام کسانی که عمره مفرده یا حج به جا می‌آورند واجب است.

۳ - پس ازطواف نساء ونمازآن، زن ومردی که به سبب احرام بریکدیگرحرام شده بودند، حلال می‌شوند.[۱]

مُحرَّمات احرام

زائرپس ازپوشیدن لباس احرام ونیت وگفتن لبیك، مُحرم است ودرمدت احرام باید ازبیست وچهارکارپرهیزکند. چهارتای آنها فقط برمردان حرام است ودوتای آنها برزنان وبقیه، برهردوحرام است.

▣ **محرّمات مشترک بین زن و مرد:**

۱ .استعمال عطریات وگرفتن بینی ازبوی بد؛

۲ .سرمه کشیدن؛

۳ .نگاه کردن درآینه؛

٤ .فُسوق (دروغ گفتن وفحش دادن وفخرفروشی)؛

٥ .جِدال (گفتن «لا والله» و«بلی والله»)؛

٦ .کشتن جانورانی که دربدن ساکن می‌شوند؛

۷ .انگشتربه دست کردن برای زینت؛

۸ .روغن مالیدن به بدن؛

۹ .زدودن موازبدن؛

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۱، القول فیما یجب بعد اعمال منی، ص ٤٥۲، م ٥.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

١٠. بیرون آوردن خون از بدن؛
١١. ناخن گرفتن؛
١٢. کندن دندان؛
١٣. کندن درخت یا گیاهی که در محدوده حرم[١] روییده باشد؛
١٤. سلاح به تن داشتن؛
١٥. شکار حیوان صحرایی؛
١٦. عقد کردن زن، برای خود یا دیگری؛
١٧. آمیزش یا هرگونه عمل شهوانی دیگر؛
١٨. استمنا.[٢]

▣ **محرّمات ویژه مردان**

١. پوشیدن جامه دوخته؛ مانند پیراهن؛
٢. پوشیدن چیزی که تمام روی پا را بگیرد؛ مانند کفش و جوراب؛
٣. پوشاندن سر؛
٤. سایه‌بان قراردادن بالای سر.[٣] در حال حرکت بین دو منزل؛ مثلاً از میقات تا مکه با ماشین سقف‌دار حرکت کند.

▣ **محرمات ویژه زنان**

١. پوشیدن زیور برای زینت.
٢. پوشاندن روی خود با نقاب یا روبند.[٤]

---

١. شهر مکه و قسمتی از اطراف آن که حدود معینی دارد «حرم» است و دارای احکام خاصی است.
٢. تحریرالوسیله، ج ١، کتاب الحج، القول في تروک الاحرام، ص ٤١٨.
٣. همان.
٤. همان.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

اعمال عمره مفرده

در طول سال کسانی که به مکه مشرف می‌شوند و حج بر آنها واجب نیست و قصد بجا آوردن آن را ندارند یا وقت حج نیست، باید عمره مفرده را انجام دهند که اعمال آن عبارت است از:

۱ .احرام؛

۲ .طواف؛

۳ .نماز طواف؛

٤ .سعی؛

٥ .تقصیر یا حلق؛

٦ .طواف نساء؛

۷ .نماز طواف نساء.[۱]

پرسش

۱ .کارهایی که فقط بر مردان مُحرم حرام است چیست؟

۲ - سعی و رمی را توضیح داده و مکان هر یک را بیان کنید؟

۳ .کدام یک از اعمال حج باید در منا انجام شود؟

٤ - تفاوت فسوق و جدال چیست؟

٥ .تفاوت اعمال عمره تمتّع با عمره مفرده چیست؟

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الحج، القول في صورة حج التمتع اجمالاً، ص ٤۰۸، م ۹.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درسنامه فقه

فصل پنجم:

امر به معروف و نهی از منکر و جهاد

- ۱ - امر به معروف و نهی از منکر
- ۲ - جهاد

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

امر به معروف و نهی از منکر (۱)

«وَلْتَكُن مِنكُمْ أُمَّةٌ يدْعُونَ إِلَى الْخَيرِ وَيأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَينْهَونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولئِک هُمُ الْمُفْلِحُونَ»[۱]

«باید از شما گروهی باشند که مردم را به نیکی دعوت کنند و به کار نیکو امر کنند و از کار ناشایست بازدارند و اینان رستگارانند».

هر انسانی نسبت به کارهای ناپسند افراد جامعه و کارهای نیک و پسندیده آنان، مسؤولیت دارد. بنابراین اگر کار واجبی ترک شود یا حرامی اتفاق بیفتد، سکوت و بی‌تفاوتی در مقابل آن جایز نیست و تمام افراد جامعه باید برای برپایی واجب و جلوگیری از حرام اقدام کنند، که این عمل، امر به معروف و نهی از منکر نام دارد.

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

در برخی از سخنان امامان معصوم علیهم‌السلام آمده است:

* امر به معروف و نهی از منکر، از مهم‌ترین واجبات و شریف‌ترین آنهاست.[۲]

---

۱. آل عمران: ۱۰٤.

۲. کافی، ج ٤، ص ٥٥.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

* واجبات دینی به سبب امر به معروف و نهی از منکر استوار می‌گردد.[۱]
* اگر مردم امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، افراد پست و غیر لایق بر آنها مسلّط می‌شوند و دعاها مستجاب نمی‌شود.[۲]

تعریف معروف و منکر

در احکام دین، به تمام واجبات و مستحبات «معروف» و به تمام محرّمات و مکروهات «مُنکر» گفته می‌شود. بنابراین، واداشتن افراد جامعه به انجام دادن کارهای واجب و مستحب «امر به معروف» و بازداشتن آنها از کارهای حرام و مکروه «نهی از منکر» است.

حکم امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر، واجب کفایی است که اگر افرادی - به قدر کفایت - به آن اقدام کنند، از دیگران ساقط می‌شود و اگر با فراهم بودن شرایط، همه افراد آن را ترک کرده باشند، همه آنها ترک واجب کرده‌اند.[۳]

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر با وجود برخی شرایط، واجب می‌باشد و در صورت نبود آن شرایط، تکلیف ساقط است. آنها عبارتند از:

۱. کسی که امر یا نهی می‌کند، بداند آنچه را که دیگری انجام می‌دهد حرام است و آنچه را ترک کرده، واجب است. پس بر کسی که نمی‌داند کاری که دیگری انجام می‌دهد حرام است یا نه، جلوگیری واجب نیست.

---

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹٤.
۲. نهج‌البلاغه، نامه ٤۷.
۳. تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، القول في اقسامهما و کیفیة وجوبهما، ص ٤٦۳، م ۲.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

٢ ـ احتمال بدهد امر یا نهی او تأثیر دارد؛ بنابراین اگر می‌داند تأثیر ندارد امر و نهی واجب نیست.

٣ ـ شخص گناهکار اصرار بر ادامه داشته باشد. پس اگر معلوم شود یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد که گناهکار بنای ترک عمل را دارد و دوباره تکرار نمی‌کند یا موفّق به تکرار نمی‌شود، امر و نهی واجب نیست.

٤ ـ امر و نهی، سبب ضرر جانی یا آبرویی یا ضرر مالی قابل توجه، به خودش یا نزدیکان و یاران و همراهانش، یا سایر مؤمنان نشود.[١]

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

برای امر به معروف و نهی از منکر، مراتبی است که اگر با عمل به مرتبه پایین‌تر، مقصود حاصل می‌شود، عمل به مرتبه بعدی جایز نیست و آن مراتب چنین است:

اوّل: با معصیت‌کار طوری عمل شود که بفهمد به سبب ارتکاب آن گناه، با او این گونه عمل می‌شود؛ مثل اینکه از او روبرگرداند یا با چهره عبوس با او برخورد کند یا با او رفت و آمد نکند.

دوم: امر و نهی با زبان؛ یعنی به کسی که واجبی را ترک کرده است بگوید که واجب را بجا آورد و به گناهکار دستور بدهد که گناه را ترک کند.

□ **سوم:** استفاده از زور[٢] برای جلوگیری از منکر و برپایی واجب؛ یعنی زدن گناهکار.[٣]

---

١ ـ تحریرالوسیله، ج ١، کتاب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، القول في شرائط وجوبهما.

٢ ـ نظر رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه‌ای ـ دام ظله ـ نسبت به مرتبه سوم این است: با توجه به اینکه در زمان قدرت حکومت اسلامی امکان ارجاع مرتبه سوم از امر به معروف و نهی از منکر، به قوه قضائیه و نیروی انتظامی وجود دارد به ویژه در مواردی که جلوگیری از منکر متوقف بر تصرف در اموال مرتکب شونده می‌باشد یا لازم است تعزیر شود یا او را زندانی کنند، بنابراین بر مکلف واجب است در امر به معروف و نهی از منکر به دو مرتبه اوّل اکتفا کنند و در صورتی که اثر نکرد و نیاز به توسل به زور وجود داشت، مسأله را به نیروی انتظامی و قضایی ارجاع دهند. اجوبة الاستفتائات، ج ١، ص ٣٣٧، س ١٩٠.

٣ ـ تحریرالوسیله، ج ١، القول في مراتب امر بالمعروف و النهی عن المنکر، ص ٤٧٦؛ توضیح‌المسائل، م ٢٨١٨ و ٢٨٢٣.

احکام امر به معروف و نهی از منکر

۱ ـ فراگیری شرایط امر به معروف و نهی از منکر و موارد آن واجب است تا انسان در امر و نهی، مرتکب خلاف نشود.[۱]

۲ ـ اگر بداند امر و نهی، بدون خواهش و نصیحت و موعظه اثر نمی‌کند، واجب است که امر و نهی را با نصیحت و موعظه و خواهش همراه کند و اگر بداند که در خواست و موعظه به تنهایی (بدون امر و نهی) مؤثر است، باید به همین گونه عمل کند.[۲]

۳ ـ اگر بداند یا احتمال دهد که امر و نهی‌اش با تکرار مؤثر است، واجب است تکرار کند.[۳]

٤ ـ مراد از اصرار بر گناه، مداومت بر انجام‌دادن نیست، بلکه ارتکاب آن عمل هرچند یکبار دیگر است، پس اگر یک بار نماز را ترک کرد و بار دیگر هم بنای ترک دارد، امر به معروف واجب است.[٤]

۵ ـ در امر به معروف و نهی از منکر زخمی کردن و کشتن معصیت‌کار بدون اجازه حاکم شرع جایز نیست، مگر آنکه منکر از اموری باشد که در اسلام اهمیت بسیار زیادی دارد؛ مثل آنکه شخصی بخواهد انسان بی‌گناهی را بکشد و جلوگیری از او بدون مجروح کردن وی ممکن نباشد.[۵]

٦ ـ در امر به معروف و نهی از منکر قصد قربت شرط نیست، بلکه غرض از این واجب، عمل به معروف و ترک منکر است؛ ولی اگر قصد قربت کند، دو پاداش دارد.[٦]

۷ ـ در وجوب نهی از منکر فرقی بین گناه بزرگ (معصیت کبیره) و گناه کوچک

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في شرائط وجوبهما، ص ٤٦٨، م ۸ .

۲ ـ همان، الشرط الثانی، م ۳ .

۳ ـ همان، م ۵ .

٤ ـ همان، الشرط الثالث، م ٤ .

۵ ـ همان، القول في مراتب امر بالمعروف و النهی عن المنکر، المرتبة الثالثة، ص ٤٦۸، م ۱۱ و ۱۲.

٦ ـ همان، القول في اقسامهما و کیفیة وجوبهما، ص ٤٦۹، م ۱۳.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

(معصیت صغیره) نیست، پس اگرکسی مرتکب گناه صغیره هم بشود نهی او واجب است.[١]

٨ ـ اگر شخصی به قصد انجام کار حرام، مقدّمات آن را شروع کند، پس اگر انسان:

* بداند به انجام آن موفق می‌شود نهی او واجب است.

* بداند به انجام آن موفق نمی‌شود نهی او واجب نیست، مگر از آن باب که مقدمه حرام هم منکر است یا جرأت کردن برکار حرام هم معصیت است و باید جلوگیری شود.

* نمی‌داند به آن موفق می‌شود یا نه حکم فرض قبلی را دارد.[٢]

٩ ـ اگر بداند یا احتمال دهد که نهی او در حضور جمع مؤثر است (نه تنهایی)، اگر انجام دهنده، آن عمل را آشکارا انجام می‌دهد، جایز بلکه واجب است او را در جمع نهی کند و اگر چنین نیست، بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.[٣]

١٠ ـ اگر بداند که امرِ شخص دیگری به گناهکار مؤثر است، واجب است به آن شخص امر کند تا او را بدان کار وادارد.[٤]

١١ ـ اگر تأثیر امر و نهی متوقف بر ارتکاب حرام یا ترک واجب باشد، جایز نیست و وجوب ساقط است، مگر از امور بسیار مهمی باشد که شارع مقدس راضی به تخلّف از آن نباشد و آنچه را برای جلوگیری از آن کار مرتکب می‌شود بدان اهمیت نباشد؛ مثل اینکه برای جلوگیری از قتل یک انسان بی‌گناه لازم باشد، بدون اجازه وارد خانه دیگران شود.[٥]

---

١ ـ تحریرالوسیله، ج ١، م ١٤.

٢ ـ همان، م ١٥.

٣ ـ همان، القول في شرائط وجوبهما، الشرط الثاني، ص ٤٦٨، م ٦.

٤ ـ همان، م ١٠.

٥ ـ همان، م ١٢.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

آداب امر به معروف و نهی از منکر

سزاوار است، امرکننده به معروف و نهی‌کننده از منکر:

* مانند طبیبی دلسوز و پدری مهربان باشد.

* قصد خود را خالص کند و تنها برای رضای خداوند اقدام کند و عمل خود را از هرگونه برتری‌جویی پاک گرداند.

* خود را پاک و منزّه نداند، چه بسا همان شخصی که اکنون خطایی از او سرزده است، دارای صفات پسندیده‌ای باشد که مورد محبت الهی است، هرچند این عمل او هم اکنون ناپسند و مورد غضب الهی باشد.[1]

پرسش

۱ـ معروف و منکر را توضیح داده و برای هریک چهار مثال بزنید.

۲ـ آیا نهی از منکر نسبت به گناهی است که انجام شده یا گناهی که در شرف انجام است؟

۳ـ اگر انسان ببیند کسی با لباس نجس نماز می‌خواند یا غذای نجس می‌خورد آیا واجب است به او تذکر دهد؟ چرا؟

٤ـ اگر دیدیم دو نفر شطرنج‌بازی می‌کنند، آیا واجب است آنها را از این کار نهی کنیم؟

٥ـ آیا امر به معروف و نهی از منکر از عبادات است؟ چرا؟

٦ـ خرید کالا از قاچاق‌فروش، محتکر و دروغگو، چه حکمی دارد؟

۱ـ تحریرالوسیله، ج ۱، في مراتب امر بالمعروف و النهي عن المنكر، المرتبة الثالثة، ص ٤٨١، م ١٤.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ٤٧

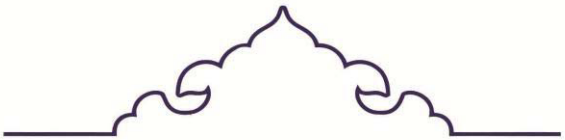

امر به معروف و نهی از منکر (۲)

معروف ها

در اصطلاح فقهی، کلیه واجبات و مستحبات **معروف** هستند، لذا در دروس گذشته برخی از آنها مطرح شده و در ضمن درس های آینده نیز تعداد زیادی از آنها مطرح خواهد شد، اما در این درس بعضی از معروف هایی که در اثناء مطالب کتاب، احکام آنها مطرح نشده یا تنها اشاره‌ای به آن شده باشد آورده می‌شود.

طلب علم

دانش آموختن و طلب علم از جمله مهم‌ترین خواسته‌های دین اسلام است و جزو با فضیلت ترین اعمال شمرده شده است و در برخی موارد به عنوان فریضه از آن یاد شده است.

۱- یاد گرفتن مسائلی را که انسان غالبا به آن نیاز دارد و واجب است.

۲- فراگیری علومی که ضروری جامعه اسلامی است، مانند دانش فقه، طب و برخی از علوم طبیعی واجب کفایی است و بر افرادی که شرایط تحصیل آن و بر طرف کردن نیاز جامعه را دارند واجب است اقدام کنند.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۳- یاد دادن احکام و مسائل ضروری دیگری به افراد جاهل در صورتی که جهل آنها سبب ترک واجب یا ارتکاب حرام بشود واجب است.

مبارزه با بدعت

بدعت عبارت است از انجام دادن عملی که جزء دین نیست یا از دین بودن آن ثابت نیست به نام دین یا آموختن آن به دیگران، خواه از عبادات باشد یا غیر آنها، مانند تحریف قرآن.

۱- مبارزه با بدعت به اظهار علم بر عالمان دینی واجب است. در روایت آمده است: «اگر عالم به رویارویی با بدعت ها برنخیزد و دانش خود را به منظور روشن کردن افکار عمومی عرضه نکند دچار نفرین خداوند می‌شود».

۲-بیزاری جستن از بدعت گزاران و ترک تعظیم آنان و بر حذر داشتن حرام از نزدیک شدن و ارتباط ایشان واجب است.

۳-اگر در اسلام بدعتی واقع شود و سکوت علمای دین و رؤسای مذهب(اعلی الله کلمتهم) موجب هتک اسلام و تضعیف اعتقادات مسلمین شود بر آنان واجب است به هر وسیله‌ای که ممکن است انکار نمایند چه انکار آنها در ریشه کن ساختن فساد مؤثر باشد یا نباشد.

٤-ارشاد جاهل یه احکام شرعی، واجب است، ولی ارشاد به موضوع واجب نیست. به طور مثال کسی که می‌داند نماز خواندن با لباس نجس باطل است ولی نمی‌داند لباسش نجس شده است لازم نیست به او بگوید و همچنین اگر یکی از میهمان‌ها بفهمدغذا نجس است لازم نیست به سایر میهمان‌ها بگوید در حالی که خودش نباید غذای نجس را بخورد، ولی در امور مهمی که شارع مقدس به آن اهمیت زیادی داده است، مثل آتش زدن قرآن یا اموری که مفسده مهمی بر آن مترتب است،

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

مثل آن که موجب تفرقه بین مسلمانان و آدم کشی خواهد شد، در اینگونه موارد ارشاد به موضوع واجب است.

۵-اگر شخصی بخواهد انسان بی گناهی را به خیال آنکه محارب است بکشد یا با کسی که خواهر رضاعی اوست بخواهد ازدواج کند، چون این‌گونه امور دارای اهمیت بسیار زیادی است یا مفسده مهمی برآن مترتب خواهد شد، ارشاد وی واجب است.

توبه از گناه

۱-توبه از گناه، واجب فوری است.

۲-توبه از اهمّ واجبات الهی است که در قرآن کریم و روایات با تأکید فراوان به آن سفارش شده است.

۳-توبه از گناه به معنای پشیمانی از گناه همراه با تصمیم بر ترک آن است و چنانچه وظیفه‌ای به دنبال داشته باشد آن وظیفه را نیز عمل کند، بدین شرح:

الف) در حقوق الهی، مثل ترک نماز، روزه، حج و مانند آن، قضا آن را نیز بجا آورد.

ب) در حقوق مردم (حق الناس) صاحب حق را راضی کند و چنانچه دسترسی به وی ندارد و حق مالی است به عنوان مظالم عباد به افراد فقیر بپردازد و احتیاط آن است که از حاکم شرع اجازه بگیرد.

سلام کردن

سلام و احترام به دیگران از سنن رایج پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و به آن امر فرموده و بهترین و ساده ترین و کم هزینه ترین شیوه ارتباط با هنوعان به ویژه مؤمنان و احترام به آنان است، سلام موجب الفت و وحدت و همدلی و برطرف کننده کدورت و اختلاف و بددلی است.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درباره سلام و فضیلت آن و اجر و ثواب بسیار زیاد و آثار مفید آن، روایات بسیار زیادی وارد شده است و شاید بتوان آن را یکی از بدیهی‌ترن معروف‌ها دانست، چرا که همه مسلمانان بلکه همهٔ انسان‌ها خوبی آن را درک می‌کنند، هر چند خودشان به آن عمل نکنند.

۱-سلام کردن به دیگران مستجب ولی پاسخ به آن واجب است.

۲-پاسخ سلام، واجب فوری است یعنی انسان بدون تأخیر باید جواب سلام کننده را بدهد حتی اگر در حال نماز باشد.

۳-جواب سلام باید طوری باشد که اگر مانعی در کار نیست سلام کننده بشنود.

٤-اگر دو نفر همزمان به یکدیگر سلام کنند، هر یک واجب است جواب سلام دیگری را بدهد.

٥-جواب سلام کسی که از روی شوخی یا مسخره کردن سلام داده واجب نیست.

٦-جواب سلام گویندگان رادیو و تلویزیون، هر چند پخش زنده باشد، واجب نیست.

حفظ نظام اسلامی

در اندیشه امام خمینی ﷺ، «فقه تئوری و کامل ادارهٔ انسان و جامعه از گهواره تا گور است» و «حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفهٔ علمی تمامی فقه در تمام زوایای زندگی است».[۱]

اگر احکام اجتماعی اسلامی برای اداره جامعه است بی شک بدون تشکیل حکومت چنین امری امکان پذیر نخواهد بود، و چنانچه حکومتی براساس مبانی اسلام تشکیل شد حفظ آن واجب قطعی است و بی درنگ یکی از معروف هایی است که امر به آن واجب و غفلت از آن گناه بزرگی است، لذا به فرموده امام راحل: اگر حفظ اسلام یک فریضه الهی است، بالاتر از تمام فرائض، یعنی هیچ فریضه‌ای در

۱. صحیفه نور، ج۲۱، ص۲۸۹.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

اسلام بالاتر از حفظ خود اسلام نیست، اگر حفظ اسلام جزء فریضه های بزرگ است و بزرگترین فریضه است، بر همهٔ ما و شما و همهٔ ملت و همه روحانیون، حفظ این جمهوری اسلامی، از اعظم فرائض است.

۱- حفظ نظام اسلامی، واجب عینی است.

۲- اعمالی که موجب حفظ نظام اسلامی می‌شود عبارت‌اند از:

- حفظ و تقویت باورهای دینی مردم
- حفظ وحدت امّت اسلامی و حضور در صحنه های مختلف، مثل انتخابات
- اطاعت از رهبری

۳- اعمالی که موجب تضعیف نظام اسلامی خواهد شد نقطه مقابل اموری است که در مساله قبل گفته شد؛ یعنی اعمالی که موجب تضعیف اعتقادات و ایمان مردم نسبت به مبانی دینی خواهد شد و نیز:

.ایجاد اختلاف و تفرقه بین آحاد ملت

.سرپیچی از اوامر ولی فقیه و رهبر امت اسلامی

رعایت قوانین و مقررات

شاید کمتر کسی است که نداند رعایت قوانین و مقررات، امری لازم و تخلف از آن موجب هرج و مرج و بی بند و باری در جامعه خواهد بود، برای هر نظام سیاسی مهم‌تر از قوانین مترقی، مراعات قانون است لذا این امر نه تنها یک معروف شرعی بلکه معروف عادی و مردمی است ، یعنی حتی کسانی که معتقد به ادیان الهی نیستند، مطلوب بودن بلکه ضرورت آن را درک می‌کنند.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

□ ۱- مراعات مقررات دولت اسلامی لازم و تخلف از آن جایز نیست.[۱]

۲-به طور کلی قوانین و مقرراتی که جهت حفظ نظم و برای جلوگیری از اختلال نظام و ناامنی تصویب و اعلام شده، لازم است رعایت شود و تخلّف از آنها جایز نیست و اگر کسی تخلف کرد و آنها را نادیده گرفت تعزیر او به هرنحوکه حاکم شرع صلاح دانست، اعم از جزای نقدی یا شلاق، مشروع و بلامانع است.

۳-خرید و فروش اجناسی که از سوی دولت اسلامی، قاچاق اعلام شده، باید مطابق مقررات اعلام شده باشد.[۲]

٤-استفاده از دفترچه خدمات درمانی دیگران، یا در اختیار گذاشتن دفترچه خود برای استفاده دیگران در صورتی که برخلاف مقررات دولت اسلامی باشد جایز نیست.

پرسش

۱. چهار نمونه از معروف‌هایی که در کتاب نیامده، نام ببرید.
۲. در چه صورتی فراگیری یک رشته علمی واجب و در چه صورتی حرام است؟
۳. اگر انسان ببیند دو نفر در حال بازی شطرنج هستند، آیا نهی کردن آنها واجب است؟ چرا؟
٤. بدعت را توضیح داده، مثال بزنید.
٥. آیا می‌دانید سرّاینکه سلام به دیگران از جواب سلام ثواب بیشتری دارد چیست؟
٦. چرا حفظ نظام اسلامی از نماز مهمتر است؟

---

۱ .استفتاآت، ج۱، ص ۷٤، س ۱۷۷، به فتوای برخی از فقهاء، تخلف از مقررات اگر موجب هرج و مرج یا بر هم خوردن انتظام عمومی بشود جایز نیست.

۲ .استفتاآت، ج۱، ص ٤۷، س۱۳۲.

۲. همان ، ص ٥٤، ص ۱٤۸.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ٤٨

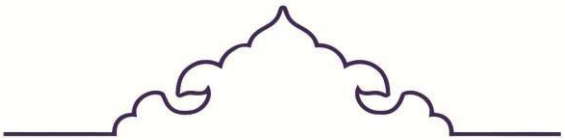

امر به معروف و نهی از منکر (۳)

منکرها

به طور کلی همهٔ گناهان اعم از کبیره و صغیره و مکروه‌ها، جزو منکرات هستند ولی بررسی و ارائه احکام تمام آنها از گنجایش این کتاب بیرون است، لذا به برخی از آنها که دارای اهمیت بسیاری است و بیشتر مورد ابتلا است می‌پردازیم.

دروغ

۱. دروغ از کارهای حرام و از گناهان بزرگ است.[۱]

۲. انسان در حال ناچاری هم تا می‌تواند نباید دروغ بگوید، بلکه باید توریه کند، یعنی چیز دیگری غیر از آنچه شنونده متوجه می‌شود، قصد کند. مثلاً شخصی او را به خوردن غذایی دعوت می‌کند که خوردن آن غذا برایش حرام است، ولی نمی‌تواند واقعیت را بگوید و در جواب می‌گوید میل ندارم و قصدش این است که به غذای حرام میل ندارد، در حالی که شنونده خیال می‌کند که او غذا خورده و سیر است.[۲]

---

۱. استفتاآت؛ ج ۲، ص ٦١٦، س ٤ و ۲.

۲. المکاسب المحرمة، مرتضی انصاری، ج ۱، ص ٤٧، فی حرمة الکذب.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۳. اگر امر بسیار مهمی در پیش باشد، مثل کشته شدن یک فرد یا از هم پاشیدن نظام خانواده، گفتن دروغی که از آن جلوگیری کند، اشکال ندارد.[۱]

غیبت

اگر صفتی ناروا در شخصی باشد یا کاری انجام داده باشد که خلاف است و دیگران از آن بی‌اطلاعند و دوست ندارد کسی آن را برای دیگران بازگو کند، بازگو کردن آن پشت سر او نزد دیگران، «غیبت» است.[۲]

۱. غیبت، هم برای گوینده و هم برای شنونده حرام است.[۳]

۲. اگر انسان از کسی غیبت کرده باشد، باید از آن گناه توبه کند، و لازم نیست به او بگوید.[٤]

۳. اگر شخصی نماز نمی‌خواند، ولی این گناه خود را آشکار نمی‌کند، غیبت او جایز نیست، اگرچه باید او را امر به معروف کرد.[٥]

فحش و لعن

۱- فحش و ناسزا گفتن به مؤمن حرام است.

۲- شوخی هایی که گاهی در آن الفاظ توهین آمیز به کار می‌رود حرام است.

۳- در توبه از فحش علاوه بر پشیمانی و تصمیم بر ترک، باید کسی را که به او

---

۱. استفتاآت؛ ج ۲، ص ٦۱٦، س ۱.

۲. همان، ص ٦۱۸، س ۹.

۳. همان.

٤. همان، ص ٦۲۰، س ۱٥ و ۱٦. به فتوای برخی از فقها، در صورتی که مفسده‌ای نداشته باشد باید رضایت غیبت شونده را به دست آورد.

٥. همان، س ۱۸.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

فحش داده است راضی کند؛ ولی اگر راضی نشد یا دسترسی به او نداشت و یا مفسده‌ای بر آن مترتب باشد، گرچه لازم نیست ولی باید جبران آن اهانت را به وسیله تعریف نمودن از او در میان مردم و به واسطه دعا و استغفار برای او بنماید.

٤- لعن مؤمن، زنده یا مرده، حرام است.

استهزاء

استهزاء آن است که آدمی گفتار یا کردار یا صفات دیگران را با سخن یا عمل یا اشاره یا کنایه طوری نقل و حکایت کند که سبب خندهٔ دیگران شود.

استهزای مؤمن حرام است و چنانچه در حضور او نباشد غیبت نیز خواهد بود.

غَصب

غصب آن است که انسان به ناحق و از روی ظلم، بر اموال یا حقوق دیگران مسلط شود.

اقسام غصب:

۱. اموال:
- **شخصی**؛ مانند سرقت از منزل یا مغازهٔ کسی.
- **عمومی**؛ مانند برداشتن لوازم اداره، نپرداختن خمس و زکات.

۲. حقوق:
- **شخصی**؛ مانند نماز خواندن در مکانی که دیگری در مسجد برای خود گرفته است تا زمانی که به طور متعارف این حق را برای او قائل هستند.
- **عمومی**؛ مانند جلوگیری از استفاده مردم از مسجد یا پل و خیابان و سدّ معبر.[1]

۱. تحریرالوسیله؛ ج ۲، کتاب الغصب، ص ۱۷۳، م ۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

احکام غصب

۱. تمام اقسام غصب حرام است و از گناهان بزرگ به شمار می‌رود.[۱]

۲. اگر انسان چیزی را غصب کند، مرتکب کار حرام شده و باید آن را به صاحبش باز گرداند و اگر آن چیز از بین برود، باید عوض آن را به او بدهد.[۲]

۳. اگر مال غصبی را خراب کند، باید آن را با مزد ساختش به مالک آن بدهد و اگر تفاوتِ قیمتِ ساخته و نساخته آن بیشتر از مزد ساخت باشد، باید تفاوت قیمت آن را هم بدهد.[۳]

۴. اگر در چیزی که غصب کرده، تغییری داده که از صورت اولش بهتر شده (مثلاً از طلایی که غصب کرده، گوشواره ساخته)، چنانچه صاحب مال بگوید که آن را به همین صورت بده، غاصب باید آن را به او بدهد و نمی‌تواند برای زحمتی که کشیده، مزد بگیرد و نیز غاصب حق ندارد آن را به شکل اولش برگرداند.[۴]

کمک به ستمکار

۱. ظلم و یاری ظالم در ستم به دیگران، بلکه در هر کار حرامی که مرتکب می‌شود، حرام است.[۵]

۲. کمک به ستمگران در غیر کار حرام تا وقتی که جزء اعوان و اطرافیان و منسوبان آنها به حساب نیاید و اسمش در دفتر آنها ثبت نشود و سبب زیادی قدرت و شوکت آنان نباشد، جایز است.[۶]

---

۱. تحریر الوسیله، ج۲، ص ۱۶۵، م ۳.
۲. همان، ص ۱۶۵، م ۳.
۳. همان، توضیح المسائل؛ م ۲۵۵۳.
۴. همان، م ۲۵۵۴.
۵. همان، تحریر الوسیله؛ ج ۱، ص ۴۷۳، م ۱۴.
۶. همان، ص ۴۷۳، م ۱۴.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

رشوه

١. گرفتن و دادن رشوه برای صدور حکم باطل، قطعاً حرام است، ولی چنانچه کسی برای رسیدن به حقش چاره‌ای جز پرداخت رشوه نداشته باشد، برای رشوه‌دهنده، جایز، ولی برای گیرنده، حرام است.[١]

٢. تغییر عنوان رشوه سبب حلال شدن آن نمی‌شود، مثلاً به عنوان هدیه، بخشش، شیرینی یا هر عنوان دیگر.[٢]

٣. کسی که رشوه گرفته، واجب است آن را به صاحبش برگرداند.[٣]

مجسمه سازی

١. ساختن مجسمه دو گونه است:

- **مجسمه انسان و حیوان،** حرام است.
- **مجسمه غیرآنها،** مانند درختان و گل‌ها، اشکال ندارد.[٤]

٢. کسب از راه مجسمه‌سازی و مزد گرفتن برای ساخت آن حرام است.

٣. خرید، فروش، نگهداری و استفاده از مجسمه اشکال ندارد.

٤. نقاشی کردن تصویر انسان و حیوان، اشکال ندارد، هرچند احتیاط مستحب ترک آن است.[٥]

---

١. تحریرالوسیله؛ ج ٢، ص ٣٨٥، م ٦.

٢. همان.

٣. همان.

٤. همان، ج ١، ص ٤٧٢، م ١٢. به فتوای برخی از فقها، ساختن مجسمه انسان و حیوان اگر به قصد تمثل به فعل الهی و بت‌سازی و بت‌پرستی نباشد اشکال ندارد.

٥. همان، ص ٤٧٢، م ١٢.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

قمار

۱- هر نوع بازی ، که شرط کنند شخص برنده از کسی که بازی را باخته پول یا چیز دیگری بگیرد، قمار و حرام است، به جز در مسابقات اسب دوانی (سبق) و تیراندازی (رمایه)[۱]

۲- مسابقه ـ ورزشی یا غیر آن ـ اگر همراه با حرام نباشد، از نظر اسلام بی اشکال و گاهی پسندیده است . آنچه موجب مسابقات می شود، معمولا دو امر است :

الف) به کار گرفتن ابزار قمار در مسابقات .

ب) شرط برد و باخت و گرفتن چیزی از طرف مقابل[۲]

بنابراین، احکام مسابقات و بازی‌ها را می توان اینگونه خلاصه کرد:

بازی
- **۱- با ابزار قمار:** حرام، چه بدون برد و باخت و چه با آن .
- **۲- بدون ابزار قمار**
  - ۱.بدون برد و باخت ـ جایز.
  - ۲.با برد و باخت ـ حرام .[۳]

استفتاء

س ۱.بازی‌های سرگرم کننده ولی بدون شرط بندی ; مانند شطرنج و تخته نرد و غیره ، چگونه است ؟

ج ـ بازی با آلات قمار، مطلقاً حرام است .[۴]

---

۱ – استفتاآت، ج۲، ص ۹ و ۱۰.

۲ – مقصود از برد و باخت آن است که از برنده از بازنده چیزی یا خدمتی بگیرد، بنابراین اگر فقط برنده و بازنده اعلام می شود و گرفتن چیزی و خدمتی در بین نیست، یا مؤسسه و سازمانی به برنده جایزه ای می دهد اشکال ندارد.

۳ – استفتاآت، ج۲، ص ۹ و ۱۰ و ۱۱.

٤ – همان، س ۱۸.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

س ٢- اگر شطرنج ، آلت قمار بودن خود را به کلی از دست داده باشد و چون امروزه ، تنها به عنوان یك ورزش فکری از آن استفاده گردد، بازی با آن چه صورتی دارد ؟

ج - بر فرض مذکور اگر برد و باختی در بین نباشد اشکال ندارد.[1]

س ٣ – وضع بازی بیلیارد از لحاظ شرعی چگونه است؟

ج – هر چه که از آلات قمار محسوب باشد بازی با آن حرام است.[2]

سقط جنین

حکم از بین بردن جنین به این شرح است:

الف. پیش از چهار ماهگی (پیش از روح‌دار شدن):

١. باقی ماندن جنین برای مادر خطر دارد ← جایز است.

٢. باقی ماندن جنین برای مادر خطر ندارد ← حرام است.

ب. پس از روح‌دار شدن ← جایز نیست، هرچند باقی ماندن آن برای مادر خطر داشته باشد یا ناقص الخلقه و عقب افتاده باشد.

سقط جنین دیه اگر روح‌دار باشد، کفاره نیز واجب است.[3]

---

١ – استفتاآت، ج٢، ص ١٠، س ٢١. به فتوای برخی از فقها، بازی با شطرنج مطلقاً حرام است.

٢ – همان، ج٣، ص ٨، س ١٥.

٣– همان، صص ٢٨٦ تا ٢٩٢ و تحریر الوسیله، کتاب الدیات، ص ٥٩٨، م ٢.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

پرسش

۱- مراعات نکردن نوبت، غصب است یا نه؟ کدام نوع آن؟

۲- اگر شخصی قبل از بلوغ چیزی را غصب کند و سپس صاحب آن بمیرد و غاصب قیمت آن را هم نداند تکلیف چیست؟

۳- با مراجعه به کتاب‌های مفصل فقهی، موارد استثنای غیبت را برشمارید.

٤- چه اعمالی ملحق به سحر و حرام است؟

٥- شخصی مسئول خرید یک وزارتخانه است، برخی از شرکت‌ها و فروشندگان، برای جذب مشتری هدیه‌ای به این شخص می‌دهند، که گاهی بسیار ارزشمند است، حکم آن را بیان کنید.

٦- در چه صورت سقط جنین جایز است؟

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۴۹

جهاد و دفاع

اقسام جهاد

تلاش برای پیشبرد اسلام و مبارزه با کسانی که از پذیرش آن سرباز زده‌اند «جهاد ابتدایی» نام دارد، جهاد دارای تاکتیک‌ها و شیوه‌های ویژه‌ای است که فقط به امر پیامبر اکرم ﷺ و جانشینان وی که از هرگونه لغزش و اشتباه در امان هستند، عملی می‌گردد و اختصاص به زمان حضور معصومین علیهم‌السلام دارد و در زمان ما ـ که عصر غیبت امام معصوم علیه‌السلام است ـ واجب نیست. ولی نوع دیگر مبارزه با دشمنان که «جهاد دفاعی» یا «دفاع» نام دارد، حقّ مسلّم همه مسلمانان است که در هر زمان و در هر جا که مورد هجوم دشمنان قرار گرفتند، یا آیین و مذهبشان در خطر بود، برای حفظ جان و نگهداری از آیین خود، با دشمنان مبارزه کنند و زمینه اصلاح جامعه و کمال افراد انسانی را فراهم آورند.

اقسام دفاع

اقسام دفاع
- ۱ـ دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی
- ۲ـ دفاع از جان و حقوق شخصی

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی

اگر دشمن بر کشورهای اسلامی هجوم آورد،

یا نقشه تسلط بر منابع اقتصادی یا نظامی مسلمانان را کشیده باشد،

یا نقشه تسلط سیاسی بر کشورهای اسلامی را داشته باشد، بر همه مسلمانان واجب است هرگونه که بتوانند در مقابل هجوم دشمنان بایستند و با نقشه‌های آنان مخالفت کنند.[۲]

دفاع از جان و حقوق شخصی

۱ ـ جان و مال مسلمانان محترم است و چنانچه کسی بر انسان حمله آورد یا به خویشان وی، مانند پسر، دختر، پدر، مادر و برادرش، هجوم آورد، دفاع و جلوگیری از او واجب است، هر چند منجر به قتل مهاجم شود.[۳]

۲ ـ اگر دزدی برای دزدیدن اموال انسان هجوم آورد، دفاع و جلوگیری از او واجب است.[۴]

۳ ـ اگر کسی برای دیدن نامحرم به خانه دیگران نگاه کند، جلوگیری او از آن کار واجب است، هر چند با زدن او باشد.[۵]

٤ ـ دفاع از اسلام یا جان، مشروط به حضور امام معصوم علیه‌السلام و اجازه آن حضرت یا نایب خاص یا عام او (فقیه جامع‌الشرایط) نیست؛ یعنی در همه وقت و همه جا دفاع واجب است.[۶]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، فصل في الدفاع، ص ٤٨٥.

۲ ـ توضیح‌المسائل، م ۲۸۲٦ تا ۲۸۲۹.

۳ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، فصل في الدفاع، القول في القسم الثاني، ص ٤٨٧، م ۳.

٤ ـ همان، م ٥.

٥ ـ همان، م ۳۰.

٦ ـ همان، م ۲.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

آموزش فنون نظامی

در این زمان که مسائل نظامی پیشرفت بسیاری کرده و دشمنان اسلام به انواع سلاح‌های پیشرفته مجهّز شده‌اند، دفاع از اسلام وکشورهای اسلامی بدون فراگیری فنون نظامی ممکن نیست و ازآنجاکه دفاع، بدون آموزش نظامی امکان ندارد، برتمام افرادی که توانایی و قدرت یادگیری آن را دارند و احتمال می‌رود که به شرکت آنها در جبهه دفاع از اسلام وکشور اسلامی نیاز باشد، آموزش نظامی واجب است.[1]

خدمت سربازی

دفاع ازکشورهای اسلامی و حفظ آنها از خطر هجوم دشمنان، اختصاص به زمان جنگ و درگیری ندارد، بلکه در هر حال، افراد زیادی باید با آمادگی کامل رزمی در مرزهای کشور برای جلوگیری از هجوم احتمالی دشمن، حاضر باشند وگروهی دیگر برای مبارزه با دشمن داخلی وتبهکاران اقدام کنند. بنابراین برتمام افرادی که توانایی دارند، لازم است که دربرهه‌ای ازعمر خود این خدمت مقدس را انجام دهند.

استفتاء

س: نظر امام راجع به سربازی کسانی که مشمول قانون نظام وظیفه هستند و در این زمان حساس به سربازی نمی‌روند چیست؟

ج: باید به سربازی بروند و تخلّف از مقرّرات جایز نیست.[2]

س: آیا رفتن به سربازی برای مشمولینی که مشکلاتی دارند، از نظر شرعی لازم است؟

ج: باید به سربازی بروند و یا مطابق مقرّرات معافی بگیرند و تخلّف جایز نیست.[3]

---

١ ـ استفتا.

٢ ـ استفتاآت، ج ١، ص ٥٠٢، س ٣٤.

٣ ـ همان، ص ٤٦١، س ٢.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

اجازه پدر برای رفتن به جبهه دفاع یا سربازی

۱ ـ اگر دشمن به کشور اسلامی هجوم آورد و جبهه دفاع به نیرو نیاز داشته باشد، برای رفتن به جبهه، نیاز به اجازه والدین نیست.[۱]

استفتاء

س: پدر من اجازه نمی‌دهد به خدمت اعزام شوم؛ یعنی به سربازی بروم، وظیفه شرعی من چیست؟

ج: اگر مشمول نظام وظیفه هستید باید بروید و رضایت پدر در آن اعتبار ندارد.[۲]

س: اینجانب تنها پسر خانواده هستم، اکنون که تکلیف شرعی شده که به جبهه بروم، والدینم مخالفت می‌کنند، البته ایشان معتقد به اسلام و انقلابند، ولی چون مادرم دچار ناراحتی قلبی است مرا از رفتن منع می‌کنند، آیا مجاز هستم که بدون توجه آنان به جبهه بروم؟

ج: تا موقعی که جبهه‌ها نیاز به نیرو دارند، شرکت در جبهه واجب است و اذن والدین شرط نیست.[۳]

وظیفه بانوان

هرچند جهاد ابتدایی، حتی در زمان حضور امام معصوم علیه‌السلام بر زنان واجب نیست ولی دفاع بر هر شخصی ـ حتی بانوان ـ در هر زمان و هر جا در حدّ توانایی و امکانات واجب است.[۴]

---

۱ ـ چند استفتا، ص ۱۹، س ۷.

۲ ـ استفتاآت، ج ۱، ص ٤۹۳، س ٦ و ص ٤۹٦، س ۱۵.

۳ ـ همان، س ۱٤.

٤ ـ همان، ج ۳، ص ٤۳، س ۷.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

فرار از جبهه

فرار از جبهه، از گناهان بزرگ شمرده شده و در هیچ حالی جایز نیست.[۱]

غنایم جنگی

در دوران هشت سال دفاع مقدس که سربازان اسلام در یک جنگ تحمیلی و نابرابر در برابر دشمن متجاوز، بلکه جهان شرک و کفر ایستادند، بنا به تقیدی که رزمندگان جبهه حق به احکام شرع داشتند و ضرورتی که ایجاب می‌کرد، برخی از احکام موضوعات نوظهور در جنگ‌های امروز، از محضر بنیانگذار جمهوری اسلامی و فرماندهی کل قوا امام خمینی قدس‌سره استفتاء شد تا راهگشای فرماندهان و رزمندگان باشد. با استفاده از پرسش‌ها و پاسخ‌های آن دوران غنائم را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف) غنایم عمومی: مانند اسلحه و مهمات و ادوات جنگی، که باید به مسئولان نظامی تحویل شود و جزو بیت‌المال قرار گیرد و مربوط به نظام اسلامی است.

ب) غنایم شخصی: مانند لباس و ساعت و رادیو و پول، که برداشتن آنها برای رزمندگان اشکال ندارد.[۲]

اسیر و شهید

هرچند احکام مربوط به اسیرانی که از نیروهای دشمن گرفته می‌شود و شهیدان نیروهای اسلام، بسیار است که بخشی از احکام مربوط به شهدا در درس «احکام درگذشتگان» خواهد آمد، اما نسبت به اسیران دشمن، چه آنها که تسلیم شده‌اند و چه آنها که دستگیر شده‌اند، هرگونه آزار و اذیت آنان جایز نیست و مسأله آزادی یا

---

۱. استفتائات، ص ۴۲، س ۳.

۲. همان، ص ۴۸، س ۲۸ - ۲۷ و ص ۵۱، س ۴۰.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

نگهداری یا مبادله آنها به ولیّ‌فقیه و فرماندهی کل قوا مربوط است و او هرگونه صلاح بداند عمل می‌کند.

استفتاء

س ـ گرفتن اموال شخصی اسیران و نیز اموال غیرشخصی آنان صحیح است یا خیر؟

ج ـ اموال شخصی اسرا را نباید از آنان بگیرند و ادوات جنگی را باید از چنگ آنان درآورند و به مسئولین مربوطه تحویل دهند.[1]

پرسش

۱ ـ تفاوت جهاد و دفاع چیست؟

۲ ـ در چه صورتی مبارزه با سارق و دزد واجب است؟

۳ ـ دلیل واجب بودن خدمت سربازی چیست؟

٤ ـ در چه صورت، رفتن به سربازی باید با رضایت والدین باشد؟

٥ ـ حکم غنائم جنگی در حال حاضر چیست؟

۱ ـ استفتاآت، ج ۳، ص ۵۲، س ٤۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

فصل ششم:

واجبات مالی

- زکات
- خمس
- انفال
- کفارات
- مظالم عباد

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۵۰

زکات(۱)

﴿... وَأَقِيمُوا الصَّلَوٰةَ وَءاتُوا الزَّكَوٰةَ وَأَقْرِضُوا اللهَ قَرْضا حَسَنا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُم مِنْ خَيرٍ تَجِدُوهُ عِندَاللهِ هُوَ خَيرا وَأَعْظَمَ أَجْرا ...﴾[۱]

«... ونماز را برپا دارید وزکات را بپردازید وقرض نیکو به خدا بدهید وهرکار خوبی برای خویش پیش فرستید، آن را نزد خداوند بهتر و با پاداشی بیشتر بازخواهید یافت».

احکام دین، برای اداره زندگی انسان‌هاست. برای عملی ساختن این هدف والا، تشکیل حکومت اسلامی ضروری است. وظیفه اساسی حکومت اسلامی «اداره جامعه بزرگ اسلامی» است و برای انجام این مسئولیت، هزینه و سرمایه لازم است و یکی از راه‌های تأمین آن ادای واجبات مالی است.

پرداختن زکات، یکی از واجبات دینی و از وظایف مهم اقتصادی مسلمانان است. در آیات بسیاری از قرآن کریم[۲] پرداختن زکات در کنار اقامه نماز قرار گرفته و از ویژگی های مؤمنان و حکومت صالحان شمرده شده است. معصومان علیهم‌السلام نیز در روایات متعددی بر این وظیفه مهم تأکید کرده و اهمیت و آثار آن را بیان فرموده‌اند.[۳]

---

۱. مزمل: ۲۰.

۲. مانند آیه ۱۷۷ سوره بقره، آیه ۱۱ سوره توبه، آیه ٤ سوره مؤمنون و آیه ۷۸ سوره حج.

۳. در کتاب شریف وسائل الشیعه، ج ٦، ص ۱۸ تعدادی از این روایات نقل شده است.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

زکات، باید مانند نماز و روزه با نیت و به قصد قربت و اطاعت دستور خداوند پرداخت شود و اگر با این قصد نباشد، زکات محسوب نمی‌شود و وظیفه انجام نشده است. پس زکات رنگ معنوی و الهی دارد و از عبادات شمرده می‌شود.

اقسام زکات

زکات بر دو قسم است: یک قسم آن زکات بدن و حیات است که هر سال یک مرتبه در روز عید فطر پرداخت می‌شود و به نام زکات فطره معروف است و بر تمام کسانی که فقیر نباشند، واجب است. قسم دوم زکات اموال است که موارد معینی دارد.

زکات اموال

اموالی که زکات دارند و در اصطلاح فقهی به آنها «مُتعلّقات زکات» گفته می‌شود، بدین شرح است:

الف. غلاّت: گندم، جو، خرما، کشمش؛

ب. دام‌ها: گوسفند، گاو، گاومیش، شتر؛

ج. سکه‌ها: طلا و نقره.[1]

پس زکات با شرایطی بر کشاورزان، باغداران، دامداران و سکه‌داران واجب است که احکام و شرایط هرکدام را در ادامه خواهیم گفت.

وظیفه کشاورزان و باغداران

کسانی که گندم یا جو کشت می‌کنند یا درختان خرما و انگور دارند، چنانچه محصول و میوه به دست آمده کمتر از ۸۴۷ کیلو و ۲۰۷ گرم[2] نباشد، باید زکات آن را بپردازد و اگر از این مقدار کمتر باشد، زکات ندارد. به این مقدار حد «نصاب» گفته

---

۱ توضیح المسائل، م ۱۸۵۳.

۲ برخی از فقها، نصاب غلات را کمی بیشتر از این مقدار دانسته‌اند.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

می‌شود. البته می‌توانند هزینه‌های به دست آمدن محصول را از آن کسر کنند و زکات باقیمانده آن را بپردازند.[۱]

کسر مخارج

هزینه‌ها را به طور خلاصه می‌توان به مخارج کاشت، داشت و برداشت تقسیم کرد.

- **مخارج کاشت؛** مانند بذر، کود، مزد تراکتور و شخم زدن زمین، مزد تسطیح و آماده‌سازی زمین، پول نهال و درخت خریداری شده، مزد بذرپاشی و نهال‌کاری، مخارج کانال‌کشی، جویسازی، لایروبی، حفر چاه و قیمت وسیله‌ای که برای کاشت همان محصول خریداری شده است، مثل موتور پمپ و لوله. اما چنانچه از وسیله خریداری شده، در فعالیت‌های دیگر کشاورزی یا باغداری استفاده می‌کند و یا در سال‌های دیگر نیز از آن استفاده می‌شود، تنها قیمت استهلاک مقداری که برای کاشت همین محصول در همین سال بوده، محاسبه می‌شود؛ ولی احتیاط آن است که قیمت استهلاک دستگاه‌ها را محاسبه نکنند.
- **مخارج داشت؛** مانند مزد آبیاری، نگهبانی، سم‌پاشی، قیمت سم، مزد زدودن علف‌های هرز و هَرَس و اصلاح درختان و مزد آفت‌زدایی، قیمت آب خریداری شده و قیمت وسایل آب‌رسانی و مخارج حفاری و لایروبی قنات که برای همین محصول صرف شده، همان‌گونه که در مخارج کاشت گفته شد.
- **مخارج برداشت؛** مانند مزد میوه‌چین، دروگر و کمباین، هزینه جدا کردن دانه از کاه، و خشک کردن خرما.

مزد کار صاحب محصول جزء مخارج به حساب نمی‌آید؛ یعنی نباید برای کار خودش مزدی قرار دهد و آن را از محصول کسر کند و نیز کرایه زمین و وسایلی که از

---

۱ توضیح المسایل، م ۱۸٦٤. به فتوای برخی از فقها، ملاحظه نصاب پس از کسر مخارج است.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

خودش است، محاسبه نمی‌شود؛ مثلاً اگر با تراکتور خودش زمین را شخم زده، نمی‌تواند بگوید اگر تراکتور اجاره میکردم، فلان مبلغ میگرفت و آن مبلغ را از مخارج این محصول به حساب آورد.[۱]

دو مسأله

۱. اگر انسان، مزرعه گندم و جو را پیش از دانه بستن، خرما را پیش از سرخ شدن و انگور را پیش از غوره شدن، خریداری کند یا از راه دیگر به ملکیت او درآید، مثلاً به او ببخشند یا به او ارث برسد، باید زکات آن را بپردازد؛ ولی اگر پس از آن باشد، زکات آنها بر او واجب نیست، بلکه بر عهده مالک قبلی است؛ ولی اگر بداند مالک قبلی زکات آن را نپرداخته، مقدار زکات آن مال را مالک نمی‌شود.[۲]

۲. آنچه از گندم و جو، پیش از خوشه بستن چیده می‌شود ـ مثلاً برای خوراک دام ـ یا از غوره و انگور یا خرما، اگر پیش از چیدن تمام آنها مصرف کند، مقدار مصرف شده، زکات ندارد؛ هرچند احتیاط مستحب است زکات همین مقدار را نیز بپردازد. ولی اگر از انگور و خرما یا گندم و جو که زکات آن واجب شده مصرف کند، باید زکات مقدار مصرف شده را نیز بپردازد.[۳]

وقت پرداخت زکات غلّات

۱. زمان پرداخت زکات گندم و جو، پس از درو کردن و جدا کردن آنها از کاه است و زمان پرداختن خرما و انگور پس از چیدن آنهاست.[۴]

---

۱. تحریر الوسیله، ج۱، ص۳۱۳، م۲؛ توضیح المسائل، م ۱۸۸۰ و ۱۸۸۲. نسبت به کسر برخی از این هزینه‌ها مراجع تقلید نظرات متفاوتی دارند که تفصیل آن در رساله توضیح المسائل و کتب مفصل فقهی آمده است.

۲. همان، ص ۳۰۹، م۷؛ همان، م ۱۸۶۲ و ۱۸۶۹.

۳ همان، ص۳۰۹، م۷، همان، م ۱۸۶۸ و ۱۸۶۹.

٤ تحریر الوسیله، ج۱، ص ۳۰۸، م ٤؛ توضیح المسائل، م ۱۸٦٥.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۲. پس از جدا کردن زکات از اموال لازم نیست فوراً آن را بپردازد؛ ولی اگر به کسی که می‌توان به او زکات داد دسترسی دارد، احتیاط مستحب است تأخیر نیندازد و چنانچه تأخیر انداخت و زکات تلف شد، ضامن است و باید بپردازد.[۱]

مقدار زکات غلاّت

مقدار زکات غلاّت بدین شرح است:

الف. اگر دیم بوده و از باران یا نم زمین استفاده کرده یا از آب رودخانه و نهر و چشمه و قنات و امثال اینها که بدون هزینه و زحمت است، مشروب شده، زکات آن یک($\frac{۱}{۱۰}$) است؛ یعنی یک کیلو از هر ده کیلو، محصول زکات است.

ب. اگر با آب دستی یا موتورپمپ آبیاری شده، زکات آن یک بیستم($\frac{۱}{۲۰}$) است..

ج. اگر به هر دو شیوه، آبیاری شده است، مسأله سه صورت دارد:

۱. بیشتر با یکی از اینها آبیاری شده؛ مثلاً همیشه آب موتورپمپ خورده وگاهی هم باران باریده؛ زکات آن یک بیستم($\frac{۱}{۲۰}$) است یا بیشتر باران باریده و مثلاً یکی دوبار هم با آب چاه آبیاری شده، زکات آن یک دهم($\frac{۱}{۱۰}$) است.

۲. با هر دو مشروب شده؛ زکاتِ نصف محصول یک دهم($\frac{۱}{۱۰}$) و زکات نصف دیگر، یک بیستم($\frac{۱}{۲۰}$) است.

۳. اگر از هر دو آبیاری شده، ولی معلوم نیست کدام یک بیشتر بوده؛ زکات آن یک بیستم($\frac{۱}{۲۰}$) است.[۲]

دو مسأله

۱. گندم و جو و خرما و کشمشی که زکات آن را داده‌اند، اگر چند سال هم بماند، مجددا زکات ندارد.[۳]

---

۱ توضیح المسایل، م ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳

۲ تحریر الوسیله، ج۱، ص ۳۱٤، المطلب الثالث؛ توضیح المسائل، م ۱۸۷۵ و ۱۸۷۷.

۳ توضیح المسائل، م ۱۸۷٤.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۲. اگر گندم و جو و خرما و کشمش که زکاتش واجب شده، خوب و بد دارد، باید زکات هرکدام از خوب و بد را از خود آن بپردازند و یا زکات همه را از جنس خوب بدهند و به احتیاط واجب نمی‌توانند زکات همه را از جنس بد بپردازند.[۱]

پرسش

۱. نصاب خرما و گندم چقدر است؟

۲. اگر مزرعه گندم را خریداری کند، زکات آنها بر عهده اوست یا فروشنده؟

۳. زکات گندمی که با موتور پمپ از رودخانه آبیاری شده است، $\frac{1}{10}$ است یا $\frac{1}{20}$؟

٤. نصاب غلات قبل از کسر مخارج محاسبه می‌شود یا پس از آن؟

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۱ همان، م ۱۸۹۵.

زکات (۲)

وظیفه دامداران

دامدارانی که گوسفند یا گاو یا گاومیش یا شتر نگهداری میکنند، با وجود شرایطی که گفته می‌شود، پرداخت زکات دام بر آنها واجب می‌شود:

الف. یک سال مالک آنها باشند.

ب. حیوان در تمام سال بیکار باشد.

ج. حیوان در تمام سال بچرد و از علف بیابان تغذیه کند.

د. تعداد دام به حدّ نصاب برسد. [۱]

توضیح شرایط

الف. گذشت سال

□ ۱. زکات دام در صورتی واجب می‌شود که صاحب آن یک سال مالک آن باشد؛ پس اگر پیش از آنکه یک سال بگذرد [۲]، دام را بفروشد، مثلاً گوسفند یا گوساله پرواری

---

۱ تحریر الوسیله، ج۱، ص ۲۸۹، فی زکاة الانعام؛ توضیح المسائل، م ۱۸۵۶ و ۱۹۰۸.

۲ به نظر برخی از فقها پس از گذشت یازده ماه، زکات واجب می‌شود.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

را هفت ـ هشت ماه نگه میدارد و می‌فروشد یا به خرید و فروش دام اشتغال دارد و هیچ‌گاه دام‌ها را یک سال نگه نمی‌دارد، زکات واجب نیست؛ ولی اگر یازده ماه نگه داشته و در ماه دوازدهم فروخته باشد، زکات آن واجب می‌شود که پس از گذشت ماه دوازدهم باید بپردازد.

ب. بیکار بودن

□ یکی از شرایط وجوب زکات دام آن است که حیوان در طول سال بیکار باشد. پس شتری که برای بارکشی یا گاوی که در شخم زدن زمین به کار گرفته می‌شود، زکات ندارد؛ ولی اگر در طول سال، یکی دو روز به کار گرفته شود، زکات آن واجب است.[۱]

ج. بیابان‌چر بودن

□ ۱. دام‌هایی که علف دستی می‌خورند یا از علف کاشته شده استفاده می‌کنند، خواه صاحب دام آن را کاشته باشد یا دیگری کاشته و او خریده یا اجاره کرده است، زکات ندارند.[۲]

۲. اگر دام، گاهی در بیابان می‌چرد و گاهی علف دستی می‌خورد یا در بخشی از سال، مثلاً تابستان در بیابان می‌چرد و در بخش دیگری، مثلاً پاییز و زمستان علف دستی می‌خورد، زکات ندارد.

۳. اگر دام، در تمام سال می‌چرد، ولی چند روزی علف دستی بخورد که عرفاً به آن حیوان بیابان‌چر بگویند، زکات دارد.[۳]

---

۱ توضیح المسائل، م ۱۹۰۸. برخی از فقها این شرط را لازم نمی‌دانند و چنانچه حیوان د ر شخم زدن و حمل بار یا امثال آن به کار گرفته شود، احتیاط واجب آن است که زکاتش پرداخت شود.

۲ همان، برخی از فقها این شرط را لازم نمی‌دانند و زکات حیوان‌هایی را که علف دستی می خورند نیز واجب دانسته‌اند.

۳ همان، م ۱۹۱۳ و ۱۹۱٤.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

د. به نصاب رسیدن

نصاب دام، تعداد معینی است که اگر حیوان‌های موجود کمتر از آن تعداد باشد، زکات ندارد. نصاب گوسفند، گاو، شتر و مقدار زکات آنها بدین شرح است.

نصاب گوسفند

اولین نصاب گوسفند، چهل رأس است و زکات آن یک گوسفند است؛ پس اگر تعداد گوسفندان کمتر از چهل رأس باشد، زکات ندارد و نصابهای بعدی آن بدین شرح است:

شماره	نصاب	مقدار زکات
۱	۱۲۱ گوسفند	۲ گوسفند
۲	۲۰۱ گوسفند	۳ گوسفند
۳	۳۰۱ گوسفند	بنابر احتیاط واجب، ٤ گوسفند
٤	٤۰۰ گوسفند و بیشتر از آن	هر صد رأس آن یک گوسفند

مقدار فاصله بین دو نصاب، زکات ندارد؛ یعنی اگر تعداد گوسفندان از یک نصاب بگذرد، ولی به نصاب بعدی نرسد، زکات نصاب پایین را باید بپردازد؛ مثلاً زکات ۱۱۱ گوسفند، یک گوسفند است.

نصاب گاو

اولین نصاب گاو سی رأس است و زکات آن یک گوساله است که یک سال آن تمام شده و وارد سال دوم شده باشد و نصاب‌های بعدی بدین شرح است[۱]:

۱- به نظر برخی از فقها، نصاب گاو دو تاست، ۳۰ و ٤۰ و بیشتر از ٤۰ با همین دو عدد محاسبه می‌شود، مثلاً زکات ٦۰ رأس گاو، دو گوساله است که وارد سال دوم شده باشد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

شماره	نصاب	مقدار زکات
۱	٤٠ گاو	یک گوساله ماده که وارد سال سوم شده باشد.
۲	٦٠ گاو	دوگوساله یک ساله
۳	بیشتر از ٦٠ گاو	برای هر ۳۰ رأس یک گوساله دوساله و هر ٤٠ رأس تا یک گوساله سه ساله[۱]

نصاب شتر

شتر دوازده نصاب دارد، بدین شرح:

نصاب	مقدار زکات
٥ شتر	۱ گوسفند
۱۰ شتر	۲ گوسفند
۱٥ شتر	۳ گوسفند
۲۰ شتر	٤ گوسفند
۲٥ شتر	٥ گوسفند
۲٦ شتر	یک شترکه وارد سال دوم شده باشد.
۳٦ شتر	یک شترکه وارد سال سوم شده باشد.
٤٦ شتر	یک شترکه وارد سال چهارم شده باشد.
٦۱ شتر	یک شترکه وارد سال پنجم شده باشد.
۷٦ شتر	دوشترکه وارد سال چهارم شده باشد.
۹۱ شتر	دوشترکه وارد سال چهارم شده باشد.
۱۲۱ شتر و بیشتر	برای هر چهل شتر، یک شترکه وارد سال سوم شده باشد.[۲]

۱ یادآوری می‌شود در این محاسبه باید طوری عمل شود که چیزی باقی نماند و اگر چیزی باقی ماند از ۹ رأس بیشتر نباشد.
۲ .توضیح المسائل، م ۱۹۱۰.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

دو مسأله

۱. اگر همهٔ حیوان‌ها سالمند، دادن حیوان ناقص و مریض به عنوان زکات آنها کافی نیست. و نیز اگر حیوانها همه جوانند، حیوان پیر و فرتوت کافی نیست، ولی اگر همه آنها همان‌گونه باشند، اشکال ندارد. [۱]

۲. در زکات، نر یا ماده بودن حیوان شرط نیست. بنابر این می‌تواند زکات حیوان‌های نر را از جنس ماده بدهد، هرچند همه آنها نر نباشند؛ یا از جنس ماده بدهد، گرچه همه آنها ماده نباشند. [۲]

وظیفه سکه‌داران

از آنجا که امروزه سکه طلا و نقره، چندان رواج ندارد و کمتر کسی است که زکات سکه بر او واجب شود، تنها به شرایط وجوب زکات سکه و نصاب و مقدار زکات آن می‌پردازیم. کسانی که طلا و نقره دارند، با شرایط زیر زکات آن واجب است:

- به نصاب لازم برسد.
- یک سال بر آن بگذرد.
- مسکوک رایج باشد. [۳]

توضیح شرایط

۱. نصاب طلا ۱۵ مثقال و نصاب نقره ۱۰۵ مثقال است و کمتر از این مقدار زکات ندارد. [۴]

---

۱ تحریر الوسیله، ج۱، ص ۳۰۳، م۱.

۲ همان

۳ همان، ج۱، ص ۳۰٤ و ۳۰۵، الفصل الثانی. توضیح المسایل، م ۱۸۹۹.

٤ همان، ص ۳۰٤؛ همان، م۱۸۹۷.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۲. اگر یازده ماه سکه‌ها را نگه داشته باشد، زکات آن واجب می‌شود که در پایان ماه دوازدهم باید بپردازد؛ ولی اگر پیش از ماه یازدهم تعدادی از آنها را بفروشد یا ببخشد که وزن مجموع باقیمانده آنها کمتر از نصاب باشد، زکات واجب نیست.[۱]

۳. طلا و نقره در صورتی‌که به صورت سکه رایج باشد[۲]، زکات دارد؛ ولی طلای شمش یا زیورآلات که به صورت سکه رایج نیست، زکات ندارد.[۳]

مقدار زکات طلا و نقره

۱. مقدار زکات طلا و نقره، همیشه یک چهلم ($\frac{۱}{٤۰}$) است؛ یعنی اگر از نصابِ گفته شده کمتر نباشد، یک چهلم آن به عنوان زکات باید پرداخت شود.[۴]

۲. اگر زکات طلا و نقره را بپردازد و تا سال دیگر آنها را نگه دارد و از نصاب کمتر نباشد، مجدداً باید زکات آن را بپردازد و همچنین در سال‌های آینده.[۵]

پرسش

۱. اولین نصاب گوسفند و مقدار زکات آن چقدر است؟

۲. شخصی اوّل اردیبهشت ۲۵ رأس گوسفند و اوّل مهر ماه همان سال ۲۰ رأس دیگر می‌خرد. زمان پرداخت زکات این گوسفندان چه وقت است؟

۳. زکات ۵۳ رأس گاو چیست؟

٤. یک شتر یک ساله، زکات چند شتر است؟

---

۱ تحریر الوسیله، ج۱، ص ۳۰۵؛ توضیح المسائل، م ۱۹۰۲.

۲ به فتوای برخی از فقها سکه طلای بهار آزادی، اگر به حد نصاب برسد زکات دارد.

۳ تحریر الوسیله، ج۱، م ۳۰۵؛ همان ۱۸۹۹ و ۱۹۰۰.

٤ تحریر الوسیله، ج۱، ص ۳۰٤.

۵ توضیح المسائل، م ۱۸۹۸.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

زکات فطره

قال الصادق علیه‌السلام «ان من تمام الصوم اعطاء الزكاة يعني الفطرة كما ان الصلوة على النبي صلی‌الله‌علیه‌وآله من تمام الصلوه .»[1]

«تکمیل روزه به پرداخت زکات یعنی فطریه است، همچنان که صلوات برپیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله کمال نماز است».

شب عید فطر، بر افراد واجد شرایط، زکاتی واجب می‌شود به نام زکات فطره، که مقدار و موارد مصرف آن خواهد آمد.

فردی که در شب عید فطر دارای این شرایط باشد زکات فطره بر او واجب است:

۱. بالغ باشد؛
۲. عاقل باشد؛
۳. بنده کسی نباشد؛
٤. فقیر نباشد.
۵. نان خور دیگران نباشد.[2]

---

۱. وسایل الشیعه، ج ٦، ص ۲۲۱، ح ۵.
۲. توضیح المسائل، م ۱۹۹۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

چنین شخصی، باید زکات خود وکسانی راکه درمغرب شب عید فطر نان‌خور او هستند، بپردازد؛ کوچک باشند یا بزرگ، مسلمان باشند یا غیرمسلمان، خرج آنان بر او واجب باشد یا نباشد، درشهر خود او باشند یا درشهر دیگر (یعنی حتی اگر فرزند او که نان‌خور اوست به مسافرت رفته باشد باید زکات اورا بدهد).[۱]

مقدار زکات فطره: هر نفر یک صاع که تقریبا ۳ کیلو است.[۲]

جنس زکات فطره: گندم یا جو یا خرما یا کشمش یا برنج یا ذرت و مانند این‌ها یا پول این‌ها.[۳]

وقت وجوب زکات فطره: شب عید فطر.[۴]

وقت پرداخت زکات فطره: از شب عید تا ظهر روز عید فطر و بهتر است که در روز عید بپردازد و اگر نماز عید می‌خواند بنابر احتیاط واجب قبل از نماز عید بپردازد.[۵]

فطره میهمان

□ ۱ ـ فطره میهمانی که پیش از غروب شب عید فطر، وارد می‌شود، در صورتی که نان‌خور[۶] میزبان حساب شود، بر میزبان واجب است و همچنین است فطره کسی که انسان را مجبور کرده‌اند که خرجی او را بدهد.[۷]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱۹۹۱.

۲ ـ همان.

۳ ـ همان.

٤ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، في زكاة الابدان، القول في وقت وجوبها، ص ۳٤۸.

۵ ـ همان؛ توضیح‌المسائل، م ۲۰۲۹.

٦ ـ میهمانی که تنها برای یک شب وارده شده نان‌خور میزبان به حساب نمی‌آید، مگر آنکه بخواهد چند شب دیگر نیز بماند.

۷ ـ تحریر الوسیله، ج ۱، في زكاة الابدان، م ۳، ص ۳٤٦؛ توضیح‌المسائل، م ۱۹۹۵ و ۱۹۹٦. به فتوای برخی از فقها، اگر بدون دعوت و رضایت صاحبخانه آمده است زکات فطره بر او واجب نیست و اگر میزبان فطره میهمان را نپردازد بر خودش واجب است.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۲ ـ فطره میهمانی که بعد از غروب شب عید فطر وارد می‌شود، بر صاحبخانه واجب نیست، اگرچه پیش از غروب او را دعوت کرده باشد و در خانه او هم افطار کند.[۱]

احکام زکات فطره

۱ ـ کسی که مخارج سال خود و اهل و عیالش را ندارد و کسبی هم ندارد که بتواند مخارج سال خود و اهل و عیالش را تأمین کند، فقیر است و دادن زکات فطره بر او واجب نیست.[۲]

□ ۲ ـ کسی که دیگری باید فطره او را بدهد واجب نیست فطره خود را بدهد، هر چند آن دیگری فطره او را نپردازد.[۳]

۳ ـ غیر سید نمی‌تواند به سید فطره بدهد، حتی اگر سیدی نان‌خور او باشد نمی‌تواند فطره او را به سید دیگر بدهد؛ مثلاً کسی که همسرش سید است، ولی خودش سید نیست، زکات فطره همسرش را نیز نمی‌تواند به سید بپردازد.[۴]

٤ ـ اگر فطره را کنار بگذارد، نمی‌تواند آن را برای خودش بردارد و مالی دیگر را برای فطره بگذارد.[۵]

۵ ـ اگر در محل خودش مستحق پیدا شود احتیاط واجب آن است که فطره را به جای دیگر نبرد و اگر به جای دیگر ببرد و تلف شود باید عوض آن را بدهد.[۶]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱۹۹۷.
۲ ـ همان، م ۱۹۹۲.
۳ ـ همان، م ۲۰۰۵ و ۲۰۰٦. به پاورقی قبلی مراجعه شود.
٤ ـ همان، م ۲۰۰۹.
۵ ـ همان، م ۲۰۳۲.
٦ ـ همان، م ۲۰۳۵.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

مصرف زکات

مصرف زکات در هشت جا است که می‌توان آن را در تمام یا برخی از این موارد، مصرف کرد. مصارف هشت‌گانه زکات در آیه ۶۰ سوره توبه آمده است:

﴿إِنَّمَا الصَّدَقاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللهِ وَاللهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾

توضیح مصارف زکات

۱ـ کسانی که مخارج لازم زندگی خود را نمی‌توانند تأمین کنند. ﴿**فقراء**﴾

۲ـ آنان که به کلّی درمانده و بینوایند. ﴿**مساکین**﴾

۳ـ کسانی که از طرف امام علیه‌السلام یا نایب او مأمور جمع‌آوری و نگهداری و توزیع زکاتند. ﴿**عاملین**﴾

۴ـ برای الفت دادن دل‌ها به اسلام و مسلمانان؛ مانند غیرمسلمانان که اگر به آنها کمکی بشود، به دین اسلام می‌گروند یا در جنگ به مسلمانان کمک می‌کنند. ﴿**مؤلفة قلوبهم**﴾

۵ـ خریداری برده‌ها و آزاد کردن آنان. ﴿**فی الرقاب**﴾

۶ـ بدهکارانی که نمی‌توانند قرض خود را بدهند. ﴿**غارمین**﴾

۷ـ در راه خدا؛ یعنی در کارهایی که نفع آن به عموم می‌رسد و مورد رضایت خداست؛ مانند ساختن جاده، پل و مسجد. ﴿**فی سبیل الله**﴾

۸ـ مسافری که در سفر درمانده است و خرج برگشت به وطن را ندارد، هر چند در وطن خود فقیر نباشد. ﴿**ابن السبیل**﴾[1]

احکام مصرف زکات

۱ـ فقیری که زکات دریافت می‌کند باید دارای این شرایط باشد:

۱ـ توضیح‌المسائل، م ۱۹۲۵.

دفتر تدوین دروس حوزه‌های علمیه

* شیعه دوازده امامی باشد؛
* واجب النفقه زکات دهنده نباشد؛ مانند همسر و فرزند؛
* اگر زکات دهنده سید نیست، زکات گیرنده نیز سید نباشد؛
* زکات را در معصیت مصرف نکند؛
* بنا بر احتیاط واجب، شرابخوار نباشد و آشکارا معصیت کبیره نکند.[۱]

۲ ـ به کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد، اگر چه مخارج او بر زکات‌دهنده واجب باشد، می‌توان زکات داد.[۲]

□ ۳ ـ اگر فرزند به کتاب‌های علمیِ دینی احتیاج داشته باشد، پدر می‌تواند برای خریدن آن کتاب‌ها به او زکات بدهد.[۳]

٤ ـ پرداخت زکات از عبادات است و باید به قصد قربت؛ یعنی برای اطاعت دستور خداوند بپردازد و در نیت معین کند که زکات مال است یا زکات فطره.[۴]

□ ۵ ـ مصرف زکات فطره، همان مصرف زکات مال است، گرچه احتیاط مستحب است که فقط به فقرای مؤمن[۵] و اطفال آنها و به مساکین بپردازد.[۶]

٦ ـ وقت پرداخت زکات:

ـ زکات طلا و نقره و دام‌ها را پس از تمام شدن یک سال
ـ زکات گندم و جو را موقعی که از کاه جدا می‌کنند
ـ زکات خرما و انگور را موقع خشک شدن

باید به فقیر بپردازد یا از مال خود جدا کند.

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۲۰۱٦، ۱۹٤۲، ۱۹٤٦ تا ۱۹٤۸ و ۱۹۵٦.
۲ ـ همان، م ۱۹٤۷.
۳ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في اوصاف المستحقین للزکاة، ص ۳۱۱، م۱؛ توضیح‌المسائل، م ۱۹۵۰. به فتوای برخی از فقها، بدون اجازه حاکم شرع نمی‌تواند به پسرش برای خرید کتاب، زکات بدهد.
٤ ـ همان، م ۱۹۵۷.
۵ ـ مؤمن در فرهنگ فقهی، شیعه دوازده امامی است.
٦ ـ توضیح‌المسائل، م ۲۰۱٤. برخی از فقها، این احتیاط را واجب دانسته‌اند.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

پس از جداکردن زکات، لازم نیست فوری آن را به مستحق بدهد، ولی اگر به مستحق دسترسی دارد، احتیاط مستحب آن است که پرداخت زکات را تأخیر نیندازد.[۱]

۷ ـ اگر زکات را از اموال خود جدا کند، می‌تواند در بقیه آن تصرف کند و اگر قیمت آن را کنار بگذارد (نه از خود آن) می‌تواند در تمام آن مال تصرف کند.[۲]

۸ ـ انسان نمی‌تواند زکاتی را که از اموالش جدا کرده، برای خود بردارد و چیز دیگری به جای آن بگذارد.[۳]

مستحبات پرداخت زکات

۱ ـ خویشان خود را بر دیگران،

ـ و اهل علم و کمال را بر غیر آنان،

ـ و کسانی را که گدایی نمی‌کنند بر گدایان مقدّم دارد.

۲ ـ زکات دام‌ها را به فقیرهای آبرومند بدهد.

۳ ـ زکات را آشکارا و صدقه مستحب را پنهانی بپردازد.[۴]

پرسش

۱ ـ زکات فطره یک خانواده پنج نفره چه مقدار است؟

۲ ـ آیا زکات فطره را از یک شهر می‌توان به شهر دیگر برد؟

۳ ـ تفاوت فقیر و مسکین چیست؟

٤ ـ برای مصرف سبیل‌الله، ده مثال بزنید.

٥ ـ در چه صورتی پدر می‌تواند به فرزند خودش زکات بدهد؟

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱۹٦۱ و ۱۹٦۲.

۲ ـ همان، م ۱۹٦٥.

۳ ـ همان، م ۱۹٦٦.

٤ ـ همان، م ۱۹۷۳ و ۱۹۷٤.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

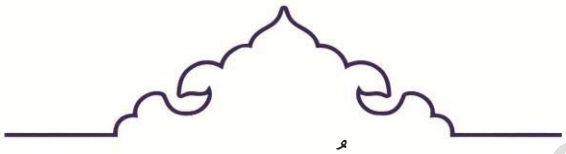

خُمس (۱)

﴿... وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُم مِن شَیْءٍ فَأَنَّ لله خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِی الْقُرْبَی وَالْیتمَی وَالْمَسکِینِ وَابْنِ السَّبِیلِ ...﴾[1]

«بدانید هر چیزی را که به دست آوردید، پنج یک آن برای خدا و رسول خدا و خویشان او و یتیمان و مسکینان و راه‌ماندگان است.»

برخی می‌پندارند، خمس و زکات، تنها بر عهده کسانی است که ثروت فراوان دارند و در رفاه کامل به سر می‌برند و در مقابل، برخی بر این باورند که تمام افراد باید خمس بپردازند و همه اموال انسان مشمول خمس خواهد بود. امّا این پندار صحیحی نیست؛ بلکه هر انسان عاقل و بالغی که یکی از موارد خمس را داشته باشد، باید $\frac{1}{5}$ آن را برای مصارفی که مشخص شده است، بپردازد و افرادی که هیچ کدام از موارد خمس یا زکات را نداشته باشند، تکلیفی ندارند؛ بلکه در برخی موارد باید به آنها خمس یا زکات داده شود.

---

۱. انفال: ۴۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

موارد وجوب خمس

* آنچه از خرج سال زیاد بیاید (منفعت کسب)؛
* معدن؛
* گنج؛
* غنائم جنگی؛
* جواهری که با فرورفتن در دریا به دست آید؛
* مال حلال مخلوط به حرام؛
* زمینی که کافرِ ذِمّی[1] از مسلمانی بخرد.[2]

پرداخت خمس، مانند نماز و روزه از واجبات است و تمام افراد بالغ و عاقل که مالک یکی از موارد هفتگانه باشند باید به تفصیلی که گفته می‌شود یک پنجم آن را بپردازند.

● **منفعت کسب**

یکی از موارد هفتگانه خمس که بر بیشتر افراد جامعه واجب می‌شود، خمسِ چیزی است که از خرج سال انسان و خانواده‌اش زیاد بیاید. برای روشن شدن این مسأله باید به پاسخ دو پرسش بپردازیم:

۱. مراد از خرج سال چیست؟

۲. آیا یک سال با ماه‌های قمری محاسبه می‌شود یا شمسی و ابتدای آن چه وقت است.

مخارج سال (مؤونه)

مراد از مخارج، تمام چیزهایی است که انسان در زندگی خود و خانواده‌اش بدان

---

۱. ذِمّه = عهد و پیمان، غیر مسلمانانی که در ممالک اسلامی زندگی می‌کنند و با آنان پیمان بسته‌اند که مقرّرات اجتماعی مسلمانان را مراعات کنند و مالیات معینی هم بپردازند و در مقابل، جان و مال آنها در امان باشد، کافران ذمی هستند.

۲. توضیح‌المسائل، م ۱۷۵۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

نیاز دارد که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

* خوراک وپوشاك؛
* اثاثیه منزل مانند ظرف، فرش و...؛
* وسیله نقلیه‌ای که برای کسب وکار نیست؛
* مخارج میهمانی؛
* مخارج ازدواج؛
* کتاب‌های مورد نیاز؛
* آنچه در راه زیارت مصرف می‌کند؛
* جوایز و هدایایی که به کسی می‌دهد؛
* صدقه، نذر و یا کفّاره‌ای که پرداخت می‌کند.[1]

بنابراین هر کس در طول سال می‌تواند تمام مخارج مورد نیاز خود را از درآمدش تأمین کند و در پایان سال، اگر چیزی اضافه نیامد، پرداخت خمس واجب نیست، ولی پس از آنکه به طور متعارف و در حدّ نیاز خود زندگی را گذراند، اگر در پایان سال چیزی اضافه آمد، یک پنجم آن را باید برای مصارف مشخصی بپردازد و چهار پنجم آن را می‌تواند مصرف یا برای خود پس‌انداز کند.

سال خمسی

انسان از اوّلین روز بلوغ خود باید نماز بخواند و در اوّلین ماه رمضان روزه بگیرد و پس از گذشت یک سال از اوّلین درآمدی که به دست آورده است، خمس اضافه بر مخارج سال گذشته را بپردازد؛ بنابراین در محاسبه خمس، ابتدای سال، اوّلین درآمد و پایان آن گذشتن یک سال شمسی از آن تاریخ است.

---

۱. العروة الوثقی، ج ۲، کتاب الخمس، فصل ۱، ص ۳۹۴.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

پس؛ ابتدای سال برای:

*کشاورز ـــــــــــ اوّلین محصولی است که برداشت می‌کند.

*کارمند ـــــــــــ اوّلین حقوقی است که دریافت می‌کند.

*کارگر ـــــــــــ اولین مزدی که می‌گیرد.

* مغازه‌دار ـــــــــــ اوّلین معامله‌ای که انجام می‌دهد.[۱]

وکسی که سالیانی از بلوغ اوگذشته و در این مدت درآمدهایی داشته ولی خمسی نپرداخته، باید با مراجعه به مرجع تقلید خود یا نماینده وی، خمس مالش را محاسبه و بدهی خود را بپردازد و روز حسابرسی و پرداخت خمس، اول سال خمسی او خواهد بود.

چند مسأله

۱ ـ اگر انسان با قناعت چیزی از مخارج سال زیاد بیاورد، باید خمس آن را بپردازد.[۲]

□ ۲ ـ اگر اثاثیه‌ای که از درآمد بین سال ـ پیش از پرداختن خمس آن ـ برای منزل خریده، نیازش از آن برطرف شود، واجب است خمس آن را بدهد، مثل آنکه یخچال بزرگ‌تری بخرد و به یخچال قبلی نیاز نداشته باشد.[۳]

۳ ـ آذوقه‌ای که از درآمد سال برای مصرف سالش خریده؛ مانند برنج، روغن و چای، اگر در آخر سال زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد.[۴]

□ ٤ ـ اگر کودک غیر بالغ سرمایه‌ای داشته باشد و از آن سودی به دست آید، بنابر احتیاط واجب باید پس از بلوغ، خمس آن را بدهد.[۵]

---

۱ ـ العروة الوثقی، ج ۲، کتاب الخمس، فصل ۱، م ٦۰.

۲ ـ توضیح المسائل، م ۱۷۵٦.

۳ ـ همان، م ۱۷۸۱. به فتوای برخی از فقها، پرداختن خمس در این صورت واجب نیست.

٤ ـ همان، م ۱۷۸۰.

۵ ـ همان، م ۱۷۹٤. به فتوای برخی از فقها، خمس آن واجب نیست.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

□ ۵ ـ مالی که به انسان برسد ولی درآمد کسب و در مقابل کار نباشد، خمس ندارد؛ مانند: ارث، هدیه، جایزه، مهریه و مالی که به عنوان خمس یا زکات یا صدقه دریافت کرده است.[۱]

خمس سرمایه

□ ۱ ـ سرمایه کسب و ابزار کار اگر از درآمد کسب و حقوق، تهیه شده خمس دارد.[۲]

۲ ـ اگر زمین موات را برای کشاورزی احیا کند، اصل زمین نیز خمس دارد.[۳]

● **معدن**

هرچه که در عرف مردم «معدن» نامیده شود، اگر محصول آن به حدّ نصاب برسد خمس دارد از جمله معادن می‌توان: طلا، نقره، سرب، مس، نفت، ذغال سنگ، فیروزه، عقیق و نمک را نام برد.[۴]

نصاب معدن

اگر قیمت آنچه از معدن به دست آمده پس از کَسر مخارج به قیمت ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا برسد، بنابر احتیاط واجب باید یک پنجم آن به عنوان خمس پرداخت شود.[۵]

---

۱ ـ العروة الوثقی، ج ۲، کتاب الخمس، فصل ۱، ص ۳۸۹، السابع، ص ۳۹۰، م ۵۱؛ توضیح المسائل، م ۱۷۵۳ و ۱۷۵٤. به فتوای برخی از فقها، اگر در بین سال از آن استفاده نشود باید خمس آن را بپردازد.

۲ ـ همان، ص ۳٤۹، س ۱۵. به فتوای برخی از فقها، سرمایه کسب و ابزار کار به مقداری که برای تأمین مخارج زندگی به آن نیاز است خمس ندارد.

۳ ـ همان، ص ۳٤۷، س ٦

٤ ـ توضیح المسائل، م ۱۷۹۸.

۵ ـ همان، م ۱۷۹۹.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

پرسش

۱ـ کدام یک از موارد خمس، بر اکثر افراد جامعه واجب می‌شود؟

۲ـ کدام یک از این موارد جزو مخارج زندگی به حساب می‌آید: کتاب، تلفن، اتومبیل، عینک، مغازه؟

۳ـ آیا حقوق بازنشستگی و عیدی کارمندان دولت خمس دارد؟

٤ـ آیا پولی که برای ازدواج یا خرید منزل پس‌انداز شده خمس دارد؟

۵ـ آیا معادن نفت و مس و منگنز که دولت آنها را استخراج می‌کند خمس دارد؟

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ٥٤

خمس(۲)

• گنج

گنج، مالی است که درزمین یا درخت یا کوه یا دیوار پنهان باشد وکسی آن را پیدا کند و طوری باشد که به آن «گنج» بگویند.[۱]

نصاب گنج

اگر قیمت گنج یافت شده، پس ازکسر مخارج به ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا برسد، خمس دارد.[۲]

گنج و محل آن [۳]

۱ ـ درملک خودش یافت شود مال خود اوست و باید خمس آن را بدهد.

۲ ـ درجایی که ملک کسی نیست؛ مثلاً دربیابان یا کوه یافت شود مال خود اوست و باید خمس آن را بدهد.

۳ ـ درملک دیگران پیدا کند متعلق به صاحب ملک است.

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱۸۰٦.

۲ ـ همان، م ۱۸۰۸.

۳ ـ چنانچه نظام اسلامی قانون و مقررات خاصی نسبت به گنج داشته باشد، باید رعایت شود.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

در ملکی که از دیگران خریده پیدا شود:
- ۱. بداند از صاحبان قبلی آن ملک نیست، برای خود او می‌شود و باید خمس آن را بدهد.
- ۲. احتمال دهد که مال یکی از آنان است، باید به او اطلاع دهد و اگر معلوم شود مال او نیست باید به مالکین قبلی اطلاع دهد و اگر معلوم شود مال هیچ یک از آنان نیست، مال خود او می‌شود و باید خمس آن را بدهد

● **مال حلال مخلوط به حرام**

۱ ـ اگر اموال انسان با اموال دیگران مخلوط شود، ممکن است یکی از این حالت‌ها را داشته باشد:

الف) صاحب آن معلوم
- **مقدار آن معلوم** ← باید آن مقدار را به صاحبش برگرداند.
- **مقدار نا معلوم** ← باید یکدیگر را راضی کنند.

ب) صاحب آن نامعلوم
- **مقدار معلوم** ← باید آن مقدار را به نیّت صاحبش صدقه بدهد و احتیاط واجب آن است که از حاکم شرع هم اجازه بگیرد.
- **مقدار نامعلوم** ← باید خمس آن را بپردازد و بقیّه حلال می‌شود[۲]

۲ ـ اگر خمس مال حلال مخلوط به حرام را بدهد و بعد بفهمد که مقدار حرام بیشتر از خمس بوده، چنانچه مقدار زیادی معلوم باشد، بنابر احتیاط واجب باید مقداری را که می‌داند از خمس بیشتر بوده، از طرف صاحب آن صدقه بدهد.[۳]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱۸۰۷ و ۱۸۰۹.
۲ ـ همان، م ۱۸۱۳ تا ۱۸۱۵.
۳ ـ همان، م ۱۸۱٦.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

● **جواهری که با غوّاصی به دست آمده**

اگرکسی با غواصی و فرورفتن در دریا جواهری به دست آورد و پس ازکسر مخارجی که برای بیرون آوردن آن شده، قیمتش به ۱۸ نخود طلا برسد، باید خمس آن را بدهد.[۱]

● **غنیمت**

اگر مسلمانان به امر امام معصوم علیه‌السلام با کفّار جنگ کنند و چیزهایی در جنگ به دست آورند، غنیمت است و پس ازکسر مخارج حمل و نقل و نیز مقداری که امام علیه‌السلام صلاح می‌داند به مصرفی برساند وکنارگذاشتن آنچه سهم خاص امام معصوم علیه‌السلام است، بقیه آن خمس دارد.[۲]

● **زمینی که کافر ذمّی از مسلمانی بخرد**

کافر ذمّی، غیرمسلمانی است‌که تحت شرایطی تحت حمایت حکومت اسلامی زندگی می‌کند، چنین کسی اگرزمینی را ازمسلمانی خریداری کند، باید یک پنجم آن را به عنوان خمس تحویل دهد.[۳]

پی آمدهای ندادن خمس

۱ ـ انسان، تا خمس مالش را ندهد نمی‌تواند درآن تصرف کند؛ یعنی غذایی که درآن خمس باشد نمی‌تواند بخورد و با پولی که خمس آن را نداده، نمی‌تواند چیزی بخرد.[۴]

□ ۲ ـ اگربا پول خمس نداده، خرید و فروش کند (بدون اجازه حاکم شرع) یک پنجم آن معامله باطل است.[۵]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱۸۱۹.

۲ ـ همان، م ۱۸۲۸.

۳ ـ همان، م ۱۸۲۹.

٤ ـ همان، م ۱۷۹۰.

٥ ـ همان، م ۱۷٦۰. به فتوای برخی از فقها، معامله صحیح است ولی خمس آن را باید بپردازد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۳ ـ اگر با پول خمس نداده آب بخرد و با آن وضو بگیرد یا غسل کند، باطل است.[۱]

٤ ـ اگر با پول خمس نداده خانه بخرد، نماز خواندن در آن باطل است.[۲]

۵ ـ اگر چیزی را که خمس آن داده نشده، به کسی ببخشد، یك پنجم آن چیز را مالک نمی‌شود.[۳]

مصرف خمس

خمس مال را باید دو قسمت کرد: نصف آن را، که سهم امام زمان علیه‌السلام است، به مجتهد جامع الشرایطی که از او تقلید می‌کند، یا به نماینده او بپردازد و نصف دیگر را باید یا به مجتهد جامع‌الشرایط بدهد، یا با اجازه او به سادات دارای شرایط بپردازد.[۴]

شرایط سیدی که می‌توان به او خمس داد:

* فقیر باشد یا در سفر مانده باشد، هر چند در شهر خود فقیر نباشد.

* شیعه دوازده امامی باشد.

* آشکارا معصیت نکند (بنابر احتیاط واجب) و دادن خمس، کمک بر گناه او نباشد.

* از افرادی که مخارج آنان بر عهده اوست؛ مانند همسر و فرزند نباشد (بنابر احتیاط واجب).[۵]

انفال

انفال جمع نَفل، به معنای زیاده و بخشش است و در اصطلاح فقه، اموال عمومی است که در اختیار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و جانشین وی قرار دارد تا در مصالح عمومی جامعه به

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۳۸۳.

۲ ـ همان، م ۸۷۳.

۳ ـ همان، م ۱۷٦۳.

٤ ـ همان، م ۱۸۳٤.

۵ ـ همان، م ۱۸۳۵ تا ۱۸٤۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

کارگیرند و در زمان غیبت، این اموال در اختیار حاکم اسلامی خواهد بود و موارد آن بدین شرح است:

١ ـ فِیء، و آن چیزی است که بدون لشکرکشی و جنگ به دست مسلمانان افتاده است، خواه زمین باشد یا غیر آن.

٢ ـ اراضی موات، که جز با احیا و آباد کردن قابل استفاده نیست.

٣ ـ شهرها و روستاهایی که اهالی آن کوچ کرده‌اند.

٤ ـ سواحل دریاها و رودخانه‌ها، بلکه هر زمین بی صاحب.

٥ ـ جنگل‌ها، نیزارها و قلل کوه‌ها.

٦ ـ اموال پادشاهان.

٧ ـ غنائم برجسته و ارزشمند.

٨ ـ غنائم به دست آمده در جنگی که بدون اجازه امام علیه‌السلام باشد.

٩ ـ ارث بدون وارث.

١٠ ـ معادنی که در زمین شخصی کسی نیست یا کسی آن را احیا نکرده است.[1]

پرسش

١ ـ نصاب معدن و گنج چه مقدار است؟

٢ ـ در گمرک یکی از بنادر مقدار زیادی کالا که از سال‌ها قبل مانده است با کالای دیگران مخلوط شده، تکلیف این کالاها چیست؟

٣ ـ آیا سهم سادات را می‌توان به عمو، عمه، عمه‌زاده و فرزندزاده داد؟

٤ ـ رابطه خمس و نماز چیست؟

٥ ـ کدام دسته از غنائم جنگی جزو انفال است؟

٦ ـ چهار نمونه از معادنی که جزو انفال می‌باشد، نام ببرید.

---

١ ـ تحریرالوسیله، ج ٢، کتاب الخمس، القول في الأنفال، ص ٣٦٨ و کتاب البیع، ج ٣، ص ١٤.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

کفّارات، مظالم عباد

کفّارات

کفّاره، جریمه‌ای است برای ارتکاب برخی ازگناهان و این غیر از حدّ و تعزیر و دیه و قصاص است و به دست خودِ گناهکار انجام می‌شود و نیازی به حکم حاکم ندارد.

برخی از موارد کفاره در بحث روزه و حج گذشت و برخی نیز مربوط به ایام حیض بانوان است که احکام مربوط به آن در کتب مفصل فقهی و در رساله‌های عملیّه آمده است و برخی دیگر از گناهانی که کفاره دارد، همراه با نوع و مقدار و کیفیت ادای آن در این درس خواهد آمد.

کفاره اقسام و احکامی دارد که مکلف با شناخت آنها باید به وظیفه خود عمل کند.

اقسام کفاره

۱. **مُرتّبه** ← کفاراتی که در صورت ناتوانی از اوّلی نوبت به بعدی می‌رسد.

۲. **مخیره** ← کفاراتی که مکلّف در انتخاب یکی از آنها اختیار دارد.

۳. **مخیره و مرتبه** ← کفاراتی که قسم اول و دوم، هر دو در آن وجود دارد.

٤. **جمع** ← مواردی که گناهکار تمام موارد کفاره را باید انجام دهد.[۱]

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الکفارات، ص ۱۲۵.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

برخی ازگناهان کفاره‌داروکفاره هریك[۱]

نوع	گناه	کفاره
مرتبه	۱ .باطل کردن روزه قضای ماه رمضان، بعد از ظهر	ده مسکین طعام ودرصورت ناتوانی، سه روزروزه پی درپی
	۲ .قتل خطایی	آزاد کردن برده، دوماه روزه، شصت مسکین طعام
مخیره	۱ .باطل کردن عمدی روزه ماه رمضان؛ ۲ .تخلّف نذر(عمل نکردن به نذر)؛ ۳ .تخلّف عهد (عهدشکنی)؛ ٤ .زنی که درمصیبت موی خود را پریشان کند.	کفاره تمام این موارد عبارت است از: * آزاد کردن برده، * یا دوماه روزه، * یا اطعام شصت مسکین
مخیره ومرتّبه	۱ .تخلّف ازقسم (شکستن قسم)؛ ۲ .کندنِ زن، موی سرخود درمصیبت یا خراشاندن صورت؛ ۳ .چاک دادن مرد، لباس خود درسوگ فرزند یا همسر.	درتمام این موارد، مخیراست بین: * آزاد کردن برده واطعام یا لباس دادن به ده مسکین ودرصورت ناتوانی ازهمه اینها، سه روزروزه بگیرد.
جمع	۱ .قتل عمد؛ ۲ .افطارعمدی روزه ماه رمضان با عمل حرام.	بنابراحتیاط واجب، درهردومورد باید: * یک برده آزاد کند، * ودوماه روزه بگیرد، * وبه شصت مسکین طعام بدهد؛ ودرصورت ناتوانی ازبرخی، باید بقیه را انجام دهد.

احکام کفّارات

۱ .پرداختن کفاره باید به نیت کفاره وبا قصد قربت باشد.[۲]

۲ .مسکینی که می‌توان به اوکفاره داد، همان فقیری است که مستحق زکات است.[۳]

۳ .دراطعام مسکین، تفاوتی نیست بین اینکه طعام را به خودش تحویل دهد یا اورا

---

۱ .همان. به فتوای برخی از فقها، کفاره تخلّف نذر همان کفاره تخلّف قسم است.

۲ .تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الکفارات، ص ۱۲۷، م ۲.

۳ .همان، ص ۱۳۱، م ۱۸.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

دعوت کند و به او غذا بدهد تا سیر شود؛ ولی اگر بخواهد غذا را به خودش تحویل دهد، حداقل باید یک مدّ (حدود ۷۵۰ گرم) باشد و احتیاط مستحب دو مُدّ است.[۱]

استفتاء

س ۱ .بر شخصی که کفاره جمع تعلّق گرفته، آیا بنده آزاد کردن از او در این زمان ساقط است؟

ج .ساقط است.[۲]

س ۲ .آیا از گوشت گوسفندی که حاجی به عنوان کفاره می‌دهد خودش هم می‌تواند بخورد یا نه؟

ج .نمی‌تواند بخورد.[۳]

مظالم عباد

۱ .مظالم عباد در اصطلاح به اموال و بدهی هایی گفته می‌شود که انسان از روی ظلم و بی عدالتی از بندگان خدا گرفته و نپرداخته است.[۴]

۲ .وظیفه انسان نسبت به مظالم عباد:

الف) اگر صاحبش را می‌شناسد باید رضایت او را جلب کند.

ب) اگر صاحبش را نمی شناسد.

- اگر عین آن مال موجود است، مثلاً کالایی است که هنوز از بین نرفته، باید همان را به فقیر بدهد.
- اگر عین آن موجود نیست و مثل آن یافت می‌شود باید مثل آن را تهیه کند و به فقیر بدهد.

---

۱ .همان، ص ۱۲۹، م ۱۱.

۲ .استفتاآت، ج ۲، ص ۴۸۹، س ۱۵.

۳ .همان، ص ۴۸۷، س ۸.

۴ .جامع المسائل، آیت الله فاضل، ج ۲، ص ۴۲۶، س ۱۲۰۰.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

● اگر نمونهٔ آن یافت نمی شود، قیمت آن را به ارزش فعلی باید به فقیر بدهد.[۱]

استفتاء

س ۱ ـ اگر کسی در کوچکی از کسی پول یا چیزی برداشته باشد و حالا خواسته باشد از این گناه بزرگ بریءالذمّه شود، آیا می‌تواند آن را از طرف صاحبش به فقیر بدهد؟ و اگر جواب منفی است چگونه باید آن را جبران کند؟

ج ـ اگر صاحب آن را می‌شناسد باید رضای او را تحصیل کند، و اگر او را نمی‌شناسد از طرف او به فقیر صدقه دهد.[۲]

س ۲ ـ پول هایی که به جبهه و مستمندان و درالایتام داده می‌شود می‌توانیم ردّ مظالم حساب کنیم؟

ج ـ مظالم باید به فقرا داد شود.[۳]

پرسش

۱ ـ تفاوت کفاره تخلف نذر و تخلف قسم چیست؟

۲ ـ اگر فقیر به پول نیاز داشته باشد آیا می‌توان پول کفاره را به او داد؟

۳ ـ آیا کفاره را می‌توان به مؤسّساتی مثل کمیته امداد و بهزیستی داد؟

٤ ـ در چه مواردی، روزه، کفاره برخی ازگناهان است؟

۵ ـ مصرف مظالم عباد چیست؟

---

۱ ـ جامع المسائل، آیت الله فاضل، ج ۲، ص ٤۲٦، س ۱۲۰۰.

۲ ـ همان، ج ۳، ص ۵۷٦، به فتوای اکثر فقها، مظالم عباد باید با اجازه حاکم شرع به فقیر پرداخت شود.

۳ ـ همان، ج ۳، ص ۵۷۷، س ۲۷.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

فصل هفتم:

معاملات

- خرید و فروش
- اجاره سر قفلی و جعاله
- قرض و رهن
- ضمانت وکالت و کفالت
- شرکت و حجر
- ودیعه و عاریه و لقطه
- مضاربه
- مزارعه و مساقات

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

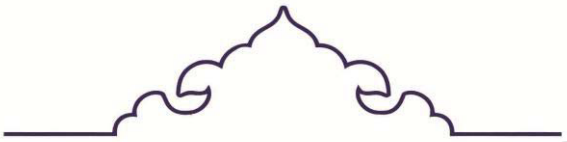

خرید و فروش (۱)

﴿یا أَیهَا الَّذینَ امَنُوا لاتَأکُلُوا اَمْوالَکُم بَینَکُم بِالْباطِلِ الاّ اَنْ تَکُونَ تِجارَةً عَنْ تَراضٍ مِنکُم ...﴾[1]

«ای مؤمنان در اموال یکدیگر تصرف ناروا نکنید، مگر آنکه داد و ستدی از روی رضایت باشد...»

در تعالیم اسلام، نسبت به کار و تلاش برای تأمین معاش تأکید فراوان شده و بیکاری و تنبلی و سربار دیگران بودن به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است. در سخنان پیامبر خدا ﷺ آمده است که:«جوان بیکار مورد غضب خداوند است و کسی که به جهت تنبلی و بیکاری سربار جامعه باشد، از رحمت خدا به دور و مورد لعن و نفرین اوست»[2]

همان‌گونه که در آموزه‌های دین آموختن دانش و طلب علم به عنوان فریضه و کاری ضروری و واجب شمرده شده، به دنبال کار رفتن و کسب درآمد حلال نیز وظیفه و تکلیف الهی است:

---

۱. نساء: ۲۹.

۲. فروع کافی، ج۵، ص ۷۳.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

قال رسول الله ﷺ: «**طلب الحلال فريضةٌ على كلّ مسلمٍ ومسلمة**»[1] «در پی روزی حلال رفتن، بر هر مرد و زنی لازم است.»

چنانچه این تلاش، به قصد خیر و به نیت رفع نیاز خود و افراد تحت تکفّل و نیز کمک به مستمندان صورت گیرد، عبادتی بزرگ است.

هر چند اسلام انسان‌ها را به کار و تلاش تشویق کرده، ولی هر کاری را مجاز و هر درآمدی را مشروع نمی‌داند؛ لذا برای قانون‌مند شدن فعالیت‌های اقتصادی و به سامان رسیدن تلاش‌های درآمدزا، مقرّرات ویژه‌ای دارد و درآمدهایی که مطابق آنها به دست بیاید، مشروع و خلاف آن را نامشروع می‌داند؛ مثلاً درآمدی را که از راه فعالیت شخصی در کشتزارها و بستان‌ها به دست آید، یا از راه تجارت و خرید و فروش یا اجاره و استخدام، یا مزارعه و مساقات و مانند اینها کسب شود، درآمد حلال می‌داند و آنچه از راه سرقت، ربا، رشوه و امثال اینها به دست آید، درآمد حرام می‌داند.

یکی از راه های متداول کسب درآمد و معاملات متعارف بین افراد جامعه، خرید و فروش (بیع) است که دانستن اقسام و احکام آن برای مصون ماندن از ربا و... اکل مال به باطل، لازم است.

اقسام خرید و فروش
- ۱. واجب
- ۲. حرام
- ۳. مستحب
- ٤. مکروه
- ٥. مباح

---

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۹.

خرید و فروش واجب

تلاش برای تحصیل مخارج زندگی، واجب است وکسانی که به جز از راه خرید و فروش نتوانند مخارج خود را تأمین کنند، واجب است با خرید و فروش، خرج زندگی خود را به‌دست آورند و محتاج دیگران نشوند.[١]

خرید و فروش مستحب

خرید و فروش برای توسعه در مخارج زندگی خود و خانواده و نفع رساندن به مسلمانان مستحب است؛ مثلاً کشاورزی که با کاشتن محصول خرج خود را به‌دست می‌آورد، چنانچه در اوقات فراغت به خرید و فروش بپردازد تا از این راه بتواند به مستمندان کمک کند، ثواب دارد.[٢]

خرید و فروش حرام

١ ـ خرید و فروش نجاسات، بنا بر احتیاط واجب، مگر مواردی که استثنا شده است؛ مثل فروش خون برای درمان بیمار.

٢ ـ خرید و فروش چیزهایی که منافع معمولی آنها حرام است؛ مانند ابزار قمار.

٣ ـ خرید و فروش چیزی که از راه قمار یا دزدی به دست آمده باشد.

٤ ـ معامله‌ای که در آن ربا باشد. (معامله ربوی)

٥ ـ خرید و فروش کتاب‌های گمراه‌کننده.

٦ ـ فروش سلاح یا چیز دیگر به دشمنان اسلام که موجب تقویت آنان بر ضد مسلمانان باشد.[٣]

خرید و فروش حرام، موارد دیگری هم دارد که اکنون مورد ابتلا نیست.

---

١ ـ توضیح‌المسائل، م ٢٠٥٣.

٢ ـ همان، م ٢٠٥٣.

٣ ـ تحریرالوسیله، کتابُ المکاسب والمتاجر، ص ٤٩٣، م ٩، ١١ و ١٥؛ توضیح‌المسائل، م ٢٠٥٥ و ٢٠٧٠.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

استفتاء

س ـ استفاده مرد از طلای زرد حرام است. خرید و فروش انگشتر طلای زرد برای مردان توسط طلافروشی‌ها چه حکمی دارد؟

ج ـ جایز نیست.[1]

در این موارد خرید و فروش مکروه است:

* معامله با مردم پَست؛

* خرید و فروش بین اذان صبح و طلوع آفتاب؛

* برای خریدن کالایی که دیگری می‌خواهد بخرد وارد معامله او شدن.[2]

چنانچه خرید و فروش، یکی از احکام چهارگانه قبل را نداشته باشد، مباح است؛ مانند بسیاری از مواد مصرفی که هر روز خریداری می‌شود.

برخی از شرایط خرید و فروش

۱ ـ خریدار و فروشنده، قصد معامله داشته باشند؛ پس اگر کسی به شوخی بگوید: «این کالا را فروختم»، معامله باطل است.

۲ ـ فروشنده و خریدار با اختیار معامله کنند و کسی آنها را مجبور نکند.

۳ ـ فروشنده، کالا را و خریدار، قیمت آن را مالک باشد، یا اختیار معامله آن را داشته باشد.

٤ ـ شیء مورد معامله معلوم باشد؛ یعنی اگر کالاست، با وزن یا پیمانه یا شماره، مقدار آن معلوم شود و اگر مِلک است، قطعه آن مشخص گردد.

---

۱ ـ استفتائات، ج ۲، ص ۸، س ۱٤.

۲ ـ توضیح‌المسائل، م ۲۰٥٤.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

٥ ـ اگر چیز مورد معامله خصوصیاتی دارد که به سبب آن خصوصیات، رغبت مردم نسبت به معامله فرق می‌کند، یعنی ممکن است نخرند یا گران‌تر یا ارزان‌تر بخرند، معین نمایند.

٦ ـ فروشنده و خریدار قدرت تحویل کالا و قیمت را داشته باشند. پس فروش مالِ به سرقت رفته صحیح نیست.

٧ ـ دیگری در آن جنس یا عوض آن، حقی نداشته باشد. پس چیزی را که گرو گذاشته، بدون اجازه گروگیرنده نمی‌تواند بفروشد.[١]

آداب خرید و فروش

▣ مستحبات

* بین مشتری‌ها در قیمت فرق نگذارد؛
* در قیمت جنس، سخت‌گیری نکند؛
* در صورتی که طرف مقابل از معامله پشیمان شد و تقاضای فسخ معامله را کرد، از او بپذیرد و این در اصطلاح «اِقاله» نام دارد.[٢]

▣ مکروهات

* تعریف کردن از کالا؛
* بدگویی کردن مشتری از کالای فروشنده؛
* قسم راست خوردن در داد و ستد (قسم دروغ حرام است)؛
* قبل از همه برای خرید و فروش وارد بازار شدن و دیرتر از همه خارج شدن؛
* وزن کردن یا متر کردن کالا، در مواردی که وزن کردن و متر کردن را خوب نمی‌دانند.
* تقاضای کم کردن قیمت پس از معامله.[٣]

---

١ ـ توضیح‌المسائل، م ٢٠٨١ و ٢٠٩٠.
٢ ـ تحریرالوسیله، کتاب المکاسب و المتاجر، ص ٥٠٠، م ٢٢.
٣ ـ همان.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

احکام خرید و فروش

۱ ـ فروختن و اجاره دادن خانه یا چیز دیگر برای استفاده حرام، کار حرامی است و معامله هم باطل است.[۱]

۲ ـ خرید و فروش، نگهداری، نوشتن، خواندن و درس دادن کتاب‌های گمراه‌کننده حرام است، مگر زمانی که برای هدفی صحیح باشد؛ مثلاً برای پاسخ دادن به اشکال‌های آن.[۲]

۳ ـ غشّ در معامله به معنی مخلوط کردن جنسی که می‌فروشد با چیزی که ارزش ندارد یا ارزش آن کمتر است، حرام است؛ مثل آنکه برنج اعلا را با غیر اعلا مخلوط کند و به عنوان برنج خوب بفروشد یا شیر را با آب مخلوط کند و بفروشد.[۳]

٤ ـ جنس وَقف شده را نمی‌توان فروخت، مگر در صورتی که خراب شده باشد و قابل استفاده نباشد؛ مانند فرش مسجد که قابل استفاده برای آن مسجد یا مسجد دیگر نباشد.[۴]

۵ ـ خرید و فروش خانه یا چیز دیگری که به کسی اجاره داده، اشکال ندارد؛ ولی استفاده آن در مدت اجاره برای اجاره‌کننده است.[۵]

٦ ـ خرید و فروش دو کالای همجنس که با وزن یا پیمانه می‌فروشند به زیادتر «رِبا» و حرام است؛ مثلاً یک تُن گندم بدهد و یک تن و ۲۰۰ کیلوگرم بگیرد.[۶]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، کتاب المکاسب و المتاجر، ص ۵۰۰، م ۱۰.

۲ ـ همان، م ۱۵.

۳ ـ توضیح المسائل، م ۲۰۵۵.

٤ ـ همان، م ۲۰۹٤.

۵ ـ همان، م ۲۰۹٦.

٦ ـ همان، م ۲۰۷۲ و ۲۲۸۳؛ تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب البیع، القول في الربا، ص ۵۳٦.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

پرسش

١ .در چه صورت خرید و فروش به عنوان یک شغل، واجب خواهد بود؟

٢ .خرید و فروش کیف و کفش چرمی ساخت کشورهای غیر اسلامی چه حکمی دارد؟ چرا؟

٣ .خرید و فروش زیورآلات طلای مردانه چه حکمی دارد؟ چرا؟

٤ .چه زمانی خرید و فروش مکروه است؟

٥ .اقاله را توضیح دهید.

٦ .برای غشّ در معامله چهار مثال بزنید.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۵۷

خرید و فروش (۲)

هنگام خرید و فروش، طرفین معامله (فروشنده و خریدار) ممکن است مال و قیمت آن را نقد تحویل دهند یا به زمان دیگری موکول کنند. بنابراین معامله از این جهت ممکن است یکی از چهار حالت زیر را داشته باشد:

- **کالا نقد و قیمت آن هم نقد** ← یعنی فروشنده هم اکنون مال را می‌دهد و خریدار هم قیمت آن را تحویل می‌دهد که به آن **«معامله نقدی»** می‌گویند.
- **کالا نسیه و قیمت آن هم نسیه** ← یعنی صیغه معامله را اجرا می‌کنند و تحویل قیمت و کالا را به آینده موکول می‌کنند. چنین معامله‌ای را **«دَین به دَین»** می‌گویند.
- **کالا نقد و قیمت آن نسیه** ← یعنی فروشنده کالا را تحویل می‌دهد که قیمت آن را در آینده بگیرد. به آن **«معامله نسیه»** می‌گویند.
- **کالا نسیه و قیمت نقد** ← یعنی خریدار قیمت کالا را می‌پردازد تا در آینده جنس را تحویل بگیرد که **«معامله سَلَف»** نام دارد.[1]

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۲۱۰۴ و ۲۱۱۰؛ تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب البیع، صص ۵۳۵ و ۵۳۹ و ۵۴۳.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

احکام معامله نسیه

۱ ـ در معامله نسیه باید مدت کاملاً معلوم باشد. پس اگر جنسی را بفروشد که قیمت آن را هر وقت از سفر برگشت بگیرد، چون مدت آن کاملاً مشخص نشده، معامله باط است.[۱]

۲ ـ اگر جنسی را نسیه بفروشد بعد از تمام شدن مدتی که قرار گذاشته‌اند می‌تواند پول آن را مطالبه نماید، ولی اگر خریدار نتواند بپردازد باید به او مهلت دهد.[۲]

۳ ـ اگر به کسی که قیمت جنسی را نمی‌داند مقداری نسیه دهد و قیمت آن را به او نگوید، معامله باطل است؛ ولی اگر به کسی که قیمت نقدی جنس را می‌داند نسیه بدهد و گران‌تر حساب کند؛ مثلاً بگوید: جنسی را که به تو نسیه می‌دهم ده درصد گران‌تر از نقد حساب می‌کنم و او قبول کند، اشکال ندارد.[۳]

٤ ـ اگر در معامله نسیه فروشنده در ضمن شرط کند که اگر مشتری زودتر از وقت معین قیمت را پرداخت کرد مقداری از آن را کم کند اشکال ندارد.[۴]

شرایط معامله سَلَف (پیش فروش)

معامله سلف در صورتی صحیح است که دارای این شرایط باشد:

* خصوصیاتی که در قیمت جنس تأثیر دارد مشخص نمایند.

* قبل از آنکه خریدار و فروشنده از هم جدا شوند خریدار تمام قیمت را به فروشنده بدهد (یا به مقدار آن از فروشنده طلبکار باشد).

* مدّت را مشخص کنند.

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۲۱۰۵.

۲ ـ همان، م ۲۱۰۷.

۳ ـ همان، م ۲۱۰۸.

٤ ـ استفتاآت، ج ۲، ص ۹۰، س ۵۲.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

* وقتی که برای تحویل جنس قرار می‌دهند، زمانی نباشد که جنس در آن وقت نایاب باشد؛ مثلاً اگر بگوید: در اسفند ماه ده کیلوگیلاس تازه به شما می‌دهم، صحیح نیست؛ چون در اسفند ماه گیلاس تازه نایاب است.

* بنابر احتیاط واجب جای تحویل جنس را معین کنند ولی اگر از حرف‌های آنان جای تحویل جنس معلوم باشد، لازم نیست اسم آن جا را بگویند.

* در صورتی که جنس، وزنی یا پیمانه‌ای است، وزن یا پیمانه را مشخص کنند.[1]

احکام معامله سلف

۱ ـ شخصی که جنسی را به سلف خریده، قبل از تمام شدن مدّت مقرر نمی‌تواند جنس را به دیگری بفروشد؛ امّا پس از تمام شدن مدّت، هر چند جنس را تحویل نگرفته باشد، فروش آن اشکال ندارد.

۲ ـ اگر سلف فروش، جنسی غیر از آنچه در قرارداد معین شده، یا جنس پست‌تر بیاورد، مشتری می‌تواند آن جنس را قبول نکند، ولی اگر به همان راضی شود، اشکال ندارد.

۳ ـ جنسی که به سلف فروخته، اگر در موقعی که باید آن را تحویل دهد، نایاب شود و نتواند آن را تهیه کند، مشتری می‌تواند معامله را فسخ کند یا منتظر بماند تا تهیه نماید.[2]

معامله ربوی

انواع ربا
- ۱. معاملی
- ۲. قرضی

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۲۱۱۲؛ تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب البیع، القول في السلف، ص ٥٤٣.

۲ ـ همان، م ۲۱۱۳ ، ۲۱۱٦ ، ۲۱۱۷.

۳ ـ بحث ربای قرضی در درس ۶۱ خواهد آمد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

شرایط ربای معاملی

۱. عرفاً اجناس مورد معامله از یک جنس شناخته شوند.

۲. اجناس مورد معامله از چیزهایی باشند که با وزن کردن یا پیمانه کردن خرید و فروش می‌شوند.

احکام معامله ربوی

۱. اگر مقداری از جنسی را که با وزن یا پیمانه می‌فروشند، زیادتر از همان جنس بفروشد، مثلاً یک تُن برنج را به یک تُن و دویست کیلو بفروشد، ربا و حرام است. حتّی اگر یکی از دو جنس، سالم و دیگری معیوب، یا جنس یکی خوب و جنس دیگر بد باشد، یا با یکدیگر تفاوت قیمت داشته باشند، چنانچه بیشتر از مقداری که می‌دهد بگیرد باز هم ربا و حرام است.[1]

خرید و فروش در صورتی که اضافه بگیرد ربا و حرام است.

- در آلومینیومی با ← آلومینیوم نساخته
- برنج درجه یک با ← برنج درجه دو
- طلای ساخته با ← طلای نساخته
- روغن حیوانی با ← پنیر

۲. اگر چیزی را که اضافه می‌گیرد، غیر از جنسی باشد که می‌فروشد؛ مثلاً یک تن گندم را به یک تن و هزار تومان پول بفروشد، باز هم ربا و حرام است؛ بلکه اگر چیزی زیادتر نگیرد ولی شرط کند که خریدار عملی برای او انجام دهد ربا و حرام خواهد بود.[2]

۳. جنسی را که در بعضی از شهرها با وزن یا پیمانه می‌فروشند و در بعضی از شهرها با شماره معامله می‌کنند؛ مانند گردو که اکنون در بعضی مناطق دانه‌ای و در بعضی

---

۱. توضیح المسائل، م ۲۰۷۲.

۲. همان، م ۲۰۷۳.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

دیگر کیلویی می‌فروشند، اگر در شهری که آن را با وزن یا پیمانه می‌فروشند زیادتر بگیرند ربا و حرام است و در شهر دیگر ربا نیست.[۱]

٤ ـ در مثل اسکناس (پول کاغذی) ربای غیر قرضی تحقق پیدا نمی‌کند و جایز است معاوضه نقدی بعضی از آنها با بعضی دیگر به زیاده و کم؛ مثلاً یکصد هزار تومان را با هزار دینار معاوضه کند؛ اما ربای قرضی در تمام آنها تحقق پیدا می‌کند و جایز نیست قرض دادن هزار دینار به دوازده هزار دینار.[۲]

٥ ـ اگر جنسی را که می‌فروشند و عوض می‌گیرند از یک چیز به عمل آمده باشد باید در معامله، زیادی نگیرند. پس اگر ده کیلو روغن حیوانی بفروشد و در عوض، بیست کیلو پنیر بگیرد ربا و حرام است و بنا بر احتیاط واجب اگر میوه رسیده را با میوه نارس معامله می‌کند، نباید زیادی بگیرد.[۳]

پرسش

۱ ـ معامله نسیه با سلف چه تفاوتی دارد؟

۲ ـ شرط اوّل از شرایط معامله سلف را توضیح داده، دو مثال بزنید.

۳ ـ در معامله سلف در چه صورت، مشتری قبل از تحویل گرفتن کالا می‌تواند آن را بفروشد؟

٤ ـ آیا معامله کشک با پشم گوسفند به زیادتر، رباست؟ چرا؟

٥ ـ برای ربای معاملی، چهار مثال دیگر بیاورید.

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۲۰۷٦.

۲ ـ همان، م ۲۸٤٥.

۳ ـ همان، م ۲۰۷۸.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۵۸

خرید و فروش (۳)

در برخی موارد، خریدار یا فروشنده یا هر دو می‌توانند معامله انجام شده را برهم بزنند. حق به هم زدن معامله را «خیارفسخ» یا «اختیارفسخ» گویند وگاهی به اختصار «خیار» گفته می‌شود.

خیارات معامله

۱. خیارمجلس
۲. خیارغَبْن
۳. خیارشرط
٤. خیارتَدْلیس
٥. خیارتخلف شرط
٦. خیارعیب
۷. خیارشرکت
۸. خیاررؤیت
۹. خیارتأخیر
۱۰. خیارحیوان
۱۱. خیارتعذّرتسلیم

۱.توضیح المسایل، م ۲۱۲٤.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۱ ـ **خیار مجلس:** تا زمانی که دو طرف معامله از مجلس داد و ستد متفرق نشده باشند، و جلسه معامله به هم نخورده باشد، می‌توانند معامله را فسخ کنند.

۲ ـ **خیار غبن:** در صورتی که خریدار یا فروشنده گول خورده باشد، می‌تواند معامله را فسخ کند.

۳ ـ **خیار شرط:** در صورتی که در معامله قرار بگذارند که تا مدّت معینی هر دو یا یکی حق فسخ داده باشد، طبق قرارداد می‌توانند معامله را فسخ کنند.

٤ ـ **خیار تدلیس:** زمانی که خریدار یا فروشنده مال خود را بهتر از آنچه هست نشان دهد و در نظر مردم ارزشمندتر جلوه کند، طرف مقابل می‌تواند معامله را به هم بزند؛ مثلاً با رنگ‌کاری و آراستن آن، مشتری به اشتباه بیفتد ولی اگر در آن کاری انجام دهد که ارزشمندتر شود، مثلاً تعمیراتی در ساختمان انجام دهد یا یک طبقه دیگر روی آن بسازد، تدلیس نیست.

۵ ـ **خیار تخلف شرط:** اگر فروشنده یا خریدار شرط کند که کاری انجام دهد یا شرط کند مالی را که می‌دهد طور مخصوصی باشد و به آن شرط عمل نکند، طرف دیگر می‌تواند معامله را فسخ کند.

٦ ـ **خیار عیب:** اگر پیش از معامله در جنس یا عوض آن عیبی باشد و نمی‌دانسته، و پس از معامله متوجه شود، می‌تواند معامله را به‌هم بزند یا تفاوت قیمت معیوب با سالم را بگیرد.

۷ ـ **خیار شرکت:** اگر معلوم شود که مقداری از جنسی که فروخته‌اند مال دیگری است؛ یعنی شریک دارد، اگر صاحب آن مقدار، به معامله راضی نشود خریدار می‌تواند معامله را به‌هم بزند یا پول آن مقدار را از فروشنده بگیرد، و همچنین نسبت به جنسی که مشتری داده است.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۸ ـ **خیار رؤیت:** اگر خریدار یا فروشنده خصوصیات جنس معینی را که طرف دیگر ندیده به او بگوید و بعد معلوم شود آن گونه که گفته، نبوده است، می‌تواند معامله را فسخ کند.

۹ ـ **خیار تأخیر:** در صورتی که مشتری پول جنسی را که نقد خریده تا سه روز ندهد و فروشنده هم جنس را تحویل ندهد در صورتی که تأخیر آن، شرط نشده باشد فروشنده می‌تواند معامله را به‌هم بزند؛ ولی در اجناسی که اگر یک روز بماند فاسد می‌شود، مثل برخی میوه‌ها، تأخیر تا شب است.

۱۰ ـ **خیار حیوان:** اگر حیوانی را خریده باشد، خریدار تا سه روز بعد حق دارد معامله را فسخ کند و حیوان را پس بدهد.

۱۱ ـ **خیار تعذّر تسلیم:** در صورتی که فروشنده نتواند جنسی را که فروخته تحویل دهد؛ مثلاً اسبی را که فروخته فرار کند، مشتری می‌تواند معامله را به هم بزند.[۱]

احکام خیارات

۱ ـ اگر خریدار قیمت جنس را نداند، یا در وقت معامله غفلت کند و جنس را گران‌تر از قیمت معمولی آن بخرد، چنانچه به قدری گران خریده که مردم او را مغبون بدانند و به کمی و زیادی آن اهمیت بدهند، اختیار فسخ معامله را دارد و همچنین نسبت به فروشنده.[۲]

□ ۲ ـ اگر بعد از معامله، عیب مال را بفهمد و فوری معامله را فسخ نکند، دیگر حق فسخ معامله را نخواهد داشت.[۳]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۲۱۲۴.

۲ ـ همان، م ۲۱۲۵.

۳ ـ همان، م ۲۱۳۲. به فتوای برخی از فقها، اگر فورا فسخ نکند حق او از بین نمی‌رود و بعداً هم حق فسخ دارد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

۳ ـ هرگاه بعد از خریدن جنس، عیب آن را بفهمد، اگر چه فروشنده حاضر نباشد، می‌تواند معامله را فسخ کند.[۱]

□ ٤ ـ در این موارد اگر خریدار بفهمد مال معیوب است حق فسخ و گرفتن تفاوت قیمت ندارد:

* موقع خریدن، عیب مال را بداند.

* به عیب مال راضی شود.

* وقت معامله بگوید: اگر مال عیبی داشت پس نمی‌دهم و تفاوت قیمت هم نمی‌گیرم.

* فروشنده در وقت معامله بگوید: این مال را با هر عیبی که دارد می‌فروشم.[۲]

۵ ـ اگر فروشنده هنگام معامله عیب کالا را معین کند و بگوید: آن را با این عیب می‌فروشم، ولی پس از معامله معلوم شود عیب دیگری هم دارد، خریدار می‌تواند به خاطر عیبی که فروشنده معین نکرده کالا را پس دهد یا تفاوت قیمت را بگیرد.[۳]

٦ ـ در مواردی که خواهد آمد اگر خریدار بفهمد مال معیوب بوده فقط می‌تواند تفاوت قیمت بگیرد، ولی حق فسخ معامله را ندارد:

* بعد از معامله تغییری در کالا بدهد که مردم بگویند: کالا مانند زمانی که خریداری و تحویل داده شده، باقی نمانده است.

* پس از معامله بفهمد کالا معیوب است و تنها حق برگرداندن آن را ساقط کرده باشد.

* بعد از تحویل گرفتن کالا، عیب دیگری در آن پیدا شود، به جز در خرید حیوان که تا سه روز می‌تواند برگرداند.[۴]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۲۱۳۳.

۲ ـ همان، م ۲۱۳٤. به فتوای برخی از فقها، تنها در مورد اول و چهارم این حکم جاری است.

۳ ـ همان.

٤ ـ همان، م ۲۱۳۵.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

بیع شَرط

۱ .بیع شرط آن است که فروشنده کالایی را بفروشد و شرط کند که اگر تا فلان مدت، خودش قیمت کالا را به خریدار بدهد، بتواند معامله را فسخ کند.[۱]

۲ - بیع شرط در صورتی صحیح است که خریدار و فروشنده قصد خرید و فروش داشته باشند، هر چند کالای خود را به کمتر از قیمت معمولی آن بفروشد؛ مثلاً شخصی که به پول نیاز دارد، خانه خود را به قیمت کمتر (با قصد) می‌فروشد، ولی شرط می‌کند که اگر تا سه ماه دیگر توانستم پول خانه را برگردانم، خانه برای خودم باشد.[۲]

۳ .در بیع شرط، هر چند فروشنده مطمئن باشد که اگر پول را ندهد، باز هم خریدار کالا را به او می‌دهد، معامله صحیح است؛ ولی چنانچه سر مدت پول را ندهد، حق مطالبه کالا را ندارد و اگر خریدار بمیرد، نمی‌تواند از ورثه او مطالبه کند.[۳]

پرسش

۱ .تفاوت خیار غبن با خیار عیب چیست؟

۲ .تفاوت خیار شرط با خیار تخلف شرط چیست؟

۳ .در چه مواردی فروشنده حق فسخ معامله را ندارد ولی می‌تواند تفاوت قیمت بگیرد؟

٤ .خیار تعذّر تسلیم را توضیح دهید.

٥ .برای خیار رؤیت دو مثال ذکر کنید.

---

۱ .توضیح المسائل، م ۲۱۲٦.

۲ .همان، م ۲۱۲٦.

۳ .همان، م ۲۱۲۷.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۵۹

خرید و فروش (٤)

تجارت الکترونیکی

دست یابی انسان به فن آوری جدید به خصوص اینترنت، سبب شده بسیاری از کارهای فردی و فعالیت های اجتماعی خود را با استفاده از آن به انجام رساند که از جمله آنها فعالیت اقتصادی و مبادلات مالی و تجارت کالاست که در ماده یک قانون تجارت الکترونیکی آمده است. « مجموعه اصول و قواعدی که برای مبادلهٔ آسان و ایمن اطلاعات در واسطه های الکترونیکی و با استفاده از سیستم های ارتباطی جدید به کار می‌رود.»

بنابراین تجارت الکترونیک که گاه به بازاریابی الکترونیکی یا بازاریابی اینترنتی نیز از آن یاد می‌شود، صرفاً استفاده از فن آوری‌های جدید در فروش کالاست، لذا چنانچه شرایط بیع و سایر عقود اسلامی در آن رعایت شود اشکال ندارد.

بازاریابی شبکه‌ای

بازاریابی شبکه‌ای یک روش فروش محصول است که شرکت هایی که از این روش استفاده می‌کنند افرادی را به عنوان بازاریاب به دور از یک مکان ثابت تجاری برای فروش محصول به طور مستقیم به مصرف کننده نهایی به کار می‌گیرند. این در حالی

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

است که بازاریاب توانایی تشکیل گروه فروش چند سطحی و دریافت پورسانت از فروش آنها را دارد. لذا در صورتی که فعالیت شرکت‌های بازاریابی شبکه‌ای که موارد ذیل را واقعی رعایت کنند مجاز می‌باشند:

۱-شرکت مجوزهای لازم را از مراجع ذیصلاح داشته باشد.

۲-کالاهایی که خرید و فروش می‌شود مجاز شرعی و مورد نیاز متعارف جامعه باشد.

۳-قیمت کالاها در حدود متعارف همان بازار واقعی باشد.

٤-فعالیت و افراد واسطه واقعی باشد.[۱]

شرکت

شرکت بر دو نوع است: ۱ .شرکت عقدی (قراردادی) ۲ .شرکت غیر عقدی.

شرکت عقدی: آن است که دو یا چند نفر با هم قراردادی ببندند که با مال مورد اشتراک خود معامله کنند. به این نوع شرکت «شرکت اکتسابی» هم می‌گویند.

شرکت غیرعقدی: آن است که یک چیز بدون قرارداد برای دو یا چند نفر باشد؛ مثل آنکه مالی ازکسی به چند نفر به ارث برسد یا شخصی، فرد دیگری را در مال خود شریک کند.[۲]

احکام شرکت

۱ . شرکت عقدی، فقط در اموال صحیح است نه در اعمال؛ پس اگر دو نفر قرار بگذارند که هر چه کارشان درآمد داشت با هم شریک باشند هرچند هرکدام مالک مزد خود است ولی شرکت نیست، خواه عمل آنها همانند باشد؛ مثلاً دو نفر خیاط با هم قرار بگذارند که هرچه درآمد داشتند با هم شریک باشند؛ یا عمل آنها متفاوت

---

۱ . موضوع شناسی بازاریابی شبکه ای، مؤسسه موضوع شناسی احکام فقهی.

۲ .تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الشرکة، ص ٦۲۳، م ۳.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

باشد؛ مانند خیاط و نسّاج. بلی اگر یکی از آنها نصف منفعت خود را به دیگری مصالحه کند به چیزی و آن دیگری هم نصف منفعت خود را به همان چیز مصالحه کند، اشکال ندارد.[۱]

۲ ـ اگر در عقد شرکت شرط کنند که هر دو با هم با مال مورد شراکت خرید و فروش کنند یا هرکدام به تنهایی معامله کند یا فقط یکی از آنها معامله کند، باید به قرارداد عمل نمایند.[۲]

۳ ـ اگر معین نکنند کدام یک از آنها با سرمایه خرید و فروش کند، هیچ یک از آنان بدون اجازه دیگری نمی‌تواند با آن سرمایه معامله کند.[۳]

٤ ـ هر وقت یکی از شریکان تقاضا کند که سرمایه شرکت را قسمت کنند، اگر چه شرکت مدت داشته باشد، باید دیگران قبول کنند، مگر آنکه تقسیم مشتمل بر ردّ یا مستلزم ضرر بر شریک دیگر باشد.[۴]

۵ ـ اگر یکی از شریکان بمیرد یا دیوانه یا بیهوش یا سفیه شود یا حاکم شرع او را از تصرف در اموالش منع کند، سایر شرکا نمی‌توانند در مال شرکت تصرّف کنند.[۵]

٦ ـ اگر شریک چیزی را نسیه برای خود بخرد، نفع و ضررش مال خود اوست ولی اگر برای شرکت بخرد و شریک دیگر به آن معامله راضی باشد، نفع و ضررش برای هر دو است.[۶]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الشرکة، ص ٦۲٤، م ۵؛ توضیح‌المسائل، م ۲۱٤۳.
۲ ـ توضیح‌المسائل، م ۲۱٤۹.
۳ ـ همان، م ۲۱۵۰.
٤ ـ همان، م ۲۱۵٦.
۵ ـ همان، م ۲۱۵۷.
٦ ـ همان، م ۲۱۵۸.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

شُفعَه

اگر دو نفر ملکی را با هم شریک باشند و یکی از آنها سهم خود را بفروشد، با شرایطی که در کتب مفصّل فقهی آمده است، شریک دیگر حق دارد سهم شریک را تملّک کند و قیمتی را که مشتری پرداخته است به او بدهد. به این حق «حقّ شُفعه» می‌گویند.[۱]

۱ ـ حق شفعه تنها در صورت فروش ملک است. بنابراین اگر یکی از دو شریک سهم خود را به دیگری ببخشد یا مصالحه کند یا مهریه همسرش قرار دهد، حق شفعه برای شریک دیگر وجود ندارد.[۲]

۲ ـ حق شفعه تنها در ملکی که دو نفر شریک هستند وجود دارد نه بیشتر. بنابراین اگر مثلاً یکی از سهامداران یک شرکت که افراد متعددی در آن شریک هستند سهم خود را بفروشد، برای سایر شریکان حق شفعه وجود ندارد.[۳]

۳ ـ حق شفعه در مالی است که به صورت مشاع با هم شریک هستند؛ بنابراین اگر یکی از همسایه‌ها ملک خود را بفروشد، برای همسایه حق شفعه وجود ندارد.[۴]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الشفعة، ص ۵۵۵، م ۱.
۲ ـ همان، ص ٥٥٦، م ۵.
۳ ـ همان، م ٦.
٤ ـ همان، م ۳.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

برخی از موارد شفعه:[1]

شماره	نوع مال	حکم
۱	غیرمنقولات قابل تقسیم؛ مانند باغ و مزرعه و خانه	حق شفعه در آن وجود دارد.
۲	غیرمنقولات غیرقابل تقسیم؛ مانند راه‌ها و جوی‌ها و دهلیزهای باریک	وجود حق شفعه محل اشکال است و احتیاط آن است که شفیع رضایت مشتری را فراهم کند و مشتری هم درخواست او را اجابت نماید.
۳	اموال منقول؛ مانند اتومبیل، حیوان، لباس و لوازم منزل	وجود حق شفعه محل اشکال است و احتیاط آن است که شفیع رضایت مشتری را فراهم کند و مشتری هم درخواست او را اجابت نماید.
٤	ملک تقسیم‌شده؛ مانند باغی که تقسیم شده هرچند هنوز با دیوار و امثال آن سهم هرکدام از هم جدا نشده باشد	حق شفعه وجود ندارد.

اقاله

اقاله، فسخ قرارداد از سوی هر دو طرف است؛ مثلاً کالای خریده را پس بدهد، با اینکه حق فسخ ندارد، و فروشنده هم بپذیرد.

۱. اقاله در تمام قراردادها - به جز نکاح - قابل اجرا است و به هر لفظی باشد، صحیح است حتی اگر لفظی در کار نباشد، بلکه یک طرف معامله، آنچه را که به او منتقل شده، پس بدهد و طرف مقابل هم بگیرد، اقاله شده است.[2]

---

۱. تحریرالوسیله، ص ۵۵۵، م ۲.

۲. همان، القول فی الاقاله.

۲. اقاله معامله به بیش از قیمت مقرر یا کمتر از آن جایز نیست. پس اگر مشتری چیزی روی کالا بگذارد تا فروشنده قبول کند یا فروشنده چیزی از قیمت کم کند و قبول کند، صحیح نیست و اقاله صورت نگرفته و مال فروخته شده در ملک مشتری و قیمت در ملک فروشنده باقی می‌ماند.[۱]

۳. اقاله کردن بخشی از مال یا قیمت مورد معامله نیز صحیح است. پس اگر پنج کیسه از ده کیسه برنج خریداری شده را پس بدهد و فروشنده قبول کند و قیمت آن را پس بدهد، صحیح است.[۲]

٤. در مال مشترك، یکی از شریکان می‌تواند سهم خود را با فروشنده اقاله کند و موافقت شریک نیز شرط نیست.[۳]

پرسش

۱. فرق اساسی شفعه با بیع چیست؟

۲. آیا در ساختمان‌های چند طبقه که هر طبقه را یک نفر مالک است، با فروش یک طبقه از آن برای دیگران حق شفعه وجود دارد؟ چرا؟

۳. آیا حق شفعه در پارکینگ و آسانسور مشترک وجود دارد؟

٤. تفاوت اقاله با خیار چیست؟ توضیح دهید.

۵. در صورتی که مشتری معامله را اقاله کند، بایع می‌تواند مقداری از قیمت کالا را کم کند و پس بگیرد؟

٦. شرکت‌های تعاونی مصرف، جزو کدامیک از اقسام شرکت می‌باشند؟

---

۱. تحریر الوسیله، ج۱، القول فی الاقاله، م ۱.
۲. همان، م ۳.
۳. همان، م ۳.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

اجاره، جعاله و سرقفلی

اجاره

هرگاه شخصی منفعت چیزی را ملک دیگری کند و در مقابل آن چیزی بگیرد، به این عمل «اجاره» می‌گویند.

قرارداد اجاره

اگر اجاره دهنده به مستأجر بگوید: «مِلک خود را به تو اجاره دادم» و او بگوید: «قبول کردم» صحیح است، حتی اگر چیزی هم نگویند، بلکه صاحب مال به قصد اجاره دادن، آن را به مستأجر تحویل دهد و او هم به قصد اجاره کردن بگیرد، صحیح است؛ مثلاً کلید خانه را به او بدهد و او هم بگیرد.[1]

شرایط مال مورد اجاره

چیزی که اجاره داده می‌شود باید دارای شرایطی باشد، از جمله:

* معین باشد، پس اگر بگوید: یکی از اتاق‌های این خانه را به تو اجاره می‌دهم، صحیح نیست.

---

۱. توضیح المسائل، م ۲۱۷۷.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

* مستأجر باید آن را ببیند یا طوری خصوصیات آن گفته شود که کاملاً معلوم باشد.

* از چیزهایی نباشد که با استفاده از آن، اصلِ مال از بین می‌رود، پس اجاره دادن نان و میوه و سایر خوراکی‌ها صحیح نیست.[١]

احکام اجاره

١ ـ در اجاره باید مدت استفاده از مال، معین شده باشد؛ مثلاً بگوید: یک سال یا یک ماه.[٢]

٢ ـ اگر صاحب مال چیزی را که اجاره داده تحویل دهد، اگر چه مستأجر تحویل نگیرد یا تحویل بگیرد ولی تا آخر مدت اجاره از آن استفاده نکند، باید اجاره‌بها را بپردازد.[٣]

٣ ـ اگر کسی کارگری بگیرد که در روز معینی کاری را انجام دهد؛ مثلاً آجرها را داخل ساختمان ببرد و آن کارگر سرِ کار حاضر شود، اما کاری به او محوّل نکند؛ مثلاً آجر نباشد که داخل ساختمان ببرد، باید مزد او را بدهد.[٤]

٤ ـ هرگاه صنعتگر چیزی را که گرفته، ضایع کند، باید خسارت آن را بپردازد، مثل آنکه تعمیرکار خسارتی بر ماشین وارد کند.[٥]

٥ ـ اگر مثلاً خانه یا دکانی را اجاره کند و صاحب آن شرط کند که فقط خودش از آن استفاده کند، مستأجر نمی‌تواند آن را به دیگری اجاره بدهد.[٦]

---

١ ـ توضیح‌المسائل، م ٢١٨٤.
٢ ـ همان، م ٢١٨٧.
٣ ـ همان، م ٢١٩٦.
٤ ـ همان، م ٢١٩٧.
٥ ـ همان، م ٢٢٠٠.
٦ ـ همان، م ٢١٨٠.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

استفتاء

س ـ کارمند دولت جمهوری اسلامی گاهی از محل خدمت، بدون اجازه آن سازمان، برای تشییع جنازه یا مجلس ختم خارج می‌شود؛ حقوقش چه صورت دارد؟

ج ـ اگر از وظیفه کوتاهی نموده به مقداری که کوتاهی کرده مدیون است.[۱]

س ـ آموزگاری پیمان بسته که در مقابل خدمت موظف ۲٤ ساعت در هفته حقوق دریافت نماید، حال اگر بعضی ساعت‌ها کارهای شخصی انجام داده و دانش‌آموزان بدون معلّم بوده‌اند ـ یا معلم دیگری جایش بوده ـ آیا حق استفاده از حقوق دارد و اگر بگیرد جایز است یا خیر؟ و اگر چنانچه مریض شود و آن ساعتی که می‌بایست کار موظف انجام دهد که در مقابلش حقوق بگیرد، گرفتن آن مقدار پولی که در برابرش هیچگونه کاری انجام نداده است جایز و قابل تصرف است یا خیر؟

ج ـ تابع مقررات استخدامی است و اگر برخلاف [مقررات عمل] نموده استحقاق اجرت ندارد.[۲]

س ـ کارهای غیرمستقلی را که فرزند در خانه و برای امرار معاش انجام می‌دهد (چه در زمان بلوغ، یا غیربلوغ) حقّ ادعای اجرت از پدر دارد یا نه؟

ج ـ اگر به دستور پدر نیست یا به قصد مجّان انجام می‌دهند، استحقاق اجرت ندارد.[۳]

سرقفلی

به پول یا چیزی که کسی به شخص دیگری می‌دهد تا مثلاً خانه یا دکانی را که در اجاره او است در اختیار او بگذارد، «سرقفلی» گفته می‌شود.

۱ ـ اگر محلی را از شخصی اجاره کرده و حق داشته باشد که در مدت اجاره مکان را به دیگری اجاره دهد و در این مدت، اجاره محل، ترقی کرده می‌تواند آن محل را به

---

۱ ـ استفتاآت، ج ۲، ص ۵۰، س ۱۳۷.

۲ ـ همان، ص ۲۱۷، س ۵۵.

۳ ـ همان، ص ۲۱۳، س ٤٦.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

شخصی به همان قیمت که اجاره کرده اجاره دهد و چیزی هم به عنوان سرقفلی دریافت کند.[۱]

۲ ـ اگر شخصی محلی را اجاره کند و با صاحبش شرط کند که مثلاً تا بیست سال اجاره محل را بالا نبرد و باز با او شرط کند که اگر محل را به دیگری اجاره داد او هم همین گونه عمل کند و همچنین شخص ثالث هم اگر خواست محل را به دیگری اجاره دهد همین گونه عمل کند و اجاره را بالا نبرد، در این صورت مستأجر اول می‌تواند محل را به دیگری اجاره دهد و مبلغی به عنوان سرقفلی از او بگیرد که محل را به او تحویل دهد و سرقفلی به این صورت حلال است و دومی به سومی و سومی به چهارمی برحسب قرار تحویل دهد و از او به این عنوان سرقفلی بگیرد.[۲]

جُعاله

جُعاله آن است که انسان قرار بگذارد در مقابل کاری که برای او انجام می‌دهند، مال معینی بدهد؛ مثلاً بگوید: هرکس گمشده مرا پیدا کرد هزار تومان به او می‌دهم.

جاعل: کسی است که ملتزم می‌شود در مقابل انجام دادن کاری چیزی بدهد.

عامل: کسی که آن کار را انجام می‌دهد.[۳]

تفاوت اجاره با جُعاله

۱ ـ اجاره، قرارداد دوطرفه (عقد) است ولی جُعاله قرارداد یک طرفه (ایقاع) است.

۲ ـ در اجاره پس از عقد اجاره (قرارداد بستن)، اجیر، مالک اجرت است و مستأجر عمل او را مالک است؛ مثلاً اگر مالک وسایل را برای او آماده نکرد، باید مزد او را بپردازد. ولی در جعاله، پس از انجام عمل، یکی صاحب کار و دیگری صاحب اجرت می‌شود.[۴]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۲۸٤۹.

۲ ـ همان، م ۲۸۵۰.

۳ ـ همان، م ۲۲۱۸.

٤ ـ توضیح المسائل، م ۲۲۱۸.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

اقسام جعاله

الف) عام: در جعاله عام، عامل معین نیست؛ مثلاً می‌گوید: به هرکس کتاب مرا پیدا کند، صد تومان می‌دهم.

ب) خاص: در جعاله خاص، عامل معین است؛ مثلاً به شخصی می‌گوید: اگر کتاب مرا پیدا کردی صد تومان به تو می‌دهم.[۱]

دو مسأله

۱ ـ اگر جاعل پس از شروع کار توسط عامل، دست از جعاله بردارد، باید مزد همان مقدار کار او را به اندازه‌ای که نزد مردم ارزش دارد، بپردازد.[۲]

۲ ـ هر زمان عامل بخواهد می‌تواند از انجام عمل صرف‌نظر کند و مستحق اجرتی نیست هر چند در اثنای آن باشد، ولی اگر کار را شروع کرده باشد و با ترک آن ضرری متوجه جاعل می‌شود، باید آن را به پایان برساند.[۳]

پرسش

۱ ـ آیا مستأجر می‌تواند ملک را به شخص دیگر اجاره دهد؟

۲ ـ در چه صورت مستأجر می‌تواند در مقابل تحویل مال مورد اجاره، از مستأجر دوم سرقفلی بگیرد؟

۳ ـ اگر شخصی اعلام کند: «هرکس یک میلیون تومان یک ساله به من قرض دهد، در پایان دویست هزار تومان به او اجرت می‌دهم»، این جعاله صحیح است یا نه؟ چرا؟

٤ ـ شهرداری، ساخت یک بزرگراه را بین شرکت‌های راه‌سازی به مناقصه می‌گذارد، آیا این مناقصه، جعاله است؟ چرا؟

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الجعالة، ص ٥٨٦.

۲ ـ توضیح‌المسائل، م ۲۲۲٥.

۳ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الجعالة، ص ٥٨٦؛ توضیح المسائل، م ۲۲۲٦.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

درس ٦١

قرض، رَهن، حواله

قَرض

قرض، آن است که انسان، مالی را، به دیگری تملیک کند تا در آینده همان را یا قیمت یا مثل آن را به او برگرداند.[1]

۱ ـ قرض دادن به دیگران مستحب است و در قرآن و روایات، نسبت به آن سفارش فراوان شده است و قرض دهنده در روز قیامت پاداش بسیاری خواهد داشت.[2]

۲ ـ قرض گرفتن ـ بدون نیاز ـ مکروه است و در صورت نیاز کراهت آن کمتر است و هرچه نیاز بیشتر باشد، کراهت کمتر می‌شود و اگر نیاز شدید باشد کراهت برطرف می‌شود و اگر اضطرار باشد، مثل آنکه برای حفظ جان یا آبرو ناچار شود قرض بگیرد، نه تنها مکروه نیست بلکه واجب است.[3]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، ص ٦٥١، القول في القرض.
۲ ـ توضیح المسائل، ص ۳۱۰، احکام قرض.
۳ ـ همان، م ۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

اقسام قرض

***مدت دار:** قرضی است که هنگام قرض دادن، زمان پرداخت بدهی مشخص شده باشد.

***بدون مدت:** قرضی است که زمان پرداخت، در آن مشخص نشده باشد.

احکام قرض

۱ ـ اگر قرض مدت‌دار باشد، طلبکار نمی‌تواند پیش از تمام شدن آن مدت، طلب خود را درخواست کند و اگر قرض مدت‌دار نباشد، طلبکار هر وقت بخواهد می‌تواند طلب خود را درخواست کند.[۱]

۲ ـ اگر طلبکار طلب خود را درخواست کند، چنانچه بدهکار بتواند بدهی خود را بدهد، باید فورا بپردازد و اگر تأخیر بیندازد، گناهکار است، مگر آنکه قرض مدت‌دار باشد و مدت به پایان نرسیده باشد.[۲]

۳ ـ اگر بدهکار غیر از خانه‌ای که در آن نشسته و اثاثیه منزل و چیزهای دیگری که به آنها احتیاج دارد، چیزی نداشته باشد، طلبکار نمی‌تواند طلب خود را از او مطالبه کند، بلکه باید صبر کند تا بتواند بدهی خود را بدهد.[۳]

قرض ربوی

۱ ـ اگر مقداری پول به کسی بدهد و شرط کند که پس از مدتی؛ مثلاً یک سالِ دیگر، زیادتر بگیرد، رِبا و حرام است؛ مثلاً یک صد هزار تومان بدهد و شرط کند که پس از یک سال صد و بیست هزار تومان بگیرد.[۴]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۲۳۰٦.
۲ ـ همان، م ۲۲۷٦.
۳ ـ همان، م ۲۲۷۷.
٤ ـ همان، م ۲۲۸۸.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

۲ .ربا دادن، مثل رباگرفتن حرام است.[۱]

۳ .کسی که قرض ربایی گرفته، اگر چه کار حرامی کرده ولی اصل قرض صحیح است و می‌تواند در آن تصرف کند.[۲]

٤ .اگر بدهکار بدون شرط قبلی چیزی اضافه به طلبکار بدهد، اشکال ندارد، بلکه مستحب است.[۳]

استفتاء

س ۱ .شخصی مبلغی به عنوان قرض از دیگری گرفته و بعد از آن، دیگر او را ندیده است و خیلی هم دنبالش گشته است، می‌خواهد بداند که آیا می‌تواند آن مبلغ پول را به حساب ۱۰۰ یا به حساب سهم امام یا به حساب جنگ‌زدگان بدهد یا نه؟

ج .اگر مأیوس از پیدا کردن صاحب پول باشد، از طرف او به فقرا صدقه بدهد.[۴]

س ۲ .در ارتباط با پرداخت حق‌الناس در صورت عدم حضور فرد طلبکار و بی‌اطلاعی از زنده بودن وی نظر امام چیست؟

ج .اگر طلبکار را می‌شناسد باید تحقیق کند تا حق او را به خودش یا به ورثه‌اش تسلیم نماید.[۵]

رهن

رهن آن است که بدهکار مقداری از مال خود را نزد طلبکار بگذارد تا اگر طلب او را نداد از آن مال طلب خود را به دست آورد.[۶]

---

۱ .توضیح المسائل، م ۲۲۸٤.

۲ .همان، م ۲۲۸٤.

۳ .تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الدین و القرض، ص ٦٥٤، س ۱۱.

٤ .استفتاآت، ج ۲، ص ۲۸۵، س ۱۵.

۵ .همان، س ۱۳.

٦ .توضیح‌المسائل، م ۲۳۰۰.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۱ ـ استفاده چیزی که گرو (رهن) می‌گذارند، مال گرو دهنده است. بنابر این گرو گیرنده، بدون اجازه صاحب مال نمی‌تواند از آن استفاده کند.[۱]

۲ ـ طلبکار (گروگیرنده) و بدهکار (گرو دهنده) نمی‌توانند مالی را که در رهن است، بدون اجازه یکدیگر ملک کسی کنند؛ مثلاً بفروشند یا ببخشند. ولی اگر یکی از آنان، آن را بفروشد یا ببخشد و بعد دیگری بگوید: «راضی هستم»، اشکال ندارد.[۲]

۳ ـ اگر مالی را که بدهکار گرو گذاشته، خانه و اثاثیه منزل هم باشد، طلبکار می‌تواند بفروشد و طلب خود را بردارد.[۳]

رهن و اجاره

۱ ـ آنچه، امروزه در خصوص اجاره ملک (منزل، مغازه و...) مبلغی را به عنوان رهن به مالک پرداخت می‌شود، هرچند رهن نیست ولی اگر اجاره به مبلغ کمتر از قیمت متداول باشد و در ضمن اجاره شرط شود که پولی به صاحب منزل یا مغازه به عنوان ودیعه یا قرض داده شود اشکال ندارد.[۴]

۲ ـ اگر مالك، ضمن اجاره شرط کند چانچه مبلغی به عنوان قرض یا ودیعه به او داده شود، مقداری از اجاره‌بها را کم می‌کند، ربا و حرام است.[۵]

استفتاء

س ـ شخصی مبلغ پنجاه هزار تومان به صاحبخانه‌ای داده که دو اتاق را رهن کند و دیگر اجاره نمی‌دهد، چه صورت دارد؟

ج ـ محکوم به رباست و اگر در اتاق تصرف کند، اجرت‌المثل را ضامن است.[۶]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۲۳۰۵.
۲ ـ همان، م ۲۳۰۶.
۳ ـ همان، م ۲۳۰۹.
٤ ـ استفتاآت، ج ۲، ص ۲۰۵، س ۳٤ و ۳۵.
۵ ـ همان.
٦ ـ همان، ص ۲۹۳، س ۳۲.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

حواله

حواله آن است که بدهکار بدهی خود را به عهده دیگری بگذارد و طلبکار قبول کند.[۱]

۱ ـ موقعی که انسان حواله می‌دهد، باید بدهکار باشد؛ پس اگر بخواهد چیزی از شخصی قرض بگیرد، تا وقتی که قرض نگرفته نمی‌تواند آن را به شخص دیگری حواله کند که آنچه را بعدا قرض می‌دهد، از آن شخص بگیرد.[۲]

۲ ـ طلبکار می‌تواند حواله را نپذیرد، اگرچه فردی که به او حواله شده، فقیر نباشد و در پرداختن حواله هم کوتاهی نکند.[۳]

۳ ـ بعد از انعقاد حواله، حواله دهنده و کسی که به او حواله شده نمی‌توانند حواله را به هم بزنند، مگر آنکه یکی از آنان برای خود حق به هم زدن حواله را قرار دهد، که در این صورت مطابق قرار می‌توانند حواله را به هم بزنند.[۴]

پرسش

۱ ـ رهن مصطلح کنونی جامعه که در اجاره منزل یا مغازه مرسوم است، چه اشکالی دارد؟

۲ ـ فردی به شخصی بدهکار است و از دیگری طلبکار، اگر بدهی خود را به بدهکار حواله کند، آیا بر بدهکار واجب است، بدهی را به حواله‌شونده بپردازد؟

۳ ـ در چه مواردی قرض‌دهنده حق مطالبه قرض را ندارد؟

٤ ـ رهن کامل منزل (بدون اجاره‌بها) صحیح نیست، چرا؟

٥ ـ چه چیزهایی را واجب نیست بدهکار برای پرداخت بدهی خود بفروشد؟

---

۱ ـ توضیح‌المسائل، م ۲۲۸۹.

۲ ـ همان، م ۲۲۹۲.

۳ ـ همان، م ۲۲۹۵.

٤ ـ همان، م ۲۲۹۷ و ۲۲۹۹.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۶۲

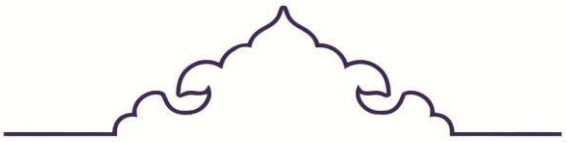

ضمانت، وکالت، حجر

ضمان

ضمان آن است که انسان متعهّد شود بدهی کسی را بپردازد و طلبکار قبول کند.[۱]

شرایط ضمان

* ضامن و طلبکار، بالغ، عاقل، رشید و دارای اختیار باشند.

* طلبکار به سبب ورشکستگی، از طرف حاکم شرع، از تصرف در اموالش منع نشده باشد.

* بدهی بدهکار قطعی باشد، پس اگر بخواهد از کسی قرض کند، تا قرض نکرده ضمان صحیح نیست.

* طلبکار و بدهکار و جنس بدهی مشخص باشد؛ یعنی مبهم و مردّد نباشد.

* بنابر احتیاط واجب، ضمان، منجّز باشد؛ یعنی ضمانت خود را وابسته به امر دیگری نکند، پس اگر بگوید: «چنانچه تا فلان تاریخ بدهی خود را نپرداخت من خواهم پرداخت»، احتیاط واجب آن است که به ضامن شدن او ترتیب اثر ندهند.[۲]

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الضمان، ص ۲۵.

۲. همان، م ۱ و ۲.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

احکام ضمان

□ ۱ ـ اگر طلبکار طلب خود را به ضامن ببخشد، ضامن نمی‌تواند از بدهکار چیزی بگیرد و اگر مقداری از آن را ببخشد، نمی‌تواند آن مقدار را مطالبه کند.[۱]

۲ ـ ضامن نمی‌تواند از ضامن شدن خود برگردد.[۲]

۳ ـ ضامن و طلبکار می‌توانند شرط کنند که هر وقت بخواهند، ضمانت ضامن را به هم بزنند.[۳]

٤ ـ اگر شخصی بدون اجازه بدهکار، ضامن شود که بدهی او را بدهد، نمی‌تواند چیزی از او مطالبه کند، امّا اگر با اجازه او ضامن شده و همان چیزی را که بدهکار بوده بپردازد می‌تواند از او مطالبه کند.[٤]

وکالت

وکالت آن است که انسان کاری را که می‌تواند در آن دخالت کند، به دیگری واگذارد تا از طرف او انجام دهد؛ مثلاً کسی را وکیل کند که خانه‌اش را بفروشد.[٥]

شرایط وکالت

* متعلّق وکالت مقدور وکیل باشد.
* متعلّق وکالت معلوم باشد.
* وکیل و موکّل، عاقل، بالغ[٦] و مختار باشند و قصد وکالت داشته باشند.
* موکّل، ممنوع‌التصرف در متعلّق وکالت نباشد و انجام دادن آن برای خودش جایز باشد.

---

۱ ـ توضیح‌المسائل، م ۲۳۱۵. به فتوای برخی از فقها، ضامن می‌تواند مقدار بخشیده شده را از بدهکار بگیرد.
۲ ـ همان، م ۲۳۱٦.
۳ ـ همان، م ۲۳۱۷.
٤ ـ همان، م ۲۳۲۰ و ۲۳۲۱.
٥ ـ توضیح‌المسائل، ص ۳۰۷.
٦ ـ اگر کودک را فقط برای اجرای عقد بیع و امثال آن وکیل کنند صحیح است.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

* بنابر احتیاط واجب، اصل وکالت منجّز باشد.[۱]

احکام وکالت

۱ ـ در وکالت لازم نیست صیغه بخوانند و اگر انسان به دیگری بفهماند که او را وکیل کرده و او هم بفهماند قبول کرده، صحیح است.[۲]

۲ ـ کاری را که انسان نمی‌تواند انجام دهد، یا شرعا نباید انجام دهد، نباید برای انجام دادن آن از طرف دیگری وکیل شود؛ مثلاً کسی که در احرام حج است نمی‌تواند وکیل در اجرای صیغه عقد نکاح شود.[۳]

۳ ـ اگر انسان کسی را برای انجام دادن کارهای خویش وکیل کند، صحیح است؛ ولی اگر برای یکی از کارهای خود وکیل کند و آن کار را معین نکند وکالت صحیح نیست.[۴]

۴ ـ وکیل، لازم نیست مسلمان باشد، مگر در اموری که از غیر مسلمان صحیح نیست. بنابراین انسان می‌تواند برای فروش خانه خود، به کافر وکالت بدهد.[۵]

۵ - نمی‌توان کافر را وکیل کرد تا علیه مسلمان اقامه دعوی کند.[۶]

۶ ـ وکیل می‌تواند از وکالت کناره‌گیری کند؛ هرچند مُوکّل غایب باشد.[۷]

۷ ـ وکیل نمی‌تواند برای کاری که به او واگذار شده، دیگری را وکیل کند، ولی اگر موکّل به او اجازه داده باشد که وکیل بگیرد، طبق دستور می‌تواند رفتار نماید، پس اگر گفته باشد: «برای من وکیل بگیر»، باید از طرف او وکیل بگیرد و نمی‌تواند کسی را از طرف خودش وکیل کند.[۸]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الوکاله، ص ۳۹، م ۱ و ۲.
۲ ـ توضیح‌المسائل، م ۲۲۵۷.
۳ ـ همان، م ۲۲۶۰.
۴ ـ همان، م ۲۲۶۱.
۵ ـ تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۴۰.
۶ ـ همان.
۷ ـ توضیح‌المسائل، م ۲۲۶۳.
۸ ـ همان، م ۲۲۶۴.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

٨ ـ اگر انسان کسی را برای کاری وکیل کند و چیزی برای او قرار بگذارد، بعد از انجام دادن کار، آن چیز را باید به او بدهد.[١]

□ ٩ ـ اگر وکیل یا موکّل بمیرد یا دیوانه همیشگی شود، وکالت باطل می‌شود و نیز اگر گاه‌گاهی دیوانه یا بیهوش شود، بنابر احتیاط واجب باید به معامله‌ای که انجام می‌دهد ترتیب اثر ندهند و نیز اگر چیزی که برای تصرف در آن وکیل شده است، از بین برود؛ مثلاً گوسفندی که برای فروش آن وکیل شده بمیرد، وکالت باطل می‌شود.[٢]

١٠ ـ اگر مال نزد وکیل تلف شود مسأله دو صورت دارد:

الف) اگر در نگهداری آن کوتاهی یا در استفاده از آن زیاده‌روی کرده، باید عوض آن را بدهد.

ب) اگر کوتاهی یا زیاده‌روی نکرده، لازم نیست عوض آن را بدهد.[٣]

حَجْر

حَجْر به معنای منع است و در فقه، منع شرعی، نسبت به تصرف در اموال می‌باشد.[٤]

١ ـ این افراد محجورند؛ یعنی نمی‌توانند در اموال خود تصرف کنند:

* کودک غیر بالغ؛
* دیوانه؛
* سفیه (کسی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می‌کند)؛
* ورشکسته اقتصادی (مُفلس).

٢ ـ ولایت بر تصرف در اموال کودک غیر بالغ و دیوانه، با پدر و جد پدری اوست.

---

١ ـ توضیح‌المسائل، م ٢٢٦٩.

٢ ـ همان، م ٢٢٦٨. به فتوای برخی از فقها، دیوانگی مقطعی ادواری موجب بطلان وکالت نمی‌شود، هرچند در آن مدت، وکالت اثری ندارد.

٣ ـ همان، م ٢٢٧٠ و ٢٢٧١.

٤ ـ تحریرالوسیله، ج ٢، کتاب الحجر، ص ١٢.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

* اگر پدر و جد پدری ندارد، قیمی که با وصیت آنان مشخص شده است، ولایت دارد.
* اگر قیم هم ندارد، با حاکم شرع است.
* اگر حاکم شرع نباشد، با مؤمنان است و بنا بر احتیاط واجب باید عادل باشند.[۱]

□ ۳ ـ ولایت بر سفیه:

اگر از دوران کودکی سفیه بوده و با همان حال به حدّ بلوغ رسیده، شرعا محجور است و ولایت بر او مانند دیوانه، با پدر یا جدّ پدری است و با نبود آنها، با قیم است.

اگر قبلاً سفیه نبوده و پس از بلوغ سفیه شده، حاکم شرع بر او ولایت دارد و حاکم او را از تصرف در اموالش منع می‌کند.[۲]

۴ ـ ورشکسته اقتصادی را نیز حاکم شرع با شرایطی که در کتب مفصّل فقهی آمده، از تصرف در اموالش منع می‌کند و ولایت در تصرف با حاکم است.[۳]

پرسش

۱ ـ ضمان را توضیح داده و تفاوت آن را با حواله بیان فرمایید.

۲ ـ در صورتی که متهم پرونده‌ای مسلمان باشد، آیا شاکی می‌تواند فرد غیر مسلمانی را وکیل خود قرار دهد؟ چرا؟

۳ ـ آخرین شرط از شرایط وکالت را با ذکر مثال توضیح دهید.

۴ ـ تفاوت سفیه و دیوانه چیست؟

۵ ـ در چه صورتی پدر یا جد پدری سفیه بر او ولایت ندارند؟

---

۱ ـ همان، ص ۱۳، م ۵.

۲ ـ تحریرالوسیله، ج۲، کتاب الحجر، القول في السفیه، ص۱۵. به فتوای برخی از فقها، ولایت بر سفیه با پدر وجدّ پدری اوست.

۳ ـ برای آشنایی با شرایط جواز حجر می‌توانید به کتاب تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۱۸ «القول في المفلس» مراجعه کنید.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ٦٣

ودیعه، عاریه و لقطه

ودیعه (امانت)

ودیعه آن است که انسان مالی را به دیگری بسپارد تا برایش نگه دارد.[1]

اگر انسان مالِ خود را به کسی بدهد و بگوید نزد تو امانت باشد و او هم قبول کند، باید به احکام امانتداری عمل کند.[2]

وظایف امانتدار

۱ـ کسی که نمی‌تواند از امانت نگهداری کند، بنابر احتیاط واجب نباید قبول کند. مگر آنکه صاحب مال در نگهداری آن عاجزتر باشد و کسی که بهتر حفظ کند یافت نشود.[3]

۲ـ کسی که چیزی را امانت می‌گذارد، هر وقت بخواهد می‌تواند آن را پس بگیرد و کسی که امانت را قبول می‌کند، هر وقت بخواهد می‌تواند آن را به صاحبش برگرداند.[4]

۱ـ تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الودیعه، ص ٥٩٦.
۲ـ توضیح‌المسائل، م ۲۳۲۷.
۳ـ همان، م ۲۳۳۰.
٤ـ همان، م ۲۳۳۲.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

۳ ـ اگر امانتدار برای امانت، جای مناسبی ندارد، باید جای مناسبی تهیه کند؛ مثلاً اگر پول است و در خانه نمی‌تواند نگهداری کند، باید به بانک بسپارد.[۱]

٤ ـ امانتدار باید طوری از امانت نگهداری کند که مردم نگویند: «در امانت خیانت یا در نگهداری آن کوتاهی کرده است».[۲]

٥ ـ در صورتی که امانت مردم از بین برود:

*اگر امین در نگهداری آن کوتاهی کرده باشد، باید عوض آن را به صاحبش بدهد.

*اگر در نگهداری آن کوتاهی نکرده و به طور اتفاقی آن مال از بین رفته؛ مثلاً سیل برده است، امانتدار ضامن نمی‌باشد و لازم نیست عوض آن را بدهد.[۳]

عاریه

عاریه آن است که انسان مال خود را به دیگری بدهد تا از آن استفاده کند و در عوض، چیزی از او نگیرد؛ مثلاً کتاب خود را به کسی می‌دهد تا مطالعه کند و برگرداند.[۴]

۱ ـ کسی که چیزی را عاریه داده هر وقت بخواهد می‌تواند آن را پس بگیرد و کسی هم که عاریه گرفته هر وقت بخواهد می‌تواند آن را پس دهد.[۵]

۲ ـ چیزی را که عاریه گرفته بدون اجازه صاحبش نمی‌تواند به دیگری عاریه یا اجاره دهد.[۶]

۳ ـ چنانچه مالی را که عاریه کرده، از بین برود یا معیوب شود:

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۲۳۳٤.
۲ ـ همان.
۳ ـ همان، م ۲۳۳٥.
٤ ـ همان، م ۲۳٤٤.
٥ ـ همان، م ۲۳٥۳.
٦ ـ همان، م ۲۳٥۸.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

* اگر در نگهداری آن کوتاهی یا در استفاده از آن زیاده‌روی نکرده، ضامن نیست؛ مگر آنکه شرط کند که اگر تلف شود ضامن باشد یا مورد عاریه، طلا یا نقره باشد.

* اگر کوتاهی یا زیاده‌روی کرده باشد، باید خسارت آن را بپردازد.[1]

٤ ـ اگر از پیش، شرط کرده باشند که اگر خسارتی بر آن وارد شود، عاریه‌کننده ضامن است، باید آن خسارت را بپردازد.[2]

لُقطه (اشیای پیدا شده)

١ ـ برداشتن چیزی که پیدا شده، مکروه است.

٢ ـ اگر انسان چیزی پیدا کند و بردارد:

الف) اگر صاحبش معلوم است، باید به صاحبش بدهد.

ب) اگر صاحبش معلوم نیست:

- **نشانه‌ای ندارد** که از روی آن بتواند صاحبش را پیدا کند بنابر احتیاط واجب از طرف صاحبش صدقه بدهد.
- **نشانه دارد**
  - **قیمت آن یک درهم یا بیشتراست**: باید اعلام کند. پس:
    ـ اگر صاحبش پیدا شد، باید به او بدهد.
    ـ اگر صاحبش پیدا نشد، می‌تواند برای خود بردارد، به قصد اینکه هر وقت صاحبش پیدا شد عوض آن را به او بدهد یا برای صاحبش نگهداری کند تا هر وقت پیدا شد به او بدهد.
  - **قیمت آن یک درهم کمتراست**: می‌تواند به قصد آنکه برای خودش باشد از آن استفاده کند یا اعلام کند تا صاحبش پیدا شود.[2]

---

١ ـ توضیح المسائل، م ٢٣٤٩.

٢ ـ همان.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

چگونگی اعلام

اگر از روزی که آن را پیدا کرده تا یک هفته، روزی یک مرتبه و بعد از آن تا یک سال، هفته‌ای یک مرتبه در محل اجتماع مردم اعلام کند، کافی است.[۱]

چند مسأله

۱ ـ کسی که مالی را پیدا کرده، اگر عمداً به دستوری که گفته شد، اعلام نکند، گذشته از اینکه معصیت کرده، باز هم اعلام واجب است.[۲]

۲ ـ اگر کودک نابالغ چیزی پیدا کند، ولیّ او باید اعلام کند.[۳]

۳ ـ اگر قیمت چیزی که پیدا کرده به ۱۲/۶ نخود نقره سکه‌دار برسد، چنانچه اعلام نکند و در مسجد یا جای دیگری که محل اجتماع مردم است بگذارد و آن چیز از بین برود، یا دیگری آن را بردارد، پیداکننده ضامن است.[۴]

۴ ـ هرگاه چیزی پیدا کند که اگر بماند فاسد می‌شود باید تا مقداری که ممکن است آن را نگه دارد بعد قیمت کند و خودش بردارد یا بفروشد و پولش را نگه دارد و اعلا کند.[۵]

گم شدن کفش

□ اگر کفش کسی را ببرند و کفش دیگری به جای آن بگذارند، با چند شرط می‌تواند آن را برای خود بردارد:

* بداند کفشی که مانده، مالِ کسی است که کفش او را برده.

---

۱ – تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب اللُقطة، ص ۲۲۵، م ۶؛ توضیح المسائل، م ۲۵۶۶.

۲ ـ توضیح‌المسائل، م ۲۵۷۰.

۳ ـ همان، م ۲۵۷۱.

۴ ـ همان، م ۲۵۷۸.

۵ ـ همان، م ۲۵۷۹.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

* از پیدا کردن صاحبش مأیوس شود یا برایش مشقّت داشته باشد.

* ارزش آن مساوی با کفش خودش یا کمتر از آن باشد، ولی اگر قیمت آن از کفش خودش بیشتر باشد، باید هر وقت صاحب آن پیدا شد، زیادی قیمت را به او بدهد و چنانچه از پیدا شدن او ناامید شود، باید با اجازه حاکم شرع زیادی قیمت را از طرف صاحبش صدقه بدهد.[1]

پرسش

١ ـ اگر امانت تلف شود، آیا امانتدار ضامن است یا نه؟

٢ ـ برای ودیعه و عاریه هر کدام دو مثال بزنید.

٣ ـ اگر شخصی یک اسکناس هزار تومانی پیدا کند، وظیفه‌اش چیست؟

٤ ـ یک جعبه میوه در جاده از روی ماشینی افتاده و راننده دیگری آن را برداشته، وظیفه‌اش نسبت به آن چیست؟

٥ ـ اگر کفش کسی را ببرند و کفش ارزشمندتری به جای آن مانده، تکلیف چیست؟

---

١ ـ توضیح المسائل، م ٢٥٨١. به فتوای برخی از فقها، علاوه بر شرایطی که گفته شد باید بداند راضی است کفشش را عوض کفشی که برده است بردارد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ٦٤

مُضاربه، مزارعه، مساقات

مضاربه

اگر دو نفر با هم قرارداد ببندند که یکی از آنها مالی را به دیگری بدهد تا با آن مال معامله کند و اگر سودی به‌دست آمد با هم تقسیم کنند، به چنین قراردادی «مضاربه» می‌گویند. به صاحب سرمایه (پول) «مالک» و به کسی که مال را تحویل گرفته تا با آن معامله کند «عامل» می‌گویند.[1]

شرایط مضاربه

برخی از شرایط مضاربه عبارتند از:

۱ .مورد مضاربه پول باشد، پس مضاربه دادن کالا صحیح نیست؛

۲ .اوصاف و مقدار مال مورد مضاربه معلوم باشد.

۳ . مقدار سهم طرفین از سود حاصله معلوم باشد؛

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب المضاربة، ص ٦٠٨.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

٤. سهم آنان از سود مشاع کسری باشد؛ مثل $\frac{1}{2}$ $\frac{1}{3}$ $\frac{1}{4}$ اگر مثلاً بگوید: ده هزار تومان برای تو صحیح نیست؛

٥. مال مورد مضاربه در خرید و فروش مصرف شود. اگر در کار دیگری غیر معامله و تجارت خرج کند، صحیح نیست.[1]

احکام مضاربه

١. اگر صاحب مال دو نفر یا بیشتر باشند و مال خود را به یک نفر مضاربه بدهند مانع ندارد.[1]

٢. در تجارت، کارهایی را که معمولاً به دیگران می‌سپارند، مانند وزن کردن بار و حمل آن و امثال اینها، می‌تواند به اهلش بسپارد و مزد آنها را از سرمایه بپردازد و اگر خودش آن را انجام داد می‌تواند مزد خود را از سرمایه بردارد و اما برای کارهایی که معمولاً عامل باید انجام دهد، نمی‌تواند مزد بردارد.[2]

٣. اگر قرارداد مضاربه مطلق باشد؛ یعنی شرطی در آن نباشد، عامل هرگونه صلاح بداند می‌تواند تجارت کند اما نمی‌تواند نسیه بدهد، مگر اینکه بین تجّار نسیه دادن مرسوم باشد. ولی اگر عقد مضاربه مشروط باشد، عامل باید به شرط عمل کند و اگر به شرط عمل نکرد و خسارتی به بار آمد ضامن است و اگر سودی به‌دست آمد صاحب سرمایه شریک است.[3]

٤. عامل نمی‌تواند بدون اجازه مالك، مال را به شخص دیگری به مضاربه بدهد یا دیگری را در مضاربه شریک کند و اگر اجازه هم بدهد باید مضاربه اوّلی را فسخ کنند

---

١. تحریر الوسیله، ج١، کتاب المضاربه، م ١٠.
٢. همان، م ١٥.
٣. همان، ص ٦١٢، م ١٦ و ١٨.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

و مالک با شخص دوم عقد مضاربه ببندد یا قرارداد مضاربه بین مالک و عامل و شخص دیگری به اشتراک بسته شود.[۱]

ضمان عامل و عدم آن

اگر اموالی که در اختیار عامل است تلف شود یا خسارتی بر آن وارد شود یا مضاربه سودی نیاورد یا ضرر کند، در برخی موارد عامل ضامن است و در برخی موارد ضامن نیست که حکم صورت‌های مختلف آن بدین شرح است:

- بدون تقصیر عامل، تمام مال یا مقداری از آن تلف شود← عامل ضامن نیست.
- با تقصیر عامل، مال تلف شود← عامل ضامن است
- تجارت سود نیاورد← عامل ضامن سود صاحب مال نیست.
- تجارت ضرر بیاورد← عامل ضامن ضرر صاحب مال نیست.
- شرط کرده باشند که خسارت برعهده مالک باشد← عامل خسارت را ضامن نیست.
- شرط کرده باشند که اگر ضرری به سرمایه وارد شد، عامل هم؛ مثلاً $\frac{1}{2}$ یا $\frac{1}{3}$ از آن را بدهد← در صورت ضرر، او هم ضامن است.[۲]

مزارعه

مزارعه آن است که صاحب زمین، با زارع قرارداد ببندند که زمین را در اختیار زارع بگذارد تا زراعت کند و مقداری از حاصل آن را به صاحب زمین بدهد.[۳]

---

۱ .تحریر الوسیله، ج۱، کتاب المضاربه، ص ۶۱۵، م ۲۵.
۲ .همان، ص ۶۱۱، م ۱۴.
۳ .توضیح المسائل، م ۲۲۲۸.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

شرایط مزارعه

- صاحب زمین، زمین مورد مزارعه را مشخص کند.
- زمین، قابل کاشت باشد یا بتوانند کاری کنند که زراعت ممکن شود؛ مثلاً با شخم‌زنی وکود دادن و تسطیح کردن.
- مدّت مزارعه معین باشد.
- مدّت مزارعه به قدری باشد که در آن مدّت حاصل زمین به دست آید.
- نوع زراعت معین باشد، مگر در محلی باشد که فقط یک نوع زراعت کاشت می‌شود یا زراعت خاصی معمول و متعارف باشد که در این صورت نام بردن لازم نیست.
- خرجی را که هرکدام باید عهده‌دار شود مشخص کنند؛ مثلاً زمین و بذر از یکی و سایر مخارج از دیگری.
- همه حاصل زمین به یک نفر اختصاص داده نشود.
- سهم هرکدام از محصول، به طور مشاع معین باشد؛ مثلاً $\frac{1}{2}$، $\frac{1}{3}$، $\frac{1}{4}$؛ پس اگر قرار بگذارند، مثلاً یک تن گندم بدهد، یا بگوید حاصل این قطعه از زمین برای من و آن قطعه برای تو، مزارعه صحیح نیست.[1]

احکام مزارعه

□ ١ ـ اگر زراعت در زمین به سبب پیش‌آمدی، مثلاً باریدن برف زیاد، ممکن نشود:
ـ اگر مقداری از زراعت به دست آمده، حتی علفی که بتوان به حیوان داد، همان مقدار، مطابق قرارداد از هر دو است و نسبت به بقیه، مزارعه باطل است.
ـ اگر اصلاً زراعت به دست نیامده، مزارعه باطل است.[2]

---

١ ـ توضیح‌المسائل، م ٢٢٢٩.

٢ ـ همان، م٢٢٣٢؛ تحریرالوسیله، ج١، کتاب‌المزارعة، ص٦٣٧، م٦. به فتوای برخی از فقها، مزارعه در هر دو صورت باطل است.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

۲ - اگر بر اثر کوتاهی زارع چیزی به دست نیاید، باید اجاره زمین را به قدر متعارف به صاحب زمین بپردازد.[۱]

۳ . زارع نمی‌تواند بدون اجازه صاحب زمین، زمین را در اختیار شخص دیگری بگذارد.[۲]

مُساقات

مساقات قراردادی است میان صاحب باغ و باغبان که در مدت معینی به آبیاری و پرورش درختان بپردازد و مطابق قرارداد، سهمی از میوه‌ها به باغبان داده شود.[۳]

شرایط مساقات

برخی از شرایط مساقات عبارتند از:

- مورد مساقات درخت میوه باشد؛ نه مانند درختان بید و صنوبر و کاج و سپیدار؛ مگر درختانی که از گُل یا برگ آنها استفاده می‌کنند؛ مانند درخت سدر.
- مدت مساقات معلوم باشد.
- سهم هرکدام از میوه معین باشد.
- سهم آنها، مُشاع باشد؛ مثلاً $\frac{۱}{۲}$ ، $\frac{۱}{۳}$ ، $\frac{۱}{۴}$ ؛ بنابر این اگر قرار بگذارند که باغبان، آبیاری کند و در پایان یک تُن میوه بگیرد، این قرارداد مساقات نیست.[۴]

---

۱ . تحریرالوسیله، ج۱، کتاب المزارعة، ص۶۳۷، م۶ .

۲ . همان.

۳ . توضیح المسائل، م ۲۲۳۸ .

۴ . تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب المساقات، ص ۶۴۲؛ توضیح المسائل، م ۲۲۳۸ تا ۲۲۴۵ . به فتوای برخی از فقها، قرارداد مساقات روی درختانی که از گل و برگ آنها استفاده می‌شود و میوه‌ده نیست اشکال دارد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

چند مسأله

۱ ـ در قرارداد مساقات می‌توان مدت آن را تا پایان رسیدن میوه‌ها قرارداد، در صورتی که زمان شروع آن (ابتدای مساقات) مشخص باشد.

۲ ـ قرارداد مساقات بر نهال‌هایی که تازه غرس شده و هنوز زمان میوه دادن آنها نرسیده، اشکال ندارد؛ به شرط آنکه مدّت مساقات به قدری باشد که نهال میوه‌دار شود.

۳ ـ قرارداد مساقات بر درختی که از آب باران یا رطوبت زمین استفاده می‌کند و به آبیاری نیازی ندارد، اگر به کارهای دیگری؛ مانند بیل زدن و کود دادن نیازمند باشد، صحیح است.[1]

پرسش

۱ ـ اگر مبلغی را به یک کارگاه تولیدی بدهد که مثلاً ۳۱٪ از سود تولیدات را به او بدهد صحیح است یا نه؟

۲ ـ در مضاربه، عامل چه نوع مخارجی را می‌تواند از سرمایه بردارد؟

۳ ـ اگر تجارت ضرر بیاورد، در چه صورت، عامل، ضامن ضرر صاحب مال خواهد بود؟ ـ در قرارداد مزارعه، بذر، کود، سم و مالیات دولتی بر عهده کیست؟

٤ ـ در مزارعه، کاه و علوفه به دست آمده برای چه کسی است؟

۵ ـ شخصی آب و زمین را در اختیار کشاورز قرار داده تا در آن کشت کند و پس از برداشت محصول، مبلغ یکصدهزار تومان به صاحب زمین بدهد؛ این قرارداد چه نام دارد و حکم آن چیست؟

٦ ـ شخصی باغ خود را در اختیار باغبان می‌گذارد تا کارهای آن را انجام دهد و پس از برداشت محصول، یک تن میوه به او بدهد، نام این قرارداد چیست و چه حکمی دارد؟

۷ ـ مزارعه و مساقات چه تفاوت‌هایی دارند؟

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب المساقات، ص ٦٤٢؛ توضیح المسائل، م ۲۲۳۸ تا ۲۲٤۵.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

صلح، هبه، صدقه

صُلح

انسان می‌تواند تمام یا مقداری از اموال یا منافع اموال خود را در مقابل چیزی یا بدون عوض، به‌دیگری واگذارکند یا طلبی‌که دارد، نگیرد. به این واگذاری یا اسقاط دَین «صُلح» گفته می‌شود.[1]

۱ ـ صلح، قراردادی مستقل است و احکام سایر قراردادها در آن جاری نیست؛ پس خیار بیع و حق شفعه در آن ثابت نیست.[2]

۲ ـ در قرارداد صلح، صیغه خاصی شرط نیست بلکه با هر لفظی که بیانگر واگذاری مال یا اسقاط دین باشد، صحیح است.[3]

۳ ـ صلح کننده باید عاقل، بالغ و مختار باشد و قصد صلح نیز داشته باشد و حاکم شرع او را از تصرف در اموالش منع نکرده باشد.[4]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۲۱٦۰.

۲ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الصلح، ص ٥٦۱، م ۱.

۳ ـ همان، ص ٥٦۲، م ۳.

٤ ـ همان، ص ٥٦۳، م ۹.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

٤ ـ اگر بخواهند دو چیز همجنس را به یکدیگر صلح کنند:

• **اگر وزن آنها معلوم است**
  ١ ـ هر دو مساوی است: صلح صحیح است.
  ٢ ـ یکی بیشتر است: صلح صحیح نیست.

• **وزن آنها معلوم نیست:** صلح صحیح است، هر چند احتمال بدهند که وزن یکی بیشتر از دیگری است.[١]

٥ ـ اگر دو نفر چیزی را با هم صلح کنند، با رضایت یکدیگر می‌توانند صلح را به هم بزنند و همچنین اگر برای یکی از آنها حق فسخ قرار داده باشند.[٢]

هِبه

هِبه یا بخشش، عبارت است از: خارج ساختن مالی از ملکیت خود و بدون دریافت چیزی آن را، به ملکیت دیگری درآوردن.[٣]

١ ـ هبه‌کننده وکسی که چیزی به او هبه خواهد شد، باید بالغ و عاقل و دارای قصد و اختیار باشند. آری، ولیِّ طفل و دیوانه می‌تواند از طرف آنها قبول کند.[٤]

٢ ـ مواردی که نمی‌توان هبه را پس گرفت:

- هبه به ارحام؛ مانند پدر، مادر، فرزند، در صورتی که تحویل آنان داده باشد.
- هبه به غیر ارحام، در صورتی که آن مال باقی نباشد و مصرف کرده یا تلف شده باشد، امّا اگر هنوز آن مال باقی است پس گرفتن آن اشکال ندارد.

---

١ ـ توضیح المسائل، م ٢١٦٦.
٢ ـ همان، م ٢١٦٩.
٣ ـ تحریر الوسیله، ج٢، کتاب الهبة، ص ٥٦.
٤ ـ همان.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

- هبه معوّضه؛ یعنی بخششی که مشروط باشد به پرداخت چیزی یا انجام کاری درمقابل آن؛ مثلاً چیزی را به کسی می‌بخشد به شرط آن‌که او هم چیزی به او بدهد.[۱]
- اگر بخشنده، پس از تحویل دادن چیزی که بخشیده، از دنیا برود، ورثه بخشنده نمی‌توانند آن را پس بگیرند و اگر کسی که چیزی به او بخشیده‌اند از دنیا برود، بخشنده، نمی‌تواند آن را از ورثه او مطالبه کند.[۲]

□ ۳ ـ در بحث هبه، زن و شوهر حکم ارحام را ندارند، ولی احتیاط آن است که اگر یکی از آنها چیزی به دیگری بخشید پس نگیرد.[۳]

صدقه

صَدقه عمل مستحبی است که در آیاتِ قرآن و روایاتِ معصومین علیهم‌السلام تأکید بسیاری به آن شده و ثواب بی‌شماری برای آن بیان گشته است تا آنجا که فرموده‌اند:

«صدقه، در دنیا مانع پیشامدهای ناگوار و مرگ‌های ناگهانی است و در آخرت گناهان بزرگ را می‌زداید و حسابرسی قیامت را آسان می‌کند».[۴]

احکام صَدقه

۱ ـ انسان باید در پرداخت صدقه، قصد قُربت داشته باشد؛ یعنی تنها برای رضای خدا بپردازد و از هرگونه ریا و خودنمایی دور باشد.[۵]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج۲، کتاب الهبة، ص ۵۸، م ۸ و ۱۱.
۲ ـ همان، م ۸.
۳ ـ همان. به فتوای برخی از فقها، زن و شوهر نیز در بحث هبه حکم ارحام را دارند.
٤ ـ بحارالانوار، ج ۹٦، ص ۱۲٤، وسائل الشیعه، ج ٦، ص ۲۵۸.
۵ ـ تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الوقف و اخواته القول في الصدقة، ص ۹۰، م ۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

٢ ـ پس گرفتنِ صدقه جایز نیست.[١]

٣ ـ صدقه برسید هم حلال است، گرچه زکاتِ غیرسید برسید حرام است.[٢]

٤ ـ صدقه دادن به کافری که در حال جنگ با مسلمانان نباشد و به پیامبر ﷺ یا امام علیه‌السلام دشنام نمی‌دهد، اشکال ندارد.[٣]

٥ ـ صدقه را بهتر است پنهانی بدهد، مگر آنکه بخواهد دیگران هم تشویق شوند، ولی زکات، بهتر است آشکارا داده شود.[٤]

پرسش

١ ـ آیا پدر می‌تواند تمام یا نصف اموال خود را برای پس از مرگ خود به یکی از فرزندان صلح کند؟

٢ ـ اگر دو نفر، دو کالای همجنس را که وزن یکی بیش از دیگری است به یکدیگر صلح کنند، چه حکمی دارد؟ چرا؟

٣ ـ تفاوت صدقه با هبه چیست؟

٤ ـ در چه صورت پس گرفتن هبه جایز است؟

٥ ـ مردی همسر خود را طلاق می‌دهد، آیا می‌تواند زیورآلاتی که برایش خریده از او پس بگیرد؟

---

١ ـ تحریرالوسیله، ج ٢، کتاب الوقف و اخواته القول في الصدقة، مسأله ٢.

٢ ـ همان، ص ٩١، م ٣.

٣ ـ همان، م ٥.

٤ ـ همان، م ٦.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ٦٦

وَقف

وقف

وقف، آن است که انسان، ملکیت خود را از مالی سلب کند و منفعت آن را در راه خدا و خیر قرار دهد.[1]

اقسام وقف

وقف به اعتبار کسانی که مال برای آنها وقف می‌شود بر دو نوع است:

- **وقف عام:** استفاده‌کنندگان از آن مال، فرد یا گروه خاصی نیستند؛ بلکه وقف بر جهت و مصلحت عامی است؛ چون وقف زمین برای مسجد.
- **وقف خاص:** استفاده‌کننده از آن مال، فرد یا افراد خاصی می‌باشند؛ چون وقف چیزی برای امام جماعتِ مسجد یا دانشجویانِ یک مدرسه.[2]

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الوقف و اخواته، ص ٦٢.

۲ .همان، صص ۷۰، م ۳٤.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

شرایط وقف

۱. شرایط واقف
- ۱. بالغ و عاقل باشد.
- ۲. با اختیار وقف کند و کسی او را مجبور نکرده باشد.
- ۳. ممنوع از تصرف در اموالش نباشد.

۲. شرایط مال موقوف
- ۱. ملک وقف کننده باشد.
- ۲. عین دارای منفعت حلال باشد.
- ۳. با استفاده از منافع آن، اصل مال باقی بماند.
- ٤ - قابل تملیک و تحویل باشد

۳. شرایط موقوف علیه[۲]
- ۱. معین باشد.
- ۲. اگر وقف خاص است، هنگام وقف موجود باشد.
- ۳. اگر وقف عام است، هنگام وقف امکان موجود شدن آنها باشد.

٤. سایر شرایط:

- صیغه وقف باید با الفاظی باشد که بیانگر اراده وقف است.
- وقف، دائمی باشد نه موقّت.
- بنا بر احتیاط، منجّز باشد و معلّق و مشروط به شرطی نباشد.
- برای دیگران باشد نه برای خودش.[۲]

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الوقف و اخواته، م ۳۱.
۲. همان، ص ٦۲، ٦٤، ٦٥ و ٦٧، م ۱، ۱٥، ۲۲ و ۲٤.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

احکام وقف

۱ـ کسی که زمین یا ساختمانی را وقف مسجد، پل، راه و مانند آن کند و در اختیار مردم بگذارد و مردم از آن استفاده کنند؛ مثلاً عده‌ای در آن مسجد نماز بخوانند یا از آن پل یا راه عبور کنند، کافی است و جزء اموال موقوف، به حساب می‌آید.[۱]

۲ـ واقف باید مال وقف شده را به موقوف‌علیهم یا متولی وقف یا حاکم اسلامی تحویل دهد و اگر قبل از تحویل بمیرد، وقف باطل می‌شود و آن مال به وارث می‌رسد.[۲]

۳ـ پس از آنکه مالی را وقف کرد واقف نمی‌تواند عنوان آن را تغییر دهد؛ مثلاً وقف برای حسینیه را به وقف برای مسجد تغییر دهد.[۳]

۴ـ واقف می‌تواند، خود یا شخص دیگری را هنگام اجرای صیغه وقف، متولّی قرار دهد، یا حق برکناری متولّی را برای خودش شرط کند.[۴]

متولّی وقف

۱ـ اگر واقف، متولّی را مشخص کرده باشد، همان شخص متولّی وقف است.

□ ۲ـ اگر واقف، متولّی را مشخص نکرده و وقف عام است، حاکم اسلامی یا نماینده او متولّی وقف می‌باشد. و در وقف خاص نیز در اموری که به مصلحت وقف و مراعات حال نسل‌های بعدی است؛ مثل تعمیر و حفظ اصل آن، اختیار با حاکم اسلامی است. ولی نسبت به بهره‌ور کردن و اصلاحات جزیی که بهره‌دهی آن متوقف بر آنهاست، مثل حفر جوی و لایروبی آن و دروکردن محصول، تصمیم با موقوفٌ علیهم است.[۵]

۱ـ تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الوقف و اخواته، ص ۶۳، م ۳.

۲ـ همان، ص ۶۴، م ۸ و ۱۴.

۳ـ همان، ص ۷۴، م ۶۹.

۴ـ همان، ص ۸۲، م ۷۹.

۵ـ همان، ص ۸۴، م ۸۷. به فتوای برخی از فقها، در وقف خاص، متولی وقف، همان موقوف علیهم هستند.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

فروش مال وقفی

فروش مال وقفی، چه خاص باشد و چه عام، جایز نیست؛ مگر در این موارد:

* به طوری خراب و غیر قابل استفاده شده که تعمیر آن ممکن نباشد.

* بر اثر خرابی، استفاده چندانی از آن نشود و با فروش آن بتوان مالی تهیه کرد که منافع قبلی آن مال را داشته باشد.

* واقف شرط کرده باشد که هنگام ضرورت و نیاز فروخته شود.[1]

استفتاء

س ۱ ـ زمینی در بیش از بیست سال قبل برای مسجد داده شده و با پول مردم مسجد ساخته شده؛ آیا صاحب قبلی زمین یا وارث او می‌تواند بگوید: من راضی نیستم کسی در این مسجد نماز بخواند یا خیر؟

ج ـ بعد از ساختن مسجد و تحویل به نمازگزاران نمی‌تواند رجوع کند و رضایت او معتبر نیست.[2]

س ۲ ـ آیا جایز است لوازم مسجد از قبیل کولر، بلندگو و فرش جهت استفاده شخصی فاتحه و عروسی و یا استفاده پیش‌نماز مسجد از مسجد خارج شود؟

ج ـ تابع کیفیت وقف است. اگر برای استفاده در مسجد وقف شده بیرون بردن از مسجد جایز نیست.[3]

س ۳ ـ ساختن مهدیه و حسینیه در قبرستانی که قسمتی از آن به حالت تعطیل درآمده چه صورتی دارد؟

ج ـ قبرستان، اگر برای دفن اموات باشد، جایز نیست.[4]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الوقف و اخواته، ص ۷۹، م ۷۳.

۲ ـ استفتاآت، ج ۲، ص ۳۳۹، س ۱۲.

۳ ـ همان، ص ۳٤٤، س ۲۵.

٤ ـ همان، ص ۳۵۸، س ۵۹.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

برخی از نمونه‌های وقف و حکم هریک[1]

ردیف	نمونه وقف	حکم
۱	مسلمان، چیزی را بر فقرای شهر وقف کند	به فقیران مسلمان می‌رسد.
۲	چیزی را بر فقرای قبیله وقف کند و در جاهای مختلف زندگی می‌کنند.	به همه آنها می‌رسد، نمی‌توان تنها به حاضرین آنها داد.
۳	وقف «فی سبیل‌الله» یا «کار خیر».	در هر کاری که ثواب داشته باشد خرج می‌شود.
٤	وقف بر ارحام و اقارب به طور مطلق.	به کسانی که عرف مردم آنها را از ارحام و اقارب بدانند می‌رسد.
٥	وقف بر اقوام و ارحام، با قید الأقرب فالأقرب.	مطابق طبقات تقسیم ارث عمل می‌شود.
٦	وقف بر اولاد، بدون قید.	به دختر و پسر می‌رسد و به طور مساوی تقسیم می‌شود.
۷	وقف بر عُلما.	به عالمان دینی می‌رسد.
۸	وقف بر مسجد، بدون قید و شرط.	صرف نور و فرش و خادم و تعمیر و سایر مخارج مسجد می‌شود.
۹	وقف بر سید الشهدا علیه‌السلام	صرف برپایی عزاداری آن حضرت می‌شود.

۱. تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الوقف و اخواته، صص ۷۱ تا ۷٤، م ٤۰ تا ٤٦ و ٥۳، ٥٦ و ٥۸. در برخی موارد مصرف وقف که در جدول آمده تفاوت فتوای جزئی وجود دارد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

پرسش

۱ـ وقف میوه‌های باغ صحیح است یا نه؟ چرا؟

۲ـ برای هرکدام از دو قسم وقف، سه مثال بزنید.

۳ـ آیا وقف باغ برای پس از مرگ خود صحیح است؟ چرا؟

٤ـ متولّی وقف عام چه کسی است؟

٥ـ در بازسازی یک مسجد، جای حیاط با شبستان تغییر می‌کند؛ این مسأله چه حکمی دارد؟

٦ـ اگر چیزی را وقف امام رضا علیه‌السلام کند، چگونه باید صرف شود؟

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

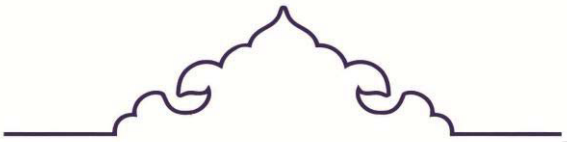

وصیت

﴿كُتِبَ عَلَيكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِن تَرَكَ خَيرًا الْوَصِيةُ لِلْوَالِدَينِ وَالأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ﴾

«هرگاه یکی از شما را مرگ فرا رسد و مالی بر جای گذارد ، مقرر شد که درباره پدر و مادر و خویشاوندان ، از روی انصاف وصیت کند و این شایسته پرهیزگاران است»[1]

وصیت

وصیت آن است که انسان سفارش کند بعد از مرگش برای او کاری انجام دهند یا بگوید بعد از مرگش چیزی از اموال او برای کسی باشد یا برای فرزندان خود قیم (سرپرست) تعیین کند.[2]

چگونگی وصیت

* با گفتار؛ یعنی وصیت خود را به زبان آورد.
* با نوشته‌ای که مقصود وصیت کننده را برساند.

---

١ . بقره : ١٨٠

٢ .توضیح المسائل، م ٢٦٩٤ .

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

* با اشاره‌ای که مقصود را بفهماند.[١]

کسی که انسان به او وصیت می‌کند «وَصیّ» نام دارد.

وصیّ باید مسلمان، عاقل، بالغ و مورد اطمینان باشد، بنابراین انسان نمی‌تواند فرزند غیربالغ خود یا کسی را که به او اطمینان ندارد، وصیّ خود قرار دهد.[٢]

متن وصیت‌نامه

آنچه باید در مورد آنها وصیت کرد، بدین شرح است:

١ ـ نماز و روزه‌های قضا شده (در صورتی که خودش نتواند آنها را بجا آورد) و چنانچه پسر بزرگ دارد که پس از مرگ بر وی واجب می‌شود، باید به او اطلاع دهد.

٢ ـ خمس، زکات و سایر بدهی‌ها (در صورتی که نمی‌تواند بپردازد) چنانچه از خودش مال دارد یا احتمال می‌دهد که کسی آنها را پرداخت می‌کند.

٣ ـ اگر حج بر او واجب شده و نتواند آن را بجا آورد.

٤ ـ اگر فرزندانش با نداشتن سرپرست، اموالشان از بین می‌رود یا خودشان ضایع می‌شوند، باید برای آنها قیمی امین قرار دهد.[٣]

وصیت مالی

اگر انسان نسبت به اموال خود وصیت کند، یعنی مصرفی را برای آن تعیین کند، چنانچه بیش از یک سوّم کل اموالش نباشد باید مطابق وصیت عمل کنند و اگر بیش از یک سوّم اموال وی باشد، وصیت او در بیش از ثُلث در صورتی صحیح است که ورثه

---

١ ـ توضیح‌المسائل، م ٢٦٩٥ و ٢٦٩٦.

٢ ـ همان، م ٢٧٠٤.

٣ ـ همان، م ٢٧٠٠ تا ٢٧٠٣.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

او، حرفی بزنند یا کاری کنند که معلوم شود عملی شدن وصیت را اجازه داده‌اند و تنها راضی بودن آنها کافی نیست. اگر بعد از مردن او هم اجازه بدهند، صحیح است.[۱]

احکام وصیت

۱. اگر انسان از وصیت خود برگردد؛ مثلاً بگوید ثُلث مالش را به کسی بدهند بعد بگوید به او ندهند، وصیت باطل می‌شود.[۲]

۲. اگر انسان وصیت خود را تغییر دهد باید به وصیت دوّم عمل شود.[۳]

۳. اگر انسان کاری کند که معلوم شود از وصیت خود برگشته؛ مثلاً خانه‌ای را وصیت کرده به کسی بدهند بفروشد، یا دیگری را برای فروش آن وکیل کند وصیت باطل می‌شود.[۴]

٤. اگر وصیت کند که ثلث مال او را نفروشند و مایه آن را به مصرف برسانند، باید مطابق آن عمل کنند.[۵]

۵. کسی را که انسان وصیت می‌کند، چیزی به او بدهند باید داشته باشد پس اگر وصیت کند به بچه‌ای که ممکن است فلان زن حامله شود چیزی بدهند باطل است، ولی اگر وصیت کند به بچه‌ای که در شکم مادر است چیزی بدهند، هر چند هنوز روح نداشته باشد وصیت صحیح است و اگر زنده به دنیا بیاید باید آن مال را به او بدهند و اگر مرده به دنیا آمد وصیت باطل می‌شود.[۶]

---

۱. توضیح المسائل، م ۲۷۲۱.
۲. همان، م ۲۷۰٦.
۳. همان.
٤. همان، م ۲۷۰۷.
۵. همان، م ۲۷۱۰.
٦. همان، م ۲۷۱۲.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

وصّی میت

وصّی کسی است که از طرف شخصی برای انجام دادن برخی کارهای پس از مرگ وی مشخص شده است.[١]

شرایط وصّی

١ - وصّی انسان باید دارای شرایط زیر باشد:

- مسلمان باشد؛
- بالغ و عاقل باشد؛
- مورد اطمینان باشد.

٢. اگر میت چند نفر را وصّی خود قرار داده باشد، چنانچه اجازه داده باشد هرکدام به تنهایی به وصیت عمل کنند لازم نیست در عمل به وصیت به یکدیگر اجازه بگیرند و اگر اجازه نداده باشد، باید با نظر یکدیگر به وصیت عمل کنند.[٢]

قیم

قیم کسی است که از طرف پدر یا جد پدری یا حاکم شرع به عنوان سرپرست و عهده دار امور کودک مشخص شده است.

شرایط قیم

قیم باید دارای شرایط زیر باشد:

- بالغ
- عاقل و رشید
- امانتدار و مورد اعتماد[٣]

---

١. تحریر الوسیله، ج ١، ص ١١، م ١٩.
٢. توضیح المسائل، م ٢٧١٣.
٣. استفتاآت، ج ٢، ص ٤٤٩، س ٨٩.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

قیم درصورتی می‌تواند در اموال یتیم تصرف کند که تصرفش نه تنها مفسده نداشته باشد، بلکه دارای مصلحت نیز باشد.[۱]

پرسش

۱ـ در وصیت نامه جوانی که هنوز ازدواج نکرده و چیزی جز تعدادی کتاب ندارد، چنین آمده است: «کتاب‌هایم را به کتابخانه دانشگاه بدهید»، پس از مرگ او تکلیف چیست؟

۲ـ در چه صورتی تعیین وصی لازم است؟

۳ـ وصی با قیم چه تفاوتی دارد و آیا ممکن است وصی میت، قیم فرزندان او هم باشد؟

۴ـ شرایط مشترک قیم و وصی کدام است؟

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۱ـ تحریرالوسیله، ج ۱، ص۱۱، م ۱۹ و استفتاآت، ج ۲، ص ۴۴۹، س ۸۸ و ۸۹.

نَذر، عهد، قسم

﴿يوفُونَ بِالنَّذْرِ وَ يخافُونَ يوْماً كانَ شَرُّهُ، مُسْتَطِيراً﴾

«نیکان، به نذر وفا می‌کنند و از روزی که گزند آن فراگیر است می‌ترسند». [1]

نَذر

نذر آن است که انسان ملتزم شود کار خیری را برای خدا به‌جا آورد یا کاری که انجام ندادنش بهتر است برای خدا ترک کند. [2]

۱ ـ در نذر باید صیغه خوانده شود و لازم نیست انسان آن را به عربی بخواند؛ پس اگر بگوید: «چنانچه مریض من خوب شود برای خدا بر عهده من است که هزار تومان به فقیر بدهم» نذر او صحیح است. [3]

۲ - نذرکننده باید مکلّف باشد و با قصد و اختیار خود نذر کند، بنابراین، نذر کسی که او را مجبور کرده‌اند یا در حال عصبانیت بی‌اختیار نذر کند، صحیح نیست. [4]

---

۱ . انسان: ۷

۲ ـ توضیح المسائل، م ٢٦٤٠.

۳ ـ همان، م ٢٦٤١.

٤ ـ همان، م ٢٦٤٢.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

□ ۳ ـ نذر زن بدون اجازه شوهر باطل است.[۱]

٤ ـ انسان کاری را می‌تواند نذر کند که انجام دادن آن برایش ممکن باشد، بنابراین کسی که مثلاً نمی‌تواند پیاده به حج برود، اگر نذر کند که پیاده برود، نذر او صحیح نیست.[۲]

٥ ـ انسان می‌تواند انجام دادن کارهای واجب یا مستحب و ترک کارهای حرام یا مکروه را نذر کند؛ و اما نذر کار مباح مثل غذا خوردن یا نخوردن را چنانچه با آن، قصد امر مطلوبی داشته باشد، مثل اینکه نذر می‌کند غذا بخورد تا برای عبادت خداوند نیرو پیدا کند یا کم بخورد تا شهوت خود را کنترل کند، اشکال ندارد ولی نذر کار خلاف یا کار مباحی که هیچگونه رُجحانی ندارد صحیح نیست.[۳]

٦ ـ اگر انسان نذر کند کاری را انجام دهد، باید همان طور که نذر کرده عمل کند؛ پس اگر نذر کند روز اول ماه روزه بگیرد، چنانچه روز قبل یا بعد از آن به جا آورد، کفایت نمی‌کند.[۴]

۷ ـ اگر نذر کند که به فقیر معینی صدقه بدهد، نمی‌تواند آن را به فقیر دیگری بدهد و اگر آن فقیر بمیرد، بنابر احتیاط باید به ورثه او صدقه بدهد.[۵]

۸ ـ اگر نذر کند که به زیارت یکی از امامان علیهم‌السلام برود، چنانچه به زیارت امام دیگر برود، کافی نیست و چنانچه به سبب عذر نتواند آن امام را زیارت کند، چیزی بر او واجب نیست.[۶]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ٢٦٤٤. به فتوای برخی از فقها، نذر زن اگر با حق شوهر منافات نداشته باشد نیاز به اجازه شوهر ندارد.

۲ ـ توضیح المسائل، م ٢٦٤٧.

۳ ـ تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الایمان و النذور، ص ۱۱۸، م ٥.

٤ ـ توضیح المسائل، م ٢٦٥١.

٥ ـ همان، م ٢٦٥٩.

٦ ـ همان، م ٢٦٦٠.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

٩ ـ اگر برای حرم یکی از امامان علیهم‌السلام یا امامزادگان چیزی نذر کند، باید آن‌را به مصارف حرم برساند، از قبیل فرش، پرده و روشنایی.[١]

١٠ ـ اگر برای خود امام علیه‌السلام یا امامزاده چیزی نذر کند، چنانچه مصرف معینی را قصد کرده، باید به همان مصرف برساند و اگر مصرف معینی را قصد نکرده، باید به فقیران و زائران بدهد یا مسجد و مانند آن بسازد و ثواب آن‌را به امام علیه‌السلام هدیه کند.[٢]

استفتاء

س ـ کسی که نذر کرده مبلغی در موردی نظیر اطعام و غیره صرف نماید، آیا می‌تواند این مبلغ را به یکی از حساب‌های ضروری‌تر، نظیر جبهه یا جنگ‌زدگان واریز نماید؟

ج ـ اگر نذر با صیغه معتبر شرعی بوده، باید بر طبق نذر عمل شود و اگر صیغه نداشته، اختیار با خود شماست.[٣]

کفّاره تخلّف نذر

اگر انسان بدون عذر به نذر خود عمل نکند کفّاره واجب می‌شود؛ یعنی باید:

* یک برده آزاد کند.
* یا به شصت فقیر طعام دهد.
* یا دو ماه پی‌درپی روزه بگیرد که حداقل ٣١ روز آن باید پی‌درپی باشد.[٤]

عهد

عهد، پیمانی است که به سبب آن مکلّف خود را ملزم می‌کند برای خدا کاری را انجام دهد.

---

١ ـ توضیح المسائل، م ٢٦٦٢.
٢ ـ همان، م ٢٦٦٣.
٣ ـ استفتاآت، ج ٢، ص ٤٦٤، س ٢٠.
٤ ـ توضیح‌المسائل، م ٢٦٥٤. به فتوای برخی از فقها، کفاره تخلّف نذر همان کفاره تخلف قسم است.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

۱ .درعهد .مانند نذر.نیت به تنهایی کافی نیست بلکه باید صیغه خوانده شود و صیغه آن «عاهدتُ الله » یا «علیّ عهد الله» است یا به فارسی بگوید: «با خدا عهد می‌بندم که فلان کار را انجام دهم».[۱]

۲ .عهد نیز مانند نذر ممکن است بدون شرط باشد یا با شرط و چنانچه مشروط باشد تا وقتی که شرط تحقق نیافته عمل به عهد واجب نیست، مثلاً اگر بگوید با خدا عهد بستم که اگر از این بیماری شفا یافتم سه روز روزه بگیرم، پس از شفا یافتن، روزه گرفتن بر او واجب می‌شود.[۲]

۳ .آنچه را که عهد می‌بندد لازم نیست طاعت خدا باشد، بلکه اگر مباح هم باشد اشکال ندارد ولی اگر عهد بندد که کار حرام یا مکروهی را انجام دهد یا کار واجب یا مستحبی را ترک کند، صحیح نیست.[۳]

٤ .اگر انسان به عهد خود عمل نکند کفاره بر او واجب می‌شود که همان کفاره افطار عمدی روزه ماه رمضان است.[۴]

قَسم

۱ . اگر کسی به یکی از اسامی خداوند عالم که به غیر از ذات مقدس او گفته نمی‌شود؛ مانند «خدا» و «الله» قسم بخورد که کاری را که حرام یا مکروه نباشد انجام دهد یا کاری را که واجب یا مستحب نیست ترک کند؛ مثلاً سوگند بخورد که روزه بگیرد یا سیگار نکشد، واجب است به آن عمل کند.[۵]

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۲، القول في العهد، ص ۱۲٤.

۲ .همان.

۳ .همان.

٤ .همان.

۵ .توضیح‌المسائل، م ۲٦۷۰ و ۲٦۷۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

٢ - کسی که قسم می‌خورد باید این شرایط را داشته باشد:

* بالغ و عاقل باشد.

* از روی قصد و اختیار قسم بخورد.

* اگر می‌خواهد نسبت به مال قسم بخورد، حاکم شرع او را از تصرف در اموالش ممنوع نکرده باشد.[١]

٣ - اگر عمداً به سوگند خود عمل نکند، باید کفّاره بدهد و کفّاره آن یکی از این سه چیز است:

* آزاد کردن یک برده.

* طعام دادن به ده فقیر.

* پوشاندن ده فقیر؛ یعنی به هرکدام یک دست لباس دادن.

اگر هیچکدام از اینها را نتواند انجام دهد، باید سه روز روزه بگیرد.[٢]

٤ - کسی که قسم می‌خورد - چه از گذشته خبر دهد یا برای آینده باشد - اگر حرف او راست باشد، قسم خوردن او مکروه است و اگر دروغ باشد، حرام و از گناهان بزرگ است.[٣]

پرسش

١ - نذر مطلق و مشروط را با ذکر مثال توضیح دهید.

٢ - کفاره تخلّف نذر، همان کفاره . . . . . است.

٣ - شخصی گفته است: «خدایا اگر در امتحان قبول شدم یک ماه روزه می‌گیرم» آیا پس از قبولی، یک ماه روزه بر او واجب است؟ چرا؟

٤ - آیا قسم خوردن به قرآن، احکام قسم به الله را دارد؟

٥ - تفاوت کفاره نذر و قسم چیست؟

---

١ - تحریرالوسیله، ج ٢، کتاب الایمان والنذور، ص ١١٣، م ٨.

٢ - همان.

٣ - همان، ج ٢، ص ١١٦، م ١٧؛ توضیح المسائل، م ٢٦٧٥.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

بانک و بورس

بانک

امروزه می‌توان بانک را به عنوان یک مؤسسه فعال اقتصادی در تمام جهان نامید که برنامه و سیاست‌های پولی کشورها و در آمدها و معاملات مالی و ذخایر آنها به بانک پیوند خورده به طوری که جدا کردن آن از سیستم اقتصادی جهان شاید امری غیر ممکن باشد. از آنجا که طراحان اصلی و مجریان و دست اندرکاران مؤسسات مالی جهانی از جمله بانک ها اغلب غیر مسلمان بوده‌اند، مقررات بانکی در جهان نیز خالی از اشکال نیست و بهره پولی یا به تعبیر دیگر ربا یکی از ارکان اصلی درآمدزایی برای بانک‌ها و همچنین سپرده‌گذاران در بانک‌ها بوده و هست امّا در کشور ایران طبق قانون مجلس شورای اسلامی مصوب ۸ شهریور ۱۳٦۲ مقررات بانک بدون ربای جمهوری اسلامی ایران با اهداف ذیل تدوین شده است:

۱- استقرار نظام پولی و اعتباری براساس حق و عدالت و گردش پول برای رسیدن به اقتصاد سالم اسلامی و رشد آن .

۲- تلاش در راه تحقق اهداف و سیاست‌ها و برنامه های اقتصادی جمهوری اسلامی

۳- ایجاد تسهیلات لازم برای توسعه دایره تعاونی‌ها و قرض الحسنه از طریق جذب و جلب وجوه آزاد و پس اندازها و سپرده‌ها.

در این درس به طور اجمال و کلّی به بررسی عملکرد بانک‌ها می‌پردازیم.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

قراردادهایی که بین بانک و افراد سپرده‌گذار یا وام‌گیرنده برقرار می‌شود و همچنین سایر فعالیت‌های اقتصادی بانک‌ها، اگر مطابق یکی از قراردادهای شرعی باشد، جایز است و اشکالی ندارد.[1]

سپرده‌گذاری در بانک

پولی که به بانک داده می‌شود، ممکن است یکی از عناوین زیر را داشته باشد:

الف. قرض بدون سود (قرض‌الحسنه): بدون اشکال است و بانک می‌تواند در آن پول تصرف کند اشکال ندارد.

ب. قرض به شرط سود: نه به عنوان شرکت یا مضاربه یا قراردادی دیگر: در این صورت هرچند اصل قرض صحیح است و بانک می‌تواند در آن پول تصرف کند، ولی قرارداد سود، باطل و پرداخت و دریافت آن حرام است و این همان «ربای قرضی» است.

ج. ودیعه و امانت: که در این صورت تصرف در آن پول باید با اجازهٔ صاحب سپرده باشد و اگر بانک چیزی اضافه بر ودیعه به صاحب آن بپردازد (بدون شرط قبلی)، حلال است.

د. نه قرض و نه ودیعه یا امانت: بلکه به صورت سرمایه‌گذاری کوتاه مدت و دراز مدت مطابق یکی از قراردادهای شرعی؛ مانند مضاربه، مزارعه، مساقات، اجاره، جعاله یا شرکت باشد و مطابق همین قراردادها نیز عمل شود: در این صورت سودی که به صاحب پول داده می‌شود، حلال است.

استفتاء

س – سودی که بانک ها به پس انداز ها می‌دهند حلال است یا حرام؟ و اگر حرام است چرا دولت مردم را به‌گذاشتن پول در بانک ها تشویق می‌کند؟

ج- سپردن پول به بانک اشکال ندارد ولی بهره پول ربا و حرام است و گرفتن آن جایز نیست و اگر گرفته و از برگرداندن به صاحب واقعی آن مأیوس است از طرف او به فقرا صدقه بدهد.[2]

---

١ – تحریر الوسیله، ج ٢، المسائل المستحدثه، ص ٦٤٦، م ٢ ؛ توضیح المسائل، م ٢٨٥٣.

٢ – استفتاآت، ج٢، ص ١٤٣.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

وام بانکی

۱- آنچه مردم از بانک به عنوان وام (قرض الحسنه) دریافت می‌کنند چنانچه قرض بدون سود باشد، یعنی شرط پرداختن سود نشده باشد و بنای بر این هم نباشد، حلال است و قرض گیرنده‌ی می‌تواند در آن تصرف کند، مگر آنکه بداند پولی که دریافت کرده تمام یا مقداری از آن حرام است در این صورت تصرف در آن جایز نیست، ولی اگر بداند در بانک پول‌های حرامی هست و احتمال بدهد که شاید پولی را که گرفته از حرام باشد، اشکالی ندارد و تصرف در آن جایز است.[۱]

۲- اگر برای وام قرض الحسنه سودی قرار داده باشند، چه آنکه هنگام گرفتن وام طرفین تصریح به آن بکنند یا قانون بانک این باشد که کسانی که از بانک قرض می‌گیرند سودی بدهد (هرچند شرط نشود) داد و ستد قرض براساس آن قانون صورت بگیرد، قرض صحیح است و آن سود حرام است[۲].

۳- اگر شخصی پولی را به بانک قرض داده باشد (حساب قرض الحسنه) بدون آنکه شرط سود گرفتن باشد یا بنابر پرداختن سود باشد و بانک خودش چیزی اضافه بدهد، گرفتن آن جایز است و همچنین اگر شخص وام گیرنده به بانک چیزی اضافه بر قرض (بدون شرط) بپردازد.[۳]

کارمزد[۴]

گرفتن کارمزد برای کارهایی که بانک انجام می‌دهد از قبیل اخذ اسناد و ثبت آنها و صدور دفترچه و اجاره ساختان و حقوق کارمندان و غیره، در صورتی که حیله‌ای

---

۱ – تحریر الوسیله، ج۲، المسائل المستحدثه، ص ٦٤٦، م ۱ و توضیح المسائل، م ۲۸۵۳.

۲ – همان، م ٤.

۳ – همان، م ٥.

٤ کار مزد، کلمه ای مقلوب است و همان مزد کار است.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

برای فرار از ربا و بهرهٔ پول نباشد، جایز است.[١]

استفتاء

س – وام هایی که از طرف صندوق داده می‌شود نوعاً صدی یک به عنوان کارمزد گرفته می‌شود، چنانچه صندوق در آمد دیگری داشته باشد، در این صورت کارمزد گرفتن چه صورت دارد؟

ج: اگر واقعاً حق الزحمه و کارمزد به مقدار متعارف می‌گیرند مانع ندارد، ولی مجرّد تغییر اسم، بهره را حلال نمی کند.[٢]

دریافت تسهیلات بانکی

پولی که بانک به افراد یا مؤسسات می‌پردازد، اگر قرض بدون سود یا مطابق یکی از قراردادهای شرعی باشد، مثلاً قرارداد مضاربه بین بانک و آن فرد یا مؤسسه باشد، اشکال ندارد.[٣]

۴. اگر بانک برای نگهداری پول افراد یا سایر خدماتی که به آنها می‌دهد مزدی دریافت کند، مثلاً پولی را می‌گیرد و حواله می‌کند تا صاحب پول آن را از شعبه‌ای دیگر یا بانکی دیگر دریافت کند و در مقابل این خدمت مبلغی از وی می‌گیرد اشکال ندارد، هرچند مزد خود را از همان پول بردارد و فرقی نیست که بانک، پول را به عنوان قرض بگیرد یا به عنوانی دیگر.[٤]

چک

١- چک‌های بانکی مانند سایر اوراق تجاری مالیّت ندارد، بلکه نشانگر مبلغ معینی در بانک است و خرید و فروش آن جایز نیست، آری چک تضمینی مانند

---

١ تحریر الوسیله، ج ٢، المسائل المستحدثه ، م ١٢.

٢ – استفتاآت، ج٢، ص ١٤٣.

٣ – تحریر الوسیله، ج ٢، المسائل المستحدثه، م ٣ و ٤ و توضیح المسائل ، م ٢٨٥٤ تا ٢٨٥٧.

٤ – همان.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

اسکناس، از اوراق نقدی است و خرید و فروش آن صحیح است و کسی که آن را تلف کند ضامن است.[۱]

۲- اگر طلبکار مبلغ چک مدّت دار را به طور نقدی به قیمت کمتر به بدهکار بفروشد، اشکال ندارد؛ ولی فروش آن به شخص سوم به قیمت کمتر صحیح نیست.[۲]

سفته

۱- سفته پول نیست و معامله بر خود آن واقع نمی شود و با دادن آن به طلبکار، ادای دَین یا پرداخت قیمت کالا محسوب نمی شود، بر خلاف پول که معامله بر خود آن واقع می‌شود.[۳]

۲- کسی که سفته در اختیار دارد، اگر از دیگری پول قرض بگیرد و سفته بدهد که در وعدهٔ مقرر بیشتر از آنچه قرض گرفته بدهد ربا و حرام است؛ ولی اصل قرض صحیح است؛ یعنی قرض گیرنده می‌تواند در آن پول تصرف کند.[۴]

پول

۱.معاوضه نقدی پول اشکال ندارد؛ مثلاً یکصد هزار تومان را با هزار دینار معاوضه کند و اضافه گرفتن در این فرض ربا محسوب نمی‌شود. اما اگر قرض بدهد و اضافه بگیرد ربا و حرام است.[۵]

۲. خرید و فروش پول از یک نوع مثل آنکه ۱۰۰ هزار تومان را به ۱۰۵ هزار تومان بفروشد، چنانچه غرض عقلایی در آن باشد، مثلاً آنکه پول نو را به پول کهنه

---

۱ - تحریر الوسیله، ج۲، المسائل المستحدثه، ص ٦٤٨، م ۱۱.

۲ .استفتاآت؛ ج۲، ص ۱۷۵، س ۲۲۵. به فتوای برخی از فقها، اگر چک صوری نباشد و در قبال بدهی واقعی شخص بدهکار صادر شده باشد، واگذاری آن به کمتر از قیمت درج شده اشکال ندارد.

۳ .توضیح المسائل، م ۲۸٤۰.

٤ .همان، م ۲۸٤۱.

۵ - توضیح المسائل، م ۲۸٤۵.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

می‌فروشد، اشکال ندارد.[1]

بورس

گسترده شدن فعالیت اقتصادی بشر و دست یابی به فن آوری جدید تمام عرصه‌های زندگی وی را فرا گرفته و در بسیاری از موارد داد و ستدها از شکل سنتی و متداول قدیمی بیرون آمده و اشکال جدیدی به خود گرفته، که در حقیقت تبدل موضوع یا پدید آمدن موضوع جدیدی است که با تطبیق احکام شرعی بر آنها وظیفهٔ مکلفان روشن خواهد شد که در صورت مجاز بودن آنها می‌توانند اقدام کنند و سودی به دست آورند و در صورت عدم جواز باید از آن پرهیز کنند.

تعریف بورس

«بورس» واژه‌ای فرانسوی (برگرفته از یک نام یونانی است) و در اصطلاح به نوعی معامله گفته می‌شود که در آن اسناد، اوراق مالی، پول‌های کشورهای مختلف، فلزات، طلا و نقره و امثال آنها مبادله می‌شود، این واژه به طور معمول همراه با اضافه به کار می‌رود؛ مانند بورس اوراق بهادار، بورس فلزات، بورس جواهرات؛ و اگر به صورت مطلق استفاده شود، منظور بورس اوراق بهادار است.[2]

به طور کلی فعالیت در بورس و خرید سهام و تعیین سود سالانه برای آن بر طبق مصوبه مجلس شورای اسلامی که به تأیید شورای نگهبان قانون اساسی رسیده انجام می‌گیرد محکوم به صحّت و حلیت است.

---

۱. همان.

۲. ابزارهای مالی اسلامی، سید عباس موسویان، ص ۳۲، به نقل از نگرش اسلام به فعالیت‌های بازار بورس اوراق بهادار، غلامرضا سرآبادی.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

اوراق قرضه

ورقه قرضه، ورقه بهادار قابل معامله است که معرّف مبلغی وام با بهره می‌باشد که کلاً یا جزءاً در موعد یا مواعد تعیین شده باید توسط ناشر به دارنده‌اش مسترد گردد، ممکن است ورقه قرضه علاوه بر بهره، حقوق دیگری نیز به همراه داشته باشد.[۱]

پرسش

۱. جوایزی که بانک‌ها به صاحبان حساب‌های قرض‌الحسنه می‌دهند، چه حکمی دارد؟

۲. سپرده گزاری در بانک در چه صورتی صحیح است؟

۳. دو نمونه از قراردادهای شرعی که بر اساس آن افراد می‌توانند تسهیلات دریافت کنند با ذکر مثال توضیح دهید.

٤. تفاوت فروش و مبادله اسکناس با فروش چک چیست؟

۵. فعالیت در بورس اوراق بهادار در چه صورتی می‌تواند بدون اشکال باشد؟

٦. کارمزد نادرست کدام است؟ توضیح دهید.

۱. ابزارهای مالی اسلامی، سید عباس موسویان، ص ۳۲، به نقل از نگرش اسلام به فعالیت‌های بازار بورس اوراق بهادار، غلامرضا سرآبادی، ص ۳۳.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

فصل هشتم:

روابط اجتماعی

- ارتباط با همنوعان
- آداب زندگی

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۷۰

ارتباط با همنوعان (۱)[۱]

ارتباط با همنوعان یکی از مظاهر وحدت امت اسلامی است، در آموزه های دینی، به ویژه احکام فقهی، دستور العمل های زیادی برای حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه و همچنین برطرف کردن اختلافات وارد شده است، که از جمله آن ها دستور ارتباط با سایر انسان ها به ویژه مؤمنان و خویشاوندان است که برای هر کدام نیز حقوق متقابلی را قائل است.

در یک دسته بندی مختصر می‌توان آن دستورالعمل ها را به ترتیب اولویت اینگونه مرتب کرد.

۱. حفظ کانون خانواده و ارتباط با والدین، فرزندان و برادران و خواهران.
۲. ارتباط با ارحام و پرهیز از قطع ارتباط با آنان.
۳. مراعات حقوق همسایگان.
٤. مراعات حال اهل بَلَد و محل سکونت.

۱.برای طلاب پایه اول، می‌توان از تدریس این درس صرف نظر کرد و آن را به مطالعه شاگردان واگذار کرد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۵. مراعات حقوق همکیشان. (اهل اسلام و ایمان)

٦. ارتباط صحیح و سالم با همنوعان (انسان ها، غیردشمنان)

پس از این شش مرتبه و جدای از این گروه‌ها دشمنان قرار دارند که آنان نه تنها حقوقی ندارند بلکه به شدت باید مراقب توطئه ها و فتنه گری های آنان بود تا از ایذاء و ستم آنان درامان بود و چنانچه به تحرکی علیه مسلمانان دست زنند به دفع و مقابله با آنان پرداخت.

در این بخش به طور مختصر به بخشی از حقوق این افراد پرداخته می‌شود.

حقوق والدین

۱. حفظ احترام پدر و مادر واجب و هرگونه بی احترامی به آنان حرام است.

۲. یکی از گناهان کبیره عقوق والدین است، یعنی آزار رسانی و فراهم کردن اسباب ناخشنودی آنان.

۳. پدر و مادر و حتی جدّ و جدّه جزو افراد واجب النفقه هستند که در صورت نیاز و ناتوانی از تأمین هزینه زندگی، برفرزند واجب است مخارج زندگی آنها را نیز تأمین کند.

استفتاء

س ۱: اختیارات پدر و مادر تا چه اندازه است آیا می‌توانند حتّی مانع افعال مستحبّ (مثل غسل مستحبّ) شوند یا نه؟

ج: احترام والدین لازم است و کاری که موجب اذیت آنها می‌شود باید ترک شود، ولی در انجام تکالیف شرعی اطاعت والدین لازم نیست.[1]

---

۱. استفتاآت؛ ج ۳، ص ۵۹۷، س ۸۷.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

س ۲: اطاعت از پدر و مادر تا چه حدّ بر فرزند لازم است و آیا اجداد و جدّات هم حکم پدر و مادر را دارند؟

ج: در اموری که انجام [دادن] آن موجب ناراحتی آنها است از حیث شفقت پدر و مادری اطاعت شود و فرقی بین پدر و مادر و اجداد نیست.[۱]

حقوق فرزندان

همانگونه که والدین بر فرزندان حقوقی دارند که مراعات آنها بر فرزندان لازم است، فرزندان نیز حقوقی دارند که والدین باید آنها را مراعات کنند که از نظر احکام شرعی، برخی مستحب است که دراین بخش به تعدادی از حقوق واجب فرزندان بر والدین اشاره می‌شود.

۱ - شیر دادن به نوزاد بر مادر مستحب است اما در موارد ذیل واجب است:

۱. آغوز شیر (شیر دهی در روزهای اول تولد نوزاد)

۲. زمانی که نگهداری نوزاد با غذای غیر از شیر مادر ممکن نباشد، یا غذای دیگر برایش زیان داشته باشد.

۳. زمانی که شیر دهنده‌ای غیر از مادر وجود نداشته باشد.[۲]

۲ - فرزندان واجب النفقه پدر و مادر هستند و واجب است در صورتی که بتوانند هزینه زندگی فرزندان ونوه‌ها و نتیجه‌های خود و فرزندان آنها را که فقیر باشند و توانایی کسب و کار ندارند بدهند، خواه کوچک باشد یا بزرگ، مسلمان باشد یا غیر مسلمان.[۳]

۳ - تنها هزینه زندگی فرزند و اولاد فرزند بر پدر و مادر واجب است ولی هزینه زندگی همسر فرزندشان بر آنها واجب نیست.[٤]

---

۱. ۱. استفتاآت؛ ج ۳، ص ٤۳۲، س ۸۵.

۲. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۱۲، م ۱۱.

۳. همان، ص ۳۱۹، م ۱.

٤. همان، ص ۳۲۱، م ۱۰.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

٤ - بر ولی کودک واجب اســت او را ازکارهایی که باعث زیان خودش یا زیان دیگران است وکارهایی که ازنظر دین اسلام وجود آنها در جامعه ممنوع است مانند، زنا، لواط، غیبت و غنا جلوگیری کند.[1]

عقیقه

١ ـ عقیقه، گوسفند یا حیوان دیگری است که برای نوزاد ذبح می‌کنند.

٢ ـ مستحب است عقیقه پسر، حیوان نر و عقیقه دختر، حیوان ماده باشد.

٣ ـ مستحب است عقیقه را روز هفتم تولد کودک بدهند و اگر از روز هفتم تأخیر افتاد، همچنان مستحب است؛ حتی اگر فرزند بالغ شد و برایش عقیقه نداده باشند، مستحب است برای خودش عقیقه بدهد.

٤ ـ حیوان‌های عقیقه، گوسفند یا گاو و یا شتر است؛ یعنی همان حیوان‌هایی که می‌توان در حج ذبح کرد و زکات به آنها تعلق می‌گیرد وکفّاره محرّمات اِحرام عمره و حج است.

٥ ـ صدقه دادن پول حیوان به جای عقیقه هرچند مستحب است ولی عقیقه حساب نمی‌شود.

٦ ـ مستحب است، پاچه وران عقیقه را به «ماما» بدهند.[2]

٧ ـ در عقیقه مخیرند بین این‌که گوشت خام یا پخته شده را تقسیم کنند یا بپزند و عده‌ای از مؤمنین ـ حداقل ده نفر ـ را دعوت کنند و به آنها غذا بدهند.[3]

---

١ ـ العروة الوثقی، ج ١، ص ٧٤٢.

٢ ـ تحریرالوسیله، ج ٢، کتاب النکاح، في استحباب العقیقه، ص ٣١١، م ٩.

٣ ـ همان، م ١٠.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

حقوق همسر

۱. از جمله حقوق زن بر شوهر خود در ازدواج دائم، تأمین مخارج زندگی (نفقه) اوست.[۱]

۲. مخارج زندگی مقدار معینی ندارد؛ بلکه بر شوهر واجب است آنچه را که همسرش در زندگی نیاز دارد ـ مانند خوراک، پوشاک، مسکن، لوازم منزل برای پخت و پز، خوردن، آشامیدن، نظافت، خوابیدن و استراحت کردن ـ تأمین کند.[۲]

۳. در پرداخت نفقه، فقیر بودن و نیاز همسر شرط نیست، بنابراین زن بر شوهر حق نفقه دارد، هرچند خودش درآمدی داشته باشد و جزء بی‌نیازترین مردم باشد.[۳]

٤. اگر شوهر مبلغی به صورت روزانه یا ماهانه برای مخارج مشترک زندگی در اختیار همسر می‌گذارد، او نمی‌تواند بدون اجازه و رضایت شوهر به دیگران هدیه یا صدقه دهد، ولی چنانچه مخارج خودش را به صورت وجه نقد می‌پردازد یا آن مبلغ را به او می‌بخشد یا برای مصرف به او اختیار کامل داده است، بخشش و صدقه و صرف در امور دیگر، نیاز به اجازهٔ او ندارد.[۴]

حقوق شوهر بر زن

۱. زنی که عقد دائمی شده، نباید بدون اجازهٔ شوهر از خانه بیرون رود، هرچند برای دیدن اقوام و خویشان و پدر و مادر باشد.[۵]

---

۱. تحریر الوسیله؛ ج۲، ص ۲۹۸، م۱، کتاب النکاح، فصل فی النفقات.
۲. همان، ص ۲۹۹، م۸.
۳. همان، ص ۳۰۲، م۱۹.
٤. تحریر الوسیله؛ ج۲، ص ۳۰۱، م۱۰ و ۱۲.
۵. توضیح المسائل؛ م ۲٤۱۲. به فتوای برخی از فقها، رضایت شوهر برای بیرون رفتن از منزل کافی است.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۲. اگر زن بدون اجازهٔ همسرش به سفری برود که بر او واجب نباشد، سفر معصیت است و باید در آن سفر نماز را تمام بخواند، ولی اگر مثل سفر حج واجب باشد، هرچند بدون اجازه برود سفر معصیت نیست و باید نماز را شکسته بخواند.[۱]

بجز آنچه که گفته شد، زن و شوهر حقوق دیگری نیز دارند که در کتب مفصل فقهی آمده است.

پرسش

۱. آیا اطاعت از پدر و مادر در کارهایی که معصیت خدا نباشد واجب است؟

۲. در چه صورتی بر مادر واجب است نوزاد خودرا شیر بدهد؟

۳. آیا تامین هزینهٔ تحصیل همسر بر شوهر واجب است؟

٤. آیا زن می‌تواند از پولی که شوهرش برای هزینه زندگی در اختیارش قرار می‌دهد به دیگران هبه کند؟

۵. ادامه تحصیل دختر پس از ازدواج چه حکمی دارد؟

۱. توضیح المسائل؛ پس از مسألهٔ ۱۲۹٤.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۷۱

ارتباط با همنوعان (۲)

ارتباط با ارحام

۱- ارتباط با اقوام نسبی (ارحام) مانند برادر و خواهر و عمو و عمه لازم است و قطع ارتباط کامل با آنان حرام است.

۲- ارتباط با ارحام به معنای رفت و آمد به منزل آنان نیست، هرچند اگر بتوانند رفت و آمد کنند و مستلزم ارتکاب حرام مثل اختلاط محرم و نامحرم نباشد و مفسده‌ای بر آن مترتب نشود، بسیار پسندیده است، اما با ارتباط تلفنی و احوالپرسی هم، این ارتباط محقق می‌شود ولی قطع رابطه کامل به طوری که مانند بیگانگان باشند، جایز نیست.[۱]

استفتاء

س۱. آیا انسان می‌تواند از نظر شرعی با خویشاوندانی که بی‌تقوا و بی‌نماز و ضد انقلابند، از قبیل پدر، مادر، خواهر و غیره قطع رحم نماید؟

ج: قطع رحم جایز نیست، ولی باید آنها را با مراعات موازین، امر به معروف و نهی از منکر نمایند.[۲]

---

۱. استفتاآت، ج۲، ص۴۸۸.

۲. همان، ج۱، ص ۴۸۸، س ۱۸.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

مَحرم و نامحرم

محرم کسی است که در نگاه به او و نگاه او محدودیتی که برای نامحرم وجود دارد، نیست و ازدواج با او حرام است، به جز همسر که محرمیت او با ازدواج است و احکام خاص خود را دارد.

اسباب محرمیّت:
۱. نسب (خویشاوندی پدری و مادری)؛
۲. سبب (خویشاوندی با ازدواج)؛
۳. رضاع (خویشاوندی با شیر خوردن).

محارم نسبی

هفت دسته از زن‌ها و مردها به سبب خویشاوندی نسبی با یکدیگر مَحرمند و نمی‌توانند با هم ازدواج کنند.

محارم پسرها و مردها

۱. مادر و مادربزرگ، هرچه بالا رود؛
۲. دختر و دخترفرزند، هرچه پایین رود (نوه، نتیجه، نبیره و...)؛
۳. خواهر؛
۴. خواهرزاده (دختر خواهر)؛
۵. برادرزاده (دختر برادر)؛
۶. عمّه (عمه خود و عمه پدر و مادر)؛
۷. خاله (خاله خود و خاله پدر و مادر).[1]

دو مسأله

۱ – عمهٔ عمه و عمهٔ عمو و خاله‌ی خاله و خالهٔ دایی در صورتی که عمه و خاله پدر یا مادر نباشند، محرم نیستند؛ مثل اینکه عمهٔ انسان با پدر وی، فقط از طریق مادر منسوب باشد که در این صورت عمهٔ عمه، عمهٔ پدر نیست.[2]

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، صص ۲۶۳ و ۲۶۴.
۲. همان.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۲ - به جز افراد مذکور و برخی افراد دیگر که به سبب شیر خوردن محرم می‌شوند،[۱] زن‌ها و دخترهای دیگر نامحرمند، حتی همسر برادر و خواهر همسر، اگرچه ازدواج با خواهر زن تا مدتی که خواهرش همسر اوست حرام است؛ یعنی ازدواج با دو خواهر جایز نیست، مگر اوّلی را طلاق بدهد یا از دنیا برود.[۲]

محارم دخترها و زنان

۱ ـ پدر و پدربزرگ، هرچه بالا رود؛

۲ ـ پسر و پسر فرزند، هرچه پایین رود (نوه، نتیجه، نبیره و...)؛

۳ ـ برادر؛

٤ ـ خواهرزاده (پسر خواهر)

٥ ـ برادرزاده (پسر برادر)؛

٦ ـ عمو (عموی خود و عموی پدر و مادر)؛

۷ ـ دایی (دایی خود و دایی پدر و مادر).[۳]

یاد آوری

عموِی عمو و عموِی عمّه و دایِی دایی و دایِی خاله، اگر عمو و عمّه و دایی و خاله پدر یا مادر انسان نباشند، محرم نیستند.

محارم سببی

- افرادی که به سبب ازدواج، بر پسرها و مردها محرم می‌شوند، عبارتند از:

۱ - همسر؛

۲ ـ مادرِ همسر و مادربزرگ او؛

۳ ـ دختر همسر، هرچند دختر خودش نباشد و نوه او.[٤]

---

۱ ـ در ادامه همین درس خواهد آمد.

۲ ـ تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، ص ۲۸۰، م ۱٥.

۳ ـ همان، صص ۲٦۳ و ۲٦٤.

٤ ـ دختر همسر در صورتی محرم می‌شود که با آن زن آمیزش کرده باشد و عقد به تنهایی سبب محرمیّت نمی‌شود ولی برای محرمیّت پسر شوهر بر همسر این شرط نیست.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

٤ .زن پدر (نامادری)؛

٥ .زن پسر (عروس).[1]

- افرادی که با ازدواج بر دخترها و زن‌ها محرم می‌شوند، عبارتند از:

۱ .شوهر؛

۲ .پدر شوهر و پدربزرگ‌های او؛

۳ .پسر شوهر، هر چند فرزند خودش نباشد و نوه او؛

٤ .شوهر مادر؛[2]

٥ .شوهر دختر (داماد).[3]

به جز این افراد و برخی که به سبب شیر خوردن محرم می‌شوند، دیگر مردها نامحرمند، حتی شوهر خواهر و برادر شوهر.[4] ولی چنان که گذشت ازدواج با شوهر خواهر حرام است؛ مگر وقتی که خواهر بمیرد یا از شوهرش طلاق بگیرد.

محارم رضاعی

اگر کودکی با شرایطی که خواهد آمد، از زنی شیر بخورد، موجب محرمیت برخی افراد می‌شود.

شرایط شیردادنی که سبب محرمیت می‌شود:

*کودك، شیر زن زنده را بخورد؛

* شیر آن زن از حرام نباشد (شیر مادری که از زنا حامله شده سبب محرمیت نمی‌شود)؛

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، القول في المصاهرة، ص ۲۷۷، م ۱.

۲ .به شرط آنکه آن زن و شوهر با هم آمیزش کرده باشند.

۳ .تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، القول في المصاهرة، ص ۲۷۷، م ۱.

٤ .همان، ص ۲۸۰، م ۱۵.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

□ *کودك، شیر را از پستان بمکد (اگر بدوشند و به او بدهند سبب محرمیت نمی‌شود)؛

* شیر خالص باشد (با چیزی مخلوط نکرده باشند)؛

* دو سال بچه تمام نشده باشد (یعنی ٢٤ ماه قمری)؛

* شیر، از یک شوهر باشد (زنی که از شیر خود کودکی را چند مرتبه شیر دهد، بعد شوهر دیگری اختیار کند و از آن شوهر نیز شیردار شود و شیر دادن را تکمیل کند، سبب محرمیت نمی‌شود)؛

*کودك، به سبب بیماری شیر را قی نکند؛

* حداقل یک شبانه‌روز شیر سیر بخورد و در بین آن، غذا یا شیر زن دیگری را نخورد یا پانزده مرتبه شیر بخورد و در بین پانزده مرتبه، شیر زن دیگری را نخورد. یا مقداری شیر بخورد که باعث رویش گوشت و محکم شدن استخوان کودک شود.[1]

اگر کودکی که شیر خورده، پسر باشد با این افراد مَحرم می‌شود:

١. زنی که به او شیر داده؛

٢ - مادر و مادربزرگ آن زن؛

٣ - خواهران آن زن؛

٤ - دختران و نوه‌های او؛

٥ - عمه و خاله او.

شوهر آن زن که از او شیردار شده نیز پدر رضاعی این کودک به حساب می‌آید. بنابراین، زنانی که با آن شوهر محرم هستند با این کودک محرم می‌شوند، مثلاً خواهر او عمه این کودک است.[2]

---

١. تحریرالوسیله، ج ٢، ص ٢٦٥؛ توضیح المسائل، م ٢٤٧٤. به فتوای برخی از فقها، علاوه بر شرایط ذکر شده، شیر آن زن از ولادت باشد، بنابراین اگر بدون تولد فرزندی شیردار بشود و کودک از آن شیر بخورد، سبب محرمیّت نمی‌شود. و همچنین اگر شیر را در گلوی بچه بریزند احتیاط آن است که با آن زن و محارم او ازدواج نکند.

٢. تحریرالوسیله، ج ٢، کتاب النکاح، القول في الرضاع، ص ٢٦٨، م ٧.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

اگر کودکی که شیر خورده، دختر باشد، با این افراد محرم می‌شود:

۱ - شوهر زنی که کودک را شیر داده و شیر از اوست؛

۲ - پدر آن شوهر؛

۳ - پسرها و نوه‌های او؛

٤ - برادران او؛

۵ - عمو و دایی او؛

٦ - برادران زن شیرده؛

۷ - فرزندان و نوه‌های آن زن؛

۸ - پدر و پدربزرگ‌های او؛

۹ - عمو و دایی او.

زنی که به او شیر داده مادر رضاعی او به حساب می‌آید.

افرادی که گفته شد، فقط به کودکی که شیر خورده است محرم می‌شوند، نه با خویشاوندان او، حتی به پدر و مادر و برادران و خواهران وی هم محرم نمی‌شوند.[۱]

پرسش

۱. در چه صورتی قطع ارتباط کامل با اقوام و خویشان واجب می‌شود؟

۲. آیا امکان دارد دو نفر نسبا و سببا با هم محرم باشند؟ چرا؟

۳ . تمام افرادی که ممکن است به یک پسر محرم باشند چه کسانی هستند؟

٤ . شخصی دو پسر و یک دختر شیرخوار دارد، دخترش از مادری که دارای دو دختر و یک پسر شیرخوار است شیر می‌خورد، آیا برادران آن دختر با خواهران آن پسر و همچنین مادر او محرم هستند یا نه؟

۵ . کدام یک از این افراد محرمند؟ مادر بزرگ همسر، خواهر زن، خاله و عمه همسر، زن برادر، زن پدر، مادرزن پدر.

---

۱ . همان.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۷۲

ارتباط با همنوعان(۳)

﴿ وَاللهُ أَخْرَجَكُم مِنْ بُطُونِ أُمَّهاتِكُمْ لاتَعْلَمُونَ شَيئاً وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصارَوَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴾

و خداوند شما را از شکم مادرانتان، در حالی که چیزی نمی‌دانستید، بیرون آورد، و برای شما گوش و چشمان و دل‌ها قرار داد، باشد که سپاسگزاری کنید. [۱]

ارتباط با نامحرم

ارتباط با نامحرم به یکی از شکل های زیر متصور است:

* ارتباط ذهنی
* ارتباط نوشتاری
* ارتباط گفتاری
* ارتباط دیداری
* تماس بدنی

---

۱ . نحل: ۷۸

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

ارتباط ذهنی با نامحرم

فکرکردن در مورد نامحرم و تخیل و تصور او و علاقه مند شدن به وی، چنانچه از روی لذت و شهوت باشد یا موجب تحریک شود حرام است. اما صرف تفکر و تخیل و به ذهن آوردن نامحرم اشکال ندارد و علاقه‌مندی نیز اگر به جهت علم، ایمان، شجاعت و امثال اینها باشد حرام نیست.

ارتباط نوشتاری وگفتاری

ارتباط نوشتاری و گفتاری با نامحرم چه از طریق تماس تلفنی یا پیامک و نامه یا اینترنت و فضای مجازی باشد یا گفت‌وگوی حضوری، چنانچه مطالبی که ردّ و بدل می‌شود:

* باطل و مبتذل باشد.
* تحریک کننده شهوت جنسی باشد.
* به قصد لذت و شهوت باشد.
* یا مفسده‌ای برآن مترتب شود.

حرام است و در غیر این صورت، مثل سؤال علمی، یا گفت و گوی متعارف بین زن و مرد متدین، اشکال ندارد.

ارتباط دیداری

یکی از نعمت‌های الهی، قدرت بینایی است، انسان باید از این نعمت بزرگ در راه کمال و ترقّی خود و همنوعان استفاده کند و آن را از نگاه به نامحرمان بازدارد، ولی حفظِ دیده از نگاه به دیگران و حفظ خود از نگاه نامحرمان، احکام خاصی دارد که در این بخش به برخی از آنها می‌پردازیم:

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

احکام نگاه کردن

۱ ـ زن و شوهر به تمام بدن یکدیگر می‌توانند نگاه کنند، هرچند برای لذّت بردن باشد.[۱]

۲ ـ به‌جز زن وشوهر، نگاه‌کردن به دیگران، حتی به غیرانسان مثل فیلم وعکس اگر برای لذّت بردن باشد حرام است، خواه همجنس باشد مانند نگاه مرد به مرد دیگرویا غیرهمجنس مانند نگاه مرد به زن، و خواه ازمحارم باشد یا غیرمحارم و به هر جای بدن باشد همین حکم را دارد.[۲]

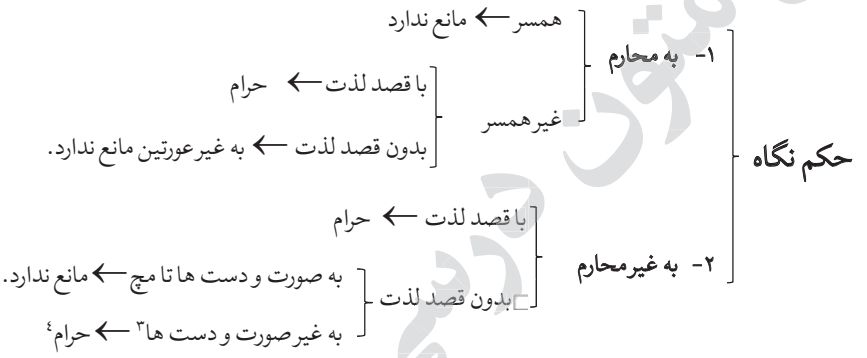

۳ ـ معالجه زن یا مرد نامحرم توسط جنس مخالف، درصورتی که پزشک همجنس نباشد و ناچارباشد اورا نگاه کند و دست به بدن اوبزند اشکال ندارد، ولی اگربا نگاه

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۴۳ م ۱۵ تا ۱۹.

۲ ـ همان.

۳ ـ طبق فتوای برخی از مراجع معظم تقلید، نگاه کردن زن به موی سر و گردن مرد نامحرم به مقداری که به طور متعارف نمی‌پوشانند، بدون قصد لذت اشکال ندارد.

۴ ـ تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، صص ۲۴۲، ۲۴۳، م ۱۵ تا ۱۹؛ استفتاآت، ج ۳، ص ۲۸۵، س ۱ و ۶؛ توضیح‌المسائل، م ۲۴۳۳. به فتوای برخی از فقها، مرد و زنی که با هم محرم هستند، حتی بدون قصد لذت نباید به بدن دیگری از ناف تا زانو نگاه کنند. و به فتوای برخی از فقها، بنا بر احتیاط، مرد نباید به صورت و دست زن نامحرم بدون قصد لذت نگاه کند.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

اگر با نگاه کردن بتواند معالجه کند نباید دست به بدن او بزند و اگر با دست زدن بتواند معالجه کند نباید او را نگاه کند.[۱]

۴ - نگاه کردن به زن غیر مسلمان، بدون قصد لذت اشکال ندارد و احتیاط آن است که به جاهایی از بدن که به طور متعارف نمی‌پوشانند اکتفا شود.[۲]

□ ۵ ـ مردی که تصمیم دارد با زنی ازدواج کند می‌تواند به او نگاه کند به شرط آنکه:

* با قصد لذت نگاه نکند و هدف او ازدواج باشد.

* احتمال توافق ازدواج را بدهد.

* زنی باشد که اکنون بتواند با او ازدواج کند؛ مثلاً شوهردار یا در عدّه نباشد.

* با نگاه کردن شناختش نسبت به وی افزوده شود.

با شرایطی که گذشت، مرد می‌تواند به تمام بدن زن مورد خواستگاری (به جز عورت) نگاه کند، اگرچه احتیاط مستحب آن است که تنها به صورت و دست‌ها و زیبایی‌های او اکتفا کند و همچنین مستحب است که از پشت لباس نازک نگاه کند.[۳]

۶ - لمس بدن نامحرم حرام است حتی لمس دست و صورت، بدون قصد لذت.[۴]

□ ۷ ـ زن و مرد نامحرم نمی‌توانند به هم دست بدهند (مصافحه کنند) مگر از روی لباس، که در آن صورت هم بنابر احتیاط واجب نباید دست یکدیگر را بفشرند.[۵]

دو مسأله

۱ ـ نگاه کردن به عکس نامحرمی که حجاب لازم را رعایت نکرده، در صورتی که صاحب عکس را نشناسد و مفسده‌ای نداشته باشد ـ مثلاً تحریک شهوت نکند ـ

---

۱ ـ تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، ص ۲۴۳، م ۲۲؛ توضیح المسائل، م ۲۴۴۱.

۲ ـ همان، ص ۲۴۴، م ۲۷.

۳ ـ همان، ص ۲۴۵، م ۲۸. به فتوای برخی از فقها، از ناف تا زانوی او را نباید نگاه کند.

۴ ـ همان، ص ۲۴۳، م ۲۰.

۵ ـ همان. به فتوای برخی از فقها، در این فرض نیز جایز نیست.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

اشکال ندارد.[۱]

۲ ـ نگاه به فیلم، حکم نگاه به‌شخص را ندارد و در صورتی که حجاب لازم را مراعات نکرده باشد وصاحب فیلم را نشناسد، نگاه به آن بدون قصد لذت، چنانچه مفسده‌ای نداشته باشد، مانع ندارد.[۲]

احکام پوشش (حجاب)

□ ۱ ـ برزن واجب است تمام بدن خود را ازنامحرم بپوشاند؛ ولی پوشاندن صورت به مقداری که دروضو شسته می‌شود ودست‌ها تا مچ اگرآرایش وزیورنداشته باشد، واجب نیست.[۳]

۲ ـ انسان باید عورتین خود را ازتمام افراد، به جزهمسربپوشاند.[۴]

۳ ـ بچه غیرممیزازاحکامی که درباب نگاه کردن وپوشش بیان شد، خارج است، ولی بنا براحتیاط واجب زن باید بدن وموی خود را ازپسری که بالغ نشده ولی خوب وبد را می‌فهمد وبه حدّی رسیده که مورد نظرشهوانی است بپوشاند.[۵]

شرایط پوشش

لباس که انسان برای پوشاندن خود از نگاه نامحرم به تن می‌کند باید شرایط ذیل را داشته باشد:

* به مقدار لازم بدن را بپوشاند.

---

۱ ـ استفتاآت، ج ۳، ص ۲۵۹، س ٦.

۲ ـ همان.

۳ ـ تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، ص ۲٤٤، م ۲۳ ؛ استفتاآت، ج ۳، ص ۲٥٦، س ۳۲ و ۳۳. به فتوای برخی از فقها، صورت و دست‌ها نیزبنا براحتیاط واجب باید از نگاه نامحرم پوشانده شود.

٤ ـ همان، م ۲٥.

٥ ـ همان، م ۲٦.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

* نازک و بدن نما نباشد.
* برجستگی های بدن را بپوشاند.
* لباس شهرت نباشد.
* لباس جنس مخالف نباشد.
* مروّج فرهنگ ابتذال و دشمنان نباشد.
* لباس مردان، از حریر و زربفت نباشد. [1]

۱. پوشیدن لباس شهرت –چه برای مرد و چه برای زن –بنابراحتیاط جایز نیست؛ و لباس شهرت، لباسی است که پوشیدن آن برای انسان به خاطر رنگ یا کیفیّت دوخت یا مندرس بودن آن وعلّت های دیگر، مناسب نیست؛ به طوری که اگر آن را در برابر مردم بپوشد، توجّه آنان را به خود جلب نموده و انگشت نما می‌شود. [2]

۲. پوشیدن لباس مخصوص بانوان –مانند چادر– برای مردان و پوشیدن لباس مخصوص مردان –مانند کت و شلوار مردانه –برای بانوان، بنابراحتیاط واجب حرام است. [3]

۳. پوشیدن لباس‌هایی که ترویج کنندهٔ فرهنگ غیر اسلامی دشمن است، اشکال دارد. [4]

٤. پوشیدن لباس ابریشم خالص و زینت کردن به طلا –مثل آویختن زنجیر طلا به سینه، انگشتر یا حلقهٔ طلا به دست کردن –برای مردان حرام است. [5]

---

۱ .رساله اجوبة الاستفتائات، صص ۳۰٤ و ۳۰۵ .
۲ .توضیح المسائل، م ۸٤۵؛ رساله اجوبة الاستفتائات، ص ۳۰٤.
۳ .همان ، م ۸٤٦.
٤ .رساله اجوبة الاستفتائات، ص۳۰۷، س ۱۳۷۷.
۵ .توضیح المسائل، م ۸۳۲، شرط پنجم لباس نمازگزار.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

حقوق همسایگان

مراعات حقوق همسایگان مورد تأکید و سفارش بسیار زیاد دین اسلام است، امیرمؤمنان علی علیه‌السلام فرمود: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آنقدر سفارش همسایه را می‌فرمود که تصور کردیم برای آنان سهمی از ارث قرار خواهد داد.[۱]

استفتاء

س ۱: مالک زمینی می‌خواهد در محلّهٔ مسکونی مغازه آهنگری بسازد، همسایه‌ها اعتراض کرده‌اند، ولی مالک توجّه نمی‌کند، هرچند آنان حاضر هستند در مسافتی دورتر برای این کار زمینی به او بدهند امّا او نمی‌پذیرد. لطفاً تکلیف شرعی را بیان فرمائید؟

ج: حق ندارند از ساختمان کردن مالک در ملک خودش جلوگیری کنند، ولی مالک باید از کاری که موجب اذیت یا ضرر همسایه باشد احتراز کند.[۲]

س ۲: در شهر ما رانندگانی هستند که اغلب دارای ماشین‌های سنگین بوده و غالباً ماشین‌های خود را در جلو خانه‌های خویش پارک می‌کنند و هر موقع از شب دلشان بخواهد ماشین را روشن کرده و یا احیاناً مشغول شست و شوی آن می‌شوند و خیابان و کوچه را آلوده می‌کنند، آیا شرعاً عمل آنها مجاز است یا خیر؟

ج: مزاحمت عابرین و همسایگان نباید بکنند.[۳]

س ۳: اگر درخت شخصی فضای ملک دیگری را اشغال نماید آیا صاحب ملک مجاز است همان مقدار از درخت همسایه را که به فضای ملک او وارد شده قطع نماید؟

ج: می‌تواند از صاحب درخت مطالبه رفع مزاحمت کند و اگر نکرد با مراجعه به محاکم صالحه، مقدار مزاحم را که داخل ملک او شده قطع نماید.[٤]

س ۴: همسایهٔ ما روی منزل خود دو طبقهٔ دیگر ساخته است، امّا به بهانهٔ این که یک متر حیاط خلوت به طرف حیاط ما دارد، در هر دو طبقه پنجره گرفته است و شیشه‌های

---

۱. نهج البلاغه، نامه شماره٤٧.
۲. رسالهٔ اجوبة الاستفتائات، ص ٥٩٩، س ٩٤.
۳. همان، ص ٦٠٠، س ٩٦.
٤. رسالهٔ اجوبة الاستفتائات، ص ٦٠١، س ٩٨.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

پنجره را ساده انداخته که کاملاً بر حیاط ما اشراف دارد و آرامش ما را سلب کرده، آیا این همسایه چنین حقی را دارد یا نه؟

ج: ساختمان در ملک خودش اشکال ندارد، ولی چنانچه ساده بودن شیشه‌ها موجب مزاحمت همسایه است باید طوری عمل کند که مزاحمت مرتفع شود.[1]

حقوق میهمان

دعوت از مؤمنان به میهمانی مستحب است و در آموزه‌های دینی برای میهمان حقوقی وارد شده که از جمله آنهاست:

۱. اگر میهمان چند شب می‌ماند، مستجب است دو شب اول به خوبی از او پذیرایی کنند و در شب‌های بعد غذای او مانند اهل خانه است؛ یعنی هر چه برای اهل خانه مهیا می‌شود، بخورد و چیز اضافه‌ای برای او تهیه نکنند.

۲. ولیمه و میهمانی دادن در بازگشت از سفر حج، رفتن به خانه جدید و برای عروسی و عقیقه و ختنه فرزند، مستحب است.

۳. در میهمانی تنها از ثروتمندان دعوت کردن بدون آنکه از فقرا کسی دعوت شود، مکروه است.

٤. برای اهل شهر یا روستا مستحب است، کسی که به آن شهر یا روستا وارد می‌شود، تا وقتی که در آنجاست، از او پذیرایی کنند.

۵. مستحب است صاحب خانه برای میهمان غذا بیاورد و اگر غذا نخورد، آب یا نوشیدنی دیگر بیاورد.

٦. مستحب است میزبان غذای خوب برای میهمان بیاورد، ولی مکروه است خود را به زحمت بیندازد و بیش از توان خود چیزی تهیه کند، بلکه هر چه دارد، برایش بیاورد و از آنچه دارد، دریغ نکند.

---

۱. همان، ج ۲، ص ۵۸۲، س ۳۲.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

۷. بر میزبان مستحب است برای آمدن میهمان او را کمک کند، ولی برای رفتن او را کمک نکند، مگر آنکه به کمک نیاز داشته باشد.

۸. بر میزبان مکروه است که آنچه را برای میهمان آورده، کم بشمارد و برای ناچیز بودن غذا عذر خواهی کند.

پرسش

۱. تماس تلفنی و ارسال پیامک به نامحرم چه حکمی دارد؟

۲. دیدن فیلم‌هایی که زنان بی‌حجاب یا بدحجاب در آن نقش ایفا می‌کنند، چه حکمی دارد؟

۳. از کدام یک از شرایط لباس، حفظ استقلال مسلمانان استفاده می‌شود؟

٤. لباس شهرت چه لباسی است و آیا مد جدید لباس می‌تواند مصداق لباس شهرت باشد؟

٥. قطع درخت همسایه که برگ‌هایش داخل حیاط می‌ریزد چه حکمی دارد؟

٦. در آداب میهمانی کدام یک از حقوق شهروندی استفاده می‌شود؟

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۷۳

آداب زندگی (۱)

احکام عملی اسلام، برنامه زیستن است که در قالب واجبات، محرمات، و آداب عرضه می‌شود. درس‌های پیشین با برخی از واجبات و محرّمات آشنا شدید.

آداب در اصطلاح «فقه» به مجموعه مستحبات و مکروهات گفته می‌شود که بسیاری از آنها در خلال درس‌های گذشته آمد و برخی هم در آینده خواهد آمد و برخی دیگر را که بیشتر در کتاب‌های «اخلاق» به آن پرداخته‌اند و دارای اهمیت ویژه‌ای است، در دو بخش «آداب شخصی» و «آداب اجتماعی» می‌آوریم.

آداب فردی

آداب لباس

۱. مستحب است لباس انسان همیشه پاک و تمیز باشد.

۲. مستحب است لباس، سفید و از جنس پنبه باشد.

۳. مستحب است هنگام پوشیدن لباس، ابتدا سمت راست آن را بپوشد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

٤. برسرگذاشتن عمامه با تحت الحنك[۱]، به ویژه درنماز، مستحب است.

٥. پوشیدن لباس سیاه مکروه است، مگرعمامه، عبا وچادر

٦. پوشیدن لباس بلند، که ازبرآمدگی روی پا بگذرد. مکروه است.

۷. بازبودن تکمه‌های لباس مکروه است.

آداب انگشتری

۱. انگشتری را به دست راست کردن مستحب وبه دست چپ کردن مکروه است.

۲. مستحب است انگشتری را به انگشت کوچک دست کند واگردرانگشت دیگر انگشتری دارد، این انگشت را نیزازانگشتری خالی نگذارد.

۳. بهتراست انگشتری را به انگشت میانه وسبّابه نکنند.

٤. بهتراست انگشتری سرانگشت دست نباشد.

٥. به دست کردن انگشتری عقیق مستحب است ونمازبا آن ثواب بیشتردارد و فرقی بین عقیق سرخ وزرد وسفید نیست.

آداب کفش

۱. پوشیدن کفش سفید یا زرد مستحب است.

۲. پوشیدن کفش سیاه مکروه است، مگرچکمه سیاه.

۳. پوشیدن کفشی که کف آن صاف است وپاشنه ندارد، مکروه است.

٤. هنگام پوشیدن کفش یا لباس و بیرون آوردن لباس، خواندن دعاهایی مستحب است که درکتاب‌های آداب وادعیه آمده است.

---

۱ ـ از آنجا که آداب زندگی، بیشتردر کتب اخلاقی آمده است و در کتاب‌های فقهی متداول کمتربه آن پرداخته‌اند آنچه در این درس و درس بعدی آمده، از کتاب‌های سراج الشیعه فی آداب الشریعه تألیف علامه بزرگوار شیخ عبدالله مامقانی و حلیة المتقین تألیف علامه پرتلاش محمد باقرمجلسی و چند کتاب دیگر نقل شده است.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

آداب مسکن

۱. درساخت و خرید منزل مسکونی، امورزیر مستحب است:

- زود به زود خانه را عوض نکنند، مگرآنکه درمنزل اوّل راحت نباشند؛
- وسیع باشد، نه تنگ؛
- به قدرنیازباشد، نه زیادترازآن؛
- پشت بام آن حفاظی داشته باشد؛
- آن را به تصویرانسان یا حیوان نقاشی نکنند؛
- وقتی خانه‌ای ساختند یا خریدند، گوسفند چاقی ذبح کنند، غذا بپزند و یا گوشت آن را به فقرا بدهند.

۲. برخی ازمستحبات خانه داری بدین شرح است:

- داخل منزل و جلودرآن را جاروونظافت کنند؛
- خاکروبه وزباله را درخانه وپشت درانباشته نکنند؛
- خاکروبه وزباله را پیش ازفرا رسیدن شب بیرون ببرند؛
- اتاق‌ها را ازتارعنکبوت پاک کنند؛
- بیشترازنیاز، چراغ روشن نکنند؛
- چراغ خانه را پیش ازغروب وتاریک شدن هوا روشن کنند؛
- هنگام وارد شدن به اتاق، اگرکسی داخل اتاق است، بگویند: «السلام علیکم» واگرکسی داخل اتاق نیست، بگویند: «السلام علینا من ربنا» یا بگویند: «السلام علی محمد بن عبدالله خاتم النبیین، السلام علی الائمة الهادین المهدیین، السلام علینا و علی عباد الله الصالحین».
- برای وارد شدن به منزل و بیرون رفتن از آن و روشن کردن چراغ منزل، دعاهایی نیزوارد شده است.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

استراحت و خواب

برخی از مستحبات خوابیدن بدین شرح است:

۱. وضو گرفتن پیش از خواب

۲. خواندن دعاهایی که از معصومان علیهم‌السلام رسیده است و نیز خواندن تسبیحات حضرت زهرا علیهاالسلام آیة الکرسی، سوره‌های توحید، فلق و کافرون.

۳. مسواک کردن دندان‌ها پیش از خواب.

٤. پیش از خواب، اعمال خود را محاسبه کند و خواب را مرگ انگارد.

آداب نظافت

دین اسلام برای نظافت انسان و محیط زندگی او اهمیت بسیار زیادی قائل است؛ به طوری که پاکیزگی را جزء ایمان می‌داند و برای آن، احکام و آداب خاصی دارد. در اینجا به برخی از مستحبات آن اشاره می‌کنیم:

- عطر زدن و خوشبو بودن؛
- مسواک کردن دندان‌ها که در اسلام تأکید زیادی بر آن شده است؛
- شانه زدن موهای سر و صورت؛
- کوتاه کردن ناخن‌ها؛
- زدودن موهای زاید بدن؛
- نگاه کردن به آینه و مرتّب کردن سر و صورت خود؛
- یک روز در میان حمّام رفتن، ولی هر روز حمّام رفتن مکروه است؛

آداب دعا

برخی از آداب دعا و حاجت خواستن از خداوند عبارت است از:

۱. هنگام دعا با طهارت باشد

۲. پیش از دعا، حمد و ثنای الهی را به جا آورد و نعمت‌های خداوندی را یاد کند و شکر آن را به جا آورد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

۳. دعا را با نام خدا شروع کند.

٤. در ابتدا و انتهای دعا صلوات بفرستد

٥. ابتدا برای دیگران دعا کند، سپس برای خودش.

٦. با حضور قلب و خضوع و خشوع و اطمینان به استجابت، دعا کند.

۷. برای دعا، مؤمنان جمع شوند که اگر چهل نفر گرد هم آیند و چیزی از خداوند بخواهند، زودتر مستجاب می‌شود.

۸. در اوقات و اماکنی که دعا زودتر مستجاب می‌شود دعا کند؛ مانند وقت اذان، پس از نماز، در سجده، هنگام ظاهر شدن یکی از نشانه‌های قدرت الهی مثل خورشید گرفتگی یا ماه گرفتگی، هنگام بارش باران، هنگام درگیر شدن لشکر حق و باطل، در حال بیماری و درد، در وقت سحر و طلوع و غروب آفتاب، در مسجد، به ویژه مسجدالحرام، در عرفات، در کنار قبر اولیای الهی.

پرسش

۱. آداب لباس از جهت رنگ کدام است؟

۲. آداب مشترک کفش و لباس را نام ببرید؟

۳. آداب معماری منزل مسکونی کدام است؟

٤. خواندن کدام یک از سوره‌های قرآن، پیش از خواب مستحب است؟

٥. آداب محتوایی دعا را برشمارید.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۷٤

آداب زندگی (۲)

آداب اجتماعی

بسیاری از احکام دین، مربوط به زندگی اجتماعی مسلمانان است. بخش عمده‌ای از این احکام شامل واجبات و محرمات است که در این کتاب آمده است. در این درس با برخی از آداب مستحب و مکروه اجتماعی، آشنا خواهید شد.

آداب معاشرت

۱. خوش اخلاقی و خوش رفتاری با دیگران، به ویژه با خانواده و اقوام و خویشان

۲. گرامی داشتن مؤمنان به ویژه سالمندان و صاحبان علم و فضیلت و شرف؛

۳. دوستی و مراوده و رفت آمد با دیگران؛

٤. معانقه و مصافحه با مؤمن و بوسیدن پیشانی وی؛[1]

۵. سلام کردن به مؤمن هنگام وارد شدن بر وی؛

---

۱. مصافحه به معنای دست یکدیگر را گرفتن و دست دادن است و معانقه، یعنی گردن به گردن نهادن، یکدیگر را در آغوش گرفتن.
واضح است که مصافحه و معانقه با محرمان و همجنس مستحب است، نه با نامحرمان.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۶. خداحافظی هنگام جدا شدن از مؤمن؛
۷. تبسم و خوش‌رویی با مؤمن، مگر تبسم بر روی نامحرم؛
۸. دعا و استغفار برای مؤمن؛
۹. کمک به مؤمن با دست و زبان و مال؛
۱۰. راهنمایی مؤمن در مواقع نیاز او؛
۱۱. عیادت کردن از بیماران؛
۱۲. شرکت در تشییع جنازه مؤمن و تسلیت گویی به بازماندگان؛
۱۳. هر چه برای خود دوست دارد، برای دیگران نیز دوست داشته باشد؛

در معاشرت با دیگران سزاوار است از این امور پرهیز کند:

۱. برای احترام، دست بسته در مقابل دیگری ایستادن یا ایستادن در مقابل کسی که نشسته است؛
۲. بوسیدن زمین در مقابل دیگری برای احترام وی؛
۳. زیاد و بیش از حدّ سخن گفتن؛
۴. خنده بی جهت و قهقهه؛
۵. نجوا و درگوشی صحبت کردن با کسی در حضور دیگران.

آداب مُجالست

برخی از آداب همنشینی (مجالست) با دیگران بدین شرح است:

۱. سزاوار است بیشتر با فقرا مجالست و همنشینی داشته باشد، نه با اغنیا؛
۲. با کسانی که برایش نفع دینی دارد همنشینی داشته باشد؛
۳. وقتی وارد مجلسی می‌شود، هر جای مجلس که جا برای نشستن هست، بنشیند؛ یا در جایی که برای او آماده کرده‌اند یا هر جایی که با تواضع تناسب دارد، بنشیند؛

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

۴. اگر به خانه کسی وارد می‌شود، هرجا که صاحب خانه می‌گوید، بنشیند؛
۵. برای ورود سادات و ذریه پیامبر خدا ﷺ به احترام از جای خود برخیزد؛
۶. سزاوار است با افراد فاسق، دروغ‌گو، بخیل، احمق و کسی که با اقوام و خویشان خود قطع رابطه کرده است (قاطع رحم)، همنشینی نکند؛
۷. از نشستن بر سر کوچه و سر راه مردم پرهیز کند؛
۸. از رفتن به مجلس گناه و مجلسی که مورد اتهام قرار می‌گیرد، پرهیز کند.

آداب سفر و زیارت

هر چند آداب سفر را می‌توان جزء آداب شخصی شمرد، ولی از آنجا که هم اکنون بیشتر مسافرت‌ها دیگر جنبه شخصی ندارد و با فعالیت‌ها و روابط اجتماعی همراه شده و جنبه شغل برای کسب روزی در عرصه اجتماع پیدا کرده، به طور مختصر در اینجا برخی از آداب آن را می‌آوریم:

۱. بستگان و دوستان خود را از سفر با خبر و با آنان خداحافظی کند؛
۲. وصیت کند، به ویژه در مورد کارهای واجب و امور مالی خود؛
۳. هنگام سفر صدقه بدهد و دعاهایی را که وارده شده، بخواند؛
۴. آنچه در سفر به آن نیاز دارد، همراه بردارد؛
۵. با یاد خدا و توکل بر او، با حمد و شکر الهی، سفر را آغاز کند؛
۶. خواندن سوره‌های حمد، توحید، قدر و آیة الکرسی مستحب است.

برای زیارت قبور اولیا الهی، مستحب است امور ذیل مراعات شود:

۱. برای رفتن به حرم، غسل کند؛
۲. پاکیزه‌ترین لباسها را بپوشد؛
۳. خود را خوشبو کند؛ مثلاً عطر بزند. البته برای رفتن به حرم امام حسین علیه‌السلام خوشبو کردن خود مستحب نیست؛

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

٤. با طهارت و وضو به حرم برود؛
٥. هنگام رفتن به حرم گامها را کوتاه بردارد و با وقار و آرام حرکت کند و به ذکر الهی مشغول باشد؛
٦. هنگام ورود به حرم، ابتدا پای راست را داخل بگذارد؛
٧. اگر مزاحمت برای دیگران نیست، به ضریح نزدیک شود و ابتدا، گونه راست و پس از آن گونه چپ را بر ضریح بگذارد و دعا بخواند؛
٨. زیارتهای مأثور را بخواند، مثل زیارت جامعه و امین الله؛
٩. هنگام خواندن زیارت رو به قبله بایستد؛
١٠. پس از زیارت دو رکعت نماز زیارت بخواند؛
١١. پس از نماز زیارت برای خود و دیگران دعا کند، به ویژه برای ستمدیدگان و بر ضد ستمکاران؛
١٢. از گناهان خود توبه و استغفار کند؛
١٣. قرآن به ویژه سوره «قدر» را بخواند و آن را به صاحب مزار هدیه کند.

سفر حج و زیارت بیت الله الحرام، آداب دیگر و بیشتری دارد که در کتب ادعیه و مناسک آمده است.

مجالس شادی و عزاداری

اسلام شاد بودن و شادزیستن را مورد تأیید و تأکید قرار داده است؛ بلکه شاد کردن دیگران با کارهای مستحب مثل دستگیری از مستمندان یا فعل مباح امری است پسندیده و گاهی موجب اجر و ثواب می‌باشد اما انسان برای شاد بودن و شادکردن دیگران مجاز به ارتکاب حرام نمی‌باشد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

برخی از کارهای حرام که در مجالس شادی صورت می‌گیرد عبارتند از:

* مسخره کردن دیگران
* دروغ گویی
*لقب بد دادن به دیگران
* غیبت از دیگران
*آزار و اذیت دیگران از جمله همسایه‌ها
* طعنه زدن به مؤمنان
* سدّ معبر
* غنا و موسیقی

غنا و موسیقی

«غنا» فقط زیبا خواندن نیست، بلکه کشیدن صدا و بالا و پایین کردن آن است که با کیفیت خاصی که طرب آور و مناسب با مجالس لهو و محافل طرب و ابزار لهو و ادوات موسیقی باشد.[١]

١. اشتغال به غنا و شنیدن آن و کسب درآمد از این راه حرام است.[٢]

٢. غنای زنان آوازه خوان در عروسی‌ها استثنا شده است و احتیاط واجب آن است که به شب زفاف و مجلسی که پیش از آن تدارک شده اکتفا شود، نه هر مجلسی، بلکه احتیاط این است که مطلقاً و به طور کلی از آن اجتناب شود.[٣]

٣. یاد گرفتن و یاد دادن غنا حرام است.[٤]

٤. گوش دادن به صداهای مشکوک که غنا بودن آن معلوم نیست، اشکال ندارد.[٥]

---

١. تحریر الوسیله، ج ١، ص ٤٧٣، م ١٣.
٢. همان.
٣. استفتاآت، ج ٢، ص ٦٢٠، س ١٨. برخی از فقها این مورد را نیز جایز نمی‌دانند.
٤. همان، ص ١٢، س ٢٦.
٥. همان، س ٢٥ – ٢٩. به فتوای برخی از فقها در این مورد نیز باید احتیاط کرد و به چنین صداهایی گوش نداد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

استفتاء

س ۱. بعضی از سرودهای صدا و سیمای جمهوری اسلامی، آهنگ تندی دارد که انسان را ازحالت طبیعی خارج می‌کند. شنیدن این نوع سرودها چه حکمی دارد؟ آیا شنیدن کلیه آهنگ‌هایی که ازرادیو پخش می‌شود، مشروع است؟ حکم نواختن آهنگ چیست؟ آیا شخصی که مثلاً آهنگ‌های سرود شهید مطهری را به طور غم‌انگیز می‌نوازد نیز همین حکم را دارد؟

ج: **موسیقی مطرب، حرام است و صداهای مشکوک مانع ندارد.**[۱]

□ س ۲. موزیک نظامی و سرودهای رادیو و تلویزیون و همچنین سرودهایی که خانم‌ها در حضور مردها اجرا می‌کنند، شرعاً جایز است یا خیر؟

ج: **اشکال ندارد، مگر آنکه محرز شود که موسیقی مُطرب است.**[۲]

س: منظور از موسیقی مطرب و لهوی چیست؟ و راه تشخیص موسیقی مطرب و لهوی از غیرآن چیست؟

ج: موسیقی مطرب و لهوی آن است که به سبب ویژگی هایی که دارد، انسان را از یاد خدای متعال و فضایل اخلاقی دور نموده به سمت بی بند و باری و گناه سوق دهد و مرجع تشخیص موضوع، عرف است.[۳]

عزاداری

گریستن درعزای امام حسین وگریاندن دیگران وبرپایی مجالس سوگواری سالار شهیدان ازجمله کارهای مستحب مؤکد وازافضل قُربات ودارای ثواب بسیاری است

---

۱ .استفتاآت، ج ۲، ص ۱۷، س ۴۰. با مراجعه به حاشیه مسأله قبل فتوای برخی از فقها در این مسأله و مسائل بعد روشن می‌شود.

۲ .همان، ص ۱۸، س ۴۴. به فتوای برخی فقها موسیقی غیر مطرب نیز حرام است.

۳- اجوبة‌الاستفتاآت، ص ۲۴۷.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

ولی از آنجا که برخی افراد گاهی در عزاداری دچار افراط یا تفریط می‌شوند، توجه به چند شرط از شرایط عزاداری قابل توجه است:

الف) آنچه خوانده می‌شود؛ مشتمل بر مطالب دروغ و باطل نباشد.

ب) همراه با کار حرام؛ مثلاً موسیقی لهوی نباشد.

ج) همراه با مطالبی که وهن مذهب یا تنقیص و تحقیر آن حضرت است نباشد.

د) موجب اضرار به نفس (ضرر قابل توجه) نباشد.

هـ) سبب ترك واجب نباشد، که گاهی سبب ترك نماز یا قضا شدن آن می‌شود.[1]

استفتاء

س: نظر مبارك خود را در مورد خواندن دعاهای کمیل، ندبه، سمات، زیارت عاشورا و جامعه، عزاداری حضرت امام حسین علیه‌السلام از قبیل روضه خوانی، سینه زنی و غیره مرقوم فرمایید تا رفع ابهام و شبهه از دسائس مغرضین شود و نیز شیعیان راستین اغفال نشوند؟

ج) خواندن ادعیه مأثوره و عزاداری برای حضرت سید الشهداء علیه‌السلام از افضل قُرُبات و آدم ساز است.[2]

س: لطفاً نظر خود را در مورد تعزیه‌ای که با شرایط ذیل خوانده می‌شود و مرسوم محلّ می‌باشد، مرقوم فرمائید تا به آن عمل شود؟

١. از طبل و شیپور و سائر ادوات طرب انگیز هیچ گونه استفاده نمی شود.

٢. تعزیه را با صدای ساده که غنا به آن گفته نمی شود می‌خوانند.

٣. اجتماع مرد و زن به صورتی است که زنها و مردها جداگانه و با فاصله پنجاه متر از هم می‌نشینند.

---

١ - استفتاآت، ج٣، ص٥٧٩. اجوبة الاستفتاآت، صص٢٢٢ و ٢٢٣.

٢ - همان، ص ٥٨٢، س٣٩.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

٤. کسی که نسخه زنانه را می‌خواند فقط عبا به دوش دارد و یك دستمال سیاه به سر می‌پیچد.

٥. اشعار معمولی به زبان محلّی(که در اغلب مجالس مرسوم است) خوانده می‌شود.

٦. مزاحم وقت نماز و روضه خوانی و مانع وعظ نیست وخواننده هم اهل محل است.

ج) باخصوصیات مذکوره اشکالی ندارد.[1]

س - در بعضی از هیئت های مذهبی، مصیبت‌هایی خوانده می‌شود که مستند به مقتل معتبری نیست و از هیچ عالم یا مرجعی هم شنیده نشده است و هنگامی که از خواننده مصیبت از منبع آن سؤال می‌شود، پاسخ می‌دهند که اهل بیت علیهم‌السلام اینگونه به ما فهمانده اند و یا ما را راهنمایی کرده اند و واقعه کربلا فقط در مقاتل نیست و منبع آن هم فقط به گفته های علما نمی باشد بلکه گاهی بعضی از امور برای مدّاح یا خطیب حسینی از راه الهام و مکاشفه مکشوف می‌شود، سؤال من این است که آیا نقل وقایع از این طریق صحیح است یا خیر؟ و در صورتی که صحیح نباشد، تکلیف شنوندگان چیست؟

ج) نقل مطالب به صورت مزبور بدون اینکه مستند به روایتی باشد و یا در تاریخ ثابت شده باشد وجه شرعی ندارد مگر آنکه نقل آن به عنوان بیان حال به حسب برداشت متکلّم بوده و علم به خلاف بودن آن نداشته باشد و تکلیف شنوندگان نهی از منکر است به شرطی که موضوع و شرایط آن نزد آنان ثابت شده باشد.[2]

استفاده از ابزار موسیقی در عزاداری

از آنجا که در برخی از هیئت های عزاداری از شیپور و طبل و سنج و دیگر وسائل موسیقی استفاده می‌شود، توجه به چند استفتاء لازم است:

١- استفتاآت، ج٣، ص ٥٧٩ ، س ٣٢

٢- اجوبة الاستفتاءات، ص ٣٢٣ ، س ١٤٤٦

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

س : استفاده از طبل و سنج و شیپور وهمچنین زنجیرهایی که دارای تیغ هستند در مجالس و دسته های عزاداری چه حکمی دارد؟

ج) اگر استفاده از زنجیرهای مزبور موجب وهن مذهب در برابر مردم شود و یا باعث ضرر بدنی قابل توجهی گردد جایز نیست ولی استفاده از شیپور و طبل و سنج به نحو متعارف اشکال ندارد.[1]

س : استفاده از آلات موسیقی مانند اُرگ (از آلات موسیقی و شبیه پیانو است) و سنج و غیر آنها در مراسم عزاداری چه حکمی درد؟

ج) استفاده از آلات موسیقی، مناسب با عزاداری سالار شهیدان نیست و شایسته است مراسم عزاداری به همان صورت متعارفی که از قدیم متداول بوده برگزار شود.[2]

قمه زنی

از جمله اعمالی که در عصر حاضر سبب توهین دیگران به مذهب تشیع شده و سابقه تاریخی و توجیه عقلانی ندارد قمه زنی یا تیغ زنی است. این عمل در فتاوای بسیاری از فقها حرام شمرده شده که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

س : قمه زنی و سینه زنی با بدن برهنه در انظار عمومی چه حکمی دارد؟

ج) در شرایط و اوضاع کنونی از قمه زدن خودداری شود و عزاداری و سینه زدن مانعی ندارد.[3]

س : آیا قمه زنی به طور مخفی حلال است یا اینکه فتوای شریف جنابعالی عمومیت دارد؟

ج) قمه زنی علاوه بر اینکه از نظر عرفی از مظاهر حزن و اندوه حساب نمی شود و سابقه‌ای در عصر ائمه علیهم‌السلام و زمان های بعد از آن ندارد و تأییدی هم به شکل خاص یا عام از معصوم علیه‌السلام در مورد آن نرسیده است، در زمان حاضر موجب وهن و بدنام شدن مذهب می‌شود، بنابراین در هیچ حالتی جایز نیست.[4]

١- اجوبة الاستفتاءات، ص ٣٢٣ ، س ١٤٤١.

٢- همان، س ١٤٤٩ .

٣- استفتاآت، ج ٣ ، ص ٥٨٣ ، س ٤٢

٤- اجوبة الاستفتائات، ص ٣٢٦ ، س ١٤٦١

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

س : آیا قمه زنی جایز است؟ چنانچه در این مورد نذری و جود داشته باشد، وظیفه چیست؟

ج) با توجه به گرایشی که نسبت به اسلام و تشیع بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در اکثر نقاط جهان پیدا شده و ایران اسلامی به عنوان ام القری جهان اسلام شناخته می‌شود و اعمال و رفتار ملت ایران به عنوان الگو و بیانگر اسلام مطرح است، لازم است در رابطه با مسائل سوگواری و عزاداری سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام به گونه‌ای عمل شود که موجب گرایش بیشتر و علاقمندی شدیدتر به آن حضرت و هدف مقدس وی گردد، پیداست در این شرایط مسأله قمه زدن نه تنها چنین نقشی ندارد، بلکه به علت عدم قابلیت پذیرش و نداشتن هیچگونه توجیه قابل فهم مخالفین، نتیجه سوء برآن مترتب خواهد شد. لذا لازم است شیعیان علاقه مند به مکتب امام حسین علیه‌السلام از آن خودداری کنند و چنانچه در این مورد نذری وجود داشته باشد، نذر واجد شرایط صحت و انعقاد نیست.[1]

پرسش

۱. در چه مواردی خندین ناپسند است؟

۲. همنشینی با چه افرادی تأکید و سفارش شده است؟

۳. آدابی که شایسته است میزبان مراعات کند، کدام است؟

٤. در چه مواردی ولیمه مستحب است؟

٥. آداب زیارت، پیش از تشرف به حرم کدام است؟

٦. چه نوع خوانندگی و نوازندگی حرام است؟ توضیح دهید.

۷. عزاداری چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد.

۱- جامع المسائل، آیت الله فاضل لنکرانی رحمه‌الله، ج ۱ ، ص ٦۲۲ ، س ۲۱۷۲.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

فصل نهم:

خوردنی‌ها و آشامیدنی ها

- خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها
- ذبح و شکار حیوانات

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۷۵

خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها

﴿یا أَیهَا الَّذینَ آمَنُوا کُلُوا مِنْ طَیباتِ ما رَزَقْناکُمْ وَاشْکُرُوالله إِنْ کُنْتُمْ إِیاهُ تَعْبُدُونَ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از نعمت‌های پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم بخورید و اگر تنها خدا را می‌پرستید او را شکر کنید.[1]

برای حفظ جان انسان‌ها و سلامتی جسم و روح آنها و بقای نسل‌ها و احترام به حقوق دیگران، قوانین و مقرراتی درمورد خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها در فقه اسلامی وجود دارد که به بیان برخی از آنها می‌پردازیم:

اقسام خوراکی

۱- گیاهی
- میوه‌ها
- سبزیجات
- حبوبات

۲- حیوانی
- چهارپایان
- پرندگان
- آبزیان (دریایی)
- حشرات

۳- صنعتی، که غالباً با تغییراتی در دو نوع اول تولید می‌شود.

---

۱. بقره: ۱۷۲

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

احکام خوراکی‌ها

غذاهای گیاهی

تمام میوه‌ها و سبزیجات و حبوبات حلال است، مگر آنچه برای بدن ضرر[۱] داشته باشد.

غذاهای حیوانی

چهارپایان

۱. چهارپایان اهلی
- ۱. حلال گوشت؛ مانند: گوسفند، گاو و شتر.
- ۲. مکروه؛ مانند: اسب، قاطر و الاغ.
- ۳. حرام گوشت؛ مانند: سگ و گربه.

۲. چهارپایان وحشی
- ۱. حلال گوشت؛ مانند: آهو، بزکوهی و گورخر.
- ۲. حرام‌گوشت؛ مانند: گرگ و پلنگ.

چند مسأله

۱. تمام حیوان‌های درنده حرام‌گوشت هستند، هر چند از نظر قدرت درندگی ضعیف باشند؛ مانند روباه.[۳]

۲. خوردن گوشت خرگوش حرام است.[۴]

۳. تمام انواع حشرات به جز ملخ[۵]، حرام‌اند.[۶]

---

۱. البته، مقصود از ضرر، ضررهای جزئی غیر قابل اعتنا نیست.
۲. تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الاطعمة و الاشربه، ص ۱۵۶، م ۵.
۳. همان.
۴. همان.
۵. در اصطلاح فقه، تمام خزندگان، مثل مار و مارمولک و حتی لاک‌پشت جزو حشرات به حساب می‌آید.
۶. تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الاطعمة و الاشربه، ص ۱۵۶، م ۵؛ توضیح‌المسائل، م ۲۶۲۲.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه



دو مسأله

۱ ـ داشتن یکی از نشانه‌ها برای پرندگان کافی است، پس اگر پرنده‌ای که معلوم نیست جزوکدام دسته است، یکی از این علامت‌ها را داشته باشد، مثلاً در پرواز بال زدنش زیاد است یا چینه‌دان دارد حلال‌گوشت است.[2]

۲ ـ تخم پرندگان حلال گوشت، حلال و تخم پرندگان حرام گوشت، حرام است.[3]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الاطعمة و الاشربه، صص ۱۵۶ و ۱۵۷، م ۶ و ۷ و ۸.
۲ ـ همان، م ۸.
۳ ـ همان، ص ۱۵۸، م ۱۲.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

آبزیان

۱ .از حیوان‌های دریایی، تنها ماهی پولك‌دار و پرندگانی که یکی از نشانه‌های پرنده حلال را داشته باشند، حلال گوشت است.[۱]

۲ .میگو، از جنس ماهیان پولك‌دار و حلال گوشت است.[۲]

اجزای حرام حیوان‌های حلال‌گوشت[۳]

- خون؛
- فضله (ادرار و مدفوع)؛
- بچه‌دان؛
- غُدّه، که آن را دُشْوِل می‌گویند؛
- بیضه، که آن را دُنبلان می‌گویند؛
- چیزی که درمغزکلّه است و به شکل نخود است؛
- مغز حرام که در میان مهره‌های کمر است؛
- پِیْ که در دو طرف مهره‌های کمر است؛
- نری (آلت تناسلی حیوان مذکر)؛
- فرج (آلت تناسلی حیوان مؤنث)؛
- زهره‌دان؛
- طحال (سِپُرز)

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الاطعمة و الاشربه، ص ۱۵۵، م ۲.

۲ .همان، م ۳.

۳ .ابونصر فراهی در کتاب نصاب الصبیان برخی از آنها را این‌گونه به شعر آورده است:

غدد ذات اشاجع حدق و فرج و قضیت انثیان و دم و غلبا و نخاعست و طحال

پس مثانه است و مراره است و مشیمه خرزه یاد گیر اینکه تورا باز رهاند ز وبال

نقل از لغت‌نامه دهخدا، حرف ذ، کلمه ذات اشاجع

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

- مثانه (بول‌دان)؛
- حَدقه چشم؛

چیزی که درمیان سُم حیوان است و به آن ذات الاشاجع می‌گویند.[۱]

این اجزا مخصوص شتر و حیوان‌هایی است که ذبح می‌شوند، لذا در ماهی و میگو و ملخ حرام نیست.[۲]

غذاهای تولیدی کشورهای غیر اسلامی

غذاهای غیرگوشتی، که در کشورهای غیر اسلامی تولید شده است؛ اعم از سبزیجات، حبوبات، میوه‌ها و فرآورده‌های لبنی، مانند: پنیر، ماست، کره، خامه، که از حیوان حلال گوشت گرفته می‌شود، تخم پرندگان حلال گوشت، نان، بیسکویت، شکلات، آدامس، شیرینی و سایر خوردنی‌هایی که از گوشت حیوان نیست، پاک و خوردن آنها حلال است، مگر آنکه انسان یقین کند نجس شده است. بنابراین مسأله چند صورت دارد:

الف: می‌داند که با بدن کافر تماس نداشته و به نحو دیگری نیز نجس نشده است پاک و حلال است.

ب: نمی‌داند نجس شده است یا نه، پاک و حلال است.

ج: احتمال می‌دهد نجس شده باشد ولی یقین ندارد، پاک و حلال است.

د: می‌داند بر اثر تماس با بدن کافر یا به گونه‌ای دیگر نجس شده است، نجس و حرام است.[۳]

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۲۶۲۶.

۲. تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الاطعمة و الاشربه، ص ۱۶۱، م ۲۸.

۳. استفتاآت، ج ۲، صص ۵۰۷، ۵۰۸ و ۵۰۹.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

حرام خوری

□ ۱ ـ خوردن و آشامیدنِ چیز نجس حرام است و خورانیدن عین نجس به اطفال حرام است ولی خورانیدن غذای مُتِنجّس به اطفال حرام نیست.[۱]

۲ ـ خوردن چیزی که برای انسان ضرر دارد حرام است، مثلاً خوردن غذای چرب برای مریضی که غذای چرب برایش ضرر دارد حرام است.[۲]

۳ ـ نوشیدن شراب و هر مایع مست‌کننده دیگر حرام است.[۳]

٤ـ خوردن گِل حرام است.[٤]

٥ـ خوردن کمی از تربت سیدالشهدا ﷺ برای شفا یافتن از بیماری اشکال ندارد.[٥]

٦ ـ در موارد زیر خوردن و آشامیدن چیزهای حرام اشکال ندارد:

* حفظ جان متوقف بر حرام باشد؛ مثلاً در موقعیتی قرار گیرد که به جز غذای حرام چیز دیگری نیست و اگر نخورد از گرسنگی می‌میرد.

* مداوای مرضی که تحمل آن به طور معمول ممکن نیست، متوقف بر خوردن یا آشامیدن حرام باشد و به تشخیص پزشکان ماهر و مورد اطمینان، معالجه آن منحصر در استفاده از همان خوردنی یا نوشیدنی حرام باشد.

* او را به خوردن یا آشامیدن حرام وادار کنند، به گونه‌ای که اگر نخورد جان یا آبرو یا مقدار قابل توجهی از اموالش به خطر می‌افتد، و همچنین اگر جان یا آبروی افراد محترمی در خطر باشد.

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱٤۱. به فتوای برخی از فقها، خورانیدن غذای متنجس به کودکان نیز حرام است.

۲ ـ همان، م ۲٦۳۰.

۳ ـ همان، م ۱۱۱ و ۲٦۳۳.

٤ ـ همان، ج ۲، کتاب الاطعمة و الاشربه، ص ۱٥۷، م ۷.

٥ ـ همان، م ۲٦۲۸.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

* در مقام تقیه که خوف از جان ومال وآبرو داشته باشد، همان گونه که در فرض قبل گذشت.[۱]

۷. در تمام مواردی که خوردن یا آشامیدن حرام، جایز می‌شود، باید به مقدار ضرورت اکتفا کند و بیشتر از آن جایز نیست.[۲]

پرسش

۱. کدام دسته از غذاهای گیاهی حرامند؟

۲. این حیوانات حلال‌گوشت هستند یا حرام‌گوشت؟

کلاغ و الاغ، مار و مورچه، گاو و گربه، موش و میش

۳. کدام یک از این پرندگان حرام‌گوشت نیستند؟

قُمری، زاغ، بلبل، پرستو، هُدهُد

۴. کدام دسته از آبزیان حلال گوشت هستند؟

۵. کدام دسته از غذاهای تولید کشورهای غیراسلامی حرامند؟

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الاطعمة و الاشربه، م ۳۰ تا ۳۴.

۲. همان.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

ذبح و شکار حیوانات

شرایط ذبح

اگر حیوان حلال گوشت را به دستوری که بعداً گفته می‌شود، سر ببرند، چه وحشی باشد چه اهلی، بعد از جان دادن گوشت آن حلال و بدنش پاک است.[۱]

شرایط ذبح حیوان

- کسی که سر حیوان را می‌برد، مسلمان باشد؛
- با آهن سر حیوان را ببرد، ولی در حال ناچاری با چیز تیز دیگری مانند شیشه و سنگ تیز هم مانع ندارد؛
- هنگام سر بریدن، قسمت جلو بدن حیوان رو به قبله باشد؛
- وقتی که می‌خواهد سر حیوان را ببرد، نام خدا را ببرد و همین قدر که بگوید: «بسم‌الله» کافی است؛
- حیوان بعد از سر بریدن حرکتی کند تا معلوم شود زنده بوده است.[۲]

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۲۵۸۳.
۲. همان، م ۲۵۹۴.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

□ **مسأله:** ذبح حیوان با غیرآهن یا آنچه آهن بودن آن مشکوک است، صحیح نیست.[۱]

دستورسربریدن حیوان

دستورسربریدن حیوان (به جزشتر) آن است که چهاررگ بزرگ گردن آن را ازپایین برآمدگی زیرگلوبه طورکامل ببرند واگرآنها را بشکافند کافی نیست.[۲]

دستورکشتن (نحر) شتر

برای کشتن شتر، باید با پنج شرطی که برای سربریدن حیوان گفته شد، کارد یا چیز دیگری راکه ازآهن وبرنده باشد، درگودی بین گردن وسینه‌اش فروکنند. پس اگرمانند گوسفند آن را سرببرند، حرام ونجس است.[۳]

شکار با اسلحه

اگرحیوان حلال گوشت وحشی را با سلاح شکارکنند، با پنج شرط، حلال وبدنش پاک است:

- سلاح شکار، مانند کارد وشمشیربرنده باشد، یا مثل نیزه وتیر، تیزباشد که بدن حیوان را پاره کند؛
- سلاح را برای شکارکردن به کاربرد، پس اگرجایی را نشان کند وبه طوراتفاق حیوانی را بکشد، آن حیوان، پاک وحلال نیست؛
- دروقت به کاربردن سلاح، نام خدا را ببرد؛

---

۱ ـ استفتاآت، ج ۲، ص ۴۹۷، س ۱۰ ؛ مناسک حج، مسائل متفرقه هدی، س ۱۸؛ مناسک محشی، م ۱۰۹۴. به نظرکارشناسان، استیل نوعی آهن فولاد ضدزنگ است و ذبح با آن به فتوای برخی از فقها مانع ندارد.

۲ ـ همان، م ۲۵۹۱.

۳ ـ توضیح‌المسائل، م ۲۵۹۵.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

- وقتی به حیوان برسد که مرده باشد یا اگر زنده است، به مقدار سربریدن آن وقت نباشد، ولی چنانچه به مقدار سربریدن وقت باشد و سر حیوان را نبرد تا بمیرد، حرام است؛
- کسی که شکار می‌کند مسلمان باشد یا بچه مسلمانی باشد که خوب و بد را بفهمد.[۱]

شکار با سگ شکاری

اگر سگ شکاری، حیوان وحشی حلال‌گوشتی را شکار کند، پاک بودن و حلال بودن آن حیوان شش شرط دارد:

- آن سگ برای شکار تربیت شده باشد، به‌طوری که هر وقت آن را برای گرفتن شکار بفرستند، برود و هر وقت از رفتن جلوگیری کنند، بایستد.
- صاحبش آن را برای شکار بفرستد و اگر از پیشِ خود حیوانی را شکار کند، خوردن آن حیوان حرام است.
- کسی که سگ را برای شکار می‌فرستد، مسلمان باشد.
- وقت فرستادن، نام خدا را ببرد.
- شکار به سبب زخمی که از دندان سگ پیدا کرده بمیرد؛ پس اگر سگ، شکار را خفه کند، یا شکار از دویدن یا ترس بمیرد، حلال نیست.
- کسی که سگ را فرستاده، وقتی برسد که حیوان مرده باشد یا اگر زنده است به اندازه سربریدن آن وقت نباشد، ولی اگر وقت باشد و حیوان را سر نبرد تا بمیرد، حلال نیست.[۲]

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۲۶۰۱.
۲. همان، م ۲۶۰۹.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

صید ماهی

□ ١ ـ اگر ماهی فلس‌دار را زنده از آب بگیرند و بیرون آب جان دهد، پاک و خوردن آن حلال است امّا اگر در آب بمیرد، چون خون جهنده ندارد، پاک است ولی خوردن آن حرام است.[١]

٢ ـ صیاد ماهی لازم نیست مسلمان باشد و در موقع گرفتن، نام خدا را ببرد؛ ولی مسلمانی که از آن ماهی استفاده می‌کند، باید بداند که آن را زنده گرفته‌اند و در خارج آب مرده است.[٢]

□ ٣ ـ خوردن ماهی زنده، اشکال ندارد.[٣]

آداب غذا خوردن[٤]

مستحبات

١ ـ دست‌ها را پیش از غذا و پس از آن بشوید؛

٢ ـ در اوّل غذا «بسم‌الله» و در پایان «اَلحمدُلِلّه» بگوید؛

٣ ـ با دست راست غذا بخورد؛

٤ ـ لقمه را کوچک بردارد؛

٥ ـ غذا را خوب بجود؛

٦ ـ میوه را پیش از خوردن، با آب بشوید؛

٧ ـ اگر چند نفر سر سفره نشسته‌اند، هر کسی از غذای جلو خودش بخورد؛

٨ ـ میزبان پیش از همه شروع به غذا خوردن کند و پس از همه دست بکشد.[٥]

---

١ ـ توضیح‌المسائل، م ٢٦١٥. به فتوای برخی از فقها، اگر ماهی فلس‌دار در تور ماهیگیری هم بمیرد حلال است.

٢ ـ همان، م ٢٦١٧.

٣ ـ همان، م ٢٦١٩. به فتوای برخی از فقها، خوردن ماهی زنده بنا بر احتیاط جایز نیست.

٤ ـ این بخش را می‌توان به مطالعه شاگردان واگذار کرد.

٥ ـ توضیح‌المسائل، م ٢٦٣٦.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

مکروهات

۱ ـ درحال سیری غذا خوردن؛

۲ ـ پرخوری؛

۳ ـ نگاه کردن به صورت دیگران هنگام غذا خوردن؛

۴ ـ خوردن غذای داغ؛

۵ ـ فوت کردن به غذایی که می‌خورد؛

۶ ـ پاره کردن نان با چاقو؛

۷ ـ گذاشتن نان زیر ظرف غذا؛

۸ ـ دورانداختن میوه، پیش از خوردن کامل.[۱]

آداب آب نوشیدن

مستحبات:

۱ ـ درروز، ایستاده آب بخورد؛

۲ ـ پیش ازآشامیدن آب «بِسمِ‌الله» وبعد ازآن «الحَمدُلله» بگوید؛

۳ ـ به سه نفس آب بیاشامد؛

۴ ـ پس ازآشامیدن آب، حضرت امام حسین علیه‌السلام و خاندان و یاران او را یاد و قاتلانشان را لعن کند.[۲]

۱ ـ همان، م ۲۶۳۷.

۲ ـ همان، م ۲۶۳۸.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

مکروهات

١ ـ زیاد آشامیدن؛

٢ ـ آشامیدن آب بعد از غذای چرب؛

٣ ـ با دست چپ آب نوشیدن؛

٤ ـ در شب، ایستاده آب نوشیدن.[١]

پرسش

١ ـ کدام دسته از مایعات حرام است؟

٢ ـ این مسأله را با ذکر مثال توضیح دهید: «خوردن هر نجسی حرام است ولی هر حرامی نجس نیست».

٣ ـ استفاده از نان، پنیر، شیر و تخم مرغ در رستوران‌های کشورهای غیر اسلامی چه حکمی دارد؟

٤ ـ موارد اشتراک آداب خوردن و آشامیدن کدام است؟

٥ ـ کدام یک از شرایط ذبح حیوان و شکار با سلاح، مشترک است؟

٦ ـ ماهیانی که در کشورهای غیر اسلامی صید می‌شود حلال است یا نه؟

٧ ـ اگر ماهی را زنده از دریا یا رودخانه بگیرند و درون ظرف آبی بیندازند و در آن ظرف بمیرد حلال است یا نه؟

---

١ ـ توضیح المسائل، م ٢٦٣٩.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

فصل دهم:

نکاح و طلاق

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۷۷

نکاح

﴿وَأَنْكِحُواْ الأَيَامى مِنْكُمْ وَالصّالِحِينَ مِنْ عِبادِكُمْ وَ إِمائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرآءَ يغْنِهِمُ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللهُ واسِعٌ عَلِيمٌ﴾

بی‌همسران خود و غلامان و کنیزان درستکارتان را همسر دهید، اگر فقیرند، خداوند آنان را از فضل خودش بی‌نیاز خواهد کرد و خدا گشایشگر داناست.[1]

ازدواج، سرآغاز فصل جدید در زندگی انسان است.

آدمی با ازدواج جایگاهی ویژه می‌یابد و نگرش انسان‌ها نسبت به او دگرگون می‌شود و عضو فعّال و مؤثر جامعه به حساب می‌آید؛ او نیز مسئولیت خطیر و جدیدی را عهده‌دار می‌شود و با شناخت صحیح وظایف جدید می‌تواند بهار شیرین زندگی خود را شروع کند و در ادامه، آثار و برکات زیاد آن را ببیند.

اسلام، ازدواج را حافظ نصف دین می‌داند. در حقیقت، با پیوند زناشویی نیمی از دیانت کامل می‌شود و تکمیل نیمه دوّم بر عهده خود انسان است که اگر راه صحیح دینداری را بشناسد و مطابق آن رفتار کند، بی شک به نیم دیگر کمال نیز دست خواهد یافت.

---

۱. نور: ۳۲.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

دراسلام تمام رفتارهای فردی وگروهی انسان‌ها وروابط خانوادگی واجتماعی آنان براساس قانون الهی تنظیم می‌شود و این قانون‌مداری سبب حفظ کانون خانواده و پیوندهای درست اجتماعی و بهره‌مندی صحیح از محبت متقابل یکدیگر و ادامه زندگی سالم وشیرین خواهد بود.

لزوم ازدواج

کسی که به سبب نداشتن همسر به حرام می‌افتد؛ مثلاً به نامحرم نگاه می‌کند، واجب است ازدواج کند.[۱]

عقد ازدواج

۱ ـ درازدواج باید صیغه مخصوص آن خوانده شود وفقط راضی بودن دختروپسرو علاقه داشتن کافی نیست، بنابراین، خواستگاری تا زمانی که صیغه ازدواج خوانده نشده، سبب محرم شدن نیست و با سایرزنان نامحرم تفاوتی ندارد.[۲]

۲ ـ اگریک حرفِ ازعقد ازدواج غلط خوانده شود که معنای آن عوض شود، عقد باطل است.[۳]

دستور خواندن عقد دائم

اگر صیغه عقد دائم را خود زن و مرد بخوانند و اول زن بگوید: زَوَّجْتُک نَفْسی عَلَی الصِّداقِ الْمَعْلُومِ (یعنی خود را زن تو نمودم به مهری که معین شده)؛ پس ازآن بدون فاصله، مرد بگوید: قَبِلْتُ التَّزْویجَ (یعنی قبول کردم ازدواج را)، عقد صحیح است واگر دیگری را وکیل کنند که از طرف آنها صیغه عقد را بخواند چنانچه مثلاً اسم مرد

---

۱ ـ توضیح‌المسائل، م ۲۴۴۳.
۲ ـ همان، م ۲۳۶۳.
۳ ـ همان، م ۲۳۷۱.

احمد و اسم زن فاطمه باشد و وکیل زن بگوید: زَوَّجْتُ مُوَکِّلَتی فاطِمَةَ مُوَکِّلَک اَحْمَدَ عَلَی الصِّداقِ الْمَعْلُوم، پس بدون فاصله وکیل مرد بگوید: قَبِلْتُ لِمُوَکِّلی اَحْمَدَ عَلَی الصِّداقِ صحیح می‌باشد.[۱]

دستور خواندن عقد غیر دائم

اگر خود زن و مرد بخواهند صیغه عقد غیر دائم را بخوانند، بعد از آنکه مدت و مهر را معین کردند، چنانچه زن بگوید:

زَوَّجْتُک نَفْسی فِی الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَی المَهْرِالْمَعْلُومِ، بعد بدون فاصله مرد بگوید: قَبِلْتُ، صحیح است. و اگر دیگری را وکیل کنند و اول وکیل زن به وکیل مرد بگوید: مَتَّعْتُ مُوَکِّلَتی مُوَکِّلَک فِی الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَی المَهْرِالْمَعْلُومِ، پس بدون فاصله وکیل مرد بگوید: قَبِلْتُ لِمُوَکِّلی هکَذا صحیح می‌باشد.[۲]

مهریه[۳]

هر چه را که مسلمانان بتوانند مالک آن شوند، می‌توان مهریه قرارداد و آنها عبارتند از:

۱. عین؛ مانند، باغ پول نقد، طلا و نقره

۲. دین؛ مانند طلب، چك، سفته، برات: مثلاً مبلغی را که از کسی طلب دارد مهریه همسر قراردهد یا چک و سفته به او بدهد.

۳. منفعت؛ مانند منافع خانه، باغ، حیوان، ماشین؛ مثلاً استفاده از باغ یا ماشین را مهریه او قراردهد.

---

۱ .توضیح المسائل، م ۲۳۶۸.

۲ .همان، م ۲۳۶۹.

۳ .مطالب این درس با استفاده از کتاب «رساله نوین، جلد ۳» تألیف دانشمند گرانمایه دکتر بی آزار شیرازی، با اندکی تغییر و حذف و اضافه آورده شده است چون آن را در ترجمه استوار و در تنظیم زیبا یافتم.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

٤. کار مباح؛ مانند ساختن خانه، دامداری، مثلاً مدت معینی برای همسر کار کند.

٥. آموزش؛ مانند آموختن قرآن، صنعت و حرفه؛ مثلاً مهریه همسرش آموزش قرآن به وی باشد.

٦. حقوق مالی؛ مانند حق سرقفلی یا تحجیر و نشان گذاری زمین؛ مثلاً سرقفلی مغازه یا حقی که به واسطه علامت گذاری نسبت به زمین بی صاحب پیدا کرده مهریه همسرش قرار دهد.[1]

مقدار مهریه

مهریه مقدار معینی ندارد؛ بلکه هر مقدار که مورد رضایت و توافق زن و مرد قرار گیرد خواه کم باشد یا زیاد، البته نه به آن اندازه که در اثر کمی از مالیت خارج باشد. مستحب است که بیشتر از مهرالسنه یعنی ۵۰۰[2] درهم نباشد.[3]

ازدواج حرام

در برخی موارد به عللی زن و مرد بر یکدیگر حرام می‌باشند و نمی‌توانند با هم ازدواج کنند. که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

محرمیت

یکی از موانع ازدواج محرمیت است؛ یعنی دختر و پسر یا زن و مردی که با هم محرم باشند، نمی‌توانند با یکدیگر ازدواج کنند و در این مسأله فرقی بین محارم نسبی و

---

۱ .تحریر الوسیله؛ ج۲، کتاب نکاح، ص ۲۹۷، م ۱ .

۲ .درهم و دینار در گذشته دو واحد پولی رایج و دارای وزن و قیمت معین بوده، اولی از نقره و دومی از طلا؛ ولی اکنون از رواج افتاده و سکه‌ها بر اساس وزن طلا و نقره آن ارزش گذاری می‌شوند و اکنون قیمت هر درهم (۲ / ۵ گرم) حدود ۱۵۰۰۰ تومان است. (تابستان ۱۳۹۳ هـ. ش)

۳ .استفتاآت، ج ۱، ص ۱۸۱، س ۱۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

سببی و رضاعی نیست. اسباب محرمیت و کسانی که به یکدیگر محرمند در بحث‌های گذشته، معین شد.

زنا و لواط

در موارد زیر، زنا و لواط موجب حرمت دائمی ازدواج می‌شود:

۱. زنا با زن شوهردار، موجب حرمت ابدی بر مردی که زنا کرده می‌شود[۱] یعنی اگر مردی با زن شوهردار زنا کند، سپس آن زن از شوهر خود طلاق بگیرد یا شوهرش بمیرد، نمی‌تواند با مرد زانی ازدواج کند.[۲]

۲. زنا با زنی که طلاق رجعی گرفته است و در عدّه به سر می‌برد، سبب حرمت می‌شود.[۳]

۳. زنا با زنی که در عده طلاق بائن یا وفات یا متعه است، سبب حرمت ازدواج با او نمی‌شود.[۴]

٤. اگر با زن بی شوهری که در عدّه نیست زنا کند، سبب حرمت ازدواج با او نمی‌شود ولی احتیاط آن است که پیش از آنکه زن یک بار حائض شود، با آن زن ازدواج نکند.[۵]

۵. ازدواج با مادر، خواهر یا دختر کسی که با وی لواط کرده، حرام است.[۶]

٦. مادر و خواهر و دختر کسی که لواط کرده، برکس که لواط داده، حرام نمی‌شود.

---

۱. به فتوای برخی از فقها، موجب حرمت ابدی نمی‌شود.

۲. تحریر الوسیله؛ ج۲، کتاب نکاح، ص ۲۸۱، م ۲۲.

۳. توضیح المسائل، م ۲۳۹۸.

٤. همان.

۵. همان، م ۲۳۹۹.

٦. همان، تحریر الوسیله؛ ج ۲، کتاب النکاح، ص ۲۸۱، م ۲٤. به فتوای برخی از فقها، چنانچه این عمل پیش از بلوغ صورت گرفته باشد، موجب حرمت ازدواج مادر و دختروی نخواهد بود

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

کفر

۱. ازدواج زن مسلمان با مرد غیرمسلمان جایز نیست؛ چه به طور موقت چه دائم.[۱]

۲. ازدواج موقت مرد مسلمان با زن‌های اهل کتاب (یهودی، مسیحی و زرتشتی) جایز است؛ امّا ازدواج دائم جایز نیست.[۲]

سه طلاق

اگر مردی زنش را سه مرتبه طلاق دهد و زن در بین آنها با مرد دیگری ازواج نکرده باشد و دوباره شوهرش به او رجوع کرده باشد، یعنی همسرش را طلاق می‌دهد و به او رجوع می‌کند و دو مرتبه او را طلاق می‌دهد و مجدداً به او رجوع می‌کند. بعد از آن برای بار سوم او را طلاق می‌دهد، دیگر نمی‌تواند با او ازدواج کند، مگر آنکه مرد دیگری، (با شرایطی که در بحث طلاق خواهد آمد) با وی ازدواج کند.[۳]

ازدواج با خواهر زن

۱. ازدواج با خواهر زن تا مدتی که خواهرش همسر اوست، حرام است.[۴]

۲. اگر همسر دائم خود را طلاق رجعی بدهد تا زمانی که عده‌اش تمام نشده، نمی‌تواند با خواهرش ازدواج کند.[۵]

۳. اگر همسر دائم خود را طلاق بائن بدهد، احتیاط مستحب است تا زمانی که عده‌اش تمام نشده با خواهرش ازدواج نکند.[۶]

---

۱. تحریر الوسیله؛ ج۲، کتاب نکاح، ص ۲۸۵.

۲. همان. به فتوای برخی از فقها، صابئین نیز اهل کتابند و به فتوای برخی دیگر، ازدواج دائم با زنان اهل کتاب باطل نیست، ولی مکروه است.

۳. تحریر الوسیله؛ ج۲، کتاب نکاح، ص ۲۸٤، م ۱۲.

٤. همان، توضیح المسائل، م ۲۳۹۱

۵ همان، م۲۳۹۱.

٦ همان.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

زوجیت(شوهردار بودن)

اگر انسان بداند زنی شوهر دارد و با او ازدواج کند، باید از او جدا شود و بعداً هم نمی‌تواند او را برای خود عقد کند.[۱]

درعدّه دیگری بودن

حکم ازدواج با زنی که درعدّه دیگری است:

الف ـ زن و مرد یا یکی از آنها بدانند عده تمام نشده و بدانند عقد کردن زن در عده حرام است: آن دو بر هم حرام می‌شوند؛ هر چند آن مرد بعد از عقد با او نزدیکی نکرده باشد.

ب ـ نمی‌دانستند زن در عده بوده و نمی‌دانستند که عقد کردن در عده حرام است:

۱. با او نزدیکی کرده باشد: آن دو بر هم حرام می‌شوند.

۲. نزدیکی نکرده باشند: حرام ابدی نمی‌شود، امّا عقد صحیح نیست. اگر تصمیم به ازدواج داشته باشند، باید پس از عده، مجدداً صیغه نکاح را بخوانند.[۲]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۲۴۰۲.

۲ ـ توضیح المسائل، م ۲۴۰۰ و ۲۴۰۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

پرسش

۱. آیا مرد می‌تواند نصف خانه‌ای راکه درآینده خریداری خواهدکرد به عنوان مهریه قرار دهد. چرا؟

۲. محرمیت و زوجیت هر دو از موانع ازدواجند، تفاوت این دو چیست؟

۳. در چه صورتی زنای با زن موجب حرمت ازدواج با او نمی شود؟

٤. در چه صورتی ازدواج با خواهر زن جایز است؟

۵. در چه صورتی ازدواج با زنی که در عدّه به سر می‌برد، موجب حرمت ابدی می‌شود؟

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۷۸

طلاق

تعریف طلاق

طلاق درلغت به معنای آزادکردن ودراصطلاح فقهی به معنای جدایی زن وشوهر ازیکدیگر، با شرایط آن می‌باشد.

اسلام برای ازدواج، برقراری بنیان خانواده ودوام آن اهمیت بسیارزیادی قائل شده است و برای جلوگیری از طلاق‌های بی‌مورد، سفارش‌های بسیاری درباره دقت در انتخاب همسردرآغازو خوشرفتاری زن و شوهر درطول زندگی کرده است. بعد ازآن مراحل، اگر بر اثر برخی موانع و مشکلات، چاره‌ای جز اجرای طلاق نبود، شرایط سنگینی قرارداده است، تا حتی‌المقدور، طلاق کمترواقع شود وکانون گرم خانواده، با اندک کدورت وناراحتی به هم نخورد.

اختیار طلاق

اختیارطلاق با شوهراست، ولی می‌تواند به شخص دیگری، حتی همسرخود برای ط وکالت دهد؛ مثلاً بگوید: اگر مخارج تو را تأمین نکردم یا به مسافرت طولانی بیش ازیک سال رفتم ازطرف من وکیل هستی که خودت را مطلّقه کنی.[1]

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الطلاق، القول في الصیغه، ص ۳۳۰، م ۵.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

شرایط طلاق

۱ـ مردی که زن خود را طلاق می‌دهد باید:

* عاقل و بنابر احتیاط واجب بالغ باشد؛

* به اختیار خود طلاق دهد و او را بر طلاق مجبور نکرده باشند؛

* قصد طلاق داشته باشد و به شوخی صیغه طلاق را نگوید؛

۲ـ زن، در وقت طلاق باید:

* از حیض و نفاس پاک باشد؛[۱]

* شوهرش در مدتی که از آخرین خون (حیض یا نفاس) پاک شده یا در مدت حیض یا نفاس که پیش از این پاک بود با او آمیزش نکرده باشد؛

* همسر دائمیِ شوهرش باشد؛[۲]

مسأله

در ازدواج موقت طلاق نیست و جدا شدن زن و شوهر به تمام شدن مدت عقد است یا اینکه مرد مدت را به او ببخشد، به این ترتیب که بگوید: مدت را به تو بخشیدم و شاهد گرفتن و پاک بودن از حیض لازم نیست.[۳]

۳ـ صیغه طلاق باید:

* به عربی صحیح خوانده شود؛

* هنگام اجرای آن، دو مرد عادل حاضر باشند و صیغه طلاق را بشنوند؛

۱ـ طلاق در برخی موارد استثنایی، در حال حیض یا نفاس نیز صحیح می‌باشد که در کتاب‌های مفصل فقهی آمده است.

۲ـ توضیح‌المسائل، م ۲۴۹۸ و ۲۴۹۹ و ۲۵۰۸؛ تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الطلاق، ص ۳۲۵، م ۱ و ص ۳۳۱، م ۱۰.

۳ـ همان، القول في النكاح المنقطع، ص ۲۹۱، م ۱۴.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

اقسام طلاق

طلاق بر دو نوع است: رجعی و بائن.

طلاق رِجْعی، آن است که بعد از طلاق تا مدت معینی که زن در عِدّه است مرد می‌تواند به او رجوع کند؛ یعنی بدون خواندن عقد مجدد می‌تواند او را به همسری قبول کند.

طلاق بائن، آن است که بعد از طلاق، مرد حق ندارد بدون خواندن عقد نکاح جدید به او رجوع کند.

در شش صورت اگر زنی را طلاق دهند، بائن است:

۱. زنی که نُه سالش تمام نشده باشد.

۲. زنی که یائسه باشد.

۳. زنی که شوهرش بعد از عقد با او نزدیکی نکرده باشد.

٤. زنی که او را سه مرتبه طلاق داده باشند.

۵. زنی که به ادامه زندگی با شوهر مایل نیست و با بخشیدن مهر خود یا مال دیگر به شوهرش از او تقاضای طلاق می‌کند که به این، طلاق «خُلع» گفته می‌شود.

٦. زنی که به سبب بی‌میلی هر دو طرف به ادامه همسری، طلاق داده می‌شود و زن، مالی به مرد بدهد که او را طلاق بدهد، به این طلاق «مُبارات» گفته می‌شود.[1]

عِدّه طلاق

«عدّه» مدت زمانی است که زن، پس از جدایی از همسر خود، نمی‌تواند شوهر کند.

زنی که طلاق داده شده اگر دارای شرایطی باشد که خواهد آمد، نگه داشتن عدّه بر او واجب است:

---

۱. توضیح المسائل، م ۲۵۲۲ ، ۲۵۲۸ و ۲۵۳۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

- **نُه سالش تمام شده باشد؛**
- **یائسه نباشد؛**
- **شوهرش با او آمیزش کرده باشد.**[۱]

مدت عدّه طلاق

الف: زن باردار تا به دنیا آمدن یا سقط شدن کودک باید صبر کند؛ پس اگر یک ساعت پس از طلاق، بچه به دنیا بیاید، عدّه تمام می‌شود.

ب: اگر باردار نیست ولی حیض می‌بیند تا ابتدای حیض سوم باید عدّه نگه‌دارد، یعنی پس از آنکه دو بار حیض دید و پاک شد، همین‌که حیض سوم را ببیند، عدّه او تمام می‌شود.

ج: اگر نه حامله است و نه یائسه ولی خون حیض نمی‌بیند، باید تا سه ماه صبر کند.[۲]

عدّه وفات

چون عده طلاق به تناسب بحث مطرح شد، بجاست عده زنی که شوهرش از دنیا رفته نیز در اینجا آورده شود.

مدّت عدّه وفات

الف: اگر زن آبستن نیست، چهار ماه و ده روز.

ب: اگر زن آبستن است تا موقع زاییدن، ولی اگر وضع حمل، قبل از چهار ماه و ده روز اتفاق افتاد، باید تا چهار ماه و ده روز پس از وفات شوهر صبر کند.[۳]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۲۵۱۱.

۲ ـ تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الطلاق، فصل في عدّة الفراق، ص ۳۳۵، م ٤ و ٥ ، توضیح المسائل، م ۲۵۱۰ تا ۲۵۱۲ و ۲۵۱٤.

۳ ـ توضیح‌المسائل، م ۲۵۱۷.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

چند مسأله

۱ ـ زنی که در عدّه وفات است این کارها بر او حرام است:

* ازدواج (چه دائم و چه موقت)؛

* پوشیدن لباس‌های رنگارنگ؛

* سرمه کشیدن و هر کاری که زینت حساب شود.[۱]

۲ ـ ابتدای عدّه وفات از موقعی است که زن از مرگ شوهر خود مطلع می‌شود.[۲]

۳ ـ زنی که شوهرش گم شده، اگر بخواهد به دیگری شوهر کند، باید نزد مجتهد عادل برود و به دستور او عمل کند.[۳]

٤ ـ در عده وفات تفاوتی بین زن یائسه و غیریائسه و همسر دائم و موقت نیست و تمام اینها باید پس از مرگ شوهر تا مدّتی که گفته شد عدّه نگه دارند.[۴]

۵ ـ زن یائسه و زنی که شوهرش با او نزدیکی نکرده، عدّه ندارند، مگر عدّه وفات.[۵]

عدّه انقضای عقد موقت

عدّه زنی که مدّت ازدواج موقت او به پایان رسیده یا شوهرش بقیه مدّت را بخشیده به این شرح است:

الف: باردار نیست

- حائض می‌شود: باید دوبار حائض شود و پس از پاک شدن از حیض دوم عدّه‌اش تمام می‌شود.
- حائض نمی‌شود و یائسه هم نیست: باید چهل و پنج روز عدّه نگه دارد.

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۲۵۱۸.

۲ ـ همان، م ۲۵٤۰.

۳ ـ همان، م ۲۵۲۰.

٤ ـ تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الطلاق، القول في عدة الفراق، ص ۳۳۸، م ۱.

۵ ـ همان، ص ۳۳۵، م ۱.

٦ ـ همان، القول في النكاح المنقطع، ص ۲۹۱، م ۱٦ و فصل في عدّة الفراق، ص ۳۳۷، م ۱٤.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

ب: باردار است: پس از به دنیا آمدن یا سقط شدن بچه، عدّه وی تمام می‌شود، ولی چنانچه پیش از چهل و پنج روز یا دیدن دو حیض بچه به دنیا آمد یا سقط شد احتیاط آن است که مدت بیشتر را لحاظ کند و تا آن زمان عدّه نگه دارد.[۱]

پرسش

۱. فرق طلاق رجعی و بائن چیست؟

۲. طلاق مُبارات را توضیح دهید.

۳. عدّه طلاق نسبت به زنی که خون حیض نمی‌بیند چه مدّت است؟

٤. مدّت عدّه وفات چقدر است؟

۵. در ازدواج غیردائم، جدایی زن و شوهر چگونه حاصل می‌شود؟

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۲، فصل في عدّة الفراق، ص ۳۳۵، م ۱.

فصل یازدهم:

قضاوت و شهادت

- قضاوت
- شهادت

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

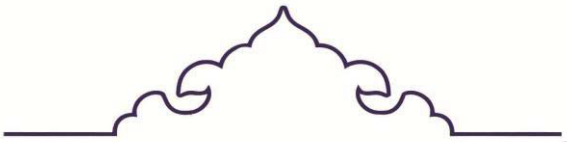

قضاوت و شهادت

﴿اِنَّ اللهَ یأْمُرُکُمْ اَنْ تُؤَدُّواْ الاَمانات اِلَی اَهْلِهَا وَ اِذَا حَکَمْتُمْ بَینَ النّاسِ اَنْ تَحْکُمُوا بِالْعَدْل﴾

خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحب آنها بدهید و چون میان مردم داوری می‌کنید، به عدل حکم دهید.[1]

قضاوت

برقراری قسط وعدل درجامعه، بدون قوانین مدون ومجریان درستکارامکان‌پذیرنیست.

فقه اسلامی برای رفع خصومت‌ها وپایان دادن به نزاع‌ها وبررسی دعاوی ورساندن حقوق ازدست رفته حقداران به آنها، قوانینی دقیق وقابل اجرا دارد وبرای پیاده کردن آن قوانین نیزمجریان عادل ودارای شرایط خاص، تعیین کرده است. دراین بحث به شرایط قاضی وبرخی ازمسائل قضا می‌پردازیم:

---

۱. نساء:۵۸.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

شرایط قاضی

قضاوت، امری بس خطیر و دارای اهمیت بسیار زیادی است. تنها کسانی می‌توانند عهده‌دار این امر مهم شوند که اوصاف و شرایط ویژه‌ای داشته باشند.

شرایط قاضی
- **واجب**
  - عقل و بلوغ
  - ایمان و عدالت
  - اجتهاد مطلق واجب
  - مرد بودن
  - حلال‌زاده بودن
- **بنابراحتیاط واجب**[1]
  - داناترین فرد شهر و حومه آن باشد
  - دارای قدرت حافظه و فراموشکار نبودن

۱ .کسی که شرایط قضاوت را ندارد، قضاوت کردن بر او حرام است.[2]

۲ .کسی که شرایط قضاوت را دارد، اگر هیچ کس نباشد که به این کار بپردازد، بر او واجب عینی است.[3]

۳ .کسی که به خود اطمینان دارد که می‌تواند تکالیف قضاوت را به خوبی انجام دهد، عهده‌دار شدن امر قضاوت برای او مستحب است، ولی اگر به قدر کفایت باشند، به جهت خطرها و تهمت‌هایی که دارد، ترک آن بهتر است.[4]

استفتاء

س .چون بعضی دوستان با توجه به کتاب «تحریرالوسیله» از پذیرفتن پست قضاوت شرعی خودداری می‌کنند، جواب سؤال زیر مورد نیاز است، آیا در قاضی شرع دادگاه‌های

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب القضاء، ص ٤۰۷، م ۱.

۲ .همان، ص ٤۰۵، م ۱.

۳ .همان.

٤ .همان، م ۳.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

انقلاب اسلامی اجتهاد شرط است؟ و یا هر کس که صلاحیت علمی و عملی‌اش احراز شود ولو این‌که مجتهد نباشد می‌تواند متصدّی قضاوت گردد؟

ج .دراین موقع می‌تواند ازطرف مجتهد منصوب شود.[۱]

وظایف قاضی

۱.رعایت مساوات بین طرفین دعوا در سلام کردن، جواب سلام، نشستن، نگاه کردن به آنها، گفتاربا آنها، خوشرویی ومراعات انصاف وعدالت درحکم.

۲ .سؤال کردن ازکسی که ابتدا وارد دادگاه شده است؛ مگراوّلی رضایت دهدکه از دیگری سؤال شود.

۳ .اگرقاضی ازکسی سؤال نکند، هرکدام شروع کرد، به سخنانش توجه می‌شود و اگرهردوبا هم شروع کردند، ابتدا به سخنان کسی که سمت راست طرف دعوا نشسته گوش داده می‌شود.

٤ .اگرمُدّعی عَلیه، کلام مُدّعی[۲] را قطع کند، به گفتارمدّعی علیه توجه نمی‌شود، تا پاسخ جواب مُدّعی را بدهد وبین آنها حکم شود مگربا رضایت مدّعی.

۵ .برای قاضی جایزنیست به یکی ازطرفین دعوا، مطلبی را تلقین کند تا برطرف دیگرغلبه کند؛ مثل اینکه مطلبی را به نحواحتمال ادعا می‌کند، قاضی به اوبگوید: باید ادعای توقطعی باشد تا به آن ترتیب اثرداده شود؛ همچنین جایزنیست شیوه احتجاج وغلبه برطرف مقابل را به یکی ازآنها یاد دهد.[۳]

---

۱ .استفتاآت، ج ۳، ص ٦٨، س ۲۰.

۲ .مدّعی =خواهان، کسی است که امری را علیه دیگری ادعا می‌کند. مدعی علیه (خوانده)، کسی است که امری علیه او از طرف مدّعی ادعا می‌شود و مدعّی به، چیزی است که مدعی در مقام اثبات آن است.

۳ .تحریرالوسیله، ج ۲، القول في وظائف القاضي، ص ٤۰۹.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

شرایط مُدّعی

۱ ـ بالغ و عاقل باشد.

۲ ـ اگر ادعای او مستلزم تصرف در مال است، به جهت سفاهت از تصرف در اموالش ممنوع نشده باشد.

۳ ـ ادعا، مربوط به خودش یا کسی باشد که بر او ولایت یا از او وکالت دارد.

٤ ـ به ادعای خود یقین داشته باشد.

شرایط مُدّعی علیه

۱ ـ موجود باشد؛ پس مدّعی نمی‌تواند چیزی را ادعا کند، بدون اینکه طرف نزاعی وجود داشته باشد.

۲ ـ معلوم باشد که ادعا، علیه چه کسی است.

شرایط دعوا و مدّعی‌به

۱ ـ دعوا مؤثر باشد؛ پس اگر کسی ادعا کند زمین متحرک است و دیگری انکار کند، قابل پیگیری نیست.

۲ ـ مُدّعی به معلوم باشد؛ مثلاً نمی‌تواند بگوید: چیزی از من نزد فلانی است.[۱]

راه‌های ثبوت حق یا جرم

۱ ـ بینه (دو شاهد).

۲ ـ اقرار مُدّعی علیه.

۳ ـ قسم خوردن.

٤ ـ علم قاضی.

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۲، القول في وظائف القاضي، صص ٤۱۰ و ٤۱۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

شرایط شهادت

۱ .شهادت صریح باشد.

۲ .تعداد شهود متناسب با مورد شهادت باشد.

۳ .درصورت تعدّد شهود، همگی حاضرشوند وبا هم شهادت دهند.[۱]

شرایط شهود

بلوغ، عقل، ایمان، عدالت، حلال زادگی، غیرمتهم (شاهد مورد اتهام نباشد)؛ یعنی درموردی که شهادت می‌دهد ذی‌نفع نباشد یا ضرری را از خود دفع نکند.[۲]

شرایط اقرار

۱ .اقرارازروی اختیارباشد.

۲ .درحال مستی، خواب وبیهوشی نباشد.

۳ .صریح باشد.

٤ .متناسب با مورد اقرارتکرارشود.[۳]

شرایط مُقِر

* بلوغ وعقل؛

* حریت (برده نباشد)؛

* اختیار(به اجباراقرارنکرده باشد)؛

* قصد (بدون قصد اقرارنکرده باشد).[۴]

---

۱ .همان، کتاب الحدود، فیما ثبت به الزنا، ص ٤٦١، م ۱۰.

۲ .تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الشهادات، فیما یعتبرفي الشهود، ص ٤۲۱.

۳ .همان، کتاب القضاء، القول في الجواب بالاقرار، ص ٤۱۵.

٤ .همان، ص ٤۱٦.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

شرایط قسم

* با لفظ «الله» یا اسما و صفات خداوند باشد؛ مانند رحمان و خالق.

* خود شخص قسم بخورد؛ یعنی برای قسم خوردن نه وکیل بگیرد و نه نایب معین کند.

* قسم، در مجلس قضاوت باشد.[۱]

* قسم، برای جرائمی نافذ است که حدود الهی برای آنها مقرر نشده باشد، و برای آن گونه جرایم نیاز به اقرار یا بینه است.[۲]

پرسش

۱ـ موارد مشترک شرایط قاضی و مرجع تقلید کدام است؟

۲ـ پذیرفتن منصب قضاوت بر چه کسانی واجب و بر چه کسانی حرام است؟

۳ـ نحوه برخورد قاضی با طرفین دعوا چگونه باید باشد؟

٤ـ مواردی که به ادعای مدّعی ترتیب اثر داده نمی‌شود کدام است؟

٦ـ موارد مشترک شرایط شاهد با مُقرّ چیست؟

۷ـ برای جرایمی که با قسم اثبات می‌شود، چهار مثال بزنید.

۱ـ همان، القول في احکام الحلف، صص ۳۸۵ و ۳۸٦.

۲ـ تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۳۸۷، م ۱۳.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درسنامه فقه

فصل دوازدهم :

حدود، قصاص، دیات و تعزیرات

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۸۰

حدود و تعزیرات

پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«إقامَةُ حَدٍّ خَيرٌ مِنْ مَطَرِ أربَعينَ صَباحا»:

اجرای یکی از حدود، از چهل شبانه روز باران باریدن بهتر است.

در روایات بسیاری از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان معصوم علیهم‌السلام بر اجرای حدود الهی تأکید و آثار اجتماعی زیادی نیز برای آن بیان شده که با اندک دقتی، اهمیت بسیار آن روشن می‌شود.[1]

حدود

حدّ کیفری است که از سوی خداوند برای برخی از جرایم مقرر شده است که حاکم شرع آن را اجرا می‌کند.

در این درس به بیان برخی از گناهانی که دارای حد خاص است، می‌پردازیم.

---

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۳۰۸، کتاب الحدود.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

حدّ برخی از گناهان

شماره	گناه	حدّ
۱	سرقت	در مرتبهٔ اول: قطع کامل چهار انگشت دست راست در مرتبهٔ دوم: قطع پا تا برآمدگی روی پا در مرتبهٔ سوم: حبس ابد در مرتبه چهارم: قتل
۲	نوشیدن مسکرات	هشتاد ضربه شلا
۳	زنا با محارم نسبی یا با زن پدر یا کافر با زن مسلمان و زنای به عنف که زن از خود اختیاری نداشته باشد.	قتل
۴	زنای محصنه (زنای مرد همسردار با زن عاقل بالغ یا زنای زن شوهردار با مرد عاقل و بالغ)	رجم (سنگسار)
۵	زنای غیر محصنه و غیر محرم (نسبی)	صد ضربه شلا
۶	زنای مردی که ازدواج کرده، ولی با همسرش آمیزش نکرده است.	صد ضربه شلاق و تراشیدن سر و تبعید از مح
۷	زنای محصنهٔ پیرمرد با پیرزن	صد ضربه شلاق و سپس رجم
۸	لواط	قتل
۹	سُحْق (همجنس بازی دو زن)	صد ضربه شلاق
۱۰	قیادت (دلالی در زنا یا لواط)	مرد ۳۵ ضربه شلاق و تبعید از محل. زن ۲۵ ضربه شلاق
۱۱	قذف (نسبت زنا یا لواط به دیگری دادن)	هشتاد ضربه شلا

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

شماره	گناه	حدّ
۱۲	تفخیذ (آمیزش بدون ادخال)	اگر هر دو مسلمان باشند، هر کدام صد ضربه شلاق و اگر فاعل کافر باشد، فاعل کشته می‌شود.
۱۳	محاربه (کشیدن سلاح و ترساندن مردم)	قتل
۱۴	ارتداد (کافر شدن زن مسلمان)	چه فطری، چه ملّی: از شوهرش جدا می‌شود، او را زندانی می‌کنند و در اوقات نماز او را می‌زنند و بر او سخت می‌گیرند تا توبه کند و اگر توبه نکرد، تا ابد در حبس می‌ماند.
۱۵	ارتداد (کافر شدن مرد مسلمان)	مرتدّ فِطری: زنش از او جدا می‌شود، اموالش بین ورثه تقسیم می‌گردد، توبهٔ او پذیرفته نمی‌شود و حکم او اعدام است.[۱] مرتدّ ملّی: زنش از او جدا می‌شود، او را توبه می‌دهند و بنابر احتیاط تا سه روز توبه میدهند، اگر توبه نکرد، در روز چهارم کشته می‌شود.[۲]

تعزیرات

تعزیر در لغت به معنای تأدیب است و در اصطلاح فقه، مجازاتی است که از سوی حاکم شرع برای گناه، مشخص و اجرا می‌شود. این مجازات از حدّ کمتر است و در مورد گناهانی است که حدّ ندارد.

---

۱. ممکن است توبه‌اش نزد خداوند پذیرفته شود، ولی از نظر برگشت اموال و همسرش و اجرای حدّ، فایده ندارد.

۲. تحریر الوسیله، ج ۲، صص ٤٦٩ و ٤٧٠، القول فی الارتداد.

ـ مرتدّ فِطری، کسی است که هنگام انعقاد نطفه‌اش، پدر و مادرش یا یکی از آنها مسلمان بوده‌اند و فرزند آنان پس از بلوغ مسلمان و سپس کافر شده است.

ـ مرتدّ ملّی، کسی است که هنگام انعقاد نطفه‌اش، پدر و مادرش هر دو کافر بوده و فرزند تا هنگام بلوغ هم کافر بوده، سپس اسلام آورده و بعد کافر شده است.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

فرق حدّ و تعزیر

۱. حدّ مقدار معین دارد؛ ولی تعزیر مقدار معینی ندارد، مگر در چند مورد؛ مثلاً کسی که آشکارا روزه‌خواری کند، ۲۵ ضربه شلاق دارد.

۲. تعزیر تابع مفسده است، اگر چه کار او معصیت نباشد، مانند تعزیر طفل یا دیوانه. امّا حدّ مجازاتی است که بر خودِ گناه است.

۳. توبه از گناهی که موجب تعزیر است، پذیرفته می‌شود، امّا در برخی از حدود توبه پذیرفته نمی‌شود.

۴. حدّ، حق الله است، اما تعزیر منحصر به حق الله نیست، مثلاً کسی که سدّ معبر کند، حاکم می‌تواند او را تعزیر کند.

۵. در تعزیر، بنده و آزاد، مساوی هستند، ولی در حدّ چنین نیست.

هر گناهی ممکن است موجب تعزیر باشد، ولی تعیین گناه و مشخص کردن مقدار تعزیر ـ در مواردی که مقدار مشخص ندارد ـ با حاکم شرع است و او مقدار آن را طبق مصالحی که تشخیص می‌دهد، تعیین می‌کند.

پرسش

۱. بالاترین و پایین‌ترین مقدار حدّ چیست و برای چه گناهانی است؟

۲. اگر دختری که در یک خانواده مسلمان بزرگ شده، مرتد شود، مجازاتش چیست؟

۳. در چه مواردی حدّی که برای مرد مشخص شده، شدیدتر از زن است؟

۴. حدّ چه گناهانی صد ضربه شلاق است؟

۵. در چه مواردی حدّ گناه مرد و زن تفاوت دارد؟

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۸۱

قصاص و دیات

قصاص

قصاص مجازات از سوی کسی است که مورد جنایت واقع شده یا از سوی ورثهٔ او، با اجازهٔ حاکم شرع، علیه مُجرم اعمال می‌شود.

انواع قصاص:
۱. قصاص نفس ← برای کشتن عمدی دیگران (قتل عمد).
۲. قصاص عضو ← خساراتی که به عضوی از اعضای بدن وارد می‌شود.

اقسام قتل:
۱. عمد: قصاص دارد؛ یعنی او را می‌کشند.
۲. شبه عمد: قصاص ندارد.
۳. خطا: قصاص ندارد.

شرایط قصاص نفس

- تساوی در دین؛ پس مسلمان را برای قتل کافر نمی‌کشند؛
- تساوی در حرّیت و بندگی؛ هر دو آزاد یا هر دو برده باشند یا قاتل برده باشد؛
- قاتل، پدر مقتول نباشد؛ پدری اگر فرزند خود را بکشد، پدر قصاص نمی‌شود؛
- قاتل و مقتول عاقل باشند؛ اگر عاقل، دیوانه‌ای را کشته باشد، قصاص نمی‌شود؛

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

- قاتل، بالغ باشد؛ اگر کودکی، دیگری را بکشد، او را قصاص نمی‌کنند؛
- مقتول، مهدورالدم نباشد؛ مثلاً به پیامبر ﷺ دشنام نداده باشد.[۱]

چگونگی قصاص نفس

هنگامی که قاتل بودن شخصی نزد حاکم ثابت شد، از ورثهٔ مقتول خواسته می‌شود که قاتل را عفو یا قصاص کنند. اگر راضی به عفو نشدند، می‌توانند قاتل را بکشند. ولی اگر مقتول زن و قاتل مرد باشد، در صورت قصاص، ورثه مقتول باید نصف دیهٔ مرد را به ورثهٔ قاتل بپردازند؛ چون دیهٔ مرد دو برابر دیهٔ زن است. اگر قاتلان متعدد باشند و بخواهند همه را قصاص کنند، باید دیهٔ افراد اضافه بر مقتول را به ورثه قاتلان بپردازند.[۲]

شرایط قصاص عضو

۱. تساوی در دین؛
۲. تساوی در حرّیت و بندگی؛
۳. تساوی در عقل (هردو عاقل باشند)؛
۴. تساوی در سلامت، عضو سالم در مقابل عضو معیوب قصاص نمی‌شود ولی عضو معیوب در مقابل عضو سالم قصاص می‌شود؛
۵. جنایتکار بالغ باشد؛
۶. جانی، پدر مَجنی علیه نباشد.

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۲، صص ۴۹۳ و ۴۹۷، القول في الشرائط المعتبرة في القصاص.
۲. همان، صص ۵۰۷ و ۵۱۳، القول في كيفية الاستيفاء.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

همچنین در قصاص اعضا این امور نیز باید رعایت شود:

- تساوی در طول و عرض و عمق در جراحات برای قصاص جراحات؛ یعنی باید قصاص از نظر طول و عرض و عمق با جنایت مساوی باشد.
- تساوی اعضا در محل (دست راست برای دست راست، و دست چپ برای دست چپ).
- تساوی در ابزار جنایت (وسیله‌ای که با آن جنایت کرده است).
- اگر محکوم به قصاص، زنِ حامله باشد، تا زمانی که حامله است، قصاص نمی‌شود.
- گرمی و سردی هوا موجب سرایت زخم یا موجب آزاری اضافه بر قصاص نشود؛ مثلاً هوا به قدری سرد نباشد که هنگام قصاص یخ بزند یا سرما بخورد.[1]

مسأله:

در قصاصِ اعضا، زن و مرد با هم مساویند؛ امّا اگر جانی مرد باشد و عضوی که قصاص می‌کنند، از اعضایی باشد که یک سوم دیه آن از دیه کشتن بیشتر است، تفاوت دیه را باید بپردازند؛ چون در دیهٔ اعضا، زن و مرد تا یک سوم دیه کشتن مساوی هستند و بیشتر از آن، دیه زن نصف دیه مرد است.[2]

۱. تحریرالوسیله، ج ۲، صص ۵۱۳ و ۵۲٤، في قصاص مادون النفس.
۲. همان، ص ۵۳۱، م ۲۷ و ص ۵۹٦، م ۷.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

دیات

دیه خون‌بهای جنایت است که جانی باید به ورثهٔ مقتول یا به مَجنی علیه بپردازد.

موجبات دیه

اعمالی که سبب پرداخت دیه می‌شود:

- **قتل؛**
- **نقص عضو؛**
- **جراحت.**

دیهٔ قتل

۱. در قتل عمد، ورثهٔ مقتول با شرایطی که گذشت، می‌توانند عفو یا قصاص کنند یا دیه بگیرند؛ ولی در دو قسم (قتلِ شِبْهِ عمد و خطا) دیگر حق قصاص ندارند، بلکه می‌توانند عفو کنند یا دیه بگیرند.[۱]

دیهٔ قتل

- ۱۰۰ شتر
- ۲۰۰ گاو
- ۱۰۰۰ گوسفند
- ۲۰۰ حُلّه
- ۱۰۰۰ دینار
- ۱۰۰۰۰ درهم

پرداخت کنندهٔ دیه در انتخاب یکی از اینها مخیّر است.[۲]

۱. دیهٔ قتل عمد و شبه عمد، بر عهدهٔ قاتل است و دیهٔ قتل خطا بر عهدهٔ عاقلهٔ قاتل.

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۵۰۷، م ۱.
۲. همان، صص ۵۲۶ و ۵۲۸، م ۱ و م ۱۳.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

عاقله یعنی برادران و خواهران قاتل، فرزندانشان و عمو و عمه‌های او، و فرزندانشان که از طریق پدر و مادر یا پدر با قاتل نسبت داشته باشند، ولی بستگان مادری وی را شامل نمی‌شود.[۱]

۲. خون‌بهای زن، نصف موارد ذکرشده است، یعنی نصف دیهٔ مرد.[۲]

۳. در قتل عمد و خطا، کفاره بر قاتل هم واجب می‌شود که بحث آن گذشت.[۳]

دیهٔ سقط جنین

اگر کسی کاری کند که زن، جنین خود را سقط کند، دیهٔ آن بدین شرح است:

* نطفه: ۲۰ مثقال طلا؛

*علقه (خون بسته): ۴۰ مثقال؛

* مضغه (پاره گوشت): ۶۰ مثقال؛

* استخوان گوشت‌دار بدون روح: ۱۰۰ مثقال؛

* روح دمیده باشد: ۱. پسر: ۱۰۰۰ مثقال؛ ۲. دختر: ۵۰۰ مثقال.

در تمام موارد فوق، مثقال شرعی ملاک است که تقریبا چهار پنجم مثقال بازاری است و طلای سکه‌دار باید محاسبه شود.

دیهٔ سقط جنین، برعهدهٔ کسی است که جنین را اسقاط کرده، چه پزشک باشد و چه غیر او.

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۲، صص ۵۲۷ و ۵۳۰، م ۱۲ و ۱۵ و ۲۲ و ص ۵۷۰، الثاني من اللواحق في العاقله.
۲. همان، ص ۵۳۱، م ۲۶.
۳. همان، ص ۱۱۹، کتاب الکفارات.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

و اگر زن خودش کاری کند که بچه‌اش سقط شود، مطابق آنچه گفته شده، باید دیهٔ آن را به وارث طفل بدهد.[۱]

دیهٔ اعضا

هر یک از اعضای بدن مانند دست و پا و حواس پنج‌گانه نیز دیه خاصی دارد که در کتاب‌های مفصل فقهی آمده است. در اینجا تنها به بیان اعضایی که دیه آنها دیهٔ قتل است، اکتفا می‌کنیم.

برخی از اعضای بدن که دیه آنها دیه قتل است:

- کور کردن هر دو چشم؛
- بریدن هر دو بینی، یا از کار انداختن آنها؛
- بریدن هر دو گوش، یا از کار انداختن آنها؛
- بریدن هر دو لب؛
- قطع زبان سالم؛
- از بین بردن تمام دندان‌ها؛
- شکستن گردن به طوری که خم شود و قدّ او کوتاه شود (بنابر احتیاط واجب)؛
- از بین بردن هر دو دست؛
- از بین بردن انگشتان هر دو دست یا انگشتان هر دو پا؛
- شکستن پشت؛
- قطع نخاع؛
- قطع پاها؛
- شکستن ترقوه (دو استخوان بالای سینه در زیر گردن)؛

۱. تحریرالوسیله، ج ۲، صص ۵۶۸ و ۵۶۹.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

- شکستن کمر؛
- کندن موی سر یا ریش به گونه‌ای که دیگر نروید؛
- بنابر احتیاط واجب در کندن موی تمام مژه هر دو چشم، اگر دیگر نروید.[۱]

حکم کلّی

دیهٔ اعضای اصلی بدن انسان که جفت باشد، دیهٔ کامل است و اگر یکی از آنها آسیب ببیند، نصف دیهٔ کامل است؛ به جز دو بیضه که در مقدار دیهٔ آن اختلاف است.[۲]

پرسش

۱. تفاوت قتل شبه عمد با خطا چیست؟ برای هرکدام مثالی بزنید.

۲. اگر دو مرد در قتل یک زن مشارکت داشته باشند و ورثهٔ مقتول درخواست قصاص کند، تکلیف چیست؟

۳. اگر دیوانه‌ای دو نفر را بکشد یا عاقلی دو دیوانه را بکشد و ورثهٔ مقتول درخواست قصاص کنند، تکلیف چیست؟

۴. لزوم تساوی اعضا برای قصاص، در چه چیزهایی است؟

۵. اگر کسی در تصادف وسایل نقلیه کشته شود، دیهٔ او چه مقدار است؟

۶. دیهٔ کدام یک از اعضای غیر جفت بدن، مثل دیه قتل است؟

---

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۴۱ و ۵۵۸، المقصد الاول في دية الأعضاء.
۲. همان.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درسنامه فقه

فصل سیزدهم :

احکام اموات

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۸۲

احکام اموات (۱)

احکام محتضر[۱]

محتضر به کسی گویند که در حال جان دادن باشد.

وظیفهٔ دیگران در برابر مُحتضر

واجب است حاضران محتضر را به پشت طوری بخوابانند که کف پاهای او به سوی قبله باشد.

مستحبات

- شهادتین و اقرار به دوازده امام علیهم‌السلام و سایر عقاید حقّه را برای او طوری بخوانند که بفهمد.
- آنچه گفته شد، تا وقت مرگ تکرار شود.
- کسی که سخت جان می‌دهد، اگر ناراحت نمی‌شود، او را به جایی که نماز می‌خوانده ببرند.

---

۱ بسیاری از مطالب این درس و درس بعدی را می‌توان به مطالعه شاگردان واگذار کرد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

- برای راحت شدن وی، بر بالین او سوره‌های «یس»، «صافات»، «احزاب»، «آیةالکرسی»، آیه ۵۴ سورهٔ اعراف: «إنَّ ربَّکم‌الله...»، سه آیه آخر سورهٔ بقره و هرچه از قرآن ممکن است، بخوانند.
- دعاهایی را که در این مورد وارد شده، برای او بخوانند.

مکروهات

- تنها گذاشتن او؛
- گذاشتن چیز سنگین بر شکم او؛
- حضور شخص جنب و زن حائض نزد او؛
- زیاد حرف زدن نزد او؛
- گریه کردن نزد او؛
- تنها گذاشتن زنان نزد او.[1]

مستحبات پس از مرگ

- دهان و چشمان میت را برهم بگذارند که باز نماند؛
- چانه او را ببندند؛
- دست و پای او را دراز کنند؛
- پارچه‌ای روی او بیندازند؛
- اگر در شب مرده، در محل وفات او چراغ روشن کنند؛
- برای تشییع جنازهٔ او مؤمنان را خبر کنند؛
- در دفن او عجله کنند، ولی اگر یقین به مردن او ندارند، باید صبر کنند تا معلوم شود؛

۱. توضیح المسائل، م ۵۳۳ و ۵۴۰.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

● اگر میت حامله باشد و جنین در شکم او زنده باشد، باید به قدری دفن را تأخیر اندازند تا با عمل جراحی جنین را بیرون آورند و بدن مادر را بدوزند.[۱]

واجبات پس از مرگ

۱. اگر زن یا مرد مسلمان دوازده امامی از دنیا برود، این کارها را باید برای او انجام داد:

● غسل؛

● حنوط؛

● کفن؛

● نماز؛

● دفن.

۲. اگر بچه‌ای از دنیا برود، حتی اگر کودک سقط شده‌ای که چهار ماه یا بیشتر دارد و پدر و مادر او یا یکی از آنها مسلمان دوازده امامی باشند، باید همین کارها را برایش انجام دهند، ولی نماز خواندن بر بچه‌ای که شش سالش تمام نشده واجب نیست.[۲]

۳. اگر جنین سقط شده کمتر از چهار ماه داشته باشد، غسل و کفن و حنوط و نماز او واجب نیست، بلکه باید آن را در پارچه‌ای بپیچند و دفن کنند.[۳]

غسل میّت

۱. واجب است میت را با سه آب غسل بدهند:

الف. با آبی که با سدر مخلوط باشد؛

---

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۸۶ ، م ۷؛ توضیح المسائل، م ۵۴۱.

۲. توضیح المسائل، م ۵۴۲ و ۵۵۷ و ۵۵۸ و ۵۸۵. به فتوای برخی از فقها، این اعمال برای میّت مسلمان واجب است.

۳. همان، م ۵۵۸.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

ب. با آبی که با کافور مخلوط باشد؛

ج. با آب خالص.[۱]

۲. کیفیت غسل میت با سایر غسل‌ها تفاوتی ـ به جز در نیت ـ ندارد و احتیاط واجب است که تا غسل ترتیبی ممکن است، میت را غسل ارتماسی ندهند.[۲]

۳. سدر و کافور نباید به اندازه‌ای زیاد باشد که آب را مضاف کند و به اندازه‌ای هم کم نباشد که نگویند سدر و کافور با آب مخلوط شده است.[۳]

۴. اگر سدر و کافور یا یکی از اینها پیدا نشود، باید به جای هر کدام که ممکن نیست، میت را با آب خالص غسل بدهند.[۴]

۵. برای غسل، کفن، نماز و دفن میت، باید از ولی او اجازه گرفت.[۵]

۶. ولیّ زن که در غسل و کفن و دفن او دخالت می‌کند، شوهر اوست و پس از او مردهایی که از میت ارث می‌برند، مقدم بر زن‌های ایشانند و هر کدام که در ارث بردن مقدم هستند، در این امر نیز مقدمند.[۶]

۷. شرایط کسی که میت را غسل می‌دهد:

- مسلمان دوازده امامی باشد.
- مسائل غسل را بداند.
- عاقل باشد.

---

۱. توضیح المسائل، م ۵۵۰.
۲. همان، م ۵۶۵.
۳. همان، م ۵۵۱.
۴. همان، م ۵۵۴.
۵. همان، م ۵۴۲.
۶. همان، م ۵۴۷.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

- بنابر احتیاط واجب بالغ باشد.
- اگر میت مرد است، مرد او را غسل دهد و اگر زن است، زن او را غسل دهد.[۱]

۸. زن می‌تواند شوهر خود را غسل دهد، شوهر هم می‌تواند زن خود را غسل دهد، اگرچه احتیاط مستحب آن است که یکدیگر را غسل ندهند.[۲]

۹. مرد می‌تواند دختر بچه‌ای را که بیش از سه سال ندارد، غسل دهد. زن هم می‌تواند پسر بچه‌ای را که سه سال بیشتر ندارد، غسل دهد.[۳]

۱۰. نگاه کردن به عورت میت، حرام است و اگر غسل دهنده نگاه کند، معصیت کرده؛ ولی غسل باطل نمی‌شود.[۴]

۱۱. برای غسل دادن میت مزد گرفتن جایز نیست، ولی مزد گرفتن برای کارهای مقدماتی غسل، حرام نیست.[۵]

□ ۱۲. اگر آب نباشد یا استعمال آن مانعی داشته باشد، باید عوض سه غسل، سه بار میت را تیمم دهند.[۶]

---

۱. توضیح المسائل، م ۵۴۲و ۵۵۷ و ۵۵۸. به فتوای برخی از فقها، کسی که میت را غسل می‌دهد، مسلمان باشد، کافی است.

۲. همان، م ۵۵۹.

۳. همان، م ۵۶۰.

۴. همان، م ۵۶۳.

۵. همان، م ۵۶۷.

۶. توضیح المسائل ، م ۵۶۸. به فتوای برخی از فقها، بنابر احتیاط واجب یک تیمم دیگر نیز عوض هر سه غسل انجام بدهد؛ یعنی چهار تیمم و اگر کسی که تیمم می‌دهد در یکی از همان سه تیمم قصد ما فی‌الذمّه کند؛ یعنی نیت کند این تیمم را برای آنکه به تکلیف عمل شده باشد انجام می‌دهم، تیمم چهارم لازم نیست.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

غسل مسّ میت

۱ ـ اگر کسی جایی از بدن خود را به بدن انسان مرده‌ای که سرد شده و غسلش نداده‌اند برساند، باید غسل مَسّ میت کند.[۱]

۲ ـ در موارد ذیل مسّ بدن مرده سبب غسل نیست:

- رزمنده‌ای که در میدان نبرد به شهادت رسیده است، در صورتی که در میدان جان دهد.
- مرده‌ای که بدنش گرم است و هنوز سرد نشده است.
- مرده‌ای که غسلش داده‌اند (سه غسل او تمام شده است).[۲]

۳ ـ اگر چند میت را مسّ کند یا یک میت را چند بار مسّ کند، یک غسل کافی است.[۳]

□ ٤ ـ برای کسی که بعد از مس میت غسل نکرده است، توقف در مسجد و خواندن سوره‌هایی که سجده واجب دارد مانعی ندارد ولی برای نماز و مانند آن باید غسل کند و وضو بگیرد.[۴]

کیفیت تیمم دادن میت

برای تیمم دادن، اگر ممکن است، دست میت را بر زمین می‌زنند و بر پیشانی و دستهایش می‌کشند و احتیاط مستحب است که یک بار هم، تیمم دهنده دست‌های خودش را بر زمین بزند و بر پیشانی و دست‌های میت بکشد. و اگر تیمم دادن میت با دست خودش ممکن نباشد، تیمم دهنده دست‌های خود را بر زمین می‌زند و او را تیمم می‌دهد.[۵]

---

۱ ـ همان ، م ۵۲۱.

۲ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، فصل في غسل المیّت، ص ٦۳؛ توضیح المسائل، م ۵۲۲ و ۵۲٦ و استفتاآت، ص ۱۷۹.

۳ ـ توضیح المسائل، م ۵۳۱.

٤ ـ همان، م ۵۳۲. به فتوای برخی از فقها، با غسل مسّ میّت بدون وضو می‌توان نماز خواند.

۵. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۹۵، م ۱۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

حَنوط

□ ۱. پس از غسل، واجب است میت را حنوط کنند؛ یعنی به پیشانی و کف دست‌ها و سرزانوها و سر دوانگشت بزرگ پاهای او کافور بمالند.

۲. مستحب است بر نوک بینی میت هم کافور بمالند.

۳. کافور باید ساییده و تازه باشد و اگر به سبب کهنگی بوی آن از بین رفته باشد، کافی نیست.[۱]

کفن میّت

مقدار لازم کفن میّت:

۱. لُنگ؛ که باید بدن را از ناف تا زانو بپوشاند و بهتر است از سینه تا روی پا برسد.

۲. پیراهن؛ بنابر احتیاط واجب باید از سر شانه تا نصف ساق پا، تمام بدن را بپوشاند.

۳. سرتاسری؛ باید درازی آن به قدری باشد که بستن دو سر آن ـ از طرف سر و پای میت ـ ممکن باشد و پهنای آن باید به اندازه‌ای باشد که یک طرف آن روی طرف دیگر بیاید.[۲]

شرایط کفن میّت

- بنابر احتیاط واجب به قدری نازک نباشد که بدن میت از زیر آن پیدا باشد؛
- مباح باشد، اگر پارچهٔ مباحی پیدا نشود، کفن کردن میت با پارچهٔ غصبی جایز نیست؛

---

۱. توضیح المسائل؛ م ۵۸۵، به فتوای برخی از فقها، ابتدا باید کافور را بر پیشانی بمالند و در بقیهٔ اعضا ترتیب شرط نیست.

۲. توضیح المسائل، م ۵۷۰ و ۵۷۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

- پاک باشد؛
- از پوست مردار نباشد؛
- از اجزاء حیوان حرام‌گوشت نباشد؛
- پارچهٔ ابریشمی خالص نباشد؛
- بنابر احتیاط واجب پارچهٔ طلابافت نیز نباشد.

تمام این شرایط، جز مباح بودن کفن، در حال اختیار است و در حال ناچاری مراعات آنها واجب نیست، مگر کفن غصبی که در حال اضطرار نیز جایز نیست.[1]

نماز بر میّت

پس از غسل و حنوط و کفن کردن میت، باید بر او نماز بخوانند و سپس او را دفن کنند. کیفیت و احکام نماز میت در درس ۳۶ گذشت.

پرسش

۱. انجام دادن چه کارهایی برای حاضران نزد محتضر و میت واجب است؟
۲. غسل میت بر چه کسانی واجب نیست و بر چه کسانی حرام است؟
۳. چه کسی را باید یک بار با آب سدر و دو بار با آب خالص غسل داد؟
۴. در چه مواردی مرد می‌تواند زن را غسل دهد؟
۵. شرایط مشترک لباس نمازگزار و کفن میت کدام است؟

---

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، صص ۷۲ و ۷۴، القول في تکفین المیت؛ توضیح المسائل، م ۵۷۸ و ۵۸۱.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

درس ۸۳

احکام اموات (۲)

تشییع جنازه و آداب آن

تشییع جنازهٔ مؤمن، مستحب است و ثواب بسیار دارد. تشییع جنازه آدابی دارد که برخی از آنها را در اینجا می‌آوریم:

مستحبات

۱. هنگام حمل جنازه بگویند: «بسم اللّه و باللّه وصلّی اللّه عَلی محمدٍ وَآلِ محمدٍ، اللّهُمَ اغْفِرْ لِلْمُؤمنینَ وَالْمُؤمناتِ»؛

۲. جنازه را بر شانهٔ خود حمل کنند، نه بر حیوان و ماشین و امثال آن، مگر آنکه عذری مانند دوری مسافت وجود داشته باشد؛

۳. با خشوع و تفکر باشند؛

۴. پیاده بروند، سواره رفتن مکروه است، مگر با عذر؛ ولی در بازگشت مکروه نیست؛

۵. دو طرف جنازه یا پشت سر آن حرکت کنند و پشت سر جنازه افضل است.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

مکروهات

۱. خندیدن و بازی کردن و سخن بیهوده گفتن؛

۲. تند رفتن، به خصوص دویدن، بلکه بهتر، حدّ وسط در حرکت است؛

۳. بهتر است که زنان جوان در تشییع جنازه شرکت نکنند.[۱]

وظایف صاحبان عزا

۱. مستحب است انسان در مرگ خویشان، به خصوص در مرگ فرزند صبر کند؛

۲. مستحب است در تشییع جنازه، پابرهنه باشد و ردا را بردارد یا به گونه‌ای دیگر که مناسب مصیبت دیده باشد، تا بین دیگران شناخته شود؛

۳. مستحب است هر وقت به یاد میت می‌افتد، بگوید: ﴿إنّاللهِ وإنّا إلیهِ راجِعُون﴾؛

۴. مستحب است برای میت، قرآن بخوانند و سر قبر پدر و مادر از خداوند حاجت بخواهند؛

۵. پس از رفتن کسانی که تشییع جنازه کرده‌اند، مستحب است ولی میت یا کسی که از طرف ولیّ اجازه دارد، دعاهایی را که دستور داده شده، به میت تلقین کند؛

۶. احتیاط واجب است در گریه بر میت، صدا را خیلی بلند نکنند؛

۷. پاره کردن یقه در مرگ غیر پدر و برادر جایز نیست؛

۸. اگر مرد در مرگ زن یا فرزند یقه یا لباس خود را پاره کند یا زن در عزای میت، صورت خود را بخراشد، به طوری که خون بیاید یا موی خود را بکند، کفّاره[۲] بر او واجب می‌شود؛[۳]

---

۱. تحریر الوسیله؛ ج ۱، صص ۷۶ و ۷۸، القول في تشییع الجنازة.

۲. کفاره آن در درس ۵۵ گذشت.

۳. تحریر الوسیله؛ ج ۱، ص ۷۷، القول في تشییع الجنازة؛ توضیح المسائل، م ۶۳۱ و ۶۳۵ و ۶۳۶.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

کیفیّت دفن میّت

۱. میت را باید طوری دفن کنند که بوی آن بیرون نیاید و درندگان هم نتوانند بدنش را بیرون آورند؛

۲. میت را باید در قبر به پهلوی راست، رو به قبله بخوابانند؛

۳. اگر دفن میت، در زمین ممکن نباشد، می‌توانند به جای دفن، آن را در بنا یا تابوت بگذارند؛

□ ۴. اگر کسی در کشتی بمیرد، چنانچه جسد فاسد نمی‌شود و بودن آن در کشتی مانعی ندارد، باید صبر کنند تا به خشکی برسند و آن را در زمین دفن کنند. وگرنه باید در کشتی غسلش دهند و حنوط و کفن کنند و پس از نماز بر او، چیز سنگینی به پایش ببندند و به دریا بیندازند یا او را در خمره بگذارند و درش را ببندند و به دریا بیندازند و اگر ممکن است باید آن را در جایی رها کنند که فوراً طعمهٔ حیوانات نشود؛

۵. اگر کسی در چاه بمیرد و بیرون آوردنش ممکن نباشد، باید درِ چاه را ببندند و همان چاه را قبر او قرار دهند و اگر چاه از خود او نیست، صاحب چاه را راضی کنند.[۱]

مکان‌هایی که دفن میت در آنها جایز نیست:

- دفن مسلمان در قبرستان کفار و دفن کافر در قبرستان مسلمانان؛
- دفن مسلمان در جایی که بی‌احترامی به او باشد؛ مثلاً در محل زباله و خاکروبه؛
- در مکان غصبی؛
- در مسجد و مکانی که برای غیر دفن وقف شده است؛
- در قبر مردهٔ دیگری که سبب نبش قبر شود.[۲]

---

۱. توضیح المسائل، م ۶۱۳ و ۶۱۶ و ۶۲۵. به فتوای برخی از فقها، کسی که در کشتی بمیرد لازم نیست او را در خمره بگذارند؛ بلکه در هر چیزی که حیوان‌های دریایی نتوانند به بدن او دست یابند بگذارند و در آن را محکم ببندند و در دریا رها کنند.

۲. همان، م ۶۲۰ و ۶۲۳.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

آداب دفن

آنچه در حفر و بنای قبر و محل آن مستحب است:

۱. قبر را به اندازه قد انسان متوسط گود کنند؛

۲. در زمین‌های سخت برای قبر، لَحَد در آورند، یعنی حفره‌ای به اندازهٔ جسد در دیوار قبر، در سمت قبله درآورند؛

۳. قبر را مربع یا مستطیل بسازند؛

۴. به اندازهٔ چهار انگشت، قبر را از زمین بالا آورند؛

۵. قبر را محکم بسازند که زود خراب نشود؛

۶. نشانه‌ای روی قبر بگذارند که اشتباه نشود؛

۷. اسم میت را بر سنگی یا لوحی بنویسند و بالای سر او روی قبر بگذارند؛

۸. میت را در نزدیک‌ترین قبرستان دفن کنند، مگر آنکه قبرستانِ دورتر، از جهتی بهتر باشد؛ مثل آنکه مردمان خوب در آنجا دفن شده باشند یا مردم برای فاتحه اهل قبور، بیشتر به آنجا بروند؛

۹. اقوام و خویشان را نزدیک هم دفن کنند.[1]

مستحبات دفن

۱. جنازه را در چند قدمی قبر بر زمین بگذارند و تا سه مرتبه کم کم ببرند و در هر مرتبه زمین بگذارند و بردارند و در نوبت چهارم وارد قبر کنند؛

۲. اگر میت مرد است، در دفعهٔ سوم طوری آن را بر زمین بگذارند که سر او به طرف

---

۱. تحریر الوسیله؛ ج ۱، صص ۸۷ ـ ۹۰ ، القول في مستحبات الدفن ومكروهاته؛ العروة الوثقى؛ صص ۲۲۲ ـ ۲۲۸ ، فصل في المستحبات قبل الدفن وحينه وبعده.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

پایین قبر باشد و در دفعهٔ چهارم آن را از طرف سر وارد قبر کنند. اگر میت زن است، در دفعهٔ سوم، آن را به سمت قبلهٔ قبر بگذارند و به پهنا وارد قبر کنند. در موقع وارد کردن جنازه، پارچه‌ای روی قبر بگیرند؛

۳. جنازه را به آرامی از تابوت بردارند و وارد قبر کنند؛

۴. بعد از گذاردن میت در لحد، گره‌های کفن را باز کنند و صورت میت را روی خاک بگذارند و بالشی از خاک زیر سر او درست کنند و پشت میت خشت خام یا کلوخی بگذارند که میت به پشت برنگردد؛

۵. غیر از خویشانِ میت، کسانی که حاضرند، با پشتِ دست، خاک بر قبر بریزند و بگویند: ﴿إنّالله و إنّا إلیهِ راجِعُون﴾؛

۶. دو چوبِ تر ـ که بهتر است از چوب نخل باشد ـ همراه میت در قبر بگذارند و یکی را در سمت راست و دیگری را سمت چپ وی قرار دهند؛

۷. دعاهایی را که برای دفن میت وارد شده است، بخوانند و عقاید حق را نیز به وی تلقین کنند؛[1]

۸. بر کسی که میت را در قبر می‌گذارد، چند چیز مستحب است:

- با طهارت، سر برهنه و پا برهنه باشد؛
- از طرف پای میت از قبر بیرون بیاید؛
- اگر میت زن است، شوهر یا یکی از محرمانش او را در قبر بگذارد و بند کفنش را باز کند.[2]

---

۱. تحریر الوسیله؛ ج ۱، ص ۷۶، القول في الجریدتین؛ توضیح المسائل؛ م ۶۲۸ و ۶۲۹.
۲. همان، ص ۸۷، القول في مستحبات الدفن و مکروهاته.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

احکام شهید

۱. کسی که به امر معصوم علیه‌السلام یا نایب او به جبههٔ جهاد برود و در میدان نبرد کشته شود، شهید است و غسل و حنوط و کفن از او ساقط است، بلکه با لباس خودش دفن می‌شود؛

۲. این حکم اختصاص به شهیدی دارد که در معرکه جان داده باشد، ولی در میدان نبرد مجروح شود و پشت جبهه به شهادت برسد، غسل و حنوط و کفن از او ساقط نیست؛

۳. اگر بر تن شهید، لباس نباشد، باید او را کفن کنند؛[1]

دو مسأله

۱. بعد از دفن مستحب است صاحبان عزا را سر سلامتی دهند، ولی اگر مدتی گذشته است که با این کار، مصیبت یادشان می‌آید، ترک آن بهتر است؛

۲. مستحب است پس از دفن تا سه روز برای اهل خانه میت غذا بفرستند و غذا خوردن نزد آنان و در منزلشان مکروه است؛[2]

مخارج کفن و دفن

۱. اگر میت برای این مخارج وصیتی کرده باشد، با در نظر گرفتن شرایط وصیت، مطابق آن عمل می‌شود.

اگر میت وصیتی ندارد:

- چنانچه میت، زنی است که شوهردار است، کفن و سایر مخارج تجهیز او بر عهدهٔ شوهر است؛ هرچند آن زن از خودش مالی داشته است؛

---

۱. تحریرالوسیله، ج۱، ص ٦٦، م ۱؛ استفتاآت، ج ۱، صص ۷۹ و ۸۳.

۲. توضیح المسائل، م ٦٣٢.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

- اگر میت غیر زوجه است، کفن و سدر و کافور و قیمت زمین برای دفن (اگر برای زمین دفن پول گرفته می‌شود) و مزد حمّال و قبر کن و سایر مخارج تجهیز میت از اموال میت برداشته می‌شود؛[1]

۲. کفن کردن میت واجب است، نه دادن کفن؛ اگر چه آن هم مستحب است؛[2]

نبش قبر

۱. نبش قبر مسلمان، یعنی شکافتن قبر او به حدّی که جسد پیدا شود، اگر چه طفل یا دیوانه باشد، حرام است، مگر در این موارد:

- میت بدون غسل دفن شده باشد یا غسلش باطل بوده؛
- میت بدون کفن دفن شده باشد یا به غیر دستور شرع کفن شده باشد؛
- او را رو به قبله نگذاشته باشند. شکافتن قبر در موارد فوق اگر موجب بی‌احترامی به میت نشود، جایز است؛
- میت در زمین غصبی دفن شده باشد و مالک زمین راضی نشود؛
- کفن یا چیز دیگری که با میت دفن شده غصبی باشد و صاحب آن راضی نشود که در قبر بماند؛
- چیزی از مال خود میت که به ورثه رسیده، با او دفن شده باشد و ورثه راضی نشوند که در قبر بماند، مگر چیز مختصری که ماندن آن در قبر اجحاف به ورثه نباشد که در این صورت احتیاط واجب است که نبش قبر نکنند؛
- برای ثابت شدن حقّی، بخواهند بدن میت را ببینند؛

---

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، صص ۷۳ و ۷۴، م ۴ و ۵.
۲. همان، ص ۷۲.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

- میت را در جایی که بی‌احترامی به اوست مثل قبرستان کفار یا جایی که خاکروبه می‌ریزند، دفن کرده باشند؛
- برای امری که اهمیّت آن از شکافتن قبر بیشتر است، قبر را نبش کنند، مثلاً بخواهند بچه زنده‌ای را از شکم زن مدفون، بیرون آورند؛
- بترسند که دشمن یا درنده‌ای آن را بیرون آورد یا سیل آن را ببرد؛
- بخواهند قسمتی از بدن میت را که با آن دفن نشده، دفن کنند؛ ولی بنابر احتیاط واجب آن قسمت را طوری در قبر بگذارند که بدن میت دیده نشود؛
- جسد میّت از بین رفته و خاک شده باشد.[1]

۲. نبش قبر امامزاده‌ها و شهدا و علما و صُلحا، اگر چه سال‌ها بر آن گذشته باشد، در صورتی که زیارتگاه باشد، حرام است. بلکه اگر زیارتگاه هم نباشد، بنابر احتیاط واجب نباید آن را نبش کرد.[2]

پرسش

۱. آداب هندسی و معماری قبر چیست؟

۲. محرمات عزاداری بر میت کدام است؟

۳. مردی از دنیا رفته و برای مخارج کفن و دفن خود وصیتی ندارد. مخارج آن از کجا تأمین می‌شود؟

۴. چه کسانی را نباید حنوط کرد؟

۵. آیا قبرستان‌های ویران و متروک را می‌توان تبدیل به مدرسه یا فضای آموزشی کرد؟

---

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، صص ۷۲؛ توضیح المسائل؛ م ٦٤١ و ٦٤٣. به فتوای برخی از فقها، در برخی از موارد که زمین یا کفن غصبی باشد یا چیز غصبی با میّت دفن شده باشد، نمی‌توان قبر را نبش کرد.

۲. همان، م ٦٤٢.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

ارث

﴿... لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسآءِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوالِدانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْكَثُرَنَصِيباً مَفْرُوضاً﴾

برای مردان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان بر جای گذاشته‌اند سهمی است و برای زنان نیز از آنچه پدر و مادر و خویشان بر جای گذاشته‌اند سهمی خواهد بود، کم باشد یا زیاد، سهم هر کدام مشخص شده است.[1]

با مرگ انسان، ملکیت او نیز زایل می‌شود و اموال وی به دیگران می‌رسد. اسلام با درنظرگرفتن مصالح فرد و اجتماع، سهم هریک از بازماندگان میت را مشخّص کرده و به تمام نزاع‌ها و مشکلاتی که بر تقسیم اموال میت وجود داشته، خاتمه داده است.

مصارف تَرکه (اموال) میت

تَرکه میت در مصارف زیر به ترتیب مصرف می‌شود:

۱. پرداخت بدهی‌هایی که متعلّق به عین ترکه است؛ مانند خمس و زکاتی که به مال موجود تعلّق گرفته، ولی پرداخت نشده است.

---

۱. نساء: ۷.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۲ ـ تجهیز میت، مانند مخارج کفن، دفن، خرید سدر و کافور، خرید زمین قبر و آنچه مربوط به دفن است. مگر آنکه میت، زنی است شوهردار که در این صورت این گونه مخارج بر عهده شوهر اوست. یا در این مورد وصیت کرده باشد.

۳ ـ دیونی که بر ذمّه میت است؛ مانند خمس و زکاتی که بدهکار است، هر چند اموال موجود متعلّق خمس نباشد و همچنین بدهکاری به افراد نیز از اصلِ ترکه میت پرداخته می‌شود.

٤ ـ وصیت میت بر ثلث؛[1] مثلاً میت وصیت کرده یک سوم اموال او یا بخشی از آن را به مصرفی برسانند، امّا وصیت به بیش از یک سوم با اجازه ورثه قابل عمل است.

۵ ـ آنچه پسر بزرگ‌تر، از پدر ارث می‌برد (قرآن، انگشتر، لباس).

٦ ـ بقیه اموال میت مطابق قانون ارث به ورثه او می‌رسد.[2]

طبقات ارث

کسانی که با خویشاوندی نسبی از میت ارث می‌برند، به سه گروه (طبقه) تقسیم می‌شوند:

- **گروه اول:**
  ۱ ـ پدر و مادر
  ۲ ـ فرزندان
- **گروه دوم:**
  ۱ ـ جدّ و جدّه
  ۲ ـ برادر و خواهر
- **گروه سوم:**
  ۱ ـ عمو و عمّه
  ۲ ـ دایی و خاله

---

۱ ـ بحث وصیت مالی در درس ٦۷ گذشت.

۲ ـ رساله ارث، تألیف حاج ملا هاشم خراسانی با حواشی امام خمینی، ص ۳۱ به بعد. به فتوای برخی از فقها، سایر سلاح‌های میّت مثل خنجر و تفنگ وی نیز به پسر بزرگ وی می‌رسد و نیز نسبت به کتاب‌های میّت با سایر ورثه مصالحه کنند.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

با وجود گروه اول، گروه دوم و سوم ارث نمی‌برند، حتی اگر یک نفر از آنها زنده باشد، و با وجود گروه دوم چیزی به گروه سوم نمی‌رسد.[۱]

* **زن و شوهر** جزو هیچ کدام از این سه گروه به حساب نمی‌آیند و با وجود هر یک از سه گروه نیز از یکدیگر ارث می‌برند و وجود هیچ یک از این طبقات، مانع تمام ارث آن دو از یکدیگر نیست.[۲]

سهام ورثه

سهام جمع سهم و سهم مقدار مالی است که وارث از میت ارث می‌برد.

انواع سهم

۱. **بالفرض:** مقدار سهمی است که در قرآن به صراحت بیان شده است.

۲. **بالقرابه:** سهامی که در قرآن به صراحت بیان نشده و ادلّه دیگر آن را بیان می‌کند.[۳]

سهام مفروض در سوره **نساء** آمده است و آیات آن چنین است:

$\frac{۱}{۲}$ ← آیه‌های ۱۰ و ۱۲ و ۱۷۵ — $\frac{۱}{۳}$ ← آیه‌های ۱۱ و ۱۲

$\frac{۱}{۴}$ ← آیه ۱۲ — $\frac{۱}{۶}$ ← آیه‌های ۱۱ و ۱۲

$\frac{۱}{۸}$ ← آیه ۱۲ — $\frac{۲}{۳}$ ← آیه‌های ۱۱ و ۱۷۵

چون بیان تمام سهام ارث و صاحبان آنها از گنجایش این کتاب بیرون است، تنها به بیان و گروه اول و مقدار سهامشان و توارث همسران اکتفا می‌کنیم و برای اطلاع گسترده در این باره می‌توان به رساله توضیح‌المسائل یا سایر کتب فقهی مراجعه کرد.

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الارث، ص ۳۷۸.

۲. همان، ص ۳۹۶، م ۱، توضیح المسائل، م ۲۷۳۰.

۳. تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الارث، الامر الثالث في السهام، صص ۳۷۳ و ۳۷۴.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

توارث همسران[1]

۱ .زن و شوهر زمانی از یکدیگر ارث می‌برند که عقد آنها دائمی باشد.[2]

۲ .شوهر از تمام اموال همسر خود ارث می‌برد (چه منقول، چه غیرمنقول) ولی اگر شوهر بمیرد، همسرش از زمین ارث نمی‌برد و از ساختمان و درخت و کشتزار نیز فقط از قیمت آنها ارث می‌برد نه از اصل آنها.[3]

اگر شوهر بمیرد

۱ .میّت فرزند ندارد: $\frac{1}{4}$ به همسر و $\frac{3}{4}$ به سایر ورثه می‌رسد.

۲ .میّت فرزند دارد: $\frac{1}{8}$ به همسر و $\frac{7}{8}$ به سایر ورثه می‌رسد.

اگر زن بمیرد

۱ .میّت فرزند ندارد: $\frac{1}{2}$ به شوهر و $\frac{1}{2}$ به سایر ورثه می‌رسد.

۲ .میّت فرزند دارد: $\frac{1}{4}$ به شوهر و $\frac{3}{4}$ به سایر ورثه می‌رسد.

ارث گروه اول

۱ .پدر و مادر میت زنده‌اند:

الف- میت فرزند دارد

۱. یک پسر $\frac{1}{6}$ مادر، $\frac{1}{6}$ پدر و $\frac{4}{6}$ پسر

۲. چند پسر $\frac{1}{6}$ پدر، $\frac{1}{6}$ مادر و $\frac{4}{6}$ پسران. (به طور مساوی)

۳. یک دختر (میت برادر و خواهر دارد) $\frac{1}{6}$ پدر، $\frac{1}{6}$ مادر، $\frac{3}{6}$ دختر و $\frac{1}{6}$ باقیمانده را چهار قسمت کرده، $\frac{1}{4}$ پدر، $\frac{3}{4}$ دختر؛ یعنی $\frac{15}{24}$ به دختر، $\frac{5}{24}$ به پدر و $\frac{4}{24}$ به مادر.

٤. یک دختر (میت برادر و خواهر ندارد یا کمتر از تعدادی است که در پاورقی آمده است) $\frac{1}{5}$ پدر، $\frac{1}{5}$ مادر، $\frac{3}{5}$ دختر.[4]

۵. چند دختر $\frac{1}{6}$ پدر، $\frac{1}{6}$ مادر و $\frac{4}{6}$ بین دختران به طور مساوی تقسیم می‌شود.

٦. هم دختر و هم پسر $\frac{1}{6}$ پدر، $\frac{1}{6}$ مادر، $\frac{4}{6}$ بین فرزندان تقسیم می‌شود (پسر دو برابر دختر)

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۱، الامر الثالث في السهام، ص ۳۷۳.

۲ .همان، ج ۲، ص ۳۹٦، م ۲.

۳ .تحریرالوسیله، ج ۲، المقصد الثاني في الميراث بسبب الزوجية، ص ۳۹۷، م ۵.

٤ – اگر دو برادر یا چهار خواهر و یا یک برادر و دو خواهر پدری داشته باشد، مادر یک ششم می برد؛ ولی اگر برادر و خواهر ندارد یا به این تعداد نیستند، یک پنجم می‌برد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

ب- میت فرزند ندارد

۱. میت برادر و خواهر ندارد یا کمتر از تعدادی است که در فرض بعدی خواهدآمد $\frac{۲}{۳}$ پدر و $\frac{۱}{۳}$ مادر.

۲. میت برادر و خواهر دارد $\frac{۵}{۶}$ پدر و $\frac{۱}{۶}$ مادر (در صورتی که دو برادر یا چهار خواهر یا یک برادر و دو خواهر باشند و با میت پدر و مادری یا پدری باشند.)

۲ ـ یکی از آنها زنده و دیگری مرده است:

الف) میت فرزند دارد

- **یک پسر دارد** $\frac{۱}{۶}$ پدر یا مادر، $\frac{۵}{۶}$ پسر.
- **چند پسر دارد** $\frac{۱}{۶}$ پدر یا مادر و $\frac{۵}{۶}$ پسرها (به طور مساوی).
- **یک دختر دارد** $\frac{۱}{۴}$ پدر یا مادر و $\frac{۳}{۴}$ دختر.
- **چند دختر دارد** $\frac{۱}{۵}$ پدر یا مادر و $\frac{۴}{۵}$ دخترها (به طور مساوی).
- **هم دختر و هم پسر** $\frac{۱}{۶}$ پدر یا مادر، $\frac{۵}{۶}$ دخترها و پسرها (پسر دو برابر دختر).

ب) میت فرزند ندارد: همه اموال به پدر یا مادر می‌رسد.[۱]

۳ ـ پدر و مادر میت مرده‌اند:

الف) میت فرزند دارد

- **یک دختر یا یک پسر** همه اموال به او می‌رسد.
- **چند پسر یا چند دختر** همه اموال به طور مساوی بین آنها تقسیم می‌شود.
- **هم پسر و هم دختر** همه اموال بین آنها تقسیم می‌شود (پسر دو برابر دختر).

ب) میت فرزند ندارد به وارث دسته دوم می‌رسد.

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۲، المقصد الاول في میراث الانساب، ص ۳۶۰.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

پرسش

۱ـ چه مقدار از مخارج کفن و دفن و مراسم سوگواری میت از ترکه او برداشته می‌شود؟

۲ـ آیه ۱۲ از سوره نساء کدام یک از سهام مفروض را بیان می‌کند؟

۳ـ فرزند میت مانع سهم بری کامل چه کسانی است؟

٤ـ تفاوت ارث‌بریِ زن و شوهر از یکدیگر در چیست؟

۵ـ اگر مردی بمیرد و همسرش زنده است و از گروه اول کسی وجود ندارد اموال او به چه کسی می‌رسد؟

٦ـ اگر زن بمیرد و وارث وی شوهرش و مادرش و سه دختر و یک پسر است، سهام هرکدام از آنها چقدر است؟

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

جدول تفاوت فتاوا

مطابق با نظریات ۱۳ تن از مراجع معظّم تقلید

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

تفاوت فتاوای مراجع معظّم تقلید، مسأله‌ای متداول و دارای سابقه بسیار است. برای متخصّصان و صاحب نظران و اهل فن در رشته‌های گوناگون علمی واضح است که در صورت تعدّد عالمان و نظریه پردازان در علوم مختلف، تفاوت دیدگاه و رأی پیش خواهد آمد و هرگز دانشمندان یک رشته در تمام فروع مرتبط با آن دارای یک نظر نخواهند بود و چنانچه دیدگاه‌ها و نظریه‌ها و آراء مختلف مستند به دلیل و برهان باشد نه تنها مطرود و ناپسند نخواهد بود بلکه امری مقبول و مطلوب و پذیرفته شده و پسندیده است و موجب پویایی و پیشرفت آن علم خواهد شد.

بی شک علم فقه که رشته‌ای ویژه در بین دانش‌های دینی است از این قاعده مستثنی نیست، و فقیهان نیز ممکن است در فروع فقه، دارای تفاوت نظر و فتوا باشند، امّا ناگفته نماند که تفاوت فتاوا با وجود مجتهدان متعدّد هر چند فی نفسه مطلوب است و دارای برکات زیادی است ولی چنانچه مکلّفان در عمل به فتوا بر یک نظریه عمل کنند و پیرو مقلّد یک فقیه جامع الشرایط باشند، برکات بیشتری خواهد داشت؛ ولی از آنجا که امروزه در حوزه‌های علمیه صدها مجتهد و فقیه صاحب‌نظر وجود دارد و بسیاری از آنها نیز دارای مقلّدانی نیز هستند و در برخی از مسایل جزیی فقهی نیز دارای فتاوای متفاوتی می‌باشند، آشنایی عالمان دینی و مبلّغان و پاسخگویان به مسایل شرعی به آن فتاوا ضرورتی است اجتناب ناپذیر. ولی دستیابی و جمع بندی آنها نیز امری است دشوار؛ لذا بر آن شدیم تا اهمّ این تفاوت‌ها را از ابواب مختلف احکام دینی بر اساس کتاب «درسنامه فقه» سامان دهیم. ابتدا این کار توسط تعدادی از خواهران دانش‌پژوه حوزه علمیه علی بن‌موسی الرضا علیه‌السلام (تهران) انجام پذیرفت و چندین بار نیز جرح و تعدیل و اصلاح شد و اکنون به صورت جزوه حاضر به محضر عالمان و طلّاب علوم دینی و مراکز پاسخگویی تقدیم می‌داریم. امید داریم راهنمای خوبی باشد؛ ولی از آنجا که تدوین چنین

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

جزواتی دقّت وافر و صرف وقت زیادی می‌طلبد، بی شک عاری از نقص و عیب نخواهد بود که برای اصلاح و تکمیل آن از نظریات اهل فنّ استقبال می‌کنیم.

یادآوری چند نکته:

۱. فتاوای مراجع معظّم تقلید ـ بجز تعداد اندکی ـ از کتاب شریف «توضیح المسایل مراجع»، چاپ و نشر دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (چاپ هفدهم؛ ۱۳۸۸ هـ.ش) آورده شده است.

۲. ضمن احترام ویژه به مراجع معظّم تقلید، اسامی آن بزرگواران جهت اختصار بدون القاب آورده شده است.

۳. در چندین مسأله فتاوای برخی از مراجع تقلید به دست نیامده که در آینده امیدواریم بتوانیم با استفاده از سایر تألیفات فقهی آنان یا استفتاء از محضر شریفشان در صورتی که تفاوت فتوایی وجود داشته باشد بر آن بیفزاییم.

٤. برای اطمینان بیشتر و در صورت نیاز مراجعه به اصل مسایل، مآخذ آنها نیز با علایم اختصاری: د= درسنامه فقه، ت= توضیح المسایل مراجع، ص=صفحه، م= مسأله، پ= پاورقی، آورده شده است.

۵. امیدواریم در آینده نزدیک بتوانیم فتاوای سایر مراجع تقلید را نیز بر آن بیفزاییم.

٦. در پایان از دانش پژوهان حوزه علمیه علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) که در تنظیم و آماده‌سازی این نوشته ما را یاری دادند و همچنین حضرات آقایان سیدمحمدتقی محمدی و محمدجواد غفوری و محمدحسن دهقان که در تصحیح نهایی آن زحمت فراوانی را متحمّل شدند، تشکر کرده و توفیق همگان را از خداوند بزرگ خواستاریم.

ربنا تقبّل منّا انک انت السمیع العلیم

حوزه علمیه قم – محمد حسین فلاح زاده

تابستان ۱۳۹۵ هـ. ش

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

تقلید

تقلید ابتدایی از مجتهد میّت (د: ص۵۱ پ۱ ت: م ۹)	
جایز نیست.	آیات عظام: اراکی، امام خمینی، بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری
جایز است (به شرط آنکه در زمان حیات آن مجتهد ممیّز بوده باشد هر چند که بالغ نبوده باشد).	آیت الله زنجانی
بنابر احتیاط جایز نیست.	آیت الله خامنه‌ای
عدول از مجتهد زنده به زنده مساوی (د: ص۵۴ پ۱ ت: پس از مسأله ۱۳، مسأله اختصاصی ۱۴)	
جایز نیست	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، (بنابر احتیاط واجب: آیت الله مکارم)
جایز است.	آیات عظام: بهجت، فاضل، تبریزی
جایز است، اگر علم اجمالی به مخالفت با واقع پیدا نشود.	آیت الله سیستانی
عدول از مجتهد مرده به زنده (د: ص ۵۴ پ۳ ت: م ۱۰)	
عدول از مجتهد مرده به زنده جایز است.	آیات عظام: اراکی، امام خمینی، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، زنجانی، فاضل، گلپایگانی، نوری
عدول از مجتهد اعلم مرده جایز نیست مگر آنکه فتوای میّت احتیاط باشد و عدول از احتیاط واجب به فتوای مجتهد زنده اشکال ندارد.	آیات عظام: بهجت، سیستانی، صافی، مکارم

طهارت؛ وضو

مقدار واجب مسح پا (د: ص ۷۴ پ۲ و ص ۳۳ پ۳ ت: م۲۵۲)	
از نوک انگشت تا برآمدگی پا.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، زنجانی، مکارم، فاضل، نوری
بنابر احتیاط واجب از نوک انگشت تا مفصل.	آیات عظام: اراکی، تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی
باید از نوک انگشت تا مفصل مسح شود.	آیت الله خامنه‌ای، آیت الله سیستانی

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

مسح سر با دست راست (د: ص ۷۴ پ۳ ت: م ۲۴۹)	
بنابر احتیاط واجب مسح با دست راست باشد.	آیات عظام: اراکی، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، زنجانی، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری
لازم نیست با دست راست باشد.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، سیستانی، فاضل
وجوب ترتیب در مسح پا (د: ص۷۴ پ۳ ت: شرایط وضو، شرط نهم)	
پای چپ را پیش از پای راست مسح نکند مسح همزمان نیز صحیح است.	آیات عظام: اراکی، سیستانی، گلپایگانی، بهجت
پای راست را باید پیش از پای چپ مسح کند.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، نوری
بنابراحتیاط واجب پای راست را پیش از پای چپ مسح کند.	آیات عظام: زنجانی، صافی، مکارم، خویی، فاضل، تبریزی
مسح پای راست با دست راست (د: ص۷۴ پ۳ ت: م ۲۵۲)	
لازم نیست پای راست با دست راست و پای چپ با دست چپ مسح شود.	آیات عظام: امام‌خمینی، اراکی، بهجت، خامنه‌ای زنجانی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری
بنابر احتیاط واجب پای راست با دست راست و پای چپ با دست چپ مسح شود.	آیت الله تبریزی، آیت الله خویی
نبودن رطوبت در دست برای مسح (د: ص۷۵ پ۱ ت: م ۲۵۷و ۲۵۸)	
باید از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد .	آیات عظام: اراکی، امام خمینی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری
باید از ریش خود رطوبت بگیرد.	آیات عظام: تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی
بنابر احتیاط از ریش خود رطوبت بگیرد.	آیت الله بهجت، آیت الله زنجانی ملاحظه: منظور از ریش چانه است.
وضو گرفتن در نهرهای بزرگ در صورت نهی صاحبانش(د: ص۸۰ پ۲ ت: م ۲۷۱)	
بنابر احتیاط واجب جایز نیست.	آیات عظام: امام خمینی، مکارم، گلپایگانی، صافی، نوری، خامنه‌ای، فاضل، اراکی
جایز و صحیح است.	آیات عظام: تبریزی، سیستانی، زنجانی
اگر سیره مردم وضو گرفتن است جایز است.	آیت الله بهجت، آیت الله خویی

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

نیّت وضوی نیابتی (د: ص۸۲ پ۱ ت: ۲۸۶)	
فقط وضو گیرنده نیّت کند و نیّت نایب لازم نیست.	آیات عظام: امام خمینی، گلپایگانی، خویی، تبریزی، صافی، زنجانی، نوری، بهجت، مکارم، خامنه‌ای، اراکی
باید هر دو نیّت کنند بنابر احتیاط واجب.	آیت الله فاضل
اگر نائب او را وضو می‌دهد و خودش مشارکتی ندارد احتیاط واجب هر دو نیّت وضو کنند.	آیت الله سیستانی
زخم باز صورت یا دست که آب برای آن ضرر دارد (د: ص۸۴ پ۲ ت: م ۳۲۵)	
شستن اطراف زخم کافی است و گذاشتن جبیره احتیاط مستحب است.	آیات عظام: امام خمینی، خویی، خامنه‌ای، سیستانی، تبریزی، گلپایگانی، مکارم، نوری، صافی
دست تر بر آن بکشد و اگر ممکن نیست وضوی جبیره‌ای بگیرد، بنابر احتیاط واجب.	آیات عظام: اراکی، فاضل، بهجت (مستحب است جبیره بگذارد: آیت الله مکارم)
در شکستگی تیمّم نیز لازم است.	آیت الله زنجانی (به احتیاط واجب: آیت الله صافی)
چیز پاکی روی آن بکشد مانند پارچه یا پلاستیک و دست تر روی آن بکشد.	آیت الله زنجانی
در شکستگی باید تیمم کند.	آیت الله سیستانی، آیت الله خویی
فرا گرفتن جبیره تمام صورت یا تمام دست (د: ص۸۵، پ۵؛ ۱۵۹ ت: م ۳۳۰)	
باید وضو جبیره بگیرد و تیمّم لازم نیست.	آیات عظام: امام خمینی، زنجانی، اراکی، سیستانی، فاضل، خامنه‌ای، نوری
باید وضو جبیره بگیرد و بنابر احتیاط واجب تیمّم نماید. به شرط آنکه جبیره تمام یا بعضی مواضع تیمم را نپوشانده باشد	آیات عظام: بهجت، گلپایگانی، صافی
بنابر احتیاط باید تیمّم کند و وضوی جبیره‌ای نیز بگیرد.	آیات عظام: تبریزی، خویی، مکارم

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

کفایت غسل از وضو (د: ص ۹۲ پ۳؛ ت: م ۳۹۱)	
فقط غسل جنابت وضو ندارد.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، فاضل،خامنه‌ای، صافی، گلپایگانی، بهجت
با هر غسلی می‌توان نماز خواند به جز استحاضه متوسطه.	آیات عظام: تبریزی، سیستانی، خویی، نوری، (به جز استحاضه: آیت الله زنجانی)
با هر غسلی می‌توان بدون وضو نماز خواند.	آیت الله مکارم
پاک بودن بدن قبل از غسل ارتماسی (د:ص۹۲ پ۴؛ ت: م ۳۷۲)	
لازم نیست به شرط آنکه با آن آب که غسل می‌کند نجس نشود مثلاً با آب کر غسل کند.	آیات عظام: بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، زنجانی
لازم و واجب است.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، خامنه‌ای، گلپایگانی، صافی، فاضل، نوری
بنابر احتیاط واجب لازم است پاک باشد.	آیت الله مکارم
نحوه غسل جبیره‌ای (د: ص۹۲ پ۵ ت: م ۳۳۹)	
بنابر احتیاط واجب ترتیبی باشد.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، مکارم، سیستانی، خامنه‌ای، صافی، فاضل
ارتماسی هم صحیح است.	آیات عظام: اراکی، گلپایگانی، زنجانی
باید ترتیبی باشد.	آیات عظام: نوری، تبریزی، خویی
پیش آمدن حدث اصغر بین غسل (د: ص۹۳ پ۱ ت: م ۳۸۶)	
غسل باطل نمی‌شود.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، نوری، صافی، سیستانی، زنجانی، خامنه‌ای، گلپایگانی، فاضل، مکارم
باطل است.	آیت الله بهجت، آیت الله خویی
بنابر احتیاط واجب دوباره غسل کند.	آیت الله تبریزی
این غسل کفایت از وضو نمی‌کند.	به نظر همهٔ مراجع تقلید

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

قرائت سوره‌های سجده دار برای جنب (د: ص۹۳ پ۴ ت: م ۳۵۵)	
فقط خواندن آیه سجده‌دار حرام است.	آیات عظام: تبریزی، سیستانی، مکارم، خامنه‌ای، خویی، گلپایگانی، صافی
خواندن سوره سجده‌دار حرام است.	آیات عظام: اراکی، امام خمینی، بهجت، فاضل، نوری (خواندن آیه سجده‌دار حرام است و بنابر احتیاط آیات دیگر یا قسمتی از یک آیه نیز جایز نیست: آیت الله زنجانی)

طهارت؛ تیمّم

کیفیت تیمّم بدل از وضو و بدل از غسل (د: ص۹۷، پ۲ ت: م ۷۰۱)	
یک بار دست‌ها را بر زمین زده و بر پیشانی و پشت دست‌ها بکشد.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، اراکی، نوری
یکبار دستها را بر زمین زده و بر پیشانی و پشت دستها بکشد و بنابر احتیاط واجب یکبار دیگر بر زمین بزند و بر دستها بکشد.	آیت الله خامنه‌ای (بنابر احتیاط مستحب در تیمم بدل از غسل بار دیگر بر زمین بگذارد: آیت الله مکارم)
تیمّم بر سنگ گچ و سنگ آهک (د: ص۹۸ پ۱ ت: م ۶۸۵)	
قبل از پخته شدن صحیح است.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری
تیمّم براقسام سنگها صحیح نیست مگر آنکه پودرشده باشد.	آیت الله زنجانی
پس از پخته شدن نیز صحیح است.	آیت الله خامنه‌ای، آیت الله سیستانی: ولی احتیاط مستحب است بر کچ و آهک پخته تیمم نکند.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

تیمّم بر گل پخته مثل آجر و کوزه (د: ص۹۸ پ۱ ت: م ۶۸۴)	
صحیح نیست.	آیات عظام: اراکی، تبریزی، خویی، مکارم، نوری، گلپایگانی، صافی، (بنابراحتیاط واجب: آیت الله مکارم)
صحیح است.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، سیستانی، فاضل
قبل از پخته شدن جایز، بعد از پخته شدن اگر چیز دیگری ندارد احتیاطاً هم بر اینها و هم بر گل یا غبار تیمّم نماید.	آیت الله بهجت
صحیح است به شرط پودر شدن.	آیت الله زنجانی
کفایت تیمّم بدل از غسل از وضو (د: ص۹۹ پ۱ ت: م ۷۲۳)	
فقط تیمّم بدل از غسل جنابت کفایت از وضو می‌کند.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، صافی، فاضل، گلپایگانی
تیمّم بدل از هر غسلی (چه واجب چه مستحب) کفایت از وضو می‌کند.	آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم
تیمّم بدل از هر غسلی کفایت از وضو می‌کند به غیر از استحاضه متوسطه که وضو لازم دارد.	آیت الله نوری
تیمّم بدل از هر غسلی کفایت از وضو می‌کند به جز استحاضه که بنابر احتیاط واجب وضو لازم دارد.	آیت الله زنجانی
پیش آمدن مبطل وضو، پس از تیمّم بدل از غسل (د: ص۹۹ پ۲ ت: م ۷۲۴)	
اگر نمی‌تواند غسل کند باید وضو بگیرد و اگر نمی‌تواند وضو بگیرد باید بدل از وضو تیمّم نماید.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، بهجت، خامنه‌ای، زنجانی، سیستانی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری
باید بدل از غسل تیمّم کند.	آیت الله تبریزی، آیت الله خویی
بنابر احتیاط واجب بدل از غسل تیمّم کند و وضو هم بگیرد و اگر وضو نمی‌تواند بگیرد، تیمّم کند یکی بدل از غسل و یکی بدل از وضو.	آیت الله صافی

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

طهارت ؛ نجاسات

حکم فضله پرندگان حرام گوشت (د: ص۱۰۲ پ۴ ت: م ۸۵)	
نجس نیست.	آیات عظام: اراکی، خامنه‌ای، سیستانی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، خویی، تبریزی، صافی
نجس است.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، نوری
بنابر احتیاط اجتناب شود.	آیت الله زنجانی
خون داخل تخم مرغ (د: ص۱۰۶، پ۱ ت: م ۹۸)	
بنابر احتیاط واجب باید از خوردن آن تخم مرغ اجتناب کرده ولی اگر خون در زده باشد و پوستهٔ آن پاره نشده سفیده تخم مرغ پاک است.	آیات عظام: اراکی، تبریزی، خویی، زنجانی، صافی، گلپایگانی، بهجت
نجس نیست ولی خوردنش حرام است. (احتیاط مستحب از زرده‌ای که خون در آن است اجتناب شود: آیت الله سیستانی)	آیات عظام: خامنه‌ای، سیستانی، مکارم
نجس نیست ولی احتیاط واجب از خوردن خون اجتناب کند ولی اگر با زدن تخم مرغ خون از بین برود خوردن زرده اشکال ندارد.	امام خمینی، آیت الله فاضل
بنابر احتیاط واجب نجس است و خوردن آن نیز حرام است.	آیت الله نوری
حکم آب انگور جوش آمده (د: ص۱۰۷ پ۷ ت: م ۱۱۳)	
پاک، ولی خوردن آن حرام است.	آیات عظام: خویی، فاضل، تبریزی، سیستانی، گلپایگانی، صافی
نجس و بنابر احتیاط خوردنش حرام است.	آیت الله بهجت (بنابراحتیاط نجس ولی خوردنش حرام است: آیت الله زنجانی)
مست کننده باشد نجس است. مست کننده نباشد پاک است ولی خوردنش حرام است.	امام خمینی، آیت الله خامنه‌ای
به خودی خود جوش بیاید حرام و نجس با حرارت جوش بیاید پاک ولی حرام است.	آیات عظام: مکارم، نوری، اراکی

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

حکم کشمش و خرمای پخته (د: ص۱۰۷ پ۸ ت: م ۱۱۴)	
نجس و حرام نیست هر چند بجوشد.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، مکارم، صافی گلپایگانی، نوری، زنجانی، خویی، تبریزی، سیستانی، فاضل
بنابراحتیاط، نجس و حرام است.	آیت الله بهجت
خرما پاک است و حلال. ولی کشمش اگر خود بخود جوش آید نجس و حرام است والا پاک، اما خوردنش حرام است.	آیت الله اراکی
حکم متنجس سوم و چهارم(د: ص۱۰۸ پ۴ ت: م ۱۲۵)	
متنجس چهارم نجس کننده نیست.	امام خمینی، آیت الله نوری
متنجس سوم نجس کننده نیست.	آیات عظام: سیستانی، فاضل، خامنه‌ای، مکارم
بنابر احتیاط واجب اجتناب کنند.	آیت الله خویی
مطلقاً نجس کننده است.	آیات عظام: تبریزی، صافی، بهجت
مقدار آب کر (د: ص۱۱۲ پ۲ ت: م، ۱۶)	
۳/۵×۳/۵×۳/۵وجب	آیات عظام: امام خمینی، گلپایگانی، زنجانی، سیستانی، مکارم، اراکی، خامنه‌ای، فاضل، نوری
۳×۳×۳ وجب	آیت عظام: خویی، تبریزی، بهجت، صافی
نسبت به وزن آب کر نیز نظرات متفاوتی وجود دارد ولی نظر اکثر حدود ۴۱۹، ۳۷۷ کیلوگرم است.	

طهارت ؛ مطهرات

تطهیر باطن حبوبات نجس (د: ص۱۱۷ پ۴ ت: م ۱۶۴)	
در داخل آب کر یا جاری قرار دهند و آب داخل آن نفوذ کند پاک می‌شود.	آیات عظام: گلپایگانی، بهجت، صافی، سیستانی، اراکی، خویی، تبریزی، زنجانی (خشک بودن قبل از تطهیر لازم است: آیت الله صافی، آیت الله بهجت)

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

پاک نمی‌شود.	آیات عظام: امام خمینی، نوری، فاضل، خامنه‌ای
در داخل آب کر یا جاری قرار دهند و آب داخل آن نفوذ کند و از آن خارج شود پاک می‌شود.	آیت الله مکارم
پاک کنندگی آسفالت و موزایک (د: ص۱۱۸ پ۴ ت: م ۱۸۴)	
پاک کننده کف یا ته کفش نیست.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، خویی، اراکی، گلپایگانی، تبریزی، فاضل، نوری، سیستانی، صافی، بهجت
پاک کننده کف یا ته کفش است.	آیت الله زنجانی، آیت الله مکارم
پاک شدن دست و پای معلولان با راه رفتن (د: ص۱۱۹ پ۱ ت: م ۱۸۸)	
بنابر احتیاط، پاک نمی‌شود.	آیات عظام: امام خمینی، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، فاضل، خویی، اراکی، مکارم
پاک می‌شود.	آیات عظام: نوری، زنجانی، صافی، بهجت، گلپایگانی
پاک شدن ته عصا و ته پای مصنوعی و نعل چهارپایان و چرخ وسایل نقلیه با حرکت بر زمین (د: ص۱۱۹، پ۱ت: م ۱۸۸)	
بنابر احتیاط واجب پاک نمی‌شود.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، نوری، تبریزی، سیستانی، فاضل، مکارم، اراکی، خویی
پاک می‌شود.	آیات عظام: بهجت، زنجانی، صافی، گلپایگانی
نظر آیت الله صافی و آیت الله گلپایگانی نسبت به حکم چرخ وسیله نقلیه یافت نشد.	
تطهیر مخرج غائط با غیر آب (د: ص۱۲۵، پ۳ ت: ۶۸۲، ۶۹)	
پاک می‌شود. (به نظر اکثر این مراجع بنابراحتیاط باید پارچه یا کلوخ سه قطعه باشد.)	آیات عظام: بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، مکارم، اراکی، خویی، زنجانی، سیستانی، صافی، گلپایگانی
بنابر احتیاط واجب پاک نمی‌شود ولی می‌توان نماز خواند.	امام خمینی، آیت الله فاضل

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

نماز؛ وقت

پایان وقت نماز عصر (د: ص۱۳۱،پ۵ ت: م۷۳۰و ۷۳۱)	
تا مغرب است.	آیات عظام: امام خمینی، فاضل، نوری، زنجانی، گلپایگانی، صافی، اراکی، نوری
تا غروب آفتاب است.	آیات عظام: خویی، بهجت، خامنه‌ای، سیستانی، مکارم (بنابر احتیاط تا غروب آفتاب است: آیت الله تبریزی)
نخواندن نماز مغرب و عشا در وقت مخصوص خود ۱. عمداً ۲. با عذر(د: ص۱۳۲، پ۴ ت: م ۷۴۰)	
بنابر احتیاط تا اذان صبح بدون نیّت ادا و قضا بجا آورد، چه عمداً چه با عذر.	آیات عظام: اراکی، امام خمینی، بهجت، خامنه‌ای، خویی، صافی، گلپایگانی، نوری (اگر به واسطه عذری: آیت الله فاضل)، (اگر از روی اختیار: آیت الله سیستانی)
۱. عمداً: نماز وی قضا شده. ۲. باعذر: نمازش قضا نشده و باید تا قبل از اذان صبح بخواند.	آیت الله زنجانی، آیت الله مکارم

نماز؛ مکان

نماز خواندن بر مکانی که با پول خمس و زکات نداده خریده است (د: ص۱۳۹، پ۱ ت: م ۸۷۳)	
تصرّف در آن ملک، حرام و نمازش باطل است. الف) با عین پول خمس نداده بخرد. ب) به ذمّه بخرد و بخواهد پول خمس و زکات نداده بپردازد.	امام خمینی (و بنابر احتیاط واجب اگر به ذمّه بخرد باطل است. آیت الله فاضل، آیت الله مکارم)
اگر به ذمّه بخرد، نمازش صحیح است.	آیات عظام: اراکی، بهجت، خامنه‌ای
الف) تصرّف در آن حرام و بنابر احتیاط مستحب نمازش باطل است.	آیت الله زنجانی
آیت الله سیستانی: اگر با عین پول خمس نداده بخرد تصرف بدون اذن حاکم شرع حرام و نماز بنابر احتیاط واجب باطل است.	ب) نظر آیات عظام تبریزی، گلپایگانی، صافی، خویی و نوری یافت نشد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

نماز خواندن جلوتر از قبر پیغمبر (ص) و امام (ع) (د: ص۱۴۲، پ۱ ت: م ۸۸۴)	
اگر بی‌احترامی باشد حرام است ولی نماز باطل نیست.	آیات عظام: امام خمینی، تبریزی، مکارم، خامنه‌ای، بهجت، سیستانی، فاضل، زنجانی (نماز بنابر احتیاط واجب صحیح نیست: آیت الله نوری)
بنابراحتیاط واجب باید جلوتر یا مساوی قبر پیغمبر(ص) و امام(ع) نماز نخوانند.	آیات عظام: گلپایگانی، صافی، اراکی
در صورتی که مستلزم هتک باشد نماز نخوانند و الا عیبی ندارد.	آیت الله خویی
نماز خواندن زن جلوتر از مرد (د: ص۱۴۲، پ۲ ت: م۸۸۶)	
احتیاط مستحب است زن عقب تر از مرد باشد.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، گلپایگانی، صافی، زنجانی، بهجت، نوری
حداقل باید جای سجده زن از جای ایستادن مرد یک وجب عقب‌تر باشد.	آیات عظام: تبریزی، خویی (بنابر احتیاط واجب: آیت الله خامنه‌ای)
باید کمی عقب‌تر باشد و الا نماز باطل است.	آیت الله فاضل، آیت الله مکارم (بنابر احتیاط مقداری که جای سجده او برابر جای دو زانوی مرد در حال سجده باشد: آیت الله سیستانی)
اعاده نماز بر فرض که زن مساوی مرد یا جلوتر از او نماز خوانده باشد (د: ص۱۴۲، پ۳ ت: م ۸۸۷)	
لازم نیست.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، گلپایگانی، صافی، زنجانی، بهجت، نوری
لازم است.	آیات عظام: خامنه‌ای، خویی، تبریزی، فاضل، مکارم
بنابراحتیاط لازم است.	آیت الله سیستانی
نماز خواندن زن و مرد نامحرم در مکان خلوت (د: ص۱۴۲، پ۴ ت: م ۸۸۹)	
نماز باطل نیست.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، خویی، تبریزی، نوری، اراکی، سیستانی، بهجت
نماز باطل است.	آیت الله گلپایگانی، آیت الله صافی (بنابراحتیاط واجب باطل است: آیت الله زنجانی)
نماز اشکال دارد.	آیت الله مکارم

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

نماز؛ قرائت

تعداد تسبیحات در رکعات ۳ و ۴ (د: ص۱۵۴، پ۲ ت: م۱۰۰۵)	
یک مرتبه کافی است.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، زنجانی، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری
بنابر احتیاط واجب، سه مرتبه بخواند.	آیت الله فاضل
شرکت در نماز جماعت برای کسی که قرائتش صحیح نیست (د: ص۱۵۶، پ۲ ت:، م۹۹۷)	
احتیاط مستحب است.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، زنجانی، فاضل، مکارم، نوری
احتیاط لازم است.	آیت الله گلپایگانی، آیت الله صافی
اگر از حمد مقداری را که صحیح می‌خواند معتنابه باشد، همان را بخواند ولی اگر ناچیز باشد باید بنابر احتیاط واجب مقداری از بقیه قرآن را به طور صحیح بخواند و اگر آن هم نمی‌شود بخواند تسبیح به آن ضمیمه کند، ولی اگر نمی‌تواند به کلی سوره را صحیح بخواند، لازم نیست چیزی عوض آن بخواند.	آیت الله سیستانی
وقف به حرکت و وصل به سکون (د: ص۱۵۶، پ۳ ت: م ۱۰۰۴)	
اشکال ندارد ولی احتیاط مستحب است وقف به حرکت و وصل به سکون ننماید.	آیات عظام: امام خمینی، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، زنجانی، فاضل
بنابر احتیاط واجب جایز نیست.	آیات عظام: اراکی، خویی، نوری، گلپایگانی، صافی
وقف به حرکت بنابر احتیاط واجب جایز نیست ولی وصل به سکون جایز است.	آیت الله مکارم
احتیاط آن است که عمداً و بدون عذر وقف به حرکت نکند و وصل به سکون نکند.	آیت الله بهجت

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

کلمه‌ای از نماز را صحیح می‌دانسته و متوجه شود غلط خوانده (د: ص۱۵۶،پ۴؛ ت: م ۱۰۰۱)	
اعاده ندارد.	آیات عظام: بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، امام خمینی، خویی، سیستانی، زنجانی، فاضل، مکارم
باید دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا کند.	آیات عظام: اراکی، صافی، گلپایگانی (بنابر احتیاط واجب بخواند و اگر وقت گذشته قضا کند: آیت الله نوری)
گذاشتن دستها بر زانو در حال رکوع (د: ص۱۵۶، پ۵ ت: م ۱۰۲۲)	
گذاشتن دستها بر زانو لازم نیست.	آیات عظام: صافی، خویی، فاضل، گلپایگانی، نوری، امام خمینی، زنجانی، سیستانی، اراکی، تبریزی، بهجت
بنابراحتیاط واجب باید دستها را بر زانوها بگذارد.	آیت الله خامنه‌ای، آیت الله مکارم

نماز؛ سجده

برداشتن یکی از اعضای سجده به جز پیشانی در حال ذکر (د: ص۱۶۰،پ۲ ت: م ۱۰۵۴)	
نماز باطل است.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، زنجانی، سیستانی، مکارم، اراکی، خویی، فاضل، نوری
نماز باطل است و بنابراحتیاط دوباره ذکر را بگوید و نماز را تمام و اعاده کند.	آیات عظام: گلپایگانی، صافی (باید ذکر را دوباره بگوید و نماز را تمام کند. آیت الله تبریزی)
در غیر حال ذکر نیز بنابر احتیاط نمازش باطل است.	آیت الله سیستانی
سجده بر گِل پخته (د: ص۱۶۰، پ۵ ت: م۱۰۸۱)	
جایز است.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، بهجت، تبریزی، سیستانی، خویی، فاضل، مکارم، نوری
جایز نیست.	آیت الله اراکی، آیت الله گلپایگانی (بنابراحتیاط واجب جایز نیست: آیت الله صافی، آیت الله زنجانی)

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

سجده بر فرش و مانند آن در حال تقیّه (د: ص۱۶۱، پ۱ ت: م ۱۰۷۲)	
در صورت امکان باید به جایی برود که بر چیزی که سجده بر آن صحیح است سجده کند.	آیات عظام: تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، فاضل، صافی، مکارم. (بنابراحتیاط واجب: آیت الله گلپایگانی)
می‌تواند بر فرش سجده کند و لازم نیست به جای دیگری برود.	آیات عظام: اراکی، امام خمینی، نوری
همان نظر اکثر ولی چنانچه بر فرش سجده کرد باید نماز را دوباره بخواند.	آیت الله زنجانی
سجده بر کاغذ (د: ص۱۶۱،پ۴ ت: م ۱۰۸۲)	
صحیح است.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، خویی، تبریزی، زنجانی، نوری، (صحیح است، مگر آنکه بدانیم از پنبه یا چیزهایی که سجده صحیح نیست ساخته شده باشد: آیت الله مکارم)
اگر نمی‌داند از چیزی که سجده بر آن صحیح است ساخته شده یا نه اشکال دارد.	آیت الله گلپایگانی، آیت الله صافی
صحیح است، مگر آنکه بداند از حریر و ابریشم ساخته شده است.	آیت الله سیستانی (بنابراحتیاط واجب صحیح نیست: آیت الله فاضل). (اگر از چوب و گیاهان ـ غیر از پنبه و کتان ساخته شده، صحیح است: آیت الله خامنه‌ای)
اگر احتمال می‌دهد از چیزی که سجده صحیح نیست ساخته شده بنابراحتیاط واجب سجده ننمایند.	آیت الله بهجت
الف) گفتن عمدی ذکر پیش از رسیدن پیشانی به زمین و آرام گرفتن بدن یا سر برداشتن از سجده پیش از اتمام ذکر ب) اگر سهواً باشد (د: ص۱۶۲،پ۳؛ ت: م ۱۰۵۱و ۱۰۵۲)	
الف) نماز باطل است. ب) نماز صحیح است ولی دوباره باید ذکر را در حال آرامش بدن بگوید.	الف) آیات عظام: امام خمینی، زنجانی، مکارم، نوری، سیستانی ب) آیات عظام: خویی، امام خمینی، نوری، تبریزی، خامنه‌ای، مکارم، سیستانی، زنجانی

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

الف) اگر پیش از رسیدن پیشانی به زمین، ذکر بگوید، باید مجدداً در حال آرامش ذکر را بگوید و بنابر احتیاط واجب نماز را اعاده کند. اگر عمداً پیش از ذکر سر از سجده بر دارد نماز باطل است.	آیات عظام: تبریزی، صافی، گلپایگانی
چسبیدن مهر به پیشانی و بدون برداشتن مهر به سجده دوّم رفتن (د: ص۱۶۳، پ۱؛ ت: م ۱۰۸۶)	
باید مهر را بردارد.	آیات عظام: امام خمینی، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، زنجانی، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری، اراکی
اشکال ندارد و دو سجده محسوب می‌شود.	آیت الله فاضل
اشکال ندارد گرچه خلاف احتیاط است.	آیت الله بهجت
بلند شدن غیر ارادی پیشانی از محل سجده (د: ص۱۶۳، پ۱ ت: م۱۰۷۱)	
در صورت امکان نباید بگذارد به محل سجده برگردد و یک سجده محسوب می‌شود هرچند ذکر نگفته باشد.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، سیستانی، زنجانی، مکارم
سجده به حساب نمی‌آید و باید برگردد و سجده را به طور صحیح به جا آورد.	آیات عظام: بهجت، صافی، گلپایگانی
به یاد آوردن سجده فراموش شده قبل از رکوع رکعت بعد (د: ص۱۶۳، پ۱ت: م ۱۲۴۴)	
برگردد و سجده را بجا آورد و نماز صحیح است. (سجده سهو واجب نیست).	آیات عظام: اراکی، خامنه‌ای، امام خمینی، سیستانی، زنجانی، فاضل، نوری
برگردد و بجا آورد و بنابر احتیاط واجب دو سجده سهو بجا آورد.	آیات عظام: تبریزی، مکارم، خویی، صافی،گلپایگانی (و اگر قرائت یا تسبیحات را خوانده بنابر احتیاط واجب دو سجده سهو برای آنها بجا آورد: آیت الله بهجت)
شنیدن آیه سجده‌دار از ضبط صوت و امثال آن (د: ص۱۶۵، پ۳ ت: م ۱۰۹۶)	
سجده لازم نیست مگر آنکه صدا را به صورت مستقیم برساند.	آیات عظام: بهجت، تبریزی، امام خمینی، خویی، سیستانی، نوری
بنابر احتیاط واجب سجده لازم است.	آیات عظام: اراکی، زنجانی، صافی، گلپایگانی، مکارم (سجده واجب است: آیت الله خامنه‌ای، آیت الله فاضل)

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

نماز؛ تشهد

الف) یادآوری تشهد فراموش شده پیش از رکوع ب) یادآوری تشهد فراموش شده در رکوع یا سجدهٔ بعد از آن (د: ص۱۶۶،پ۱ ت: م ۱۱۰۲)	
الف) بنشیند و تشهد بخواند و ادامه نماز. ب) پس از اتمام نماز، تشهد را قضا نماید و بنابراحتیاط واجب دو سجده سهو برای تشهد فراموش شده.	الف) آیات عظام: امام خمینی، اراکی، خامنه‌ای، سیستانی، زنجانی، گلپایگانی، مکارم، نوری. ب) آیات عظام: امام خمینی، بهجت، زنجانی، مکارم، نوری (باید سجده سهو به جا آورد: آیات عظام: اراکی، فاضل، گلپایگانی، صافی)، (و بنابراحتیاط، تشهد را قضا کند: آیت الله خامنه‌ای)
الف) بنشیند و تشهد بخواند و ادامه نماز و بنابر احتیاط واجب دو سجده سهو به جا آورد. ب) بنابراحتیاط واجب تشهد را قضا نماید و دو سجده سهو بجا آورد.	الف) آیات عظام: تبریزی، صافی، گلپایگانی، خویی ب) آیت الله خویی، آیت الله تبریزی
ب) بعد از سلام دو سجده سهو بجا آورد و با آن تشهد هم قضا می‌گردد.	آیت الله زنجانی، آیت الله سیستانی
الف) باید بنشیند و تشهد بخواند و ادامهٔ نماز. و بعد از سلام دو سجده سهو برای قیام بی‌جا و دو سجده سهو برای قرائت یا تسبیحات زیادی اگر خوانده باشد.	آیت الله بهجت
سلام نماز مقدار واجب سلام نماز (د: ص۱۶۶، پ۲ ت: م ۱۱۰۵)	
یکی از دو سلام آخر است.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، نوری، زنجانی، مکارم
اگر السلام علینا... بگوید بنابر احتیاط واجب باید بعد از آن السلام علیکم... هم بگوید.	آیات عظام: صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، سیستانی

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

نماز؛ سجده سهو

سجده سهو برای هر زیاده و نقصان (د: ص۱۶۷، پ۲ ت: م ۱۲۳۶)	
واجب نیست.	آیات عظام: تبریزی، خامنه‌ای، امام خمینی، خویی، سیستانی، فاضل، زنجانی، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری
بنابراحتیاط واجب به جا آورد.	آیت الله اراکی، آیت الله بهجت

نماز؛ شکیّات

شک بین ۴و ۵ در حالت ایستاده (د: ص۱۸۲، پ۱ ت: م ۱۱۹۹، فرع ششم)	
پس از نماز سجده سهو واجب نیست.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، خامنه‌ای، خویی، تبریزی، سیستانی، زنجانی، فاضل، نوری
بنابر احتیاط واجب است.	آیات عظام: بهجت، گلپایگانی، صافی
سجده سهو واجب نیست و بنابر احتیاط واجب نماز را اعاده کند.	آیت الله مکارم
موارد سجده سهو (د: ص۱۹۱،پ۱؛ ت: م ۱۲۳۶)	
۱- کلام بی جا (سهوی): الف) باید سجده سهو به جا آورد. ب) بنابراحتیاط واجب.	الف) آیات عظام: امام خمینی، اراکی، زنجانی، خامنه‌ای، بهجت، تبریزی، خویی، صافی، فاضل، گلپایگانی، نوری ب) آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم
۲- یک سجده فراموش شده: الف) باید سجده سهو به جا آورد. ب) بنابراحتیاط واجب. ج) بجا آوردن سجدهٔ سهو، احتیاط مستحب است.	الف) آیات عظام: اراکی، بهجت، خامنه‌ای، امام خمینی، صافی، فاضل، گلپایگانی، نوری، زنجانی ب) آیات عظام: تبریزی، خویی، مکارم ج) آیت الله سیستانی
۳- شک بین ۴ و ۵: باید سجده کند.	آیات عظام: اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، امام‌خمینی، خویی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۴- سلام بی جا: الف) باید به جا آورد. ب) بنابراحتیاط واجب:	الف) آیـات عظـام: اراکی، بهجـت، تبریزی، خویی، سیستانی، زنجانی، فاضل، صافی، گلپایگانی ب) آیات عظام: خامنه‌ای، امام خمینی، مکارم، نوری
۵- تشهد فراموش شده: الف) باید به جا آورد. ب) بنابراحتیاط واجب.	الف) آیـات عظام: اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، زنجانی، صافی، فاضل، گلپایگانی ب) آیات عظام: امام خمینی، نوری، مکارم
۶- قیام بی جا: الف) باید سجده کند. ب) بنابراحتیاط واجب.	الف) آیت الله اراکی ب) آیـات عظـام: بهجت، تبریزی، خویی، صـــافی، گلپایگانی، نوری، مکارم

نماز؛ مبطلات

الف) گفتن عمدی کلمه‌ای یک حرفی در نماز با قصد فهماندن مطلبی(چه معنا دار باشد چه نباشد) ب) گفتن عمدی کلمه‌ای دو حرفی در نماز با قصد فهماندن مطلبی(چه معنا دار و چه بی معنی) ج) گفتن کلمه‌ای یک حرفی با معنا بدون قصد معنای آن کردن (د: ص۱۷۵، پ۳ ت: ششم از مبطلات نماز، م ۱۱۳۲ ت: ص۶۱۸ و ۶۱۹)	
الف) بطلان نماز. ب) بطلان نماز. ج) اعاده نماز بنابر احتیاط واجب.	الف) آیـات عظـام: تبریزی، امـام خمینی، نوری، سـیسـتانی، فاضل، مکارم (هر چند قصد فهماندن مطلبی نداشـته باشـند: آیت الله تبریزی، آیت الله خویی) ب) آیـات عظـام: اراکی، زنجـانی، امـام خمینی، بهجت، تبریزی، صـــافی، گلپایگانی، (بنابر احتیاط نماز باطل است: آیت الله مکارم) ج) آیـات عظام: اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، امـام خمینی، خویی، زنجـانی، فاضـــل، صـــافی، گلپایگانی، مکارم، نوری (نماز باطل نیســـت: آیت الله سیستانی)

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

اگر عمداً دو حرف تولید شود نماز باطل و اگر یک حرف تولید شود، بنابراحتیاط واجب، نماز باطل است.	آیت الله زنجانی
ج) بیان کلمه‌ای یک حرفی با معنا بدون قصد معنای آن: نماز باطل نمی‌شود، ولی دو حرفی یا بیشتر بدون معنا و بدون استعمال در معنایش بنابراحتیاط نماز باطل می‌شود.	آیت الله فاضل
جواب سلام در نماز الف) تطابق با سلام ب) تقدیم سلام بر ادامه‌اش (د: ص۱۷۵، پ۵ ت: م ۱۱۳۷)	
جواب مطابق با سلام باشد و کلمه «سلام» مقدّم باشد.	آیات عظام: امام خمینی، زنجانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، نوری
همان طور که سلام کرده جواب دهد و اگر «علیک» را در سلام مقدّم داشت می‌تواند سلام را مقدّم یا مؤخر بدارد.	آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم (بنابراحتیاط واجب: آیت الله خویی، آیت الله تبریزی)
اگر کلمه «علیک» را مقدّم داشت با صیغه‌های سلامی که در قرآن وارد شده مانند سلام علیک یا سلام علیکم به قصد اینکه از قرآن است جواب بگوید.	آیت الله زنجانی
آیت الله بهجت: باید مثل سلام او جواب بدهد.	آیت الله زنجانی: احتیاط واجب با صیغه‌های سلام در قرآن جواب دهد
گریه عمدی بی‌صدا در نماز برای کار دنیا (د: ص۱۷۶،پ۳ ت: ص۶۲۷، هشتم از مبطلات نماز)	
بنابر احتیاط واجب، بی‌صدا هم گریه نکند.	آیات عظام: اراکی، تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری
اشکال ندارد.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، خامنه‌ای، زنجانی

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

شکستن نماز برای تطهیر مسجد در وسعت وقت (د: ص۱۷۷، پ۵ ت: م ۱۱۶۲)	
اگر بعد از نماز تطهیر مسجد ممکن باشد شکستن نماز جایز نیست.	آیات عظام: اراکی، خویی، صافی، گلپایگانی، مکارم
باید نماز را رها کند و مسجد را تطهیر کند و بعد نماز را بخواند.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، زنجانی، فاضل، نوری
اگر بعد از نماز هم تطهیر مسجد ممکن باشد شکستن نماز جایز است.	آیت الله تبریزی، آیت الله سیستانی
نظر آیت الله بهجت یافت نشد.	

نماز مسافر

مقدار مسافت در رفت و برگشت (د:ص۱۹۴، پ۲ ت: م ۱۲۷۲)	
رفت و برگشت هیچ کدام کمتر از ۴ فرسخ نباشد.	آیات عظام: اراکی، خویی، صافی، نوری، گلپایگانی
لزومی ندارد رفت ۴ فرسخ باشد بلکه رفت و برگشت مجموع ۸ فرسخ باشد.	آیات عظام: بهجت، سیستانی، مکارم، زنجانی
تنها رفتن کمتر از ۴ فرسخ نباشد و مجموع سفر حداقل هشت فرسخ باشد شکسته است.	امام خمینی، آیت الله خامنه‌ای
اگر رفتن یا برگشتن کمتر از ۴ فرسخ باشد بنابراحتیاط نماز جمع (هم شکسته هم تمام)	آیت الله صافی، آیت الله اراکی
حدّ ترخص (د: ص۱۹۵، پ۳ ت: م ۱۲۸۳)	
دیوار شهر دیده نشود و صدای اذان نیز شنیده نشود.	آیات عظام: امام‌خمینی، اراکی، بهجت، خامنه‌ای،صافی، فاضل، گلپایگانی، نوری
اهل آنجا او را نبینند و اذان آن جا را نشنود.	آیات عظام: تبریزی، خویی، زنجانی، مکارم
اهل آنجا او را نبینند و نشانه‌اش این است که او اهل آنجا را نبیند.	آیت الله سیستانی
حد ترخص برای وطن است ولی اگر از غیر وطن به مسافرت می‌رود همین که از محل اقامت خارج شود نمازش شکسته است.	آیات عظام: تبریزی، خویی، سیستانی

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

حکم نماز پس از حدّ ترخص و پیش از رسیدن به محل قصد اقامت (د: ص۱۹۷، پ۱ ت: م ۱۳۱۹)	
بنابر احتیاط واجب باید نماز را تمام و شکسته بخواند.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، بهجت، فاضل، نوری
باید نماز را تمام بخواند.	آیات عظام: گلپایگانی، صافی، اراکی، زنجانی
باید شکسته بخواند.	آیات عظام: خویی، تبریزی، سیستانی
وظیفه کثیرالسفر (د: ص۱۹۹،پ۵ ت: م ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷)	
کسی که شغلش مسافرت است یا مقدّمه شغلش مسافرت است در سفرهای شغلی باید نماز را تمام بخواند.	آیات عظام: اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، زنجانی، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری
عرفاً او را کثیر السفر بگویند هر چند برای کارش نباشد نیز باید نماز را تمام بخواند.	آیات عظام: بهجت، سیستانی، زنجانی، فاضل
تنها در صورتی که شغلش مسافرت باشد نمازش در سفر شغلی تمام است.	امام خمینی
اگر به مدت یک ماه در کمتر از ده روز یک سفر داشته باشد اعم از شغلی یا غیر شغلی، نماز تمام است.	آیت الله فاضل
قصد توطن (د: ص۲۰۰،پ۵ ت: م ۱۳۳۱)	
قصد ماندن همیشگی شرط نیست، اگر ماندن خود را محدود به زمان نکند. کفایت می‌کند	آیات عظام: تبریزی، خویی، صافی، نوری، گلپایگانی
قصد ماندن همیشگی شرط است.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، فاضل
قصد ماندن همیشگی شرط نیست بلکه اگر طوری باشد که عرف او را در آنجا مسافر نگویند.	آیات عظام: بهجت، سیستانی، زنجانی، مکارم
اگر برای سکونت به جایی رفته باشد و بنا دارد هفت، هشت سال بماند حکم وطن دارد. ولی اگر برای کار یا امر دیگری غیر از زندگی بخواهد در آنجا مدتی بماند حکم وطن ندارد.	آیت الله خامنه‌ای

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

اختیار بیش از دو وطن (د: ص۲۰۱، پ۱ ت: م ۱۳۳۲)	
اشکال ندارد.	آیات عظام: اراکی، تبریزی، بهجت، خویی، سیستانی، صافی، مکارم، نوری، گلپایگانی
اشکال دارد.	آیات عظام: خامنه‌ای، امام خمینی، زنجانی، فاضل
بیرون رفتن از محل قصد اقامه در بین ده روز (کمتر از مسافت شرعی) (د: ص۲۰۴، پ۲ ت: م ۱۳۳۸)	
۱. با قصد قبلی: الف) حداکثر دو ساعت. ب) اگر همان روز را برگردد و شب را در محل اقامت می‌ماند باید نماز را تمام بخواند. ج) حداکثر نصف روز. د) اگر به اندازه‌ای دور نیست که جزء مسافرت محسوب شود قصد صحیح است. هـ) قسمت عمده روز را در محل اقامت باشد نماز تمام است.	الف) آیات عظام: امام خمینی، تبریزی، خویی، نوری ب) آیت الله اراکی، آیت الله فاضل (اگر خوابگاهش در این محل باشد کافی است و لازم نیست تصمیم داشته باشد در روز یا اوائل شب برگردد: آیت الله زنجانی) ج) آیت الله خامنه‌ای، آیت الله سیستانی د) آیت الله مکارم هـ) آیت الله بهجت
۲. بدون قصد قبلی: اگر پس از خواندن حداقل یک نماز چهار رکعتی با قصد اقامه ده روز، بعد از آن اگر تصمیم بگیرد به اطراف (کمتر از مسافت شرعی) برود و برگردد، هرچند طولانی باشد.	به نظر همه مراجع ضرری ندارد و باید در تمام آن مدت نماز را تمام بخواند.
وظیفه مسافری که نمازش را تمام خوانده (د: ص۲۰۵، پ ۲و۳ ت:م ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲)	
۱. به علت ندانستن حکم مسافر نمازش را شکسته خوانده.	نمازش صحیح است همه مراجع.
۲. دانستن حکم سفر و ندانستن برخی از جزئیات آن. الف) نمازش باطل است. ب) در وقت متوجه شود اعاده کند و اگر بعد از وقت متوجه شود قضا لازم نیست. ج) بنابراحتیاط واجب اعاده نماز.	الف) آیات عظام: اراکی، امام خمینی، زنجانی، فاضل، نوری ب) آیات عظام: تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی ج) آیت الله بهجت، آیت الله مکارم (اگر در وقت متوجه شد بنابراحتیاط باید نماز را اعاده کند و پس از وقت متوجه شد قضا ندارد: آیت الله سیستانی)

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

۳. فراموش کند مسافر است.	اگر در وقت متوجه شود باید شکسته بجا آورد اما اگر بعد از وقت متوجه شـد قضا واجب نیست. به فتوای همهٔ مراجع بجز آیت الله فاضل: اگر به علیت نسیان حکم بوده احتیاط واجب قضا کند.
نماز در مسجدالحرام مسجدالنبی ومسجد کوفه برای مسافر (د: ص۲۰۶، پ۱ ت: م ۱۳۵۶مناسک حج محشی، م۱۳۱۶)	
۱. تخییر در تمام قسمتهای مساجد و حتّی قسمتهای توسعه یافته.	آیـات عظـام: اراکی، بهجـت، تبریزی، خـامنـه‌ای، امام‌خمینی، خویی، سیستانی، زنجانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم (ولی در قسـمت‌های توسـعه یافته مسـجد کوفه بنابراحتیاط شـکسـته بخواند. آیت الله نوری)
۲. تخییر در مکان قدیم مسـاجد و در قسـمتهای توسـعه یافته بنابر احتیاط شکسته بخواند.	آیات عظام: اراکی، بهجت، گلپایگانی، صافی
۳. در تمام شهر قدیم مکّه و مدینه.	آیت الله تبریزی، آیت الله خویی
۴. در تمام شهر جدید مکه و مدینه.	آیات عظام: خامنه‌ای، سـیسـتانی، صـافی، فاضـل، گلپایگانی، مکارم، نوری
۵. در هیچ جا تخییر نیست.	آیت الله زنجانی
نماز در حرم امام حسین(ع) برای مسافر (د: ص۲۰۶، پ۱ ت: م ۱۳۵۶)	
۱. تنها در حائر حسـینی مخیّر اسـت و در فاصـله دورتر بنابر احتیاط واجب شکسته بخواند.	آیات عظام: صافی، گلپایگانی، نوری
۲. در تمام حرم مخیّر است.	آیات عظام: بهجت، اراکی، خویی، تبریزی، مکارم
۳. ۱۱/۵متر اطراف قبر مقدس مخیّر است.	آیت الله سیستانی
۴. زیر گنبد و در رواق و مسـجد متصـل به حرم مخیّر است.	آیات عظام: امام خمینی، فاضل، خامنه‌ای
۵. مسافر در همه جا باید نماز شکسته بخواند.	آیت الله زنجانی

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

نماز قضا

وقت نماز قضا (د:۲۰۷،پ۲ ت: م ۱۳۷۲)	
نبـاید در خواندن کوتاهی شـــود، ولی وجوب فوری ندارد.	آیـات عظـام: امـام خمینی، اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سـیستانی، زنجانی، صافی، فاضل، نوری، گلپایگانی، مکارم
اگر یک یا دو نماز قبلی قضا شده بنابر احتیاط واجب پیش از نماز همان روز، آن را قضا کند.	آیت الله مکارم
ترتیب نماز قضا (د: ص۲۰۸، پ۱ ت: م ۱۳۷۵)	
لازم نیست به ترتیب بخواند.	آیـات عظام: تبریزی، خامنه‌ای، امام خمینی، خویی، سیستانی، زنجانی، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری
باید به ترتیب خوانده شود.	آیت الله اراکی، آیت الله بهجت
احتیاط واجب در رعایت ترتیب است.	آیت الله فاضل
نماز و روزه قضای پدر بر فرض نافرمانی (د: ص۲۰۹، پ۲ ت: ص۱۳۹۰)	
بنابراحتیاط، بر پسر بزرگتر واجب است .	آیـات عظـام: خویی، صـــافی، فاضـــل، گلپایگانی، خامنه‌ای، بهجت
واجب است.	آیـات عظـام: امام خمینی، اراکی، زنجانی (تا مقداری که حرجی نباشد بنابر احتیاط واجب است: آیت الله تبریزی)
واجب نیست.	آیات عظام: سیستانی، نوری، مکارم
وجوب نماز و روزۀ قضای مادر بر پسر بزرگ (د: ص۲۰۹، پ۲ ت: م ۱۳۹۰)	
واجب است.	آیات عظام: اراکی، فاضل، مکارم، نوری
بنابراحتیاط، واجب است.	آیات عظام: خامنه‌ای، گلپایگانی، صافی
واجب نیست.	آیات عظام: تبریزی، امام خمینی، خویی، سیستانی، زنجانی
اگر از روی نافرمانی هم بوده بنابر احتیاط واجب است.	آیت الله نوری

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

مراعات ترتیب در نماز قضای میّت بر فرض که بدانند به ترتیب قضا شده(د: ص۲۱۱، پ۵ ت: م ۱۵۴۳)	
ترتیب لازم نیست.	آیات عظام: امام خمینی، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، زنجانی، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری
باید به ترتیب خوانده شود.	آیت الله اراکی، آیت الله فاضل
اگر ترتیب را می‌دانند باید به ترتیب قضا شود والا اگر رعایت ترتیب مستلزم تکرار عمل باشد لازم نیست.	آیت الله بهجت
بر فرض که علم به ترتیب قضا نداشته باشند، مراعات ترتیب لازم نیست.	به فتوای همه مراجع تقلید

نماز جماعت

نماز جماعت با تأخیر افضل است یا فُرادی اول وقت (د: ص۲۱۴، پ۱ ت: م ۱۴۰۲)	
نماز جماعت هرچند اول وقت نباشد افضل است.	آیات عظام: امام خمینی و سایر مراجع
به شرط آنکه نماز جماعت، بعد از وقتِ فضیلت نباشد.	آیات عظام: خویی، سیستانی، زنجانی
اعاده نماز در دو جماعت (د: ص۲۱۴، پ۲ ت:م۱۴۰۳و۱۴۰۴)	
الف) اگر جماعت دوّم و اشخاص آن غیر از اوّل باشند اشکال ندارد. ب) اگر فردا خوانده می‌تواند به امام جماعت اقتدا کند و دوباره بخواند یا برای دو گروه جدا امام جماعت باشد، و در غیر این صورت وجهی ندارد.	الف) آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، فاضل، گلپایگانی، صافی، سیستانی، زنجانی، نوری، مکارم ب) آیت الله خامنه‌ای
در هر دو نماز نمی‌تواند امام جماعت باشد.	آیت الله اراکی
اگر احتمال فساد آن نماز را ندهد اشکال دارد مگر این که اماماً اعاده نماید و در بین مأمومین کسی باشد که نماز واجب را نخوانده باشد.	آیت الله خویی، آیت الله تبریزی

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

جواز جماعت محل تأمل اسـت ولی در صـورتی که جماعت دوم دارای مزایایی باشـد که در شرع رجحـان دارد و بخواهـد به امید مطلوب بودن دو مرتبه به جماعت بخواند، بنابر اظهر جایز است.	آیت الله بهجت
حکم نماز کسانی که پشت دیوار ایستاده‌اند و صف جلوی خود را نمی بینند (د: ص۲۱۶، پ۱ ت:م۱۴۱۴و۱۴۱۳)	
اگر اتصال دارند نمازشان صحیح است.	آیات عظام: اراکی، تبریزی، خویی، سیستانی، گلپایگانی، نوری، مکارم
صحیح نیست.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، خامنه‌ای
بنابر احتیاط واجب صحیح نیست.	آیات عظام: زنجانی، صافی، فاضل
امامت زن برای زنان در نماز (د: ص۲۱۶ ت: م۱۴۵۳)	
بنابر احتیاط واجب صحیح نیست.	آیات عظام: امام خمینی، فاضل، گلپایگانی
صحیح است.	آیات عظام: خامنه‌ای، صافی، مکارم، نوری، بهجت، سیستانی
امامت کودک ممیّز در نماز (د: ص۲۱۶ ت: م۱۴۵۳)	
جایز نیست.	آیات عظام: امام خمینی، زنجانی، سـیسـتانی، خامنه‌ای (بنابر احتیاط واجب: آیت الله زنجانی، آیت الله مکارم)
مانعی ندارد.	آیات عظام: اراکی، صافی، فاضل، گلپایگانی
مانعی ندارد، هر چند آثار جماعت بر آن مترتب نیست.	آیات عظام: خویی، تبریزی، نوری
اقتدا به کسی که به واسطه عذری با لباس نجس نماز می‌خواند (د: ص۲۱۷،پ۵ ت: م ۱۴۵۷)	
بنابر احتیاط واجب نباید به او اقتدا کرد.	آیـات عظـام: امام خمینی، خامنه‌ای، بهجت، گلپایگانی، صافی، فاضل، مکارم، اراکی
اشکال ندارد.	آیات عظام: خویی، سیستانی، تبریزی، زنجانی، نوری
اقتدا به امامی که بخشی از نماز را مأموم بوده (د: ۲۱۷، پ۷)	
اشکال ندارد.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، سیستانی

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

اشکال دارد.	آیت الله اراکی، آیت الله گلپایگانی
نظر سایر مراجع باید پرسیده شود.	
نماز طواف به جماعت (د: ۲۲۰، پ۳ مناسک حج محشی، م ۷۸۹و۸۰۰)	
کسی که نمی‌تواند نماز را به طور صحیح بخواند باید هر طور می‌تواند بخواند و به جماعت نیز بخواند.	آیات عظام: گلپایگانی، صافی، خویی، تبریزی، فاضل، اراکی، نوری
مشروعیت نماز طواف به جماعت ثابت نیست.	آیت الله مکارم، آیت الله خامنه‌ای
کسی که می‌تواند، باید به جماعت بخواند و گرنه هر طور می‌تواند خودش نیز بخواند.	آیت الله بهجت
برخی از مراجع به جماعت خواندن نماز طواف را صحیح می‌دانند ولی لازم نمی‌دانند و اکتفا به آن را نیز جایز نمی‌دانند.	آیات عظام: امام خمینی، زنجانی، سیستانی
سلام دادن نماز پیش از امام جماعت (عمداً) (د: ص۲۲۴،پ۲ ت: م ۱۴۶۸)	
نماز صحیح است.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، بهجت، تبریزی، زنجانی، سیستانی، صافی، خامنه‌ای، گلپایگانی، مکارم، نوری
اشکال دارد و بنابر احتیاط واجب نماز را اعاده کند. مگر آنکه پیش از سلام دادن نیّت فُرادی کند.	آیت الله فاضل
اگر از اول نماز قصدش این بوده نماز اشکال دارد.	آیت الله خویی
حضور کودک ممیّز در صف جماعت (د: ص۲۲۶، پ۳ ت: م۱۴۱۷)	
اگر نماز می‌خواند چنانچه ندانند نماز او باطل است یا شک دارند می‌توانند اقتدا کنند.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، خویی، زنجانی، تبریزی، سیستانی، اراکی، فاضل، نوری
اگر شک داشته باشد که نمازش صحیح است یا نه اشکال دارد.	آیت الله صافی، آیت الله گلپایگانی
یک یا دو نفر هم که نماز نمی‌خوانند اشکال ندارد.	آیت الله مکارم
نظر آیت الله بهجت یافت نشد.	

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

نماز جمعه

کفایت نماز جمعه از ظهر (د: ص۲۲۹، پ۲ احکام نماز جمعه ص:۱۷)	
کفایت می‌کند.	همه مراجع بجز آیت الله صافی
بنابر احتیاط خواندن نماز ظهر نیز لازم است.	آیت الله صافی

نماز آیات

اکتفا به بسم الله پیش از رکوع در نماز آیات (د: ص۲۳۶، پ۲ ت: م ۱۵۰۸)	
می‌تواند اکتفا به بسم الله کند.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، بهجت، زنجانی، خویی، گلپایگانی، صافی، فاضل، نوری، مکارم
بنابراحتیاط واجب اکتفا به «بسم الله» نکند و بخشی از سوره را نیز بخواند.	آیات عظام: سیستانی، خامنه‌ای، تبریزی

نماز میت

نمازخواندن بر میّت در محل غصبی (د: ص۲۳۹، پ۱ ت: م۵۹۸)	
صحیح است.	آیات عظام: اراکی، امام خمینی، بهجت، سیستانی، فاضل، مکارم، نوری
صحیح نیست.	آیات عظام: صافی گلپایگانی (بنابراحتیاط واجب صحیح نیست. آیات عظام: تبریزی، خویی، زنجانی)
نمازخواندن شخص معیّن بر میّت با اجازهٔ ولی میّت (د: ص۲۴۰، پ۲ ت: م ۶۰۵)	
الف) اجازه گرفتن لازم است. ب) بر ولی هم اجازه دادن واجب است	الف) آیات عظام: امام خمینی، زنجانی، فاضل (بنابراحتیاط واجب لازم است: آیت الله بهجت، آیت الله صافی) ب) آیات عظام: زنجانی، اراکی، گلپایگانی، صافی، بهجت (بنابراحتیاط واجب: امام خمینی، خامنه‌ای، فاضل)
لازم نیست.	آیات عظام: خویی، تبریزی، سیستانی، مکارم، نوری

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

روزه

روزه قضای پدر بر پسر بزرگتر (د:ص۲۵۴، پ۴ ت: م۱۳۹۰)	
واجب است حتّی اگر از روی نافرمانی ترک کرده باشد.	آیات عظام: امام خمینی، گلپایگانی، صافی، اراکی، خویی، فاضل، زنجانی
از روی نافرمانی ترک کرده باشد واجب نیست.	آیات عظام: سیستانی، مکارم، نوری، خامنه‌ای
واجب است تا مقداری که حرجی نباشد.	آیت الله تبریزی
نظر آیت الله بهجت یافت نشد.	
تزریق آمپول در حال روزه (د: ص۲۶۰، پ۷ ت: م۱۵۷۶)	
تزریق هیچ نوع آمپول مبطلِ روزه نیست.	آیات عظام: اراکی، تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، گلپایگانی، نوری
فقط آمپول تغذیه‌ای بنابر احتیاط واجب جایز نیست.	آیات عظام: امام خمینی، زنجانی، مکارم
باید از آمپول تغذیه‌ای اجتناب کند.	آیت الله بهجت، آیت الله فاضل
آمپول تغذیه‌ای و تقویتی و آمپولی که در رگ تزریق می‌شود بنابر احتیاط جایز نیست.	آیت الله خامنه‌ای
رساندن غبار غلیظ به حلق (د: ص۲۶۱، پ۱ ت: م۱۶۰۳)	
غبار غیر غلیظ روزه را باطل نمی‌کند.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، تبریزی، فاضل، مکارم (غبار غلیظ بنابراحتیاط واجب مبطل است: آیت الله سیستانی)
غبار غلیظ یا غیر غلیظ روزه را باطل می‌کند.	آیت الله خویی (بنابراحتیاط واجب. آیات عظام: صافی، گلپایگانی، نوری، اراکی)
روزه را باطل نمی‌کند مگر آنکه عرفاً به فرو بردن آن خوردن بگویند بنابر احتیاط واجب.	آیت الله زنجانی
غبار غلیظ اگر در حلق تبدیل به گل شود و فرو رود روزه باطل می‌کند.	آیت الله مکارم

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

فرو بردن تمام سر در آب (د: ص۲۶۲، پ۴ ت: م۱۶۰۸)	
بنابراحتیاط واجب روزه را باطل می‌کند.	آیات عظام: امام خمینی، تبریزی، خامنه‌ای، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری، اراکی
روزه را باطل می‌کند.	آیت الله خویی، آیت الله بهجت
روزه را باطل نمی‌کند.	آیت الله سیستانی، (ولی معصیت کرده است: آیت الله زنجانی)
روزه و فراموش کردن غسل یا تیمّم (د: ص۲۶۴، پ۱ ت: م۱۶۲۲)	
اگر بعد از یک یا چند روز یادش بیاید باید آن روزه‌ها را قضا نماید.	آیات عظام: امام خمینی و سایر مراجع
اگر در ماه رمضان یادش بیاید قضا واجب نیست.	آیت الله زنجانی
نظر آیت الله بهجت یافت نشد.	
روزه زن مستحاضه (د: ص۲۶۴، پ۵ ت: م۱۶۴۳)	
مشروط به انجام غسل‌هایی است که بر او واجب می‌باشد.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، نوری، بهجت، فاضل، مکارم، گلپایگانی، اراکی، صافی
مستحاضه متوسطه اگر غسل نکند روزه‌اش صحیح است.	آیت الله تبریزی، آیت الله خویی
مستحاضه خواه متوسطه خواه کثیره اگر غسل نکند روزه‌اش صحیح است.	آیت الله زنجانی، آیت الله سیستانی
قی کردن عمدی روزه‌دار (د: ص۲۶۸، پ۱ ت: م۱۶۸۵و۱۶۸۸)	
قضا واجب است ولی کفاره ندارد.	آیات عظام: امام خمینی، سیستانی، فاضل، مکارم، گلپایگانی، صافی، بهجت، خامنه‌ای
قضا و کفاره واجب است.	آیات عظام: تبریزی، زنجانی، نوری، خویی
قضا واجب و کفاره احتیاط واجب.	آیت الله اراکی
وظیفه کسی که چند ماه روزهٔ قضا دارد (د: ص۲۷۱، پ۲ ت: م۱۶۹۸)	
مستحب است اول قضای ماه رمضان آخر را بگیرد.	آیات عظام: تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، گلپایگانی، نوری
به احتیاط واجب، اول قضای ماه رمضان آخر را بگیرد.	آیات عظام: اراکی، فاضل، مکارم
باید اول قضای ماه رمضان آخر را بگیرد.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای (بنابراحتیاط واجب: آیت الله بهجت)
اگر قضای قبل را بگیرد معصیت کرده ولی روزه صحیح است.	آیت الله زنجانی

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

کفّاره باطل کردن روزه با کار حرام (د: ص۲۷۲، پ۱ ت: م۱۶۶۵)	
بنابر احتیاط کفاره جمع واجب می‌شود و اگر ممکن نباشد و هر کدام که ممکن بود.	آیات عظام: امام خمینی، تبریزی خویی، فاضل، مکارم، نوری، بهجت
کفاره جمع بر او واجب است و اگر ممکن نباشد هر کدام که ممکن است.	آیات عظام: اراکی، صافی، گلپایگانی، (اگر جماع حرام و خوردن یا آشامیدن حرام باشد: آیت الله زنجانی)
بنابر احتیاط مستحب کفارهٔ جمع دارد.	آیت الله خامنه‌ای، آیت الله سیستانی
وجوب روزه قضای مادر بر پسر بزرگتر (د: ص۲۷۲، پ۶ ت: م ۱۷۱۲و ۱۳۹۰)	
بنابراحتیاط، واجب است.	آیات عظام: صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، بهجت، خامنه‌ای
واجب نیست.	آیات عظام: خویی، تبریزی، امام خمینی، سیستانی، زنجانی
واجب است.	آیت الله اراکی، آیت الله نوری

راه‌های ثابت شدن اول ماه

ثبوت اول ماه به حکم حاکم شرع (د: ص۲۷۴، پ۱ ت: م۱۷۳۰ و ۱۷۳۱)	
اول ماه به حکم حاکم شرع نیز ثابت می‌شود.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، تبریزی، خامنه‌ای، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری، بهجت
ثابت نمی‌شود.	آیت الله خویی، آیت الله سیستانی (محل اشکال است: آیت الله زنجانی)
به فتوای حضرات آیات: سیستانی، زنجانی، اگر حکم حاکم شرع موجب اطمینان شود کافی است.	
دیر غروب کردن ماه (د: ص۲۷۴، پ۳ ت: م۱۷۳۳)	
دلیل بر اینکه شب پیش، شب اول ماه بوده نیست.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، خامنه‌ای، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری، سیستانی
ثابت نمی‌شود، اما اگر ماه، طوق داشته باشد، معلوم می‌شود که شب دوم ماه است.	آیات عظام: خویی، زنجانی، تبریزی
ولی اگر یقین داشته باشیم که در شب قبل، چنانچه هوا صاف هم می‌بود امکان رؤیت ماه نبود طوق داشتن ماه در شب بعد کفایت نمی‌کند.	آیت الله زنجانی

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

حکم ثبوت اول ماه در چند شهر یا کشور با هم (د: ص۲۷۴، پ۴ ت: م۱۷۳۵)	
باید شهرها به هم نزدیک یا هم افق باشند.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، خامنه‌ای، سیستانی، مکارم (یا شهری که ماه در آن رؤیت شده در شرق آن باشد: آیت الله اراکی، آیت الله زنجانی)، (یا شهری که ماه زودتر از شهر خودش غروب کند: آیت الله گلپایگانی)
اگر در شب بودن آن اشتراک داشته باشند ثابت می‌شود.	آیات عظام: تبریزی، خویی، فاضل، نوری
بعید نیست کفایت رؤیت هلال ماه در هر محل برای سایر نقاط.	آیت الله صافی
در صورتی برای ساکنین شهر دیگر مفید است که یقین یا اطمینان کند اگر در آسمان یا زمین مانعی نبود در آنجا هم ماه دیده می‌شود چه در شرق یا غرب ولی اگر این یقین نباشد نمی‌توان به دیدن ماه در شهر دیگر اکتفا کند.	آیت الله بهجت

اعتکاف

اعتکاف در مسجد جامع و غیر آن (د: ص۲۷۸، پ۳ احکام اعتکاف ص۲۹)	
در مسجد جامع نیز صحیح است و در غیر مسجد جامع جایز نیست.	آیات عظام: بهجت، تبریزی، خویی، اراکی، صافی، گلپایگانی، مکارم، فاضل، نوری
در مسجد جامع بنابراحتیاط واجب به قصد رجاءاً اشکال ندارد و در غیر مسجد جامع جایز نیست.	امام خمینی
در غیر مسجد جامع نیز رجاءاً اشکال ندارد.	آیت الله خامنه‌ای
در مسجد جامع در صورتی که امام جماعت آن عادل باشد جایز است و الا بنابراحتیاط واجب اعتکاف نکند.	آیت الله سیستانی

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

زکات غلات

کسر مخارج و حدّ نصاب (د: ص۳۳۵، پ۲ ت: م ۱۸۸۰)	
چنانچه پیش از کم کردن مخارج به حدّ نصاب برسد باید زکات آن را بدهد.	آیات عظام: امام خمینی، تبریزی، خامنه‌ای، مکارم، سیستانی، خویی (بنابراحتیاط: آیت الله زنجانی، آیت الله فاضل)
چنانچه بعد از کم کردن مخارج به حد نصاب برسد باید زکات آن را بدهد.	آیات عظام: اراکی، بهجت، صافی، گلپایگانی، نوری
زکات دام‌ها (د: ص۳۳۵،پ۲ ت: م ۱۸۵۶)	
اگر یازده ماه مالک باشد باید زکات بدهد ولی اول سال بعد را باید بعد از تمام شدن ماه دوازدهم حساب کند.	آیات عظام: اراکی، بهجت، تبریزی، سیستانی، خویی، زنجانی، فاضل، صافی، گلپایگانی (بنابراحتیاط واجب از اوّل ماه دوازدهم: آیت الله مکارم)
بعد از دوازده ماه باید زکات بدهد.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، نوری
شرط بی‌کار بودن حیوان در طول سال (د: ص۳۳۶، پ۱ ت: م ۱۹۰۸)	
شرط است.	امام خمینی و سایر مراجع
شرط نیست و اگر بیکار نباشد بنابراحتیاط واجب زکات دارد.	آیت الله سیستانی
بیابان چر بودن حیوان (د: ص۳۳۶، پ۲ ت: م ۱۹۰۸)	
شرط است.	امام خمینی و سایر مراجع
شرط نیست. و بنابراحتیاط واجب زکات دارد، چه بیابان چر باشد چه نباشد.	آیت الله مکارم
اگر تنها در زمستان علف دستی می‌خورد، زکات واجب است.	آیت الله زنجانی

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

زکات فطره

فطره مهمان (د: ص۳۴۲، پ۷ ت: م۱۹۹۵)	
اگر پیش از غروب شب عید فطر وارد شده و نان خور او حساب شود واجب است.	آیات عظام: امام خمینی، تبریزی، فاضل، زنجانی، خامنه‌ای، مکارم، نوری (و شب را نزد او مانده باشد: آیت الله سیستانی)
اگر پیش از مغرب شب عید فطر با رضایت صاحب‌خانه وارد شود و بگویند امشب نان او را داده هرچند نان‌خور او محسوب نشود.	آیت الله صافی، آیت الله گلپایگانی
پیش از برآمدن هلال ماه شوال واجب است به شرط آن‌که برای خوردن غذا آمده باشد ولو بعداً نتواند بخورد.	آیت الله بهجت (اگر بدون رضایت صاحبخانه آمده واجب نیست: آیت الله خویی)
به نظر آیات عظام: زنجانی؛ فاضل و مکارم، ولی اگر تنها همان شب را میهمان است زکات فطرهٔ وی بر میزبان واجب نیست.	
اگر میزبان فطره را نپردازد (د: ص۳۴۳، پ۳ ت: م ۲۰۰۶)	
بر خودش واجب نیست.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، تبریزی، خویی، خامنه‌ای، زنجانی، اراکی، فاضل، نوری
اگر شخص غنی نان خور فقیر باشد و فقیر فطریه او را ندهد بنابر احتیاط واجب، غنی فطره خود را بدهد.	آیت الله صافی، آیت الله گلپایگانی
بنابر احتیاط واجب اگر می‌تواند خودش بدهد.	آیت الله مکارم، آیت الله سیستانی
دادن زکات به پسر خود برای خرید کتاب علمی ـ دینی (د: ص۳۴۵، پ۳ ت: م ۱۹۵۰)	
اگر به آن کتاب نیاز داشته باشد می‌تواند به او زکات بدهد.	آیات عظام: امام خمینی و سایر مراجع
نمی‌تواند، مگر به مصلحت عامّ باشد و بنابر احتیاط از حاکم شرع اجازه بگیرد.	آیت الله سیستانی
پدر می‌تواند آن را از زکات بخرد و در معرض استفاده پسر قرار دهد.	آیت الله خویی
نظر آیت الله بهجت یافت نشد.	

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

مصرف زکات فطره (د: ص۳۴۵، پ۶ ت: م ۲۰۱۴)	
مصارف هشت‌گانه زکات، ولی احتیاط مستحب است به فقرای شیعه داده شود.	آیات عظام: امام خمینی و سایر مراجع
مصرف هشتگانه زکات ولی احتیاط واجب است به فقرای شیعه دوازده امامی داده شود.	آیات عظام: سیستانی، صافی، گلپایگانی، مکارم

خمس

اثاثیه‌ای که از درآمد بین سال خریده و از آن رفع نیاز شده (د: ص۳۵۰، پ۳ ت: م ۱۷۸۱)	
خمس ندارد.	آیات عظام: تبریزی، خامنه‌ای، خویی، مکارم، سیستانی
خمس دارد.	امام خمینی، آیت الله بهجت (بنابراحتیاط واجب: آیت الله اراکی)
اگر با احتمال اینکه تا یک سال خرج زندگی شود، نگه داشت و خرج نشد خمس دارد.	آیت الله زنجانی
اگر تا آخر سال خمسی بماند، خمس دارد.	آیات عظام: فاضل، گلپایگانی، نوری (بنابراحتیاط: آیت الله صافی)
خمس هبه و امثال آن (د: ص۳۵۱، پ۲ ت: م۱۷۵۳)	
اگر از مخارج سال زیاد بیاید خمس دارد.	آیات عظام: اراکی، خویی، تبریزی، سیستانی، صافی، گلپایگانی
خمس دارد، بنابر احتیاط واجب	آیات عظام: بهجت، فاضل، مکارم (ارزشمند باشد خمس دارد، کم ارزش باشد بنابراحتیاط خمس دارد: آیت الله زنجانی)
خمس ندارد.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، نوری

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

خمس سرمایهٔ کودک نابالغ (د: ص۳۵۰، پ۵ ت: م ۱۷۹۴)	
ولیّ طفل باید خمس آن را بدهد و اگر نداد پس از بلوغ بر خودش واجب است.	آیات عظام: فاضل، سیستانی، زنجانی
بنابر احتیاط واجب پس از بلوغ باید خمس آن را بدهد.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، مکارم، اراکی، بهجت
خمس ندارد و واجب نیست بعد از بلوغ خمس آن را بدهد.	آیت الله تبریزی، آیت الله خویی
ولیّ طفل می‌تواند پیش از بلوغ خمس را بدهد و اگر بعد از سال، خمس را ندهد نمی‌تواند در آن تصرف نماید. و در این صورت بعد از بلوغ خودش باید بپردازد.	آیات عظام: گلپایگانی، صافی، نوری
خمس مهریه و ارث (د: ص۳۵۱، پ۱ ت: م ۱۷۵۳و ۱۷۵۴)	
مهریه و ارث خمس ندارد ولی اگر از کسی که خویشاوندی دوری داشته و نمی‌دانسته و از او ارث برده اگر از مخارج سالش زیاد بیاید بنابراحتیاط واجب خمس دارد .	آیات عظام: اراکی، تبریزی، خویی، فاضل، مکارم، سیستانی، صافی (و اگر مالی غیر از ارثی که بر اساس قواعد معتبر ارث مثل تعصیب به او ارث رسید باید خمس بدهد: آیت الله سیستانی)
ارث و مهریه خمس ندارد.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، نوری، گلپایگانی
ارث و مهریه ازدواج دائم خمس ندارد ولی مهریه ازدواج موقت اگر از مخارج سال اضافه بیاید بنابر احتیاط واجب خمس دارد.	آیت الله زنجانی
مهری را که زن می‌گیرد و ارثی که به انسان از خویشاوندی می‌رسد که نمی‌داند با او خویشاوند است؛ اگر از مخارج سال اضافه بیاید، بنابراحتیاط واجب خمس دارد.	آیت الله بهجت
خمس سرمایه (د: ص۳۵۱، پ۲)	
سرمایه کسب و ابزار کار اگر از درآمد کسب و حقوق تهیه شده خمس دارد مگر آنکه اگر خمس آن را بدهد با بقیه آن نمی‌تواند زندگی کند.	آیات عظام: امام خمینی، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، فاضل، نوری، خویی (خمس دارد: آیت الله صافی)
سرمایه کسب در حدّی که مورد نیاز است و با کمتر از آن زندگی او در حدّ آبرو و شأنش اداره نمی‌شود، خمس ندارد.	آیات عظام: بهجت زنجانی، گلپایگانی، مکارم
اگر سرمایه مورد نیاز زندگی اوست و شغلی که نیاز به سرمایه نداشته باشد ندارد، خمس واجب نیست.	آیت الله اراکی

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

حکم خرید و فروش با پول خمس نداده (د: ص۳۵۵، پ۵ ت: م۱۷۶۰)	
بدون اجازهٔ حاکم شرع معامله $\frac{۱}{۵}$ آن باطل است.	آیات عظام: امام خمینی، مکارم، گلپایگانی، صافی، نوری، زنجانی
معامله صحیح است ولی خمس آن را باید بپردازد و به این جنس خمس تعلق می‌گیرد ولی اجازه حاکم شرع نیاز نیست.	آیات عظام: اراکی، تبریزی، خویی، سیستانی، خامنه‌ای (به شرط اینکه فروشنده مسلمان اثنی عشری باشد: آیت الله سیستانی، آیت الله تبریزی)
به فرض صحت معامله، نماز خواندن در آن نیز صحیح است و حکم پاورقی ۳ و ۴ کتاب آموزش فقه نیز روشن می‌شود.	

حجّ

حلق یا تقصیر برای مردی که سفر اوّل حج اوست (د: ص۲۹۵، پ۲ مناسک حج محشی، م ۱۱۴۳)	
تقصیر جایز است.	آیات عظام: بهجت، خویی، تبریزی، فاضل، مکارم، نوری
بنابر احتیاط واجب باید حلق کند.	آیات عظام: امام خمینی، گلپایگانی، خامنه‌ای، سیستانی، صافی
مردی که حَجةالاسلام خود را انجام می‌دهد واجب است حلق کند هرچند سفر اول او نباشد.	آیت الله زنجانی
بیتوته در منی (د: ص۲۹۵، پ۲ مناسک حجّ محشّی، م ۱۲۲۰)	
واجب است نیمه اوّل یا دوّم را بیتوته کند.	آیات عظام: خامنه‌ای، تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل، مکارم
بیتوته از غروب تا نیمه شب واجب است.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، گلپایگانی، صافی (از غروب شرعی: آیت الله اراکی، آیت الله نوری)

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

خیارات

فوریت حقّ فسخ (د: ص۳۷۹، پ۳ ت: م۲۱۳۲)	
اگر بعد از معامله عیب را فهمید فوری معامله را فسخ نکرد حق برهم زدن معامله را ندارد.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، اراکی، بهجت، سیستانی (بنابراحتیاط حق او ساقط می‌شود ولی مقداری تأخیر برای فکر کردن مانعی ندارد. آیت الله مکارم)
اگر فوری فسخ نکرد حق بهم زدن ندارد، مگر جاهل به مسأله باشد.	آیات عظام صافی، گلپایگانی، نوری (بنابراحتیاط واجب: آیت الله فاضل)
اگر فوری فسخ نکرد حق او از بین نمی‌رود و بعداً حق فسخ دارد.	آیات عظام: تبریزی، خویی، زنجانی
نداشتن حق فسخ وگرفتن تفاوت قیمت (د: ص۳۸۰، پ۲ ت: م۲۱۳۴)	
۱. موقع خرید، عیب مال را بداند و به عیب راضی باشد. ۲. وقت معامله بگوید عیب داشت مهم نیست. ۳. فروشنده‌وقت‌معامله بگوید با عیبی که دارد می‌فروشم.	امام خمینی و سایر مراجع
در دو صورت حق فسخ و گرفتن تفاوت قیمت را ندارد: ۱. موقع خرید عیب مال را بداند. ۲. فروشنده وقت معامله با هر عیبی بفروشد.	آیت الله سیستانی

ضمان

اگر طلبکار طلب خودرا به ضامن ببخشد (د: ص۳۹۵، پ۱ ت: م۲۳۱۵)	
اگر طلبکار طلب خود یا مقداری از آن را به ضامن ببخشد ضامن نمی‌تواند از مقدار بخشیده شده از بدهکار چیزی بگیرد.	امام خمینی و سایر مراجع
ضامن می‌تواند مقدار بخشیده شده را از بدهکار مطالبه نماید.	آیت الله سیستانی

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

وکالت و ولایت

دیوانگی مقطعی وکیل (د: ص۴۰۱، پ۲ ت: ۲۲۶۸)	
اگر وکیل یا موکل گاه گاهی دیوانه یا بیهوش شود بنابر احتیاط واجب به معامله‌ای که انجام می‌دهد ترتیب اثر ندهد.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، اراکی، گلپایگانی، مکارم، بهجت
بطلان وکالت با دیوانگی مقطعی محل اشکال است.	آیات عظام: تبریزی، خویی، زنجانی، فاضل، سیستانی، صافی
ولایت بر سفیه (د: ص۴۰۲، پ۲ ت:م ۲۲۵۴)	
اگر پس از بلوغ سفیه شده حاکم شرع بر او ولایت دارد.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، اراکی، نوری
ولایت بر سفیه با پدر یا جدّ پدری است، هرچند پس از بلوغ سفیه شده باشد.	آیات عظام: زنجانی، مکارم، سیستانی، بهجت
تصرفات باید زیر نظر ولیّ او باشد.	آیت الله فاضل

اشیاء گم شده

برداشتن کفش دیگری به جای کفش گمشده (د: ص۴۰۷، پ۱ ت: م:۲۵۸۱)	
علم به رضایت صاحب کفش، شرط نیست.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، اراکی، زنجانی، گلپایگانی، مکارم، نوری
علم به رضایت صاحب کفش، شرط است	آیات عظام: تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل
اگر قیمت آن کفش از کفش خودش بیشتر باشد باید هر وقت صاحبش را پیدا کرد زیادی قیمت را به او بدهد و اگر پیدا نشد، با اجازهٔ حاکم شرع از طرف صاحبش صدقه بدهد.	

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

مزارعه

اگر زراعت به واسطه پیش آمدی به طور کامل ممکن نشد (د: ص۴۱۱، پ۲ ت: م۲۲۳۲)	
چه اصلا زراعت به دست نیاید چه مقداری به دست آید درهر دو صورت مزارعه باطل است.	آیات عظام: اراکی، تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی، صافی، گلپایگانی
اگر مقدار زراعت به دست آمده همان مقدار مطابق قرارداد باشد از هر دو است، و نسبت به بقیه، مزارعه باطل است و اگر اصلاً زراعت به دست نیامده مزراعه باطل.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، فاضل، مکارم، خامنه‌ای، نوری

مساقات

مورد مساقات (د: ص۴۱۲،پ۴ ت: م۲۲۳۹)	
درخت میوه باشد یا از درختانی که از گل و برگ آنها استفاده شود.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم
در مورد درختان بی‌میوه مثل حنا که از برگ آنها استفاده می‌شود اشکال دارد.	آیات عظام: اراکی، تبریزی، خویی، (بنابر احتیاط مساقات انجام ندهند: زنجانی)

وقف

متولی وقف خاص (د: ۴۲۰، پ۵ ت: م۲۶۸۵)	
در اموری که به مصلحت وقف و به نسل بعد مربوط است حاکم شرع است و در امور مربوط به منفعت طبقه موجود، موقوف علیهم‌اند.	آیات عظام: اراکی، امام خمینی، خامنه‌ای، بهجت، سیستانی، نوری
مطلقاً موقوف علیهم‌اند.	آیات عظام: تبریزی، خویی، زنجانی، صافی، فاضل، گلپایگانی
در اموری که به مصلحت وقف و نسل بعد مربوط است؛ احتیاط آن است که نسل موجود و حاکم شرع با موافقت یکدیگر متولّی را تعیین کنند.	آیت الله مکارم

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

نذر

نذر زن و اجازه شوهر (د: ص۴۳۰، پ۱ ت: م۲۶۴۴)	
اگر با حقّ شـوهر منافات دارد، بدون اجازه صـحیح نیست.	آیات عظام: تبریزی، خویی، صافی، سیستانی، مکارم (بنابراحتیاط واجب: آیت الله فاضل، آیت الله بهجت) (و احتیاط آن اسـت در امور مالی غیر از حج و زکات و احسان به پدر و مادر و صله رحم نیز با اذن شوهر نذر کند: آیت الله صافی)
نذر زن بدون اجازه شوهر باطل است.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، نوری، گلپایگانی
هر چند بنابر مشـهور نذر او صحیح نیست ولی بنابر احتیاط حتی در صورت نهی شوهر به نذر عمل شود.	آیت الله زنجانی، (اگر شـوهر حضـور دارد از او اجازه بگیرد وگرنه اجازه شرط نیست: آیت الله خامنه‌ای).
کفاره تخلّف نذر (د: ص۴۳۱، پ۴ ت: م ۲۶۵۴)	
کفارهٔ تخلّف نذر، همان کفاره افطار عمدی روزه ماه رمضان است.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، گلپایگانی، صـافی، فاضل، زنجانی، نوری، مکارم
کفاره تخلّف نذر کفاره تخلّف قسم است.	آیـات عظـام: خویی، تبریزی، خـامنـه‌ای، بهجـت (بنابراحتیاط: آیت الله سیستانی)

محرمیّت

شیری که سبب محرمیّت می‌شود (د: ص۴۵۳، پ۱ ت: م ۲۴۷۴)	
باید از ولادت کودک باشد.	آیات عظام: اراکی، سیستانی، فاضل، مکارم
سایر مراجع متعرض این شرط نشده‌اند.	
ریختن شیر درگلوی کودک و محرمیّت (د: ص۴۵۳، پ۱ ت: م ۲۴۷۴)	
سبب محرمیّت نمی‌شود.	آیـات عظـام: امام خمینی، اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، زنجانی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی
سبب محرمیّت می‌شود.	آیت الله نوری (احتیاط واجب آن اسـت که با آن زن و محارم او ازدواج نکنند: آیت الله مکارم)
لازم اسـت کسـانی که محرم می‌شـوند با او ازدواج نکنند و نگاه محرمانه هم به او نکنند.	آیت الله نوری

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

نگاه

نگاه به صورت و دست زن نامحرم بدون قصد لذت (د: ص۴۵۷، پ۳ ت: م ۲۴۳۳)	
مانعی ندارد.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، بهجت، نوری، خامنه‌ای، زنجانی، سیستانی، فاضل، مکارم
نباید نگاه کند.	آیت الله گلپایگانی (بنابراحتیاط واجب نباید نگاه کند. آیات عظام: تبریزی، خویی، صافی)
نگاه زن به سر و گردن مرد نامحرم بدون قصد لذت (د: ۴۵۷، پ۳ ت: م ۲۴۳۳)	
به مقداری که بطور متعارف نمی‌پوشانند حرام نیست.	آیات عظام: بهجت، خامنه‌ای، خویی، تبریزی، زنجانی، سیستانی، مکارم
حرام است.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، صافی، فاضل، نوری، گلپایگانی
نگاه مرد به بدن زن برای ازدواج (د: ص۴۵۸، پ۳ کتاب احکام روابط زن و مرد)	
بجز عورت جایز است.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، سیستانی، فاضل
بنابراحتیاط واجب فقط به صورت و دست‌ها نگاه کند.	آیت الله گلپایگانی
مطلقاً جایز نیست.	آیت الله اراکی
فقط می‌تواند به وجه و کفین، موها و گردن و مقدار کمی از اطراف آنها و یا به حجم بدن از روی لباس نگاه کنند.	آیت الله مکارم
مصافحه با نامحرم ازروی لباس (د: ص۴۵۸، پ۵ کتاب احکام روابط زن و مرد)	
با شرایطی جایز است.	آیات عظام: اراکی، امام خمینی، بهجت، سیستانی، فاضل، گلپایگانی، مکارم
نظرات دیگران یافت نشد.	

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

پوشش

پوشاندن دستها و صورت در برابر نامحرم (د: ص۴۵۹، پ۳ ت: م ۲۴۳۵)	
اگر زیور و آرایش نداشته باشد، لازم نیست.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، تبریزی، اراکی، خامنه‌ای، خویی، زنجانی، صافی، فاضل، مکارم، نوری
بنابراحتیاط واجب لازم است.	آیت الله گلپایگانی
اگر بترسد با نپوشاندن وجه و کفین به حرام می‌افتد باید بپوشاند.	آیت الله سیستانی

خوراکی‌ها

خوراندن متنجس به کودک (د: ص۴۸۶، پ۱ ت: م۱۴۱)	
خورانیدن غذای متنجس به اطفال حرام نیست.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل، نوری، بهجت
خورانیدن غذای متنجس به کودکان بنابر احتیاط واجب ترک شود.	آیت الله اراکی، آیت الله مکارم
خورانیدن غذای متنجس به کودکان اگر ضرر دارد حرام است.	آیات عظام: زنجانی، صافی، گلپایگانی
خورانیدن غذا متنجس به کودک حرام است ولی اگر خودش خورد جلوگیری واجب نیست.	آیت الله فاضل

شرایط ذبح حیوان

سربریدن حیوان با استیل (د:ص۴۸۹، پ۱ ت: م۲۵۹۴ مناسک حج محشی، م ۱۰۹۴)	
صحیح نیست.	آیات عظام: امام خمینی، صافی، گلپایگانی (بنابراحتیاط واجب: آیت الله سیستانی)
صحیح است.	آیات عظام: خامنه‌ای، تبریزی، اراکی، بهجت، زنجانی، خویی، فاضل، مکارم، نوری

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

صید

صید ماهی (د: ص۴۹۱،پ۱ ت: م۲۶۱۵)	
اگر داخل تور صیادی در آب بمیرد حلال است.	آیات عظام: تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری.
اگر در داخل تور صیادی در آب بمیرد حرام است.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، اراکی، بهجت

احکام خوراکی‌ها

خوردن ماهی زنده (د: ص۴۹۱، پ۳ ت: م۲۶۱۹)	
اشکال ندارد.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، تبریزی،خویی زنجانی، سیستانی، نوری، اراکی، فاضل
بنابر احتیاط جایز نیست.	آیات عظام: بهجت، صافی، گلپایگانی، مکارم

احکام اموات

مذهب غسل دهندهٔ میّت (د: ص۵۳۹، پ۱ ت: م۵۵۵)	
باید دوازده امامی باشد.	آیات عظام: اراکی، امام خمینی، بهجت، خامنه‌ای، تبریزی، زنجانی، خویی، صافی، فاضل، نوری گلپایگانی، (بنابراحتیاط واجب: آیت الله سیستانی)
باید مسلمان باشد.	آیت الله مکارم
تیمم چهارم بدل از هرسه غسل (د:ص۵۳۹،پ۶ ت: م۵۶۸)	
سه تیمّم واجب است ولی تیمّم چهارم واجب نیست.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، فاضل، مکارم، نوری (بنابر احتیاط واجب است. آیات عظام: اراکی، خویی، صافی، گلپایگانی).
باید میّت را یک تیمّم بدهند و بنابراحتیاط مستحب عوض هرغسل، میّت را یک تیمّم بدهند.	آیت الله زنجانی، آیت الله سیستانی

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

کفایت غسل مسّ میّت از وضو برای نماز و مانند آن (د: ص۵۴۰ پ۴ ت: م ۵۳۲)	
برای نماز و امثال آن باید وضو بگیرد.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، خامنه‌ای، صافی، فاضل، گلپایگانی
وضو لازم ندارد.	آیات عظام: تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی، مکارم، نوری
بنابر احتیاط باید برای نماز و امثال آن وضو بگیرد.	آیت الله بهجت
ترتیب درگذاشتن کافور (د: ص۵۴۱، پ۶ ت: م۵۸۶)	
رعایت ترتیب واجب نیست.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، خامنه‌ای، زنجانی، سیستانی، فاضل، نوری
باید اول پیشانی را بگذارند ولی در سایر جاها ترتیب شرط نیست.	آیت الله اراکی (بنابراحتیاط واجب است، اول پیشانی: آیات عظام: خویی، تبریزی، صافی، گلپایگانی، مکارم)
کسی که درکشتی بمیرد (د: ص ۵۴۵، پ۱ ت: م۶۱۶)	
در صورت عدم امکان رساندن به خشکی، باید چیز سنگینی به پایش ببندند و یا او را در خمره بگذارند و درش را ببندند و به دریا بیاندازند.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، اراکی، خامنه‌ای، سیستانی، فاضل، گلپایگانی، نوری (بنابراحتیاط درصورت امکان درخمره بگذارند. آیات عظام: تبریزی، خویی، زنجانی، صافی)
کسی که درکشتی بمیرد لازم نیست او را در خمره بگذارند، بلکه در هر چیزی که حیوانات آبی نتوانند به او دست یابند، بگذارند.	آیت الله مکارم
نبش قبر میّتی که بدون غسل یا کفن دفن شده (د: ص۵۵۰، پ۱ ت: م۶۴۳)	
جایز است.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، زنجانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری
جایز است اگر بدون غسل یا کفن یا حنوط دفن شده است.	آیت الله بهجت (یا تیمم: آیت الله زنجانی)
بسیاری از مراجع، نبش قبر را در موارد جواز مشروط به عدم هتک میّت می‌دانند.	
و در رسالهٔ آیات عظام؛ خویی، تبریزی، زنجانی، بهجت، صافی، فاضل، سیستانی، این مورد هم اضافه شده که اگر میّت وصیت کرده باشد او را به یکی از مشاهد مشرفه منتقل کنند، نبش جایز است.	

والحمدلله اولاً و آخراً

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

واژه‌نامه

«الف»

اِبن السبیل: مسافری که در سفر درمانده باشد.

اُجْرَةُ المِثل: اجرتِ همانند، مقدار مزدی که برای همین کار به فردی که در همین سطح انجام دهد، باید پرداخت.

اَجیر: کسی که طبق قرار مشخص، در برابر کاری که انجام می‌دهد، اجرت دریافت می‌کند.

اِحراز: به دست آوردن، فراهم آوردن، دریافتن.

اَحْوَط: مطابق با احتیاط.

اِخفات: آهسته خواندن به طوری که جوهر صدا آشکار نشود.

اِذن: اجازه (قبل از عمل).

اَرباح مکاسب: منافع کسب، هر نوع درآمدی که حاصل کار و تلاش انسان است.

ارتفاع قیمت سوقی: بالا رفتن قیمت جنس در بازار.

اِسْتِرباح: رِبْح و سود جستن و فایده بردن.

استفتا: درخواست فتوی، سؤال از نظر مجتهد درباره حکم شرعی مسأله.

استطاعت: توانایی انجام دادن فریضه حج از جهت بدن و مال و راه.

استمنا: انجام دادن کاری به قصد انزال (بیرون آمدن منی).

اِعْراض از وطن: تصمیم انسان بر اینکه برای همیشه وطنش را ترک کند.

اِفْضاء: یکی شدن مجرای بول و حیض یا مجرای حیض و غائط یا هر سه.

اقامهٔ معروف: به پا داشتن کار نیکی که از نظر شرعی به رسمیت شناخته شده است.

امساک: خوداری کردن، خود را بازداشتن از چیزی.

اموال محترمه: اموالی که بر اساس ضوابط اسلامی، دارای احترام است.

امور حِسبیه: کارهایی از قبیل رسیدگی به اموال یتیمان و غیر آن، که شارع مقدس راضی به وانهادن و رها کردن آنها نیست و متصدی آنها ولی فقیه یا نماینده اوست.

اِنزال: خروج منی.

اَوْداجِ اربعه: دو شاهرگ گردن و مری و نای.

ایقاع: هر نوع قراری که با تصمیم یک طرف انجام گیرد و نیاز به قبول دیگری نداشته باشد؛ مانند طلاق که احتیاج به قبول زن ندارد.

اهل خبره: کسانی که در موضوعی اهل اطلاع و تشخیص باشند.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

اهل کتاب: غیر مسلمانانی که خود را تابع یکی از پیامبران صاحب کتاب می‌دانند، مانند یهود و نصارا.

«ب»

بِدعت: چیزی را که جزء دین نیست، جزء آن دانستن.

برائت: رفع تکلیف شرعی در موارد شک با رعایت ضوابط آن.

بَهیمه: حیوان چهارپا.

«ت»

تَجافی: نیم‌خیز نشستن مأموم در حال تشهد خواندن امام را گویند که مأموم به رکعت اول نماز جماعت نرسیده است.

تَحْت الحَنَک: زیر چانه، قسمتی از عمامه که زیر گلو آویخته می‌شود.

تَخَلّی: خالی کردن، بول و غائط کردن.

تَخْمیس: خمس مال را خارج کردن، خمس مال را پرداختن.

تَرَوّی: تفکر در موارد مشکوک رکعات یا افعال نماز برای کشف حقیقت.

تَذکیه: کشتن حیوان با رعایت موازین شرعی.

تَسَتُّر: خود را پوشانیدن.

تَسْمِیه: اسم بردن، جاری کردن نام خدا بر زبان.

تشریح: پاره کردن بدن مردگان برای آگاهی‌های پزشکی و غیر آن.

تعدّی: زیاده‌روی، ستم کردن، تجاوز.

تفریط: کوتاهی کردن، مسامحه.

تلقیح: نطفهٔ مرد را با وسیله‌ای نظیر سرنگ به رحم زن وارد کردن یا نطفهٔ مرد و زن را در آمیختن و به رحم زن منتقل کردن.

تَمَکن: توانایی مالی.

تَنْقیه: اماله کردن، داخل کردن داروی مایع با ابزار مخصوص از طریق مخرج غائط به داخل بدن.

«ث»

ثُلثان: دو سوم، تبخیر شدن دو سومِ آبِ انگور و کشمشِ جوشیده که مقدمه حلّیت آن است.

ثَمَن: بهای کالا.

«ج»

جاعل: کسی که در قرارداد جعاله انجام دادن کاری را درخواست می‌کند.

جاهل قاصر: جاهلی که در جهلش مقصر نیست؛ یعنی در شرایطی است که نمی‌تواند به حکم شرعی دست یابد یا اصلاً خود را جاهل نمی‌داند.

جاهل مقصّر: جاهلی که در جهلش مقصر است؛ یعنی امکان آموختن مسائل را داشته، ولی کوتاهی کرده است.

جلاّل: حیوانی که به خوردن مدفوع انسان عادت کرده است.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

جَهْر: صدای بلند، با صدای بلند چیزی را خواندن به طوری که جوهر صدا آشکار شود.

«ح»

حاکم شرع: مجتهدی که بر اساس موازین شرعی، حکمش نافذ است.

حَدَثِ اصغر: هر امری که موجب وضو برای نماز و مانند آن شود.

حَدَثِ اکبر: هر امری که موجب غسل برای نماز و مانند آن شود؛ مانند احتلام و جماع.

حَدِّ تَرَخُّص: حدّی از مسافت که در آن صدای اذان دیوار محل شروع سفر تشخیص داده نشود.

حَرَج: مشقّت، سختی.

حِصَّه: سهم.

«خ»

خارق‌العاده: خلاف عادت، غیر معمول.

خُبره: کارشناس.

خَبَث: پلیدی، نجاست.

خُسوف: ماه گرفتگی.

خون جهنده‌دار: حیوانی که وقتی رگ آن را ببرند، خون از آن با فشار بیرون می‌آید.

خیار: اختیار برهم زدن معامله.

«د»

دُبُر: عقب، پشت، نشیمن گاه.

دیه: مالی که به جبران خون مسلمان یا نقص بدنی او پرداخت می‌شود.

«ذ»

ذبح شرعی: سر بریدن حیوانات با رعایت ضوابط شرعی.

ذِمّه: به عهدهٔ کسی در آمدن.

ذمّی: غیرِ مسلمانِ اهلِ کتاب ـ مانند یهود و نصارا ـ که در سرزمین مسلمانان زندگی کند و در مقابلِ تعهدی که برای رعایت قوانین اجتماعی اسلام داده، از امنیت و حمایت حکومت اسلامی برخوردار است.

«ر»

رِبْحِ سَنَه: درآمد انسان در طول سال.

رِضاعی: خویشاوندی و نسبتی که با شیر دادن به وجود می‌آید.

رفع ضرورت: بر طرف شدن حالت اضطرار و ناچاری.

ریبه: تردید، شبهه، بدگمانی.

«ز»

زائد بر مَؤُونه: اضافه بر مخارج، بیشتر از هزینهٔ زندگی.

«س»

سال خمسی: یک سال تمام که با نخستین رسیدگی انسان به حساب اموال خود برای تخمیس آن شروع می‌شود و باید هر سال، همان تاریخ را مبدأ رسیدگی مجدّد قرار دهد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

سقط شده: جنینی که نارس یا مرده از رحم خارج شده است.

سُؤر: نیم‌خورده آب یا غذا.

«ش»

شاخص: چوب یا چیز دیگری که برای تعیین وقت ظهر در زمین نصب می‌کنند.

شارع: بنیان‌گذار شریعت اسلام، خداوند و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله.

شرایط ذمّه: شرایطی که اگر اهل کتاب در بلاد مسلمین به آنها عمل کنند، جان و مالشان در پناه حکومت اسلامی محفوظ خواهد بود.

«ص»

صاع: پیمانه‌ای که در حدود سه کیلوگرم گنجایش داشته باشد.

صغیر: کودکی که به سن بلوغ نرسیده است.

«ض»

ضامن: عهده‌دار، برعهده گیرند.

ضرورت: ناچاری، اضطرار، حتمیت.

ضعف مُفرط: ضعف شدید.

«ط»

طهارت: پاکی، حالتی معنوی که در نتیجهٔ وضو، غسل یا تیمم در انسان حاصل می‌شود.

«ظ»

ظنّ: گمان.

ظِهار: صیغهٔ بیزاری اجرا کردن، در اصطلاح فقه یعنی مردی به زن خود بگوید: «ظَهرُکِ کظَهرِ أُمّی» پشت تو مثل پشت مادر من است، کنایه از اینکه چنان که مادر بر من حرام است، تو هم از این پس چنینی.

«ع»

عاجز: ناتوان، درمانده.

عادت ماهیانه: حیض، قاعدگی.

عاصی: عصیان کننده، اطاعت نکردن از احکام الهی.

عامل: ۱. کسی که به قرارداد خاصّی عمل می‌کند. (به بحث جعاله یا مضاربه مراجعه کنید).

۲. کسی که متصدی جمع‌آوری، حسابرسی، تقسیم و سایر امور مربوط به زکات است.

۳. اجیر.

عَرَفات: بیابانی است مسطّح و وسیع در جنوب شرقی بیرون مکه که حاجیان باید روز نهم ذی‌حجه از ظهر تا مغرب در آن جا بمانند.

عَرَقِ جُنُب از حرام: عرقی که پس از آمیزش نامشروع یا استمنا از بدن انسان خارج می‌شود.

عَزْل: در لغت به معنای کنار گذاشتن است، اما اصطلاحاً دو معنا دارد: ۱. انزال کردن در خارج رحم برای جلوگیری از انعقاد نطفه. ۲. برکنار کردن وکیل یا مأمور خود از کار یا نظایر آن؛ مانند

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

برکناری وصی یا متولّی خائن از سوی حاکم شرع.

عُسْر: سختی، تنگدستی.

عقد: پیمان، قرارداد.

عمدا: از روی قصد انجام دادن کاری با علم و آگاهی.

عُنْف: کسی را به زور به کاری واداشتن.

عنّین: مردی که از عمل زناشویی ناتوان است.

عَورَت: آنچه انسان از ظاهر کردنش حیا می‌کند، کنایه از عضو جنسی زن و مرد.

عهد: تعهد انسان در برابر خداوند با لفظ مخصوص برای انجام کار پسندیده یا ترک ناپسند.

«غ»

غرض عقلایی: هدفی که از نظر عقلا قابل قبول و پسندیده باشد.

غُساله: آبی که معمولاً پس از تطهیر چیزی ـ خود به خود یا با فشار ـ از آن می‌ریزد.

غُسل: شستشوی بدن با کیفیت مخصوص.

غِشّ: مخلوط کردن پنهانی جنسِ کم‌بها با گران‌بها به منظور فریب مردم.

غصب: استیلای ظالمانه بر مال یا حق دیگران.

«ف»

فَجْر: سپیدهٔ صبح.

فجر صادق و کاذب: نزدیک اذان صبح از طرف مشرق سفیده‌ای رو به بالا حرکت می‌کند که آن را فجر صادق می‌گویند. وقتی که آن سفیده گسترده شد، فجر کاذب و اول وقت نماز صبح است.

فُرادا: نمازی که انسان، به طور انفرادی و بدون جماعت به جا می‌آورد.

فَرْج: عورت زن (قُبُل و دُبُر).

فَرْض: امر واجب.

فِطْریه: زکات فطره.

فُقّاع: آب جو.

فقیر: کسی که مخارج سال خود و خانواده‌اش را نداشته باشد و چیزی هم ندارد که به طور روزانه بتواند هزینهٔ زندگی را تأمین کند.

فی سبیل‌الله: در راه خدا، هر کار خیری که نفعش به عموم مسلمانان می‌رسد؛ مانند ساختن مسجد، پل، جاده.

«ق»

قُبُل: پیش، کنایه از اندام زنانه است.

قرار ضمنی: آنچه در ضمن قرارداد مورد قبول طرفین قرار گیرد.

قرار صوری: شکل ظاهری قرار داد که قصد جدی بر آن نباشد.

قُروح: دُمَلها.

قرینه: نشانه، علامت.

قصد اقامت: تصمیم مسافر به ماندن ده روز یا بیشتر در یک محل

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

قصد انشاء: تصمیم به ایجاد یک امر اعتباری؛ مانند بیع و شراء و غیره، همراه با ادای کلمات مربوط.

قصد وجه: قصدِ عنوانِ حکمِ خاصِ عمل؛ مانند قصدِ وجوبِ نمازهای یومیه و استحباب نماز شب.

قیم: سرپرست، کسی که بر اساس وصیت یا حکم حاکم شرع، مسؤول امور طفل یتیم و غیرآن می‌شود.

«ک»

کافر حَرْبی: کافری که با مسلمانان در حال جنگ است.

کافر ذِمّی: اهل کتابی که در بلاد اسلامی با شرایط مخصوص اهل ذمه در پناه حکومت اسلامی زندگی می‌کند.

کسوف: خورشید گرفتگی.

کشف خلاف شدن: معلوم شدن خلاف یک چیز.

کفالت: کفیلِ کسی شدن، در جای کسی عهده‌دار امری شدن.

«ل»

لازم الوفاء: آنچه باید به آن عمل کرد.

لغو: بی‌فایده، بی‌معنا، بیهوده.

«م»

مابِهِ التَّفاوُت: مقدار تفاوت بین دو چیز.

ماتَرَک: آنچه از متوفّا باقی مانده؛ مانند پول و خانه و غیرآن.

مالُ الإجاره: مالی که باید مستأجر بابت اجاره بپردازد.

مَؤُونَه: مخارج یا هزینه.

مُتَنَجِّس: هر چیزی که ذاتا پاک است، ولی در اثر برخورد مستقیم یا غیر مستقیم با شیء نجس، آلوده شده است.

مُتَوَلی: سرپرست.

مُتَهَتِّک: فرد بی‌پروا که از رسوایی باک نداشته باشد.

مُثْمَن: کالایی که فروخته می‌شود.

مجهول المالک: مالی که صاحب آن معلوم نیست.

مُجْزی: ساقط کننده تکلیف.

مُحاذی: ردیف، در کنار هم.

محتضر: کسی که در حال جان دادن است.

مُحْتَلِم: کسی که در خواب از او منی خارج شده است.

محذور: مانع.

محرّم: چیزی که حرام است؛ اولین ماه از سال قمری.

مَحْرَم: بستگان نزدیک انسان که ازدواج با آنها حرمت ابدی دارد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

مُحْرِم: کسی که در حال احرام حج یا عمره است.
مَحْجور: کسی که از تصرف در اموالش ممنوع است.
مَحْظور: ممنوع.
مُحیل: بدهکاری که بدهی خود را به دیگری حواله می‌کند.
مُحْتال: طلبکاری که برای دریافت طلبش به دیگری حواله می‌دهند.
محالٌ عَلَیه: کسی که پرداخت بدهی او به او حواله شده تا بدهی را بپردازد.
مخرج بول و غائط: محل طبیعی خروج ادرار و مدفوع.
مُخَمَّس: مالی که خمس آن خارج شده است.
مُدّ: پیمانه‌ای که تقریبا ده سیر ظرفیت دارد.
مُدَّعی: خواهان، کسی که برای خودش حقی قائل است.
مُرْتَدّ: مسلمانی که کافر شده، مسلمانی که منکر خدا و رسول یا حکمی از ضروریات دین شده که انکارش به انکار خدا و رسول برمی‌گردد.
مُرْتَدّ فطری: کسی که از پدر یا مادر مسلمان متولد شده و خودش نیز مسلمان بوده و سپس کافر گردیده است.
مُرْتَدّ ملّی: کسی که از پدر و مادر غیر مسلمان متولد شده، ولی خودش پس از اظهار کفر مسلمان گردیده و مجدداً کافر شده است.
مُسْتَهْلَک: از میان رفته، نابود و نیست شده.
مِسْکین: بیچاره، مفلوک، کسی که از فقیر هم سخت‌تر می‌گذراند و گاهی به معنای فقیر است.
مُسْکِر: هر چیز مست کننده.
مَشْعَرُالحَرام: وادی طویلی است میان «عرفات» و «منا» و به آن «مزدلفه» هم گفته می‌شود و حاجیان شب عید قربان را باید در آنجا بمانند.
مصالحه: سازش و توافق طرفین
مصونیت: آسیب ناپذیری.
مُضْطَرّ: ناچار، ناگزیر.
مَضْمَضَه: چرخانیدن آب در دهان.
مَضیقه: تنگدستی، تنگنایی و گرفتاری.
مظالم: آنچه بر ذِمّهٔ انسان است و صاحب آن معلوم نیست یا دسترسی به آن ممکن نباشد؛ مانند این‌که کسی بدهکار است و صاحب آن را نمی‌شناسد.
مُفْطِر: چیزی که روزه را باطل می‌کند.
مُقارَبَت: نزدیکی کردن، آمیزش جنسی.
مقررات شرعی: آنچه را که خداوند به عنوان تکلیف شرعی معین کرده است.
مُکلَّف: هر انسانی که بالغ و عاقل است.
مُلاعَبَه: بازی کردن، معاشقه کردن.
مُمَیز: بچه‌ای که خوب و بد را تشخیص می‌دهد، ولی به سنّ بلوغ نرسیده.
مِنی: سرزمینی میان دو رشته کوه و حد فاصل بین مزدلفه و مکه است که بخشی از اعمال حج

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

از جمله رمی جمرات و قربانی در این وادی انجام می‌شود.

مُنْعَزِل: خود به خود برکنار شده.

موالات: پشت سرهم، پی در پی انجام دادن.

مُوجِر: اجاره دهنده.

موقوفه: وقف شده.

مُوَکِل: وکیل کننده.

مَوْهُوبه: بخشیده شده.

میقات: مکان‌هایی که برای احرام عمره و حج مشخص شده است؛ مانند مسجد شجره، جُحْفه و... .

«ن»

ناسِیه: زنی که وقت عادت ماهیانه خود را فراموش کرده است.

نَافِلَه: نماز مستحب.

نَوافِل یومیه: نمازهای مستحب روزانه که در هر شبانه‌روز ۳۴ رکعت و در جمعه ۳۸ رکعت است.

نَبْشِ قبر: شکافتن قبر.

نَحْر: کشتن شتر با فرو بردن نیزه یا خنجر یا وسیلهٔ آهنی دیگر در گودی بین گردن و سینه آن.

نِصاب: حد مشخص، حد یا مقدار تعیین شده.

«و»

واجب اصلی (نفسی): واجبی که در وجوب اصالت دارد؛ مانند نماز. این اصطلاح در مقابل واجب تبعی است.

واجب تَبَعی (غیری): واجبی که ذاتاً واجب نیست، ولی به تَبَعِ واجب دیگر واجب می‌گردد؛ مانند غسل جنابت که ذاتاً واجب نیست، ولی به تَبَع وجوب نماز واجب می‌گردد.

واجب تَعَبُّدی: واجبی که در انجام دادن آن قصد قربت لازم است (عبادات). این اصطلاح در مقابل واجب توصلی است.

واجب تَوَصُّلی: واجبی که قصد قربت لازم ندارد؛ مانند اداء دین و جواب سلام.

واجب تعیینی: واجبی که به طور مشخص وجوب به آن تعلق گرفته است؛ مانند روزه و نماز در مقابل واجب تخییری.

واجب تخییری: کاری که وجوب بین آن و دیگری دوران دارد؛ مانند کفارهٔ روزه که مخیر است بین سه کار: ۱. آزاد کردن برده، ۲. شصت روز روزه گرفتن، ۳. طعام دادن به شصت فقیر.

واجب عینی: واجبی که هر فرد مکلف باید آن را انجام دهد و چنانچه دیگران هم انجام دهند، تکلیف از اوساقط نمی‌شود. این اصطلاح در مقابل واجب کفایی است.

واجب کفایی: واجبی که اگر به اندازه کافی کسانی به آن اقدام کنند، از دیگران ساقط می‌شود؛ مانند غسل میت که بر همه واجب است، ولی اگر عده‌ای به آن اقدام کنند، از

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

دیگران ساقط می‌شود. این اصطلاح در مقابل واجب عینی است.

واجب مُعَلَّق: واجبی که زمان وجوب آن «حال» و زمان واجب «آینده» است، یعنی وجوبش فعلی است، ولی واجب را باید در شرایط مشخصی انجام داد؛ مانند وجوب حج پس از تحقق شرایط استطاعت که اگر کسی که مستطیع شود، حج بر او واجب است، ولی باید صبر کند تا ایام مخصوص حج فرا رسد و آن‌گاه آن را به جای آورد. این اصطلاح در مقابل واجب منجّز است.

واجب منجّز: واجبی که زمان وجوب واجب یکی است؛ مانند روزه که در همان وقتی که واجب می‌شود، در همان وقت باید آن را انجام داد.

واجب مطلق: واجبی که در هر شرایطی وجوب دارد؛ مانند نماز. این اصطلاح در مقابل واجب مشروط است.

واجب مشروط: واجبی که تنها در شرایط خاصی واجب می‌شود؛ مانند حج که تنها با شرط استطاعت واجب می‌شود.

واجب موسّع: واجبی است که وقت انجام دادن آن وسیع‌تر از زمانی است که واجب به آن نیاز دارد؛ مانند نماز ظهر و عصر که از ظهر تا غروب وقت دارد. در مقابل آن، واجب مُضَیق است.

واجب مُضَیق: واجبی است که در وقت معینی باید به جا آورده شود؛ مانند روزهٔ ماه رمضان.

ورثه: جمعِ وارث، کسانی که ارث می‌برند.

واقف: وقف کننده.

وَذْی: رطوبتی که گاهی پس از خروج بول مشاهده می‌شود.

ودیعه: امانت.

وَذْی: رطوبتی که گاهی پس از خروج منی مشاهده می‌شود.

وَصْلِ به سکون: حرکت آخر کلمه‌ای را انداختن و بدون توقف آن را به کلمه بعد چسباندن.

وصیّ: کسی که مسؤول انجام دادن وصیتی شده است.

وَطْی: لگدمال کردن، کنایه از آمیزش است.

وَقْفِ به حرکت: در عین ادای حرکت آخرین حرف یک کلمه بین آن و کلمه بعد فاصله انداختن.

وکیل: کسی که به وکالت از طرف دیگری متصدی انجام کاری می‌شود.

ولایت: سرپرستی.

ولیّ: کسی که به دستور شارع مقدس سرپرست دیگری است؛ مانند پدر و پدر بزرگ و حاکم شرع.

«ه»

هبه: بخشش.

هدم: ویرانی.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

احکام فقه، مجموعه قوانین عملی اسلام است که از وحی الهی سرچشمه گرفته و با بیان معصومین علیهم‌السلام تفسیر و تبیین شده و با تلاش مستمر فقهای بزرگوار، از منابع آنها استخراج گردیده است. روشن است که دانش فقه در طول تاریخ حوزه‌های علمیه، یکی از درس‌های زنده و اساسی بوده و هست و عالمانی برای تعلیم و تعلّم آن، کتاب‌های بسیاری در سطوح مختلف نگاشته‌اند.

نوشته حاضر نیز یکی از آنهاست که برای طلاب پذیرفته شده در آزمون‌های ورودی حوزه‌های علمیه نگاشته شد و دربردارنده عموم ابواب فقهی است.

امید است مورد استفاده و بهره‌برداری آن عزیزان قرارگیرد.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه
۰۲۵-۳۲۹۱۰۹۷۰
WWW.TMD.IR